فراموشخانه و فراماسونری در ایران



FARAMUSHKANAH va FRAMASUNARI dar IRAN

فراموشخانه

فراماسونری

در

ایران

نوشته

اسمعیل رائین

جلد سوم

فراموشخانه و فراماسونری در ایران



FARAMUSHKANAH va FRAMASUNARI dar IRAN

نوشتهٔ

اسماعیل رائین

فراموشخانه و فراماسونری در ایران

از انتشارات :
مؤسسهٔ تحقیق رائین

بها ۵۰۰ ریال

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

FARAMUSHKANAH va FRAMASUNARI dar IRAN

MASONIC LODGES and FREEMASONRY in IRAN

by
ESMAIL RAEIN

First published in Italy 1968
Reprinted in Iran 1967-1968
First published in Great Britain 1978

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

چاپ اول ـ ایتالیا دسامبر ۱۹۶۸

نشانی : تهران ـ صندوق پستی ۱۶۱۲ــ۱۱

Faramushkhanah va Framasunari dar Iran
(Masonic Lodges and Freemasonry in Iran)
First published in Great Britain 1978 by Esmail Raein

Printed in Great Britain

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل بیست و پنجم



لژ همایون



استاد محمد خلیل جواهری مؤسس لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قبل‌ازاینکه در بـارهٔ علل و چگونگی تأسیس لژ همایون درتهران سخنی گفته شود ، لازم است ، مردی را معرفی‌کنیم‌که در تاریخ فراماسونری ایران‌نقش مؤثری داشته است . این شخص محمد خلیل جواهری ، اولین فراماسون ایرانی است که بدون ترس و واهمه علناً خود را معرفی کرده است . او در روز یکشنبه ۵آبان۱۳۳۶در روزنامهٔ اطلاعات اعلان درگذشت پسر خود را با علامت‌فراماسنها و کلمهٔ (G) بدین شرح منتشر کرد :[۱]


بمناسبت شهادت یگانه فرزندناکام
بیست‌وهفت‌ساله‌ام خلیل‌جواهری دراثر تصادف
باکامیون‌پپسی کولا درراه خرمشهر برای‌قبول
تسلیت برادران خودروزسه‌شنبه‌هفتم‌آبانماه‌از
ساعت نه‌صبح الی‌ظهر وازساعت چهارالی‌هشت
بعدازظهر درمنزل آماده‌میباشم رهبرماسونهای
قدیمی ایران
آ-۱۶۶۵۱
محمدخلیل‌جواهری

« بمناسبت شهادت یگانه فرزند ناکام بیست و هفت ساله‌ام خلیل جواهری در اثر تصادف با کامیون پپسی‌کولا در راه خرمشهر برای قبول تسلیت بـرادران خود روز سه‌شنبه هفتم آبانماه ازساعت چهار الی هشت بعد از ظهردر منزل آماده میباشم. رهبر ماسونهای قدیمی ایران محمد خلیل جواهری.»

جواهری که در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳٤ در جلسه علنی مجلس شورایملی موردحمله وکلاقرارگرفت وعده‌ای اورا مؤسس لژهمایون‌معرفی‌کردند، نخستین فراماسون ایرانی است‌که بدون‌نگرانی در یك روزنامه مهم‌کشور علناً اسم ورسم فراماسونی خود را ذکر کرده است .

از روزیکه‌نخستین ایرانی در پاریس واردسازمان فراماسونری شدتاکنون همچنان افراد و سازمانهای این فرقه در پردهٔ اختفا باقی مانده‌اند و هیچکس از

۱ ـ روزنامهٔ اطلاعات شمارهٔ ۹٤٤۸ .

افراد واعمال آنها اطلاعی پیدا نکرده است وخود ماسنها نیز تاکنون ازمعرفی خود امتناع داشته و دارند. ولی محمد خلیل جواهری که درجهٔ مافوق ۳۳ را دارد، خود را معرفی کرده و در اطاق پذیرائی خانه‌اش نیز فرمانها و عکسهای خویش را در لباس ماسونی بمعرض تماشا گذارده است.

محمد خلیل جواهری، فرزند خلیل شیرازی است‌که ۱۳۰ سال قبل‌اجداد او از شیراز به سوریه مهاجرت کردند. شغل اصلی فامیل جواهری «حمله‌داری» کاروانهای حجاج از ایران‌به خانهٔ‌کعبه بوده و برای انجام‌این شغل ناصرالدینشاه فرمان مخصوصی‌به این خانواده اعطاکرده است. خانوادهٔ جواهری اصولا دمشق را مرکز کارهای حمله‌داری و تجاری خود قرار داده‌اند و در سوریه به خانوادهٔ «عجمی» معروف هستند. تا پیدا شدن اتومبیل و مسافرت حجاج باوسائل نقلیهٔ موتوری، خانوادهٔ جواهری بـه حمله داری مشغول بودند و آخرین فرد این خانواده «خلیل» پدر محمد جواهری بود که تا چهل سال قبل حجاج را به مکه می‌رسانید. محمد جواهری که با ذکر نام پدرش (محمد خلیل جواهری) نامیده می‌شود، تحصیلات مقدماتی خود را در دمشق و تحصیلات عالی‌را درکالج‌بیروت و دانشگاه اسلامبول به پایان رسانیده و در رشته روزنامه نگاری، فلسفه و تاریخ فارغ‌التحصیل‌شده است. وی پس ازخاتمه تحصیل در شهرسامسون ترکیه‌روزنامهٔ «رنگین» را که به معنی «فضا» است منتشر کرد. او پس از ۱۵ سال اقامت در اسلامبول با داشتن گذرنامه ایرانی به دمشق مراجعت نمود و علاوه بر تجارت، خبرنگاری روزنامه‌های اردن، فلسطین‌ولبنان‌را نیزعهده‌دار بود.

محمد خلیل در سال۱۳۱۹ شمسی (۱۹٤۰ م) برای اولین بار به ایران‌آمد ودوکتاب خود را به نامهای «آلبوم مسافرت رضاشاه به ترکیه» و«یادبود دوستی ایران و ترکیه» به زبان فارسی منتشر ساخت. او این دوکتـاب را در شام چاپ کرده بود و درتهران توزیع کرد.

وی پس از یکسال اقامت در تهران «آژانس شرق» را در خیابان لاله‌زار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تأسیس کرد وشروع به‌ارسال اخبار ایران برای روزنامه‌ها ومجلات‌هفتگی‌سوریه، ترکیه،لبنان‌وسایر ممالک‌خاورمیانه‌نمود ومقالاتی‌هم دراین‌روزنامه‌ها می‌نوشت. در مقابل مقالات واخبار جراید خاورمیانه را نیزدرتهران توزیع مینمود.

در تمام‌مدت‌جنگ جهانی‌دوم(آژانس‌شرق)درتهران‌دایر بود،وطی‌فعالیتهای خود بیوگرافی‌های چرچیل ، رضا شاه کبیر ، روزولت ، ابن سعود و تاریخ جنگ دوم وجزوه‌هائی دربارهٔ کشورهای‌مجاور ایران مانند عراق ، سوریه ولبنان منتشر ساخت و از سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۷ م) تا کنون فعالیت مطبوعاتی را ترک گفته و مشغول بازرگانی و انجام قراردادهای مصالح ساختمانی و ساختمان است وهرگز از اعلام این نکته که فراماسون وحتی مؤسس لژهمایون در ایران بوده امتناعی نداشته وندارد .

چگونه وارد ماسونی شدم وی در باره اینکه چگونه وارد سازمان فراماسونری شد ، چنین می‌گوید:

در سال۱۳۰۱ش (ـ۱۹۲۲ م) وارد سازمان‌فیلمبرداری معلولین جنگی ارتش ترکیه شدم . در آن زمان در ارتش ترکیه یك سازمان فیلمبرداری وجود داشت که درآمد آن مختص معلولین جنك بود . من که در آن اوقات بیکار بودم ، در این سازمان مدت سه ماه تعلیمات‌دیدم و موقع امتحان قرارشد، مستقلاً فیلمی تهیه‌کنم و به اتفاق‌دو نفردستیار به ازمیر بروم واز فرار یونانیهافیلمبرداری کنم . از این‌رو با یك‌کشتی مسافری فرانسوی به نام « لامارتین» از اسلامبول به ازمیررفتم و از مناظر فراریونانیها وآتش‌زدن شهر مدت هشت ساعت فیلم‌برداری کردم و با همان کشتی به بیروت بازگشتم .ولی درطول این‌مسافرت واقعهٔ جالبی روی داد. درچهارمیلی ازمیر به یك قایق پاروئی که در آن بیش ازده نفر نشسته بودند، برخوردیم . سرنشینان قایق با تکان دادن دست و دستمال‌کشتی را به‌کمك طلبیدند ولی ناخدای کشتی بدون توجه به‌حرکت خود ادامه داد . اما من ، از دیدن قیافهٔ مضطرب و وحشت زدهٔ سرنشینان قایق

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ناراحت شدم و با اصرار و التماس از ناخدا درخواست کردم که به کمك آن عده واژگون بخت بشتابد . ولی به علت آنکه قایق نشینان یونانی بودند ، ناخدا بـه اینکار راضی نشد . ناچار با تهدید اینکه به کمك مسافرین او را دستگیر خواهم کرد، وی حاضر بهنجات قایق نشینانگردید وقرار گذاشتیم‌ازسرعت‌کشتی‌کم‌کند تا با کمك کارکنان کشتی آن بیچارگان را نجات دهیم .

نجات افرادخانواده فراری یونانی یکساعت‌طول‌کشید وآنها وقتی به‌عرشه کشتی رسیدند ، مستقیماً به طرف فرمانده رفتند تا دست او را ببوسند ولی ناخدا مرا به آنان نشان داد و گفت این‌جوان‌شمارا نجات داده است، ومن بر اثراصرار او مجبور به کم‌کردن سرعت کشتی و نجات شما شده‌ام .

افراد خانواده یونانی ابتداتصور می‌کردند که من یونانی و یا لااقل‌مسیحی هستم‌ولی‌وقتی‌مطلع‌شدندکه‌مسلمان‌هستم ودرخدمت‌ارتش ترکیه می‌باشم تعجبشان بیشترشد . درحالیکه مشغول صحبت‌بانجات یافتگان‌بودم ، یك‌پروفسورفرانسوی که‌قیافه‌آرام و دوست داشتنی داشت ، به ماتزدیك شد و خود را پروفسور «ژوبل» معرفی کرده و خطاب به من اظهار داشت : از وقتیکه برای نجات این خانواده اقدام کردید ، تا این‌لحظه دقیقه‌ای‌شمارا از نظر دور نداشته‌ام . منهم ابتداتصور می‌کردم شما مسیحی هستید ولی حال که‌فهمیدم مسلمان و در خدمت ارتش‌ترکیه می‌باشید بسیار تعجب‌کردم زیرا شما ویونانیها باهم درحال جنگ هستید وبالطبع بایستی وسائل غرق این‌خانواده را فراهم می‌کردید .

به پروفسور گفتم، من فارغ‌التحصیل رشتهٔ روزنامه‌نگاری و فلسفه هستم ، در بارهٔ جنگ و علل و فلسفهٔ آن بحثی نمی‌کنم ولی اینرا نمی‌توانم فراموش کنم که انسانیت و بشریت ، ترك ، یونانی ، مسیحی و مسلمان نمی‌شناسد ، همهٔ مایك نوع ساختمان بدنی داریم و بعلاوه من فرزند سرزمین سعدی در ایران هستم که هفتصد سال قبل گفته است « بنی‌آدم اعضای‌یکدیگرند» بنابراین غیر از رفتاری که‌کردم ،کاردیگری نمی‌توانستم بکنم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پروفسور (ژوبل) ازمن‌خواهش کردکه دربیروت به ملاقات اوبروم . من قبول‌کردم . با وجودیکه مدت‌توقفم دراین‌شهرکوتاه‌بود ، بدیدنش‌رفتم‌واودرمیان بهت وتحیر فوق‌العاده‌ای به من‌گفت: هرچه ازشما دیدم به محفل فراماسونری بیروت گزارش‌دادم و پیشنهاد کردم شما را به‌عضویت ماسونی بپذیرند . ژوبل‌بعد ازآنکه دو روز دربارهٔ فرقهٔ ماسونی با من صحبت کرد ، مرا طی تشریفاتی وارد سازمان ماسونی بیروت‌کردند. چند روز بعد درحالیکه مقام اول فراماسونی یعنی «شاگرد» بدست آورده بودم ، باسلامبول برگشتم .

وقتی وارد اسلامبول شدم چون قبلا مرا از بیروت به این لژ معرفی کرده بودند ، درلژ مزبور شروع به فعالیت کردم . در مدت شش سال درجات شاگرد ، کارگر و استاد را گذراندم . مقارن این ایام مصطفی‌کمال اتاتورك زمامدار ترکیه شد وبا وجود اینکه ماسنها در تغییر رژیم ترکیه و پیروزی انقلاب به اتاتورك و انقلابیون کمکهای فراوانی کرده بودند ، معذلك به علت افراط‌کاریهائی که در انقلاب صورت گرفت به مخالفت با رژیم جدید برخاستند وسرانجام بنا بخواهش اتاتورك لژهای ماسونی گراند اوریان ترکیه کار خود را تعطیل‌کردند .

درسال ۱۳۱٤ ش (۱۹۳۵م) از اسلامبول به بیروت رفتم و تا سال ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۸ م) در لبنان چند لژ ماسونی تأسیس کردم ، در مقابل هرلژی که تأسیس می‌کردم ویا هرفعالیت انسانی‌که ازمن سرمیزد یك درجه می‌گرفتم ، بطوریکه تا درجه ۳۳ ارتقاء پیدا کردم . چون مرکز ماسنی گرانداوریان مرتباً اعمال مرا تقدیر می‌کرد، درجهٔ۱٤ مکرر راکه مقام عالی‌است به من دادند ودرسال ۱۳۱۷ش (۱۹۳۸ م) بدایران آمدم .

درایران با مرحوم فروغی ، حکیم‌الملك و طباطبائی [سید محمد صادق] ملاقات کردم ومطلع شدم‌که فعالیت ماسونی دراین منطقه تقریباً تعطیل شده‌است. بدینجهت از آنها خواستم که مجدداً فعالیت خود را آغاز کنند . ولی‌مؤسسین‌لژ گراند اوریان ایران بانظرمن‌مخالفت نمودند ، ومقررگردیدکه درصورت احتیاج

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ازاسناد موجود درخانهٔ حکیم‌الملک که مربوط به لژ (بیداری ایران) بوداستفاده کنم واز حافظه و اطلاعات ۱۴ نفر اعضای لژبیداری ایران‌که درقید حیات‌بودند کمك بخواهم . چون احساس می‌کردم که محیط آنروز ایران احتیاج مبرمی به تزکیهٔ روح واخلاق و تعلیمات ماسونی دارد ، لذا از هیچگونه کوششی خودداری نکردم. ولی‌هرگاه بایکی ازمؤسسین لژبیداری ایران سخن می‌گفتم، جواب می‌دادند که محیط اجتماعی وقت ،آماده فعالیت نیست.

حادثهٔ شهریور۱۳۲۰ش (۱۹۴۱م) وزمامداری مرحوم فروغی بمن فرصتی داد تا باردیگر دربارهٔ امکان فعالیت لژهای فراماسونری درایران مطالعه‌کنم . از این‌رو چند ماه بعد از زمامداری مرحوم فروغی ، روزی آنمرحوم را ملاقات نمودم وبا وی دربارهٔ فعالیت لژ گفتگو کردم . فروغی ضمن ابراز خوشوقتی از افکارم گفت‌که از دوماه قبل اعضاءلژ بیداری‌ایران مجدداًشروع‌به فعالیت‌کرده‌اند منهم می‌توانم باآنها کارکنم .

چون درآن هنگام‌فرانسه دراشغال قوای هیتلری بود ومرکزگرانداوریان نمی‌توانست فعالیتی درخارج از فرانسه بنماید ، بناچار باقاهره تماس‌گرفتم وپس از چندی با لژ البینای سوئیس نیز مکاتبه برقرار کردم و در جواب این نامه را دریافت نمودم که عیناً دراختیارتان قرار میدهم :

ژنو ۲۰ اکتبر ۱۹۵۴ .

به‌آقای خلیل جواهری خیابان‌کاخ شمارهٔ ۱۱۲ تهران .

برادر بسیار عزیزم

پیام محبت‌آمیز شما را ازکشور ایران‌که دارای سوابق تاریخی ، فلاسفه و شعرا و متفکرین است با خوشوقتی کامل دریافت داشتم . مضمون آن نماینده بارزی از اتحاد روحی است که تمام ماسونهای جهانی را بهم مرتبط می‌سازد .

ضمن ملاقات برادرمان . . . هدایتی چنین استنباط کردم که در کشور شما ماسونری درحال تکامل است وآرزومندم نتایج خوبی برای سعادت هموطنان شما

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

A∴ L∴ G∴ D∴ G∴ A∴ D∴ L∴ U∴

Au nom de l'Ordre et sous les auspices de la Grande Loge Suisse Alpina

La R∴ L∴ PERSEVERANCE

[illegible]

نامه‌گراند لژ البینای سویس به استاد اعظم لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بیار آورد . برای مللی مانند ملت شما ایران که در جستجوی راه ترقی هستند بهترین طریق این است که یك طبقه منورالفکر بتواند با وحدت فکری لازم مجتمع شود .

یقین دارم که آرزوی آزادی و پیشرفت اجتماعی و عدالت و برادری که سرمشق ودستورالعمل همه ماسونها است ، بخوبی می‌تواند سرمشق ترقی وتکامل تمام‌کشورها بشود .

بسیار خوشوقت خواهم‌شدکه بابرادرانی‌که دربارهٔ آنها به من‌اطلاع‌داده‌اید در صورتی‌که میل داشته باشند ملاقات نمایم وآنها را به لژ خودمان معرفی‌کنم ، تا شاید بدین‌وسیله موفق شوند درجریان کارهای ما قرار بگیرند .

اغلب اوقات ما برادران ایرانی را ملاقات می‌کنیم وبسیاری از آنها از سال ۱۸۹۰ اعضای دائم ومرتب کارگاه ما می‌باشند . بین آنها مرد جوانی وجود داردکه دوست ما است و نام او ابوالقاسم فروهر است که وزیر مختار ایران در کشور ما می‌باشد . بسیار جای خوشوقتی است‌که مطلع می‌شویم ماسونری درشرق جا ومقام شایستهٔ خود را کسب نموده است . اگر رهبران لژها عاقل ومحتاط باشند واگردر انتخاب اعضاء اصلی تحقیق نمایند وصفات اشخاص نه تعدادآنها را درنظربگیرند آیندهٔ لژها محققاً افتخارآمیز خواهد بود .

فراماسونری یك وسیلهٔ تفریح وتفنن‌اجتماعی نیست وباید یك طبقهٔ منورـ الفکر آنرا تشکیل دهند ، تا اعضای آن بتوانند وظیفهٔ سنگین خود را به انجام برسانند ، نبایدفراموش‌کرد که این‌تشکیلات ابتکاری فقط باتوجه به صفات‌روحی و عواطف قلبی افراد هدایت می‌شود و نمی‌تواند دست‌آویز عامه گردد .

برای اینکه نفوذ و قدرت لژ به نحو شایسته‌ای توسعه یابد ، باید مخفی ولی درحال فعالیت بمانند و راهنمای آن باید به منزلهٔ منبع نورانی و درخشانی باشدکه معبد را روشن می‌کند . لازم است همواره دراطراف لژها ابتکارات جدید ومداوم احساس گردد ، تا از این راه تشکیلات ما بتوانند در بهبود وضع خانوادهٔ

بزرگ بشریت وظیفهٔ خویش را انجام دهد.

امضاء . استاد اعظم

باری، لژ الپینا طی یکی از نامههای خود در جواب اظهار داشت که فقط در داخلهٔ کشور سویس می‌تواند فعالیت‌کند واز فعالیت درخارج از این‌کشور عاجز است. پس ازخاتمهٔ جنگ وآزادی فرانسه لژ گرانداوریان نیز به من اطلاع داد ترتیباتی بدهم تا هفت نفر به پاریس بروند و پس‌از تکمیل مقدمات، فرمان تأسیس لژ صادر شود.

چون جواب مرکز لژ فراماسونری مصر «المحفل‌الاکبرالمثالی‌العالمی» از همه مساعدتر بود، لذا مکاتبه را بالژ فراماسونری مذکور که شعبه‌ئی از گراند‌اوریان فرانسه بود، دنبال کردم، ودرنتیجه قرارشد شخصی را به‌تهران بفرستند. در همین وقت یك کنفرانس بین‌المللی مرکب از لژهای گراند اوریان در قاهره تشکیل شد. من نیز به قاهره رفتم ودرآنجا از نزدیك دربارهٔ ایران وعدم امکان فعالیت علنی‌شعبه وپوشیدن لباس واستعمال علامات ماسونی‌صحبت کردم وموضوع را به‌اطلاع رؤساء لژقاهره رسانیدم، وتأکیدکردم‌که درایران کلمهٔ ماسونی‌درحکم کلمهٔ جاسوس است و حتی مردم این سرزمین با سوء ظن شدید به این تشکیلات نگاه می‌کنند و حتی این‌فرقه طرف سوءِ ظن سازمانهای دولتی که در اکثر آنها فراماسنهای قدیمی کار می‌کنند می‌باشد. لژ قاهره موافقت کرد که نماینده‌ای برای مطالعه به تهران بفرستد که تا در صورت موافقت او، لژ جدید در تهران تأسیس گردد.

درسال۱۳۲۹ش (۱۹۵۰م) یکی‌ازماسنهای معروف مصری بنام«حنا‌ابوراشد» به تهران آمد. پس از مطالعهٔ‌کامل دراوضاع اجتماعی وسیاسی ایران و ملاقات با عده‌ای از ماسنهای قدیمی تصمیم گرفت موافقت خود را با تأسیس لژجدید اعلام کند، ولی ناگهان اطلاع رسید که ماسنهای قدیمی، مرحوم سپهبد رزم‌آرا را وادار به مخالفت با تأسیس لژکرده‌اند وحتی خبر زیر درمجلهٔ تهرانمصور[1] تحت

۱ـ شماره ۳۹۵ تهرانمصور ۱۱ اسفند ۱۳۲۹.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عنوان «نشان وحمایل فراموشخانه» منتشر شد :

«دراین هفته مردی بنام (حنا ابوراشد) وارد تهران شده است که مدعی است برای یك مقام عالی ایران نشان فراموشخانه آورده است . هنوز مقامات مملکتی بطور رسمی از ورود این شخص اطلاعی ندارند ولی درمحافل سیاسی گفته شده است نشانی که این مرد آورده است ، نشان وحمایل درجه سی‌وسوم یعنی عالیترین نشان افتخاری فراموشخانه‌است . ازاین نشان فقط به ژرژ ششم، ترومن و ونسان اوریول رئیس جمهور فرانسه داده شده‌است. درمیان این سه نفر فقط ترومن عضو فراموشخانه است . هنوز نیز معلوم نیست در صورتی که حامل نشان مراجعه کند ، این نشان افتخاری مورد قبول واقع خواهد شد یا نه ؟»

این خبر که شخص رزم‌آرا آنرا دیکته کرده وبدستور او درمجله تهرانمصور منتشرشده بود، زنگ خطری بودکه برای فراماسنها بصدادرآمد. به همین جهت فراماسونهای ایران از آن روز دشمن سرسخت دهقان مؤسس تهرانمصور شدند وحال آنکه چون اوناسیونالیست افراطی بود ، با تأسیس فراماسونری درایران مخالفت می‌کرد .

باوجودی‌که فکر تأسیس لژ فراماسونری باعدم موفقیت مواجه شده بود، معذلك همچنان درصدد تأسیس لژ درایران بودم . زیرا مرکز لژی که من عضو آن بودم ، پس‌از استماع گزارش «حنا ابوراشد» واطلاع از مشکلات ، تعصبات و حتی کارشکنیهای بعضی از ماسنهای قدیمی ایران به من اطلاع داد که همچنان تصمیم دارد شعبه‌ای درایران تأسیس کند ، بهاین منظور بزودی نمایندهٔ دیگری به‌ایران فرستاد .

این نماینده که بنام (خلیل‌ابوالخدود) بود با در دست داشتن اعتبارنامه و دستور صریح استاد اعظم لژ «المحفل‌الاکبرالمثالی‌العالمی»[1] به تهران آمد و در نیمهٔ دوم سال ۱۹۵۱ م ـ (۱۳۳۰ش) در هتل گیلان شش نفر از افرادی را که من

۱ـ THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



خلیل ابوالخدود استاد اعظم لژ ایده‌آل جهانی که برای تأسیس لژ همایون بتهران آمد.

قبلاً از آمادگی آنها اطمینان یافته بودم ، به عضویت فراماسونری در آوردم.

این شش‌نفر به ترتیب عبارت بودند از : دکتر احمد هومن ـ دکتر محمود هومن ـ سیدذبیح‌الله‌ملک‌پور ـ محمد علی‌امام شوشتری ـ ابراهیم‌پناه ـ میراسلاو ـ بادین .

خلیل ابولخدود ، درمدت بیست روزی‌که در تهران اقامت داشت ، شش‌نفر فوق‌الذکررا با انجام تشریفات مختصری به عضویت «محفل اکبرایده‌آلی جهانی» درآورد و به‌آنها درجات مختلف تا مقام استادی داد . باید دانست که آئین‌نامه و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قانون اساسی ماسنی ، به گراند لژها حق میدهدکه درمواقع فوری وضروری ودر مدتی‌کوتاه درجات مختلف‌را به ماسنها بدهند .

باری ابوالخدود پس از انجام تشریفات به مصر بازگشت و تقاضای کتبی تشکیل لژ را باخود به قاهره برد وپس از چندی اوراق رسمی را که هفت استاد فراماسنی‌می‌بایست ضمن‌تنظیم آنها تقاضای برقراری لژبکنند، به تهران فرستاد، این اوراق را درحضور هرشش استاد ماسنی تکمیل‌کرده ، وپس‌از امضاء کامل به‌ـ قاهره برگردانیدم . یکماه بعد اجازهٔ تأسیس لژ ... شرق ۱ر۴۵ برای ما فرستاده شد .

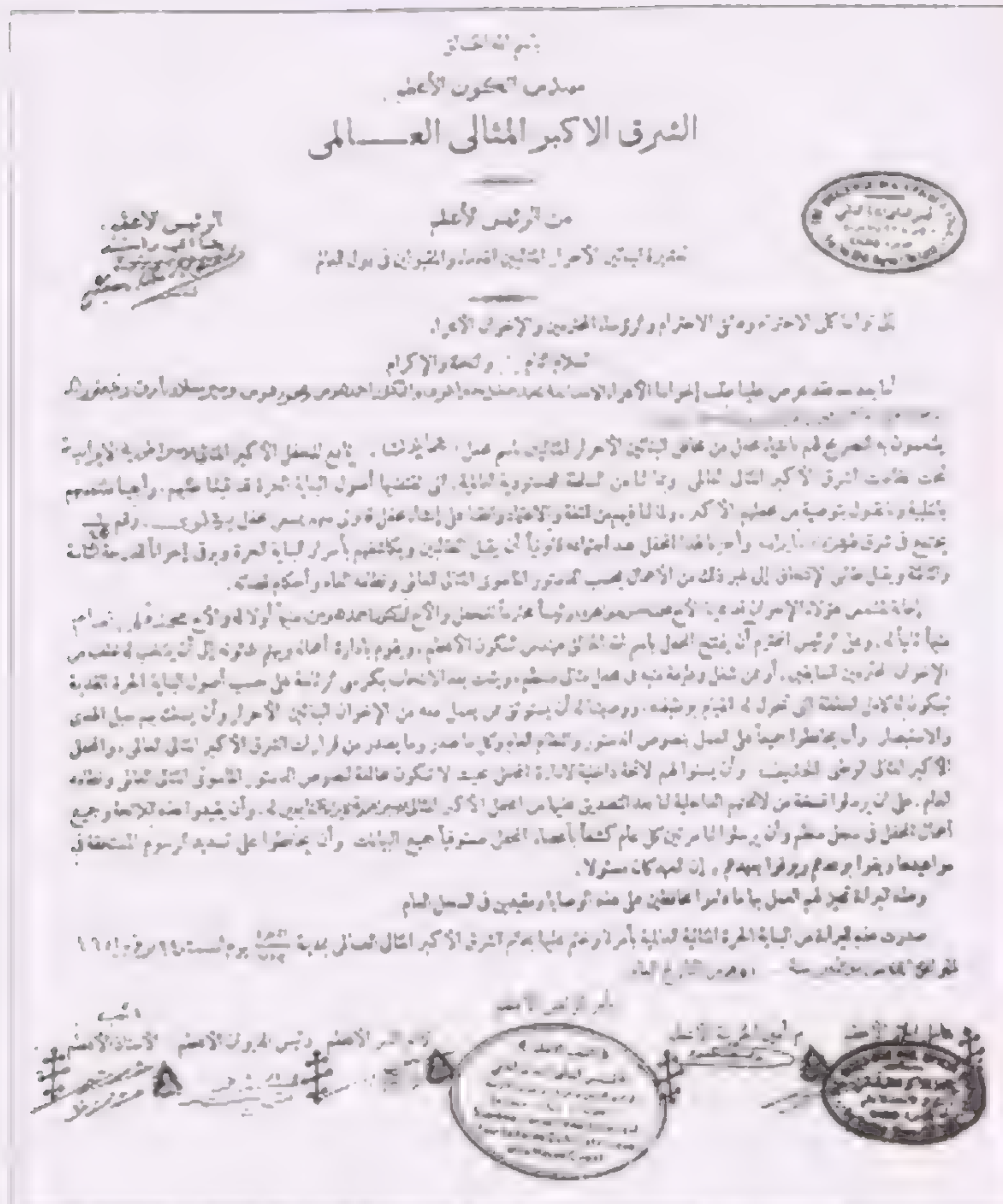
فرمان تشکیل لژ روز ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ که مطابق با سال فراماسنی۵۹۵۱ وسال۱۳۳۰شمسی‌بود صادرگردید وبه امضاء رسید. دراین‌فرمان تأکید شده‌است‌که رئیس لژ محمد خلیل‌جواهری واعضاء مؤسس‌آن: دکتراحمد هومن ـ میرسالاو‌ـ بادین ـ جعفر رائد ـ محمد علی امام ـ محمد قریشی وارنست برون می‌باشند .

چون نام لژ مورد اعتراض واقع‌گردید ، با اجازهٔ استاد اعظم قاهره نام‌آن را به «همایون» تغییر دادیم وشروع به‌کارکردیم اولین جلسهٔ لژ درخانه مسکونی اینجانب واقع درخیابان‌کاخ شمارهٔ ۲۱۲ تشکیل‌گردید .

دراین‌جلسه‌وجلسات‌دیگرهمه‌آداب‌ورسوم وریتول‌های‌اولیه‌انجام‌نشد زیرا باتوجه‌بشرایط‌سخت‌آنروز،برگزاری همه تشریفات میسرنبود ولذا بااجازه استاد اعظم وآنچه را که مقدور بود و می‌توانستیم برای رسمیت تشریفات بکار بردیم .

پس از تشکیل لژ و پایان مراسم اولیه ، شروع به ترجمهٔ قانون اساسی و آئین‌نامه‌های فراماسونی کردیم واین ترجمه‌ها را برای تصویب استاد اعظم به‌ـ قاهره فرستادیم وآنگاه قسم‌نامه ، وصیت‌نامه و تقاضانامه را به فارسی تنظیم ودر چاپخانهٔ نقش‌جهان چاپ نمودیم .

درآنروزها حزب منحلهٔ توده درتمام چاپخانه‌ها سازمان وسیعی داشت، لذا مامی‌بایست بااحتیاط فراوان‌کارمی‌کردیم. بدین‌جهت بودکه باکمك مدیرچاپخانه


مهندس الكون الأعظم

الشرق الاكبر المثالي العـــالمي

من الرئيس الأعظم

فرمان تأسیس لژ همایون در ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ترجمه فرمان تأسیس لژ همایون‌ازجانب جنابی‌راشداستاد اعظم و رئیس بزرگ لژ شرق اکبرمثالی عالمی

بنام خدای آفریدگار ـ مهندس کون اعظم ـ

شرق بـزرگ مثالی‌عالمی ـ ازطرف رئیس‌اعظم

بتوده بنایان آزاده حقیقت‌پرورقدیم وپذیرفته درمیان دولتهای عالم به‌بنایان آزاد ما ، با احترام تام ، وبه‌آنان که به‌احترام وحرمت فائق‌آمده ورؤسای محترم وبه برادران عزیز ... سلام تام وبزرگداشت واکرام

اما بعد ـ ما اطلاع یافتیم که برادران گرامی، استاد ما آقایان محمدخلیل جواهری ودکتر احمد هومن‌ومحمودهومن‌ومهرسلاو یادین‌وجعفرراثد ومحمدعلی‌امام ومحمد قریشی وارنست‌برون خواسته‌اند که‌درباره ایجاد محفلی‌ازمحافل‌بنایان‌آزاده حقیقت‌پروربنام محفل‌همایون‌تصریح‌شود که تابع محفل‌بزرگ‌مثالی‌عالمی‌امپراطوری ایران‌باشد درتحت‌نظام‌های‌شرق‌اکبرمثالی. وبسبب آنچه ازقدرت فرمان‌جهانی، ماراست ،که اصول‌بنایت‌آزاده اقتضای‌آنرا داد وخواست آنان را بپذیریم ، وماخواهش آنهارا با لبیک اجابت کرده وبنابتوصیه‌ازمحفل‌بزرگ آنها آنان‌رابپذیریم، وبه‌علت‌اینکه‌ما به‌ایشان وثوق واعتماد داریم‌موافقت کردیم به‌ایجاد محفلی‌اقدام شود به‌نام محفل همایون بشماره $\frac{1}{25}$ که درشرق ـ تهران ـ ایران دایرشود وبدین‌محفل درزمان اجتماع قانونی خود اجازه دادیم که طالبان‌را بپذیرد وآنهارا باسرار‌بنایان‌آزاده آگاه نماید وبرادران ما را بدرجه دوم وسوم‌ارتقاء دهد ونیزغیرازاینها طالبانی‌راکه بخواهندملحق‌شوند ، بپذیراشودواعمال دیگری‌که بحسب‌دستورماسونی‌جهانی‌باشد وموافق‌بانظام‌واحکام داوری‌آن ، قبول نمایند .

جهت اجابت‌به‌تقاضای‌این‌گروه ازبرادران ،آقای‌محمدخلیل‌جواهری‌را رئیس‌محترم‌این محفل‌انتخاب‌کردیم وآقای‌دکتراحمد هومن‌را به‌عنوان استادارجمند اول‌وآقای‌محمدعلی‌امام‌را به‌سمت‌استادارجمند دوم‌او برگزیدیم، وبرعهده رئیس‌محترم است که‌محفل‌رابنام‌آفریدگاربزرگ جهان بگشاید ، وباداره اعمال‌آن قیام‌نماید وبگرداندن‌امورآن اهتمام‌کند تاآنجاکه او برای خویش‌جانشینی‌ازبرادران محترم‌سابق‌ویا ازکسانی‌که عهده‌داروظیفه بنائی درمحفل حقیقت‌پرور منتظم باشد، برگزینند ، وپس‌ازانتخاب برکرسی‌ریاست خود به‌نشیند‌برحسب‌اصول بنایان‌آزادۀ کهن تا اورا قدرتی‌کامل‌باشدکه با آن ، قیام بوظیفه‌خویش‌راتدبیرنماید. وما یاوتأکید می‌کنیم، بکسانی که از برادران با اوهمکاری‌می‌کنند اعتمادکنند وازآنها‌اعتمادبگیرد وآنهارابه‌هدایت وآگاهی‌راهبرباشد. واینکه جملگی‌به‌نصوص‌فرمان ونظام عمومی‌وقرارهائی‌راکه شرق‌اکبرمثالی عالمی ، و محفل بزرگ مثالی وطنی هرقسم صادر کرده و می‌کنند ، عمل کنند ، واینکه یک‌آئین‌نامه داخلی‌جهت اداره محفل‌بنویسند بطرزی‌که مخالف قوانین ودستورات ماسونی مثالی عالمی و نظام عمومی نباشد بعد ازتنظیم این آئین‌نامه داخلی،آنرا برای‌گواهی از طرف محفل بزرگ حقیقت‌پرورامپراطورایرانی تـابع برایشان برای‌ما بفرستند واینکه مقیدبه‌لایحه‌وجمیع مواعیدآن باشند وبوعده وفاکنند وبه‌پیمان خویش‌عمل‌نمایند ،که ازپیمان سئوال‌کنند .

وبموجب این فرمان به‌آنها اجازه میدهیم‌که بدان عمل نمایند تا زمانیکه براین وصایا محافظ ومطیع باشند ودرسجل‌عمومی مقید باشند .

این‌فرمان صادرشد ازطرف‌بنایان‌آزاده وحقیقت‌پرورجهانی‌بدستورما‌ومهرزده شد بمهر شرق اکبرمثالی‌عالمی درشهرقاهره وبیروت ـ روزشنبه۲۴ نوامبر۱۹۵۱ موافق۲۴ نوامبرسال ۵۹۵۱ازتاریخ عمومی‌مهرحامل ختم اعظم ـ مهروامضاء خزانه‌دارکل ـ مهرمعماربزرگ ـ کاتم ـ مراعظم ـ رئیس دیوان اعظم ـ استاد اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دو حروفچین را که عضو حزب منحلهٔ توده نبودند ، به‌اختیار گرفتیم وکلیهٔاوراق لژرا به صورت حروف وصفحات درآوردیم وهمین دوتن‌را به‌کارچاپ آنهاواداشته از اواخرسال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲ م) فعالیت زیرزمینی ما بارعایت‌کلیهٔ آداب و رسوم مخفی برای قبول عضوجدید وتشکیل جلسات شروع شد . البته در جلسات لباس رسمی نمی‌پوشیدیم . زیرا وسیله و محل تعویض لباس و سایر تشریفات در اختیارمان نبود . فقط سوگندنامه‌ای تنظیم‌کردیم که هرکس‌می‌خواند خود به‌خود عضو لژ همایون می‌شد . به‌نظرم سوگندنامه را دکتراحمد هومن انشاءکرده و در آن چنین نوشته شده بود :

بنام با عظمت معمار بزرگ جهان

من . . . از سکنه . . . و تبعه . . . بخداوند بزرگ وبه‌کتاب مقدس وعزیز وبه‌شرافت خودم قسم می‌خورم که نسبت به لژ خودم همایون که تابع لژ بزرگ ایده‌آلی‌جهانی است وفادار باشم و عملی کردن آئین‌نامهٔ اساسی و داخلی آنرا عهده‌دارگردم و به پادشاهم و دولتم و میهنم‌شرافتمندانه وصمیمانه وصادقانه خدمت کنم واز شرافت خود وخانواده‌ام محافظت نمایم ونسبت به برادرانم درلژ وهر برادری‌که از عشیره آزاد است وفادار باشم وهیچگاه وجود خداوند یا یکی از ادیان آسمانی را انکار نکنم و مرتکب هیچگونه عمل زشتی نشوم که از مقام عشیرهٔ من بکاهد . وخانوادهٔ برادر فراماسون خود را خانوادهٔ خود وپدر ومادرش را پدر و مادر خویش و زنش را خواهر خود و نیز خواهرش را خواهر خود و دخترش را دختر خود و فرزندانش را فرزندان خود بدانم و تعهد می‌کنم که اسرار فراماسنی را فاش‌نکنم و راجع‌برموز باکلمات یا اشارات‌آن چیزی ننویسم ونگویم و آنچه از دستم برآید در راه خدمت به برادران فراماسنیم دریغ نکنم و نسبت به فقراء و نیازمندان مساعدت نمایم و نسبت به بیماران مهربانی کنم و همیشه در راه خدمت به بشریت بکوشم و از آلام و دردهای آن بکاهم و دایم در فکر ایجاد نقشه‌های انسانی و عمرانی بنفع برادران فراماسنیم علی‌الخصوص وبه

نفع دیگران بطور عموم باشم و با دیگر برادرانم در راه مبارزه با ظلم واستبداد و دیکتاتوری مخرب و توانفرسا همدست باشم و در هیچ حالی بداندیش یا مستبد یا ستمکار نباشم ودر کلیه کارهایم بشردوست باشم و به هم‌میهنانم کمک کنم تا پیشرفت کنند و سعادتمند شوند و از ظلم و جور نجات یابند و نسبت به حیثیت کشورم و میهنم صدمه‌ای نرسانم و با برادرانم اعضای لژ در هر کوششی که بنفع فراماسنی است، همکاری نمایم تا اینکه هر برادر فراماسن یك هم میهن بین‌المللی شودکه هم دارای حرمت ملی و احترام شخصی است و هم دارای مقام عالی در جامعهٔ جهانی باشد واندیشه خود را بسوی ایده‌آلهائی که ضامن پیشرفت آزادی و مساوات و برادری هستند اوج دهم و به‌طبقهٔ جوان تحصیلکرده میدان بدهم تا فراماسونری از او یك نسل جدید [1] که دارای اندیشه‌هائی بلند است بوجود آورد و به آزادی افراد براساس قاعده «مقیاس‌مساوات در نمایندگی دوستانه بین هیئت‌های آنست» و به برادری بین افراد بشر براساس قاعده « برادری وهمکاری در اتحادبین دولتها و ملتها بدون در نظرگرفتن اختلاف نژاد است » کمك نمایم وبا برادرانم بکوشم تا علماء و رهبران فکری و روزنامه‌نگاران و ادباء را بطرف خود جلب کنیم و برادرانی را که از فعالیت لژ باز نشسته‌اند بتکان آوریم تا به مقصود خودمان که عملی‌کردن هدفهای فراماسنی‌است برسیم ووقتی نتیجهٔ مطلوب بدست خواهدآمد که در پستهای مهم مردانی دارای‌علم و اخلاق و ارادهٔ خلل‌ناپذیر و دل بیدار و شایستگی فوق‌العاده پشتیبان ما باشند تا در نتیجه هدفهای تحقق پذیرد ، و به پیروزی حقیقی مورد نظر برسیم و درآن هنگام خواهیم دیدکه دیگر رهبران و متفکرین نه به‌اسم وبجاه و مقام محدود بلکه بعمل و خیر مطلق رهبر و متفکر خواهند بود و مشعل مثلث آزادی ، برادری و مساوات را در دست خواهندداشت

۱- در لژ همایون و لژ مولوی نکته‌ئی که مورد توجه دقیق مؤسسین و کارگردانان بوده وهست عضویت عناصر جدید بخصوص جوانان است . این نکته موجب نا رضایتی دستجات دیگر فراماسونری بخصوص اعضاء قدیمی را فراهم آورده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وصیت

اینجانب رضا جعفری از ساکنین تهران و تبعهٔ ایران

بشرافت خودم و بکتاب مقدس سوگند میخورم که نسبت بمحفل خودم محفل که تابع محفل اکبر ایده‌آلی جهانی است وفادار باشم و اجرای آئین‌نامه اساسی و آئین‌نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و برشرافت خود و شرافت خانواده ام محافظت نمایم و بپادشاهم و میهنم صمیمانه و شرافتمندانه وصادقانه خدمت کنم اگرچه در راه آن جان خودرا ازدست دهم و بنام نیك کشورم و میهنم بهیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر فراماسون وخانوادهٔ او نگهداری کنم و وجود خداوند یا دینهای آسمانی را انکار ننمایم وعمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد واگر بچیزی از آنچه گفتم عمل نکنم بحکم هیئت عالی فراماسونی سر فرود بیاورم اگرچه بریختن خون من و گرفتن جان من حکم کند.

۳۴/۳/۲۵

متن وصیت‌نامه سناتور رضا جعفری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



درخواست نامه داوطلب

جناب آقای رئیس و اعضاء گرامی لوژ ۲۲

احساسات جوشان و اشتیاق فروان مرا برانگیخته که خواهان وابستگی به لوژ ارجمند [illegible] گردم تا بتوانم در ظل پرچم آن لوژ [illegible]

از اینرو به تقدیم این درخواست مبادرت و امیدوارم که با پذیرفتن این بنده در حرگه مبانیان آزاده و قدیمی سرافرازم فرمائید

با تقدیم احترامات فائقه

۳۰/۱۲/۳

نام رضا

شهرت [illegible]

نام پدر [illegible]

سن ۳۲

شغل [illegible]

محل انتصاب ایران

نشانی منزل [illegible]

تلفن منزل —

۲ محل کار [illegible]

درخواست عضویت درلژهمایون سناتور رضا جعفری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و انشاءالله هیچ مانعی مرا از ادای وظیفه‌ام باز نخواهد داشت زیرا عنایت الهی نگهبان و راهنمای من‌است ومرایاری می‌کند وخدا دست ما را می‌گیرد تاآنچه‌در آن سعادت اعضای‌ماوسعادت عشیره‌آزاد وسعادت افراد بشر است انجام دهیم.

اگرخلافی از من نسبت بدآنچه در این سوگند خود تعهد کرده‌ام سر بزند خون من‌حلالست ومطابق تصمیمات هیئت عالی در مجلس عالی لژبزرگ ایده‌آلی جهانی که افتخاروابستگی به‌محافل آنرا دارم ومطابق آئین‌نامه‌های فراماسونی عمومی مستحق خواهم بود که سرمرا بزنند وزبانم را ازبیخ بکنند ومرا رسوا و بی‌آبرو نمایند.

(محل امضاء)

علاوه براین،کسیکه‌وارد این‌لژمیشد وصیت‌نامه‌ای‌نیزازاومی‌گرفتندکه‌ذیل آن را امضاء میکرد :

وصیت نامه

اینجانب .. .. ازساکنین .... تبعه ....

بشرافت خودم و به‌کتاب مقدس سوگند میخورم‌که نسبت به‌لژ خودم‌لژ... که تابع لژ بزرگ ایده‌آلی جهانی است وفادار باشم و اجرای آئین‌نامه اساسی و آئین‌نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و برشرافت خود وشرافت خانواده‌ام‌محافظت نمایم و به‌پادشاهم ومیهنم صمیمانه وشرافتمندانه و صادقانه خدمت کنم اگرچه در راه آن جان خود را از دست دهم و بنام نیك کشورم و میهنم بهیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر فراماسن و خانواده اونگهداری کنم ووجود خداوند یادینهای آسمانی را انکار ننمایم و عمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد واگر به‌چیزی از آنچه‌گفتم‌عمل‌نکنم بحکم هیئت‌عالی فراماسنی سرفرود بیاورم اگرچه بریختن خون من وگرفتن جان من حکم میکنند.

(محل امضاء)

اولین کاری‌که لژ همایون کرد ، ترجمه وچاپ قانون اساسی وآئین‌نامه داخلی لژ به‌این‌شرح بود :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قانون اساسی لژ همایون



قانون اساسی ـ دربارهٔ فراماسن ایده‌آلی واصول آن

مادهٔ اول ـ فراماسونی ایده‌آلی یك‌سازمان بشری جهانی است که هدف آن خیرمطلق وجستجوی حقیقت وحکمت و معرفت وجمال میباشد. این سازمان با فضیلت سروکار دارد وبه‌نشرعلم وادب وهنر می‌پردازد ودر راه حق وعدالت می‌کوشد وبه‌ضعفاء وستمدیدگان کمك می‌کند و همه این کارها را بر اساس « آزادی وجدان وهمکاری بشری» انجام میدهد.

مادهٔ دوم ـ این عشیره ایده‌آلی برسه پایه قرارداردکه عبارت است‌از :

آزادی.·.　　　مساوات.·.　　　برادری.·.

مادهٔ سوم ـ فراماسنی ایده‌آلی خواهان احترام متقابل بین پیروان ادیان ومرامهای فلسفی واجتماعی‌است‌وجداً سعی‌می‌کندکه‌آنهادرزیرپرچم ایمان‌بوجود خداوندآفریدگار ومهندس اعظم جهان متحد شوند ونیز به کتب مقدس آسمانی و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

جاویدان روان اقرار می‌کند وحقوق انسان و آزادی او را در عقیده و عبادت محترم می‌شمارد .

مادهٔ چهارم ـ طریقهٔ فراماسونی ایده‌آلی ـ همه قانونها و آئین‌ها ومقامات حاکمه موجوده را محترم می‌شمارد واز آلوده شدن به‌کشاکشهای سیاسی و حزبی اجتناب می‌ورزد وهمیشه بنفع کشورهائی که‌در آن اقامت دارد می‌کوشد و بامساوات در حقوق اعضای خود را از عدالت بهره‌مند میسازد .

مادهٔ پنجم ـ فراماسنهای قدیمی و فراماسنهای‌پذیرفته‌شده یك نوع‌عادات ورموز موروثی‌دارندکه‌مقصود از آنها امروز فضایلی‌است‌که باید هر برادرایده‌آلی در شرق وغرب بدانها آراسته گردد .

مادهٔ ششم ـ یك فراماسن ایده‌آلی‌ازنظراینکه یك‌هم میهن بین‌المللی‌است بایدبازبان‌وقلم وسرمشق دیگران‌تمدن‌وآداب‌فراماسونی را توسعه‌وانتشاردهد و ازکمك و راهنمائی و حمایت برادرخود ، گرچه به‌قیمت جان هم‌شده دریغ نکند و ازاو براساس یاری حق‌برضد باطل دفاع نماید .



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آئین‌نامهٔ داخلی

محفل شرق ایران-۱

تحت سرپرستی

محفل اکبر ایده‌آلی جهانی

۱- داوطلب عضویت و تنصیب درخواست‌نامه‌ای تقدیم میکند که در آن نام و نام فامیلی و حرفه و محل اقامت وسال خودرا می‌نویسد.

۲- تنصیب و عضویت یکماه بعد از تقدیم درخواست صورت می‌گیرد ولی ممکن‌است باموافقت استاد اعظم زودتر انجام یابد.

۳- کسیکه بعلت ارتکاب جنایتی‌بازداشت شده ویا مرتکب عمل زشتی شده باشد وکسیکه ادیان آسمانی را انکار کند یا به‌عظمت آفریننده بشر مهندس اعظم جهان اقرار ننماید به‌عضویت پذیرفته نمیشود.

۴- داوطلب باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - دارای آزادی عمل باشد.

ب - کمتر از بیست ویکسال نداشته‌باشد.

ج - دارای رفتارپسندیده واخلاق خوب باشد ونیز حرفهٔ شریف وآزادی داشته باشد و بتواند وسائل زندگی خود را بطورکافی تهیه‌کند.

۵- داوطلب باید سوگند یاد کند که نسبت به محفل اکبر ایده‌آلی جهان فرمانبردار خواهد بود وآئین‌نامه‌های اساسی و داخلی را اجرا خواهد کرد و از

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

محفلی که در آن پذیرفته شده اطاعت خواهد نمود .

۶- شخص بعد از تنصیب نمی‌تواند بدرجهٔ بالاتری ارتقاء یابد مگر اینکه سه ماه از تاریخ تنصیب یاگرفتن درجه قبلی گذشته باشد ولی با اجازه مخصوص استاد اعظم ممکن است استثناء داده شود .

و نیز نمی‌تواند شخص به درجه بالاتری ترقی کند مگر اینکه راجع به درجه‌ای که حائز آنست قبلاً امتحان بدهد .

۷- داوطلب عضویت جز با اجازهٔ مخصوص استاد اعظم از پرداخت حق تنصیب وحق درجه معاف نمی‌شود .

۸- اگر درحال پذیرفتن یا تنصیب معلوم شدکه یکی ازگزارشها خوب نیست یا در صندوق دو سنگ سیاه دیده شد، تنصیب موقوف میشود ومحترم محفل یك کمیسیون مخفی تعیین می‌کندکه ازعلت گذاشتن دو سنگ سیاه تحقیق نماید و در بارهٔ اخلاق داوطلب مخفیانه تحقیقات بعمل آورد دراین صورت اگر کمیسیون رأی موافق داد در جلسه دیگری نسبت به‌پذیرفتن داوطلب اخذ رأی به عمل می‌آید واگردوباره دوسنگ سیاه دیده‌شد درخواست داوطلب مدت شش‌ماه راکدمی‌ماند وپس ازپایان‌مدت درجلسه‌سومی‌دربارهٔ درخواست‌اورأی گرفته می‌شود واگر بازهم دو سنگ سیاه پیداشد درخواست داوطلب رد می‌شود .

۹- داوطلبی‌که درخواست او از طرف یك محفل یا بیشتر برای سه بار رد شود دیگر نباید درخواست او در هیچیك از محافل تابع محفل اکبر ایده‌آلی جهانی مطرح گردد .

۱۰- درخواست تنصیب داوطلب جدید پذیرفته نمیشود مگر بعد از اینکه جوابهای‌محافل مثبت ودرست درباره او دریافت‌گردد .

۱۱- هر تنصیبی‌که برخلاف‌مقررات‌قانون‌فراماسونی بشودو برخلاف آنچه‌گفته شد صورت‌گیر دلغواست‌وهیچ‌ارزشی‌ندارد ومحفلی‌هم‌که این‌خلاف‌رابکند، یامنهدم می‌گردد یاکارهای او متوقف می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۲- درخواست کننده عضویت حق ندارد به محفلی‌که منتسب بیك محفل تابع نفوذ بیگانه است وابستگی پیدا کند .

۱۳- اعمال زیر جرائم درجه یك فراماسنی بشمار می‌رود :

۱- نقض تعهدات .

۲- فروش وتوزیع اوراق فراماسنی یا چاپ آنها .

۳- فاش‌کردن اسرار .

٤- تعهد ضرر نسبت به‌شخص دیگر یا حیثیت یا دارائی او .

۵- تعدی‌اخلاقی نسبت به‌برادرفراماسنی وهرعملی‌که ازمقام جامعه‌انسانی بکاهد یا به‌ضرر آن تمام شود .

مرتکب این نوع جرائم از حقوق و حمایت فراماسنی محروم می‌گردد و برای همیشه از آن طرد می‌شود .

۱٤- اعمال زیر ازجرائم درجه ۲ بشمارمی‌رود .

نافرمانی درصورت تکرار بعد از اجرای کیفر و آشکار گذاشتن علامتهای فراماسنی در معابرعمومی مرتکب یکی از دوجرم مذکور کیفرش محرومیت از حقوق ووظائف فراماسنی برای مدت سه ماه خواهد بود .

۱۵- داوطلب باید تعهد شدیدکند که نسبت به محفل اکبر ایده‌آلی جهانی صمیمی وفرمانبردار خواهد بود و نسبت بهرچه مربوط به‌مسائل فراماسنی بین - المللی است صادقانه تبعیت خواهد کرد و این تعهد از لحظه‌ای کـه وارد اسرار فراماسنی از هردرجه‌ای می‌شود الزام‌آور است .

اگرشخصی این تعهد را نقض‌کند محفل می‌تواند برای‌کیفر او ازکلیهٔ طرق قانونی و مطابق آئین‌نامه‌های اساسی وداخلی استفاده کند .

۱٦-هربرادرفراماسنی‌که به‌علت‌ارتکاب به‌عمل غیرشرافتمندانه‌ای حضوراً محکوم شودآناً ازفراماسونی طرد میگردد ونیزهمین‌کیفر برای‌کسیکه ازحقوق ملی یا مدنی یا خانوادگی محروم شده یاکسیکه مدعی افلاس دروغ بضرردیگران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

گردیده اجرا میشود .

۱۷ـ تنصیب داوطلب ازطرف محفلی که مطابق قانون تشکیل یافته صورت می‌گیرد ولی بااجازهٔ مخصوص استاد اعظم وسه برادراستاد می‌توان ازاجرای این قاعده صرف‌نظر کرد .

تنصیب در داخل محفل بعد از آزمایشهای سخت و سئوالهائی‌که در اثنای تنصیب به‌عمل می‌آید صورت می‌گیرد .

وقتیکه بعد از تنصیب راجع به داوطلب مشورت میشود لنگی‌که از پوست گوسفند سفید وبه‌شکل مستطیل بعرض ۳۰ سانتیمتر و طول ۳۸ سانتی‌متر است به کمر او میبندند و لنگ مبتدی نامیده میشود کمربندی هم از نوار سفید دارد لنگ کارگر مانند مبتدی است ولی در نزدیکی دو گوشه پائین آن دو تا گل از ابریشم سبز باز وجود دارد .

لنگ استاد هم مانند لنگ کارگر است و حاشیه‌ای از ابریشم به عرض ٤سانتی‌متروررنگ سبزباز دارد روی آن ازطرف‌بالایك قطعه‌پوست است‌که دارای حاشیه‌ای ازابریشم به‌عرض‌سه سانتی متر وگل سومی‌که در وسط مثلث می‌باشد و نیز دنباله‌هائی ازگلابتون‌دارد که عرض هریك٤ سانتیمتر است ورروی‌آن دوتاگل بوسیله نواری از همان رنگ آویزان میباشد.کمربندی هم از ابریشم زرد دارد و پشت آن سیاه است .

حق درخواست ۲۵۰ ریال ، حق تنصیب ۱۰۰۰ ریال ، حق گواهی استادی ۱۵۰ ریال .

حق درجه کارگری دو پهلوی طلا وحق درجه استادی ۳ پهلوی طلا. محفل مطابق میل خود می‌تواند مبلغ را زیادتر کند ولی بهیچ وجه کم کردن آن‌ممکن نیست .

۲۸۱ عضو لژ همایون

مرحوم جواهری درباره اعضاء لژ همایون چنین گفت : «در مدت ۵ سالی‌که لژهمایون فعالیت‌می‌کرد، دویست وسی وسه نفر ازافرادبرجسته‌کشور را درتهران‌و۴۸ نفر را درلژهای اهواز، تبریزوخرمشهر، اصفهان به‌عضویت لژهمایون‌درآوردم که متأسفانه‌افشاء نام‌چهارعضو لژدرتهران‌فعلاً میسر نیست. جواهری‌دنباله فعالیت لژ را چنین بیان می‌کند:

طی جنجال سه سالهٔ نفت، ما در زیر زمین فعالیت می‌کردیم . در این مدت دوبار مراکز فعالیت لژ ما مورد سوءظن وتعقیب مقامات دولتی قرارگرفت. ولی‌با کمك دوستانی که در دستگاه دولت و بخصوص شهربانی داشتیم ، از تعرض مصون مانـد .

بسیاری ازکارهای مهم را درجلسات خود حل وفصل می‌کردیم . لژما مرکز فعالیتهای اجتماعی،سیاسی وتعاونی بود وبسیاری ازکارهای خیریه وکمك به‌طبقات مستمند بوسیله ما انجام میشد. وقتی احساس کردیم وبما هشدار دادند که مملکت درخطر است ، از فعالیت علیه عناصر ودستجات مخالف‌کوتاهی ننمودیم .

در تمام مدت پنجسالی که لژ کارمی‌کرد ، دکتر هومن دست راست و سید محمدعلی‌امام‌شوشتری دست چپ من‌مینشستند. مهندس اصغرمافی‌نیز دبیرلژبود.

برای‌کارهای اداری لژ، جوانی راکه شغلش سراجی بود و« اصغرسلسبیلی» نام داشت استخدام‌کردیم. این جوان‌که هم‌اکنون در لژ مولوی است. جوانی امین و درستکار بودکه هیچگاه خاطره همکاری با او را فراموش نمیکنم .

اشکال بزرگ فعالیت لژهمایون در عضویت اعضاء لژهای چهارگانه ولایات بود .تحقیق‌دربارهٔ سوابق کسانیکه‌درولایات می‌بایستی به‌عضویت قبول شوند،بیشتر وقت ما را میگرفت . به همین‌جهت نتوانستیم ، تشکیلات خود را در شهرهائی‌که درآن شعبات‌نشر داشتیم‌گسترش بدهیم .»

اگرچه مرحوم جواهری‌تا زمانیکه زنده بود ، حـاضر نمیشد اسامی همه

کسانی‌را که در لژ همایون با او همکاری داشتند و عضو سازمان فراماسونری مذکور بودند، فاش کند، ولی‌سه‌ماه پس از درگذشت‌ناگهانی او در بیروت،[۱] این اسامی با نامه‌ای که خود وی قبلاً بعنوان نویسنده نگاشته وگویا در دمشق یا آنکارا - نزد اولین دخترش بامانت نهاده بود، در اختیار نگارنده‌قرارگرفت.

با این‌نامه‌یك‌کتابچه بغلی‌چاپی‌همراه‌بود، که در دوران فعالیت لژدرتهران طبع‌شده و در آن اسامی به‌ترتیب حروف الفبا تدوین‌گردیده است. دفترچه‌شامل دوقسمت است که قسمت اول در ۲۸ صفحه و حاوی مشخصات اعضای لژ، نشانی خانه، محل‌کار و شماره‌تلفن آنان‌میباشد. درقسمت دوم‌نام ۷۱نفر دیگر که ظاهراً پس ازچاپ‌قسمت‌اول بعضویت لژهمایون‌درآمده‌اند، بدون رعایت ترتیب‌حروف اول اسامی، بترتیب تاریخ عضویت آنان در لـژ آمده است. پس ازرسیدن این دفترچه با توجه باوراق تقاضای عضویت ۲۵۰ داوطلب دیگر، با مشخصات کامل هریك‌کـه قبلاً در اختیار نگارنده بود، و همچنین دفتری که به‌خط سلسبیلی[۲] منشی‌لژ همایون است و از آن نیز استفاده‌گردیده، لیست‌کاملی ازهمه اعضای‌لژ در سراسر ایران بدست آمد، که در اینجا اسم ومشخصات آنهارا (به‌جز پنج‌نفر که متأسفانه بعللی از ذکر نامشان خودداری‌میشود) عیناً نقل می‌کنیم:

۱- با اینکه اتهامات زیادی بمرحوم جواهری وارد‌آورده‌اند و برادران ماسونی‌اش اورا شخصی‌سوء استفاده‌چی معرفی‌کرده ومی‌کنند، معهذاپس‌ازدرگذشت‌وی معلوم‌شدکه فقط یکهزار و پانصدتومان پول‌نقد از او باقی‌مانده و خانه مسکونیش نیز استیجاری بوده‌است. بطوریکه موجرپانزده روزپس‌ازدرگذشت جواهری، همسروفرزندان‌آن‌مرحوم‌را مجبور به تخلیه خانه اجاره‌ای نمود.

۲- علی‌اصغر سلسبیلی‌هم‌اکنون منشی ومتوطرف اعتماد لژمولوی میباشد.

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
الف :					
آبتین	عیسی	محمد مهدی	۵۹	رئیس بانك پارس	۱۳۳۳ر۱۲ر۲۰
آبتین	منوچهر	عیسی	۳۴	نفت ملی	۱۳۳۴ر۳ر۸
آبتین	موسی	مهدی	۵۷	مدیر کل گمرك	۱۳۳۳ر۱۲ر۲۰
اخوی	سلیمان	–	۵۳	بازرگان	
ارسطوزاده	امیرقلی	اسمعیل	۵۰	نفت ملی	۱۳۳۳ر۱۲ر۹
آرین پور	قاسم	هدایت	۴۸	« «	۱۳۳۳ر۵ر۲۴
آذری	سرتیپ محمدحسن	اسمعیل	۴۶	افسر ارتش	۱۳۳۳ر۲ر۱۲
اسکندانی	امیرقاسم	حسین	۵۴	وزیر پست وتلگراف	
اشراقی	حبیب‌اله	تقی	۴۸	بازرگان	
اشراقی	محمد تقی				
افتخار	محمد رضا	حاج محمدکاظم	۳۶	بازرگان	
افخمی	احمد	محمد حسن	۵۱	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۷ر۱۹
اقبال	احمد	ابوتراب		وزارتخانه	
امام شوشتری	سید محمدعلی	محمد شریف	۴۶	رئیس گمرك	
امیرحکمت	دکتر علی	عبدالحسین		پزشك	۱۳۳۳ر۸ر۲۴
امیرتیرومند	دکتر عیسی		۶۷	نماینده مجلس	
امیری قراگوزلو	غلامحسین				
آموده	مهدی	فتحعلی	۵۶	پست تلگراف	۱۳۳۲ر۱۲ر۴
القابیان	حبیب‌اله	بابائی	۴۰	بازرگان	
القابیان	داود	بابائی	۴۳	بازرگان	۱۳۳۲ر۱۱ر۱۹
انصاری	دکتر ناصر	علی	۴۱	استاد دانشکده پزشکی	۱۳۳۳ر۶ر۲۳
ایزدی	علی	مهدی	۴۸	دربار	۱۳۳۲ر۱۰ر۱۵
ب :					
بادین	ویروسلاو	اوگستین	۴۳	آبجوسازی	
بالاس	اوراهام				
بختیار	ابدال	غلامحسین	۴۰	زراعت	
براتلو	احمد	علی	۲۷	نخست‌وزیری	

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
بشیرسلطان	محمد	—		—	—
بقائی	سرلشکر حسن	علی‌اصغر	۵۹	سناتور	
بهزادی	عیسی	موسی	۴۹	وکیل دادگستری	۱۳۳۳ر۱۱ر۲
بهبودی	سلیمان	سلمان	۵۲		
بوربور	غلامحسین	علی عظام‌الملك	۴۸	نماینده مجلس	
پ :					
پرتو	دکتر علی	محمد	۴۷	وزارت خارجه	
پناه	ابراهیم	حسن	۴۰	دارائی	
پورسرتیپ	فتح‌اله	شیرمحمد	۴۷	نماینده مجلس	
ت :					
تربیت	غلامعلی	صادق	۵۲	مجلس سنا	۱۳۳۲ر۱۰ر۱۱
توماج	عبداله	علی	۶۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۱۲ر۹
ث :					
ثقةالاسلامی	موسی	محمود	۴۲	« «	۱۳۳۲ر۱۰ر۸
ج :					
جعفری	رضا	عین‌اله	۴۵	وزیر فرهنگ	۱۳۳۱
جلالی	دکتر فتح‌اله	شمس‌الدین	۴۳	سازمان برنامه	«
جهان	جعفر	محمدباقر مازندرانی	۴۷	وکیل دادگستری	«
ح :					
حداد	سمیر	میشل	۲۵	مهندس مکانیك	۱۳۳۳ر۸ر۱۴
حداد	محسن	محمدکریم	۵۰	معاون فرهنگ	۱۳۳۳ر۸ر۳
خ :					
خان اکبر	نعمت‌اله	میرزا کریمخان	۴۱	مالك	۱۳۳۳ر۲ر۱۲
خزیمه علم	امیرحسین	امیرمعصوم	۴۲	مالك	۱۳۳۳ر۳ر۳
خسنو	تقی	محمد نبی	۵۰	قاضی دادگستری	
خسروانی	شهاب	محمدهاشم ارباب	۵۳	نماینده مجلس	
خشایار	دکتر علی‌اصغر	محمد علی	۴۶	سازمان برنامه	
خطاطان	موسی	محمد	۳۹	مدیر کل دارائی	

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
خلعتبری	عباسعلی	نصرالله	۴۰	وزارتخارجه	
د :					
دانتر	یهوداللئون	لوئل	۳۷	رئیس آژانس یهود	
دادور	محمد	مهدی	۴۲	بازرس وزارت کشور	
داودیان	سید اسمعیل	سید مهدی	۴۰	وکیل دادگستری	
دولتشاهی	عباس	منوچهر	۵۸	وزارتخارجه	۱۳۳۲/۹/۲۷
دولوقاجار	جمشید	آصف‌السلطنه	۵۰	مهندس کشاورزی	
دهقان	محمود	محمد باقر	۵۰	-	۱۳۳۲/۴/۱۲
ذ :					
ذوالریاستین	دکتر مهدی	هادی	۴۷	پزشك	۱۳۳۱/۲۴
ر :					
راجی	دکتر عبدالحسین	عبدالحمید	۵۰	جراح	۱۳۳۲/۱۱/۲۹
رأفت	محسن	ابوالقاسم	۴۰	مدیر روزنامه رأفت	
رامبد	هلاکو	محمدحسین سالارسعید	۳۳	ملاك	
رشیدی حائری	عبدالامیر	محمد	۴۴	وزارتخارجه	۱۳۳۲/۱۱/۲۹
ز :					
زریاب	عباس	علی	۳۳	کتابدار مجلس	۱۳۳۲/۱۰/۱
س :					
سرمد	صادق	سید محمدعلی	۴۵	وکیل دادگستری	
سرمد	سید مرتضی	سید محمدعلی	۴۲		۱۳۳۴/۳/۸
سردارگودرزی	عزت‌الله	امیر نصرت	۳۶	قاضی	۱۳۳۳/۱/۱۸
سعیدی	عبدالله	ابراهیم	۳۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۳/۱۱
سلطان‌زاده پسیان	حسینعلی	غلامرضا	۴۷	معلم دانشگاه	
سلامت	مهندس محمود	عبدالحمید	۴۴	سازمان برنامه	۱۳۳۲/۱۱/۲۰
سلطان	محمد بشیر	محمد	-	بازرگان	۱۳۳۳/۸/۲۹
سنندجی	عبدالحمید	حاجی عزیز	۵۴	ملاك	۱۳۴۲/۷/۷
سهن	مرتضی	ربی	۵۵	بازرگان	
سیاسی منتظم	محمد ولی	طاهر	۵۳	وزارتخارجه	۱۳۳۳/۱۲/۲

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
مصدقی	محسن	حاجی مصدق‌الممالك	۴۶	وکیل دادگستری	
مصدقی	هدایت‌الله	محسن	۴۹	اقتصاد ملی	۱۳۳۳/۳/۱۸
معتضدی	دکتر عباس	غلامحسین	۴۲	استاد هنرسرای عالی	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مالك	۱۳۳۲/۱۱/۲۰
ملایری	محمود	اسمعیل شیخ‌الاسلام	۴۷	وزارتخارجه	۱۳۳۳/۳/۶

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
سیف	امان له	علی‌اکبر	۶۳	مالك	۱۳۳۳ر۲ر۴
سهیلی	علی	غلامعلی	۵۷	سفیرایران‌درلندن	۱۳۳۲ر۱۲ر۱۹
ش :					
شایان	عباس	احمد	۵۹	معاون‌آمارکل	۱۳۳۴ر۲ر۲
شاهق	سید ابوالحسن	سیدکاظم	۳۱	وزارت دارائی	
شاهیده	عباس	ابوالقاسم	۶۰		۱۳۳۳ر۲ر۷
شپیرا	موشی	میخائیل	۳۴	معاون‌مهاجرت‌اسرائیل	
شریعتمداری	عبدالرسول	مرتضی	۴۴	رئیس‌مبارزه‌باقاچاق	
شفا	دکتر جلال	ارسطو	۵۸	طبابت	
شفائی	اسمعیل	محمد کاظم	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۳ر۲ر۷
شفائی	دکتراحمد	علی	۴۶	استاددانشکده‌پزشکی	۱۳۳۲ر۹ر۲۸
شقاقی	مهندس‌حسین	علی	۵۵	مهندس	
شکوه	مسعود	مرتضی	۳۷	معاون گمرك	
شوکتی	مهدی	غلامرضا	۴۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۱ر۱۷
شهردار	دکتر یحیی	ابوالفتح	۴۴	پزشك	۱۳۳۳ر۱۰ر۶
شهشهانی	باقر		۲۵		۱۳۳۲ر۱۱ر۲۵
ص :					
صادمی	غلامحسین	عزیزاله	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۶ر۲۲
صباحی امین	نقی	مهدی	۵۰	مهندس	
صدیقی	محمد علی	محمد صادق	۴۱	پزشك	۱۳۳۴ر۱ر۱۴
صراف‌زاده	رضا	علی	۵۵	بازرگان	
صفائی	عبدالصاحب	محمد علی	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۲ر۲ر۱۸
صلاحی	احمد	محمد	۶۰	وزارتخارجه	۱۳۳۳ر۱۱ر۱۸
ط :					
طالقانی	مهندس خلیل	علی‌اصغر	—	وزیر	۱۳۳۳ر۹ر۸
طوب	موسی	اسمعیل	۶۴	بازرگان	
ظ :					
ظفر	کیقباد	خسروسردارظفر	۴۵	مهندس	۱۳۳۲ر۱۱ر۲۰

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
ظلی	دریادار عبداله	امیراصلان	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۲/۱۲/۱۸
ع :					
عامری	احمد	لقته	۴۸	راه آهن	۱۳۳۳/۱/۷
عامری	مصطفی				
عجم	ناصر	احمد	۳۷	کشاورز	۱۳۳۳/۱/۷
عدل	احمدحسین	مسعود عدل الملك	۵۴	سازمان برنامه	
عدل	مجید	مسعود	۴۱	مدیرعامل‌دامپروری	
عرب شیبانی	اسداله	امیر سلیم	۴۸		۱۳۳۴/۴/۱۰
عرب شیبانی	عباسقلی	امیر سلیم	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۲/۱۰/۸
علوی‌مقدم	مهدیقلی	علیقلی	۵۰	رئیس شهربانی	۱۳۳۳/۲/۲۷
عمادتربتی	عمادالدین	حاج‌شیخ‌عبدالرضا	۴۹	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۲/۱۴
ف :					
فرجام	مصطفی	ابوطالب	۵۸	بازرس راه‌آهن	۱۳۳۲/۱۱/۲۵
فرداد	علی	مرتضی	۳۵	گمرك‌امانات‌پستی	
فرود	دکتر اسداله	سیدفضل‌اله	۴۴	بازرس‌اقتصادملی	۱۳۳۳/۱/۱۷
فرود	سیدفتح‌اله	» فضل‌اله	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۳/۳
فروغی	محسن	محمدعلی	۴۵	استاد دانشگاه	
فروغی	مسعود	محمدعلی	۴۰	دبیرشورایعالی‌سازمان برنامه	
فروهر	غلامحسین	محمود	۵۱	کارمند دولت	۱۳۳۳/۱۲/۲۳
فرهودی	سیدحسین	سیدمرتضی	۵۱	عضو فرهنگ	
فریار	دکترعبداله	میرزا آقاخان	۴۲	عضوسازمان ملل‌درایران	
فیلسوفی	دکتراسماعیل	دکترعبدالحسین	۴۱	استاد دانشگاه	۱۳۳۲/۱۱/۲۷
ق :					
قدس نخعی	حسین	علی‌اکبرزاده	۵۲	سفیر ایران در بغداد	۱۳۳۴/۷/۱۵
قریب	جمشیدنصراله	عباسقلی	۴۱	وزارتخارجه	
قریشی	محمد	حسن	۴۴	ملاك	
قدعی‌نوائی	دکترحسین	اسداله‌مستشارالسلطنه	۴۹	وزارتخارجه	
قزل ایاغ	حسینقلی	قهرمان	۷۴	طبیب	

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
قوامی	رحمت‌اله	محمدحسن	۵۰	کنسرسیوم	
قهرمانی	محمد مهدی	کیومرث	۵۱	مدیر کل گمرک	
ك :					
کاسمی	نصرت‌اله	اسداله ودبیرحرم»	۴۰	طبیب	
کرامتی	محمد	عبدالحسین	۶۴	کشاورز	
کرامتی	دکتر نعمت‌اله	محمد	۳۱	پزشك	۱۳۳۲/۱۱/۱۸
کفائی	جعفر	احمد خراسانی	۴۴	وزارتخارجه	
کشفی	جمشید	میرزاآقا	۴۱	بازرگان	۱۳۳۳/۴/۲۲
کیا	دکتر امیر	طاهر	۴۲	جراح	
کیان	دکتر غلامرضا	محمد قاسم	۵۰	نماینده مجلس	
کوچکعلی	علی	عبدالنبی	۳۵	بازرگان	۱۳۳۲/۱۲/۱۷
کهنیم	مهدی	یعقوب	۴۴	بازرگان	
گ :					
گیبریل	ایوب	شکری	۴۵	مقاطعه‌کار	
گلشائیان	عباسعلی	رضا قلی	۵۲	وزیر	
گنجاوش	فریدون	محمد تقی‌خان	۵۵	وزارت خارجه	
م :					
مانی	عباسقلی	ابوالقاسم	۳۹	مهندس	
مالك	لقمان‌الملك‌سعید	عیسی	۶۳	پزشك	۱۳۳۳/۸/۲۵
محمدی	مهندس عباس	حیدر علی	۴۰	راه‌آهن	۱۳۳۳/۳/۴
مدرس‌چهاردهی	مرتضی	محمد	۴۲	وزارت کشور	۱۳۳۳/۲/۱۴
مرادپور	حبیب‌اله	داوذ	۴۲	تجارت	
مرشدزاده	دکتر رحمت	تقی	۴۲	استاد دانشگاه	
مرعشی‌پور	علی‌اکبر	حسین	۴۲	وزارت دارائی	
مرندی	علی	جواد	۴۷	شرکت ملی	۱۳۳۳/۱۲/۱۸
مستوفی زاده	محمد جواد		۴۶	مقاطعه‌کار	
مشیری	رضا	عباسقلی	۴۰	وزارت‌خارجه	۱۳۴/۱/۳
مشکوتی	نصرت‌اله	نجم‌الدین	۴۲	فرهنك	۱۳۳/۲/۲۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
مصدقی	محسن	حاجی‌مصدق‌الممالک	۴۶	وکیل دادگستری	
مصدقی	هدایت‌الله	محسن	۲۹	اقتصاد ملی	۱۳۳۳/۳/۱۸
معتضدی	دکتر عباس	غلامحسین	۴۲	استاد هنرسرای عالی	
مفخم	دکتر جمشید	اسحق	۲۲	مالک	۱۳۳۲/۱۱/۲۰
ملایری	محمود	اسمعیل‌شیخ‌الاسلام	۴۷	وزارتخارجه	۱۳۳۳/۳/۶
ملک‌پور	سید ذبیح‌الله	سید عزیزالله	۵۰	بازرگان	
ممتاز	عبدالله	عبدالصمد	۵۸	وزارتخارجه	
منصور	حسنعلی	علی		وزارتخارجه	
منصور	مهدی	عبدالله	۵۷	کارمند دولت	۱۳۳۳/۴/۸
موسوی	اسدالله	حاج سیدآقا	۵۷	ملاک	
موسوی غروی	سیدعلی‌اکبر	سید عبدالغفور	۴۸	سردفتر اسناد رسمی	
مهران	احمد	صادق	۴۵	فرهنگ	۱۳۳۳/۱۲/۱۶
مهران	دکتر محمود	صادق	۵۰	فرهنگ	۱۳۳۳/۱/۲۴
میرهادی	سید محمد	سید عبدالباقی	۵۰	وزارت دارائی	
میکده	مهندس غلامعلی	علی	۵۴	مهندس	
مثیر بالاس	اوراهام	حیم	۳۸	رئیس مدارس ارت ایران	
ن :					
ناصری	مهندس نصرالدین	ناصرالدین	۳۸	مهندس کشاورزی	۱۳۳۳/۳/۱۸
ناتان	شاول	ناتان	۵۳	بازرگان	۱۳۳۴/۱۲/۲۴
نجم‌آبادی	دکتر ابوالقاسم	مرتضی	۴۶	استاد دانشگاه	
نجم‌آبادی	دکتر محمود	مرتضی	۴۹	پزشک	
نخجوانی	دکتر عباس	محمد	۵۱	طبابت	۱۳۳۳/۱/۱۸
نصر	سید علی	سید احمد	۵۲		۱۳۳۳/۴/۲۲
نسه‌جی	داریوش	میرزا	۵۲	بازرگان	
نیساری	سلیم	عبدالله	۳۲	مشاور فرهنگ	
نیساری	عباسقلی	ابوالحسن	۴۴	رئیس بانک کشاورزی	۱۳۳۳/۱۱/۴
و :					
واعظ پور	اسماعیل	علی	۴۲	بازرگان	

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
ه :					
هاشمی حائری	سید علی	سید حسن	۵۴	روزنامه‌نگار و نویسنده	۱۳۳۲/۱۰/۱
هدایتی	دکتر محمدعلی	احمد	۴۲	استاد دانشگاه	۱۳۳۳/۳/۴
هنجنی	نصراله	محمد	۳۶	وزارت کشور	
ی :					
یدیدی	دکتر حبیب‌اله	فرج‌اله	۳۳	داروساز	
یفیموف	اژن	آناتولی	۴۸	مهندس	
یکانگی	جمشید	بهرام	۴۶	بازرگان	
یوسفی	مهدی	حاج یوسف	۴۱		۱۳۳۴/۴/۱۳
لژ اصفهان :					
اشرف احمدی	علی	بزرگ	۴۳	قاضی دادگستری	۱۳۳۳/۱۱/۱۲
امیر نیرومند	دکتر ناصر	دکتر عیسی‌قلی	۳۵	جراح	۱۳۳۳/۱۱/۱۴
اسکندری	حسن	تیمور	۴۸	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۱۶
برومند	محمد باقر	محمد هاشم	۳۸	مالک	۱۳۳۳/۱۰/۶
بنی‌سلیمان شیبانی	مصطفی	مهدی	۵۲	شرکت ملی نفت	۱۳۳۳/۹/۲۸
حکمت یار	فضل‌اله	عبدالوهاب	۳۲	رئیس آزمایشگاه شیمی	۱۳۳۳/۹/۸
صدری	دکتر احمد	مهدی مدیر صدری	۴۳	شهرداری	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
طوبی	حاج حسین	حاج رضا	۳۲	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
فیروزی	مهندس محمدعلی	مهدی	۳۹	مهندس ساختمان	۱۳۳۲/۱۲/۴
مصطفوی	محمود	رضا	۳۷	بازرگان	۱۳۳۲/۱۰/۵
میرحسینی	دکتر احمد	هاشم	۴۱	طبابت	۱۳۳۲/۱۱/۶
نواب	دکتر عبدالباقی	رضا	۳۹	پزشک	۱۳۳۲/۱۰/۵
لژ اهواز :					
آذری	نصراله	حاجی	۳۷	مالک	۱۳۳۳/۹/۱۱
امام	سید احمد	سید محمد باقر	۵۱	عضو دارائی	۱۳۳۳/۱/۷
امام	دکتر سید ضیاء	سید حسن	۳۰	پزشک	۱۳۳۴/۱/۹
امام جمعه	جلال	محمد شریف	۳۵	شرکت ملی نفت	۱۳۳۴/۱/۹
امامی	محمد رضا	منصور	۳۵	کارمند دارائی	۱۳۳۳/۱/۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
صدیقی	محمدحسن	محمدجعفر	۳۲	–	۱۳۳۳/۶/۳
معصومی بهبهانی	اسداله	قنبرعلی	۵۱	تجارت	۱۳۳۳/۱/۷
صبائی	دکتر عبدالحسین	نصراله	۳۳	دندانپزشك	۱۳۳۳/۷/۵
عجم	ناصر	–	۵۰	ملاك	۱۳۳۳/۱/۷
عامری	احمد	لفته	۴۵	ملاك	۱۳۳۳/۱/۷
عامری	محمد	لفته	۵۰	ملاك	۱۳۳۴/۱/۷
مرتضوی	سیدابوالحسن	سیداحمد	۴۴	بازرگان	۱۳۳۴/۱/۹
مرتضوی	سیدمحمدعلی	حاج سیداحمد	۳۲	–	۱۳۳۴/۱/۱۷
موسوی	سیدمحمدعلی	حاج سیدآقا	۴۰	مالك	۱۳۳۴/۱/۱۷
مهوش	دکتر علیمحمد		۵۰	پزشك	۱۳۳۴/۱/۹
قطب	سید کاظم	عبدالحسین	۵۵	مالك	۹/۱/۳۴ مقیم دزفو
قوامی	رحمت‌اله			نفت ملی	۹/۱/۴۴ مسجدسلیما
لژ خرمشهر:					
آل کاظمی	زبیر	عبدالحسین	۴۰	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۴
بازدی	سید محمد	سیدجعفر	۴۷	بانك ملی	۱۳۳۳/۱۲/۲۹
خلفی	محمدحسن	خلف	۴۴	پست و تلگراف	۱۳۳۳/۱۲/۲۹
فیصلی	حاج علی	حاج فیصل	۴۷	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۲۹
موقر	علی	حسین	۴۵	بازرگان	۱۳۳۴/۳/۲۲
یوسفی	حاج علی	حاج یوسف بهبهانی	۴۴	«	۱۳۳۴/۱۲/۲۹
لژ شیراز:					
خلیلی	علی‌اکبر	محمد شفیع	۴۹	بازرگان	۱۳۳۴/۴/۱۰
دستغیب	سیدکاظم	محمد جعفر	۵۲	قاضی	۱۳۳۴/۱/۲۸
فرزانه	دکتر تمدن	احمد	۳۶	–	۱۳۳۴/۳/۲۲
قربان	دکتر ذبیح	علی	۴۹	طبابت	۱۳۳۴/۱/۲۸
قوامی	محمدقلی	حبیب‌اله	۴۷	ملاك	۱۳۳۴/۴/۱۰
لژ تبریز:					
چاکوتاهی	منیع	حسین	۳۸	مالك	۱۳۳۲/۱۰/۱۵
رفیعی	فضلعلی	علیقلی	۴۱	دادستان تبریز	۱۳۳۳/۵/۲۴

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
صولتی	مظفر	غفار	۴۰	مالك	۱۳۳۳/۱۰/۱۵
مجتهدی	دکتر علی‌اکبر	مصطفی	۵۱	دانشیار دانشکده	۱۳۳۳/۱۰/۱۹
محمودیه	احمد	محمود	۴۷	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۶
موسوی	اسحق	مسیب	۵۰	«	۱۳۳۳/۵/۲۴
نبوی	مهدی	عبدالعلی	۵۱	دارائی	۱۳۳۳/۵/۲۴
یاسائی	حسن	اسماعیل	۴۵	وکیل دادگستری	۱۳۳۳/۵/۲۴

دیپلم فراماسونری

از روزیکه فراماسونری سیاسی بوجود آمد، (۱۷۱۷ م ۱۱۲۹ ه) ، سازمان‌های ماسونی در سراسر جهان به اعضاء خود اوراق و اسنادی میدهند که آنرا «دیپلم فراماسونری» نام نهاده‌اند. این اسناد هنگامی به عضو ماسون داده میشود که یکی از درجات (شاگرد ـ رفیق ـ استاد) را طی کرده باشد.

سازمان فراماسونری لژ همایون نیز به کلیه اعضاء خود دو نوع دیپلم میداد . در بالای این دیپلم‌ها مهر وامضاء «حنائی‌ـ راشد» معمار بزرگ گراند لژ « محفل اکبر مثالی عالمی » بچشم میخورد ، مهر و امضاء دیگر متعلق به « خلیل ابوخدود » گراند ماستر ، مقیم بیروت است که مؤسسین لژهمایون در ایران میباشند ، ودر عین‌حال‌مشارالیه «نصب کننده» مؤسسین این لژ در تهران نیز بوده است .

اینك برای نخستین بار چند نمونه از دیپلم‌های اعطائی به لژهمایون که فتوکپی آنها را یکی از دبیران لژ مذکور در اختیار ما گذارده ، دربن جا نقل میکنیم ، امید است در آتیه بتوانیم تعداد زیادتری منتشر کنیم :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد


المجلس السامی المثالی العالمی للدرجة ۳۳ (الاخیرة)

Suprême Conseil Idéal Universel

DU 33e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

من القطب الاعظم والاساتذة الاعاظم للطريقة

الاسكوتية نعلن ان الاخ حسين فرهودى

Le Souv. Gr. Com.

Le Grand Chancelier Secrétaire Général

Gr. Trésorier

دیپلم فراماسونی درجه ۳۳ حسین فرهودی استاد دانشگاه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد


ORDO AB CHAO

المجلس السامی المثالی العالمی للدرجة ۳۳ (الاخیرة)

Supreme Conseil Idéal Universel

DU 33e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

دیپلم فراماسونی درجه ۳۳ سناتور علی اشرف احمدی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بسم الله مهندس الکون الاعظم



المجلس السامى المثالى العالمى للدرجة ٣٣ «الاخيرة»
للطريقة الايكوسية القديمة و المقبولة لوادى النيل و افريقيا و الشرق الاوسط

Supreme Conseil Idéal Universel
DU 33° ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

دیپلم فراماسونی درجه ۳۳ محمد قریشی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

المحفل الاكبر المثالي العالمي

THE WORLD WIDE IDEAL GRAND LODGE

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS

دیپلم فراماسونری حسنعلی منصور نخست‌وزیر اسبق

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دیپلم فراماسونی احمد افخمی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دیپلم فراماسونی احمد اقبال دیپلمات وزارت امور خارجه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

المحفل الاکبر المثالی العالمی

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS

دیپلم فراماسونی سناتور امیرحسین خزیمه علم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دیپلم فراماسونی سپهبد مهدیقلی علوی مقدم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

المحفل الاكبر المثالي العالمي
THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE
FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS

دیپلم فراماسونی احمد حسین عدل وزیر اسبق کشاورزی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد





ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

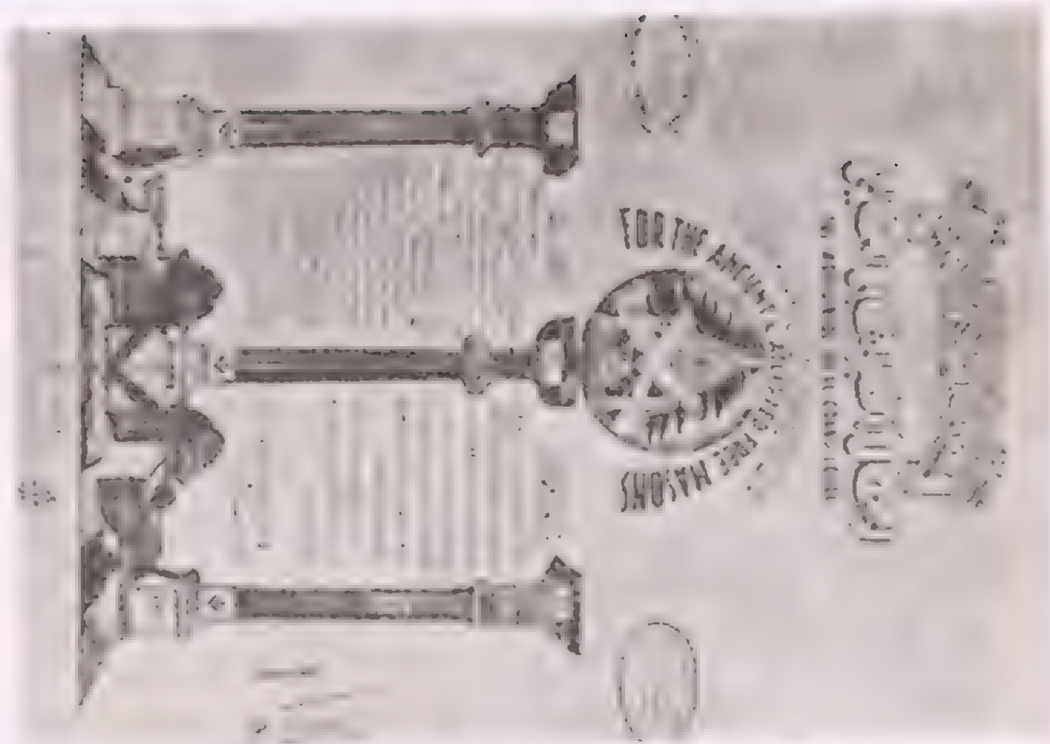


دیپلم فراماسونی دکتر غلامرضا کیان استاد دانشگاه

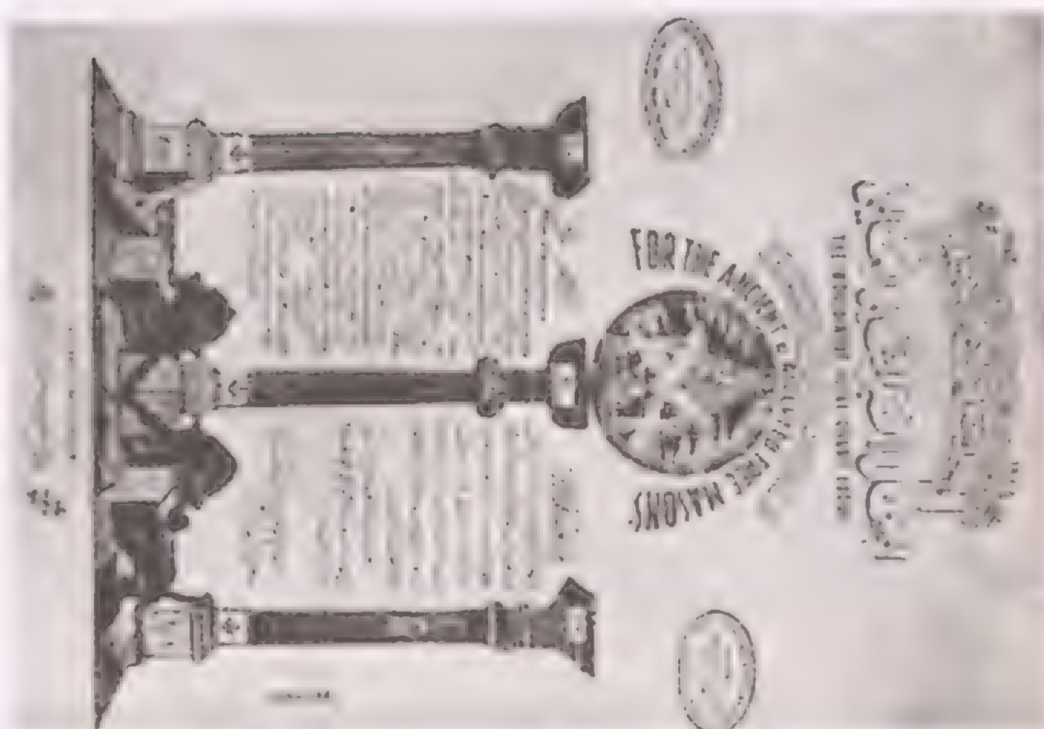


دیپلم فراماسونی عباسقلی گلشائیان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

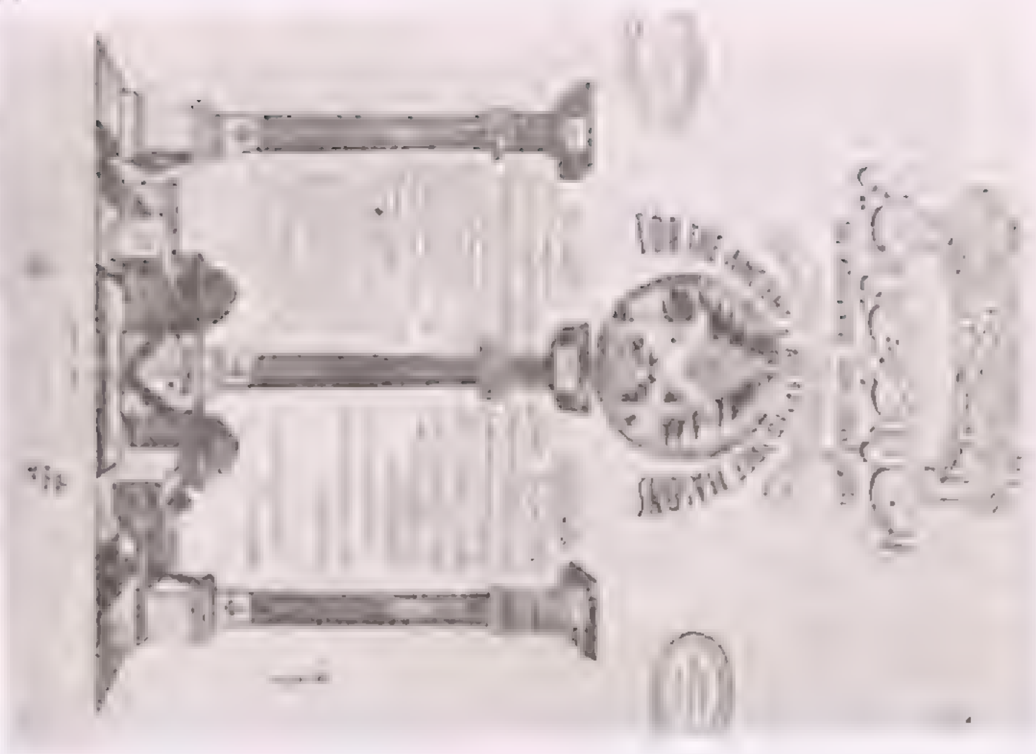


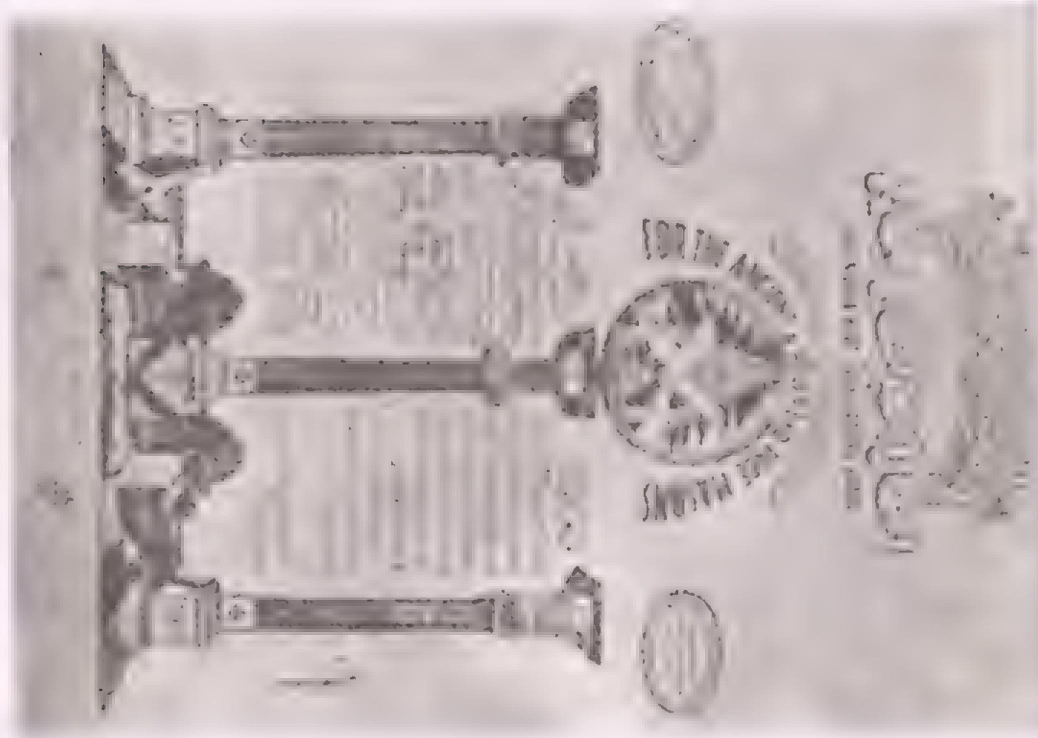
دیپلم فراماسونی دکتر احمد هومن



دیپلم فراماسونی علی منصور نخست وزیر اسبق

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد





دیپلم ماسونی عباسقلی نیساری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



محمد مستوفی‌زاده مقاطعه‌کار وعامل شرکت سابق نفت درخوزستان



استاد اعظم محمد قریشی خراسانی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دکتر ذبیح قربان رئیس دانشکده پزشکی شیراز



جهانگیر ریاحی با پیش بند شاگردی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



میراسلاو بادین مدیر کارخانه
آبجوسازی مجیدیه



بالاس اوراهام تبعه چکاسلواکی
که به تبعیت ایران درآمد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد





دو نفر از اتباع خارجی که بعد از جنگ تابعیت ایران را قبول کردند و عضو لژ همایون شدند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



حاج حسین طوبی تاجرزوده اصفهان
با پیش‌بند (شاگرد)



حسین صدیقی مقاطعه‌کار مقیم خوزستان
با پیش‌بند (رفیق)

میهمانی‌های سفید فراماسونها

فراماسونها در بیشتر کشورهای جهان، باشگاهها ورستورانهای ویژه‌ای دارند ، که اوقات بیکاری خود را در این اماکن می‌گذرانند ضیافت‌عمومی لژها وهم‌چنین‌میهمانیهای‌خصوصی‌افراد، اغلب‌درهمین باشگاهها و رستورانها برگذار میشود .

«میهمانی سفید» نام ضیافتهائی است که از طرف لژها بر پا می‌گردد و ماسونها با دعوتنامه رسمی لژ در این ضیافتها شرکت می - کنند . نقش مهمی که «میهمانی» در گسترش و توسعه کار فراماسونها دارد ، جلب افراد تازه و یافتن اعضای جدیدبرای‌لژهاست ... بدین ـ معنی که در اغلب این ضیافتها ، کسانیکه برای ورود به لژها در نظر گرفته شده‌اند ، جزء مدعوین هستند و ماسونها ضمن صحبت در باره مسائل مختلف ، آنان را برای تکمیل تقاضانامه ورود و پیوستن به لژها کاملا آماده می‌کنند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ضیافت فراماسونهای اردن درروز اول آذر ۱۳۴۰ در امان بافتخار جواهری



مهمانی سنبد :
تقی‌زاده–دشتی– جواهری (درهیچ نشریه وسند فراماسونی نام علی‌دشتی دیده نشده)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



از راست بچپ: اسمعیل داوودیان ـ احمد مهران ـ خانلاکبر ـ دکتر احمد هومن ـ رضا جعفری ـ
محمدخلیل جواهری ـ محمد میرهادی ـ علی کوچکعلی ـ دکتر یدیدی ـ اصغر سلسبیلی



جواهری و یاران فراماسون او درمهمانی سفید:
جواهری ـ حکیم‌الملک ـ مافی ـ سعدمالک ـ متین دفتری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



امور مالی

درگزارشی‌که لژروشنائی ایران‌برای فراماسنهای‌آمریکائی مقیم ایران تهیه کرده است،[1] در بارهٔ لژ همایون و سوء ـ استفاده مالی محمد خلیل جواهری چنین نوشته شده است:

«... در میان این ۲۵۰ نفر بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ کشور بودند، ولیکن جواهری‌مانند خدائی بر آنها حکومت می‌کرد و تا می‌توانست از آنها پول می‌گرفت. البته هدف او امور خیر به فراماسونری نبود بلکه پول‌ها را به‌نفع خود ضبط می‌کرد. او عقیده داشت چراغی که به‌خانه رواست به مسجد حرام است...» از محمد خلیل جواهری دربارهٔ جمع آوری پول از اعضاء لژ همایون سؤال شد وی درجواب گفت:

«راست است که من از اعضاء لژ همایون بخصوص از ثروتمندان مبالغ قابل توجهی جمع‌کردم ولی‌آنچه‌که از اعضاء لژ همایون جمع‌آوری شده، صرف خرید محل بزرگ و آبرومندی بنام «باشگاه حافظ» که یکی از ارگانهای علنی لژ بود گردید، این محل را که در آب سردار واقع است و قبلا در اجارهٔ سفارتخانه‌های هلند و سوئیس بود به مبلغ پنج میلیون ریال بنام باشگاه حافظ خریدیم، و بعداً بوزارت فرهنگ به‌مبلغ یک‌ملیون‌تومان فروختیم. مابه‌التفاوت این معامله در اختیار لژ مولوی قرارگرفت، که گویا قسمتی از آن نیز به اعضاء مسترد شده است.

بهرحال کلیه کارهای مالی لژ همایون تحت نظرکمیته‌ای بود که اعضاء آن همه از افراد برجسته و قابل اعتماد برادران بودند و اینان عبارتند از:

موسی‌طوب ـ شهاب‌خسروانی ـ حبیب‌القانیان ـ داودالقانیان ـ محمدجواد مستوفی‌زاده ـ عیسی بهزادی. و من ابداً دخالتی در امور مالی نداشتم.»

۱ـ رجوع شود به فصل تشکیل لژهای امریکائی درتهران همین‌کتاب.



مهمانی مفید:
تقی‌زاده‌ـ‌دشتی‌ـ جواهری (درهیچ نشریه وسند فراماسونی نام علی‌دشتی دیده نشده)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اشیاء و دفاتر لژ بیداری ایران

محمد خلیل جواهری درباره مذاکرهٔ خود بامرحوم حکیم‌الملك برای تحویل گرفتن اشیاء واسناد لژ «بیداری ایران» اظهار داشت: «همه ساله درباشگاه حافظ» یك مهمانی سفید ترتیب داده می‌شدکه فراماسنهای عضو لژ همایون، فراماسنهای ایرانی عضو لژهای جهانی وکسانیکه ماسن نبودند به آن، دعوت می‌شدند.

در یکی از این مراسم مرحوم حکیم‌الملك پیشنهاد کرد تا کلیهٔ علائم، تابلوها، پرچم و اسناد لژ «بیداری ایران» راکه خود اومدت پنجاه سال، آنها را درخانه شخصی‌اش نگاهداری می‌کرد، تحویل بگیریم.

هم اوگفت که مراتب را به مرکز «گراند‌اوریان» نیز نوشته و موافقت آنها را جلب کرده است. ضمن تشکر از حسن ظن و نیت او دربارهٔ لژ خودمان، بداو گفتم مادام که محفلی برای تشکیل جلسات لژ بوجود نیامده، قبول این اشیاء ممکن وصحیح نیست، گفتگوهای آنروز بههمین‌جا خاتمه یافت ولی بعدها شنیدم که لژ مولوی قسمتی ازاشیاء لژ بیداری‌ایران‌را بوسیله مسعود فروغی ازحکیم‌الملك تحویل گرفته است و این اشیاء، اکنون در مرکز لژ مولوی نگهداری می‌شود. بایددانست که قسمتی‌از اسناد وصورت جلسات محرمانهٔ لژ بیداری‌ایران قبلا بوسیلهٔ خود مرحوم حکیم الملك در پاریس تحویل مرکز گراند‌اوریان شده بود. وبقیهٔ اسناد نیز دریك صندوق درخانهٔ مرحوم فروغی نگهداری می‌شدکه از سرنوشت آنها اطلاعی نداریم.

دخالت در سیاست

در مدت پنجسالی که لژ همایون دایر بود و کار می‌کرد، گزارش جلسات ماهانه و کارهای آن مرتباً بوسیلهٔ خلیل جواهری به قاهره و بیروت فرستاده می‌شد. دراین مدت افراد لژ همایون حتی در امور سیاسی کشور نفوذ و تأثیر زیادی داشتند و مثلا یکی از گزارشهائی که محمد خلیل جواهری به مرکز لژ فرستاده است دربارهٔ ارتباط یکی از اعضاء جوان لژ با نخست وزیر وقت بوده است. وی در این باره

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

گفت : « بخاطر دارم دریکی از جلسات ، یکی از اعضاء جوان لژ پیشنهاد کرد که از این پس افراد لژ در سیاست روز دخالت نکنند . من که قبلا از هدف او اطلاع داشتم ، درهمان جلسه پیشنهادش را مطرح نموده واعضاء حاضر نیز موافقت کردند که در سیاست دخالت نکنند . روز بعد برای اینکه بکارگردانان لژ ثابت کنم که او با دکتر محمد مصدق نخست وزیر ارتباط دارد بوسیلهٔ کارآگاه مخصوص نخست وزیر که متأسفانه در واقعهٔ بیست وهشت مرداد ۱۳۳۲ کشته شد ، اسامی کسانی را که فردای آنروز بخانهٔ شماره ۱۱۰ «مصدق» آمده بودند بدست آوردیم . معلوم شد جوان مذکور یک روز پس از پیشنهاد عدم مداخله در امور سیاسی ، دو ساعت با دکتر مصدق در خلوت گفتگو می‌کرده است . پس از این حادثه در روزهائیکه این جوان در لژ شرکت می‌کرد ازگفتگو در امور سیاسی و تشریح کارهای سقوط دکتر مصدق خودداری می‌کردیم . یکی از کارگردانان لژ پیشنهاد کرد ، تا او را محاکمه و بنام افشاء اسرار مجازات و اخراج کنیم . پیشنهاد او مورد قبول واقع نشد ، زیرا یقین داشتیم که پس از اخراج او،دولت شخص دیگری را مأمور کسب اطلاعات از لژ خواهدکرد . وی پس‌ازحادثه ۲۸ مرداد از لژ خارج شد ولی اکنون یکی از اعضاء لژ دیگر ماسونری است.»

[illegible]

تنها محاکمه

محاکمه شهاب خسروانی بود . جریان از این قرار بود :

در روزهائیکه دکتر مصدق برای انحلال پارلمان به رفراندوم متشبث شده بود، بنابه‌تصمیم لژهیچیک از اعضاء حق‌شرکت در رفراندوم و موافقت بادولت را نداشتند . ولی روزبعداز رفراندوم یکی از روزنامه‌ها عکس شهاب خسروانی را در حال دادن رأی چاپ‌کرد . سه روز بعد طبق تصمیم اکثریت اعضاء ، عده‌ای از برادران را برای محاکمه خسروانی انتخاب و احکام آنها را صادرکردیم . دراین محاکمه دکترجلالی رئیس محکمه دکترهومن و دکترخشایار عضو ـ صادق سرمد دادستان و جعفر جهان بازپرس بودند . اعضاء دادگاه پس از

محاکمه شهاب خسروانی و ارائهٔ اسناد از طرف او اعلام کردند که عکس مذکور مربوط به‌چند سال قبل بوده وبدینترتیب وی را تبرئه نمودند.

شناسائی رسمی

یکی از بزرگترین موفقیتهای لژ همایون، شناسائی این لژ بوسیله لژهای وابسته به گراند‌اوریان در سراسر جهان بود.

این شناسائی درسال ۱۹۵٤صورت‌گرفت و ازطرف همهٔ‌گراندلژهای وابسته به‌گراند‌اوریان نامه‌ها و تلگرافهای تهنیت‌آمیز برای لژ واستاد اعظم آن رسید. ژنرال مونیر دبیرکل گراندلژ «گراند‌اوریان» برای اینکه اهمیت بیشتری به لژ همایون بدهد، در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۵٤ (اول اسفند ۱۳۳۲) دعوتنامهٔ زیر را بعنوان استاد اعظم لژ همایون به‌تهران فرستاد.

گراند‌اوریان دوفرانس

پاریس عمارت مرکزی ۱٦کوچه کادهٔ

۱۹فوریه۱۹۵٤

ت∴ ای-ال-ال ∴ جی ∴ م∴

مـا بموقع خود برای شما یك دعوتنامه فرستادیم تا در کارهای مقدماتی مربوط به‌ایجاد یك اتحادیه برادری فراماسونری شرکت‌کنید. زیرا این اتحادیه آزادی کامل فکر را به‌رسمیت می‌شناسد ونخستین جلسهٔ آن درتاریخ ٤و۵ ژوئیه ۱۹۵۳ در پاریس منعقد شد. و اینك از شما دعوت می‌کنیم که در جلسهٔ سال آتیه آن کـه در تاریخ سوم و چهارم ژوئیه سال ۱۹۵٤ در پاریس تشکیل خواهد شد شرکت کنید.

اگر شما مایل به قبول این دعوت هستید، خواهشمند است جواب قبولی خود را برای ما بفرستید. درعین‌حال شما می‌توانید سئوالاتی درباره دستورجلسه از ما بکنید. همچنین لازم است که قبلا به‌ما بگوئید که چه‌کسی نمایندهٔ شما در این جلسات خواهد بود وپیشنهادات خودتان در آن چیست؟

GRAND ORIENT DE FRANCE

PUISSANCE SYMBOLIQUE SOUVERAINE
POUR LA FRANCE METROPOLITAINE ET D'OUTRE-MER
16, RUE CADET, PARIS (9e)



[illegible] de Paris, le 19 Février [illegible].

T∴ Ill∴ Gr∴ M∴,

Nous vous avons fait parvenir en son temps [illegible] invitation aux travaux préliminaires à la création [illegible] "ALLIANCE FRATERNELLE DES PUISSANCES MAÇONNIQUES", [illegible] naissant la liberté complète de penser, dont la première réunion s'est tenue à PARIS, les 4 et 5 Juillet [illegible].

Nous vous invitons, par la présente, à participer à la prochaine réunion qui aura lieu à PARIS les [illegible] Juillet 1934.

Si vous désirez répondre à notre invitation, nous vous serions reconnaissants de bien vouloir nous adresser votre acceptation. En même temps, vous pourriez nous prévenir des questions que vous désireriez voir figurer à l'ordre du jour, nous signaler quels seront vos représentants et, d'une façon générale, nous faire connaître vos suggestions.

Avec nos remerciements anticipés, veuillez agréer, T∴ Ill∴ Gr∴ M∴, l'expression de nos sentiments frat∴ dévoués.

Le Secrétaire Général du Grand Orient de France

[illegible] MEUNIER.

Pour le Bureau Provisoire de l'ALLIANCE

Le Secrétaire

Marcel RAVEL.

دعوتنامه استاد اعظم گرانداوریان به استاد لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خواهشمندیم درخاتمه قرائت این نامه احساسات برادرانه ما را بپذیرید .

دبیر کل لژ گرانداوریان فرانسه ومنشی کمیته تدارکات اتحادیه لژهای گرانداوریان ژنرال مونیر

متعاقب وصول این دعوتنامه ، نامهٔ دیگری به لژ همایون رسید که در آن رسماً روز تشکیل کنگره جهانی ماسنهای گرانداوریان تعیین و اعلام شده بود متن این نامه چنین بود :

گرانداوریان د فرانس

۱٦کوچه کاوه پاریس (نهم) ـ شورای عالی طریقت

تلفن . . . آدرس تلگرافی

۱۰ ژوئن ۱۹۵۵

لژ بزرگ . . . تهران

برادران عزیز

باکمال افتخار بهاطلاع شما میرسانیم که ازتاریخ ۱۹ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ لژ بزرگ فرانسه در عمارت مرکزی ۱٦کوچه کادهٔ پاریس جلسات خود را دایر می‌نماید . شورای مرکزی مفتخرخواهد بود که درآخرین جلسه لژکـه روز ۲۳ سپتامبرساعت ۱٦ دایر میشود از یك هیئت اعزامی لژ (عضو) تهران ∴ R.∴O پذیرائی نماید . درصورت امکان توسط رئیس لژ قبولی خود را اعلام نمائید .

امیدواریم که حضور در این جلسه را که با یك مهمانی برگزار خواهد شد قبول فرمائید .

(لباس تیره رنگ)

برای حفظ نظم وترتیب تشریفات خواهشمندیم قبلاً اسامی برادرانی را که در مهمانی حضورمییابند با رتبه‌هایشان بما اطلاع دهید .

متمنی است تشکرات قبلی و احساسات برادرانه ما را قبول فرمائید .

منشی شورای مرکزی　　　منشی عمومی ژنرال مونیر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شرکت در کنفرانس بین المللی

گراند اوریان نه تنها از لژ همایون که تابع گراندلژ مصر بود دعوت کرد ، بلکه برای لژ روشنائی ایران نیز دعوتنامه‌ای فرستاد تا در کنفرانس بین المللی مذکور شرکت نماید ، ولی لژ روشنائی که اصولا یك لژ وابسته گراند لژ اسکاتلند است، بداین دعوتنامه جواب منفی داد ، زیرا فراماسونری اسکاتلند ، گراند اوریان را غیرقانونی می‌داند و آنرا سازمانی می‌شناسد که حق مراوده با آن ممنوع است . ولی لژ همایون در خرداد ماه ۱۳۳۳ (ژوئن ۱۹۵٤) دعوت فوق را درجلسه‌ای که کارگردانان و رؤساء آن حضور داشتند مطرح کرد و موافقت نمود که نمایندگانی جهت شرکت در کنفرانس مذکور اعزام دارد و مستقیماً تقاضانماید که بهگراند اوریان ملحق شود .

بموجب گزارش تکمیلی که گراند اوریان برای استاد اعظم لژ همایون فرستاد، اعلام داشت که: در کنفرانس مورد بحث از کلیه لژهای فراماسونری جهانی بمنظور رفع اختلافات دعوت شده تامقدمات اتحاد ، لژهای معظم جهانی را فراهم آورند . دستور جلسات کنفرانس بشرح زیر خواهد بود :

۱ـ قبول آزادی عقیده شخصی و اجتماعی که جزو لاینفك اصول ماسونی است

۲ـ جستجوی طرق عملی برقراری آزادی عقیده .

۳ـ مسئله اعتقاد بخداوند و قسم خوردن بهکتب آسمانی در مراسم پذیرش فراماسنها .

شرکت جداگانه فراماسونهای ایرانی دراین کنفرانس که برای نخستین بار صورت می‌گرفت ، ازاینجهت مهم بود که همیشه فراماسونهای جهانی عقیده داشتند که ماسنهای ایرانی لیاقت شرکت در کنفرانسهای جهانی را ندارند و هرجا چنین کنفرانسهائی تشکیل می‌گردید ، ماسنهای انگلیسی به نمایندگی برادران ایرانی خود درآنها شرکت می‌نمودند . درمدت سی وپنج سالی که (لژ روشنائی) درایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تشکیل و فعالیت میکند، حتی برای یکبار نماینده‌ای (که فراماسون ایرانی باشد) از ایران به‌خارج عازم نشده بود.

در جلسه‌ای کـه دعوتنامه‌های گراندلوریان مطرح شد ، یکی از رؤساء لژ همایون که با انگلیسی‌ها ارتباط داشت پیشنهاد کرد که قبلاً موافقت فراماسنهای انگلیسی‌مقیم ایران جلب شود . ولی سایر اعضاء با این پیشنهاد مخالفت کردند و چون تا تشکیل جلسات کنفرانس ، زمان کوتاهی بیشتر باقی نمانده بود ، محمد خلیل جواهری در همان جلسه اشخاص زیر را برای شرکت در جلسات کنفرانس به‌پاریس انتخاب کرد : دکتر احمد هومن ، دکتر محمود هومن ، شهاب خسروانی علی سهیلی ، دکتر هدایتی ، دکتر خلعتبری و ارنست پرون سویسی. چون آن ایام مصادف با سالگرد تأسیس لژ همایون بود. خود جواهری به بهانهٔ انجام تشریفات جشن سالانه از رفتن عذرخواست وقرار شد ، سایرین با هزینهٔ لژ به‌پاریس بروند. دکتر احمد هومن گزارش این سفر را بتفصیل برای مرحوم جواهری چنین شرح می‌دهد :

٤ ـ ژوئیه ۱۹۵٤ـ۱۳تیر۱۳۳۳

استاد و برادر ارجمند   انشاءالله سالم و موفق باشید. کاغذی از یوگسلاوی حضورتان عرض شد . قطعاً رسیده است . بطور خلاصه در تبریز برادران آقای واعظ‌پور ، دکتر نخجوانی ، کوچصفهانی و دو نفر دیگـر از برادران به‌مهمانخانه (متروپل) آمدند وفوق‌العاده مهربانی کـردند . در اسلامبول هم برادران آقای کهنموئی و قاسم‌زاده را ملاقات کردم . خیلی اظهار برادری کردند . در یونان که کشور دزدان است ، اتفاق بدی افتاد که در کاغذ یوگسلاوی حضورتان عرض کردم . جامه‌دان متعلق بخانم که روی سقف اتومبیل بود ، دزدان طناب آنرا در تاریکی شب بریدند و بردند .

قریب سه هزار تومان ضرر خورد چون عجله داشتم بـا وجودیکه پیشنهاد کردند برگردیم راه را ببینیم شاید افتاده باشد قبول نکردم چون یکروزکم می‌شد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



Hôtel Mac-Mahon
3 AVENUE MAC-MAHON
PARIS 17e

گزارش دکتر احمد هومن از پاریس به استاد اعظم از همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وبموقع نمی‌رسیدیم. مسافرت ما ۱۵روزطول کشید یکروز در آنکارا ماندیم برای گرفتن ویزای راننده یك روز هم اسلامبول آقای جمشید قریب را دیدیم الحق که‌جوان شایسته وبرادر ارجمندی است پسر آقای سرتیپ‌کوپال موسوم به‌داریوش کوپال خیلی جوان شایسته‌ایست، مذاکره کردیم خیلی مایل است به ما به‌پیوندد خواهشمندم تقاضا نامه رابفرمائید به‌آدرس کنسولگری اسلامبول بفرستند به‌اسم داریوش‌کوپال. اووقتی تهران‌آمد تنصیب خواهد شد. درپاریس به‌زحمانی رسیدیم شوفر زیاد خوش اخلاق نبود دانتز هم نیامده معلوم نیست چه خواهد شد... »

هیئت اعزامی روز ۱۱ تیر درجلسهٔ اول کنفرانس و روز بعد درآخرین‌جلسه شرکت می‌کنند. دکتر احمد هومن از این جلسات گزارشی تهیه می‌کند که در آن جریان مذاکرات و اختلافات حل نشدنی فراماسونری دوکشور انگلیس وفرانسه را برای استاد اعظم شرح می‌دهد[1]. هومن دربارهٔ فرانسویان عضوگراند‌اوریان‌که حاضر به‌قبول برتری لژهای انگلیسی وعقاید ورسوم آنها نیستند چنین می‌نویسد:

«... بلافاصله بابرادران تماس گرفتم مردمان بسیار خونگرم و خوب و برادر واقعی هستند. آنچه لازمه اقدام بود انجام دادم. به اتفاق آقای پرون در کنفرانس بین‌المللی شرکت‌کردیم. گراند‌اوریان درفرانسه قریب ۱۸۵۰۰ نفرعضو دارد و چندین لژتحت نظراوست. برخلاف شهرتی‌که دارد تمام اعضایش بی‌عقیده به‌خدا نیستند. فقط آزادی مطلق عقیده‌را قبول دارند ولی اگرکسی به‌خدا معتقد می‌باشد به‌او کاری ندارند. همانطورکه می‌شود به‌قرآن کریم قسم خورد در لژها می‌شود[یك‌کلمه‌خوانده نشد] انجیل‌وهرکتاب‌مقدس‌قسم‌دیگرخورد ولی‌اگرکسی به‌چیزی‌معتقد نباشد آزاداست.موضوع‌کنگره بین‌المللی‌عبارت‌بوداز‌موضوع‌زیر:

آزادی عقیده جزو لاینفك اصول ماسنی است. چطور بایدآنرا کاملاً عمل کرد. چون درلژهای انگلیسی باید باکتاب‌آسمانی قسم خورد وآزادی‌کامل عقیده را قبول ندارند منظور اینجا این بودکه درکنگره راه‌حلی برای این‌موضوع پیدا

۱ـ نقل ازگزارش ٤ ژوئیه ۱۹٥٤ ـ ۱۳ تیر ۱۳۳۳ که روی کاغذ مارکدار هتل (ماك ماهون) نوشته شده است.

کنند، که بین سازمانهای جهانی حداقل وحدت عقیده پیدا شود. از لژهای انگلو ساکسون کسی دعوت را اجابت نکرده بود. فقط از لژ سیاهان آمریکائی پرنس‌ـ‌هال[1] و چند لژ فرعی نماینده آمده بود. ما بامشورت آقای پرون اظهار کردیم که هرچه ما تصمیم بگیریم مشروط به آنست که لژ تهران تصویب کند و آنها قبول کردند. بحث زیاد در اطراف موضوع شد، لژ بلژیك پیشنهادی داد که مورد قبول اکثریت واقع شد. منهم درخصوص وضع خودمان صحبت کردم وپیشنهاد کردم بعضی کلمات به پیشنهاد اضافه کنند که منظور ما تامین شود قبول کردند وماهم به پیشنهاد رأی دادیم. بعداً برای ایجاد سازمان بین‌المللی ماسنی بحث کردند و پس از مذاکره زیاد بناشد لژهای شرکت‌کننده مرکزی در پاریس داشته باشندکه محل مراجعات و اطلاعات و تشریك مساعی و تعاون و غیره باشد، همه رأی دادند. بنا شد مبلغ بیست وپنجهزار فرانك هم هرهیئت برای مخارج اولیه بپردازند. ماهم همان شرط را قبول کردیم. نطقهای دیگری شروع شد. ناهاری درگرانداوریان دادند عکس گرفتند وکنگره تمام شد.

نسبت به لژ ما اولاً همه‌جا گراند لژ نوشتند چون نماینده لژ مصر (وادی نیل) آقای شرنری[2] هم حاضر نشده بود وما گفتیم تصمیم داریم در آینده نزدیکی لژ خود را مستقل کنیم اعتراضی نکردند. دبیر کل آقای راول[3] و استاد اعظم آقای ویو[4] کمال مهربانی را مبذول داشتند و باهم مذاکره کردیم همه حاضرند هرجور کاری داشته باشیم انجام دهند.

سازمان دیگری موسوم به گراند لژ دفرانس هست کـه اعضاء آن بـه کتاب آسمانی قسم می‌خورند. البته عده آن ده‌هزار نفر است واهمیت گراند اوریان را ندارد باآنها هم تماس گرفتیم و بناست دوروز دیگر بااستاد اعظم آن ناهار بخورم

1- Prince Hall
2- Shrenri
3- Ravel
4- Viot

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اما موضوعی‌که پس ازمطالعه دستور بفرمائید و تکلیف مارا معین‌کنید اینست که لژهای انگلیسی گراند اوریان را نمی‌شناسند و هیچ ارتباطی باهم ندارند و حتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خودرا درآنجا بگذارند. اینها هم می‌گویند اگرآزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است پس چرا باید به کتاب آسمانی قسم خورد ، ما شما را آزاد می‌دانیم بهرکتاب آسمانی می‌خواهید قسم بخورید شما هم ما را آزاد بگذاریدکه اگر نخواستیم قسم نخوریم. کمااینکه درگراند اوریان عده زیادی هستندکه به‌قرآن قسم می‌خورند هیچ اشکالی وجود ندارد. درمذاکرهٔ مقدماتی که بااینها شد حاضرند همه نوع کمك به ما بکنند **ولی آیا مقتضی است با این اختلافی که بالژهای انگلوساکسون دارند ما جزو اینها بشویم ، جزو آنهاکه معنی ندارد ، یعنی وقتی مستقل شدیم استقلال‌خود را بهمه‌جا اعلان‌کردیم جزو لژهای معتقد به‌آزادی کامل عقیده کارکنیم و با اینها ارتباط نزدیك داشته باشیم و یا اینکه باگراند لژ فرانسه مذاکره کنیم. با آنکه ازلحاظ عقیده باما نزدیکتر است تماس داشته باشیم ویااینکه استقلال خود را اعلان‌کنیم و باهمه ارتباط داشته باشیم.** این یك موضوع کلی است که باید صریحاً تصمیم اتخاذ بفرمائید وتکلیف مارا تعیین کنید دادن سرویس نقره بعقیدهٔ من حالا لازم نیست چون‌کنگره بین‌المللی بود اگر تصمیم اتخاذ فرمودید جزو آنها بشویم البته باتشریفاتی (سرویس‌نقره) خواهیم داد. فعلاً بنظرمن زائد وغیرمنطقی است. . . در روز نامه‌ها راجع به‌این موضوع چیزی نمی‌نویسند چون هیچ‌اطلاعی‌داده نمی‌شود ولی‌در رادیوپاریس‌گراندمتر (استاداعظم) شایدسخنرانی کند عکسی به‌اتفاق‌برادران‌گرفتم... آقای سهیلی نیامدند ولی‌دکترهدایتی و شهاب در روز دوم‌حاضر بودند. روی‌همرفته فوق‌العاده باآبرومندی‌واحترام‌وظائف خودرا انجام‌دادیم‌ملحق‌شدن بهرکدام وباهیچکدام‌مربوط به‌ارادهٔ استاد اعظم است. . .»[1]

مقام استادی

باوجودیکه هیئت اعزامی فقط می‌بایستی درکنفرانس‌گراند اوریان شرکت کنند ، معهذا چنانکه از متن گزارش مستفاد میشود، دکترهومن وسایرین باگراند لژناسیونال فرانسه نیز

۱ـ نقل از گزارش ٤ ژوئیه ١٩٥٤ .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تماس گرفتند. و در نتیجه رقابت بین این دو گراند لژ فراماسونری برای جلب لژ همایون و هیئت اعزامی بشدت آغاز گردید. گراند اوریان برای اینکه موفقیت پیدا کند بسرعت سه مقام بزرگ فراماسنی بدکتر هومن اعطاکرد و درهفته دوم ژوئیه ۱۹۵٤ - (هفته سوم تیر ۱۳۳۳) دومرتبه بطور فوق‌العاده جلسه گراندلژ را تشکیل داد.

درجلسه اول کلیه مراسم تنصیب درجه شاگرد Apprenti انجام‌گرفت ودفعهٔ دوم دکتر هومن با تشریفات تمام از درجه (رفیق) به درجه (استادی) ارتقاء یافت و چهل تن از فراماسنهای معروف فرانسوی نیز در این مراسم حضور داشتند. علاوه براین دکترهومن یك کمربند سیاه نیزکه علامت درجه سی‌ام‌است دریافت داشت. وی درگزارشی‌که روز ۱٦ ژوئیه ۱۹۵٤ برای استاد اعظم لژ همایون نوشته جریان را چنین‌شرح داده است[1]:

پاریس - ۱٦ ژوئیه مطابق ۲۵ تیر

استاد ارجمند امیدوارم سلامت و موفق باشید کاغذی که به‌وسیله آقای دانش ارسال فرموده بودید رسید، از مراحم آن برادرعزیز متشکرم - در این هفته دومرتبه در لژ حضور پیداکردم یك مرتبه منصب Apprenti شاگرد و دفعه دیگر ارتقاء درجه رفیق به‌استادی بود باتمام مراسم و باتمام گفتگوها ومذاکرات و تشریفات باحضور چهارصد نفر بعمل‌آمد بمن هم‌کمربند سیاه علامت درجه۳۰ Chevalie de la Gadoche دادند ومن وارد شدم پرویك مینه اول ودوم مراتب را به Venerable (رئیس لژ) اعلام کردند (در لژهای فرانسه اول و دوم) نزد استاد نمی‌نشینند و نزدیك درمقابل استاد می‌نشینند. بعداً همه تشریفات را عملی کردم استاد جواب سلام داد و با من مصافحه کرد و مرا نزد خود نشانید گفت برادر من هومن همان کسی است که در کنگره از طرف لژ تهران شرکت کرد ومعرفی بسیار خوب و پسندیده‌ای نمود درتمام تشریفات که تانصف شب از ساعت ۹ تا ۱۲ طول‌کشید شرکت کردم ولی رأی ندادم بعداً اجازه بمن داد با کمال آرامش سلام

۱- درمتن نامه دکتر احمد بهیچوجه تغییراتی داده نشده‌است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادران لژ ایران را به‌اعضاء لژ رسانیدم و ازاینکه مرا پیش خود پذیرفته‌اند و در مهمانیها ویزیتورهای با اهمیت نشانیده‌اند تشکر کردم شمه‌ای از مساعدتهای فرانسویها به‌ما درزمینهٔ فرهنگ و اینکه پیغمبر ما زرتشت برای اولین دفعه از جنگ اهریمن و اهورامزدا (بدی باخوبی) یادکرد و مشابه‌ای که داستان حیرام ابی وقتل او به‌وسیله بدکاران دارد و جاودان بودن ملکوتی ودرستکاری بیان‌کردم که موردتوجه شد. رئیس مجدداً بدپاخواست وجواب مفصلی‌داد واظهار خوشوقتی کردکه درمشرق آنقدر تکامل پیدا شده که لژ ∴ مرکب از چنین اشخاصی که نمونهٔ‌آن حاضراست مرکب است ویقین‌است‌که بشریت رو به‌تکامل میرودآزادی- برادری - برابری صورت‌عمل دردنیا می‌گیرد واز این قبیل چون تعطیل تابستان لژهای پاریس بسته است بناشد درنیس وکان درلژهای مخصوص حضور پیداکنم و آدرس آنها را بمن دادند...»

نامه دیگری که در همین ایام به‌اسناد لژ همایون رسیده ولی بدون امضاء می‌باشد، داستان عضویت افراد هیئت اعزامی به پاریس را به طرز جالبی روشن می‌کند، متن این‌نامه از نظراهمیت عیناً نقل می‌شود:

شنبه ۱۵ مهر - استاد ارجمند امیدوارم سالم و موفق و امیدوار باشید بحمدالله تشریفات باکمال نظم وترتیب و بانهایت خوبی انجام شد. دکتر خلعتبری نمره۱- دکتر هومن نمره۲ وبنده درلژ نمره۳عمل‌کردیم وقبول‌شدیم. سایرین هم حضور داشتند سوگند یاد کردند. آقای ساعد مراغه هم بودند عمل کردند و دو مهمانی مفصل به‌افتخار ما دادند درآنجا نطقهای مفصلی شدکه من از طرف رفقا جواب دادم بدتصدیق همه مناسب و خوب بود. پنجشنبهٔ آینده هم خود ما عمل خواهیم کرد یعنی بنده باشگاه را اداره خواهم کرد. شب آنها را در یکی از مهمانخانه‌های درجه اول دعوت کرده‌ایم که آنچه سابقاً فرستاده بودید وآنچه ما خود آورده‌ایم اهدا کنیم و تشکر کنیم. بعداً آئین‌نامه‌ای میخواستند که دیروز چندین ساعت وقت صرف آن کردیم وبه‌آنها خواهیم داد مدارك مارا با [سه نقطه

نامه دکتر احمد هومن به استاد اعظم لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

به‌جای اسم گذارده شده] خواهند داد و سراسر این کار مبلغ ۹۰ هزار فرانك هم پرداختیم روز ۲۰ مهر کار بداین ترتیب تمام خواهد شد. دوسه روزهم برای ترتیب گرفتن تصادیق خواهیم بود اگر بایستی دمشق برویم آدرس آن شخص را مرقوم فرمائید واگر لازم نیست مستقیماً خواهیم آمد آقای. . . . الآن رفتند برای آنروز مراجعت خواهد کرد آقای رشیدی حائری را بیك معرفی کردم و باقی همه را سه. خیال می‌کنم همینطور بوده است. ثانیه لازم‌را برای نمونه هم باشد بایدخرید و برای اینکار در این‌شهر خوب نیست باید به‌شهر آقای سهیلی رفت آنجا سفارش داد ولی چون پول نداریم نمی‌دانیم چه بایدکرد سفارشنامه‌ای آنجا نوشته‌اند که به‌ما ارزان بفروشند اگر لازم است آنچه لازمه تشکیل یك باشگاه است بخریم که معطل نمانیم مرقوم بفرمائید وحواله هم بوسیله‌کمیسیون ارز بفرستید تاخودم شخصاً باوجود کار زیاد به آن شهر رفته خریده به‌وسیله‌ای حمل کنیم یك شخص بسیار خوب عالم که دو زبان میداند و بسیار تو دل برو و پر حوصله و خوش بیان است معین کرده‌اند آنجا بیاید اسم [سه نقطه گذارده شده] و تبعه شهر آقای سهیلی است مرقوم بفرمائید چه وقت باید بیاید به او اطلاع دهید به عقیدهٔ من خیلی مفید خواهد بود از شروع کار بانظر اوانجام شود منتظر دستوررسمی دراین مورد خرید لوازم ازهرقبیل و تاریخ آمدن آن شخص هستم. بناشد کاغذی در جواب جنابعالی بنویسند بمن خواهند داد همه برادران و رفقا را سلام برسانید آقای امام را پیش دکتر بردم کرم خطرناکی داشت کـه در ریـه و کبد رفته بود مشغول معالجه است همه را سلام میرسانند منتظرم زودتر جواب‌مرقوم فرمائید»

(امضاء لایقرء)

علاوه برپذیرائی و تشویقی‌که ازهیئت اعزامی ایران در فرانسه بعمل‌آمد گراند‌اوریان بهمه شعب‌خود درجهان نیزتوصیه کردکه ارتباط خودرا بالژهمایون محکم کنند.

پیرو این بخشنامه نامه‌هائی بین لژ همایون و سایر لژهای گراند اوریان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مبادله شد که یکی از آنها بعنوان نمونه دراینجا نقل می‌شود :

بروکسل ۲۳ مه ۱۹۵۶

آقای استاد اعظم :

پس از بازگشت از مسافرت نامه محبت آمیز ۱۹ مارس شما را زیارت‌کردم و به‌نام گراند اوریان بلژیك از شما به‌خاطر احترام وابراز دوستی که نسبت به‌ماسنی بلژیك ابراز نموده‌اید تشکر می‌کنم .

خدمات کوچکی که ما توانستیم به برادر «ف. رشیدی»[1] انجام دهیم خیلی ناچیز است من به‌شما اطمینان می‌دهم آنچه را که ماهمه روزه شرط‌کرده‌ایم به‌بهترین وجهی انجام می‌دهیم . تمام ماسنهای ایرانی که خود را به ما معرفی کنند یادرموقع عبوریااقامت دربلژیك ازوجودشان مطلع‌شویم از آنها پذیرائی‌می‌کنیم.

ما مخصوصاً از پذیرائی از شما و دیدار برادران ایرانی در بلژیك بسیار خوشحال خواهیم شد. استاد اعظم ازشما خواهش می‌کنم که احساسات برادرانه ما را قبول کنید[2] .

ر.هامانیه ـ گراندمتر

نامه دیگری ازیکی ازلژهای فراماسونری سویس خطاب به استاد اعظم لژ ایران :

ژنو ـ ۲۷ مارس ۱۹۵۵ به‌آقای محمد خلیل جواهری

۲۱۲ خیابان کاخ ـ تهران ـ ایران

برادر خیلی عزیزم .

پیغام و شیئی بسیار زیبای هنری که همراه‌آن بود دریافت کردم. بدبختانه غیبت من، وبعد، ابتلاء به‌بیماری، که گرچه یك گریپ خیلی ساده ونامطبوع بیش نبود سبب شدکه من نتوانم‌آنچه راکه می‌خواهم برای خانم فرهودی انجام بدهم.

۱ـ رشیدی عضو وزارت خارجه ایران می‌باشد .

۲ـ این نامه به وسیلهٔ مترجم لژهمایون ترجمه شده‌است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



BRUXELLES, le 23 mai 1956.

CABINET DU GRAND-MAITRE

T.: C.: Vén.: Maît.: ,

Rentrant de voyage j'ai pris connaissance de votre aimable lettre du 10 mars et je vous remercie, au nom du Gr.: Orient de Belgique, pour le geste d'amitié que vous avez eu à l'égard de la M.: conn.: belge.

Les menus services que nous avons pu rendre au F.: Rachidi sont peu de chose et je tiens à vous assurer de ce que nous réserverons toujours le meilleur accueil à tous les Maç.: iraniens qui se présenteront à nous à l'occasion d'un passage ou d'un séjour en Belgique.

Il nous serait d'ailleurs particulièrement agréable d'être informé par vos soins de toute visite de FFF.: iraniens en Belgique.

Je vous prie de croire, T.: C.: Vén.: Maît.: , à l'assurance de mes sentiments les plus frat.: .

Gr.: Maît.:

نامه گراند لژ بلژیک در تأیید لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ولی برادر ماکفائی موفق شد به‌کارهای خواهر ما بپردازد و ازاین حیث همه‌چیز بخوبی مرتب است .

ولی برادر عزیزم سخاوت شما، نسبت به‌من ، به‌حدیست که من احساس ناراحتی می‌کنم و این واقعاً زیاد است. من جز اینکه به‌خاطر ارسال مظهرشکیل هنر ایرانی از شما تشکر کنم کار دیگری نمی‌توانم بکنم . ولی اگر شما اینجا حضور داشتید، خیلی برادرانه شمارا سرزنش می‌کردم و از شما خواهش می‌کردم به‌این قبیل اثبات دوستیهای خویش خاتمه بدهید، امیدوارم کارها بروفق مرادتان باشد و سرمست باشید. این یکی از با ارزش‌ترین نعمات است همچنین امیدوارم که لژ قابل احترام شما ، تحت رهبری عاقلانهٔ شما به گسترش خود ادامه بدهد علیرغم ، اختلافات مذهبی و برداشتهائی که از نبوغ خاص قلبها یا کشورها اثر گرفته است ما راضی هستیم از اینکه یکی از عناصر رشته اتحادی باشیم کـه در سراسر جهان ، هدف نهائـی آن متحد ساختن همـه انسانهائی است کـه احساس مشترکشان همبستگی، گذشت، آزادی اخلاق، برابری فکری، و آنچنان برادری است‌که **مرزهای مصنوعی راکه باخباثت انسانها آن را به‌عنوان یك مانع در برابرحسن تفاهم میان‌همه عناصرمتشکله بشریت‌ایجادکرده است نمی‌شناسد.**[۱]

من آرزو می‌کنم‌که فراماسونری درایران مبدل به‌یك عامل واقعی‌پیشرفت اجتماعی ، یك برگزیدگی فکری و انتخاب انسانهائی‌بشود. بدانید نوری را که ما در معبد دریافت می‌داریم درخارج منعکس سازید . نوری که یکی از زیباترین و گویاترین سمبل‌ها می‌باشد. چون ماباید حاملین این نورباشیم این یکی ازوظائف اصولی ماست .

درحالیکه بسیار به‌آنها می‌اندیشیم به برادران عضو لژ شما برادرانه درود می‌فرستم . اگر فرصتی برایتان پیش‌آمد ، خـاطرات خوش و سلامهای مرا به ـ

---

۱ ـ این جمله نمودار کاملی ازافکار انترناسیونالیست بودن سازمان فراماسونی و ازبین بردن مرزها و به‌دنبال‌آن استقلال کشورهاست .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادرانمان هدایتی ابلاغ نمائید .

اما شما برادرعزیز ، خواهشمندم، باتشکرات بهترین احساسات و سلامهای قلبی وبرادرانه مرا بپذیرید .

رنه فوش
۱۶ خیابان هانری‌دونان ، ژنو

خرید مرکز محفل فراماسونری

درحالیکه به‌تدریج ازهمایون دربین‌لژهای‌ماسونی شناخته می‌شد، درسال ۱۳۳۳ لژدرصدد برمی‌آیدکه محلی را برای محفل فراماسونری ایران خریداری کند . بـرای اینکـه پوششی برروی اعمال لژکشیده شود، قرار می‌شود مسئولین امر محل را به‌نام باشگاه حافظ خریداری نمایند. برای انجام این نظریك‌کمیتهٔ خرید محفل مرکب از : حبیب القانیان ـ داود القـانیان ، صادق سرمد ، شهـاب خسروانی، عیسی بهزادی، مستوفی زاده، سهتی وطوب تشکیل می‌گردد و سازمانی بنام «شرکت تعاونی حافظ» بوجود می‌آورند که سهام آن اسمی و هریك به مبلغ پنجهزار ریال بوده است . شرکت تعاونی حافظ طی دو جلسه مقدماتی خود از ۲۹ نفر از فراماسنها مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال وصول می‌کند . چون خرید محل محفل مورد استقبال قرار می‌گیرد این نامه از طرف شرکت خطاب به همه فراماسنهـا صادر می‌گردد :

برادر ارجمند... . . . . . .

چنانچه اطلاع دارید باشگاه حافظ که درحقیقت کانون روحانی همگی ما است تاکنون نتوانسته است جـایگاه ویژه‌ای که احتیاجات عـالیه معنوی آنـرا برآورده سازد، برای خود آماده‌کند. و این مسئله مانعی بزرگ بودکه درهرحال ازپیشرفت سریع ما به‌مقاصد عالیه و میل به‌هدف مقدس جلوگیری می‌کرده به‌جهت حل این مشکل‌که باهمه بزرگی در برابر همت عالی برادران بسیار کوچك است ، از چندی پیش‌کمیسیونی مأمور بررسی شد و آن کمیسیون پس از مطالعه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

جهات مختلف موضوع تصمیم گرفت شرکت سهامی تعاونی با سرمایه ۱۰ میلیون ریال تأسیس کند و این شرکت علاوه بر کارهای دیگری که به‌یاری خداوند متعال خواهد کرد در وحلهٔ اول محل مناسبی به‌جهت کانون مرکزی باشگاه خریداری نماید.

اساسنامه این شرکت تهیه شده وهیئت مدیره موقت آن برگزیده گردیده است سهام شرکت اسمی است و بدون تصویب هیئت مدیره قابل انتقال به غیر نخواهد بود. بطورکلی تمام جهاتی که لازم بوده مطالعه شده و مد نظر قرار گرفته است بهای اسمی هر سهم ۵۰۰۰ ریال است و تمامی ممکن است یکجا یا در سه قسط تأدیه شود. پس از آنکه سهام به فروش رسید شرکت طبق مقررات قانون تجارت رسماً در دفاتر شرکتها ثبت خواهد شد و برگ سهم رسمی برای شرکاء فرستاده می‌شود.

چون همانگونه که اشاره شد ایجاد این شرکت که نخستین اقدام آن تهیه جای ویژه به‌جهت کانون مرکزی باشگاه خواهد بود، موضوعی بسیار مهم و ضروری است و پیشرفت ما به سوی هدف مقدس وابستگی بسیاری به آن دارد علیهذا برتمام برادران فرض است در خرید سهام شرکت مشارکت جویند ومیزان علاقمندی خویش را به‌کارهای عمومی عملاً نشان دهند.

آشکاراست هرمبلغی که بابت خریدسهام به‌شرکت تأدیه شود بصورت سهم‌الشرکه همیشه باقی خواهد ماند، هر صاحب سهم در موقع احتیاج می‌تواند سهم خود را با تصویب هیئت مدیره به دیگری بفروشد و با پول آن که فی‌الحقیقه اندوخته اوست رفع احتیاج کند.

اینک به‌ضمیمه سه برگ سفته سفید به‌نام آن برادر گرامی فرستاده شده خواهشمند است هرمبلغی که استطاعت جوانمردیتان تجویز می‌کند تعهد درسفته قید و امضاء فرمائید سفته را به عنوان باشگاه حافظ با پست سفارشی دو قبضه بفرستید غرض از فرستادن سه برگ سفته آنست که هرکس نمی‌تواند مبلغ تعهد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شده را یکجا بپردازد مبلغ را دردو یاسه سفته بنویسیددر دو یاسه قسط به‌تاریخ هائی که مقتضی می‌دانید تأدیه کنید .

در پایان مژده می‌دهدکه ۲۹ نفر از برادران تاکنون مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال از سهام شرکت را خریده بزرگواری و علاقه خود را به‌پیشرفت کارها عملاً بمنصهٔ ظهور رسانیده‌اند .

کمیسیون چشم براه وصول نتیجهٔ تصمیم جنابعالی است و امید دارد هر چه زودتر بتوانند به خرید جای مناسب اقدام و آنرا بجهت کارهای معنوی بزرگی که در پیش داریم آماده و مجهز سازد   باتقدیم سلام ∴

هیئت مدیره موقت شرکت تعاونی حافظ

شرکت‌تعاونی‌حافظ پس‌از‌یکماه‌موفق‌می‌شود ۶۰۰هزارتومان پول‌جمع‌کند. از این پول ۵۰۰ هزارتومان به‌خرید ساختمان سفارت هلند درخیابان عین‌الدوله (ایران) اختصاص داده می‌شود و بقیه صرف خرید لوازم و مبلمان آن می‌گردد . درسال ۱۳۳۶که لژمولوی تشکیل شده بود کارگردانان لژهمایون موفق می‌شوند ساختمان لژ را به‌مبلغ قریب یك میلیون تومان به‌وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) بفروشند. سند انتقال محل مذکور که به‌نام صادق سرمد بوده به‌نام وزارت فرهنگ صادر می‌شود و درهمان وقت متصدیان لژ محل جدیدی راکه در خیابان بوعلی پلاك۴۱۰ واقع است به‌مبلغ پانصد هزار تومان خریداری می‌کنند. چون چهارصد هزار تومان باقی‌مانده محلی برای مصرف نداشته، لژ مولوی این مبلغ را بین اعانه دهندگان و صاحبان سهام اولیه تقسیم می‌نماید و آنها که مایل به پس گرفتن وجوه پرداختی بوده‌اند ، عیناً و بقیه نصف سهام خود را دریافت می‌دارند. بااین ترتیب مرکز فعلی محفل مولوی نزدیك به‌صد هزار تومان تمام می‌شود. و این اولین و تنها ملك خصوصی است‌که‌سازمان فراماسونری اکنون در ایران دارد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مقدمات انحلال لژهمایون

علیرغم تشویق‌ها و پذیرائی‌هائی که از هیئت اعزامی ایران در فرانسه بعمل آمد، دکتر هومن و اعضای هیئت اعزامی در بازگشت اظهار عقیده کردند که بهتر است لژ همایون به گراند اوریان ملحق نشود زیرا گراند اوریان بـا برادران انگلیسی بشدت مخالف است. دکتر هومن در گزارشی که به استاد اعظم داده صریحاً نوشته است که با این اختلافی که بین لژهای انگلوساکسون و گراند اوریان موجود است، نباید به این لژ ملحق شد. در توضیحات حضوری نیز که به رؤساء لژ همایون داد، عقیده صریح خویش را در بارهٔ الحاق به گراند ناسیونال دوفرانس که برتری و عبودیت لژهای انگلیسی را قبول دارد، اعلام داشت. او جریان مذاکرات اولیهٔ خود را با استاد اعظم گراند ناسیونال نیز به اطلاع رسانید. در این بین دکتر محمود هومن نیز که در پاریس حضور داشت و واسطه گراند لژ ناسیونال و لژهمایون شده بود، مکاتباتی با محمدخلیل جواهری نمود. بطوریکه گمان می‌رفت الحاق دو لژ بزرگ بزودی عملی گردد ولیکن در این وقت نامهٔ محرمانه‌ای از «حنا ابی‌راشد» به تهران رسید که در آن به برادران ایرانی خود اطلاع داده بود که جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر، در لژهای ماسونیک اینکشور رخنه کرده و قصد تصرف و اداره سازمان های تابعه مصری را به نفع خود دارد.

مقارن رسیدن این نامه اختلافاتی نیز بین اعضاء لژ همایون روی داد که سر دسته مخالفان سپهبد حاج علی کیا بود. سپهبدکیا کـه مأمور بود لژ همایون را تعطیل کند، به عده‌ای از اعضاء تکلیف استعفا کرد و با استعفای ۱۵ نفر از طرفداران او به محمد خلیل جواهری نیز تکلیف استعفا شد. خود جواهری در این باره گفته است: «درحالیکه در پاریس برای الحاق به «گراند اوریان» و «گراند ناسیونال دوفرانس» مشغول مطالعه بودیم، در تهران حوادثی پیش آمد که منجر به کناره‌گیری من شد و چندین بار به من اخطار گردید که مستعفی شوم. مدتی مقاومت کردم، ولی سرانجام پس از چندماه مذاکره خصوصی و وساطت دکتر سید حسن امامی امام‌جمعه،

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تصمیم گرفتم برای مدت سه ماه کار لژ را متوقف کنم.

چون درقانون اساسی فراماسونری قید شده‌که اگر لژی سه ماه بدون‌عذر موجه فعالیت نکند، بخودی خود تعطیل ومنحل می‌شود لـذا منهم از اختیاراتی که‌داشتم استفاده کردم، سه ماه کار لژ را متوقف ساختم وبدین‌ترتیب آن را منحل کردم.

پس از اعلام انحلال به‌اعضای لژهمایون اطلاع دادم کـه می‌توانند در لژ جدید (مولوی)که مقدمات تأسیس آن کاملاً فراهم شده است فعالیت کنند ویا در لژهای دیگر بکار پردازند. مقارن باتعطیل لژهمایون ناگهان درمجلس شورایملی نطق شدیدالحنی بوسیله آقای رضا افشار علیه لژهمایون ایراد شد که پس از آن بنا به‌مصلحت عمومی وبرای توسعه وبقاء مرام ماسنی ازکارکناره گیری کردم.»

ماجرای نطق رضا افشار

نطق‌کوتاه و کوبنده رضا افشار در مجلس شورایملی پس از نطقهای شدیداللحن‌عباس اسکندری و رضا آشتیانی‌زاده در مجلس‌شورایملی ایران راجع به‌فراماسونری بسیار مستدل ومنطقی‌بود. افشاردر نطقی‌که‌درجلسهٔ۱۱۵ روزدهم‌اردیبهشت ۱۳۳٤ ایرادکرد درابن‌باره‌گفت:

«... دردنیا احزاب سیاسی کـه علناً در امورات‌کشورشان مداخله می‌کنند نمایندگان می‌دانند خیلی زیاد است و یك احزابی هم در اروپا در قرن نوزدهم به این طرف وجود داشته از قبیل کاربوناری، ایلی‌میناتی، فیلادلفی، توگون‌بند و فراماسون، فراماسونها در ایران بی‌سابقه نیستند، مرحوم ملکم خان مؤسس فراماسونری درایران بوده است‌که‌آنوقت فراموشخانه میگفته‌اند یك حکایتهائی هـم راجع بفراماسونری در افواه و افکار مردم بود اخیراً نسبت بقیةالسیف فراماسونهای موجود یکمده خیلی زیادی افزوده شده است و حتی در بین آقایان وزیران و آقایان نمایندگان و آقایان سناتورها بعنوان فراماسون وجود دارد یك لژ همایون هم تشکیل شده است. و اخیراً جواهری نامـی بعنوان رابط از مصر

آمده بوده است. اینجا عذر این آقای جواهری را خواستند یکی از سناتورهای محترم رابط این حزب فراماسون در ایران یعنی لژ ایران بالژ اروپاست. فراماسونری روی تحقیقات و تفحصاتی که بنده کرده‌ام و مطالعه کرده‌ام یك حزبی است بین‌المللی ما نباید اجازه بدهیم در این مملکتی که هنوز ملیت مبتنی بریك اصول و پایه صحیحی نیست یك اشخاص بین‌المللی بیایند درینجا و یك حزب فراماسونری تشکیل بدهند (صحیح است) این حزب بالژ تشکیل شده‌است، بنده اسامی لااقل ۲۷۵ نفر را می‌دانم (دکتر جزایری ـ صحیح است) دو تا فراماسونری در دنیاهست یکی سکاتیش رایت در امریك است یکی هم گراند اوریان است در اروپا.

فراماسونری‌های گراند اوریان کارشان اطاعت کورکورانه از یك مبدائی است این مبداء (داراب کجاست) انگلستان (صحیح است) اولاً مانباید بگوئیم که فلان آقا انتحار سیاسی می‌کند یا بعضی جراید مطالبی بنویسند.

من کشور خودم را بهر مقام ومنزلتی ترجیح می‌دهم و از هیچ چیز درمقابل سعادت ملت ومملکت خودم بیم ندارم (احسنت) ما در درجه اول باید سعادت این مملکت مد در نظر قرار بدهیم (صحیح است) ما باید سعی بکنیم آن اشخاصی که با یك تغییر قیافه‌ای با یك تغییر شکلی با یك عنوان ظاهر الصلاحی وارد جامعه ما شده‌اند و می‌خواهند کشور ما را بصورت یك کشور انترناسیونال در بیاورند و اطاعت کورکورانه از یك سیاستی می‌کنند که متأسفانه این مملکت را همین سیاست خراب کرده است ما نباید این اشخاص را بگذاریم اقدامی کنند (احسنت) وکلای ملت آقایان نمایندگان محترم باید شجاعت اخلاقی داشته باشند. فلان آقا وکیل می‌شود می‌رود فلان آقا وزیر می‌شود می‌رود ولی این مملکت باید بماند.

دراین مملکت بعوامل وایادی که سرسپرده سیاستهای خاصی هستند اجازه جنبش و نمو نباید داد (صحیح است ـ آفرین) اگر یك روزی مصلحت بود بنده حاضرم درجلسه محرمانه تمام آقایان را با جزئیات تشکیلاتشان باآن لژهمایون تمام بعرض آقایان برسانم (یکنفر از نمایندگان درجلسه علنی بفرمائید) احسنت».

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران ما



رضا افشار وکیل مجلس شورایملی

روزنامه ایران ما، پیشقدم انحلال لژ همایون

چندی بعد از ایراد این نطق، درهفته‌نامه ایران ما سلسله مقالاتی بقلم جهانگیر تفضلی بنام «گفتگو با یك فراماسون» و چند مقاله نیز با نام‌های مستعار «منوچهر شاپور» منتشر گردیدکه بنظر می‌رسید نوشته‌های دکتر مکری‌وشاپورزندنیا باشد. دردومقاله‌ایران ما. لژهمایون‌مستقیماً موردحمله قرارگرفته‌وتحت‌عنوان «جمعیت برادران لژهمایون، باشگاه حافظ» و «گفتگوی یك ناسیونالیست ویك فراماسون» چنین نوشته شده است:

«. . .من‌بفراماسونها حمله نکرده‌ام، و بعضی از فراماسونهای قدیمی، از نظر شخصی و اخلاقی وگاهی علمی بسیار مورد احترام من بوده‌اند و هستند. اما درکارهای سیاسی کشور خودمان نه‌تنها روش آنها را نمی‌پسندم بلکه بسیاری از گرفتاریهای یك قرن ونیم اخیر ایران‌را نتیجهٔ روش سیاسی آنها می‌دانم و اصولاً کسی که دارای افکار ناسیونالیستی باشد نمی‌تواند با عقاید انترناسیونالیستی که معنی صریح آن بیوطنی است سازگارباشد. هرچند این بیوطنی بصورت عالیجنابی و بشردوستی و برادری بوده باشد.

۱ـ ایران‌ما، شماره ۲۷۵و۲۷۶ سال ۱۳۳۵

ـ مگر فلان نخست‌وزیر را دستهٔ فراماسون‌ها و توده‌ای‌ها درهم نشکستند؟

ـ اولاً این کار دراوائل نهضت ابداً مربوط به‌حزب توده نبود ثانیاً من قبول دارم که فراماسون‌ها بقدری‌که با نخست وزیر... دشمنی داشتند و دارند هرگز با کمونیستها مخالف نبوده‌اند . . .

ـ البته سناتورجمال امامی واقلیت دوره‌ی شانزدهم‌بخصوص سمید مهدوی هم مؤثر بودند ونمایندگان اقلیت دوره‌ی هفدهم نیزخیلی تأثیرداشتند وهیچکدام از اینها نه ازفراماسونهای قدیم بودند و نه جدید ...

ـ شما ازلژ تازه فراماسونری درایران ازکجا خبردارید؟

ـ در اواخر دولت سپهبد زاهدی یکی از وزیران مهم آندولت و ایندولت که مردی مطلع و دانشمند است روزیکه درمنزلش بدانفاق دکترامینی و علم رفته بودیم ، برای ما سه نفر به تفصیل از خلیل جواهری و دویست نفری که عضو لژ او شده بودند از وزیر و وکیل ومدیرعامل شرکت... گرفته تا ... صحبت‌کرد ودر ضمن گفت :

عده‌ای از بد نامترین و بد سابقه‌ترین اشخاص را جمع‌کرده‌اند[1] و... و در باره‌ی بعضی از آنها گفت که تمام کثافت وفسادی را که ممکن است فردی درسنین مختلف داشته باشد، بعضی ازاین‌عده دارا می‌باشند وضمناً ازبعضی‌ازفراماسونهای قدیمی هم خیلی تعریف‌کرد وگفت :ـ آنها بهیچوجه از قماش این دسته ، دویست نفری که لیدر آنها از فلسطین آمده است واصلاً اهل سوریه است نمی‌باشند.

ـخوب دیگر چه ؟

ـ دیگرراجع بباشگاه حافظ و(جمعیت‌برادران) درتهران‌کمسردمدارانش دو سه نفری رامأمورتوزیع هروئین وکوکائین درمیان جوانان‌کرده بودند وعده‌ای از مردمان بی‌آزار و کم اطلاع و شریف را نیز جمع کرده بودند و آنها را بنام طبقات جوانان ومترقی‌که طرفدار سیاست‌انگلستان ومخالف‌نفوذ امریکا درایران

۱ـ این جمله اشاره بفعالیت مهم و علنی اعضاء فراماسونری لـژ همایون علیه یکی از نخست وزیران است که خود جواهری هم آنرا تأیید می‌کند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌باشند بحساب می‌گذاشتند و درهمین گیرودار بودکه برخی از مؤثرترین این (برادران) درهمان هفته‌ها به‌گروه ایران نو رفتند و درکار روابط دوستانهٔ امریکا و ایران کوششهای مؤثرکردند و مورد محبت و احترام و استقبال امریکائیان نیز واقعشدند یعنی درست درجهت مخالف لژدوبست نفری فعالیت آغاز کردند ولژ- نشینان وبرادران قدیم وجدید هم سخت بدشمنی آنها پرداختند وباشدت بیشتری مخالفت آنان با این (مرتد) ادامه دارد ...

... من راجع بفراماسونری خارج اطلاع زیادی ندارم اما می‌دانم که فراماسونری ایران شعبه‌ای از لژ قاهره است و آنهم شعبه‌ای از (گرانداوریان) پاریس و فراماسونهای‌کشور ما ازعلاقمندان وهواداران سیاست‌کهنه‌ی استعماری انگلستان می‌باشند و درکشورهای خاورمیانه نقش اصلی آنها مبارزه با نفوذ مادی ومعنوی امریکاست وبه‌نظر من با شرایط سیاسی وجغرافیائی سی چهل سال اخیر ایران، فعالیت برادران فراماسون نه‌تنها بزیان ایران است بلکه باسیاست جدید انگلستان هم سازگار نیست بلکه برای انگلستان کاملاً مضر است».

درشماره دیگر ایران ما درباره لژ همایون تحت همان عنوان چنین نوشته شده است: «-آنچه راجع بخلیل جواهری ولژ (همایون) می‌گوئید درست است واصولاً آنهافراماسون نبودندویك دستگاه تقلبی بود وبهم‌خورده ابداًبافراماسونهای اصلی و قدیمی ارتباط نداشت.

- باید گفت شکست خورد و همانطور که می‌دانید و گفتم حمله شدیدی که یکسال و نیم پیش ایران ما به آن دسته کرده و آقای افشار هم در مجلس اندکی پردهٔ بازی آنان را بالازد وبالاخره وقتی که روشن شدکه اینها یکدسته‌ئی هستند که کارگردانان آن دسته، آنها را برای مبارزه با نفوذ مادی و معنوی آمریکا در ایران درست کرده‌اند دیگر مصلحت آن سیاست‌های خارجی که ایندسته خودرا

---

۱ - از بین اعضاء لژ همایون فقط هشت نفر از آنها در لژهای کنونی فراماسونری اسکاتلند و فرانسه درایران شرکت ندارند.

وابسته آن سیاست می‌دانستند اقتضا نمی‌کرد که فعالیت چنین دسته‌ای به آن صورت ادامه پیدا کند.

ـ خلیل جواهری اصولاً فراماسون نبود.

ـ شاید هم بود (شارتر) فرمان او با لژ فراماسون‌های قدیمی اختلاف داشت. جواهری از هرکس که وارد می‌شد در همان وهله‌ی اول پنج لیره طلا به‌عنوان (تنصیب) می‌گرفت بعد هرکدام برای امور خیریه و سایر کارها مبالغ مهمی در اوائل کار می‌پرداختند و عده‌ای از نمایندگان خوشنام و درست‌کار مجلس را نیز به‌عنوان عضویت باشگاه حافظ و مهمانی بارجال بزرگ به‌دام کشیده بودند و این (بنایان آزاد) درمجلس هم علاوه بر اعضای متفرقه‌ای که پیدا کرده بودند یك فراکسیون مخصوص داشتند که اغلب آنها مردم خوشنامی بودند وباآن که آنها باپای‌خودبه‌دام(بنایان‌آزاد) افتاده‌بودند نمی‌دانستندکه‌چه بنائی‌را می‌خواهند به دست آنها آزادانه خراب‌تر کنند.

این‌ها اغلب بسراغ کسانی رفته بودند که پدرآنها یا از فراماسن‌ها بودند یا معروف بفراماسون و بیشتر در دنبال نمایندگان بی‌سروصدا و متین و بقول ما (طرفداران بیطرف دولت) می‌رفتند ... ».

علاوه بر حملهٔ مستقیم و علنی که روزنامهٔ ایران ما بهلژ همایون ومحمد خلیل‌جواهری‌کرد درسال ۱۳۳۳ و۱۳۳٤ نیز در ایران، مقالات دیگری علیه لژ همایون نوشته شده بود.

چون دشمنی‌ایران ما نسبت به لژ همایون علنی بود، برای اینکه تنها مندرجات‌ایران‌مارانقل نکرده‌ویکطرفه قضاوت‌نکرده‌باشم دربارهٔحملهٔ جهانگیر تفضلی مدیرایران‌ما، به لژ همایون از محمد خلیل جواهری سئوال کردم وی در جواب گفت:

من با آقای جهانگیر تفضلی از سال ۱۳۲۳ آشنا بودم، در آنسال ایشان‌به

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اتفاق مرحوم محمد مسعود، خسرواقبال و جعفر جهان بودند وهفته‌ای یکبار با یکدیگر ملاقات می‌کردیم و در محل فعلی سینما پارک باهم نهار می‌خوردیم. در این جلسات که چند سال طول کشید من‌درباره اصول روزنامه‌نگاری جهان وسوژه مقالات با چهار روزنامه‌نویس مزبور گفتگو و مذاکره می‌کردم.

روابط من با آقای تفضلی صمیمانه بود و تصور می کنم حملاتی که ایشان به من‌کرده‌اند به دستور سرتیپ حاجعلی کیا یا مهندس قباد ظفر عضو لژ همایون بود که هم‌اکنون نیز در یکی از لژهای دیگر عضویت دارد. چون درین مقالات مکرر نام باشگاه حافظ برده شده، بی‌مناسبت نیست که این‌باشگاه فراماسونری ایران را نیز معرفی کنیم:

باشگاه حافظ

باشگاه حافظ یکی از ارگانهای علنی لژ همایون بود. این باشگاه درسال ۱۳۳۱ درتهران خیابان نادری کوچه‌مسعود-سعد تشکیل گردید.

باشگاه حافظ تاسال ۱۳۳۵ ش (۱۹۵۷م) در تهران بود و فقط‌فراماسن‌های عضو لژ همایون حق داشتند، به‌آن رفت و آمد کنند. حق عضویت باشگاه‌ماهانه ۲۵۰ ریال بود که علاوه بر استفاده از وسائل تفریح، از بار ورستوران نیز برای صرف شام و ناهار استفاده می‌شد.

در باشگاه حافظ فستیوال سالانه فراماسونری لژهمایون که فقط اعضاء لژ حق شرکت درآن داشتند، تشکیل می‌شد.علاوه براین مهمانیهای سفیدفراماسنی که در آن «بیگانگان»[1] نیز شرکت داشتند، برگزار می‌گردید.

اساسنامه باشگاه حافظ، نخستین نوشته ایست که فراماسن‌های ایرانی در سازمان دولتی ایران به ثبت رسانیده‌اند. این اساسنامه که بعدها از طرف اعضاء لژ کورش و تهران و خیام تقلید شد و «باشگاه‌وازی» بر اساس‌آن تشکیل‌گردید

۱- فراماسن‌ها به‌کسانی که عضو لژهای فراماسونری نیستند، بیگانه می‌گویند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بوسیله مرحوم صادق سرمد، جعفر جبان و دکتر پرتو نوشته شده است. این سه نفر درعین حال اعضاء هیئت مدیره باشگاه حافظ بودند ولی کارگردان اصلی ومدیر عامل شخص محمد خلیل جواهری بود.

اینك فصول اساسنامهٔ باشگاه حافظ را که در اداره ثبت شرکتها بـه ثبت رسیده است عیناً نقل می‌کنیم:



پرچم مخصوص لژ همایون که در کنار کرسی
استاد اعظم برافراشته میشد



آرم باشگاه حافظ وابسته به لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اساسنامه باشگاه حافظ

فصل اول ـ کلیات :

ماده ۱ـ باشگاهی بنام باشگاه حافظ برای مدت نامحدود در ایران تأسیس و طبق مواد این اساسنامه اداره میشود .

ماده ۲ـ منظور از تشکیل باشگاه حافظ عبارت است از : ایجاد روابط دوستی بین اعضاء باشگاه بمنظور تعاون ومعاضدت وراهنمائی یکدیگر وهمچنین همکاری و همفکری وتشریك مساعی آنها درامور خیریه وخدمات نوعی و علمی و فرهنگی و نیکوکاری نسبت بمردم ایران .

ماده ۳ـ باشگاه حافظ دارای شخصیت حقوقی و تابع قانون شخصیت های حقوقی‌غیر بازرگانی میباشد ومسئول تعهدات‌مالی باشگاه‌فقط دارائی باشگاه‌است.

ماده ٤ ـ باشگاه حافظ دارای تابعیت ایران و مرکز آن در ایران‌خیابان نادری ـ کوچه مسعود سعد است .

فصل دوم ـ عضویت :

مادهٔ ٥ ـ عضو باشگاه کسی است که عضویت اوبتصویب هیئت مدیره‌رسیده و برطبق مصوبات این هیئت کارت عضویت (باعکس) بنام او صادر و ملغی نشده باشد .

تبصره ـ اشخاصیکه دوستی آنها با اکثریت اعضاء باشگاه میسر نبوده یا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دارای اخلاق و ایمان و تربیت و سواد و معلومات کافی نباشند نمیتوان بعضویت بذیرفت .

مادهٔ ٦ ـ علاوه بر اعضای رسمی باشگاه فقط کسانی حق ورود به عمارت و محوطه باشگاه حافظ را دارند که در انجمنهای خیریه یاسازمانهای خدمات نوعی و علمی و فرهنگی (که برقراری محل تشکیل جلسات آنها در این باشگاه بتصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشد و کارت عضویت آنها بر طبق مصوبات این هیئت صادر و ملغی نشده باشد . معذالك اعضاء این انجمنها و سازمانها جز در ایام و ساعات و اطاق یا اطاقهائیکه از طرف مدیر عامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده نمیتوانند در باشگاه حافظ حضور یابند و جز تا موقعیکه مدیر عامل مزبور صلاح بداند نباید حضور داشته باشند .

فصل سوم ـ ارکان باشگاه :

مادهٔ ۷ ـ باشگاه حافظ دارای سه رکن میباشد : مجمع عمومی ـ هیئت مدیره ـ مدیر عامل .

الف ـ مجمع عمومی

مادهٔ ۸ ـ مجمع عمومی مرکب است از کلیه اعضاء رسمی باشگاه وتشکیل آن درپایان هرسال برای تعیین هیئت مدیره جدید واخذتصمیم نسبت به پیشنهادات هیئت‌مدیره قدیم الزامی است وبعلاوه در ظرف‌سال ممکن است بطور فوق‌العاده برای اخذ تصمیمات مهم‌دعوت شود .

ماده ۹ ـ مجمع عمومی بوسیلهٔ اعلان در عمارت باشگاه و در یکی‌از روزنامه‌های‌کثیرالانتشار تهران‌دعوت میشود و با حضور نصف بعلاوه‌یك عده اعضاء حاضر (باستثنای هیئت مدیره و مدیر عامل) اتخاذ خواهد نمود . چنانچه در دفعه اول حد نصاب حاصل نشد در دفعهٔ دوم جلسه مجمع عمومی با حضور اعضاء حاضر رسمیت خواهد یافت و تحت ریاست رئیس باشگاه وبامسن‌ترین اعضاءاداره

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خواهد شد و دبیر باشگاه یا جوان ترین اعضاء حاضر که دارای درجه فرهنگی لیسانس باشد منشی مجمع عمومی خواهد بود.

ب ـ هیئت مدیره

مادهٔ ۱۰ ـ هیئت مدیره مرکب از هفت نفر است که برای مدت یکسال در مجمع عمومی سالیانه از بین اعضاء باشگاه انتخاب میشوند و مادام‌که هیئت‌مدیره جدید انتخاب نشده است هیئت مدیره قدیم بوظایف خود عمل خواهد کرد.

مادهٔ ۱۱ـ در صورت فوت یا استعفاء یکی از اعضاء هیئت مدیره (بیش از سه ماه قبل از انتهای دوره انتخاب) باید مجمع عمومی برای تعیین جانشین دعوت گردد. مجمع عمومی سالیانه‌سه نفر را از بین اعضاء باشگاه بعنوان علی‌ـ البدل اعضاء هیئت مدیره انتخاب میکند تا بجای اشخاص ممنوع یا مسافر برای شرکت درجلسات هیئت مدیره دعوت شوند ولی در صورتیکه بهردلیل عدم حضور عده‌ای از مدیران یا اعضاء علی‌البدل بیش از دوبار یا بیش از یکماه باعث عدم تشکیل جلسه هیئت مدیره گردد رئیس یا سه نفراز اعضاء هیئت مدیره یا ۱۵ نفر از اعضاء باشگاه میتوانند مجمع عمومی برای تجدید انتخاب تمام یا عده‌ای از اعضاء هیئت مدیره و اعضاء علی‌البدل دعوت نمایند.

ماده ۱۲ ـ هیئت مدیره سال اول تأسیس در تاریخ ۳۱/۲/۲۵ از طرف مؤسسین انتخاب شده‌اند و اسامی آنها بشرح زیر است:

۱ ـ دکترعلی برنو ۲ـ صادق سرمد ۳ـ مهندس عباس مافی ٤ ـ جعفرجهان ٥ ـ سید محمد میرهادی ٦ ـ دکتر حبیب‌اله یدیدی ۷ ـ علی اصغر سلسبیلی.

ماده ۱۳ ـ هیئت مدیره دراولین جلسه یکنفراز اعضاء خود را بعنوان رئیس و یکنفر از بین خود بعنوان دبیرانتخاب خواهد نمود رئیس و دبیرهیئت مدیره رئیس و دبیر باشگاه نیز میباشند و صورت جلسات هیئت مدیره مانند صورت جلسات مجمع عمومی باید بامضای رئیس و دبیررسیده تحویل مدیرعامل باشگاه گردد و در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط گردد.

ماده ١٤ ـ هیئت مدیره در هر ۱۵ روز لااقل یکبار تشکیل جلسه میدهد و رئیس هیئت و همچنین مدیر عامل باشگاه میتوانند در هر موقع لازم بدانند هیئت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت نمایند .

ماده ۱۵ ـ هیئت مدیره با حضور پنجنفر از علماء رسمیت یافته و تصمیمات آن به اکثریت آراء حاضر اخذ میشود ولی در هرحال هر تصمیم لااقل محتاج به چهار رأی میباشد .

ماده ١٦ ـ وظائف هیئت‌مدیره بقرار زیراست :

١ ـ تعیین و تغییر مدیرعامل باشگاه .

٢ ـ قبول عضو جدید (در صورت واجد بودن شرائط و داشتن دو معرف از بین اعضاء) و ابطال عضویت کسانیکه عدم صلاحیت آنها را پس از رسیدگی محرز بداند .

۳ ـ مراقبت در حسن جریان امور باشگاه .

٤ ـ قبول یا ردتقاضاهای مربوط به‌برقراری محل‌تشکیل جلسات‌انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی درباشگاه وتعیین مقررات مربوط باین کار و همچنین تصویب مقررات مربوط به جشنها و میهمانیها .

٥ ـ تصویب ترازنامه و گزارش عمل سالیانه باشگاه .

٦ ـ تصویب بودجه باشگاه .

٧ ـ بحث در باره پیشنهادات مدیر عامل یا نظریات اعضاء باشگاه و قبول یا رد آنها بر طبق موازین این اساسنامه .

٨ ـ تصویب برقراری کلیه آئین نامـه‌هائیکه در اجرای این اساسنامه ضرورت پیدا میکند .

٩ ـ تعیین حدود اختیارات مدیرعامل وکسانیکه میتوانندباشگاه را متعهد یا مدیون نموده از وجوه و دارائی آن برای آموزشگاه استفاده یا از طرف آن قرارداد منعقد نمایند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۰ ـ دعوت مجمع عمومی و تهیه پیشنهادات برای تصویب آن .

تبصره ـ تصویب تغییر اساسنامه یا انحلال باشگاه ازمختصات جلسه مجمع عمومی است و در تشکیل جلسه برای اینکارحضور لااقل دو ثلث از اعضاء باشگاه ضروری می‌باشد .

ج ـ مدیر عامل

ماده ۱٦ ـ مدیر عامل باشگاه حافظ توسط هیئت مدیره آن خواه از بین اعضاء ایـن هیئت و خواه از بین سایر اعضاء باشگاه بـرای مدت یکسال انتخاب می‌گردد و حدود وظائف و اختیارات آن علاوه بـر آنچه در این اساسنامه ذکر گردیده و در حدود این اساسنامه بسته بنظر هیئت مدیره است .

ماده ۱۷ ـ مدیر عامل در جلسات هیئت مدیره حضور یافته ومی‌تواند هر نوع پیشنهاد که صلاح بداند برای تصویب تقدیم نماید .

ماده ۱۸ ـ مدیر عامل مسئول کلیه امور اداری و مالی و انتظامات و حفظ دارائی و دفاتر و آرشیو باشگاه بوده سرپرستی کارمندان داخلی از قبیل اعضاء دفتری و پیشخدمت و باغبان و غیره را برعهده داشته و مأمور اجرای تصمیمات هیئت مدیره و مجمع عمومی میباشد و نیز تهیه و تنظیم ترازنامه و گزارش علمی سالیانه و بودجه باشگاه و گذرانیدن آنها از تصویب هیئت مدیره با مدیر عامل است .

فصل چهارم : درآمد و مخارج و ترازنامه باشگاه

الف ـ درآمد

ماده ۱۹ ـ باشگاه حافظ دارای عوائد زیر خواهد بود :

۱ ـ ورودیه اعضاء باشگاه .

۲ ـ حق عضویت ماهیانه .

۳ ـ حق پذیرائی از انجمنها و سازمانهای نوعی و علمی یا فرهنگی مواقعیکه در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می‌دهند .

٤ ـ عوائد رستوران و بوفه باشگاه .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۵ ـ عوائد جشنها و میهمانیها.

۶ ـ هدیه و بخشش‌هائیکه بصورت اموال منقول و یا غیرمنقول یا وجه نقد بباشگاه می‌شود و هنوع عوائد دیگری که هیئت مدیره برطبق موازین این اساسنامه تصویب نماید.

تبصره ـ باشگاه حساب جاری یا نسیه کاری با هیچکس نخواهد داشت و اعضاء باشگاه مانند انجمنها وسازمانهائی که در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می‌دهند باید تعهدات خودرا برای هرماه حد اکثر تا پانزدهم ماه بیعد به صندوق باشگاه واریز نمایند.

ب ـ مخارج و مصارف

ماده ۲۰ ـ مخارج و مصارف باشگاه عبارت خواهد بود از:

۱ ـ هزینه اداری وتهیه اسباب ولوازم و تهیه چیزهائی‌که در باشگاه صرف یا مصرف می‌شود حقوق‌مدیرعامل وپرداخت حقوق ودستمزد بکارمندان وکارکنان داخلی که تحت تعلیمات مدیر عامل در باشگاه انجام وظیفه می‌نمایند و پرداخت پاداش‌هائیکه بتصویب هیئت مدیره رسیده باشد.

۲ ـ کمکهای باشگاه بامور خیریه و خدمات ملی و نوعی و علمی و ادبی یا فرهنگی و انجمنها و مؤسسات مربوط به این امور.

ج ـ ترازنامه

ماده ۲۱ ـ مدیرعامل موظف است ترازنامه عمل باشگاه و گزارش عملیات خود را قبل از انقضای هر سال هجری شمسی برای تصویب تسلیم هیئت مدیره بنماید و تنظیم ترازنامه مستلزم این است که قبلا انوانتر بعمل آمده باشد.

ماده ۲۲ ـ هیئت مدیره قبل از رسیدگی وتصویب ترازنامه یکنفراز اعضاء باشگاه را که وارد در امور مالی باشد و اگر یافت نشود از خارج بعنوان بازرس ترازنامه تعیین می‌نماید. این‌بازرس درمقابل اخذ حق‌الزحمه معین‌باید ترازنامه و گزارش عملیات تقدیمی مدیر عامل را با دفاتر و اموال و انبار و اوراق و اسناد

تطبیق نموده درظرف یکماه گزارش خود را نسبت به صحت ارقام و ایراداتی اگر داشته باشد و همچنین هرنوع نظرهای اصلاحی که صلاح بداند به هیئت مدیره باشگاه تسلیم نماید.

ماده ۲۳ ـ هیئت مدیره درتعیین تکلیف سود خالص (پس از وضع هر نوع عوارض یا مالیات یا پاداش) با رعایت هدفهای این اساسنامه مختار است و مازاد سود مزبور ـ حساب دارائی باشگاه جهت سال بعد منتقل میگردد.

فصل پنجم : مواد متفرقه

ماده ۲۴ ـ کلیه اموال باشگاه باید در دفتر مخصوص (با ذکر خصوصیات و نحوه تملیك و محل قرار گرفتن هر یك در باشگاه) ثبت گردد و مدیر عامل نمی‌تواند عاریه یا امانت وغیره یا درمقابل اجرت المثل بدون اجازه مخصوص هیئت مدیره از اختیار خود خارج نماید ومسئولیت محافظت آنها بعهده شخص مدیر عامل است.

ماده ۲۵ ـ قبول مهمان یا برقراری جشنها و مجالس که اشخاص غیر عضو باشگاه بتوانند در آن شرکت نماید خواه در عمارت یا محوطه یا رستوران و یا بوفه باشگاه تابع مقررات موضوعه ازطرف هیئت مدیره بوده و درغیر اینصورت ممکن نیست

ماده ۲۶ ـ هر نوع فعالیت سیاسی از قبیل متینگ و دفتر روزنامه یا حزب در باشگاه حافظ ممنوع است.

انحلال باشگاه حافظ

باشگاه حافظ همزمان با فعالیت لژ همایون در تهران و ولایات همچنان بکار خود ادامه می‌داد.

جلسات روزانهٔ باشگاه ظاهراً برای وقتگذرانی، صرف مشروب الکلی و غیرالکلی و شام و ناهار می‌شد، ولی در حقیقت کسانیکه در آن محل اجتماع می‌کردند، بکارهای سیاسی می‌پرداختند و حتی می‌توان گفت که در انحلال دولت‌ها و روی کار آوردن برادران فراماسون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خود مؤثر بودند.

اما بعد از روی کار آمدن سپهبد زاهدی وزمامداری این نخست وزیر مقتدر که فقط مجری اوامر شخص اول مملکت بود، بتدریج احساس شد که وجود باشگاه حافظ و دخالتهای بی جا و بی مورد فراماسونها در امور مملکت، لازم نیست بدین سبب دستور انحلال باشگاه مذکور داده شد.

همینکه دستور انحلال لژ همایون و باشگاه حافظ صادر شد، هیئت مدیره باشگاه دعوتی از سی و پنج نفر اعضاء مؤسس باشگاه کرد تا مقدمات تعطیل و انحلال را صادر کنند.

در روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۵ بیست و چهار نفر از اعضاء مؤسس که اسامی آنها به شرح زیر است، درمحل باشگاه اجتماع کردند:

۱ ـ دکتر احمد هومن ۲ ـ دکتر اسمعیل فیلسوفی ۳ ـ دکتر رحمت مرشد زاده ٤ـ دکتر یحیی شهردار ٥ـ دکتر ذوالریاستین ٦ ـ دکتر حبیب‌الله یدیدی ۷ ـ دکتر فتح‌الله امیرجلالی ۸ ـ دکتر جعفر جهانی ۹ ـ مهندس تقی مصباحی امین ۱۰ـ سیداسدالله موسوی ۱۱ـ عباس شایان ۱۲ ـ مصطفی عامری ۱۳ـ عبدالله ظلی ١٤ـ غلامحسین پورپور ۱۵ـ سید علی نصر ١٦ـ سید محمد میرهادی ۱۷ـ علی کوچکعلی ۱۸ـ مهدی منصور ۱۹ـ سید ابوالحسن شاهق ۲۰ـ سیدعلی‌اکبر موسوی ۲۱ـ محمد علی امام شوشتری ۲۲ـ محمدرضا افتخار ۲۳ـ علی اصغر سلسبیلی و یکنفر دیگر که اسم او خوانده[۱] نشد.

این‌عده در همان جلسه فرمایشی، باشگاه پنج سالهٔ خود را منحل کرده جعفر جهان و صادق سرمد را مأمور تصفیه امور باشگاه کردند. همه لوازم و دارائی باشگاه عیناً به لژ مولوی که تازه تأسیس شده بود، اختصاص داده شد و با

---

۱ ـ پس از تشکیل لژ مولوی و سایر سازمانهای وابسته ماسونی در ایران دونفر از اعضاء باشگاه حافظ حاضر بادامه فعالیت ماسونیک نشدند. اولی مهدی منصور صاحب منصب بازنشسته و شرافتمند وزارت دارائی و دیگری دکتر حبیب اله یدیدی کلیمی دارو ـ ساز بود.



ازراست بچپ: محمدخلیل جواهری - ابراهیم‌حکیمی (حکیم‌الملک) استاد اعظم لژگراند اوریان فرانسه‌که پنجاه وسه سال فراماسون بود - علی‌اصغر سلسبیلی



فراماسون‌های خوزستانی لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

چاپ آگهی زیر در روزنامه رسمی کشور و روزنامه اطلاعات در روز ۲۷ شهریور ۱۳۳۵ باشگاهی که نیم میلیون تومان دارائی داشت منحل گردید :

« ... پیرو آگهی‌های منتشره درروزنامه‌اطلاعات و طلوع دائر به‌دعوت‌اعضاء باشگاه‌حافظ‌برای تشکیل مجمع‌عمومی درتاریخ وساعت مقرر امضاءکنندگان زیر در باشگاه حاضر وپس از مذاکرات کافی در اطراف انحلال باشگاه‌معتقد بانحلال باشگاه‌شدیم. لذاآقای جعفر جهان را بعنوان‌مدیر تصفیه‌تعیین‌کرده وذیل‌این ورقه را امضاء نمودیم که مراتب به‌اطلاع ثبت شرکتها برسد ۲۵شهریور ۱۳۳۵ »

یك رساله مخفی

در میان اسناد باقیمانده لژ همایون یك جزوه خطی بنام «اثرهای اولیه‌ای که برادری در من کرده است» وجوددارد که نموداری از افکار مؤسسین وکارگردانان فراماسنی‌وطرز کار لژهمایون می‌باشد ، بدنیست عین این رساله را نقل کنیم :

آنچه‌که باید یك فراماسون بداند

اثر اول : راجع به مفهوم برادری و فلسفهٔ آن .

برادر ــ مردی است‌آزاد و متقی . نیکوکار و خوشرفتار . یا راهنما وحامی و مدافع هر برادر و دوست تمام مردم دنیا از سفید و سیاه و فقیر و غنی بشرط آنکه متقی باشد .

برادری ــ اجتماعی است محرمانه و جهانی ــ مرکب از مردانی‌که براساس شرائط مذکور در فوق انتخاب شده‌اند . این تشکیلات دارای سنتی است موروثی و قدیمی‌که اسرار،آنرا تشکیل می‌دهند واسراردیگری برحسب‌مقتضیات بوجود می‌آیند ونیز ممکن است طبق مصلحت روز دریك مملکت وجود محفل و هویت برادران جزء اسرار، قرارگیرد « مانند وضع فعلی ایران »

محیط ــ فعالیت این جمعیت درتمام نقاطی‌است‌که نوع بشر در آن زندگی می‌کند و هدف آن سعادت مردم دنیا از راه جستجوی حقیقت و حکمت و علم و معرفت و جمال می‌باشد .

فلسفه ــ مکتب برادری عبارت است از:اعتقاد وایمان قطعی بوجودمهندس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بزرگ عالم و پیروی از قوانینی که از راه توجه و بوسیلهٔ چراغ عقل می بینیم او یعنی خداوند در نهاد طبیعت قرار داده است[۱]. اهم این قوانین در مورد نوع و اجتماعات بشر عبارتند از : آزادی ـ مساوات ـ برادری .

غرض از آزادی خودسری و هرج و مرج نیست بلکه این کلمه را برادر همیشه باید با دستور ذیل : « آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران روا مدار و آنچه از دیگران در حق خود انتظار داری در بارهٔ آنها بجاآور .» توأماً ویکجا در مدنظر قرار دهند زیرا : آزادی هرفرد محدود است به آزادی دیگران و در تلو همین معنی آزادی هر برادر محدود است به :

اصول ـ مکتب برادری یعنی : مساوات . برادری . وخدمت بنوع .

دلیل ـ پیدایش و بقاء مکتب و تشکیلات برادری عبارت است از : لزوم یافتن نور حقیقت وحکمت و ادب وهنر و اخلاق و همچنین لزوم تأمین آزادی و اجرای حق و عدالت برای سعادت بشر .

نتیجه ـ این فلسفه و توسعهٔ این مکتب و تشکیلات عبارت خواهد بود از : اشاعه تقوی و ازدیاد اشخاص متقی ـ توسعه نیکوکاری و خدمت بخلق ـ ترقی و تکامل انسان و نتایج کارهای آن و وسائل زندگی نوع بشر ، چون هرکس برادر می‌شود معمولاً پایبند به فلسفه دین خود و وجدان ملی و حس قومیت خود یا وطن پرستی نیز می‌باشد لازم می‌دانم رابطهٔ مکتب برادری با دین و نیز ارتباط آن با ملیت و وطن پرستی روشن باشد و بعقیده من :

۱ ـ قبول فلسفه مکتب برادری با داشتن مذهب مباینت ندارد بلکه «تا این مرحله از سیر تکاملی که بشر رسیده و ما هستیم» با آن ملازمه دارد زیرا : اعتقاد بوجود مهندس بزرگ عالم که پایه مکتب برادری است اولین اصل هر یک مذاهب آسمانی نیز می‌باشد ـ کسیکه به این اصل معتقد نباشد برادر نیست و

۱ـ فراماسونها استاد اعظم خود را « مهندس بزرگ عالم » خطاب می‌کنند و خداوند را در وجود طبیعت می‌دانند .

با مردم بر اساس مراعات برادری و انصاف و حکم در بارهٔ آنها از روی عدالت متقابل و ترجیح دادن منافع عموم بر منافع شخص خود . بعبارت اخری و بطوریکه قبلا گفته شد ـ برادر باید نسبت بدیگران همانطور رفتارکند که باطناً مایل است دیگران درباره اوعمل کنند و آنچه برخود نمی‌پسندد نباید بر دیگران

هرکس این اصل‌را مسلم‌داند اولین پایه تمام مذاهب آسمانی‌راهم قبول‌کرده‌است. منتهی بـرادری چون خواهان آزادی نوع بشر است نسبت به بقیه اصول مذاهب برادر را برحسب مذهبی که دارد آزاد می‌گذارد و هر برادر درعین حال که مذهب خود را حفظ می‌کند بصاحبان مذاهب دیگر بشرط خداپرست بودن آنها با دیده اغماض و احترام متقابل می‌نگرد و اختلاف مذهب را مانع برادر شدن ندانسته و سعی می‌کند تمام مردم دنیا را در زیر لوای ایمان بوجود مهندس بزرگ عالم متحد نماید.

۲ – و نیز بعقیدهٔ من: مادام که آزادی ومساوات و برادری بین تمام اقوام و ملل وافراد نوع بشر بدرجهٔ‌کمال نرسیده و این اصول در تمام نقاط دنیا بی هیچ استثناء از طرف نوع انسان پیروی نشود برادری با وطن پرستی نیز ملازمه دارد زیرا: وجدان ملی بمفهوم واقعی وممدوح کلمه چیزی جز فداکاری در راه‌آزادی هموطنان و برقراری مساوات بین ابناء وطن با سایر ملل عالم درحقوق بین‌الملل و حفظ حقوق و شرافت هموطنان در مقابل متجاوزین و تعدی کنندگان نبوده و نیز جز نیکوکاری دربارهٔ مردم میهن و کمك به آنها «بر اساس یاری حق بر ضد باطل» و بهره‌مند ساختن آنها از عدالت و سعادت چیز دیگر نیست ـ بنابراین وطنپرستی و حس قومیت مادام که بمرحله تجاوز به حقوق دیگران نرسیده باشد بدبختی و بردگی سایر ملل عالم را بنفع میهن مشخص مد نظر نداشته باشد هم با برادری مباینت نداشته وهم بافلسفه این مکتب ملازمه دارد وزیست شرافتمند که وظیفهٔ هر برادری است نیزبه او حکم می‌کند که درراه حفظ شرافت ملت خود از هیچ فداکاری و جانبازی خودداری ننماید.

بعلاوه چنانچه افراد هر ملت و مملکت وطن پرستی را به مفهومی که ذکر شد حقیقتاً پیروی‌کنند ودرعین حال معتقد به‌آزادی فردی واجتماعی ومساوات و برادری برای تمام ملل و ابناء بشر نیز باشند بی هیچ شبهه سعادت نوع بشر «بطور کلی» که هدف اصلی مکتب ما و فلسفه برادری است خود بخود حاصل و صلح و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

صفا را در دنیا برقرار و ضمناً تمام نقاط کره زمین آباد و وسایل زندگانی تمام مردم دنیا به اوج ترقی خواهد رسید.

۳ـ ضمناً باید گفته شود که مکتب برادری حزب سیاسی نیست ـ فقط برادر بودن با ورود در احزابی که منکر آزادی ـ مساوات و برادری بوده یا برخلاف اصول آن عمل کنند مباینت دارد.

وظائف برادر ـ بنابر توضیحات فوق وظائف یك برادر را می‌توان در چهار جمله زیر خلاصه کرد:

عشق بخدا یا مهندس بزرگ عالم ـ عشق به همنوع ـ عشق به شرافت خود و سعی کافی و وافی در حفظ نوامیس برادری و تشکیلات و اسرار آن ـ اینك توضیح:

۱ ـ عشق به خداوند عبارت است از پرستش و شکر مهندس بزرگ عالم و تحقیق رضایت او از راه خدمت به خلق و کمك به بیچارگان از دل وجان و دلسوزی بحال اشخاص منحرف و سعی در عودت دادن آنها بهراه راست.

۲ ـ عشق به همنوع ـ عبارتست از مراعات آزادی دیگران و رفتار و معامله با مردم بر اساس مراعات برادری و انصاف و حکم در بارهٔ آنها از روی عدالت متقابل و ترجیح دادن منافع عموم بر منافع شخص خود. بعبارت اخری و بطوریکه قبلا گفته شد ـ برادر باید نسبت بدیگران همانطور رفتار کند که باطناً مایل است دیگران درباره او عمل کنند و آنچه برخود نمی‌پسندد نباید بردیگران روا دارد.

۳ ـ عشق بخود ـ البته مقصود خودخواهی و خود پرستی نیست ـ بلکه برعکس کسیکه برادر می‌شود دیگر بخود تعلق ندارد. مقصود از این عشق این است که برادر همیشه باید با در نظر داشتن حقیقت و اهمیت امور از هر عمل یا رفتار یا گفتاری که موجب هتك شرافت یا تنزل حیثیت او می‌شود اجتناب ورزد ـ نزاکت و عفت بیان و عفت قلم را حتی در مواقع ذیحق و مظلوم واقع شدن رعایت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کند و خود را در زندگی طوری هدایت کند که در پیشگاه عقل و در دادگاه عدل مفتخر و سربلند و شرافتمند باشد. ـ بهمین جهت بر هر برادر واجب است که از بلند پروازیهای بیجا ـ تکبر و غرور ـ داشتن و دادن نظریات بی اساس ـ و بالخصوص از اشتباه وخبط احترازکنند و درعین حال با جهل و دروغ و تعصبهای خرافاتی و موهومات «که چهاربلاو چهارمانع سعادت بشرند» جداً مبارزه نماید ـ و در جهت عکس بلند همتی و پشتکار و استحکام اخلاقی و استقامت و صمیمیت و صراحت را همواره شعار خود قرار دهد.

٤ ـ سعی کافی و وافی در حفظ جمعیت و تشکیلات و اسرار برادری بطور خلاصه عبارت از این است که برادر باید در رعایت انضباط جمعیت برادری نهایت درجه بکوشد و اسرار این جمعیت و اسرار برادران را حتی به قیمت جان خود حفظ نماید ودرراه پیشرفت هدف مکتب برادری وکمك به برادران از هیچ‌ـ چیز مضایقه و دریغ ننماید و همیشه در نظر داشته باشد که در صورت خیانت به برادری یا به برادر مستحق شدیدترین مجازاتها خواهد بود.

اثر دوم: آنچه از علامات و تصاویر و البسه و نشانها و سنن موروثی برادری و ترتیب دادن محفل و زینتهای آن و بالاخره هریك از اسرار برادری استنباط می کنم این است که هیچیك از آنها بی دلیل مقرر نشده و بی فلسفه نیست. مثلاً وقتی: در موقع انجام تشریفات قبولی برادر تمام شمشیرها بطرف تازه وارد روی می‌آورند اولا علامت این است که در مواقع گرفتاری و احتیاج تمام برادران به کمك برادر خواهند شتافت و ثانیاً ـ در صورت بروز رفتار ناجوانمردانه و مغرضانه از طرف برادری نسبت به برادردیگر ـ یا فاش کردن اسرار برادری و خیانت باین اجتماع تمام برادران در گرفتن انتقام و مجازات مشارکت نموده یا از یکدیگر سبقت خواهند گرفت.

اثرسوم: تعجب من است از تضادی‌که بین مکتب برادری و افکار عمومی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مردم ایران نسبت به آن وجود دارد. البته چون برادری برای تأمین آزادی و مساوات و پیشرفت حقیقت برضد دیکتاتوری و بردگی نوع بشر مبارزه می کند همیشه از طرف حکومتهای استبدادی و طرفداران آنها و هم چنین از طرف زورمندانی که ستونهای قدرت خود را برروی تعصبات وخرافات مردم جاهل قرار می‌دهند مورد حملات ناروا و موضوع تبلیغات سوء بوده است ولی در هیچ یك از ممالك دنیا که شکل حکومت آنها مانند ما بصورت دمکراسی باشد تا این درجه حقیقت برادری وارونه و برعکس معرفی نشده است و اینجانب برای تخفیف این جریان تأسف آور راهی بنظرم رسیده که هر موقع اساتید و بزرگان محفل ما صلاح بدانند بعرض خواهم رسانید.

اثر چهارم: با اینکه ایران مهد زردشت یعنی‌موطن یکی‌از بزرگترین کسانی‌است که تاریخ برادری، نام آنها را بعنوان مؤسسین مکتب خود ثبت و یا لااقل ازفلسفه و نحوه‌عمل آنها استفاده و اقتباس کرده است، معذلك امروز در بین ملل متمدن دنیا کمتر ملتی بقدر ایرانیان از اصول و روش برادری دوری جسته و کمتر مردمی باندازه‌هموطنان مااحتیاج‌بهارشاد دارند. نظر به‌نکات‌اخیر‌الذکر مابرادران ایران قاعدتاً باید نسبت به برادران سایر ممالك متمدن وظائف سنگین‌تر و بیشتری بر روی دوشهای خود حس کنیم و وظائف ذیل را علاوه بر آنچه قبلاً گفته شد انجام دهیم:

۱ـ کوشش زیاد در ازدیاد تعداد برادران و در عین حال دقت بیشتردرقبول اشخاص و مخصوصاً اجتناب از اشخاص ظاهرالصلاحی که با حربهٔ دو روئی و دروغگوئی برای حفظ موقعیت خود بهر سازی می‌رقصند.

۲ـ سعی بیشتری در سری نگاهداشتن تشکیلات و محفل و هویت‌برادران نسبت به سایرممالك دنیا؛

۳ـ کوشش فراوان در اجرای اصل نیکوکاری و کمك فوق‌العاده در راه

تأمین سعادت ملت ایران .

ما اگر واقعاً برادریم باید با جهل و ظلم و دروغ و خرافات وفقر که گریبان ملت ما را گرفته است شدیداً مبارزه کنیم و بیش از این نگذاریم این کشور در خرابی و عقب‌ماندگی و این ملت در بدبختی باقی بماند .



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



LODGE LIGHT IN IRAN

№ 1191 S. C.

TEHRAN, PERSIA.

فصل بیست و ششم

لژ روشنائی در ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ روشنائی درشیراز

نخستین لژ فراماسونری با اجازه انگلیس در ایران ،که می‌توان آن را قدیمی‌ترین لژ دانست ، لژ نظامیان انگلیسی بنام « روشنائی در شیراز »ـ Light in Shiraz است . این لژ که بموجب فرمان . گراند لژ اسکاتلند در روز بیستم فوریه ۱۹۱۹(۱۳۳۷ه) درشهرشیرازبوسیله افسران وگروهبانان ارتش مستعمراتی انگلیس تشکیل شد ، مدت نیم قرن است که با شماره ۱۹۱۱ بفعالیت خود ادامه می‌دهد . فرمان تأسیس لژمذکوربموجب فرمان کتبی وضمانت برادربسیارارجمند فراماسونی انگلیس بنام ماژور ژنرال جنینگز W . E . Jennings. M . D. IMS صادر شده است وافسران زیررا می‌توان ازجمله مؤسسین این لژدرایران دانست :

Rt. Wor. Bro. W. H. Hallsworth .
« E. F. Orton .
« C. H . Carr .
« S/ Howard .
« J . E . B . Hereen .
« F . W . Hurse
« N . Briggs .
« J . B . Dalzell – Hunter .
« A . G . Westnam
« W . Hayes .
« H . M. McIntyre
« J . W. Smalley
« H . Welder
« A . D. Wyte
« J . H. Kereen
« A . Williams
« Fe. V. Condon
« H . A. K. Gough
« W. J. Marmion .

از روزیکه وزارت مستعمرات انگلیس برای پیش بردن مقاصد شوم استعماری واستثماری‌خود درصدداستفاده ازسازمانهای فراماسونری برآمد، ایجاد لژهای‌نظامی انگلیس،درمناطقی‌که موردنظر استعمارطلبان‌امپراتوری بریتانیابود، آغاز شد و گسترش یافت .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نخستین باری که استعمارطلبان انگلیس در صدد استفاده از لژهای فراماسونری نظامی درمناطق مختلف گیتی بر آمدند، بسال ۱۷۲۸ ـ ۲ (۱۳٤٦ ـ ه) و در جبل‌الطارق بود. در آن ایام، تنگه جبل‌الطارق شاهراه حیاتی انگلیس وپایگاه منحصر بفردی برای نفوذ وهجوم ارتش امپراتوری به افریقا وخاورمیانه بود.

لژ نظامی مانند سایر تأسیسات هنگهای ارتش انگلیس که به افریقا و یا خاورمیانه اعزام می‌شدند، در حال حرکت نبود، بلکه سازمانی بودکه همیشه در خارج از محیط سربازخانه استقرارداشت. بعد ازتشکیل این لژماسونی انگلیس درسال۱۷۳۲ـ م (۱۱٤٤ـ ه) گراند لژ ایرلند، فرمانی برای تأسیس لژ ماسونی درهنگ شماره‌یك ایرلند صادرکرده ودرسال۱۷٤۷ ـ م (۱۱۵۹ ـه) نیزگراندلژ اسکاتلند لژی بنام «دوك اف نور فوك» را در دوازدهمین هنگ پیاده اسکاتلند که هم اکنون بنام هنگ «سافوك» نامیده می‌شود تأسیس کرد.

نتایج سودمندی‌که استعمارگران انگلیسی از تأسیس لژهای فراماسونری نظامی انگلستان درپیشرفت هدفهای مستعمراتی خود درمناطق مورد نظرگرفتند، سبب شد تا همه ساله‌لژهای نظامی درکشورهائی‌که هدف وزارت مستعمرات بودند، تأسیس شود.

آخرین لژهای نظامی که انگلیس‌ها تشکیل دادند لژ «دوستان اجتماعی شماره ٤۹۷» نام داشت و وابسته به هنگ هشتاد و نهم سلطنتی ایرلند بود، و در سال ۱۹٤۷ تشکیل شد بموجب نوشته مجله «فراماسونری رکورد» در فرمانی که «رویال اسکاچ» صادرکرده‌است، تمام سربازانی‌که درایرلند درلژهای نظامی هستند، ایرلندی‌نژاد محسوب‌می‌شوند وهرکدام ازآنهادارای فرامین بخصوصی می‌باشند، که می‌توانند مثل یك لژمقیم و ثابت فعالیت‌کنند وبا هنگ‌ها عزیمت نکنند. در همین مجله فراماسونری، اهمیت لژهای نظامی تشریح شده و آنها را مانند «پل مستحکم وثابتی درتاریخ فراماسونی انگلیس» با اهمیت معرفی می‌کند. درهمین

فرمان نوشته شده است «بدون شك و تردید ترویج فراماسونی در ماوراء دریاها، مرهون مجاهدتها و فعالیت‌های مستمر اعضای لژهای نظامی بوده است. اعضای لژهای نظامی بهرجاپای می‌نهادند، همراه خودشان فراماسونری را رواج‌می‌دادند، اینان که مدت کوتاهی در پادگان‌ها و شهرها مقیم بودند، فراماسونری را برای مردم سرزمین‌های دوردست و ماوراء بحار به ارمغان می‌بردند، و درحالیکه خود آنها بعد از مدتی آن نقاط را ترك می‌کردند، لژهای ماسونری را همچنان در آن کشورها باقی می‌گذاشتند که تا به امروز نیز مشغول کار و فعالیتند.»

لژ روشنائی درایران که مدت کوتاهی نیز بنام لژشیرازموسوم بود بوسیله افسران نظامی انگلیس و قشون مستعمراتی «اس. پی ـ آر» در فارس و جنوب ایران تأسیس شد.

طراحان نظامی و مستعمراتی انگلیس از اوائل قرن نوزدهم، همواره درصدد تشکیل نیروی نظامی درجنوب ایران بودند. دیپلماتها و نظامیان انگلیسی، هرگاه فرصتی بدست می‌آوردند، سعی می‌کردند، یك نیروی نظامی‌قوی درجنوب ایران تشکیل دهند. دراوایل سال ۱۹۰۳ ـ م (۱۳۲۰ ـ هـ) این فکرشوم بمرحله اجراء درآمد و دولت انگلیس اعلام کرد که نیروئی بنام «پلیس بومی» در جنوب ایران بوجودمیآورد. نخستین اظهارنظر رسمی‌که دراین‌باره‌شده، در روز پنجم مه ۱۹۰۳ـ م (۱۳۲۰ ـهـ) بوسیله‌لرد«لانسدوان» وزیر امورخارجه وقت انگلیس ودر مجلس اعیان آن کشور بوده است. او در نطقی که درآنروز ایراد کرد، گفت: «... ما کوشش‌کرده‌ایم که تجارت و نفوذ بریتانیا را بهروسیله‌ای‌که دردست داریم تـأمین و تشویق کنیم و همچنین پـروژه‌های متعددی روی همین زمینه از قبیل تشکیل یك قوه پلیس بومی بـرای حفظ امنیت راههای جنوبی ـ تحت مطالعه است ...»[1]

تلاش دیپلماسی انگلیس برای تأسیس «پلیس بومی» درجنوب ایران با تام

۱ ـ تحولات سیاسی نظام ایران ص ۲۰۵ .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و زیرعنوان فریبنده «حفظ امنیت تجارت و راه‌های تجارتی» با مقاومت دولت و مردم ایران مواجه شد. و در مقابل این اقدام یك جانبه انگلیسها، فکر تشکیل ژاندارمری تحت نظر افسران سوئدی بمرحله عمل در آمد. انگلیسها ابتدا با این فکر موافقت کردند ولی بطوریکه بعدها رجال انگلیسی گفتند آنها تصور می‌کردندکه با انتخاب افسران طرف اعتماد و یا تحت نفوذ خودشان خواهند توانست مقاصد خویش را بوسیله افسران ایرانی وسوئدی بمرحله‌عمل درآورند. اما پس ازتشکیل ژاندارمری و شروع فعالیت افسران سوئدی، انگلیسها متوجه اشتباه خود شدند و بقول جهانگیر قائم‌مقامی «. . افسران سوئدی دریافتند که انگلیسها قصد دارند آنها راآلت اجرای مقاصد خودنمایند. آنهم نیات ومقاصدی که با اصول خدمتگذاری ایشان نسبت‌بدولت ایران وفق نمیداد» درسال ۱۹۰۷ـم (۱۳۲٤ ـ هـ) که نقشه شوم تجزیه ایران بدو منطقه نفوذ انگلیس و روس به‌روی کاغذ آمد، در معاهدهٔ مزبور تأیید شده بود که منطقه بیطرف از میان رفته است و دولتین روس و انگلیس این امتیاز و حق را برای خود قائل هستند که بتوانند هر یك لشکری از سربازان ایرانی تحت هدایت و فرماندهی افسران خویش در مناطق نفوذ خود تشکیل و تربیت دهند.»[۱]

پس ازامضاء این قرارداد، روسها بلافاصله شروع بکارکرده، بریگاد قزاق را توسعه دادند و امتیازنامه۱۹۰۷ـم (۱۳۲٤ـهـ) را منطبق بااین اقدام دانستند. انگلیسها هم برای اینکه از رقیب خود عقب نمانده باشند، بدون موافقت دولت ایران، سازمان تفنگچیان جنوب‌ایران South Persian rifells را که مخفف آن با سه حرف (S. P. R.) نشان داده می‌شد، تشکیل دادند. این‌سازمان تحت نظر ژنرال سرپرسی سایکس[۲] اداره‌می‌شد.

وثوق‌الدوله که درآنزمان رئیس‌الوزراء ایران بود، وقتی خود را در برابر

---

۱ ـ تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران ص ۲۰۵.

2_Gen. Sir Percy Syxes

عملی انجام شده دید ، برای اینکه اثر آنرا تا اندازه‌ای خنثی و یا لااقل تعدیل کرده باشد[1] بصورتی موافقت کرد که پلیس جنوب تا پایان جنگ، آنهم بطور موقت، در فارس و کرمان دائر باشد .

پلیس جنوب در حقیقت سپاهی منظم و مرکب از ۵٤۰۰ گروهبان و سرباز ٤۷ افسر ارشد انگلیسی و ۱۹۰ افسر ایرانی و ۲٥٦ افسر جزء انگلیسی و هندی بود .

مورخ‌الدوله سپهر در این باره می‌نویسد : « این نیروی نظامی تحت اوامر یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی بعنوان جنرال اینس‌پکتور قرار گرفته و ارکان‌حرب او در شیراز مرکب است از هشت نفر صاحب‌منصب اتاماژور انگلیسی و سه افسر ایرانی و بریگاد تقسیم شده باسم بریگاد فارس و بریگاد کرمان .مرکز فرماندهی هم یکی در شیراز و دیگری در کرمان جای دارد . فرماندهی هر دو بریگاد با افسران انگلیسی بود و بهریك از دو فرمانده ، چهار نفر افسر انگلیسی و دو افسر ایرانی کمک داده شده بود[2]

در تهران سفارت انگلیس ومقامات نظامی سعی داشتند سندی بدست آورند که بموجب آن دولت ایران « پلیس جنوب» را برسمیت بشناسد ، تا بدین ترتیب بتوانند به عملیات خودسرانه خود جنبهٔ رسمیت بدهند .

هنگامیکه وثوق‌الدوله درمادهٔ سوم قرارداد شوم ۹ اوت ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ه) موافقت کرد که «... قشون ایران متحدالشکل شود وپلیس جنوب هم بدان منضم گردد ...» انگلیسها نظر خود را تأمین شده دیدند .چون اگراین قراردادتصویب می‌شد، علاوه‌بر رسمیت‌یافتن «پلیس‌جنوب» محققاً بارسنگین‌مخارج آن‌نیز به‌بودجه دولت ایران تحمیل می‌شد. ولی در نتیجه مبارزاتی‌که مردم، مطبوعات، نمایندگان مجلس ، دولتها ورجال مملکتی با انگلیسها کردند آنان دراین زمینه موفقیتی بدست نیاوردند .

۱ــ ایران در جنگ بزرگ ــ ص ۱۲۷ .

۲ــ ایضاً همین کتاب ص ۱۲۷

پس از کودتای ۱۲۹۹ـش (۱۹۲۰ـم) سیدضیاءالدین طباطبائی تلگرافی به والی فارس مخابره کرده واطلاع داد : «... بفرماندهی قشون جنوب امر شده که یک ستون قشون باتوپخانه بـه تهران اعزام دارد...»[1] سید ضیاء می‌خواست بدین وسیله پلیس جنوب را منحل و آنرا ضمیمهٔ ژاندارمری ایران کند ، ولی انگلیسها موافقت نکردند . زیرا رؤسای ژاندارمری همه ازدشمنان انگلیسها بودند .

پس از اینکه سردارسپه ارتش را متحدالشکل کرد و آنرا به صورت منظمی درآورد ، درصدد انحلال پلیس جنوب برآمد وبه سفارت انگلیس درتهران فشار آورد تـا انحلال پلیس جنوب را رسماً اعـلام کند . روز سوم اسفند ۱۳۰۰ ـ ش (۲۶ژانویه۱۹۲۱ ـ م) لردکرزن نطقی در مجلس عوام انگلیس ایرادکرد وگفت : « پلیس جنوب روزهای آخرعمر خودرا طی می‌کند ،در نتیجه‌انحلال پلیس‌جنوب ، فرماندهی انگلیس دواب خودرا کشته ،آذوقه و علوفه را آتش زده بـا باقیماندهٔ سلاح وساز وبرگ ازایران رفتند[2] » اکنون به‌بینیم افسران و اعضاء پلیس (اس. پی. آر) درلژ فراماسونری چه می‌کردند .

فعالیت افسران انگلیسی در لژ فراماسونری

لژ روشنائی شیراز ، در سال‌هائی که در شیراز کار می‌کرد ، علاوه بر نظامیان‌انگلیسی، عده‌ای ازاتباع آندولت را نیز به‌عضویت پذیرفت ، که در بین آنها ژنرال کنسول انگلیس در شیراز ، رئیس بانک شاهی ، رئیس کازاز و تجارتخانـهٔ زیگلرانگلیس و چند انگلیسی دیگر را می‌توان نام‌برد .

در ایـن لژ اولین دبیر وکارگردانی که شیرازی‌های سرشناس او را می‌شناختند، سرهنگ «هنتر»بود. او محفل فراماسونی «روشنائی درشیراز» را در خانه «فتح ـ الملك شیرازی » تشکیل می‌داد و مبلمان مخصوص لژ را که از هندوستان آورده بودند ، بعد ازتعطیل لژ به «مارنیروس سرکیس» تحویل دادند .

۱ـ کتاب تاریخ سیاسی نظام ایران ص ۲۲۱
۲ـ ایضاً همین‌کتاب ص ۲۲۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مارتیروس سرکیس ارمنی تنها ایرانی غیرنظامی عضو لژ روشنائی در شیراز است که مدتها پیش در لندن به‌عضویت یکی از لژهای انگلند در آمده‌بود. او سال‌ها قبل به‌نویسنده گفت: «پس از تشکیل لژ روشنائی، فرمانفرما ــ والی فارس ــ وقوام شیرازی، هردو به‌ژنرال سایکس مراجعه‌کرده و از او می‌خواهند تا وسائل ورود آنان را به‌لژ فراهم‌کنند. ولی ژنرال سایکس به‌آنها می‌گوید. فقط رؤساء و کارگردانان لژ می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند ... نه من و نه سفیر انگلیس، هیچکدام نمی‌توانیم شماها را به‌لژ تحمیل‌کنیم ...» این جملات‌که عیناً از دفترچه خاطرات سرکیس نقل‌شده، تااندازه‌ای اغراق‌آمیز به‌نظر می‌رسد. زیرا درحالیکه خود او، باچند افسرایرانی دیگر عضو این لژ بودند، تصور نمی‌رود ژنرال سایکس پیشنهاد دو شخصیت مهم فارس را برای عضویت در لژ روشنائی رد کند.!

یکی از افسران قشون «اس. پی. آر» که مدت پنجاه‌سال عضویت لژ روشنائی در ایران را داشت و در شیراز به‌این سازمان فراماسونی ملحق شده بود دکتر امیر مظفر الدین ارفع‌السلطنه‌خان فرخ بود، که درسال ۱۹۰۰ــم (۱۳۱۷ــ ه) درامریکا به لژماسونی پیوست. اوفرزند میرزا علی نقی‌خان بودکه همراه مهدعلیا به‌حج‌رفته ومدتها در قاهره بسر برده بود.

میرزا علی نقی‌خان پس از ۱۲سال اقامت اجباری درمصر و همکاری با سید جمال‌الدین اسدآبادی به‌وسیلهٔ مهد علیا تقاضای بازگشت به‌تهران راکرد. شش‌ماه بعد از ورود به تهران، یك روز هنگام عبور از یاقایوق شاهد کشته شدن سه نفر بدست فراشهای شاهی بود. او از دیدن این وضع ناراحت شده روزبعد بایکی از درباریان ملاقات کرد و ضمن اعتراض باین عمل فراشان، گفت: «این وضع قابل تحمل نیست.» چند روز بعد نامه‌ای که به آقاخان نوشته بود بدست شاه افتاد، شاه اورا احضارکرد، پس‌از فحاشی فراوان‌مجدداً ازایران تبعیدش‌کرد. میرزاعلی‌نقی‌خان بار دیگر به مصر رفت و یکسال در آنجا بسر برد. او در اینمدت با مخالفین شاه ایران همکاری می‌کرد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وقتی شاه ایران از این جریان با خبرشد قاصدی به مصر فرستاد تا فرمان قتل میرزا علی نقی خان را به سفیر ایران برساند . همینکه قاصد بهمصر رسید ، سفیر میرزاعلی‌نقی‌خان را احضار کرددودرحضور قاصد شاه دستور قهوه داد . وقتی پیشخدمت قهوه‌راآورد سفیردریکی‌ازقهوه‌ها مقداری زهرریخت ... وبدینترتیب میرزاعلی‌نقی‌خان رابه‌قتل رسانید و وجسد اورا در«تل زیبیه» بخاك سپردند .

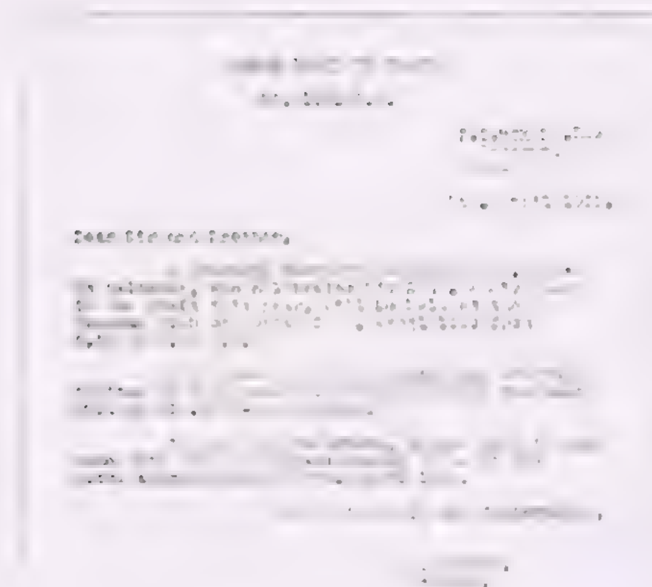
در آنوقت امیر مظفرالدین فرخ در تهران بسر می‌برد و مخارج زندگی و سرپرستی اورا خاله‌اش عهده‌دار شده بود . هنگامیکه به سن۱۲سالگی رسید ، او را به‌مصر فرستادند تابابقیهٔ دارائی واموال پدرش زندگی‌کند. وامیرمظفرالدین مدتی بدینترتیب بسر برد . . . وقتی دارائی پدرش تمام شد یکی از آمریکائیان ثروتمند او را به امریکا برد تا در مدرسه نظام کلمبیا به تحصیل‌بپردازد .

پس از مراجعت به ایـران وارد خدمت وزارت دارائی شده در مکـران ، بلوچستان وکرمان بخدمت مشغول شد و سپس وارد خدمت « اس. پی. آر» گردید و تادرجه سرکردی ترقی‌کرد. پس‌ازانحلال «اس.پی.آر» وارد خدمت شرکت نفت شدوبا«سرجان‌کدمن » کار می‌کرد .

در اعتصاب ۱۳۰۸ کارگران در آبادان، ازپست سیاسی شرکت نفت معزول گردید. [۱] بطوریکه تحقیق شده است ، پس از آن دکترامیرمظفرالدین خان‌فرخ از راه بوشهر بـه شیراز و تهران آمده مدتی بیکار می‌ماند و سپس وارد خدمت دانشگاه تهران شده ، استاد زبـان انگلیسی می‌شود . او در همهٔ دورانی که لژ روشنائی در ایران پنهانی و در اختفاکار می‌کرد وجلسات خودرا درکلیسای‌انجیلی تشکیل می‌داد ، درروزهای سه‌شنبه‌آخر هرماه مسیحی به محفل ماسونی‌انگلیسها می‌رفت . دریك سند رسمی ماسونی که در اختیار نویسنده است ، نوشته شده :«لژ

۱ـ برای اطلاع بیشتر از حالات او رجوع شود به (دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران .)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دعوتنامه استاداعظم لژروشنائی درایران بمناسبت پنجاهمین سال فراماسونی خانفرخ

لژروشنائی درایران نمره-۱۱۹۱ اس. س .

تهران ۵ اپریل ۱۹۵۹ -

-رور و برادر عزیز

بمناسبت آغاز پنجاهمین سالگرد عضویت برادر ارفع‌السلطنه (خان فرخ) درسازمان عالی فراماسونری ، ضیافتی درروز دوشنبه ۲۰ آوریل ۱۹۵۹ در تهران کلوپ از ساعت ۶۳۰ - تا ۸۳۰ - بعد از ظهر منعقد خواهد بود .

ازهمه برادران فراماسون و بانوان آنان دعوت می‌شود که در ضیافت کوکتل مشارالیه شرکت فرمایند . هزینه شرکت برای هر یك از مدعوین ۱۵۰ ریال می‌باشد .

چنانچه جنابهای مایل بحضوردرین ضیافت‌باشید، خواهشمندم موافقت خودتان‌را قبل‌از روز۱۶آوریل ۱۹۵٦بداینجانب‌اطلاع‌دهید.

برادر وفادار شما . سی . ای . قری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دکتر مظفرالدین ارفع‌السلطنه‌خان فرخ، فراماسونی که شصت سال در لژهای امریکا و ایران عضویت داشت و صاحب‌دستار سبز و پیش بند طلائی بود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مزبور درمدت ۱۶ سال سلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید همچنان محرمانه کار می‌کرد ولی طبق تعهدی که مقامات لژ به پلیس ایران سپرده بودند، لژ حق پذیرفتن اعضای ایرانی را نداشت. اما می‌توانست «اتباع انگلستان» را به عضویت قبول کند.»

خود دکتر فرخ به نویسنده اظهار داشت «دولت ایران مدت ۱۶ سالی که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر سلطنت می‌کرد، همواره از عضویت من با اطلاع بودند و هرگاه دولت تغییر می‌کرد، لژ روشنائی در ایران عضویت مرا به اطلاع رئیس دولت جدید می‌رساند.»

دکتر ارفع‌السلطنه بعلت طول مدت عضویت در لژ روشنائی صاحب بزرگترین مقام فراماسونی در ایران بود ودستار طلائی داشت. علی مشیری محقق ایرانی پس از سه بستری شدن در لژ درباره او مینویسد «اخیراً شخصیت ایرانی بسیار بزرگی در لندن ماه مرض سرطان درگذشته، که واقعاً باعث افتخار ایرانیان در تمام جهان بود مشارالیه تنها ایرانی بود که دارای عالی‌ترین درجات فراماسونی در دنیا بود و درجه او همردیف سلاطین و رؤساء جمهوری بود که ماسون می‌باشند مشارالیه شخصی بود بسیار پاك، خداشناس و مذهبی، نام آن فقید پروفسور دکتر امیر مظفرالدین فرخ (ارفع‌السلطنه) بود که در ۹۱ سالگی در لندن درگذشت»[1].

در سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۹م) لژ روشنائی ایران ضیافتی بافتخار پنجاهمین سال فراماسونی او ترتیب داد و دعوتنامه‌ای را برای فراماسونهای ایرانی فرستاد که جداگانه نقل شده.

اگر چه مرحوم ارفع‌السلطنه مورد احترام همه فراماسونهای ایرانی بود، با اینحال رفتار و کردار عده‌ای از فراماسونها همواره موجب شکوه و گلایه او بود و آنها را گرگانی درلباس آدمی می‌دانست. یك روز درحضور سرتیپ بهرامی افسر بازنشسته ارتش برای نویسنده حکایت می‌کرد:

یکی از برادران فراماسونش که وکالت او را در دادگستری پذیرفته بود، با وجود دریافت مبلغ هنگفتی به عنوان حق‌الوکاله با طرف دعوای اوسازش کرده

---

۱ ـ مجله خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۴.

و باعث محکومیت او در محاکم دادگستری شده است ... و این بود سرنوشت تنها ایرانی فراماسون دستارطلائی عضو لژروشنائی در ایران که درانگلیس درگذشت.

لژ روشنائی در ایران

پس از انحلال پلیس جنوب (اس - پی - آر) در ایـران و عزیمت افسران و گروهبانـان انگلیسی و هندی عضو لـژ روشنائی درشیراز، این لژدراکتبر۱۹۲۱ـم (ابان ۱۳۰۰ـه) رسماً تعطیل شد . ولی بار دیگر روز دوازدهم نوامبر ۱۹۲۲ـم (ابان ۱۳۰۱ ش) زیر نظر لژ بزرگ اسکاتلند درهندوستان وبا نام جدید «روشنائی در ایران» تجدید حیات کرد . احیاء کنندگان لژمذکور درتهران عبارت بودند از :

Bro. William Cunningham Fairly, Lodge.Radnor E.C.No.2587.
" Dr. Joseph Scott. M.D. Lodge St.Campbelltown S.C. No. 141.
" James McMurray C.B.E.,Lodge St. John Falkirk, S. c. No. 16.
" Edward Thompson, Lodge Wyden-shawe,Cheshire, S. C. No. 2688.
" Henry Ian Dawglas, Lodge St. Andfes S.C.
" Bernard Messorvy,Lodge Light in Iran S.C.No.1191/
" William Hubbert Ward, O.B.E., Lodge McMahon Quetta, E. C. No. 3262.
" Frederick York Hamphreys,Lodge Ordanance E.C.No.2399.
" Alan Henry Wright, Lodge Light in Iran S.C.No.1191.
" Alfred John Gardener, Lodge Sir Edward Clark, E. C. No. 36o1.
" Georgo Julian Ieverse, Lodge Anglo Argentine, E. C. No. 3623.
" Arthur Robbettson, Lodge Union E.C. No. 767.
" George Alfred Jacob, Lodge Union E.C. No.767.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

این لژکه از روز نخست بمنظور حفظ موقعیت و پاسداری مستعمره بزرگ انگلیس یعنی هندوستان تأسیس شده بود، درسال ۱۹۳۲ ـ م (۱۳۱۱ ش) تقاضا نامه‌ای به لژبزرگ فراماسونری سراسر اسکاتلند درهندوستان تقدیم داشت وطی آن تقاضا کرد که رابطه‌اش با لژ هند ، قطع شده و درعوض تحت فرمان لژ بزرگ اسکاتلند در «ادنبورگ» در آید .

دراین ایام شوم، دولت ایران مشغول مبارزه با تراست بزرگ نفتی انگلیس «بریتیش پیترولیوم» بود. مبارزه‌ای کـه از آن سال آغاز شد ، تـا سال‌های بعد همچنان ادامه داشت . انگلیسها برای اینکه بتوانند هسته مرکزی قابل اعتمادی با پوشش نام فراماسونری و اجتماع در کلیسای انجیلی داشته باشند ارتباط تنها لژ فراماسونری خود را مستقیماً با اسکاتلند برقرار کردنـد . بـدین ترتیب که تقاضانامه رؤسای کرسی لژ مورد قبول واقع شده و برادر بسیار ارجمند «آرنولد» و «فورستر» انگلیسی و کشیش خدا پرست امریکائی (ج ـ د ـ پین) مأمور اداره لژ در تهران و ایجاد ارتباط مستقیم با انگلستان شدند .

جالب اینجاست‌که «پین» Payne امریکائی‌که درلباس زهد وتقوی و بعنوان خدمت به عالم مسیحیت درایران می‌زیست، درخدمت سازمانهای مختلف انگلیسی بود و در سال‌های شوم اشغال ایران بـوسیله انگلیس‌ها با سازمان‌های اطلاعاتی قوای اشغالگر نیز کمك می‌کرد . اوکه ۱۲ سال قبل از ایران رفت ، بعدها دوبار برای تشکیل لژهای «تهران» و «کورش» به ایران‌آمد و اکنون عکس اوزینت‌بخش محفل فراماسونری انگلیس در خیابان شاهرضا کوچـه پشت دبیرستان انوشیروان‌دادگرمی‌باشد. نخستین‌اقدام لژروشنائی درایران تهیه وتنظیم‌آئین نامه داخلی لژ بودکه بتصویب گراندلژ اسکاتلند رسیده و به این شرح است :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قانون ویژه محلی لژ روشنائی در ایران
بشماره ۱۱۹۱ ـ ق ـ ۱ ـ ۱[1]

جلسات لژ بزرگ آزادی قدیم و قبول شده بوسیله ماسون‌های اسکاتلند .

اول ـ جلسات لژ

۱ ـ تمام جلسات ملاقات باید در سالن ماسونیك واقع در داخل محوطه میسیون امریکا واقع در خیابان استالین در تهران تشکیل گردد .

ساعت : ۲ ـ جلسات مرتب باید در آخرین سه شنبه هر ماه درساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر و یا در ساعاتی که لژ در جلسه قبل تعیین کرده باشد تشکیل گردد .

انتخابات : ۳ ـ تعیین و انتخاب کارکنان اداره واعضای مؤثر کمیته عمومی و کمیته تحقیق باید در جلسه منظم در ماه مارس صورت گیرد .

سالیانه : ٤ ـ جلسه سالیانه باید جلسه منظمی باشدکه در آخرین سه شنبه ماه اپریل تشکیل می‌گردد . در آن جلسه باید حساب و گزارشهای سالیانه تحت مداقه قرارگیرد . و همچنین اداره کنندگان اداره برای سال آینده تعیین‌گردند.

اعلان : ٥ـ تمام‌جلسات‌بجز آنهائیکه بعد به‌آن اشاره می‌شود باید با صدور بخشنامه که ٥ روز قبل از تشکیل آن بوسیله پست و یا نامه رسانی به هر یك از اعضای مقیم در ایران تسلیم می‌گردد، تشکیل شود . جلساتی کـه در آن بایـد درخواست‌های عضویت مورد مداقه قرار گیرد ، باید بموجب قانـون شماره ۱۷۹ تشکیل شود . جلساتی که در آن باید درجه افتخاری کاندیداهائی که رأی‌آورده‌اند داده‌شود، باید پس ازاعلان بخشنامه‌ای ٤۸ ساعت تشکیل گردد همان طوریکه در زیر اشاره می‌شود :

استاد ارجمند .

نایب رئیس اول

قائم مقام استاد

معاون [illegible]

۱ ـ حروف مخفف [illegible]

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سرپرست اول

سرپرست دوم

دبیر

خزانه دار

راهنمای اول

راهنمای دوم

نگهبان داخلی

نگهبان خارجی

سر پیشخدمت

دوم ـ انتخاب وانتصاب

انتخاب شوندگان و انتصاب شوندگان : ۱ ـ رئیس باید معاون خود را تعیین کند.

۲ـ تمام کارکنان اداره باید هرسال بوسیله لژ انتخاب شوند.

سوم : کمیته عمومی

اعضاء ـ ۱ ـ کمیته عمومی باید مرکب باشد ازرئیس و معاون رئیس لژکه می‌توانند ازاعضای صاحب صلاحیت باشند ومدیران ارشد وکوچك ومنشی‌خزانه‌دار و دو عضو صاحب صلاحیت دیگر باید در جلسه منظم لژ که در ماه مارس هر سال تشکیل می‌گردد انتخاب شوند.

وظایف کمیته : ۲ ـ تمام اموال موروثی، قابل حمل بهر تفصیلی بجز موجودی نقدی در بانك باید زیر نظر کمیته عمومی قرار گیرد و تحت اختیار و اداره لژ می‌باشد.

۳ ـ کمیته عمومی باید اموال لژ را در مقابل کم شدن و خسارت دیدن و آتش سوزی و سرقت بهر قیمتی که لازم بنظر می‌آید بیمه کند.

کمیته تحقیق : ٤ـ کمیته تحقیق بایدمرکب باشدازکارکنان اداره‌که بموجب

قانون شماره ۱۷۷ تعیین شده‌اند و دو عضو دیگر باید سالیانه درجلسات منظم ماه مارس بوسیله لژ انتخاب گردند.

چهارم_حق عضویت

۱ ـ برای ورود و قبول و نمره گرفتن و ارتقاء	۳۰۰۰	ریال
۲ ـ برای نمره گرفتن (ثبت نام دیپلم)	۱۰۰	«
۳ ـ برای هم بستگی با قانون اساسی اسکاتلند	۵۰۰	«
٤ ـ برای هم بستگی با قانون اساسی دیگر	۷۰۰	«

٥ ـ شهریه سالیانه هر یك از اعضای بزرگ ماسیون که در ۱۰ میلی مرکز تهران زندگی می‌کنند قابل پرداخت بطور پیش پرداخت دوبار درسال اول آوریل و اول اکتوبر هر سال ۳٦۰ ریال

٦ ـ شهریه سالیانه هریك از اعضای بزرگ ماسیون که خارج از شعاع بالا زندگی می‌کنند. پیش پرداخت در اول آوریل هر سال ۱۰۰ ریال

۷ ـ حق ارتقاء ـ

اعضای مقیم	۳٦۰۰	ریال
اعضای غیر مقیم	۱۰۰۰	«

مگر اینکه در مورد اعضای غیر مقیم چنانچه به شعاع محل اقامت عضو مقیم بازگشت نماید وی مختار خواهد بود درهرزمانی پس ازمراجعت تفاوت بین شهریه‌عضوغیرمقیم و نیزشهریه‌عضومقیم‌رادرتاریخی‌که شهریه سالیانه رامی‌پردازد پرداخت نماید.

تا مادامیکه چنین‌کاری نکرده نامبرده باید شهریه سالیانه را بصورت عضو مقیم بپردازد.

این اختیار باید برای هر عضو غیرمقیم بصورت گواهی عضویت مادام‌العمر صادر گردد.

۸ ـ برای هر کناره‌گیری ۲۰ ریال.

۹ ـ شهریه قابل پرداخت به بودجه عمومی لژ بزرگ بوسیله‌هرعضوتازه‌

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وارد و منصوب از هر حوزه دیگر ۳۵ ریال

۱۰ ـ شهریه افتخاری .

رئیس ۲۰۰ ریال

سرپرست ارشد ۱۰۰ ریال

سرپرست کوچك ۵۰ ریال

ششم : بودجه شهریه تغییرات

وجوهی که از این حساب سالیانه برداشت میشود بموجب قانون باید ۱۰درصد وجه موجود درحساب در آخر سال مالی هر سال باشد .

هفتم ـ بودجه خیریه

اعتبارات : ۱ ـ بودجه خیریه باید ازهرشهریه ـ سالیانه ۳۶ ریال دریافت دارد و نیز نسبت معادل با مبلغی که سالیانه از بودجه تغییرات برداشت میشود .

اداره امور: ۲ ـ بودجه خیریه باید زیر نظر کمیته عمومی اداره شود .

۳ ـ رئیس میتواند باداره خود گاهی اوقات خیریه وکمك بپردازد ولی در هیچیك از موارد جمع مبلغی که بیك شخص پرداخت میشود نباید از ۳۰۰ ریال تجاوز کند .

هشتم ـ صورت حساب

بازرسان : ۱ ـ در جلسات منظم ماه اپریل باید بازرس و یا بازرسانی که عضو کمیته عمومی نیستند انتخاب گردند تا فهرستی از موجودی لباس و سایر اموال لژ بردارند و نیز باید دفاتر و اوراق دفاتر حساب وکتابهای خزانه داری را هرسال تا پایان ۲۱مارس بازرسی و درعرض ۱۴ روزقبل ازشروع جلسه سالیانه گزارش لازم را تهیه نمایند .

صورت وضعیت : ۲ ـ صورت وضعیت حساب و ترازنامه و گزارش بازرس باید چاپ و بهمراه بخشنامه اعلام تاریخ تشکیل جلسه سالیانهبرای اعضای ذی‌ـ

صلاحیت فرستاده شود .

نهم- اعلامیه‌ها و قوانین محلی

اعلامیه‌ها، قوانین محلی باید لااقل سالی یکباردرلژهای علنی‌خوانده شود.

لژهای تابعه اسکاتلند در ایران

یکسال پس از تشکیل لـژ روشنائی در ایران ، در آبادان لـژ دیگری بنام پیشاهنگ Pioneer و در سال ۱۹۲٤ ـ م (۱۳۰۳ ـ ش) نیزلژی بنام «مسجد سلیمان» در منطقه نفتی مسجد سلیمان تشکیل شد .

در این لژها کلیه مکاتبات،گفتار و اعمال و افعال بـه زبان انگلیسی انجام میشد ، و صدی نود از اعضای آن انگلیسی‌های عضو شرکت سابق نفت بودند . بموجب گزارش ضمیمه نامه ١٤ فوریه ۱۹٦٦ دبیر کل لژ اسکاتلند که به علامت (M. O. ۱/۱) مشخص‌شده‌وخطاب به یکی‌ازفراماسونهای ایرانی‌است :«درسه لژ انگلیسی زبان اولیه در ایران عموماً اتباع انگلیسی پذیرفته می‌شدند . فقط در بعضی از آنها تعداد کمی ایرانی فعالیت مینمودند .»

این سه لژ انگلیسی بدون تردید به خاطر حفظ منطقه نفت خیزخوزستان درایران فعالیت می‌کردند. ولی ازسال ۱۹۲۹ ـ م (۱۳۰۸ ـ ش)که اعتصاب بزرگ کارگران نفت درآبادان بوجودآمدوبدستوراعلیحضرت فقیدکلنل «الکنتن» مدیر عامل‌نفت «گاردنر»کنسول انگلیس‌مقیم خوزستان ازایران اخراج شدند، دامنه فعالیت فراماسونری درمنطقه نفت‌خیز محدود شد ، و بدستور پلیس ایران ازاین پس هیچیك از ایـرانیان حق نداشتند ، با لـژهای فراماسونری همکاری کنند . نه تنها حضور ایرانیان در لژها ممنوع شد ، بلکه بدستور پلیس ایران دکترخان فرخ ارفع‌السلطنه نیز که در لـژ پیشاهنگ آبادان شرکت می‌کرد ، از این شهر تبعید شد .

آغاز مبارزات نفتی اول ایران با شرکت سابق ۱۹۳۲ ـ م (۱۳۱۱ ـ ش) که پادشاه دولت ومردم ایران همه از این دستگاه جابـر و غارتگر نفرت داشتند و

از الغاء قرارداد دارسی ابراز خرسندی می‌کردند ، افراد زیر عهده دار کرسی لژ روشنائی در ایران بودند :[1]

List of Officers 1931/32

Rt. Wor. Bro. R. H. Arnold . . . R. W. M.
Wor. Bro. E. J. Goodwin . . . . I. P. M.
" " F. Y. Humphreys . . . . P.M.
" " A. G. Forster . . . . . W. S. W.
" " J. D. Payne . . . . . . W. J. W.
Bro. C. M. George . . . . Secretary
" P. C. Dodd . . . . Treasurer
" Rt. Rev. Bishop J. H. Linton D. D Chaplain
" Rev. Dean Hutchison . . . Asst. Chaplain
" W. Kennedy . . . . S. D.
" W Spence . . . . J. D.
" J. Legatte Wood . . . . . . I. G.
" W J. Townshend-Smith . . . Tyler

بعد ازاینکه دولت‌ایران با تهدید نیروی دریائی انگلیس و قشون‌کشی‌این دولت بشط‌العرب وخوزستان،روبروگشت و مجبور به امضاء قرارداد جدید نفت‌با شرکت‌سابق شد، نه‌تنها درخوزستان بلکه درتهران وسراسرمملکت نیز تنفرعامه نسبت‌بدانگلیسها افزایش‌یافت،دراین‌زمان افکارعمومی‌متوجه‌آلمان‌ها شد وهیجان

۱ ـ از دستور (Agenda) ماهانه لژ برای شرکت در جلسه روز ۲۶ اپرل ۱۹۳۱ .

عمومی مردم سبب گردید که بتدریج از فعالیت لژ روشنائی در ایران کاسته شود، تا جائی که لژ مزبور فقط ماهی یکبار تشکیل می‌شد آنهم در اختفای بسیار شدید و بدون امکان دخالت در کارهای عمومی و مملکتی.

پس از اشغال ایران نیز با آنکه انگلیس‌ها در جنوب کشور قدرت زیادی بدست آوردند، با اینحال فراماسونها نتوانستند خود را ظاهر سازند و با فعالیت دامنه‌داری را بنفع اربابان لژ نشین اسکاتلند خود آغاز کنند.

زیرا بفرمایش شاهنشاه آریامهر «مداخلات پی‌درپی متفقین در امور سیاسی کشور ایران من و مردم ایران را کاملاً متنفر کرده بود[1] ... من اصولاً و عملاً با عمل متفقین در اشغال ایران مخالف بودم و بنظر من بدون جهت به استقلال و حق حاکمیت ما لطمه زده بودند. بهر طرف چشم می‌انداختم مردم کشور ایران را گرفتار بدبختی و مشقتی که ثمره روش سیاسی و اقتصادی متفقین بود می‌دیدم. و روح من از آزمندی بعضی از ثروتمندان ایرانی که پشت پا بمنافع کشور ایران و رفاه مردم این سامان زده بودند بیشتر از هر چیز رنج می‌برد ...[2]» این اشاره صریح شاهنشاه آریامهر، به آن دسته از نوکران اجنبی و عمال متفقین در آن روزهای شوم است که از بستگی به هر دسته و مقامی که آنها را به خارجیان نزدیکتر می‌کرد، دریغ نداشتند. و متأسفانه باید اقرار کرد که نخبه وطنپرستان و روشنفکران ایران، فراماسونها را از عوامل انگلیس می‌دانند، یعنی عوامل همان کشوری که به اعتقاد مردم ایران بدبختی، عقب‌افتادگی، فقر و تجزیه دویست سال اخیر کشورما ناشی از سوء نیت، عناد، دشمنی و نظر استعماری انگلیسها می‌باشد و بس. به همین سبب در این سالهای شوم تا اخراج ارتش‌های مهاجم انگلیس و روس از ایران، فراماسونهای لژ روشنائی، پیشرفتی نصیبشان نشد، در این سالهای شوم و از اول تشکیل لژ روشنائی در ایران تا سال ۱۹٤۷ ـ م (۱۳۲٦ ـ ش) افسران و کارکردانان لژ روشنائی در ایران بشرح زیر بودند:

---

۱ ـ مأموریتم برای وطنم ص ۹۶
۲ ـ ایضاً ص ۹۹

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

Year	Rt. Worhip Master	Senior Warden	Junior Warden
1919-20	W.H.Hallsworth	E.F.Orton	C.H.Carr
1920-21	W.H.Hallsworth	J.B.Dalzell-Hunter	H.C.Jenkins
1[illegible]21-2[illegible]	J.B.Dalzell-Hunter J.T.Avison	J.T.Avison A.J.Arthur	A.J.Arthur C.M.Renshaw
1922-24	W.C.Fairly	J.Scott	A.H.Wright
1924-26	J.Scott	E.Thompson	F.J.Harris
1926-27	E.Thompson	F.J.Harris	B.Messervy
1927-28	E.Thompson	F.Y.Humpherys	W.T.Trower
1928-29	F.Y.Humpherys	E.Wilkinson	W.T.Trower
1929-30	F.Y.Humpherys	W.T.Trower	E.J.Goodwin
[illegible]-31	E.J.G[illegible]	G.J.Mackie	H.M.Eyres
1932-33	J.D.Payne	W.Kennedy	W.Spence
1933-34	M.B.Hicks	G.J.Mackie	J.L.Wood
1934-35	W.J.A.D'Alton	S.E.Akerib	G.S.Goldsworthy
1935-[illegible]	S.E.Akerib	C.D.Lunn	Arfa es-Saltaneh
19[illegible]-37	M.B.Hicks	J.F.Luttrell	A.Binns
1937-38	A.Binns	G.R.Wright	J.Badhni
1938-39	G.R.Wright	J.[illegible]	E.Blair
1939-40	J.Badhni	G.S.Goldworthy	C.H.Goadby
1940-41	F.L.Peters	J.[illegible]	A.W.W.Bessel
1941-44	D.J.Payne	T.M.Tagg	C.B.Fisher
1944-45	C.B.Fisher	E.A.Connolly	G.Obadiah
1945-46	W.R.Fenwick	G.[illegible]	R.H.Stirling
1946-47	G.Obadiah	R.H.Stirling	C.H.Goadby

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



روساء از روشنائی در ایران درسال ۱۹۵۰ ــ دراین تصویر شناخته شده‌ها ، نشسته از راست بچپ ، صالح جنابان ـ ادوارد جنابان ـ نفر چهارم الیاس دی استاد اعظم ـ کریستوفر فریکسد دیف دوم ایستاده از چپ به راست، نفر دوم ـ اوانسف مدیر سینماها ـ محمد نمازی ـ ارفع السلطنه خان فرخ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



اعضاء کرسی لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۴۵ - در این تصویر یك ایرانی (دکتر خان فرخ) ایستاده ازچپ به‌راست نفردوم دیده‌می‌شود تا این‌سال هنوز ایرانیان‌فراماسون عضویت لژهای انگلیسی را نداشتند



ده نفر ازاستادان‌کرسی لژروشنائی درایران درسال ۱۹۶۳ـ دراین‌سال‌تعداد یهودیان کارگردان لـژ مذکور بیشتر از مسیحیان بودند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



یازده نفر از رؤساء از روشنائی در ایران در سال ۱۹۶۵- این‌تصویر از سالن محفل فراماسونری درکلیسای انجیلی خیابان قوام‌السلطنه برداشته شده



سه برادر فراماسون ، الیاس دبی یهودی عرب- دکترخان فرخ استاد دانشگاه- محمد نمازی بازرگان فارسی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ضیافت در زیر پرچم فراماسونری



در مهمانی سفید لژ تهران درکلوب تهران ، از راست بچپ ، دریادارظلی ، (او وی شناخته نشده) ـ دکتر ختابار ـ اوانسف



یك اسکاتلندی ویك کانادائی عضو لژ روشنائی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دو استاد اعظم فراماسونری



دکتر مظفرالدین ارفع‌السلطنه خان فرخ استاد دانشگاه ـ ژرژ اوانسف مدیر شرکت مریخ
دوبرادر فراماسون و دو استاد اعظم ـ مرحوم فرخ ، فقط به اوانسف ارادت میورزید

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



سه استاد لژ اسکاتلند ـ از راست بچپ ، صالح جنابان ـ دکتر خان فرح ـ کریستوفرامحق مری



ضیافت سفید در کلوب تهران ـ درین مهمانی همسران فراماسونها درشام برادرانه شرکت دارند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دو استاد فراماسونری انگلیسی با کوبه‌های مخصوص ریاست لژ درکنار کرسی استادی



د. ا. درایر Drapper عضو کنسرسیوم نفت و استاد فراماسونی شهرت‌دارد که این
انگلیسی معاون سازمان اینتلیجنس سرویس در سازمان اطلاعات کنسرسیوم نفت در
ایران بوده که در پنجسال اول تأسیس کنسرسیوم فعالیت‌می‌کرد.

تجدید فعالیت لژ روشنائی در ایران

پس از خروج ارتش انگلیس از ایران باردیگر از فعالیت فراماسونهای لـژهای روشنائـی، پیشاهنگ و مسجد سلیمان کاسته شد، تا اینکه در تهران محمد خلیل جواهری لژ همایون را تأسیس کرد. بطوریکه برخی از کارگردانان این لژ قدیمی مدعی هستند وی بـا کمك میجر جاکسن انگلیسی کـه در سفارت انگلیس در تهران سمت ظاهری (وابستگی اقتصادی) داشت عده‌ای از افراد مورد نظر سفارت انگلیس را وارد این تشکیلات کرد.

استقبالی که طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه ایران از لژ همایون کردند، سبب شد تا لژ روشنائی در ایران نیزدرصدد فعالیت وسیعتر وپذیرفتن عضو ایرانی برآید، بدین‌منظور بخشنامه زیر درسال ۱۹۵٦ ـ م (۱۳۳۵ ـ ش) ازطرف رؤسای کرسی لژروشنائی وبامضاء دورابجی خطاب به همه فراماسونهای خارجی وایرانی سرتاسر ایران صادر شد:

لژ روشنائی در ایران	ساختمان پیرلیا ـ کاشی شماره ٥
تهران ـ ایران	خیابان چرچیل

بتاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵٦ ـ

سرور و برادر گرام

چون دیر زمانی است که اطلاعی از گروه نسبتاً زیادی از اعضای خود در کشورهای خارج و مخصوصاً از اعضای قدیمی لژ خود نداریم احساس می‌کنیم که شاید بعضی ازاعضاء نشانی خود را بدون اطلاع ما تغییر داده و این امر باعث قطع مراوده بین ما شده باشد.

ازینرو کمیته تصمیم گرفته است که در فهرست اعضاء تجدید نظر کرده و آنرا اصلاح سازد. برای انجام اینکار خواهشمند است قسمت پائین ایـن نامه را پر کرده و هرچه زودتر آنرا برای اینجانب بفرستید.

[redacted]

ضیافت سفید در کلوب تهران [illegible] همسران فراماسونها [illegible] شرکت دارند

LODGE LIGHT IN IRAN
No 1192 S. C.
Teheran, Iran

PERSIA BUILDING
5, Avenue Churchill
Teheran, Iran

20th June 1956

Dear Sir and Brother,

[illegible]

The Committee has therefore decided to revise the [illegible] and to bring it up to date. In order that this may be done, I shall be most grateful if you will kindly fill in the slip below and return it to me as soon as possible.

If we get no response from you within a reasonable time it will be assumed that we have lost touch with you, and we shall have no alternative but to [illegible] envelope for your reply.

Yours sincerely and fraternally,

F. S. Zorabiee,
Secretary.

Kindly detach the slip below and return it, duly filled in, to:- F. S. Zorabiee, Persia Building, 5, Avenue Churchill, Teheran, Iran.

- -

The Secretary,
Lodge Light in Iran, No. 1191 S. C.,
Teheran.

Date ____________

Dear Sir and Brother,

Kindly retain my name on your Membership List.
Name in full (in block) ____________
Present address: ____________
Permanent address: ____________

Signature ____________

دعوت نام و بخشنامه دبیر لژ روشنائی برای تجدید فعالیت درسال ۱۹۵۷

اگر در عرض مدت کافی پاسخی از شما نرسد ، فرض می‌کنیم کـه تماس ما بکلی قطع شده‌است وچاره‌ای ، هرچند با اکراه باشد، جزحذف نام شما ازفهرست عضویت نخواهیم داشت .

البته مایل هستیم تا آنجا کـه مقدور باشد از انجام چنین کاری خود داری کنیم و بنابرایـن همکاری شما در این مورد باعث مزید تشکر خواهد بود . برای آنکه زحمت شما را بحد اقل برسانیم یك پاکت نشانی‌دار برای ارسال پاسخ شما

به پست فرستاده شد . دوستدار ومخلص برادر شما .

ف . س . دورابجی

چند هفته پس ازارسال بخشنامه مزبور، عده‌ای ازانگلیسی‌هائی‌که عضویت لژ را داشتند ولی برای همیشه ایران را ترك گفته بودند ، به سایر لژهای تابع اسکاتلند دردنیا پیوستند . وعده‌ای نیزکماکان به عضویت درلژ تهران باقی ماندند و باب مکاتبه را با دبیر لژ همچنان مفتوح نگاهداشتند .

در نتیجه خروج عده‌ای از لژ تهران و با موافقت دبیر اعظم لژ اسکاتلند، قرار شد که به جای آنهائیکه درخارج ازایران هستند و درسایرلژهاکارمی‌کنند، عده‌ای ایرانی‌که تقاضای عضویت‌کرده‌بودند به‌عضویت لژدرایران پذیرفته شوند.

علاوه براین‌مرکزگراندلژ اسکاتلند موافقت‌کردکه ازمجموع ۹ عضوی که حد نصاب پذیرفتن عضوجدید برای لژ روشنائی در ایران است ، همه ساله صدی بیست عضوایرانی وصدی هشتاد بقیه عضوانگلیسی زبان وتابع انگلستان بعضویت پذیرفته شوند .

باید دانست که هر یك از لـژهای فراماسونی برای پذیرفتن عضو جدید تعداد معینی سهمیه دارند که از طرف مرکز لـژ اسکاتلند تعیین می‌شود و نسبت به تعداد پذیرش عضو جدید جلسات سالیانه تعیین می‌شود که در آن شرایط ورود عضو مورد بررسی قرار می‌گیرد .

در هر یك از جلسائی کـه پیشنهاد عضو جدید و اوراق تکمیل او را مورد بررسی قرار می‌دهند ، چنانچه با نظر همه اعضاء و بـه اتفاق آراء صلاحیت عضو جدید مورد قبول واقع شد ، رسمیت عضو را اعلام می‌کنند . و درغیراینصورت باز دیگر که شاید تـا یکسال طول بکشد ، پیشنهاد عضویت بتعویق می‌افتد وآنگاه مجدداً مطرح می‌شود ، و چنانچه همه حضارهنگام اخذ رأی بـا (مهره سفید) به (تقاضای بیگانه) رأی دادند ، عضویت او رسمیت پیدا می‌کند ووی را با تشریفات وارد لژ می‌کنند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اینک به معرفی وفعالیت لژ روشنائی وسایر لژهای انگلیسی زبان درایران که درکتابهای سال‌گراند لژ اسکاتلند چاپ شده می‌پردازیم :

لژ شماره ۱۱۹۱ بنام روشنائی در ایران Light in Iran

مرکز این لژازسال ۱۹۱۹ ـ م (۱۲۹۸ ـ ش) درتهران خیابان قوام‌السلطنه کلیسای میسیون مذهبی امریکائی وکلیسای انجیلی تهران است‌که هرسه شنبه‌آخر ماه مسیحی کلیه اعضاء ، درمحل کلیسا اجتماع‌می‌کنند. لژ مزبور روز هفتم اگست ۱۹۱۹ در تهران افتتاح شده است . چون ازسال ۱۹۵۲ ـ م (۱۳۳۱ ـ ش) کتابهای سال فراماسونی وابسته به گراند لژ اسکاتلند منتشر شده ، لذا فقط به ذکراسامی رؤساء لژ از آنسال به بعد اکتفا می‌شود :

سال ۱۹۵۲ :

LT, – col. Albert G. Campbell, 75 Leamington terrace pr. m. Edinburgh, 10 .

James R. Cameron, 2 western terrace, Edinburgh, 12 Pr. S.W. Pr.

Archibald Ramsay, 20 wood street, coatbridge .

J D. Payne, American mission, Avenue Marshal Stalin, Teheran

سال ۱۹۵۳ :

در این سال هیچگونه تغییراتی در رؤسای لـژ در ادنبورک و تهران داده نشده است .

سال ۱۹۵٤ :

در سال ۱۹۵٤ تغییرات نسبتاً مهمی در لژ روشنائی در ایران دیده شد ، که می‌توان آنرا مقدمه فعالیت بعدی آنها دانست . پین Payne که ۲۵ سال درایران بـه عنوان کشیش کلیسای انجیلی امریکائیان روزهای یکشنبه موعظه می‌کرد و روزهای سه شنبه آخرهر ماه مدیر وخزانـه دار جلسات لژ بود ، بامریکا رفت . فراماسونهای ایرانی هنگام عزیمتش ضیافت بزرگی به افتخار وی برپا کردند . ویك قالیچه گرانبها نیز بعنوان یـاد بود بـاو هدیه شد که هم اکنون در خانه‌اش آویزان است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

رئیس کل لژ روشنائی نیز بنام آلبرت کامبل برکنار شد و بجای او شخص دیگری مأمور ارتباط و اداره لژ در انگلستان گردید . تغییرات مزبور با انتصاب فیروزدورابجی‌که درسرای دلگشا واقع در خیابان بوذرجمهری تجارت می‌کند ، بسمت دبیر لژآغازشد . پس از ۳۳ سال این اولین باری بود که یك شرقی دبیری لژ روشنائی را کـه مخصوص انگلیسی زبانهاست عهده‌دارمی‌شد. شاید بتوان این تغییرات رابرای پذیرفتن اعضای ایرانی انگلیسی زبان دانست‌که از آنسال به بعد بعضویت پذیرفته شدند . تغییرات مزبور باین شرح است :

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinborgh, 12 Archibeld Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoz S. Dorabje, Serai Delgosha Avenue, Buzarjomehri, Teheran Iran.

درسال ۱۹۵۵ بار دیگر کارگردانان لژدچارتغییروتبدیل شدند باین شرح :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.
James R Cameron, 2 Western Terraco, Edinburgh, 12.
Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.
Firoze S Dorabje, Seraye Delgosha, Teheran, Iran

در سال ۱۹۵٦ هیچگونـه تغییراتی در کادر لـژ و اداره کنندگان آنها در انگلستان روی نداده است .

در ایـن سال کماکان اتباع انگلیـسی در بریتانیا ، ماسونهای ایرانی را در ایران رهبری و اداره می‌کردند و اجازه ندادند که ایرانیان در اداره لژ شرکت داشته باشند .

سال ۱۹۵۷ کارگردانان لژ دارای مقامهای زیر بودند :

Peter Mcmain. 27 Mariner Road, Cameron, Falkirk James.
R. Cameron. 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.
Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.
Firoz S. Dorabje, Pirnia building, 5 avenue Churchill, Tehran Iran.

در سال ۱۹۵۸ بار دیگر تغییراتی در لژ داده شد، و به عنوان دبیر لژ نیز

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مانند سالهای قبل از انتخاب «دورابجی»، بکنفر انگلیسی انتخاب گردید. کریستوفرفری که همسر ایرانی (خواهر یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس)را دارد، بجای دورابجی بسمت دبیرانتخاب ویك تغییردیگرنیزباین شرح در انگلستان رویداد:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.
James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.
John P.Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10,
Christopher I. Rairey C/O Lynch and Co. Avenue Foroughi, Teheran Iran.

درسالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ تغییراتی دیده نمی‌شود ومثل سال قبل همچنان انگلیسی زبانها و اتباع انگلستان بر لژ مزبور حکومت می‌کردند. ولی در سال بعد این تغییرات در واسطه‌ها و سازمان‌های لژ مذکور پدید آمد:

سال ۱۹۶۱:

peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk
James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12
John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10.
Firoze S. Dorabjee, 77 Avenue Ferdowsi, Teheran, Iran Ser.

از سال ۱۹۶۲ به بعد چون لـژهای فارسی زبان وابسته بـه این سازمان فراماسونری انگلیس بوجود آمدند، تغییرات آن ذکر نمی‌شود. وتنها آنچه را که در سالنامه سال ۱۹۶۸ نوشته شده است، نقل می‌کنیم:

واسطه این لژ در سال ۱۹۶۸ در انگلستان:

Peter Mcmain, 712 Parkfoot Court, Glenbrac, Falkirk.

ومنشی لژ درایران Percy J. Waghorn, P. O. Box 1508 می‌باشند.

لژ مذکور کماکان روزهای سه شنبه آخرهر ماه مسیحی درکلیسای انجیلی درخیابان قوام‌السلطنه تشکیل جلسه می‌دهد وعده‌ای ازهموطنان ایرانی باشرکت در جلسات آن، به دست بوسی استادان اعظم انگلیسی‌لژ روشنائی نائل می‌شوند و این افتخار را در خاندان خود باقی می‌گذارند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اینك بمعرفی دولژ انگلیسی زبان دیگرکه خوشبختانه با ملی شدن صنعت نفت و اخراج انگلیسها ازخوزستان ، تعطیل شد ، می‌پردازیم :

لژ شمارهٔ ۱۳۰۵ بنام پیشاهنگ Pioneer

این لژ در اول فوریه سال ۱۹۲۳ (بهمن ۱۳۰۱) درشهر آبادان تشکیل شد. اکثریت قریب باتفاق اعضای این لژفراماسونی که وابسته به گراند لژ اسکاتلند بود، اعضای شرکت نفت مقیم آبادان بودند. همانطور که اشاره شد ، محل لژ مذکوردر قسمت اروپائی نشین شهر آبادان بود و محل مخصوص معبد را بخرج شرکت نفت ساخته بودند . اهالی آبادان به لژمزبور و محفل آنها (شیطون خانه) می‌گفتند .

در موقع ملی شدن صنعت نفت و اخراج کارکنان انگلیسی از آبادان ، لژ مزبـور تعطیل و کلیه اثاثیه و لوازم آن موقتاً بـه بصره حمل شد . فقط تعدادی عکس اعضای لژ بدست ایرانیان افتاد که آنهم مفقود شد و از بین رفت .

در سال ۱۹۵۲ که نخستین نشریه سالانه گراند لژ اسکاتلند منتشر گردید ، این لژ تعطیل شد و متینگ‌های ماهانه‌آن برگذار نمی‌شد ، معذالك اشخاص زیر سمتهای مختلفی در آن داشتند :

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott, South Shields.
William Cunningham, 11 Blinkbonny road. Edinburgh. 4.
Jack Wiscombe. 3 Riverside. Woodmead Road. Lyme Regis, Dorset.

در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ تغییراتی‌که درلژ مزبور داده شده فقط تعویض دبیر لژ بوده . بدین ترتیب که در سال ۱۹۵۳ :

Frederick. T.Yorwarth, Beach Lodge, 11 Granville road. Little-hampton. Sussex.

دبیر لژ پیشاهنگ شده و سال بعد :

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead road, Lyme Regis, Dorset.

بسمت دبیری انتخاب‌گردید. در سال ۱۹۵۶ نیز یکی از اعضای شرکت نفت عدن بنام (E. L. Allsup) دبیر لژشد. لژمزبور،با همان تشکیلات و سازمان اداره‌کننده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در حال تعطیل بود ، تا اینکه در سال ۱۹۵۷ با تصویب گراند لـژ اسکاتلند ، لژ مزبور با همان نام به‌عدن منتقل شد . در عدن این لـژ اعضای انگلیسی‌زبان عضو شرکت نفت را بعضویت پذیرفته وهیئت رئیسه واداره‌کننده‌ای باین شرح ازطرف گراند لژ برای‌شروع بکار لژ تعیین نمود :

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott Terrace, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny Road, Edinburgh, 4.

Walter J. Smith, 85 Dalkeith Road, Dundee.

John I. Hanson, c/o B. P. Refinery (Aden) Ltd. P.O. Box 3003 Aden

این لژ در دومین سه شنبه هر ماه جلساتش تشکیل می‌شده ومدت ضیافت محافل از اکتبر تا اپریل هرسال بوده است. لژ مذکور نیزپس ازسال ۳٤ درایران تعطیل شد و به‌عدن منتقل گردید . از سال ۱۹۵۹ بـه بعد لژ پیشاهنگ در عدن بصورت لژ (فعال) و مشغول (عمل و کار) در آمده است . محفل آن از اکتبر تا جون باز است . هر چهار شنبه هفته مسیحی درماه، جلسات لـژ مزبور تشکیل می‌شود . و بعداً این لژ بنام «Arabia Felix» نامیده شده است .

لژ شماره ۱۳۲۴ بنام مسجد سلیمان Masjid – I – suleman

لژمسجد سلیمان در روز ۷ فوریه ۱۹۲٤ (بهمن ۱۳۰۲) یعنی یکسال وهفت روز بعد از لژ پیشاهنگ آبادان برای انگلیسیان و تعداد معدودی ایرانی کـه بزبان انگلیسی تکلم می‌کردند ، در منطقه مسجد سلیمان و اهواز تشکیل شد . لژ مزبور تا قبل از اخراج انگلیسها از آبادان ، هر سه شنبه آخر ماه و از اکتبرتا اپریل هر سال باز بود و فعالیت می‌کرد .

شرکت سابق نفت محل بزرگ ومجللی، مخصوص لژ ساخته بود که پس از ملی‌شدن. کلیه اثاثیه و لوازم‌آن برچیده شد و کاشیهای کف و دیوارهاکه به‌اشکال ماسونی مزین بودتا تصرف تأسیسات‌نفت بوسیله ایرانیان همچنان باقی بود. چون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

این محل بعداً محل حسابداری شرکتهای عامل نفت شد، متصدیان امر روی کاشیها را با گچ سفید مستور کردند و کاشیهای کف محفل نیز تعویض شد.

از سابقه فعالیت این لژ مثل سایر لژهائی که درمناطق شرکت نفت سابق بود، هیچگونه اطلاعی دردست نیست و برای اولین بار درسال ۱۹۵۲ در نشریه سالانه گراند لژ اسکاتلند، نام رابطین این لژ در حال تعطیل باین شرح نوشته شده است:

John Bernard, 18 Lansdowne Creseent Glasgow. N.W
James Pearson, Cemetery Lodge, East kilbride.
James Maitland, 6 Comely Bank Grove. Edinburgh. 4
Robert L. Cunningham, Victoria Motel, Largs.

درسالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵٤ لژمسجد سلیمان با همان نام ومشخصات، کماکان تعطیل بود و رؤسا و اداره کنندگان آنهم تغییری نیافتند. در سال ۱۹۵۵ فقط

James H. Mcnamara, 30 Prest wick Street, Glasgow, S. W. 3

با داشتن سمت (استادی) بریاست لژ در حال تعطیل برگزیده شد و بـه استاد و اداره کننده سالهای قبل این لژ، سمت دیگری دادند.

کسانیکه مسئول و اداره کننده لژ در حال تعطیل بودند، تا سال ۱۹۵۷ کماکان سمتهای سابق را داشتند. در سال ۱۹۵۸ رؤسای لژ تغییر کردند و فقط یکنفر دبیر Robert L.Cunningham در پست خود باقی بود و برای سایر مشاغل مسئولی تعیین نشد.

از سال ۱۹۵۹ به بعد در کتاب سال گراند لژ اسکاتلند، حتی شماره ردیف لژمسجد سلیمان حذف شده است. چنین بنظر میرسد که گراند لژاسکاتلند این حقیقت مسلم را که انحلال لژبا اخراج انگلیسها ازخوزستان کاریست انجام شده و اجتناب ناپذیر، قبول کرده است. منتهی چون امید بـه بازگشت انگلیسها به خوزستان در منطقه نفت خیز را داشته‌اند، لژ مزبور را به نام مسجد سلیمان حفظ کرده‌اند تا بار دیگر فعالیت خود را از سر گیرد.

نکته جالب توجه اینکه فراماسونری اسکاتلند، تا قبل ازملی شدن صنعت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نفت در ایران ، لژ فراماسونری«اندریو مقدس» را که دربحرین فعالیت می‌کرد، زیرنظر لژ روشنائی درایران قرارداده بود، که بعد ازاخراج انگلیسیها از آبادان، این لژ نیز زیرنظر لژهای‌خلیج فارس به فعالیت پرداخت. اینك این‌لژ را بطور اجمال معرفی می‌کنیم :

لژ شماره ۱۴۳۱ بنام اندریو مقدس بحرین Bahrein st Andrew

لژ مزبور روز ٤ نوامبر ۱۹٤۸ در اوالی مرکزجزیره بحرین تشکیل شد. این لژ هر۱۵روز یکبارآنهم روزهای سه شنبه تشکیل می‌شود واعضای انگلیسی و بحرینی در جلسات لژ شرکت دارند . مدت تشکیل لژ از سپتامبر تا می هرسال است . درسالنامه سالانه ازنشانی لژ ذکری نشده، فقط نام‌شماره صندوق پستی آن ۱۷۳ درنشریه‌آمده‌است . در لیست رؤساء لژمزبور فقط نام‌منشی لژ مقیم بحرین است. لژمزبورجزء لژهای فراماسونی منطقه ایران است و رئیس آن استاد اعظم مقیم ایران می‌باشد .

در سال ۱۹۵۲ رؤسای لژ مزبور بدین شرح بوده‌اند :

Andrew Macbride C/O Sutherland, 144 Woodlands Road, Glasgow, C. 3

William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, West End House, Pitlochry.

C. H. P. Smith, P. O. Box 173. Awali, Bahrein Island, Persian Gulf.

در سال ۱۹۵۳ هیچگونه تغییراتی در لـژ بحرین داده نشد ، ولی در سال ۱۹۵٤ برتعداد جلسات سالانه‌آنها اضافه شده ودراین تغییرات هردومین سه شنبه و دومین چهار شنبه ماه جلساتشان تشکیل می‌شده است .

درسال ۱۹۵۵ کلیه رؤساء و کارگردانان همچنان مسئول اداره و واسطه لژ هستند ، ولی منشی لژ عوض شده است . این شخص بنام :

William M. Kil Gour, 113 Bangorshill Street, Thornliebank Glasgow.

در سال ۱۹۵٦ در اداره کنندگان لژ در انگلستان و بحرین فقط یك تغییر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

داده شده و آنهم دبیر لژ بوده است.

دبیر لژ در این سال:

Lawrence Johns, Box 471, Awali, Bahrein, Persian Gulf می‌باشد.

در ۱۹۵۷ بار دیگر دبیر لژ عوض شده و در کادر اداره کننده در انگلستان نیز تغییراتی باین شرح پیدا شده است:

Andrew Macbride, 144 Woodlands Road, Glasgow, C. 3
Billiam P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.
George B. Watson, 52 High Street, Elie, fife.
E. W. Huschmann, P. O. Box 693, Awali, Bahrin Island. Persian Gulf.

در ۱۹۵۸ نیز بار دیگر دبیر لژ عوض شده ولی در سمتهای کارگردانان دیگر تغییراتی داده نشده.

دبیر لژ در این سال: Alen H. Bland, Box 700 Awali Bahrein بوده است.

در ۱۹۵۹ نیز دبیر لژ بحرین عوض شده و یك انگلیسی دیگر بنام:

Herbert S. Clarkson, Box 118, Awali, Bahrain. میباشد.

سال ۱۹۶۱:

دراین سال دبیر لژ تغییر سمت یافته و Patrick A. Bishop, C/O Bapco 3 که ساکن خانه ۳۸ شهر اوال بحرین می‌باشد به سمت دبیر انتخاب شده است.

در سال ۱۹۶۲ نیز بار دیگر دبیر این لژ تغییر کرده و شخصی بنام John D. Taylor بدین سمت منصوب گردیده است.

در سال ۱۹۶۸ لژ اندریو مقدس بحرین در خیابان رفاه شرقی شهر منامه تشکیل می‌گردد. نماینده و واسطه انگلیسی این لژ در ادنبورگ اسکاتلند:

W. S. Wallace, 17 Murray Filed, Ave. می‌باشد.

ودبیر لژ در بحرین یك یهودی بنام: Samuel Barr, P. O. Box 266 مقیم خیابان اوالی شهر منامه است. فراماسونهاانگلیسی به‌علت عنادی‌که باایران‌دارند درآدرس این لژ بجای خلیج فارس، خلیج عربی‌ذکر می‌کنند.

کلیسای انجیلی

لژ روشنائی درایران، ازروزی که شروع به کارکرد، محل تشکیلات محفل ماسونی و فعالیت خود را کلیسای انجیلی خیابان قوام‌السلطنه قرارداد. این کلیساکه درسال۱۹۲۲ ـم (۱۳٤۰ـه) مقارن با تأسیس لژروشنائی درایران‌ساخته شد، بموجب قوانین‌ایران که مراکز مذهبی را از شرکت درفعالیت‌های سیاسی منع کرده است، حق نداشت درفعالیت‌های غیرمذهبی شرکت کند. زیرا بموجب ماده ۳۵ قانون مدنی ایران: «حق عبادت بر این جاری است که نمایندگان دیپلماتیك بتوانند در داخل مسکن خود معبدی داشته باشند» با اینکه مؤسسین کلیسای انجیلی از روز آغاز فعالیت تعهدکرده بودند که درامورسیاسی کشورمداخله نکنند، با اینحال اولیای‌کلیسای امریکائی پنجاه سال است‌که به‌فراماسونها اجازه می‌دهند تا درداخل‌کلیسا اجتماع کنند و با شرکت در بحث‌های سیاسی و مذاکرات دیپلماتیك، رسماً درامورى‌كه با مذهب ارتباطی‌ندارد، مداخله نمایند. با وجودیکه درقوانین ومقررات موضوعه ایران، صریحاً اینان را از فعالیت در امور غیر مذهبی منع کرده[1]، با اینحال «پین» کشیش امریکائی کلیسا بیست سال کارگردان اصلی لژروشنائی درایران بود.

در دوران بیست ساله سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر که تشکیل اجتماعات غیر ایرانی قدغن بود، فراماسونهای انگلیسی و امریکائی بنام انجام

۱ ـ بموجب‌تصویب‌نامه هیئت وزیران که عین‌آن درنشریه شماره سوم جلد اول شهریور ۱۳۲۸ وزارت امور خارجه چاپ شده، پیروان مذاهب نمی‌توانند پیشوای مذهبی غیرایرانی داشته باشند و در امور سیاسی دخالت‌کنند. با اینحال بطوریکه دیدیم (پین) کشیش کلیسای امریکائی مدت بیست سال در خدمت تشکیلات مخفی انگلستان بود و به آنها خدمت می‌کرد. اینك دو ماده از تصویب نامه را نقل می‌کنیم:

اول ـ به پیروان کلیه مذاهب مختلفی که در کشور شاهنشاهی اقامت‌دارند واز مزایای قوانین جاریه کشور استفاده می‌نمایند اخطار می‌گردد که پیشوایان مذاهب خود را از پیروان همان مذاهب که تبعه دولت شاهنشاهی هستند انتخاب نمایند،

دوم ـ پیشوایان انتخاب شده فقط در امور مذهبی شرکت خواهند نمود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کاخ بنایان آزاد



نمای خارجی کلیسای انجیلی که بنام عبادتگاه ساخته شده، ولی فراماسونهای انگلیسی آنرا کاخ بنایان‌آزاد می‌نامند و جلسات لژ را درآنجا تشکیل می‌دهند



دریچه‌ای که شب‌های سه‌شنبه هفته چهارم هرماه مسیحی بر پشت در ورودی کلیسای انجیلی نصب می‌شود . این دریچه کیسه سیاهی است که نگهبان داخلی از روشنائی باآن تازه‌وارد را می‌بیند وعلامت‌مخصوص‌را ردوبدل می‌کند

مراسم مذهبی از ساعت شش بعد از ظهر ، روزهای سه شنبه چهارمین هفته هرماه مسیحی ، در یکی از سالن‌های اجتماعات مذهبی کلیسای انجیلی گرد می‌آمدند ، و لژروشنائی درایران را تشکیل می‌دادند که تا به امروز نیز تشکیل این جلسات ادامه دارد .

چون درایران همواره آزادی مذهب وجود داشته و پیروان مذاهب مختلف درانجام آداب و رسوم مذهبی خویش آزادی کامل داشته‌اند ، فراماسونهای عضو این لژ ، با سوء استفاده از این آزادی و به عنوان تشکیل جلسات مذهبی، دراین محل اجتماع کرده و می‌کنند .

تشکیل این جلسات ، همراه بـا تشریفات جالب و مراسم خاصی است که افراد غیرماسون از آن آگاهی ندارند . و این مراسم بدین نحواست که یکساعت قبل از آغاز مذاکرات رسمی لژ ، دو نفر از اعضای کرسی روشنائی در ایران که بـه سمت مأمور تشریفات و دبیر انتخاب شده‌اند ، سالن را تزئین کرده ، پرچم مخصوص لژروشنائی را با مثلثی که چشم خدای فراماسونها در آن نقش‌شده است، همراه با سایر تزئینات بدرو دیوار نصب می‌کنند . درساعاتی که جلسات لژتشکیل شده و مشغول فعالیت است ، بمنظوراستتار محل دریچه‌های سالن که با شیشه‌های رنگین تزئین شده ، بـا پـرده‌های سیاه پوشانیده می‌شود و بـرای اینکه (غیر فراماسون) وارد این سالن نشود ، درخارج ساختمان دومستخدم واردین راکنترل می‌کنند . وقتی اعضای لژ از در ساختمان وارد سالن کوچك و رختکن می‌شوند ، نگهبان داخلی لژ که قبلاً برگزیده و انتخاب شده است و شمشیر برهنه‌ای در دست دارد ، تـازه وارد را یکبار دیگر و بدقت کنترل می‌کند . آنگاه عضو لژ ، دست راست خود را به محفظه مثلث شکلی که از آنطرف سالن با پارچه سیاهی بطول نیم متر و بشکل آستین کت احداث شده است ، فـرو می‌کند و با نگهبان داخلی لژ که در آنسوی دیوار است دست می‌دهد . لازم به یادآوری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

است ، که فراماسونها برای اینکه همدیگر را بشناسند ، بطرز مخصوصی با هم دست می‌دهند و با انگشتان دست ، مخصوصاً با انگشت سبابه دست راست علامت لژ را بطرف منتقل می‌کنند . همینکه نگهبان داخلی شمشیر بدست ، مطمئن شد که تازه وارد بیگانه نیست ، درورودی داخلی سالن لژرا بازمی‌کند و اجازه ورود به معبدرا می‌دهد. هنگامی‌که کارلژپس ازچهارساعت پایان یافت، مأمورتشریفات لژ با کمک دو نگهبان داخلی و خارجی ، همه علائم و عکس‌ها و پرچم لژ و سایر لوازم تزئینی را جمع‌کرده، داخل چمدانی می‌گذارند و آن را به منزل دبیر لژ و یا محل دیگری که قبلاً در باره آن بااستاداعظم توافق شده است ، می‌برند .

در سایر لژهای فراماسونری که دارای محل مخصوص و محفل و معبد هستند ، چنین تشریفاتی صورت نمی‌گیرد، زیرا اماکنی‌که برای لژها تعیین شده، در اختیار اعضاء کرسی انتخاب شده می‌باشد و نگهبانی سالن و اطاقهای پذیرائی و دفتر و رختکن با استاد اعظم و دبیر لژ است .

بدین ترتیب ملاحظه فرمودیدکه چگونه درراه تأمین اغراض و هدفهای سیاسی و استعماری ، حتی مذهب و الهیات نیز بصورت بازیچه و ابزار و وسیله در می‌آید . یعنی محلی که با تکیه به معتقدات معنوی انسان و برای انجام فرایض و آداب و مراسم مذهبی بنا شده است . با سوء استفاده از اصل آزادی مذهب و زیـر سرپوش تشکیل اجتماعات مذهبی . بمرکـز توطئه و محل تشکیل جلسات سیاسی ودخالت درامورکشورمستقلی که هدفش تأمین (سیاست مستقل ملی) است، مبدل می‌گردد .

از سال ۱۹۲۲ ـ م (۱۳٤۰ ـ ه) که کلیسای انجیلی تهران بنا شده است ، تا بامروز ـ یعنی نزدیك به نیم قرن ـ هر ماه یکبار و در حقیقت متجاوز از ششصد جلسه و اجتماع لژ فراماسونری انگلیسی دربن کلیسای مذهبی امریکائی که بنام مسیحیت و خداپرستی بوجود آمده ، تشکیل شده است . و اعضای لـژ روشنائی در ایران ، زیرسرپوش اجتماعات مذهبی ودرپناه ساختمان کلیسا ، بیش

از ششصد بار در جلساتی که هدف آن مذاکرات سیاسی ودخالت در امورکشوری که به آنها آزادی اجتماعات مذهبی داده است . شرکت کرده و به بحث و مذاکره ، پرداخته‌اند . ایکاش روزی می‌آمد که این لانه‌های فساد (مذهبی و سیاسی) دربن مملکت برچیده می‌شد تا مردم میهن‌ما از تحریکات ودسیسه‌ها رهائی می‌یافتند .[1]

۱ـ تاریخ تأسیس کلیسای انجیلی تهران بموجب نوشته دکتر «جان‌الدر» بدین شرح است: «... تا دهه اول پس‌ازسال ۱۹۲۰، درشهرتهران دوکلیسای انجیلی وجود داشت، که یکی مخصوص ارمنیان بود ، و دیگری به‌مسیحیان فارسی زبان اختصاص داشت. چون عده مسیحیان فارسی‌زبان روبفزونی نهاد، آن‌ها تصمیم گرفتند برای‌خود پرستشگاهی بنا کنند. درسنه۱۹۲۲ کلیسای تهران بنام «کلیسای انجیلی تهران» موسوم گشت ، ولی هنوز دارای دو شعبه با دو سازمان متفاوت بود. درسال ۱۹۳۳، این دوسازمان بهم ملحق گردیدند .

هنگام تعطیل مدارس میسیون ، کلیسای تهران نیز آموزشگاهی بنام دبستان مهر تأسیس نمود، که هنوز برجاست... درفصول قبل باشغال شهر رشت درسال ۱۹۲۰ توسط کمونیست‌ها، و تاراج‌اثاثیه میسیون اشاره شد [منظوراز کمونیست‌ها، حزب کمونیست احسان‌اله‌خان می‌باشد که بنام فرقه کامونیست خوانده میشد .] نقل از (تاریخ میسیون امریکائی ایران ترجمه سهیل آزری ص ۹۵) .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ننگ

نفرت

نفرین

بر آن

ایرانی

که دست بیگانه‌ای ببوسد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ناظر اعظم لژ ناحیه ایران



کریستوفر اسحق‌فری استاد اعظم و ناظر اعظم از ناحیه ایران که ششصد ایرانی بردست او بوسه می‌زنند!!

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کریستو فر اسحق فری یهودی الاصل تبعه انگلیس

اکنون می‌پردازیم بـه معرفی یکی از برجسته‌ترین اعضای لژ روشنائی در ایران که هم اکنون بر دوازده لژدیگروابسته به سازمانهای جهانی‌گراند لژاسکاتلند درایران ریاست‌دارد. او که دوسال قبل به سمت ناظر اعظم‌لژهای انگلیس‌درایران‌انتخاب‌شده، «کریستو فر اسحق فری» نام دارد وتبعه انگلیس است. این انگلیسی یهودی‌الاصل[1] که مدعی پیروی از مذهب مسیح است از چهل سال قبل تا کنون در ایران بسر می‌برد. از سوابق او درانگلستان هیچ‌اطلاعی در دست نداریم ولی‌از دوران اولیه خدمتش در شرکت سابق نفت گزارشهای تأسف آوری موجود است.

او زمانی در نجارخانه شرکت نفت و بعدها در سازمـان‌های کسب اطلاعات شرکت سابق نفت فعالیت داشت وآخرین پستش ریاست اداره‌کارگزینی بوده است که پس از ملی شدن صنعت نفت به خدمتش خاتمه داده‌اند. فری پس از اخراج از ایران به عراق رفت و مدتی در بصره علیه دولت ایران فعالیت می‌کرد، ولی بعداً به ردزیا رفته و پس از دو سال بار دیگربه تهران بازگشت. شغل ظاهری او نمایندگی شرکتهای انگلیسی در ایران و داد و ستدهای بازرگانی است. دوران فعالیت سیاسی و فراماسونـری کریستوفرفری از سال ۱۹٤۵ ـ م (۱۳۲٤ـش) در شهر آبادان آغاز می‌شود. بدینترتیب کـه او در ایـن شهر وارد لـژ پیشاهنگ Pioner کدلژ شماره ۱۳۰۵ ـ وابسته به لژاسکاتلند بود، شد. اودرسال ۱۹۵۰ـم (۱۳۳۰ ـ ش) به لژ روشنائی در ایران پیوست[2] و پس از اینکه بدستور حکومت وقت ایران از خدمت در شرکت نفت اخراج شد، فعالیت فراماسونری خود را در لژ فراماسونری (فیحا Faiha شماره ۱۳۱۱) که یکی از لژهای تابعه اسکاتلند

---

۱ ـ در سالنامه سال ۱۹٦۸ ـ گراند لژ اسکاتلند اسم اول او را اسحق Isaac ذکر می کنندواین‌خودبهترین‌دلیل‌یهودی‌بودن‌اوست.رجوع‌شود‌به‌صفحه۲۱ سطر۱٦ سالنامه‌سال۱۹٦۸.

۲ ـ ایضاً ص ۲۱ سالنامه سال ۱۹٦۸ گراند لژ اسکاتلند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در بصره است و اساس آنرا پسران شیخ خزعل بنیان نهاده‌اند دنبال کرد. درسال ۱۹۵۳ ـ م (۱۳۳۲ ـ ش) که مجدداً به ایران بازگشت باردیگر درلژ روشنائی در ایران فعالیت‌خودرا ازسرگرفت[۱] و به‌موجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گراندلژ اسکاتلند در بین سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶) یکی ازمعروفترین و فعالترین اعضای لژهای انگلیسی در ایران بوده است، بطوریکه در کتاب سال مذکور، این دوران ازفعالیت اورا با عنوان «Moster Thereof» توصیف‌کرده‌اند.

هنگامی که لژ تهران شماره ۱۵٤۱ وابسته به لژ اسکاتلند که مؤسسین آن دربصره، زیر نظر شیخ خزعلی به افتخار عضویت در سازمانهای فراماسونری درآمدند واین لژ درتهران تأسیس‌شد، اسحق فری بعضویت لژتهران درآمدواز آن‌پس‌درسایرلژهای فراماسونری‌ایران نقش اصلی واساسی‌را داشته است ودارد.

فعالیت او در لژهای انگلیسی، بدان پایه و مقام رسیده که استاد اعظم لژ اسکاتلند به این یهودی انگلیسی مقام Honorary Junior Grand Warden را داده است. کریستوفر اسحق فری یهودی‌الاصل‌که همه جا تظاهربه دیانت مسیح می‌کند، از روزی که از خدمت شرکت نفت اخراج شده تا به امروز عنوان اداره چندین شرکت و مشاغل‌گوناگون را داشته است و هم اکنون نیز درپناه این عناوین به زندگی سیاسی، اجتماعی و فعالیت فراماسونری خود ادامه می‌دهد. چنانکه اینک به اتفاق یوسف مازندی ـ برادر همسر درگذشته‌اش ـ شرکت اسکو Asco در خیابان سپهبد زاهدی را اداره می‌کند.

این‌یهودی انگلیسی‌که درسازمان‌فراماسونری‌به‌مقام«ناظراعظم» لژ«ناحیه ایران» رسیده‌است، بالاترین‌مقام‌رادرسازمان‌ماسونی‌ایران‌دارد. اوبرپانصد نفر از فراماسون‌های انگلیسی، تبعه ایران حکومت می‌کند، واین گروه ناچارند دست او را ببوسند و فرامین او را بدون درنگ و چون و چرا اطاعت و اجراء کنند.

فراماسونها ازروزیکه تأسیسات خود رادرجهان‌گسترش داده‌اند تابه‌امروز همواره مدعی بوده وهستندکه معلم اخلاق، مجسمه شرافت و درستی و پاکدامنی

۱ ـ در اصطلاح فراماسونری این گونه انتقالات را (Affiliated) می‌گویند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌باشند. شاید بتوان قبول کرد که در بین فراماسونهای ایرانی، در گذشته و حال مردان شرافتمند، درستکار و طرفدار حق و عدالت، و معتقد بـه دیانت اسلام و وجود ذات باریتعالی، وجود داشته و دارند. چنانچه هم اکنون نیز در اجتماعات فراماسونهای ایرانی ـ و در لژهای وابسته به انگلیس، فرانسه، آلمان و لژ مستقل ایران که وابستگی به هیچیک از سازمان‌های جهانی را ندارد ـ چنین افرادی یافت می‌شوند. اینان در اجتماع ایران نیز به نیکنامی و پاکدامنی مشهور هستند و خود نیز بدین صفات عالیه انسانی اعتقاد دارند.

ولی بطوریکه در جلد چهارم همین کتاب خواهد آمد[1] عده‌ای از فراماسونهای کنونی ایران مورد تنفر عامه مردم هستند. بلکه در محاکم دادگستری ایران سوابقی داشته و در بسیاری از سوء استفاده‌ها و سوء جریانات سهیم و شریک بوده‌اند. و هنوز هم هستند... و پرونده‌های بعضی از آنها بـه پایه محکومیت قطعی نیز رسیده است.

به عنوان مثال همین اسحق فری ناظر اعظم فراماسونری ایران و کسیکه باید فراماسون ایرانی مجبور به بوسیدن دستهایش هستند، پرونده‌هائی در شعبه اول دادسرای تهران واقع در خیابان فرصت دارد کـه خلاصه‌ای از آنرا برای شناختن هرچه بیشتر این استاد اعظم و رهبر سازمان فراماسونری انگلیس در ایران، نقل می‌کنیم: این پرونده‌ها که به شماره ۴۶ ـ ۲۹۸۹ و ۴۷ ـ ۴۹۰ در شعبه اول دادگاه بخش تهران تشکیل شده مبنی بر ادعای او علیه بانو «الی مازندی» مادر همسر فقید او «رزی مازندی» است. قبل از اینکه خلاصه پرونده او را نقل کنیم لازم است، شمه‌ای از زندگی خانوادگی وی را که منجر به طلاق همسر اولش و ازدواج با رزی مازندی شده است، بنظر خوانندگان ارجمند برسانیم:

۱ ـ در جلد چهارم سوابق ننگین و سوء استفاده و محکومیت سی و هفت نفر از صاحبین مقام فراماسونری کنونی ایران با اسناد و مدارک انکارناپذیر منعکس شده است، که در اینک زیر چاپ می‌باشد.

هنگامیکه اسحق فری به ایران آمد همسری بنام «مادلین مانیلدا» داشت که اورا بنام خانوادگی شوهرش «مادلین فری» می‌نامیدند. دوران زندگی این‌زن و شوهرهمیشه با نزاع وکشمکش توأم بود. و با اینکه آنان یك پسرویك دختر[1] نیز داشتند، با اینحال فری در ۲۶ مه ۱۹۴۷ همسرش را طلاق داد. در این ایام رزی مازندی درآبادان درشرکت سابق نفت کارمی‌کرد. واسحق فری نیزسرکارگر نجارخانه و یـا باصطلاح کارگـران نفتی (فورمن) بود، «رزی» در این ایـام دو خواستگار داشت. نخست یکنفر هندی با مقام ودرآمد بیشتر و دیگری اسحق-فری کارگر نجارخانه که همسر اولش را طلاق داده بود. فری بعد ازچندین سال رفت و آمد به خانه مازندی سرانجام «رزی» را حاضر به ازدواج با خود ساخت. با وجود اینکه بین اسحق فری متولد هفتم ماه ۱۸۹۸ - با «رزی» که از او بیست سال جوان‌تر بوده است، اختلافات سنی زیادی وجود داشت. با اینحال «رزی» حاضر به ازدواج با اسحق شد. قبل از انجام مراسم عقد بموجب قوانین مدنی ایران «اسحق فری» کـه مذهب خود را مسیحی اعلام‌کرده بود می‌بایستی به دین اسلام درآید. زیرا بموجب ماده ۱۹۵۹ قانون مدنی ایران (نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست) به دنبال این‌ماده قانون، قانونگذار ماده دیگری تصویب‌کرده که می‌گوید: (ماده - ۱۰۶۰ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در موردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است).

بناچار اسحق فری درمحضر یکی ازعلمای شرع (احتمالاً مرحوم آیت‌الله بهبهانی بوده) به دین اسلام در آمده و نـام «علی» را بجای «اسحق» بـروی خود گذاشت. سپس ازدواج این دو که درتهران انجام شد، درمحضررسمی نیز به ثبت رسید و در قباله ازدواج مذهب زوجین مسلمان عنوان شده است. ولی ملیت رزی مازندی «ایرانی» و ملیت «علی فری» انگلیسی به ثبت رسیده است.

۱ - دختر باقی مانده از «مادلین» شغل اولیه‌اش ارتیست، در مراجع مختلف بوده که هم اکنون همسر یك امریکائی ثروتمند است. پسرش نیز خلبان هواپیماست.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پس از اینکه زوجین از تهران بـه آبادان رفتند «فری» کـه در پاسپورت انگلیسی‌اش نام اوراکریستو فرایزاك (اسحق) فری نوشته‌اند ، ازدواج باهمسرش «رزی مازندی» را در جون ۱۹٤۷ ـ م (تیر ماه ۱۳۲۶) به کنسولگری انگلیس در خرمشهر اطلاع داد. از دوران زندگی مشترك این‌دو نفر که بیست سال وسه روز بطول انجامید، ذکری نمی‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم وارد خصوصیات اخلاقی طرفین و اختلافات خانوادگی استاد اعظم فراماسونری کـه می‌بایستی مربی اخلاق و مجسمه درستی و درستکاری باشد ـ بشویم . همینقدر می‌گوئیم کـه رزی مازندی مبتلا به ناراحتی اعصاب شده ، تا جائیکه مرتباً با خوردن قرص‌های خواب آور، اعصاب خودرا تسکین می‌داد، او هرچند سال یکبار وصیت نامه‌ای می‌نوشت که یك نسخه‌از آنرابه مادرش و نسخه دیگری به‌خواهرش که‌همسر کاشانی(عضوکنسرسیوم) و فراماسون لژ آریا وابسته به اسکاتلنداست، می‌سپرد .

درروزاول مرداد ۱۳٤۶ که مدت دو سال مهلت وصیتنامه‌اش بسر آمده بود، بار دیگر وصیتنامه‌ای بـه وسیله ماشین نویس کنسرسیوم نوشت که نسخه‌ای از آنرا به همسرش «اسحق فری» و نسخه دیگررا به «لیلی کاشانی» خواهرش سپرد. دروصیتنامه خواهرش مبلغی از موجودی یکی از بانکهای انگلیس را به او بخشیده و مبلغی را نیز به مادرش اختصاص داده بود . جالب توجه اینکه درسال‌های اخیر «رزی مازندی» از زندگی خانوادگی خود ابراز تنفرمی‌کرده و همواره از عملیات و کارهای عمومی شوهرش شکایت داشته است . در همین ایام «اسحق فری» به ـ همسرش پیشنهاد می‌کند که پس از آغاز تعطیلات تابستانی لژهای فراماسونری به اتفاق او به انگلستان برود . با اینکه رزی تبعه ایران بود ، با اینحال همسرش بـا کمك دوستان فراماسونرش در سفارت انگلیس بـرای او پاسپورت انگلیسی می‌گیرد . و حال آنکه تـا آن تاریخ در همه اسناد رسمی و پرونده کنسرسیوم ، ملیت اورا ایرانی نوشته‌اند ، و هیچ مجوز و مصوبه‌ای نیزوجود ندارد که باستناد آن ، دولت ایران به وی اجازه ترك تابعیت داده باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پاسپورت وویزای کنسولگری انگلیس روز۱۸ جولای ۱۹۶۷ صادرمی‌شود، ولی «رزی فری» راضی به رفتن به انگلیس نبوده وبه دوستان واقوامش گفته بود اگر مجبوربه عزیمت ازایران شوم نمی‌دانم چه‌کنم . . . از طرفی همسرش اصرار داشته است‌که‌باتفاق وی عازم انگلستان شود. این‌کشمکش خانوادگی ادامه داشته است تا اینکه روز ۱٤ جولای (۳ مرداد ۱۳٤٦) موقعیکه مستخدم منزل طبق معمول همه روزه ، برای بیدار کردن «رزی» می‌رود و روزنامه را به اطاق خواب مشارالیه‌ها می‌برد ، وی را نیمه جان می‌یابد. بلافاصله برادرومادروهمسرش اورا به بیمارستان رضاپهلوی شمیران می‌برند ولی معالجات مؤثر واقع نمی‌شود ودر بیمارستان فوت می‌کند .

مرگ رزی در دفتر گورستان به شماره ۸٦۸۱ روز سوم مرداد ۱۳٤٦ ثبت شده است و او را در محل مقبره ظهیرالدوله به خاك سپرده‌اند . در جواز دفن او هویت مشارالیها را بموجب شناسنامه شماره ٤۳۳۲ مسلمان و تبعه ایران ثبت کرده‌اند ، مراسم ختم او نیز در مسجد مجد و هفته و چهلم در گذشتش را در سر قبر ظهیرالدوله ، طبق آئین اسلام برگذار کردند .

یك هفته بعد ازخاتمه تشریفات مذهبی خانواده مازندی و اسحق فری دور هم جمع می‌شوند و موضوع ماترك و باقیمانده دارائی «رزی» را مطرح می‌کنند . در این جلسه ابتدا خانم لیلی کاشانی نوشته و وصیتنامه او را عنوان کرده و عین ورقه‌ای را که همراه داشته بدست «فری» داد . ولی او نوشته رزی را در حالیکه می‌گریست پاره‌کرد وگفت: «بین من‌وبرادران فراماسونم(یوسف مازندی وکاشانی) و مادر رزی کاغذ و نوشته لازم نیست و بزودی ترتیب تقسیم ارثیه و ماترك آن مرحومه‌را می‌دهیم.» چندی بعد اسحق فری و مادر مازندی مشترکاً وکالتنامه‌ای به‌صادق بهداد وکیل‌پایه‌یك دادگستری دادند، تا وی پرونده انحصار وراثت را در

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

محاکم دنبال کند. صادق بهداد به علت دوستی که با یوسف مازندی دارد، حاضر شد وکالت افتخاری مادراو را بپذیرد، و موضوع را تعقیب نماید. پس از این توافق، او از طرف بازماندگان «رزی» عرضحالی به شعبه اول دادگاه بخش تسلیم کرده و پرونده‌ای با شماره ۴۶ــ۲۹۸۹ تشکیل شد، ولی ناگهان اسحق فری یهودی الاصل که خود را مسیحی و همسرش را نیز پیرو همین دین معرفی می‌کرد، با انتخاب سید محمد باقر حجازی بوکالت خود، عرضحالی بـه همین دادگاه تسلیم کرد و باستناد قوانین مسیحیت ازدادگاه خواست که مادرهمسر و سایرافراد خانواده‌اش را از حق‌الارث محروم کند. اسحق فری در عرضحال ۱۲ خرداد ۱۳۴۷ ــ و هم چنین در پرونده ۴۷/۴۹۰ می نویسد: طبق ورقه نکاحیه ثبت شده در کنسولگری انگلیس بانوی مزبورعیال اینجانب تبعه انگلستان می‌باشد وطبق قوانین انگلستان کلیه دارائی آنمرحومه به اینجانب تعلق دارد.

دارائی شخصی «رزی» عبارت بود: از یك خانه چهار هزارمتری در نیاوران به ارزش یك میلیون و پانصد هزارتومان ــ موجودی او دربانك انگلیس (که قبل از خاتمه انحصار وراثت «فری» آنهارا برداشت کرده بود.) موجودی دفترچه پس اندازبانك ایران و انگلیس شعبه تخت جمشید ــ حساب سیارشماره ۵۱۸۹۰ بانك بازرگانی مرکز و سایر دارائی نقدینه‌اش باضافه جواهرات و البسه...

مادر مازندی که بانوئی بدون درآمد و حقوق بازنشستگی است، و سالها قبل همه دارائی و مایملك خود را به دخترش «رزی» داده بود، وقتی با این رفتار وروبه استاد اعظم فراماسونی که خود را معلم اخلاق ورهبر بیش از پانصد فراماسون ایرانی و مدافع (آزادی، برابری و برادری) میدانست، روبرو شد، از وکیل افتخاریش تقاضاکرد تاعرضحالی علیه«فری»به محکمه بدهد.صادق بهداد درعرضحال تقدیمی بـه محکمه به دلایل زیـر ادعای استاد فراماسونها را نا صحیح و غلط می‌داند:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱ ـ رزی مازندی تا هنگام فوت ایرانی بوده وشناسنامه ایرانی داشته است چنانچه سند فوت او بموجب شناسنامه شماره ٤٣٣٢ تنظیم و باطل شده است .

۲ ـ هیچیك اززنان مسلمان نمی‌توانند ، به عقد مرد غیرمسلمان درآیند، مگر اینکه شوهر او قبل از ازدواج مسلمان شده باشد .

۳ ـ طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی هیچیك ازاتباع ایرانی نمی‌توانند، تبعیت خود را ترك کنند . مگر با اجازه و تصویب هیئت وزیران .

٤ ـ رزی مازندی بموجب شناسنامه شماره ٤٣٣٢ که تازمان فوت معتبر بوده و همچنین طبق اسنادی که در اوراق هویت او در پرونده استخدامیش در کنسرسیوم موجود است ، تابعیت ایرانی داشته و برای تکمیل اثبات ایرانی بودن او به حساب‌های او در بانکهای زیر استناد میشود :

۱ ـ بانك ایران وانگلیس شعبه تخت جمشید که درسند شماره ۱۰۲۰٦۲ـ ملیت او را ایرانی ذکر کرده‌اند .

۲ ـ حساب شماره ۵۱۸۹۰ بانك بازرگانی مرکز .

۳ ـ حساب بانك اعتبارات شعبه نادری‌ساختمان آلومینیم .

(که خودآنمرحومه درهمه این موارد ملیت‌خودراایرانی اعلام‌کرده‌است.)

۵ ـ هیچ تبعه خارجی حق داشتن ملك غیر منقول در ایران ندارد . و حال آنکه طبق سند شماره ۱۰۳۰۱۹ ـ رزی مازندی صاحب ملك شخصی در تیاوران است .

٦ـ هیچ تبعه خارجی نمی‌تواند در ایران اقامت نماید مگر اینکه اداره گذرنامه شهربانی به او ورقه اقامت بدهد ، وهویت ومحل اقامت و سایرمشخصات او در پرونده‌ها و اسناد اداره اتباع خارجی مقیم ایران ثبت شده باشد .

۷ ـ هیچ تبعه خارجی حق اشتغال بکار در ایران را ندارد ، مگر با اجازه وزارت کار . حال آنکه رزی مازندی ازبدو استخدام در شرکت نفت همواره خود را تبعه ایران دانسته و احتیاج ولزومی بداشتن ورقه کار نداشته است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۸ ـ بموجب قباله ازدواج موجود در پرونده دادگاه بخش زوجین مسلمان هستند و ثبت ازدواج آنان که اسحق فری مدعی است در کنسولگری انگلیس ثبت شده، صحیح نبوده وکنسولگری مذکورحق ثبت این ازدواج را نداشته است.

بعد از تقدیم این عرضحال به دادگاه ساعت ۸ صبح روزهفتم آبانماه ۱۳۴۷ را برای رسیدگی به عرضحال اسحق و دلایل و مدارك اشاره شده وکیل مدافع تعیین کرد[1] ... البته اسحق منتظر اعلام رأی دادگاه نشد و در حدود دو ماه قبل از تشکیل جلسه دادگاه با سومین همسر خود ـ عیال سابق مرحوم حسابی استاد لژفراماسونی تهران ـ ازدواج کرد . این زن وارث چندین میلیون تومان ثروت از شوهر درگذشته خویش است .

امید است با مطالعه این شرح اجمالی بخصوصیات اخلاقی، زندگی اجتماعی و بطور کلی رفتار و کردار مردمی که مدعی پیامبری اخلاق و تمدن و عالیترین خصوصیات انسانی هستند واقف شده باشید . منظور از انعکاس این مطالب فقط و فقط هشدار به آن گروه ازایرانیان پاك نهادی است که بدون آگاهی دقیق وکامل ازمنظورهای سیاسی و هدفهای استعماری بیگانگان ، تنها به این دلخوشی،که در راه اصلاح اصول اخلاقی و انسانی بشر گام برمی‌دارند ، ناچار به دست بوسی و تبعیت از افرادی می‌شوند که خود فرسنگها ازاخلاق و انسانیت بدورند . هشدار بدکسانی است که با اطاعت کورکورانه‌ی خود ازسازمانهای ساخته وپرداخته بیگانه، ننگ و نفرین ابدی را برای خود و خانواده و اعقاب خویش می‌خرند ... غافل ازاینکه تاریخ قاضی عادلی است که هرگزمرتکب گناه نمی‌شود . و ننگ و نفرت دست بوسی بیگانگان ـ آنهم با خصوصیات اخلاقی واجتماعی اشاره شده ـ برای همیشه در صفحات تاریخ بر پیشانی این افراد و فرزندان آنها باقی خواهد ماند .

---

۱ ـ متأسفانه چون تاریخ تشکیل جلسات دادگاه مصادف با روزهائی بوده که صفحات این کتاب زیر چاپ می‌رفت ، موفق به انعکاس رأی نهائی دادگاه نشدیم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قبول عبودیت و برتری

لژ روشنائی در ایران برای اینکه برتری و سروری خود را برروی‌همه‌فراماسونهای ایرانی وکنترل خودرا براعمال آنان حفظ کند، و ازکارها و اطلاعات آنها حداکثر بهره‌برداری را بنماید مسئله‌ی «نظارت کامل» را عنوان‌کرده‌و آنرا برلژهای ایران تحمیل نموده است.

این اقدام که به‌نفع سازمان‌های اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی انگلیس در ایران است بدون درنگ با موافقت مرکز لژ اسکاتلند در ادنبورك روبرو شد. آنها به کارگردانان لژ دستور دادند تا «سروری» و «برتری» و قبول «عبودیت» از گراند لژ اسکاتلند را در هرزمینه بر لژهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی جدیدالتأسیس بقبولانند. عده‌ای ازفراماسونهای جوان‌که قبل‌از ورود به لژهای ماسونی هدف این تشکیلات مخفی را فقط و فقط استمانت و کمك و همراهی به نوع بشر می‌دانستند، با قبول برتری و سروری و عبودیت لژهای انگلیس مخالفت‌کردند، ولی‌چون قوانین‌فراماسونی‌اطاعت‌محض‌وکورکورانه ازدستورات اولیه را ایجاب می‌کند، به ناچار همه فراماسونهای سه دسته مذکور حاضر به پذیرفتن «عبودیت» و«سروری» و «برتری» گراند لژ اسکاتلند شدند و بدین‌ترتیب است‌که بعد از مدت کوتاهی «کریستوفراسحق‌فری» یهودی تبعهٔ انگلیس که همه جا خود را حاکم مطلق و آمر حقیقی فراماسونهای ایرانی می‌داند، در رأس کلیه سازمانهای ماسونی قرار می‌گیرد. منتهی چون در این ایام زمزمه‌های مخالفت در لژها علیه این انتصاب برخاست و بیشتر اعضای لژهای‌آلمانی‌بااطاعت کورکورانه و قبول عبودیت انگلیس‌ها مبارزه‌ای شدید را آغاز کردند، موضوع انتخاب سناتور دکتر سعید مالك در رأس گراند لژ محلی ایران عنوان شد.

این سازمان فراماسونری که District Grand Lodge of Iran نامیده می‌شود، وظیفه‌اش‌ایجاد هماهنگی برمجموع فعالیت‌ها، کسب‌اطلاعات واصله،حتی نظارت بر مشاغلی است که در ایران به‌افراد واگذار می‌شود. گر چه سازمانهای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

انگلیسی باانتصاب سناتوردکترسعیدمالك دررأس این‌سازمان موافقت‌کردند، ولی یك معاون دائمی بنام «کلنل استراکر» در لندن برای او تعیین شد که وظائفش‌را درایران به «کریستوفر-فری» واگذارکرد. انتخاب سناتور دکتر سعید مالك که مورد اعتماد دستگاه حاکمه ایران است، وبه علت عدم‌آلودگی به فساد و رشوه ـ خواری مورد احترام عده زیادی از فراماسنهاست، تا اندازه‌ای به مخالفت ها و مبارزات مورد بحث پایان داد. ولی‌کارگردانان‌انگلیسی لژها ازاین حسن‌انتخاب سوء استفاده کرده و سازمان‌گراند لژمحلی‌ایران‌را به‌صورت پوششی‌برروی‌اعمال خود درآوردند. این بهره‌برداری نادرست، همراه باتحریکات و گفتگوهائی که از درون لژهای انگلیسی شنیده می‌شد و مخالفت‌هائی کـه انگلیسی‌های عضو لژ علیه کارهای عمومی مملکتی آغازکرده بودند بار دیگر حوادثی در لژها بوجود آورد که جداشدن لژهای آلمانی (مهر- وفا - آفتاب - ستاره سحر) ازگراندلژ محلی ایران را بایستی نتیجه آن و اولین نشانهٔ طغیان دسته جمعی علیه «عبودیت لژهای انگلیسی» دانست.

این مبارزات‌تا سالهای اخیر نیزادامه داشت. یکی ازاستادان فراماسونری انگلیس که نامه سپتامبر سال جاری دبیرکل و استاد اعظم لژ اسکاتلند را خطاب به «کریستوفر-فری» خوانده‌بود، می‌گفت: دراین نامه از اینکه دکتراحمدهومن با او بمبارزه برخاسته و مانع انتخاب اودرگراند لژملی ایران شده است، ابراز تأسف شده و باو تأکید کرده بودند که دکتر هومن همیشه خودخواهی‌داشته‌است. منتهی شما سعی کنید بهرنحوی هست در این سازمان انتخاب شوید و نگذارید ایرانیها شما را کنار بگذارند.

طغیان علیه سیاست انگلستان

همانطور که گفته شد، طغیان علنی علیه سیاست انگلستان در سالهای اخیر افزایش یافت تا جائیکه در بین بعضی از جوانان‌که در سالهای بعد ازجنگ دوم جهانی عضولژهای فراماسونری شده‌انـد حالت عصیان و طغیان علیه سیاست

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

جابرانـه انگلستان درایران دیده می‌شود. این جوانهاباآنکه می‌دانند سیاست : اطاعت محض از فرامین واوامر استادان اعظم لژ، و به‌گردن نهادن طوق عبودیت استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند و انگلند و همچنین پیروی کورکورانه وتعبدی از گراند لژهای انگلستان و پذیرفتن رهبری وبرتری سازمانهای انگلیسی نخستین دستور در سازمانهای فراماسونری است، معذالک‌گاهی دیده شده‌که یکی دوجوان ایرانی حس ناسیونالیستی و وطنپرستی را بر قبول دستورات و اوامر استادان و انترناسیونالیستها ترجیح داده ، علیه سیاست جابرانهٔ انگلستان سخن گفته و یـا مقاله و کتاب نوشته‌اند .

شاهد زنده این‌گونه جوانها « حسین رامتین» نویسنده‌کتاب «امریکائیان‌در ایران » است . وی که به‌اتفاق برادرش در لژهای تهران و کورش وابسته بـه لژ روشنائی در ایران و در سال‌های اخیر در گرانـد لژ انگلستان عضویت و رهبری دارند ، با اینحال او در کتاب مذکور دربارهٔ سیاست ظالمانه وسبعانه انگلستان در ایران که مجریان آنها اکثراً « برادران فراماسون » و یا «لژهای ماسونی»هستند چنین می‌نویسد :

« ... تاریخ دویست سالهٔ اخیر روابط بین‌المللی بهترین شاهد ، مشکلات و ناراحتیهائی است کـه از شمال و جنوب ایران. یـا صریحتر بگوئیم از جـانب زمامداران روس و انگلیس برای ما فراهم شده است .

«هرایرانی که قدری در اوضاع فعلی وگذشتهٔ سرزمین خود عمیق شود و یا تاریخ سالهای اخیر را تحت مطالعهٔ دقیق قرار دهد ناچار است بـا کمال صراحت اعتراف‌کندکه هرچه برسر این‌ملت آمده‌است نتیجه‌سیاستهای‌استعماری‌همسایگان شمالی و جنوبی ما بوده است و بس .

هدفها و مقاصد استعماری انگلستان در سراسر آسیای میانه ، جنوبی و مرکزی بطوری چشمان مأمورین و متصدیان امور کشورهای این مناطق را کور کرده بود که جزسیادت ونفوذ انگلستان هیچ‌چیز دیگر نمی‌اندیشیدند وسرزمین خود را ملک طلق و منطقه نفوذ این سیاست استعماری می‌دانستند . دیگر برای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آنها هیچ فرقی نداشت که با چه وسیله و بدست چگونه اشخاصی این نفوذ و قدرت سیاسی اعمال می‌شود.

«آنها فقط هدف خودرا می‌دیدند و کوچکترین تفکر درباره نحوه اعمال نفوذ و ترحمی نسبت بمردم نداشتند، گاهی راهزنی را از پشت کوهی می‌آوردند و بر جان و مال مردم مسلط می‌ساختند و زمانی آخوند بیسواد روضه خوانی را از دهستانی دور افتاده ... هنگامی نیز یکی از اشراف جنایتکار و دزد را پروبال می‌دادند که باهر وسیله و عنوانی که میسر است بقدرت برسد و بر مردم بی‌پناه این کشور حکومت کند. طبعاً اینگونه افراد پس از استقرار برسریر حکومت آنچه درقدرت داشتند، از بی‌شرافتی و دزدی و غارت اموال مردم و هرخیانت دیگری ... کوتاهی نمی‌کردند فقط وظیفهٔ آنها این بود که دستورها و اوامر نمایندگی عالی یا سفیر اعظم بریتانیا را اطاعت کنند ...!!»

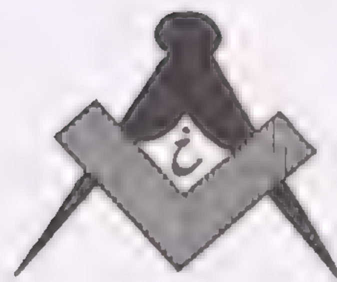
این نویسنده فراماسون در حالیکه خود از نفوذ برادران ماسونش در سازمانهای دولتی: مقننه، مجریه وقضائیه مملکت دردوران مشروطیت آگاه است، با صراحت فراوان و بدون ذره‌ای ترحم، آنها و سایر نوکران و دست پروردگان سیاست استعماری را کوبیده و تنها آرزوی خود را محو و نابودی این لانه‌های جاسوسی و تار عنکبوتی که بدست وپای مردم ایران بسته شده عنوان کرده است.

«حسین رامتین» روش قاطع و راه‌نهائی برای محو سیاست استعماری انگلستان را نابودی فراماسنها، جاسوسان انگلستان وعمال مارکدار آنان، وحتی اطفال شیرخوار این گروه دانسته، وچنین می‌نویسد:

«... مردم ایران بهیچ وجه من‌الوجوه باور ندارند که پسران و اعقاب و اخلاف آن خانواده‌ها باکتاب خواندن و نطق کردن وانقلابی شدن رنگ واقعی خود را از دست داده باشند.

مردم ایران تا وقتی به‌چشم خود نبینند که ریشه این دسته فاسد الاصل از بیخ و بن کنده شده و دیگر اثری از اطفال شیرخواره آنها هم یافت نمی‌شود، نمی‌توانند قبول کنند که تخم فسادی که بوسیله سیاست استعماری سیاه انگلستان و روسیه از دو قرن پیش در این کشور کاشته شده، بکلی نیست و نابود گردیده است.»

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لژ اعظم ناحیهٔ ایران

کارگردانان لژهای انگلیسی ، برای اینکه بدون مزاحمت و اشکالتراشی و مخالفت لژهای فرانسوی به کار خود ادامه دهند، ایجاد «لژاعظم ناحیه ایران» را بهمرکزگراند لژ در ادنبورك پیشنهاد کردند . استاد اعظم گراند لژاسکاتلند ، بدون درنگ با تشکیل « لژ اعظم» موافقت کرد و ضمن پذیرفتن این پیشنهاد به رؤسای لژهای انگلیسی اخطار کرد که در توسعه سازمانهای فراماسونی در ایران و ایجاد لژهای تابعه اسکاتلند اقدامات وسیع و دامنه‌داری را آغاز کنند .

برای تأسیس و باصطلاح خود فراماسونها « تنصیب» لژ اعظم ناحیه ایران لرد بروس وزیر دریاداری انگلیس واستاد اعظم سال ۱۹٦٦ ـ م (۱۳٤٥ ـ ش) به تهران آمد ، و باشکوه و عظمت خاص فراماسنها ، این سازمان فراماسونری را در ایران بوجود آورد .

سازمان مذکور بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹٦۸ گراند لژاسکاتلند[۱] بدست اشخاص زیر سپرده شد :

کریستوفر اسحق فری	ناظراعظم لژ اعظم ناحیه ایران
کنت . او . بیرس[۲]	قائم‌مقام ناظراعظم مقیم انگلستان

۱ـ رجوع شود به صفحه ۳۳ سالنامه .

۲ـ در صفحه ۳۳ سالنامه مذکور این شخص Kenneth. O. Byers مقیم لانشایر انگلیس معرفی شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

	شهریور ۱۳۴۲ 1963	مهر ۱۳۴۲ 1963	آبان ۱۳۴۲ 1963	آذر ۱۳۴۲ 1963	دی ۱۳۴۲ 1964	بهمن ۱۳۴۲ 1964	اسفند ۱۳۴۲ 1964	فروردین ۱۳۴۳ 1964	اردیبهشت ۱۳۴۳ 1964	خرداد ۱۳۴۳ 1964	تیر ۱۳۴۳ 1964
لژ بزرگ ناحیه ایران			۱۱ / 2 Nov.								
شاهپور مولوی		۳ / 25 Sep.		۶ / 27 Nov.		۲ / 22 Jan.			۲ / 22 Avril	۶ / 27 Mai.	
فروغی ۶۷		۱۴ / 6 Oct.		۱۰ / 1 Dec.		۱۲ / 1 Fev.		۱۶ / 5 Avril		۱۷ / 7 Juin	
حافظ ۶۸	۱۲ / 3 Sep	۹ / 1 Oct.	۱۴ / 5 Nov	۱۲ / 3 Dec.	۱۷ / 7 Jan.	۱۵ / 4 Fev.	۱۳ / 3 Mars	۱۸ / 7 Avril	۱۵ / 5 Mai	۱۲ / 2 Juin	
۷۳ شمس تبریزی	۱۲ / 2 Sep.	۹ / 1 Oct.	۱۴ / 5 Nov.	۱۲ / 3 Dec.	۱۷ / 7 Jan.	۱۵ / 4 Fev.	۱۳ / 3 Mars	۱۸ / 7 Avril	۱۵ / 5 Mai	۱۲ / 2 Juin	
سعدی ۶۶	۱۹ / 10 Spt.	۱۶ / 8 Oct.	۲۱ / 12 Nov.	۱۹ / 10 Dec.	۲۴ / 14 Jan.	۲۲ / 11 Fev.	۲۰ / 10 Mars	۲۵ / 14 Avril	۲۲ / 12 Mai	۱۰	
مولوی ۴۹	۲۶ / 17 Sep.	۲۳ / 15 Oct.	۲۸ / 19 Nov.	۲۶ / 17 Dec.	۱ بهمن 21 Jan.	۲۹ / 18 Fev.	۱ اردیبهشت 21 Avril		۲۹ / 19 Mai		
ابن سینا ۷۶		۲۷ / 19 Oct.	۲۵ / 16 Nov.	۳۰ / 21 Dec.	۲۸ / 18 Jan.	۲۶ / 15 Fev.	۲۴ / 14 Mars	۲۹ / 18 Avril	۲۶ / 16 Mai		
سزدا ۷۹	۱۶ / 7 Sep.		۱۱ / 2 Nov.		۱۴ / 4 Jan.		۱۷ / 7 Mars		۱۲ / 2 Mai		
لایت ابن ایران ۱۱۹۱			۷ / 29 Oct.	۵ / 26 Nov.	۱۰ / 31 Dec.	۸ / 28 Jan.	۶ / 25 Fev.	۱۱ / 31 Mars	۸ / 28 Avril	۵ / 26 Mai	۹ / 30 Juin
خیام ۱۵۸۰		۱۵ / 7 Sep.	۱۳ / 4 Nov.	۱۱ / 2 Dec.	۱۶ / 6 Jan.	۱۴ / 3 Fev.	۱۲ / 2 Mars	۱۷ / 6 Avril	۱۴ / 4 Mai	۱۱ / 1 Juin	
تهران ۱۵۴۱	۲۳ / 14 Sep.	۲۰ / 12 Oct.	۱۸ / 9 Nov.	۲۳ / 14 Dec.	۲۱ / 11 Jan.	۱۹ / 8 Fev.	۲۴ / 14 Mars	۲۲ / 11 Avril	۱۹ / 7 Mai	۲۳ / 13 Juin	
کوروش ۱۵۷۴	۲۷ / 18 Sep.	۲۴ / 16 Oct.	۲۹ / 20 Nov.	۲۷ / 18 Dec.	۲۵ / 15 Jan.	۳۰ / 19 Fev.	۲۸ / 18 Mars	۲۶ / 15 Avril	۳۰ / 20 Mai	۱۷ / [illegible] Jui..	
شاهپور داریوش		۱۶ / 8 Oct.		۱۹ / 10 Dec.		۲۲ / 11 Fev.			۲۲ / 12 Mai		

برنامه سالانه لژهای فراماسونری انگلیسی و فرانسوی در ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مهندس حسین شقاقی	قائم مقام استاد لژ اعظم ناحیه ایران
فیروز دورابجی	سرپرست اول گراند لژ محلی ایران
صالح چنایات یهودی	سرپرست دوم لژ اعظم ناحیه ایران
فتح‌الله فرود	منشی گراند لژ محلی ایران
ژرژ اوانسف	ناظر لژ اعظم ناحیه ایران در منطقه خوزستان
مهندس علی‌اصغر بختیار	شمشیردار لژ اعظم ناحیه ایران

این سازمان که بر دوازده لژ فراماسونری انگلیس نظارت کامل دارد، در سال فقط چهار روز، آنهم در ماههای (خرداد ـ شهریور ـ آذر ـ اسفند) که برابر با ماههای مسیحی (ژوئن ـ سپتامبر ـ دسامبر ـ فوریه) است، تشکیل می‌شود.

روزهائی که این سازمان ماسونی انگلیسی درایران در انجمن رازی تشکیل جلسه می‌دهد، درباره خط‌مشی وطرز کار و فعالیت لژهای ایران، ترازنامه سالانه، ایجاد لژهای جدید و بالاخره بهره‌برداری از اطلاعات و فعالیتهای سیاسی و اقتصادی اعضای لژ در سرتاسر ایران مذاکره می‌شود. در روزهای تشکیل جلسات که به‌آن نام «جلسات ارتباطیه» داده‌اند هر یك از لژها نماینده‌ای برای شرکت در جلسات اعزام می‌دارد و به‌دستورات و کارها رسیدگی می‌کنند.

یهودیان مهاجر در لژ روشنائی

چون در تشکیل لژ ناحیه اعظم ایران نامی از «صالح چنایات» برده شد، بی مناسبت نیست که ایشان‌را از قول یکی از یهودیانی که سالها با او کار می‌کرده است معرفی کنیم[1]:

صالح چنایات یهودی عراقی کـه سالها پیش به ایران مهاجرت‌کرده ازسال ۱۹٤٥ تاکنون چندین‌بار مقام‌های عالی ازجمله ریاست‌کرسی لژ روشنائی درایران را داشته است وهم‌اکنون‌نیز از فعالین‌سازمان ماسونی‌انگلیس در ایران است. در رساله‌ای که اسحق یعقوبیان دانشجوی علوم اجتماعی (ساکن

۱ـ رساله‌ای که این قسمت‌از آنرا نقل کرده‌ایم در کتابخانه انجمن کتاب به شمارهٔ ۵۵۷۲ ثبت شده است.

تهران، خیابان سیروس، کوچه‌سادات اخوی، شماره ۱۰) نوشته درباره صالح چتابات و سایر مهاجران عرب فراماسون چنین نوشته است :

«...سازمان‌جاسوسی انگلستان‌درایران(ام‌ـ آی‌ـ ۵ M. I. 5) که‌هموطنان ما بغلط ویا به‌اصطلاح معمولی آن‌را «اینتلیجنت سرویس» می‌نامند، ریشه‌قدیمی و کهن دارد. یکصد وهشتاد سال است که این سازمان لعنتی در ایران کشتار می‌ـ کند، رژیم عوض میکند، خانواده‌ها برباد می‌دهد، اقتصاد و سیاست ما در دست عمال کثیف «اینتلیجنت سرویس» است بچه‌های شیرخواره ایرانی درگهواره بدست جاسوسان اینتلیجنت سرویس خفه می‌شوند. پیرمردان و وطنپرستان ایرانی را بخاك سیاه می‌نشانند و آنانرا بعنوان «سکته» ومرگ ناگهانی بدیار عدم‌می‌فرستند.

عمال این سازمان قدیمی در ایران بیشترمهاجران و عده‌کمی هم اقلیت‌های مذهبی هستند. بیشتر عمال «اینتلیجنت سرویس» در سی سالهٔ اخیر که شناخته شده‌اند، جهودهای عرب هستند که از کشورهای سوریه ـ لبنان ـ عراق و مصر بایران آمده‌اند.

اینها روزی که بایران آمدند بظاهرصراف ـ ماشین‌دار ـ نماینده‌کمپانیهای خارجی بودند و با سرمایه‌هائی که می‌آوردند بهترین کارهای تجارتی را در دست می‌گرفتند.

همین ها پس از مدتی که در ایران متوقف می‌شوند با پرداخت پول‌ورشوه ورقه تابعیت ایران را بدست می‌آورند ـ و بنام یك ایرانی مشغول کارمی‌شوند...»

اسحق یعقوبیان آنگاه نحوه کار این سازمانها و افراد آنرا چنین تشریح می‌کند :

«... اینتلیجنت سرویس برای اینکه پرده برچهره کثیف عمالش بکشد، برای آنها شرکتهای سهامی تشکیل می‌دهد، و مقداری از سرمایه این نوع شرکتها که بصورت سهام درمی‌آید با نام ومقداری بدون نام است. سهام بانام، بنام مدیران و اعضای شرکت است و سهام بی‌نام در گاوصندوق اینتلیجنت سرویس در

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ایران باقی می‌ماند.

انگلیسها هر وقت بخواهند به عمال تازه خود کمکی کنند، بآنها سهام بدون نام می‌دهند. اگر ارزش کار عمال و جاسوسان آنها کم و کوچك باشد بیکی از شرکتهای سهامی دستور می‌دهند که از فروش و یا مازاد در آمد، مبلغی بجیب جاسوسان مورد نظر بریزند.

چهار شرکتی کـه سهام آن در دست اینتلیجنت سرویس است و نیمی از درآمدآنهامستقیماً بجیب عمال این سازمان می‌رود و از پنجاه سال قبل ویااندکی کمتر در ایران تشکیل شده[اند] عبارتست از:

۱ ـ شرکت انگلیسی لینچ‌واقع درخیابان ثبت.

۲ ـ شرکت سهامی سیار خیابان سعدی.

۳ ـ شرکت کتانه خیابان برق.

٤ ـ شرکت شبدیز خیابان سعدی.

شاید کمتر کسی باشد که کلنل «استراکر» رئیس شرکت لینچ در ایران را که ۲۰ سال در تهران بود و در سال ۱۳٤۰ از ایران رفت نشناسد.

این کلنل کاسب کار انگلیسی کـه در عین حال رئیس لـژ فراماسونری در ایران ـ عراق ـ کویت و بحرین نیز بود، سالها در ایران بشغل شریف (تجارت) مشغول بود.

او بر برادران فراماسونش در لژهای اسکاتلند که در شرکت شبدیز هستند (چنایات ـ شعشو و برادرانش‌وهمچنین‌دامادش‌ادوارد)همیشه‌ریاست(برادرانه)داشت.

کلنل استراکرهیچگاه برادران‌فراماسون ارجمند خویش را درشرکت سیار هم فراموش نمی‌کـرد ـ الیاس دبـی ـ صالح چنایات ـ جمشید ... ـ شائول ناتان برادران فراماسون اوکه همگی عضواینتلیجنت سرویس نیزهستند، همیشه مورد لطف و عنایت مخصوص کلنل استراکر بودند. اینان درشرکت سیارو سایر تشکیلات طوق عبودیت افسرسازمان جاسوسی انگلستان را بگردن می‌نهند و هرچه معمار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



الیاس ذبی یهودی عرب سهامدار
عمده شرکت سیار

اعظم «فرمایشی» بآنها بگوید و یا هر دستوری که برای خرابکاری بدهد آنها اطاعت می‌نمایند .

کلنل استراکر که یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس هنگام عزیمتش از ایران ضیافت مجللی درالهیه بافتخار اوداد وقتی استراکس وداماد انگلیسی مازندی (کریستوفر اسحق) را بمدعوین معرفی می‌کرد ، خیلی از عوامل جاسوسی‌اش را بگریه انداخت ...» نویسنده رساله بدنبال این بحث چنین ادامه می‌دهد :

شرکت سیار در حین اشغال ایران بوسیله قوای انگلیس و روس در تهران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



صالح جنابات، یهودی عرب‌سهامدار
عمده شرکت شدیز، درکنار پرچم
فراماسونی لژروشنائی

تشکیل گردید. مؤسس این شرکت یك عرب جهود عراقی بنام «شائول ناثان» است کـه هم اکنون روزها فقط بشغل تجارت و داد و ستد و معامله حلال و شب بشغل کسب خبر و ارسال خبر و اداره شبکه ... مشغول است.

روزیکه ناثان ازعراق بایران آمد تا «شرکت سیار» را تشکیل دهد. سازمان جاسوسی «اینتلیجنت‌سرویس» یکی‌ازبادوهای‌باهوش‌وزرنگ‌خودش‌رابنام «جمشید» باو معرفی و تحمیل‌کرد . . . این دو نفرشریك دیگری بنام «لاوی» داشتند. این

ناوی‌که دخترش را بعقد صالح چتایات درآورده بزودی جای خود را به «چتایات» داد. چتایات عرب کـه یك انگشت او هنگام جنگ « کویت‌العماره » و در حین عملیات علیه عثمانیها و بنفع انگلیسها قطع شده است، از ۱۷ سال قبل تـا کنون ظاهراً فقط بشغل تجارت مشغول است و ابداً کاری با سازمان جاسوسی انگلیس درایران ندارد. و اورئیس شبکه‌ای دراین سازمان مخوف نیست !! صالح چتایات شریك وهمدم جمشید . . . که اطاق مجللی درشرکت سیاردارد، درعین حال رئیس لژ فراماسونری «لایت در ایران» وابسته به اسکاتلند بوده و فقط برای تفریح و تفنن «کلوپ‌تهران» راکه مخصوص انگلیسها وتعدادی از ایرانیان علاقمندبسیاست انگلستان است نیز اداره می‌کند. چتایات نه تنها با کمك کشفی در سازمان‌های مختلف. . . فعالیت می‌کند، بلکه شرکت سیار را نیزکه محل دیگری برای ایجاد ارتباط باعوامل فراماسونی وانگلیس‌ها و . . . است، اداره می‌کند. تهران‌کلوپ‌را کـه باصطلاح جاسوسان (صندوق پست) سازمـان جاسوسی انگلستان است صالح چتایات و دیگراعراب یهودی اداره می‌کنند . اکنون سالهاست که جمشید . . . با همکاری ناتان و صالح چتایات و شمشو مشغول خرابکاری و ایجاد ارتباط با عوامل انگلیسی است . . .»

این بود قسمتی از آنچه را کـه اسحق یعقوبیان در بـاره چندین تن از فراماسونها نوشته و صحت و سقم آن بعهده نویسنده رساله است و بس . به علت عدم دسترسی به اسناد ومدارك واتهاماتی‌که‌نویسنده این رساله به یهودیان مهاجر عرب و اعضاء لژ فراماسونری وارد آورده ، نمی‌توان همه مندرجات رساله را که در باره فعالیت اینددسته ازفراماسونهاست ، نقل کرد . امید است روزی مندرجات این رساله مورد توجه محققین و کسانیکه علاقمند به شناخت بیشتر آنها هستند، قرار گیرد .

عوامل جاسوسی‌اش را بگریه انداخت ...» نویسنده رساله بدنبال این بحث چنین ادامه می‌دهد :

شرکت سیار در حین اشغال ایران بوسیله قوای انگلیس و روس در تهران

بولتن اطلاعات فراماسونری

سازمان فراماسونری اسکاتلند که مرکز آن در شهر «ادنبورگ» است، همه ماهه بولتن اخبار مخصوصی دارد که برای استادان اعظم فراماسونری وابسته به این لژ در سراسر جهان می‌فرستد. این بولتن نیز مثل همه اسناد و مدارك ماسونی محرمانه است و غیر ماسون‌ها (بیگانگان) حق ندارند بدانها دسترسی پیدا کنند خوشبختانه بوسیله یکی از محققین، شماره‌های اخیر این بولتن بدست ما رسید واینك برای نشان دادن این اخبار و اطلاعات بسیار بسیار محرمانه‌ای که فراماسونها متون آنرا از جمله اسرار ماسونیك می‌دانند!! ترجمه بولتن شماره پنجم ماه سپتامبر ۱۹٦۸ را نقل می‌کنیم:

بولتن شماره ٥

نخست امیدواریم که کلیه برادران توانسته باشند، در تعطیلات تابستانی استراحت کافی کرده و از ایام گذشته استفاده ثمر-بخشی برده باشند. امید است که برادران برای شروع فعالیت در سال ماسونی جدید که دارای اهمیت فوق‌العاده است، خود را آماده کنند. زیرا دراین سال جلسه همگانی سه‌ساله (یعنی جلساتیکه هر سه سال یکبار تشکیل می‌شود) کلیه مجامع و سازمان‌های فراماسونی در ماه دسامبر [آذر ماه ـ دی] تشکیل خواهد شد.

مقررات عمومی ماسونیك صراحت دارد که کلیه پیشنهادات (جلسه همگانی سه ساله) بایستی حد اقل شش هفته قبل از تشکیل مجمع، برای دبیر کل جلسه ارسال شود، تا وی آنها را تسلیم کمیسیون عالی نماید. کمیسیون عالی پس از بررسی پیشنهادات نظر خود را درباره طرح و یا رد پیشنهادات مطرح و اعلام می‌کند.

برای اینکه لژهای مختلف بتوانند به نمایندگان خود که درجلسه همگانی شرکت می‌کنند، دستورات لازم را بدهند، دبیر کل کلیه اطلاعات ضروری را درمورد وضع کنونی تشکیلات درماه اکتبر برای این مجمع خواهد فرستاد. امسال احتمالاً جلسات ساعت چهار بعد از ظهر جمعه ششم سپتامبر و صبح شنبه هفتم سپتامبر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

MASONIC INFORMATION BULLETIN

1968 - Nº 6

September 1968

Let us first express the hope that all Brn. have been able to enjoy a summer vacation, both restful and beneficial, so as to be ready to face a new Masonic year of more than usual importance, since the Triennial General Meeting of Grand Lodge will take place in the course of December.

In accordance with the terms of Art. 8 of our General Regulations, the Grand Master and Grand Treasurer will be elected at this Assembly for the ensuing three-year period.

The General Regulations lay down, moreover, that "all propositions must be addressed in writing to the Grand Secretary at least six weeks before the date of the Assembly, for submission to the Sovereign Grand Committee who will decide whether or not they shall be put on the agenda."

In order to allow Lodges to give complete instructions to their Delegates for the work done in Commissions, the Grand Secretary will send all relevant information to the Lodges, during the month of October, regarding the present state of the Obedience.

This year, it is likely that the Commissions will meet on Friday afternoon, December 6th., at approx. 4.00 p.m. as well as on Saturday morning December 7th.

Bienfaisance Maçonnique

A General Meeting of the Bienfaisance Maçonnique is foreseen for Saturday.December 7th during the forenoon. It would no doubt be helpful if Lodges prior to this Assembly, would look into ways and means of endowing the Bienfaisance Maçonnique with regular sources of income.

بولتن ماهانه گراند لژ اسکاتلند

(از مستر رابرت الدریج استاد دانشگاه متشکریم که فتوکپی بولتن فوق را برای نویسنده فرستاد.)

تشکیل خواهد شد .

جمع آوری اعانه

همچنین یك جلسه همگانی دراین سال پیش‌بینی شده است که پیش از ظهر روز شنبه هفتم سپتامبر تشکیل می‌گردد . بدون شك بسیار بجا خواهد بود ، اگر لژهای ماسونی قبل از تشکیل این مجمع مطالعه‌ای درراه جمع آوری عطایای بیشتر به درآمد معمولی تشکیلات بنمایند .

کاج کریسمس

لژهائیکه مایلند درجشن‌های کریسمس شرکت نمایند، لطفاً هرچه زودتر مراتب را به اطلاع دبیرکل برسانند .

انجمن شماره ۱۲۸ کارلوس مگنوس

استاد اعظم و ریاست عالیه ماسونی جهانی روز ۲۱ سپتامبر درمراسم موقوفه معبد ماسونی لژاستراسبورگ ما ، که بنام (کارلوس مگنوس)[1] می‌باشد ، برای مدت محدودی نظارت خواهد داشت . این مجلس تقدیس ، در معبد ماسونی جی-ال-ان - اف در شهر متز[2] برپا خواهد بود .

لژ شماره ۱۳۲ انتا[3]

یك مجلس تقدیس لژ ماسونیك دیگر در روز ششم اکتبر ۱۹۶۸ ساعت ده‌ونیم صبح برای تشکیل لژانتا[3] ۱۳۲ درمحل دراکوایگنان[4] به سرپرستی استاد اعظم جهانی برپا خواهد شد . اطلاعات مربوط به این لژ جدید را می‌توان از جی - ال - ان - اف با شورای طریقت کسب نمود .

مصیبت در ایران

استاد اعظم جهانی فراماسونری و هیئت کمیته بزرگ ، پس از اطلاع از وقوع زلزله اسفناك ایران ، درخواست فوری به تمام لژهای اسکاتلند در جهان فرستاد . او پیشنهاد کرد

1 - Carolus Magnus .
2 - Metz .
3 - Antea .
4 - Draguignan .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

LODGE LIGHT IN IRAN
No. [illegible] S.C. Teheran

27 Avenue Ferdowsi,
Teheran.
9th January [illegible]

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend the [illegible] Emergency meeting of the Lodge to be held at the Masonic Hall, Teheran, on Tuesday 15th January [illegible] at 6.30 p.m.

By command of the R.W.M.

[illegible],
Secretary.

Dress, Black Tie or Uniform.

AGENDA

1. To open the Lodge.
2. [illegible]
3. To pass the Lodge to the Fellowcraft Degree and examine as to their proficiency in the Second Degree, Bros. Leonard H. Black, and George A. Stracke.
4. To open the Lodge in the Third Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:

Bro. Leonard H. BLACK, (Courtesy to Army Lodge No. 1105, San Antonio, Texas.)

Bro. George A. STRACKE, (Courtesy to Chapman Lodge No. 2, Las Vegas, New Mexico.)

5. To close the Lodge [illegible]
6. To pass the broken column.
7. To close the Lodge.

There will be no dinner after this meeting.

جلسه ارتقاء مقام به دو فراماسون امریکائی بنام‌های: لئونارد بلک عضو لژ نمره ۱۱۰۵ وابسته به اسکاتلند در «سان انتونیو تگزاس» و «جورج استریک» عضو لژ «لاس واگاس نیو مکزیکو» در لژ روشنائی ایران

فراماسون‌های انگلیسی ، سعی زیادی در حفظ آداب و رسوم و حفظ نظم در برقراری جلسات خود دارند . لااقل یک هفته قبل از تشکیل جلسه ماهانه ، دعوت نامه‌ای ازطرف دبیر لژ برای اعضاء فرستاده می‌شود . درین دعوت نامه‌ها ضمن تعیین روز و حتی ساعات تشکیل لژ ، دستور جلسات و موضوع‌هائی که مطرح خواهند شد ، قبلا به اطلاع اعضاء می‌رسد . در پایان هر جلسه‌ای طبق معمول

LODGE LIGHT IN IRAN.
No. 1191, S.C., Teheran.

[illegible], Ave. [illegible]
Teheran
5th. January 1963

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend the [illegible] Regular meeting of this Lodge to be held at the Masonic Hall, Teheran, on Tuesday, [illegible] January 1963 at 6.30 p.m.

By command of the Right Worshipful Master.

Dress: Black tie or uniform.

[illegible]
Secretary.

AGENDA

1. To open the Lodge.
2. To read the summons convening the meeting.
3. To read and put for confirmation the minutes of the following meetings:- [illegible] Regular Meeting held on 15th. January 1963. General & Finance Committee Meeting held on [illegible]. [illegible] Emergency Meeting held on [illegible].
4. To pass the Lodge to the Fellowcraft Degree, and examine as to [illegible] in the 2nd. Degree, Bro. Alexander G. Nicholas and Bro. John D. Miller.
5. To Raise the Lodge to the 3rd. Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:-

   Bro. Alexander Gregory Nicholas.
   Bro. John D. Miller. (Courtesy to west University Lodge No. 1292, Houston, Texas.)

6. To close the Lodge in the 3rd. and 2nd. Degrees.
7. [illegible]
8. To pass the broken column.
9. To close the Lodge.

After the meeting there will be a dinner on [illegible] at the Teheran Club. [illegible]

جلسه ارتقاء مقام‌های : «الکساندر گریگوری نیکولوس» و «جان میلر» امریکائی که از لژ تابع اسکاتلند در «هوستن تکزاس» به لژ روشنائی در تهران منتقل شده بودند . این جلسه در روز ۵ ژانویه ۱۹۶۳ در کلیسای انجیلی تهران برگزار شده است .

مراسم شام برگزار می‌شود . لژ روشنائی به علت اینکه در کلیسا تشکیل می‌شود ، در آنجا صرف شام میسر نیست و لذا « شام برادرانه » را در (تهران کلوب) که بوسیله صدای انگلیس ویهودی عرب اداره می‌گردد ، صرف می‌کنند .
برای آشنائی با جلسات عادی لژ روشنائی دو دعوتنامه و برنامه تنظیمی این لژ عیناً گراور می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کـه تا حدود امکان از طریق جمع آوری اعانات بـرای اهداء به قربانیان زلزله فاجعه آمیزی که قسمتی ازایران را ویران کرده است ، اقدام نمایند . خواهشمند است هدایا را فوراً به صندوقدار کل جی ـ ال ـ ان ـ اف با ذکر جمله «وجوه کمك به فاجعه ایران» ارسال نمائید .

وجوه جمع آوری شده فوق ، برای رئیس کل منطقه‌ای تشکیلات ما در ایران ارسال خواهد شد . وبنظرمی‌رسد برادران ما درایران کوشش لازم را برای التیام این فاجعه تا حد ممکن معمول خواهند داشت .

مجلس یاد بود

برادران فـراماسون ما از خبر درگذشت ، همسر برادر ما «امانوئل دراپانسکی» متألم خواهند شد. سپاس مابه ذکاوت فوق‌العاده و استعداد سازنـده او. مـادام ژرمن موردانت ـ دراپانسکی[1] رهبر دسته کرایرای پاریس بود . وی سال‌ها بود که به خاطر کارهای برجسته‌اش بخصوص تشکیلات دادن عملیات و برنامه‌های هنری فستیوال بزرگ گراند لـژ بانوان ، موفقیت‌های شایانی داشت و از طرف کلیه برادران قدردانی می‌شد .

به همین علت نـه فقط بخاطر همدردی با بـرادر دراپانسکی برای ضایعه مولمه‌اش ـ بلکه بیشتر بخاطر وداع با یك دوست که جمعی از برادران لیکوکابر در مراسم یـاد بود او در روز سیزدهم سپتامبر در Egliso de le sainte شرکت دارند . مراتب را به اطلاع می‌رسانیم .

اطلاعیه دبیر کل

دبیرکل به‌اطلاع لژهائیکه مایلند درمتن سالنامه‌گراند لژ تغییراتی بدهند ، می‌رساند ، که باید هرچه زودتر جزئیات موضوعات‌تجدید نظرشده‌را برای دبیرکل بفرستند .

دبیر کل و خزانه دارکل به علت نزدیك شدن سال ماسونی جدید ، از کلیه دبیران لژها و صندوقداران لژها درخواست می‌کنند که در ارسال اسناد و مدارك

1- Germaine Mordant - Drapanaski .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

FREEMASONS HALL
96 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

Ra/1/1. 19th October, 1960.

Ismail Raein, Esq.,
Eshratabad, Kooy Shafei,
House 11,
Teheran, I r a n.

Dear Sir,

With reference to your letter of 11th October, I note that our Representative has not been in touch with you. In a way I am not surprised as I would say that normally Histories of Freemasonry are only written by gentlemen who happen to be Freemasons themselves, and as you are not a Freemason our Representative has obviously come to the conclusion that it would not be advisable to get in touch with you. I would say, however, that as far as I know there is no information available about Freemasonry in your country between the years 1800 and 1920. That is certainly true as far as Scotland is concerned, and I should imagine that England and Ireland are in the same position. As far as I am aware there were no British Masonic Lodges at all in Persia (or Iran) between 1800 and 1920, and, indeed, when one was established in [illegible], its members were composed of British and Americans. After that there were two Lodges whose members were employed by the old Anglo-Persian Oil Company, but when this Company left Persia the Lodges there ceased to exist. My own view is that there is no one in Teheran who would know about Freemasonry between the years 1800 and 1920 unless there were Lodges from such places as France, Syria, etc.

Yours faithfully,

Alex. F. [illegible]
Grand Secretary.

نامه دبیر کل گراند لژ اسکاتلند به نویسنده

بعدها نیز دو لژ دیگر در ایران تشکیل شده که اعضای آن کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران بودند . و با رفتن شرکت نفت از ایران لژها نیز از بین رفتند. نظر شخصی‌ام این است که اکنون در تهران هیچکس نیست که بتواند در باره فراماسونی بین سال‌های ۱۸۰۰ ـ تا ۱۹۲۰ ـ اطلاعات و دانستنی‌هائی داشته باشد. تنها اطلاع این است که لژهائی از فرانسه و سوریه و غیره درکشورشما تشکیلاتی داشته‌اند .

ارادتمند شما ـ الکس ـ ح . جوبان . دبیر کل

Ismail Raeen, was attacked by the vigilant Hizbollah and was killed on site.

نویسنده کتاب زنده یاد اسماعیل رائین مورد حمله حزب الله قرار گرفت و در جا کشته شد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



آرم لژ تهران

فصل بیست و هفتم

لژهای انگلیسی

تابع
قانون اساسی اسکاتلند

در ایران

(۱)
لژ تهران


برچم لژ تهران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مجازات آنان برکناری از سیاست و خانه نشینی بود . ولی این بار انگلیسها ، اینگونه افراد راگرفتارمقررات سخت ووحشتناك فراماسونری وتهدیدبه مجازات قتل و نابودی خود و خاندانشان می‌نماید . بدین سبب رهائی‌ازدام سازمان مخوف فراماسونری‌را برای فراماسون‌ایرانی غیرممکن ویالااقل بسیار دشوار می‌سازد .

انگلیسی‌های‌فرصت طلب‌برای اینکه پایه‌های محکمی‌رابرای‌فراماسونری در ایران بنیان نهند ، چند تن از عوامل و اتباع طرف اعتماد و شایسته خود را که در لژ روشنائی در ایران فعالیت داشتند ، مأمور لژهای فارسی زبانان کردند. که از جمله کلنل استراکر ــ کریستوافراسحق فری ــ اوانس‌اوانسف‌ـ چنایات ــ الیاس دبی و غیره را می‌توان نامبرد .

درسال ۱۳۳۳ ــ ش (۱۹۵٤ــ م)لژروشنائی درایران‌هفت نفرازفراماسونهای عضو لژ همایون را بشرح زیر انتخاب و به لژ فیحای بصره معرفی کرد :

مهندس حسین شقاقی ــ سلیمان بهبودی ــ مهندس فروغی ــ دکترکیان ــ دکتر خشایار ــ مهندس ناصر بهبودی ــ نصراللّه‌آذری

این هفت نفر با معرفی و ضمانت شیخ احمد خزعلی که از خاندان شیخ خزعل است و با مهندس حسین شقاقی خویشاوندی سببی دارد ، به عضویت لژ فیحا در آمدند . اینان پس از گرفتن مقام‌هائی که بوسیله آن بتوانند در ایران لژ تشکیل دهند ، به تهران باز گشتند . منتهی سازمان فراماسونری اسکاتلند که مقید به اجرای همه اصول و آداب و رسوم‌و تشریفات ماسونی است، برای اینکه تعلیم یافتگان در کارها و عملیات آینده دچار اشتباه نشوند ، سه سال آنها را در لژروشنائی پذیرفته و تحت تعلیم قرارداد . دراین مدت اینان، هم‌درجات بالاتری را احراز کردند و هم به رموز و تعالیم و دستورات سری و علنی آگاه شدند .

پس از اینکه این‌هفت نفر مورد اعتماد و اطمینان کامل انگلیسها و مرکز لژ در ادنبورك واقع شدند ، تقاضای تشکیل لژ فارسی زبان را بنام «تهران» و به شماره «۱۵٤۱» کردند . این لژکه تابعیت انگلیسی دارد ، ابتدا عبودیت و برتری وسروری لژهای‌انگلیسی‌را قبول‌کرد، سپس‌فرمان‌تشکیل‌لژبنام‌آنهاصادرکردید .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

منشورو فرمان تأسیس این لژدرروز۱٦ آبان ۱۳۳٦ - (۷ نوامبر۱۹۵۷-م) بنام چهارده عضو لژ روشنائی و سایر لژها که افراد زیر بودند ، صادر گردید :

۱ - برادر مهندس حسین شقاقی .

۲ - برادر دکتر غلامرضا کیان .

۳ - برادر شیخ احمد فیصل خزعلی .

٤ - برادر مهندس ابدال بختیار .

٥ - برادر دکتر محمد حسابی .

٦ - برادر دکتر علی اصغر خشایار .

۷ - برادر مهندس عبدالرسول میرعبدالباقی .

۸ - برادر مهندس ناصر بهبودی .

۹ - برادر مهندس فروغی .

۱۰ - برادر مهندس عباس محمدی .

۱۱ - برادر مهندس کیقباد ظفر .

۱۲ - برادر حسن اسکندری .

۱۳ - برادر دکتر عبدالحسین راجی .

۱٤ - برادر نصراله آذری .

مؤسسین لژ مذکور ، پس از انجام تشریفات عادی «لژ تهران» را در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ - (۹ می ۱۹۵۸ - م) درتهران تأسیس ورسمیت آنرا به همه سازمان‌های فراماسونری جهان اعلام داشتند .

برای تأسیس لژ مذکور دو شخصیت مهم گراند لژ اسکاتلند به نام‌های :

۱ - دکتر الکساندر فیرلی بوخان Alexander. F. Buchan که عنوان عالی ماسونی «حضرت دبیر ارجمند اعظم» Right Worshipful grand Secretory را دارد .

۲- ماکنیل‌واتسون D. Macneill Watson که‌دارای‌عنوان‌حضرت خزانه-

ـدار ارجمنداعظم Rightworshipful Grand Trasurer است، بتهران آمدندکه در حضور آنها و همه استادان فراماسونی حاضر در تهران لژ مذکور را رسمیت و تشکیل دهند.

همان روزیکه «لژ تهران» باصطلاح فراماسونها «تقدیس» یافت، فراماسونهای زیر به عنوان «اولین افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ ـ ق. اس» به مرکز لژ در انگلستان معرفی شدند:

افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ ق. اس

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	برادر مهندس حسین شقاقی
۲ ـ قائم مقام استاد	» دکتر غلامرضا کیان
۳ ـ معاون استاد	» ابدال بختیار
٤ ـ سرپرست اول	» دکتر محمد حسابی
٥ ـ سرپرست دوم	» دکتر علی اصغر خشایار
٦ ـ دبیر	» مهندس عبدالرسول میرعبدالباقی
۷ ـ خزانه دار	» سلیمان بهبودی
۸ ـ امین خیریه	» مهندس محسن فروغی
۹ ـ خطیب	» مهندس عباس محمدی
۱۰ ـ رهنمای اول	» مهندس قباد ظفر
۱۱ ـ رهنمای دوم	» مهندس ناصر بهبودی
۱۲ ـ مدیر تشریفات	» سرلشکر اسماعیل شفائی
۱۳ ـ زیور دار	» نصراله آذری
١٤ ـ کتاب بر	» رضا مشیری
١٥ ـ نگهبان داخلی	» حسن اسکندری
١٦ ـ نگهبان خارجی	» دکتر عبدالحسین راجی
۱۷ ـ کارپرداز	» محمود فرمند

پنج ماه بعد ، دومین انتخابات «افـرن لژتهران» بدین شرح صورت‌گرفت :

دوره اجلاسیه سال ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸

و نتیجه انتخابات روز۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

۱ - حضرت استاد ارجمند	دکتر محمد حسابی
۲ - رئیس محترم قبلی	مهندس حسین شقاقی
۳ - قائمقام استاد	دکتر غلامرضا کیان
٤ - معاون استاد	ابدال بختیار
٥ - سرپرست ارجمند دوم	دکتر علی اصغر خشایار
٦ - سرپرست ارجمند دوم	مهندس قباد ظفر
۷ - دبیر	مهندس میرعبدالباقی
۸ - خزانه دار	محمود فرمند
۹ - کمك خزانه دار	مهندس علی اصغر بختیار
۱۰ - امین خیریه	مهندس محسن فروغی
۱۱ - خطیب	سلیمان بهبودی
۱۲ - راهنمای اول	مهندس ناصر بهبودی
۱۳ - راهنمای دوم	حسن اسکندری
۱٤ - تشریفات	سرلشکر اسماعیل شفائی
۱۵ - زیور دار	هادی مصدقی
۱٦ - کتاب بر	مهندس عباس محمدی (تاد)
۱۷ - نگهبان داخلی	حسن اسکندری - محمودفرمند- فضل‌الله مقدم
۱۸ - نگهبان خارجی	سرهنگ فضل‌الله مقدم
۱۹ - بازرسان حساب	سی - ای - قری - اف - اس - دورابجی

گزارش افتتاح لژ تهران

همانطوریکه گفته شد، هنگام افتتاح «لژ تهران» دو نماینده عالیقدر از طرف «فراماسون اعظم اسکاتلند» بتهران آمدند. اعزام این دو نماینده، درجه اهمیت افتتاح لژ فارسی زبان را در ایران ثابت می‌کند. پس از خاتمه تشریفات افتتاح لژ و انتخاب اولین دوره کارگردانان لژ تهران، دکتر بوخان و ماکنیل واتسون به انگلستان برگشتند، تا گزارش کارهای انجام شده را به استاد اعظم بدهند. چندی بعد، ماکنیل واتسون گزارش عادی و غیرمحرمانه افتتاح لژ را درسالنامه گراند لژ اسکاتلند، منتشر کرد. توجه به سطور این گزارش بسیاری از مسائل مهم و مبهم را روشن می‌کند. در این گزارش واتسون نقش پسر شیخ خزعل و تأثیری که لژ (فیحا)ی بصره در تشکیل لژ تهران داشته، بخوبی آشکار و روشن شده است. دقت در کلمات ـ واتسون این نکته را روشن می‌کند که لژ فراماسونی فرانسه گراند لژ ناسیونال دفرانس درجهان و ایران با لژ اسکاتلند هردو دارای اشتراك منافع بوده ودرصورتیکه لازم باشد ازهمکاری با یکدیگردریغ نخواهند ورزید.

مقاله واتسون نکات تاریك دیگری را هم روشن می‌کندکه خواننده از لابلای سطور آن می‌تواند پی به حقایقی ببرد. این نکته را هم بایستی تذکر داد که از سال ۱۹۵۲ که گراند لژاسکاتلند، همه ساله سالنامه منتشرمی‌کند[1]، این نخستین گزارشی استکه درباره فعالیت فراماسونی درایران درسالنامه این لژ نقل می‌شود. اینك ترجمه متن کامل گزارش (برادرقابل پرستش) تحت عنوان «سفر به ایران»:

وقتی که فراماسون اعظم بمن افتخار داد، به همراه دبیرکل برای تأسیس و تقدیس لژ تهران شماره ۱۵۴۱ به دعوت برادران فراماسون و بعنوان میهمان

۱ ـ گراند لژ اسکاتلند از سال ۱۹۵۲ ـ سالنامه‌ای منتشرمی‌کند که درآن مشخصات لژهای تابعه درسرتاسرجهان وهمچنین اطلاعات دیگرچاپ و منعکس می‌شود. گزارش افتتاح لژ تهران در سالنامه سال ۱۹۵۹ درج شده است.

اداره کنندگان لژ به ایران سفر کنم ، احساس کردم که این مسافرت بسیارجالب توجه خواهد بود .

در آنوقت من اطلاعی از اوضاع ایران و عراق نداشتم لذا این سفر را با چشم و گوش باز آغاز نمودم . در اندك مدتی دریافتم که لژ بزرگ اسکاتلند در ایران دارای یك لژ بسیار فعال و قدیمی است که تحت عنوان و نام (روشنائی در ایران شماره ۱۱۹۱) خوانده میشود . و در عرض سال گذشته برای اولین بار این لـژ به عنوان سرپرست ناحیه‌ای این قسمت از خاورمیانه تعیین شده است که لژهای ما را در ایران ، عراق و بحرین سرپرستی می‌کند . اعضای لژروشنائی درایران را بیشتراتباع انگلیسی ، تشکیل می‌دهند و چند نفرامریکائی و ایرانی و ملیت‌های دیگر نیز در آن عضویت دارند .

سه وياچهارسال‌پیش عده‌ای ایرانی‌تصمیم‌گرفتندکه به عضویت‌فراماسونری درآیند ، وبالاخره موفق شدند ، اجازه تأسیس لژی را درتهران بگیرند . اینها از آن دسته برادران ماسونی هستند که توانستند با قبول طریقت اسکاتلندی و تبعیت از اساسنامه گراند لژ اسکاتلندی ، لـژ جدیدی برای خود تأسیس کنند . این برادران فراماسون ازما [گراند لژ اسکاتلند] خواستند تا اقدام به افتتاح و تقدیس لژآنها کنیم . ما آنها را فراماسونهائی بسیارعلاقمند دریافتیم‌که به خوبی متوجه اهمیت کاری کـه می‌خواهند بکنند ، هستند . ولی با اینکه سه سال است آنهاتقاضای منشورتأسیس لژکرده‌اند، معذلك مادام که همه‌نکات را نیاموخته‌اند، نمی‌توانند به افتخار دریافت منشور (تأسیس لژ) نائل آیند .

آنها درطی‌مدتیکه انتظاردریافت منشوررا می‌کشیدند ، بطوردائم معلومات فراماسونری خود را توسعه داده و شعائر ماسونیك (فراماسون بودن) و همچنین اداره لـژ را بخوبی فرا گرفته‌اند . برادران ما در اینمدت شعائر ما را به زبان

فارسی، یعنی زبانی که لژ با آن فعالیت خواهد کرد، ترجمه کرده‌اند.[1] [منظور نویسنده ترجمه ریتول‌هاست]

برادر لینویل د-استراکر[2] سرپرست ناحیه و بسیاری از برادران لژ روشنائی در ایران - شماره ۱۱۹۱- بخصوص برادر کریستوفر فری استاد اعظم و همچنین برادر اف - اس - دورابجی[3] استاد اعظم دیگر در تهیهٔ مقدمات و تدارکات تشکیل لژ تهران کمکهای شایانی نموده‌اند.

هنگام ورود به تهران ما بااستقبال شایانی روبرو شدیم و خود را در یک محیط سرمست‌کننده یافتیم که آکنده از برادری و دوستی و محبت بود.

ما را به محفل و معبد جدید لژ طهران راهنمایی کردند و این لژ را بسیار عالی یافتم. این لژ در محلی که سابقاً خانه مسکونی بود، تأسیس شده و حقیقتاً لژی امیدوارکننده بود.[4]

ما این لژ جدید را تحت ریاست برادر ا. ح. [مهندس حسین] شقاقی و کمک برادران لژ روشنائی در ایران ۱۱۹۱ و کمکهای بی‌شائبه برادر شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژ فیحا شماره ۱۳۱۱ که در بصره واقع در عراق تشکیل می‌شود، افتتاح وتقدیس نمودیم.

برادر خزعلی به عنوان ستون قدرتی برای برادران لژ تهران در کمک به

۱- درسال ۱۳۳۹ لژ تهران تعداد زیادی ترجمه فارسی ریتول‌ها را از لندن وارد تهران کرد. این اسناد که بنام مهندس میرعبدالباقی بود، در گمرک ضبط شده و سازمانهای انتظامی اجازه خروج آنها را از گمرک ندادند. ولی تلفن یکی از متنفذین که طبق اظهار میرعبدالباقی عضو شرکت ملی نفت (مرحوم حسین علاء بوده‌است) گمرک امانات پستی اوراق ماسونی را به عنوان رساله خاتمه تحصیلی مهندس میرعبدالباقی شناخته و اجازه ترخیص آنها را می‌دهد.

۲- L. D. Straker سالها رئیس شرکت اینچ درایران بوده. او در سال ۱۳۳۸ - از ایران رفت و تغییر مأموریت یافت. ولی باز دیگر برای سرپرستی لژهای ناحیه ایران در سال ۱۳٤۰ - بتهران بازگشت و مدتی در آبادان - اهواز و شیراز بود.

۳- دورابجی تبعه هند است که شرح حال او خواهد آمد.

٤- اولین محل جدید لژ طهران، خیابان شاهرضا کوچه ثنائی بود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فعالیت آنها بوده‌است. لژ جدید خوشبختانه دارای دبیری فعال و پرکار چون برادر ا. ا. میرباقی [مهندس میرعبدالباقی] نیز می‌باشد که در ایران بهر کجا که رفتیم ما را راهنمائی و همراهی کرد.

شب بعد، ما دیدار کوتاه یکساعت و نیمی از لژ مولوی شماره ۴۹ نمودیم که نسبتاً لژ جدیدی است که تحت نظر لژ بزرگ ناسیونال ملی فرانسه تأسیس شده. در اینجا ما با استقبال بسیار دوستانه و برادرانه‌ای روبرو شدیم و بقیه این شب را در لژ روشنائی ایران شماره ۱۱۹۱ گذراندیم.

در اینجا ما گزارش دست اولی را از طرف استاد اعظم لژ استماع نمودیم و دریافتیم که نحوه کار حقیقتاً عالی است. روز بعد ما با پرواز ۵۰۰ میل به شیراز رفتیم. در اینجا یکدسته فراماسونر از ما پذیرائی کردند در حالیکه تا بحال در شیراز لژ تأسیس نشده است. در طی اقامت خود از آثار کاخ تخت جمشید بازدید کردیم و شب هنگام افتخار صرف شام را بطور غیر رسمی در حضور یکی از نخست وزیران و دوتن از وزرای وی که یکی از آنها خدمتگذار اداری لژ تهران[۱] می‌باشد کسب کردیم.

در خاتمه نیز باردیگر با احساساتی مسرورکننده و صمیمی و علاقه واقعی بداین حرفه مخصوص «طریقه اسکاتلندی» در ایران روبرو و مواجه شدیم.

در اصفهان و بصره روز بعد ما باطی مسافت سیصد میل‌راه با اتومبیل به‌اصفهان سفر کردیم. در اصفهان نیز ما دسته‌ای از فراماسون‌ها را ملاقات کردیم و از آنجا با پرواز چهارصد میل عازم آبادان شدیم. در آبادان یکی از رؤسای شرکت نفت ضیافت ناهاری بافتخار ما ترتیب داد، سپس ازمرز گذشته به‌بصره واقع درخاك عراق وارد شدیم.

در بصره عده زیادی از افراد لژ (فیحا) شماره ۱۳۱۱ در سرحد از ما استقبال کردند.

۱ـ دکتر غلامرضا کیان معاون نخست وزیر وقت.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شامگاهان ما در جلسه لژ شرکت کردیم ، در حالیکه برادر شیخ خزعلی روی صندلی مخصوص قرارداشت، مراسمی بسیارعالی به‌زبان عربی‌انجام پذیرفت.

روز بعد ما از بغداد به‌سوی اسکاتلند پروازکردیم .

در خاتمه و بطور خلاصه من‌عقیده دارم که فراماسونری هم‌اکنون‌درایران برپایه‌ای مستحکم استوار است . این پایه می‌تواند منشاء توسعه خوبی گردد . گواینکه فراماسونری ایران هم‌اکنون وچك می‌باشد .»

اولین استاد اعظم انگلیسی درایران

در روزهائیکه دکتر بوخان و ماکنیل واتسون در تهران بودند ، نخستین استاد اعظم ایرانی (مهندس حسین‌شقاقی) انتخاب شد . در مراسم تنصیبوی، تشریفات مخصوصی‌انجام گردیدکه عیناً از رساله‌ای‌که بزبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته شده نقل‌می‌کنیم .این نخستین باری است‌که در نشریات فارسی ویا احتمالا در جهان ، اسناد محرمانه و کاملا سری فراماسنها منتشر می‌گردد :



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لژ تهران ۱۵٤۱

تابع

قانون اساسی اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ اعظم اسکاتلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تأسیس و تقدیس

لژ تهران

شماره ۱۵٤۱

در محل لژ

در تاریخ دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

و

تنصیب

برادر حسین شقاقی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتر الکساندر فیرلی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

و

برادر د. ماکنیل واتسون

حضرت خزانه‌دار ارجمند اعظم

افسران تقدیس کننده لژ اعظم اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

افسر تقدیس کننده و استاد تنصیب کننده

برادر الکساندر فیرلی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

(با معاونت)

(برادر د. ماکنیل واتسون)

حضرت خزانه‌دار ارجمند اعظم

سرپرست اول تنصیب‌کننده   برادر ل. د. استریکر حضرت ناظر ارجمند
بخیه و ناظم اعظم ارجمند افتخاری

سرپرست دوم تنصیب‌کننده   برادر. ف. س. دورابجی رهنمای اعظم دوم
بسیار ارجمند افتخاری

خطیب تنصیب‌کننده   برادر. د. ماکنیل واتسون خزانه دار
اعظم ارجمند

رئیس تشریفات تنصیب‌کننده   برادر. د. ماکنیل واتسون خزانه‌دار
اعظم ارجمند

شمشیردار تنصیب‌کننده   برادر ث. ی. فیری   رهنمای اعظم دوم بسیار
ارجمند افتخاری

نگهبان داخلی تنصیب‌کننده   برادر ارفع‌السلطنه‌کتاب براعظم افتخاری

کارپرداز تنصیب‌کننده   برادر شیخ‌احمد خزعلی رهنمای اعظم بسیار
ارجمند افتخاری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برنامه

۱- برادران در طالار مجتمع شده می‌ایستند.

۲- هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکاتلند بدسته منظم داخل لژ می‌شوند.

۳- لژ بنایان آزاد:

در درجه اول افتتاح می‌شود.

بدرجه دوم برده می‌شود.

بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد.

٤- خطیب تنصیب‌کننده دعا می‌خواند.

۵- برادران سرود تقدیس را می‌سرایند.

سرود تقدیس

آهنگ ملکمب

ای تونی که از قدرت آفرینندگیت
جهان در آغاز به‌نظم در آمد
و از راههای روشن خرد
انسان ها را براه برادری هدایت کردی
ما برتو درود می‌فرستیم برای انگیز[illegible]

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

Consecration Hymn
Tune Melcombe.

Oh Thou by whose creative might
The world at first in order stood,
And who in wisdom's ways of light
Hast led men on to brotherhood,
We bless Thee for the impulse true
The motive pure the purpose high,
That first possessed a faithful few
In concord's bond to live and die.
Let masonry thus born on earth
Lead every virtue in its train,
And gather men of sense and worth
To projects wise from pursuits vain.
Bless now, we pray thee, God of Grace,
This Lodge, we consecrate to Thee,
And may the brightness of The face
Shine on our whole fraternity.

- 6 -

برای انگیزه پاك برای قصد والا
که در ابتدا فقط به دل وفادارانی چند
که میثاق یکرنگی برای زیستن و مرگ بسته بودند ، راه یافت
بگذار ماسونری که بدینسان بر زمین‌زاده شده
همه صفات نیك را به دنبال داشته باشد
و مردان هوشمند و با ارزش را
گردکارهای خردمندانه جمع کند و از امور غرورآمیز بازدارد
ای خدای عنایت ، ما به درگاهت دعا می‌کنیم
که این لژ را به نام تو تبرك می‌کنیم
مشمول رحمت خود سازی
و نور سیمای تو بر تمامی جامعه اخوت ما بتابد

۶ـ خطیب تنصیب‌کننده مزمور ۱۲۳ را قرائت می‌نماید .

سرود از داوود

آیه -۱- اینک چه خوش وچه دلپسند است.که برادران بیکدلی باهمساکن‌شوندن
آیه -۲- مثل روغن نیکوبر است.که بریش فرود می‌آید . یعنی بریش‌هارونن
آیه -۳- که بدامن ردایش فرود می‌آید ن
و مثل شبنم حرمون است . که بر کوههای صهیون فرود می‌آید . زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است . یعنی حیات را تا ابدآلابادن[1]

۷- دبیر اعظم برای برادران خطبه ایراد می‌کنند .

۸- افسران تنصیب‌کننده لژ اعظم ناحیه منظم دور لژ می‌گردند و در این هنگام بخش اول مزمور سرائیده می‌شود .

افسران مزمور در شرق توقف کرده حضرت دبیر اعظم ارجمند بذرافشانی می‌نمایند .

مزمور بخش ۱

آهنگ کریموند

Psalm 23, Verse I.

Tune Crimond

The Lord's my Shepherd, I'll not not want
He makes me down to lie.
In pastures green; He leadeth me
The quiet waters by.

آیه -۱ تا۳- خداوند شبان من است . محتاج هیچ چیز نخواهم‌بود. در مرتعهای سبز مرا می‌خواباند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند .[2]

۹- دسته افسران مزمور دور لژ می‌گردند و در این هنگام بخش دوم مزمور ۲۳ سرائیده می‌شود و سپس دسته افسران در غرب توقف کرده و حضرت دبیر اعظم ارجمند شراب می‌ریزد .

۱- کتاب مقدس - کتاب مزامیر یعنی زبور داود (از توراة) ص ۹۳۶
۲- مزمور ۲۳ آیه‌های یك تاسه از توراة به نقل از کتاب مقدس ص ۸٤٥

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مزمور۲۳ - بخش۲

Psalm 23. Verse 2.

My Soul he doth restore again;
And me to walk doth make
Within the paths of righteousness.
Ee'n for his own name's sake.

آیه -۳- جان مرا برمی‌گرداند.
و بخاطر نام خود براه‌های عدالت
هدایت می‌نماید

۱۰- دسته مزمور برای بار سوم دور لژ می‌گردند و در این حال بخش‌سوم مزمور سرائیده می‌شود ، دسته در جنوب توقف‌کرده و حضرت دبیر اعظم‌ارجمند روغن می‌ریزد .

مزمور ۲۳ - بخش۳

Psalm 23. Verse 3.

Yea, though I walk in death's dark vale
Yet will I fear none ill:
For Thou art with me; and thy rod
And staff me comfort still.
7

آیه - ۴ - چون در وادی سایهٔ
موت نیز راه روم . از بدی نخواهم
ترسید زیرا تو با من هستی . عصا و
چوب دستی تو مرا تسلی خواهدداد

۱۱- دبیر اعظم و افسران اعظم بمقرهای خود باز می‌گردند .

۱۲- دبیر اعظم فرمانیکه به‌عنوان لژ تهران شماره ۱۵٤۱ صادر شده است قرائت می‌نمایند .

۱۳-خزانه‌داراعظم به مدیر تشریفات‌دستورمی‌دهد تأسیس لژرا اعلام‌نماید.

۱٤- خطیب تنصیب‌کننده خطبه برکت را ایراد می‌نماید .

۱۵- مدیرتشریفات افسران تعیین شده از تهران را دعوت می‌نمایدکه‌دور لژ گشته و بوسیله دادن سلام استادی به‌حضرت دبیر اعظم نسبت به لژ اعظم ادای احترام نمایند .

۱٦- خطیب تنصیب‌کننده دعا می‌خواند

۱- از کتاب مقدس - توراة کتاب مزامیر بخش ۲۳ ص ۸٤۵

۱۷- حضرت دبیر اعظم ارجمند می‌گوید « در عرش اعلا تجلیل برای ایزد متعال »

برادران در پاسخ می‌گویند « و در روی زمین صلح و سعادت برای بشر »

۱۸ - مزمور ۷۲ سرائیده می‌شود .

مزمور ۷۲-آهنگ دانفرملاین

Psalim 72 - Tune Dunfermline

How blessed be the Lord our God
The God of Israel,
For He alone doth wondrous works,
In glory that excel.
And blessed be His glorious name to all
Eternity:
The whole earth let his glory fill.
Amen, so let it be.

آیه ۱۸-متبارک باد یهوه خدا که خدای اسرائیل، کارهای عجیب می‌کند
آیه ۹- و متبارک باد نام مجید او تا ابدالاباد . و تمامی زمین از جلال او پر بشود . آمین و آمین[۱]

۱۹ - لژ بنحوه مقرر و باستانی بسته می‌شود .

مراسم تنصیب

۲۰ - لژ تهران شماره ۱۵۴۱ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲۱ - مدیر تشریفات برادر حسین شقاقی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید.

۲۲ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده ایراد می‌نماید .

۲۳ - مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید .

۲۴ - حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده مراسم یادکردن سوگند وفاداری را اداره می‌نمایند .

۲۵ - انجام مراسم سرود .

۱- ترجمه کتاب مقدس تورات ص ۸۸۵

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سفر اعداد[1]

آیه ۲۴- یهوه ترا برکت دهد و ترا محافظت نماید
آیه ۲۵- یهوه روی خود را بر تو تابان سازد و بر تو رحمت کند
آیه ۲۶- یهوه روی خود را بر تو برافرازد و ترا سلامتی بخشد
آیه ۲۷- و نام مرا بر بنی‌اسرائیل بگذارند و من ایشان را برکت خواهم داد

The Lord bless thee and keep thee:
The Lord make his face to shine upon thee
And be gracious unto thee.
The Lord lift up his countenance
Upon thee and give thee peace.

۲۶ ـ کارآموزان از لژ خارج می‌شوند. لژ بدرجه دوم برده می‌شود.

۲۷ ـ کاریاران ازلژ خارج می‌شوند. لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد.

۲۸ ـ استاد بنایان ازلژخارج می‌شوند. هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد.

۲۹ ـ تنصیب

۳۰ ـ لژدردرجه سوم ادامه داده می‌شود ـ استاد بنایان بداخل لژپذیرفته می‌شوند.

۳۱ ـ بحضرت استاد ارجمند ازشرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود.

۳۲ـ لژبدرجه دوم‌تنزل‌داده‌می‌شود وکاریاران‌به‌داخل‌لژپذیرفته‌می‌گردند.

۳۳ـ به‌حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزارکار یاری‌به او ارائه می‌گردد.

۳۴ـ لژ به‌درجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان به داخل لژ پذیرفته می‌گردند.

۱ـ توراة ـ سفر اعداد باب ششم ترجمه کتاب مقدس ص ۲۱۴

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۳۵ – به حضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کار آموزی باو ارائه داده می‌شود .

۳۶ – فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی باستاد لـژ ارائه می‌شود .

۳۷ – سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نماید و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۳۸ – حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطبه‌هایی ایراد می‌نماید .

برای . حضرت استاد ارجمند

سرپرستان ارجمند

برادران

۳۹ – برادران مزمور صدم را می‌سرایند – (آهنگ صدم قدیم) .

All people that on earth dwell
Sing to the Lord with cheerful voice
Him serve with mirth, his praise Forthtell
Come ye before Him and rejoice.
Know that the Lord is God indeed,
Without our aid he did us make
We are his flock, He doth us feed,
And for His sheep He doth us take.

آیه ۱ و ۲– ای تمامی روی زمین . خداوند را آواز شادمانی دهید۞ خداوند را با شادی عبادت نمائید و بحضور او با ترنم بیائید۞

آیه ۳– بدانید که یهوه خداست او ما را آفرید . ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او۞

آیه ۴– بدروازه‌های او با حمد بیائید . و بصحن‌های او با تسبیح . او را حمد گوئید و نام او را متبارک خوانید۞

آیه ۵– زیرا که خداوند نیکو است و رحمت ابدی . و رحمت وی تا ابد الاباد ۱

۴۰ – خواندن دعا بوسیله خطیب .

۴۱ – حضرت دبیر اعظم ارجمند لوحه را که علامت قدرت است از طرف او

۱– از کتاب مقدس – توراة – مزمور صدم ص ۹۰۲

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعظم به حضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۴۲ – حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد .

۴۳ – اعطای عصای مدیر تشریفات برادر د. ماکنیل خزانه‌دار ارجمند اعظم.

۴۴ – برادر شفافی مدیر ارجمند تشریفات جواب می‌دهد.

۴۵ – حضرت استاد ارجمند دیپلم‌ها و نشانهای مؤسسین و نشانه‌های لیاقت را اعطا می‌نماید .

۴۶ – هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکاتلند بدسته منظم از لژ خارج می‌شوند.

۴۷ – لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

۴۸- سرود اختتام - آهنگ الرس

پدر بار دیگر به نام تو یکصدا
سرود پرستایش بدرود خود را می‌سرائیم
می‌ایستیم تا پیش از پایان نیایش
درود خود را بر تو نثار کنیم
سپس از سر تواضع زانو زنان در انتظار کلام آشتی تو می‌مانیم
خداوندگارا روشنی خود را در این
شبی که در راه است بما عنایت فرما
و تاریکی آنرا بروی ما بروشنی مبدل ساز
اطفال خود را از گزند و خطر فارغ نگاهدار
چون تاریکی و روشنی هردو برای تو یکسانند .

Closing Ode - Tune Ellers

Father again to Thy dear name We raise
With one accord our parting hymn of praise
We stand to bless Thee ee'r our worship cease
Then lowly kneeling wait Thy word of peace
Grant us Thy peace Lord through the coming night
Turn Thou for us it's dakness into light
From harm and danger keep Thy children free
For dark and light are both alike to Thee.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



Dr. Alexander F . Buchan
M . B . E و SC و F . PH . D
دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلندکه نخستین لژ
فارسی‌زبان‌را درایران افتتاح‌کرد



D. macneill watson

ماکنیل واتسون خزانه‌دار اعظم گراندلژ اسکاتلندکه اولین گزارش افتتاح لژتهران را درسالنامه محرمانه لژ منتشر کرد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



L. D . Straker

ل. د . استراکر، رئیس شرکت لینچ درایران و استاد اعظم فراماسونری درحالیکه کوبه استادی رابدست راست دارد . پشت سراو پرچم لژروشنائی در ایران آویزان است . او ۲۰ سال برفراماسونهای ایرانی ریاست وسروری داشته وهنوز هم دارد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژفیحا در بصره که هفت ایرانی را درلژ فیحا فراماسون کرده وآنهارا مأمورتشکیل لژفارسی زبان درتهران کرد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



مهندس حسین شفائی نخستین استاداعظم لژاسکاتلند درایران ومؤسس لژتهران،
او مورد احترام بسیاری از هموطنان غیرفراماسون می‌باشد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

المحفل الاكبر المثالي العالمي

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS

دیپلم فراماسونری از همایون مهندس شقاقی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سرودهای رسمی فراماسونری «گوسفندان یهوه»

اکنون که برای نخستین بار، با سرودهای رسمی فراماسونری که در مراسم افتتاح لژها و سایر تشریفات مخصوص، همراه با موزیك خوانده می‌شود، آشنا شدید، وملاحظه فرمودید کـه چگونه این سرودها، عیناً از «تورات» ـ کتاب مذهبی یهودیان ـ اقتباس شده است، و ما نیز بمنظور حفظ امانت در ترجمه و مستند بودن مطالب کتاب، متن این سرودها را از ترجمه فارسی و رسمی مزامیر داوود، از «کتاب مقدس» ـ انتشارات دارالسلطنه لندن ـ نقل کردیم، بد نیست از نکته بسیار جالبی نیز، کـه در جریان ترجمه و نقل این سرودها، بر نگارنده فاش شد، آگاه شوید.

از هنگامی که «لژتهران» در پایتخت ما تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز کرد، تا به امروز دهها رساله درباره «افتتاح لژها»، «تنصیب مقام استادی» و سایر مراسم تشریفات بطور محرمانه از طرف لژها تدوین و طبع و بین فراماسونهای ایرانی توزیع شده است. نکته حیرت انگیزی که درهمه این رسالات وانتشارات بچشم می‌خورد، این بود که فراماسونها با وجود ابداع واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص، برای ترجمه و برگردان کلیه مطالب خود بزبان فارسی، همه جا از ترجمه فارسی سرودهای فراماسونری وقسم‌نامه‌های توأم با موزیك طفره رفته و از نقل ترجمه سرودها خودداری کرده‌اند.

البته این مطلب در آغاز زیاد غیر عادی بنظر نمی‌رسد، چرا کـه بسیاری از سرودها و ادعیه و اوراد، در میان فرق و مذاهب و آئین‌های مختلف، اززمان پیدایش بزبانهای سانسکریت، عبری، عربی و بطور کلی بصورت اولیه و بازبان اصلی آن فرقه و آئین باقیمانده و بعدها نیز، طی قرون و اعصار، پیروان آن مذاهب و فرق، ترجیح داده‌اند که ادعیه و اوراد و یا سرودهای رسمی خود را با همان زبانهای اولیه بیاموزند و بکار برند. چنانکه درمورد دین حنیف اسلام نیز، ایرانیان که پیرو این آئین مقدس وشریف هستند، نمازو بسیاری از آداب و مراسم مذهبی

دیگر خود را ، با زبان اولیه آن ، یعنی عربی کـه زبان کلام‌الله مجید و پیامبر بزرگ اسلام است ، برگزار می‌کنند ، نه با زبان فارسی . . .

طبعاً با این منطق خودداری فراماسونها از ترجمه متن سرودهای رسمی و قسم‌نامه‌ها ، غیرعادی بنظر نمی‌رسد ، اما چون همه جا ، در متن همین رسالات که بزبان انگلیسی منتشر شده ، عین سرودهای آئین گشایش ، تنصیب مقام استادی وقسم نامه‌ها نقل و منعکس شده بود ، حس کنجکاوی نگارنده تحریك شد ، زیرا چنانکه گفتیم فراماسونها نه تنها همه رسالات و مراسم و آئین خود را به فارسی تـرجمه می‌کنند ، بلکه در اغلب موارد ، لغات و اصطلاحات واژه‌های خاصی نیز برای بیان مقاصدخود ابداع‌کرده‌اندکه نمونه‌هائی از آن درهمین‌کتاب آمده‌است.

با توجه به این مقدمات ، و آگاهی براین امرکه هیچیك از اقدامات لژها بدون علت و انگیزه نمی‌تواند باشد ، برای ترجمه دقیق متن سرودهای رسمی و قسم نامه‌ها اقدام‌شد. و درجریان همین کاربعلت خودداری وطفره رفتن از ترجمه سرودها آگاهی یافتیم .

توضیح اینکه هنگام ترجمه قسمتی ازسرودها و آنچه‌که همراه با موزیك اجرا می‌شود جملات وکلمه‌ها آشنابنظرمی‌رسد، وآمدن‌اسامی خاصی چون «یهوه» و تأکید برپرستش او . نگارنده را باصل و منبع این سرودها رهنمون شد . بااین راهنمائی متن انگلیسی تورات را گشودیم و در اینجا بود کـه بعلت خودداری فراماسونها از ترجمه سرودها پی‌بردیم، زیرا این‌سرودها جزمزامیر داوودکه از کتاب مقدس نقل شده بود چیز دیگری نبود وطبعاً کسانی‌که قصد داشتند پیروان همه مذاهب ، از جمله گروهی از مسلمانان ساده‌دل را ، زیر عنوان « برادری » بهمکاری باخود بخوانند ، چگونه امکان داشت علناً آنها را وادار سازند که بنام سرود رسمی « یهوه» را بپرستند و خودرا «گوسفندان او» بخوانند ؟

با وقوف براین حقیقت هنگام نقل رساله تشریفات نخستین استاد اعظم ترجمه آیات تورات را از «کتاب مقدس» ـ چاپ لندن ، ۱۹٥٤ـ با ذکر صفحات و

سطور آن بیان کردیم و اینک برای اینکه بدانیم فراماسنها ، در لژهای خود چه سوگندهائی یاد می‌کنند و چگونه پیروان همه مذاهب را به پرستش « یهوه » ـ خدای اسرائیل ـ وامی‌دارند ، یکبار دیگر قسمتی از آیات توراة ـ «مزمور صدم» را نقل می‌کنیم و سپس توضیحاتی درباره سرودهای فراماسونها می‌دهیم :

« ای تمامی روی زمین * خداوند را باشادی عبادت نمائید * »
« و بحضور او باترنم بیائید * بدانید که یهوه خداست . او ما را آفرید * »
« ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او ○ »

بطوریکه قبلا گفته شد ، در آئین تشکیل و گشایش لژهای فراماسونری و برقراری سمت استادی ، سرودهای مخصوصی همراه با موزیك خوانده می‌شود و شرکت‌کنندگان اعم از مسلمان یا مسیحی ـ مسلمانان عادی یاپیشوایان روحانی که در آن جلسات حضور دارند ، در مراسم با این سرودها به تشریفات فراماسونی خود تبرك و میمنت می‌بخشند .

تردیدی نیست که استفاده از سرودهای مخصوص و احیاناً ترنم موزیك در اینگونه مراسم و آداب و تشریفات مشابه ،امری غیر عادی نیست . و هر گروه و دسته و سازمانی می‌توانند ، برای خود سرودهای مخصوصی داشته باشند . اما نکته اینجاست که سرودهای مخصوص فراماسنها چنانکه در آئین برقراری سمت نخستین استاد اعظم فراماسونری انگلیسی ، ملاحظه فرمودید ، جملات و آیاتی از مزامیر داوود ـ از توراة ـ از کتاب مقدس یهودیان است که طی آن بارها ، یهوه را خداوند آدمیان شناخته وهمه مردم را بندگان و گوسفندان مرتع او دانسته است.

چنانکه طی فصول این کتاب ملاحظه شد ، در طول مدت فعالیت سازمان‌های فراماسونری در ایران ، بسیاری از کسانیکه خود را پیرو دین مبین اسلام می‌دانستند و حتی داعیه هدایت دیگران را داشتند و به کسوت شریف پیشوایان مذهبی درآمده بودند ، عضویت این سازمانها را پذیرفته و ضمن بوسه زدن بر دست استاد اعظم ، همراه با سایر اعضاء بارها همین سرودهای رسمی را می‌خوانده‌اند و طبعاً هنوز اینگونه افراد در خدمت لژهای فراماسونی هستند ...

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

هنوز هم در کسوت شریف روحانیت، بر دست‌های اساتید اعظم! بوسه می‌زنند و هم‌صدا باسایر «برادران» می‌خوانند که:

«مبارک باد یهوه خدا، که خدای اسرائیل است»

واین جملات برزبان‌کسانی جاری می‌شودکه نه‌تنها داعیه مسلمانی‌وپیروی از دین حنیف اسلام را دارند، بلکه مدعی هدایت دیگران و آشنا ساختن طبقات مردم با اصول مذهب و وادار ساختن آنان به پرستش خدای یگانه نیزهستند.

آنچه مسلم است، عضویت این افراد در سازمان‌های فراماسونری و انجام آداب ومراسم مخصوص ازطرف آنان ـ ازجمله خواندن سرودهای رسمی‌اجباری مشمول یکی ازین دو حالت است:

نخست اینکه ناآگاهانه و بدون اطلاع از مقاصد اصلی گردانندگان، وتنها بخاطرخدمت به‌مردم واجتماع ازطریق اخلاق وانسانیت باین سازمانهاپیوسته‌اند و از مفهوم سرودهائی که می‌خوانندآگاه نیستند ...که درین صورت، همین‌مطالبی که از نظرتان می‌گذرد، می‌تواند هشداری برای همه آنان باشد، بدین معنی‌که:

ـ آقایان! شما که خودرا مسلمان می‌دانید ... شما آقای آیت‌الهی که در کسوت شریف روحانیت هستید، و همه شماها که به‌قصد و منظور خدمت به‌خلق! بوسه بردست بیگانگان می‌زنید، شما که با گفتن «اشهدان لااله‌الاالله» بـه وحدانیت‌خدای یگانه ایمان آورده‌اید، ببینید، چگونـه افرادی که ظاهراً مانند مقدسات مذهبی‌را محترم شمرده‌اند، ندانسته‌شما را به راه دیگرمی‌کشانند. «مقدسات مذهبی شما را به‌ریشخند و مسخره می‌گیرند. شما را وامیدارند، با جملاتی که خود از معنی و مفهوم آن‌آگاه نیستند، وجود خدای یگانه،پیامبر مرسل و آیات کلام‌اله مجید را تکذیب کنید و همزبان با آنان بگوئید:

«بدانیدکه یهوه خدای ماست، ما قوم اوو گوسفندان مرتع اوهستیم»

وهم‌چنین وادارتان می‌سازندکه تعلیمات توراةرا کلمه به‌کلمه اجراکنید:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

«خداوند را با شادی عبادت نمائید و به‌حضور او با ترنم بیائید»

و با استناد به همین تعلیمات، به‌اصطلاح سرودهای مخصوص را همراه با موزیك اجرا می‌کنند.

اگر به‌راستی نادانسته و نا خودآگاه قدم درین راه نهاده‌اید، اکنون بخود آئید و یکبار دیگر کلمات این «سرودهای مخصوص» را که ترجمه فارسی آن‌ها را از کتاب مقدس چاپ لندن نقل کرده‌ایم، مرور نمائید و بخوانید و ببینید که چگونه معتقدات الهی و مقدسات مذهبی شما نیز به ریشخند و مسخره گرفته شده است.

. . . و اما گروه دوم، آنان که آگاهانه و با اطلاع ازمعنی ومفهوم «سرودهای مخصوص» با سایراعضاء هم زبان می‌شوند، تکلیفشان روشن است. این‌گروه نه تنها با دین مقدس اسلام بیگانه‌اند، بلکه پیروهیچ شریعت و آئینی نمی‌توانند باشند. آنان کسوت شریف روحانیت و یا نام مقدس اسلام را بـا وجود خود آلوده‌انـد. لباس روحانیت وافتخاربه مسلمانی، تنها سر پوشی است‌برای اقدامات سودجویانه آنان و انجام فعالیت‌های زیان‌بخشی که فرامین اجرای آن از طرف بیگانگان صادر شده است.

گفتیم‌که اینان پیرو هیچ طریقت وآئینی نیستند ،زیرا کسی‌که در ملاءعام، ومنابر و مساجد، بخاطر دین وبنام اسلام گریبان چاك می‌کند و در پنهان بر دست بیگانه‌ای که پیرو مذهب دیگری است، بوسه می‌زند و از آن بالاتر با خواندن ادعیه و اوراد توراة و «سرودهای مخصوص» وجود خدای یگانه را رسماً انکار می‌کند و بجای تعالیم عالی و آسمانی قرآن کریم، جملات و اوراد کتاب مذهبی دیگری را می‌خواند که در آن «یهوه» خدای عالمیان شناخته شده است و همراه با ترنم موسیقی، آداب و مراسمی را انجام می‌دهد کـه در کتاب «توراة» توصیه شده است، جز یك فرد «هرهری و لامذهب» چه نامی می‌توان روی او نهاد.

همین افراد هستند که با سوء استفاده از نام اسلام وکسوت شریف روحانیت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بـه همه مقدسات مردم پشت پا می‌زنند و باعث رواج حس بدبینی در میان مردم نسبت بـه همهٔ روحانیون واقعی و شریف و سلب اعتماد آنان از گفتارها و تعالیم مذهبی می‌گردند. در مورد گروه دوم هرگونه هشدار یا راهنمائی بی‌نتیجه است، زیرا ایشان خود بخوبی واقفند کـه چه راهی را در پیش گرفته‌اند. اعتقاد آنها بدین مقدس اسلام، از حدود اعتقادشان به «یهوه» تجاوز نمی‌کند. و دین ومذهب برایشان فقط یك دکان تجارت و منبع سود و در آمـد است. و در مورد آنان، این مردم هستند که بایستی با هوشیاری و دقت افراد فاسق و فاجر را از مردمان متقی و پرهیزکار و روحانیون واقعی تمیز دهند. با برداشتن نقاب پرهیزکاران و شناساندن سیمای واقعی آنها به همه مردم نشان دهندکه چگونه افرادی‌که دعوی روحانیت می‌کنند، افرادی که لباس مقدس روحانیت را بتن دارند، ولی بردست و شانـه «استاد اعظم یهودی و مسیحی» خود بوسه مـی‌زنند و با قرائت «سرودهای مخصوص» که آیاتی از «توراة» است، تعلیمات این کتاب مقدس را بکار می‌بندند و خدای یهودیان را پرستش می‌کنند!

یك نظریه عالمانه

اجرای مراسم تقدیس وتنصیب‌لژها واستادان فراماسونری باترنم‌موزیك وخواندن اورادوآیات توراة ومغایرتی‌کهاین مراسم و سرود های آن باآئین مقدس اسلام دارد، چـون برای نخستین باراست‌که در زبان فارسی مورد بررسی قرار میگیرد، به تفسیر و اظهارنظر بیشتری احتیاج دارد. زیرا چنانکه اشاره شدتاکنون دراین زمینه‌بحث وگفتگوئی نشده است. بدین سبب درصدد بر آمدیم تانظریه یکی از دانشمندان معاصر را در این‌باره استفسارکنیم. بادانشمند محترم استادمحمدمحیط طباطبائی که مطالعات عمیقی درمسائل مذهبی وتاریخی دارند، صحبتی داشتیم. ایشان نظر خودراکتباً برایمان نوشتندکه اینك عین نوشته استاد را نقل میکنیم:

« ایرادی که در این قسمت بر مسلمانان تازه‌وارد به لژ فراماسونری گرفته‌اند وارد ودرخور یادآوری است :

به فرض اینکه سوگند به‌خدای اسرائیل و توسل به‌یهوه و ایلوهیم (به صیغهٔ جمع عبری) برای مسیحیان به اعتبار اینکه توراتیهٔ کتاب دینی معتبر ایشان است و هنوز بیش از عهد جدید رفع نیازمندیهای ایشان را می‌کند ، اثری مأنوس و انشاء مزامیر داود درکلیسا همچون کنیسه معمول باشد؛ برای مسلمانان که توراتیهٔ زبور و انجیل را پس از نزول قرآن منسوخ و غیر قابل پیروی می‌دانند و به‌خدای یگانه و عادلی اعتقاد دارند که پروردگار جهانیان یارب‌العالمین است و در میان بنی اسرائیل و بنی‌ـ اسماعیل و یا اسرائیل و اردن با مصر و سوریه تفاوتی نمی گذارند، توسل به یهوهٔ صبایوت خدای اختصاصی اسرائیل که با هیچ قوم و ملت و خلق دیگری نظر عنایت بلکه حق توجه ندارد، مخالف اساس اعتقاد دینی ایشان است.

علاوه بر این اشکال عقیده‌ای که‌در این توسل و تشبث به خدای خاص بنی‌اسرائیل وجود دارد مشکل تازه قضیه در دلالت لفظ اسرائیل برمفهوم جدیدی غیر از مصداق دیرین معهود از این کلمه‌است و آن کشوری ودولتی جدید متشکل از یهودیان آلمانی و روسی مهاجر درسرزمین فلسطین است که اینک به نام اسرائیل معروف شده است . کثرت اتصال و اختصاص این مفهوم سیاسی و اعتباری جدید به لفظ اسرائیل دیگر برای خدای‌اسرائیل در ذهن مردم عصر ما جزخدای دولت اسرائیل مفهومی ندارد که آنهم مانند ستاره شش‌پر دیگر مهر و محبت و طلسم نیکبختی دعانویسان نیست بلکه نشان رسمی یک‌کشور نوزادی شمرده می‌شود .

در این صورت توسل بخدای اسرائیل در روزی‌که دیگر مردم روی زمین از این کلمه مفهوم قوم مظلوم و آواره‌ای را درنمی‌یابند که از ستم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مسیحیان دوزخ و عذاب باشد بلکه دلالت بر مفهوم حکومتی نوظهور دارد که بهسعی انگلیس وامریکا درقلب عالم اسلام پدیدآمده وبا جنگ وتصرف اراضی مسلمانان اثبات وجود می‌کند. آنهم از طرف یك فرد مسلمان تازه‌وارد به لژفراماسونری، ناشی ازجهل این مسلمان به حقیقت امور واوضاع و قضایای اجتماعی وتاریخی است.

صرف نظر از جنبه‌های دینی و تاریخی و اخلاقی‌چنین امری باروش عمومی مسلمانان در این قضیه سیاسی مشترك هم‌آهنگی و موافقت ندارد.

با غلبه‌روح‌سودپرستی درعصرما برافراد وجماعات مسلم است‌که غالباً شرکت در اینگونه جمعیتهای رمزی وپوشیده از انظار، برای‌تأمین‌مصالح خصوصی و جلب کمکهای غیبی به‌منافع شخصی صورت می‌پذیرد وابداً‌جنبهٔ اخلاقی و یا قصد قربتی درکارنیست.

بنابراین‌وقتی‌که فراموشخانه دیگردرانگلیس وفرانسه‌هم نمی‌تواند به ایجاد رابطهٔ برادری و دوستی حقیقی در میان یهود و مسیحی کمك کند بطور اولی قادرنخواهدبودکه‌میان یك تن یهودی بامسلمانی متأثرازسیاست تجاوزکارانه اسرائیل در منطقهٔ خاورمیانه ،باذکر نام‌خدای اسرائیل وتوسل به‌یهوه صبایوت، عقد محبت و اخوتی ببندد.

ازخدای جهانیان وپروردگارعالمیان باید خواست تاچشم‌خردبندگان خودرا بگشاید و عقل و وجدان اجتماعی را به‌جای غرور و غرائزودسایسی درنهاد همگنان متمکن دارد و همهٔ افراد جوامع را در ظل مفهوم انسانیت مطلق نیکخواه و خدمتگزار واقعی بشریت تربیت‌کند تا این توطئه‌های کهن جهت استقرارروابط خصوصی میان دسته‌هاوافراد معین‌ازمیان برخیزد وصفای حقیقی جای این سرابهای زندگانی را بگیرد. **محیط طباطبائی** :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آئین نامه داخلی لژها

نخستین اقدام لژ تهران، تهیه و تنظیم آئین نامه داخلی برای اداره لژهای فارسی زبان بود. به موجب این آئین نامه، هر عضو لژ [illegible] مبلغ [illegible] که از این مبلغ، چهارصد تومان آن را به نفع مرکز گراند لژ به ارز تبدیل کرده به ادنبورگ می‌فرستند. هم‌چنین مقررات دیگری برای حق عضویت، ارتقاء مقام، دریافت نشان، دیپلم وغیره وضع کرده‌اند که هریك از آنها نیز متضمن درآمدهای دیگری برای لژ است، و از اینگونه درآمدها نیز، بیشتر از نصف مبلغ پرداختی هرعضو به اسکاتلند حواله می‌شود. اینك عین آئین نامه داخلی را که هم‌اکنون در همه لژهای فارسی زبان اجراء می‌شود، نقل می‌کنیم:

آئین نامه داخلی ل.: شماره ۱۵۷۴ تاریخ قانون اساسی ل اعظم اسکاتلند
طهران ـ ایران

۱ـ جلسات ل.: در خیابان ـ ـ طهران ایران تشکیل می‌گردد.

۲ـ جلسات عادی ل باستثناء ماههای ژوئیه و اوت (تیر و مرداد) در سومین چهارشنبه هر ماه میلادی در ساعات شش و نیم بعد از ظهر یا در ساعتی که ل در جلسات عادی قبل تعیین کرده است تشکیل می‌گردد.

۳ـ افسران عبارتند از ۰۱۰۱ ـ ۰۱۰۱ پیشین ـ قائم مقام ۰۱۰۱ ـ جانشین ۰۱۰۱ ـ س۰ اول ـ س دوم ـ دبیر ـ خزانه‌دار ـ مدیر تشریفات ـ خطیب ـ کتاب‌بر ـ ز۰ اول ـ ز۰ دوم ـ کارپرداز دو نفر ـ ن ۰ داخلی ـ ن۰ خ ـ

۴ـ تعیین و انتخاب افسران ل و کمیته امور عمومی و کمیته تحقیق بایستی در جلسه عادی ل که در ماه آوریل (اردیبهشت) منعقد می‌گردد بعمل آید.

۵ـ جلسه سالیانه یك جلسه عادی است که در سومین چهارشنبه ماه می (خرداد) تشکیل می‌گردد.

در همین جلسه محاسبات سالیانه و گزارشهای مربوطه شنیده شده و افسران

انتخاب شده منصوب می‌کردند.

۶ـ جز در مواردی که قوانین اسکاتلند ترتیب خاصی مقرر کرده‌دعوتنامه‌ها پیوست دستورکار جلسه بایستی حداقل پنج روزقبل از تشکیل بجلسه عادی و۴۸ ساعت قبل از تشکیل جلسه فوق‌العاده بدست برادران برسد.

۷ ـ قائم‌مقام ۰۱۰۱ در جلسه‌ایکه افسران تنصیب می‌کردند از طرف ۰۱۰۱ تعیین و تنصیب می‌شود.

۸ـ ساختمان کمیته امور عمومی عبارت‌می‌باشند از۰۱۰۱ـ۰۱۰۱های قبلی، قائم‌مقام و جانشین ۰۱۰۱ ـ س اول ـ س دوم ـ دبیر خزانه‌دار و دونفر از استادان که جلسهٔ عادی ل که در ماه آوریل (اردیبهشت) تشکیل می‌شود انتخاب می‌کردند.

وظائف کمیته امور عمومی عبارت است از نظارت و حفظ اموال موجود اعم از منقول و غیر منقول (باستثنای وجوه نقدی در بانک) از هر قبیل در تمام دوره تصدی کمیته بعهده آن کمیته و تحت نظر ل خواهد بود.

۹ـ کمیته تحقیق عبارتند از افسران مذکور در ماده ۱۷۷ق ۱ و دونفراستاد که از طرف ل در جلسه عادی ماه آوریل (اردیبهشت) انتخاب می‌کردند.

۱۰ ـ تعرفه حقوق بشرح زیر است:

حق ورود و ترفیع و ارتقاع ومارك ۶۶۰۰ ریال حق‌الحاق اعضاء ل های‌تابع اسکاتلند ۱۲۰۰ ریال

حق‌الحاق از سایر ل های اعظم ۱۶۰۰ ریال

حق عضویت‌سالیانه (تهران و حومه) ۱۸۰۰ ریال

حق عضویت سالیانه (خارج از تهران و حومه) ۸۰۰ ریال‌حق انتصاب۰۱۰۱ ۱۰۰۰ ریال

حق انتصاب س اول ۵۰۰ ریال

حق انتصاب س دوم ۲۵۰ ریال

حق‌السهم بدل اعظم اسکاتلند برای ورود والحاق از ل های غیراسکاتلندطبق

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مقررات لژ اعظم اسکاتلند)

حق استعفای از لژ ۱۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (تهران وحومه) ۱۸۰۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (برای دائم خارج از تهران وحومه) ۵۰۰۰ ریال

۱۱- هر عضوی که بیست و یکسال مرتباً حق عضویت سالیانه را پرداخته است برای تمام عمر از پرداخت حق عضویت تصدیق سالیانه معاف‌شده عضویت دائمی را دریافت خواهد داشت.

۱۲- از هر حق عضویت سالیانه مبلغ ۵۰ ریال بصندوق خیریه داده می‌شود و بهمین تناسب از حق ورودیه وحق عضویت های شامل تخفیف نیز برداشت‌می‌شود.

همچنین از کلیه هدایا و عطایا هم بصندوق مزبور پرداخت می‌گردد.

۱۳- صندوق خیریه تحت نظارت کمیته امور عمومی اداره می‌شود.

۱۴- ۱۰۱ می‌تواند تا مبلغ دو هزار ریال به تشخیص خود در موارد لازم به یك برادر بپردازد.

۱۵- هرسال یك یا چند بازرس که از اعضاء کمیته‌های امور عمومی‌وتحقیق نباشند باید در جلسه عادی ماه مارس (فروردین) انتخاب گردند تا بکلیهٔ اسامیه و اموال لژ و همچنین بدفاتر خزانه دارو حسابهای او در سال مالی رسیدگی کند و گزارش آنرا کتباً ۱۴ روز قبل از جلسه عادی سالیانه کـه در ماه می (خرداد) تشکیل می‌شودبدهند.

۱۶- تکالیف باستانی وآئین نامه‌را بایستی لااقل سالی یك‌بار در جلسه‌عادی و علنی لژ قرائت نمود.

ترجمه لغات فراماسونری

یکی از اقدامات بسیار مفید و لازمی که «لژ تهران» از بدو تأسیس انجام داده، ترجمه صحیح ودقیق لغات واصطلاحات مخصوص فراماسونهاست. شاید همه مترجمین و محققین که تا کنون در این باره مطالعه کرده‌اند، برای پیداکردن

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لغات و اصطلاحات وواژه‌هائی که مشابه آنها در زبان فارسی وجود ندارد ، دچار مشکلات و گرفتاری‌هائی از لحاظ ترجمه و نبودن کلمات معادل این اصطلاحات شده باشند . بدین جهت و بمنظور استفاده محققان و مترجمانی که قصد مطالعه و کار در این زمینه را داشته باشند ، با استناد به مجموع اسناد و مدارک ، رسالات و نشریاتی که بدو زبان (انگلیسی ـ فارسی) بوسیله لژتهران و سایر لژهای تابعه اسکاتلند چاپ و منتشر شده ، این کلمات و اصطلاحات مخصوص با ترجمه فارسی آنها در اینجا منعکس می‌شود . لازم به تذکر است که ترجمه این لغات مورد تأیید و قبول لژهای مذکور می‌باشد :

Ancient	باستانی
Summary of the Ancient charges	تکالیف و مقررات باستانی
Constitution and Laws	قانون اساسی
Laws of the Lodge	آئین‌نامه داخلی لژ
Charter	فرمان منشور
Accepted	پذیرفته شده
Installation	نصب
Lodge Funder Members	بنیانگزاران لژ
Officer bearers	افسران لژ
Respective Kings and Rulers	پادشاهان و رؤساء کشورها
The G.L of Scotland rulers	لژ اعظم اسکاتلند
of the craft	و رؤساء آن
Rulers of Sister Constitutions	رؤساء لژهای اعظم وابسته
The D. S. And G. officers of	رؤساء وافسران لژاسکاتلند
the G. L. of Scotland in Iran	در ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دعای برکت	Craef
سرپرست	Warden
به سلامتی هنگام صرف شام	Loyal Toast
کوبه استادی فراماسونری	Cavel
خطبه	The Adress
قسم خوردن	Obligated

در مراسم تأسیس لژهای فراماسونری اصطلاحات زیر بکار می‌رود :

هیئت استادان تنصیب شده	Board of Insalled Masters
حضرت استادارجمند تنصیب‌کننده	Installing Righ Wopshipful Master
حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب‌کننده	Installing Past Master
سرپرست ارجمند اول تنصیب‌کننده	Installing Jonior Master
سرپرست ارجمند دوم تنصیب‌کننده	Installing Jonior Master
رئیس تشریفات تنصیب‌کننده	Installing Master of Ceremonies
نگهبان داخلی تنصیب‌کننده	Installing Inner Guard
نگهبان خارجی تنصیب کننده	Installing Tyler

درلژهای انگلیسی مقام‌ها و اصطلاحات زیر بکار می‌رود :

لژ درجه دوم	The 2 nd Degree
لژ درجه سوم	The 3 nd Degree
استاد بنایان (با علامت مخفف)	M. M. (Master Mason)
کارآموزان	E. As
کاریاران	E. Cs

افسران لژ که برای یك سال فراماسونری (مهر تا خرداد) انتخاب می‌شوند

حضرت استاد ارجمند	Right Worshipful Master
قائم مقام استاد	Depute Master
معاون استاد	Substitute Master
سرپرست اول	Senior Warden
« دوم	Jonior Warden
دبیر	Secretary
خزانه‌دار	Treasurer
راهنمای اول	Senior Deacon
« دوم	Jonior Deacon
مدیر تشریفات	Director of Ceremonies
کتاب بر (حامل کتاب مقدس)	Bible Bearer
نگهبان داخلی	Inner Guard
نگهبان خارجی	Tyler

معرفی لژ تهران در کتاب سال لژ اسکاتلند

از سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ ـ ه) که «لژ تهران» ـ نخستین لژ فارسی زبان تابع اسکاتلند ـ رسمیت یافت، در سالنامه های گراند لژ مذکور مشخصات لژ و هم‌چنین اسامی و مشخصات واسطه‌ها، رابطین، دبیران و رؤسای لـژ در انگلستان و ایران در ردیف ۱۵٤۱ لژهای جهانی اسکاتلند، همه ساله مرتباً چاپ می‌شود. برای آشنا شدن با نظر گراند لژ اسکاتلند، درباره لژ تهران و مطالبی کـه از طرف مرکز جهانی این لـژ پیرامون فعالیت فراماسونری‌های ایرانی منتشر می‌شود، در اینجا قسمتهای کوتاهی از مندرجات سال‌های مختلف سالنامه گراند لژ اسکاتلند را نقل می‌کنیم:

لژ تهران ۱۵۴۱

اولین واسطه‌هائی که نام آنها در ردیف لژ مذکور ثبت‌شده، دو انگلیسی مقیم انگلستان هستند. یکی «جیمز مک‌نامارا» که سال‌ها در لژ مسجد سلیمان فعالیت داشته ودیگری یکی از اعضای شرکت سابق نفت در ایران می‌باشدکه بداین شرح معرفی شده‌اند :

سال ۱۹۵۷

James H. Mcnamara, 32 Prestwick street, Glasgow, S. W.3 pr.M.
Thomas I. Robertson, 19 the crescent , Gowkshill , Gorebridge Pr. S. W.

در سال ۱۹۵۸ هیچگونه تغییراتی در مشخصات داده نشده ، ولی سال بعد شخص دیگری بنام :

James M. Gray , 223 Broomfield
Crescent , Edinburgh , 12

بمندرجات سالنامه اضافه شده است .

سال ۱۹۶۱ بدون تغییرات است و سال بعد تا ۱۹۶٤رابطین لژدرانگلستان و تهران این اشخاص بوده‌اند :

James H. Mcnamara , 32 Prestwick street , Glasgow.
Thomas I. Robertson , 19 The crescent , gowkshill , Goreb.
James M. Gray, 228 Broomfield crescent, Edinbourg, 12 .
Dr. Hadi mossadeghi,94 Boulward Nahri Keradg, Teheran,

در آخرین سالنامه گراند لژ اسکاتلند ، نماینده و رابط لژ در انگلستان « جیمز مک‌نامارا » سابق‌الذکر و در ایران دکتر جواد پیروزبخت ساکن خیابان ثنائی کوی شفا شماره ۵۵ معرفی شده‌اند .

آخرین انتخابات داخلی لژ تهران که تا آغاز چاپ کتاب صورت‌گرفته‌نیز بدین شرح می‌باشد :

صورت پیشنهادی کمیته انتخابات لژ تهران[۱]
برای سال ۱۳۴۷ - ۴۸ - ۶۸ - ۱۹۶۹ -

۱- استاد ارجمند برادر مصطفی عامری
۲- استاد ارجمند قبلی برادر محمود فرمند
۳- قائم‌مقام استاد برادر دکتر نصرالله هنجنی
۴- معاون استاد برادر خستو
۵- سرپرست ارجمند اول برادر دکتر ضیاءالدین صفی نیا
۶- سرپرست ارجمند دوم برادر مهندس علیرضا امیرسلیمانی
۷- دبیر برادر مهندس جمال گنجی
۸- خزانه‌دار برادر علی‌اصغر توکلیان
۹- امین خیریه برادر عباس خرازی
۱۰- خطیب ارجمند برادر دکتر محمد حسن نوری
۱۱- راهنمای اول برادر دکتر بهادر عامری
۱۲- راهنمای دوم برادر مهندس همایون فرود
۱۳- مدیر ارجمند تشریفات برادر دکتر فتح‌اله فرود
۱۴- کتابدار ارجمند برادر دکتر غلامرضا کیان
۱۵- مهندس کارگاه برادر مهندس محمد علی قطبی
۱۶- زیوردار برادر دکتر محمد حسن اسدی
۱۷- حامل ارجمند کتاب برادر مهندس حسین شقاقی
۱۸- شاعر کارگاه برادر حسنعلی حکمت
۱۹- شمشیردار ارجمند برادر دکتر پرویز کاظمی
۲۰- معاون رئیس تشریفات برادر بهرام داوید خالیان

۱- توضیح اینکه انتخاب کارگردانان لژ تهران پایان سال فراماسونری است نه سال معمولی شمسی.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۲۱ـ معاون دبیر برادر دکتر حمید بهزاد

۲۲ـ مدیر ارجمند انتظامات برادر دکترعلی‌اصغر خشایار

۲۳ـ بیرق‌دار برادر ارجمند مدرسی چهاردهی

۲٤ـ نگهبان داخلی برادر حسن سراج حجازی

۲۵ـ میهماندار برادر کاظم کورس

۲٦ـ کارپرداز برادر دکتر هیئت

۲۷ـ نگهبان خارجی برادرسرهنگ مقدم

۲۸ـ عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر محمد عریضی

۲۹ـ عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر دکتر رضا امینی

۳۰ـ ممیز حساب برادر حمید نیری

۳۱ـ ممیز حساب برادر محمد کاریابی

یك نمونه‌از برنامه جلسات ماهانه

لژهای فراماسونری علاوه بر اعمال و افعال کاملا سری و محرمانه که دست یافتن به آنها برای غیر فراماسون هـا بسیار دشوار ، حتی درپاره‌ای موارد ممتنع است ،درجلسات معینی به‌امور زیر می‌پردازند :

۱ـ دادن ارتقاء مقام به‌اعضای پیشین لژ

۲ـ اهداء نشان و دیپلم به « برادران » ی که برای دریافت این عناوین پیشنهاد شده‌اند .

۳ـ موافقت باتقاضای عضویت و پذیرش «بیگانگان» به‌لژجدیدکه بامراجعه به‌آراء اعضای لژ صورت می‌گیرد .

برای انجام این منظورها قبلا دبیر لژ دعوتنامه‌ای برای همه اعضای لژ می‌فرستند که در آن برنامه‌کار آنروز وآن جلسه بخصوص ذکر شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

TOAST LIST

Toast Master: Bro Dr A Khashayar

Grace	[illegible]
Loyal Toast	
His Majesty the Shahanshah	Bro " " "
Respective Kings and Rulers	Bro. " " "
The G. L. of Sc and Rulers of the Craft	Bro. " " "
Rulers of Sister Constitutions	Bro " " "
The R. W. M	Bro. Dr. [illegible]
Reply	[illegible]
The M. and P. M.s	" " " "
Reply	Bro [illegible]
The Visitors	Bro Reza [illegible]
Reply	Bro Dr. [illegible]
The Founder Members	Bro Ali Asghar Mohamadi
Reply	Bro. Dr. R. [illegible]
The D.S. and G. Officers of the G. L. of Scotland in IRAN	Bro. R. W. [illegible]
Reply	Bro. R. W. C. I. [illegible] (D.S.)
Tyler's Toast	Bro. Dr. [illegible]

برنامه میز شام برادرانه
بزبان انگلیسی

برای آشنا شدن با چگونگی تشریفات رسمی این قبیل «شام‌های برادرانه» و انجام مراسم مخصوص ، درینجا تشریفاتی را که به مناسبت ارتقاء و تفویض مقام استادی به‌مهندس جعفر فزونی انجام شده ، عیناً نقل می‌کنیم :

تشریفات سر میز شام

رئیس تشریفات میز : برادر بسیار ارجمند مهندس شقاقی

دعای برکت	برادر مهندس جعفر فزونی
بسلامتی پادشاهان و رؤسای کشورهای	
برادران حاضر	« « « «
بسلامتی لژ اعظم اسکاتلند و رؤسای آن	« « « «
بسلامتی رؤسای لژهای اعظم وابسته	« « « «
بسلامتی ح ا . ا	برادر ارجمند ذوالریاستین
جواب « «	« « فزونی
بسلامتی استاد تنصیب کننده و استاد پیشین	« « فزونی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

روزهای تشکیل لژهای انگلیسی تابع گراند لژ اسکاتلند در هفته‌های معین

اسم	شماره	جلسات
لایت[1]	۱۱۹۱	چهارمین سه‌شنبه ماه مسیحی
تهران	۱۵۴۱	دومین شنبه « «
کورش	۱۵۷۴	سومین چهارشنبه « «
خیام	۱۵۸۵	اولین دوشنبه « «
اصفهان	۱۶۱۰	چهارمین چهارشنبه «
آریا	۱۶۲۲	دومین سه‌شنبه « «
خوزستان	۱۶۲۳	اولین سه شنبه « «
ژاندارک	۱۶۰۸	چهارمین چهارشنبه «
نور	۱۶۳۱	دومین چهارشنبه « «
اهواز	۱۶۲۷	سومین دوشنبه « «
ل. ا. ن. ا[2]	ـ ـ	خرداد ـ شهریور ـ آذر ـ اسفند

۱ـ به زبان انگلیسی کار می‌کند.
۲ـ لژ اعظم ناحیهٔ ایران.

جلسات سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶

	لاک سه‌شنبه	تهران شنبه	کورس چهارشنبه	حسام دوشنبه	اصفهان چهارشنبه	آرتا سه‌شنبه	خوزستان سه‌شنبه	رامسدارک چهارشنبه	نور چهارشنبه	اهواز دوشنبه	جلسات ل. ا. ن. ا
شهریور			۲۹		۱	۲۱			۲۲		جلسه ارتباطیه ل. ا. ن. ا
مهر		۲۲	۲۶	۱۰	۵	۱۸		۵	۱۹		
آبان	۲	۲۰	۲۴	۱۵	۳	۲۳	۱۶	۳	۱۷	۲۹	
آذر	۷	۱۸	۲۹	۱۳	۸	۲۱	۱۴	۱	۲۲	۲۷	جلسه ارتباطیه ل. ا. ن. ا
دی	۵	۲۳	۲۷	۱۱	۷	۱۹	۱۲	۶	۲۰	۲۵	
بهمن	۱۰	۲۱		۱۷	۱۱	۲۲	۱۷	۴	۲۵	۳۰	
اسفند	۸	۱۹	۲ ۳۰	۱۴	۹	۲۳	۱۵	۹	۲۳	۲۸	جلسه ارتباطیه ل. ا. ن. ا
فروردین	۲	۲۲	۲۸	۱۴	۷	۲۰	۱۳	۷	۲۱	۲۶	
اردیبهشت	۱۰	۲۱	۲۵	۱۷	۴	۲۶	۱۷	۴	۱۸	۳۰	
خرداد	۲	۱۸	۲۹	۱۴	۸		۱۴	۱		۲۷	جلسه ارتباطیه ل. ا. ن. ا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اتهامات و اختلافات

فراماسونری در ایران نیز مثل احزاب و جمعیتهائی که بعد از جنگ بین‌المللی دوم تشکیل شدند، گرفتار عده‌زیادی جاسوس و کسانیکه سوابق سیاسی و اجتماعی ننگینی دارند و حتی افرادی که دستهایشان در اختلاس‌ها و سوء استفاده ها آلوده بوده وهست شد. در بین استادان فراماسونری ایران ، رؤساء و کارگردانان و مؤسسین لژها افرادی وجود دارندکه در دادگستری ایران سوابق دزدی، اختلاس ورشوه‌خواری دارند .

در یکی از سالنامه‌های گراند لژ اسکاتلند ، عکسی از مؤسسین یك لژ در تهران چاپ شده که بسیار جالب است .

در این عکس دو ایرانی باگردن افراشته دیده می‌شوند که یکی از آنها در محاکم دادگستری ایران به‌علت سوء استفاده و اختلاس ، محکومیت پیدا کرده و برای مدت ده سال از حقوق اجتماعی محروم شده است .

پزشك داروسازی‌را نیزکه رئیس یکی از مؤسسات داروئی کشور بوده و در لژ تهران عضویت دارد می‌شناسیم که از این فرد ناپاك یازده پرونده سوء استفاده موجود است که مشخصات آنها در بازرسی نخست وزیری ودیوانکیفرمنعکس‌شده است .

در همین لژ مقاطعه‌کار دیگری عرض اندام می‌نمود که بیش از ۳۵ سال برای شرکت نفت سابق جاسوسی می‌کرد و در حوادث شهریور سال ۱۳۲۰ علمدار و پیشقراول قشون انگلیسی هنگام اشغال خوزستان بوده و خود او شخصاً در دستگیری ایرانیان‌وطنپرست‌ومعرفی آنهابه‌سازمان اینتلیجنس سرویس انگلستان، در خوزستان شرکت داشت و بعد از تشکیل کنسرسیوم نفت نیز ، او بزرگترین کارچاق‌کن و سوءاستفاده‌چی بوده .

تا آنجاکه مقدور بوده وتوانسته‌ایم مشخصات ۷۲ نفر از کسانی‌راکه دارای سوابق ننگین سیاسی واجتماعی هستند ، تهیه‌کرده‌ایم که درجلد چهارم‌کتاب آنها

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

که راجع بکار رعایای ونک که بنا بود تصویب نامه آنرا به هیئت وزیران ببرند مضایقه ننمایند [illegible]

[illegible]

در صفحه دوم وسوم این گزارش چنین نوشته شده است: «خواهشمندم بدآقای عدل وزیر کشاورزی تلفن بفرمائید که راجع بکار رعایای ونك که بنا بود تصویب نامه آنرا به هیئت وزیران ببرند مضایقه ننمائید. اینکار علاوه بر آنکه حق مسلم رعایاست اساساً همانطوریکه باجنابعالی وبنده مذاکره کرده‌اند جزء وظائف انسانیت است. اگر این کاربشود، می‌شود مبلغی ازحق الوکاله آنرا برای لژ تخصیص داد. دیگر منتظر دستور آن استاد ارجمند هستم...» جریان پرونده ونك وحقوقی که عده‌ای متنفذ بنام «رعایای ونك» مطالبه‌می کنند بموجب مندرجات پرونده شماره ۹۰۳۰-۲۸ در دیوان کشور بدین شرح است:

پرونده ۳۶ ساله

سی وشش سال است که دولت با عده‌ای از مالکان قریه اوین که درپشت سر آنهامتنفذین وثروتمندان بزرگ ایستاده‌اند درمحاکم دادگستری طرح دعوی دارد. این محاکمه برسر احراز مالکیت قسمت زیادی ازاراضی اوین است کـه به ۸۱۵۷۶۰۰ مترمربع بالـغ می‌شود. مدعیان این اراضی ابتدا ۴۲ نفر از ساکنان قریه اوین بودند، ولی اکنون ۶۷۲ نفر از بازماندگان آنها دراین پرونده سهیم هستند. در

سال ۱۳۳۲ که برای چهارمین بار اراضی مذکور تقویم شد. ۷۶۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تومان ارزش داشت ولی امروز ارزش واقعی آن ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد تومان است.

حق الوکاله و هزینه دادرسی

طرفین دعوا در مورد این اراضی، دولت و دو نفر از اهالی اوین و ۳۹ نفر از متنفذین و سرشناسان پایتخت هستند. در پرونده قطور این دعوی ۲۴ قاضی شرکت داشتند که در مدت ۳۶ سال گذشته بآن رسیدگی کرده‌اند و نام چندین وکیل مدافع مشهور در آن بچشم می‌خورد.

حق الوکاله هشت میلیون متر از اراضی مذکور بالغ بـر ۲۵ میلیون تومان می‌شود که تاکنون همه با وعده و وعید بوده است. اگر مدعیان پرونده بخواهند هزینه تمبر پرونده را با محاسبه هفتصد میلیون تومان بهای ملك مورد دعـوی بپردازند، می‌بایستی ۷/۱۱۰/۰۰۰ تومان پول تمبر بصندوق دادگستری تأدیه کنند. چنانچه این عده محکوم شوند، مبلغی که می‌بایستی بابت هزینه دادرسی توسط آنها پرداخت شود معادل صدی شش می‌باشد که جمعاً بالغ بر ۴/۲۰۰/۰۰۰ تومان می‌گردد.

سابقه تاریخی

قریه اوین که در شمال غربی تهران واقع است قریب ۸/۱۵۷ میلیون متر مربع مساحت دارد که اراضی واقعه در داخل و اطراف قریه مزروعی و مشجر و از سنوات قبل در تصرف زارعین اوین بوده و آنها حتی قبل از شروع محاکمات مربوطه در دادگستری کم و بیش بدولت حق الارض و بهره می‌پرداخته‌اند.

در آن قسمت از این اراضی که در خارج از قریه و شامل اراضی بسیار مرغوب و قیمتی است تأسیسات دولتی و ملی ساخته شده و بقیه ابتدا در تصرف بنگاه خالصه، بعد در تصرف بانك ساختمانی بوده و بالاخره در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار گرفته است.

جالب است که شش دانگ قریه اوین قبلا موقوفه استان قدس رضوی بوده و بموجب وقف نامه عضدالملکی که از معتبرترین وقف‌نامه‌های ایران است جزو موقوفات حضرت رضا علیه‌السلام بشمار می‌رفته است.

درسال ۱۳۰۸ که ثبت شمیران آگهی ثبت اراضی اوین را منتشر کرد ابتدا خالصی زاده معروف آنرا ملك طلق خود دانست وادعای ثبت آنرا نمود ولی‌چون نتوانست سند ثبتی یا وقفنامه‌ای برای احراز مالکیت آن ارائه دهد ، پس از چندی از ادعای خود صرف‌نظر نمود .

نود روز پس ازادعای خالصی‌زاده مبنی برمالکیت اوین ، نقیب‌زاده مشایخ وکیل دادگستری بنمایندگی ۴۲ نفر از رعایا به ثبت استان قدس رضوی اعتراض می‌کند و درنامه اعتراضیه‌اش می‌نویسدکه این اراضی متعلق به رعایای اوین است و استشهادی کـه شامل امضاهای گوناگون بوده است ارائه می‌دهد . موضوع در شورای عالی ثبت مطرح و قرار می‌شود اعتراض مزبور بدادگاههای عمومی احاله گردد. بدینطریق ازروز ۲۸اسفند ۱۳۰۸که اعتراض نقیب‌زاده به نمایندگی‌ساکنان اوین در دادگستری مطرح می‌گردد ، پرونده بجریان می‌افتد . تا در سال ۱۳۱۸ بنگاه خالصه تصمیم می‌گیرد اراضی مزبور را با ۳۵ میلیون متر زمین در سرخس معاوضه کند . پس از یك سلسله مکاتبات کـه بین نایب‌التولیه استان قدس رضوی ودولت‌صورت‌می‌گیرد، بالاخره‌تعویض‌اراضی‌عملی‌می‌گردد وبموجب سندرسمی‌بنام بنگاه خالصه بدولت انتقال داده می‌شود .

نقض حکم

درشکایت و اعتراضی کـه نقیب‌زاده مشایخ در سال ۱۳۰۸ بدثبت شمیران و سپس محاکم دادگستری داده مدعی شده است‌که بموجب حکم محکمه صلح مرکز صادره ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ قریه اوین متعلق به ساکنان این قریه است . ولی وی در دادخواستی‌که برای اثبات این ادعا نوشت مرتکب اشتباه‌کوچکی شد وسوادحکم صادر از «محکمه صلح» وحتی وکالتنامه اهالـی اوین را بنام خود ضمیمه نکرد . وکلای دولت ، بنگاه خالصه واستان‌قدس رضوی ازاین نقطه ضعف پرونده استفاده کردند ولوایح مجددی به مراجع دادگستری دادند . درسال ۱۳۳۳که این پرونده جالب به شعبه ۱۳ دادگاه شهرستان تهران احاله شد نقیب زاده مشایخ از وکالت رعایای اوین استعفا داد و در استعفا نامه‌اش ذکرکرد که برای رفع نقائص پرونده

باید بخود اهالی اوین رجوع شود. ازاین ببعدکه پرونده با جدیت ودقت جریان پیدا می‌کند عده‌ای از متنفذین و سرمایه‌داران پایتخت بنام اینکه قسمتهائی از اراضی بآنها منتقل شده است. با اعمال نفوذهای فراوان سعی کردند، رأی شعبه ۱۳ دادگاه را بنفع خود برگردانند ولی چنانکه گفته شده قاضی محکمه زیربار نرفت و رائی را که خود صحیح میدانست صادرکرد و دیوان کشور نیز بعداً آنرا تائید و ابلاغ نمود وزارت کشاورزی و بنگاه خالصه پس از صدور این حکم از نخست وزیر تقاضا کردند که دکتر کیانوری را مورد تقدیر قرار دهد و برای وی پاداشی درنظرگرفته شود لیکن پس از چندی که دولت تغییرکرد کیانوری بجای اخذ پاداش ازخدمت برکنارگردید وشعبه ۱۳ دادگاه شهرستان منحل شد.»

دومین مبارزه

دومین مبارزه‌ای‌که دربین فراماسونهای ایرانی برسر احراز مقامات لژ و بخاطراحراز مقامات‌ماسونی، بین‌دودسته‌ازاعضاء لژتهران «ویداد» درسال۱۹۶۲ـم (۱۳٤۱ ـ ش) بود، دربن سال بین مهندس عباس تاد (که سابقاً نام خانوادگی وی محمدی بوده) با مهندس حسین شقاقی و عده‌ای از فراماسونهای دیگر درباره دسته‌بندی‌هائی‌که بین فراماسونها می‌شود، وهمچنین وجود عده‌ای ازافراد ناباب که متهم به سوءاستفاده هستند، رویداد. مهندس تادکه درخارج ازایران‌به‌عضویت لژفراماسونری درآمده ومرد پاك ودرست وشایسته‌ایست. عقیده داشت‌که عده‌ای ناباب‌را بایستی‌ازلژجدیدالتأسیس‌تهران طردکرده ودسته‌بندیهای انتخابات‌کرسی استادی لژرا ازبین برد.

کاراختلاف آنها تا مرکزلژدر «ادنبورک»کشیده شد وطرفین موافقت‌کردند که دکترخان فرخ وکریستو فرفری دو استاد فراماسون واسطه شده‌آنها را آشتی داده واختلافات را حل‌کنند. ولی‌مهندس تاد حاضر بقبول نظرات هیچیك از برادران فراماسونش نشد وازفعالیت درلژهای ایران دست کشید. نامه زیر سند ارزنده‌وبسیارجالبی‌است‌کدواقعیت‌درون‌لژهای‌فراماسونری‌ایران‌را فاش‌می‌سازد، وامیدواریم‌بانقل‌این نامه‌موفق‌شده‌باشیم‌گوشه‌ای ازفعالیت‌درون لژهارا آشکارکنیم:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

یک سند از : اختلافات واتهامات و نزاع داخلی در لژ تهران



The Grand Lodge of Scotland

OF ANCIENT FREE AND ACCEPTED MASONS

FREEMASONS' HALL
96 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

25th September, 1962.

Dr. Arfa de Farrokh,
c/o Leicester Court Hotel,
41 Queen's Gate Gardens,
South Kensington,
LONDON, S.W.7.

Dear Brother Dr. Farrokh,

I acknowledge with thanks your very kind letter of 22nd September.

Like yourself I am indeed very upset by the unhappiness which has recently been prevailing in Lodge Tehran. I had hoped that after the Office-bearers of the Lodge had their meeting with Brother Fairey they would all withdraw their resignations. From what I can gather the Office-bearers of the Lodge, with the exception of Brother Tod, withdrew their resignations but Brother Tod did not. It might quite well be that Brother Tod had very good reasons for this but if he did hand in his resignation and did not offer to withdraw it, it seems to me that the Lodge had no choice but to accept it. I am naturally very sorry about this and I did explain to Brother Fairey that despite the resignation of the Master, the Brethren of the Lodge could not elect a new Master until the next regular day of election. It might quite well be that Brother Tod has the view that by his resignation he is doing what is best for the Lodge and quite frankly it would be unwise for me to interfere as I am quite sure that Brother Tod and Brother Fairey must have gone into this matter very carefully.

You will be interested to know that at the meeting of Grand Committee held here last Thursday the sum of £500 was granted to the Persian Earthquake Relief Fund. About a month ago I had a delightful visit from Brother Morandi who was in Edinburgh for a few weeks.

نامه دبیر کل گراند لژ اسکاتلند به دکتر خان فرخ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ـ شماره ف الف ۱،۲

دکتر ارفع فرخ

برادر عزیز دکتر فرخ

وصول نامه مورخ ۲۶ سپتامبر شما را با عرض تشکر اطلاع می‌دهد. مفهوم مثال جنابعالی از مصیبتی که بر کرسی تهران وارد آمده است، ناراحت شده‌ام، امیدوار بودم که متصدیان کرسی تهران بدنبال ملاقات با برادر فری استعفانامه‌های خود را پس بگیرند. آنچه درک می‌کنم این است که متصدیان کرسی پس از ملاقات با فری استعفانامه‌های خود را پس گرفتند ولی برادر تاد پس نگرفت. بعید نیست که برادر تاد دلایل قانع کننده‌ای در این بوره داشته باشد و کرسی نیز چاره‌ای جز قبول آن نداشته است. بدیهی است که از این امر متأسف هستم و به برادر تاد توضیح دادم که با وجود استعفاء رئیس از سایر برادران کرسی نمی‌توانند تا روز فرارسیدن روز مخصوص انتخابات رئیس جدید را تعیین کنند. ممکن است برادر تاد تصور کرده که با عمل خود کاری به نفع کرسی انجام داده است. و بدون پرده پوشی باید بگویم که دخالت بنده در این امر عاقلانه نخواهد بود. زیرا کاملاً مطمئن هستم که برادر تاد و برادر فری با دقت هرچه تمامتر به این موضوع رسیدگی کرده‌اند. مسلماً خوشحال می‌شوند اگر اطلاع حاصل کنند، در جلسه کمیته بزرگ که روز پنجشنبه گذشته در اینجا تشکیل شده مبلغ پانصد لیره برای کمک به زلزله زدگان ایران تصویب کرده. یکماه قبل جلسه لذت بخشی با برادر مرندی[1] که جز هفته‌ای در ادینبورگ توقف نموده، بوده داشتم. امیدوارم حالتان خوب باشد و از مسافرت خود به این کشور مستفیض شده باشید. با احترامات فائقه دوستدار وفادار دبیر کل

همین دکتر خان فرخ ارفع السلطنه که به سبب وصلت

شریک دزد و با خانواده علی اصغر حکمت و هم چنین فارسی بودن به ما

رفیق قافله .. اظهار لطف و محبت داشت در روزهای واپسین عمرش روزی با

عجله مرا بر بستر بیماری خود احضار کرد.

---

۱ ـ علی مرندی عضویت هیئت مدیره شرکت ملی نفت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وقتی درکنارش نشستم بی‌اختیار گریست. او که قطب و پیر طریقت بیش از چهارصد فراماسون ایرانی، انگلیسی، امریکائی وسایر ملیتها در تهران بود وهر روز جمعه دهها برادر فراماسون بدیدنش می‌رفتند و روی او را می‌بوسیدند و مطابق سنین ماسونی مصافحه ماسونی می‌کردند، آنروز خود را بی‌کس، تنها ودرمانده می‌دانست. ومی‌گفت ای تف به‌برادران بی‌حقیقتم. من‌که بااو بحث و جدال برسر فراماسونهای ایرانی داشتم در آن روز لبخندی به‌صورت اشک‌آلوده اوزده، در جوابش گفتم خوشحالم‌که جدال وبحث چند ساله‌ام امروز به ثمر رسیده وشمارا مثل خودم بدبین و متنفر می‌بینم. او تقاضا کرد سکوت‌کنم ولب فروبندم.

سپس رونوشتی از وکالتنامه‌ای‌که می‌خواستند از او بگیرند بدستم داد واز من خواست‌که با فریدون منو وکیل دادگستری که برتیب بهرامی اورا معرفی کرده ووکالت ایشان را پذیرفته‌بود تماس بگیرم. در آن روزمرحوم دکتر فرخ به‌من گفت‌که دونفر از برادران فراماسون او با گرفتن وکالتنامه وحق‌الوکاله هنگفت باطرف دعوایش که مالک سابق خانه‌اش بوده همدست شده واورا درچند مرحله در محاکم دادگستری محکوم‌کرده‌اند. دکتر فرخ از آن روز به‌بعد بعهمد می‌گفت‌که دکتر ج. ج - وکیل دادگستری‌که از استادان فراماسونی است، از نادرست‌ترین مردان جهان‌است. اوهم از توبره می‌خورد هم از آخور. این داستان تأسف‌آور را که یقیناً یکی‌ازعلل مرگ استاد اعظم فراماسونری ایران که ۶۵ سال در لژهای امریکائی و انگلیسی و ایرانی عضو بوده، از آن جهت نقل کردیم تا اگرعده‌ای فریب‌کلمه (برادری) وکمک ومعاضدت برادران فراماسون یا یکدیگر را می‌خورند چشمشان بازشده وبه‌امید داشتن برادران و یاران فداکار و ازخودگذشته، خود را بدام لژ نشینان نیاندازند[1]

(۱) مرحوم دکتر فرخ سالها درخیابان لاله‌کوی‌کاخ سکوت داشت وخانه او مدتها مرکز لژ فراماسونری واجتماع فراماسونها بوده.

دو قالی باعلائم لژهای تهران

در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳٤۰ شمسی (۱۹۵٦-۱۹٦۱ م) لژ روشنائی در ایران که شعبه‌ای از گراند لژ اسکاتلند است و همچنین (لژ تهران) که مؤسسین آن « تنصیب شده » از گراند لژ عراق (فیحا) است ، دو قالی با آرمهای مختلف که کار یکی از معروفترین قالیبافان اصفهان است ، سفارش دادند .

قالیباف مذکور که در ساختن قالی‌های نفیس تازه و ابتکاری در جهان بی رغیب است ، در مدت چهار سال موفق شد قالیچه‌های سفارش شده را تهیه کند . مدتها بود که درباره این دو قالیچه نفیس لژهای فراماسونی فعلی تهران داستانهائی شنیده بودیم ، ولی چون می‌دانستیم این قالیچه‌ها به موزه گراند لژ اسکاتلند در شهر «ادنبورگ» انگلستان داده شده و دیگری نیز در لژ تهران و در داخل محفل ماسونی لژ در باشگاه رازی آویزان است ، لذا هیچ امیدی بدیدن قالیچه‌ها و اطلاع از نقش آنها نداشتیم . اتفاقاً در یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۳۹ ش - (۱۹٦۰ م) که از چهارراه مخبرالدوله (میدان ۲۸ مرداد فعلی) می‌گذشتیم ، در مغازه عتیقه فروشی باقری چشمم به قالیچه‌ای افتاد که با علامات فراماسونی لژ اسکاتلند منقوش بود ، و در زیر نقوش این قالیچه با حروف لاتین و سه کلمه Lodge of Teheran و به‌فارسی نیز لژ تهران نوشته شده بود . از باقری در باره این قالیچه و قیمت آن جویا شدم . او گفت که قیمت آن یکصد هزار ریال و بافت هنرمند معروف اصفهانی است . ما که هیچگاه در تمام مدت عمر چنین مبلغی نداشته‌ایم ، درباره قیمت قالیچه صحبتی نکردیم ، فقط از او خواهش کردم که اجازه عکسبرداری از آن را بما بدهد . صاحب مغازه با تهیه عکسی از آن موافقت کرد . ولی روز بعد که به مغازه عتیقه فروشی مذکور رفتم ، ، متأسفانه قالیچه را ندیدم و صاحب مغازه گفت آنرا بیکی از علاقمندان به آثار عتیقه فروخته است .

ششماه بعد در نوروز سال ۱٤٤۰ ش (۱۹٦۱ م) یکی از دوستانم ضمن دیداری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



نقش قالی اهدائی از تهران به موزه گراند تز اسکاتلند ـ این قالی در اصفهان بافته شده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

که از ما کرد گفت بهترین عیدی که می‌توانم بتو بدهم این است که تو را از محل یک قالیچه فراماسونی آگاه کنم . و سپس مالک قالیچه را که اسماعیل اصانلو مسیرالدوله[1] بود ، بمن معرفی کرد .

روزی‌که به‌ملاقات اصانلو رفتم اتفاقاً دکتر عبداله معظمی استاد دانشگاه و نماینده سابق مجلس شورایملی نیز حضور داشتند. پس از اینکه علت ملاقات را شرح‌دادم، ایشان بدون‌مضایقه‌قالی نفیس‌را بمن‌نشان‌داده‌وحتی اجازه‌عکسبرداری و چاپ آنرا در کتاب دادند .

قالی مزبور یك متر و ۴۰ سانتیمتر طول و یك متر عرض دارد . زمینه آن کرم رنگ است و سه حاشیه برنگهای قرمز،کرم‌و آبی دارد و نوع‌جنس آن‌کرك و ابریشم‌است. درنقوش‌قالی‌که علامت لژاسکاتلند است، رنگهای‌آبی،سفید، بژ،سبز خاکستری ، کرم و قرمز بکار برده شده است . آقای اصانلو توضیح دادند ، که هنرمند اصفهانی پس‌از بافتن قالی سفارشی‌لژتهران چون نمی‌دانسته‌که نمی‌بایستی از نقش‌ونگار و طرحی‌که برای بافت آن تهیه کرده کپیه‌ای تهیه کند ، به همین جهت دومین قالی‌راکه اینك دراختیار من می‌باشد ، بافته و برای فروش به تهران آورده‌است. من این‌قالی‌رابقیمت‌مناسبی خریداری‌کرده‌ام .گرچه خودم‌فراماسون نیستم ولی چون هنرمند ایرانی درساختن طرح مزبور اعجاز نموده از آن‌جهت قالیچه راخیلی عزیز می‌دارم واز آن نگهداری می‌کنم . بعدها شنیدیم‌که‌لژ تهران برای خرید قالیچه مزبور تلاش‌کرده ولی موفق نشده است .

---

۱ ـ اسماعیل اصانلو ازخاندان ایل اصانلوخمسه است که سالهای قبل‌اجدادش به‌تهران آمده و در پایتخت سکونت دارند . وی سالها درخدمت وزارت کشور بوده . استاندار غرب ـ کردستان و مدیر کل وزارت کشورویك دوره (دوره پنجم) نیز نماینده مجلس‌شورایملی بوده است. اکنون‌ایشان بازنشسته‌اند ودارای‌سه فرزند بنامهای مهندس داریوش ، مهندس منوچهر ودکتر جراح‌پلاستیك اصانلو می‌باشد. زبان‌فرانسه می‌دانندوآثاری ترجمه کرده‌اند ، وباشیاء عتیقه علاقه ودلبستگی فراوانی دارند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ازچپ‌به‌راست، مرشدزاده، دکترمعتمدی، دکترمحمود هومن، مهندس‌شفاقی، صالح‌جنابات ، دکتررسا



از راست به چپ ، دکتر خشایار ، دکتر کیهان ، اسحق‌فری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درضیافت سفید کلوب تهران
ودرزیر پرچم فراماسونری
اوانسف خانم دیلانیان ـ
زوریك دیلانیان عضو
سفارت انگلیس



درضیافت [illegible] از تهران:
از راست به چپ: [illegible]



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سه استاد فراماسونری در حال نوشیدن شراب بسلامتی رؤساء لژهای انگلیس و اسکاتلندی



در این تصویر از چپ به راست ، دکتر محمود هومن ، مهندس حسین شقاقی ، فتح الله فرود ، دکتر خطاء ، دکتر کیهان ، کریستوفر اسحق فری ، صانع جنایات دیده می‌شوند



در داخل محفل لژ روشنائی در این عکس از چپ به راست دکتر مرتضی زاده ، دکتر کیهان ، فرمند ، ادیب شیبانی ، نجات ، قراگوزلو و عبدالرسول .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دراین تصویر از راست به چپ ، موحد ، کوچکملی ، قراگوزلو ، جلالی ، رشدی حائری ، الیاس
دبی ، خان فرج ، فری . ابتهی در سر میز شام برادرانه دیده می‌شوند



[illegible]
تهران ازچپ به راست ،
فرمند ، [illegible] جهان ،
[illegible]
[illegible]

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ضیافت سفید وشام برادرانه
در «تهران کلوب» در زیر
آرم فراماسونری ،
از راست به چپ :
فرمند- دکتر خان فرخ -
رزی و لیلی مازندی -
یوسف مازندی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

غلامحسین صارمی استاد لژهای فراماسونری ایرانـدرحال نطق



ازچپ‌به‌راست،مهندس‌جعفرقزوینی،ملکی‌یزدی دکتر برتو،غلامحسین‌صارمی،دکترمرشدزاده،مهندس‌معتمدی

در ضیافت سالید دومین محفل لژ تهران در کوچه ثنائی



از راست به‌چپ ،نفردوم،دکترحسابی ، سرهنگ فضل‌اله مقدم ، افخمی ، رضاجعفری ، حسنعلی حکمت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باشگاه رازی

تا پایان سال ۱۳۳۹ـش (۱۹۶۰ـم) جلسات لژهای تهران و کورش در محل لژ(لایت) واقع در کلیسای انجیلی تهران در خیابان قوام‌السلطنه تشکیل می‌شد. در این سال محمد جواد مستوفی‌زاده مقاطعه‌کار نفت و کنسرسیوم که سرمایه هنگفتش را از راه انجام مقاطعه‌کاری و خدمت به شرکت نفت ایران و انگلیس بدست آورده، محلی در خیابان شاهرضا ـ کوچه نبائی ـ پلاک شماره ۲۱ـ برای شعبات لژ «روشنائی در ایران» خریداری کرد که سپس بمحل جدید منتقل شد.

محمدجواد مستوفی‌زاده همواره به برادران ماسون خود می‌گفته «من بودم که شما را از آن محل کثیف نجات دادم» محل جدید که بنام باشگاه رازی نامیده می‌شود، خانه بزرگی است که طبقه فوقانی آنرا با علائم و اشکال ماسونی تزئین کرده‌اند. و اکنون در این محل لژهای تهران، کورش، خیام، نور، ژاندارك، واریا باتمام تشریفات تشکیل می‌شود. هنگام تشکیل جلسات لژها، هیچیك از افراد غیر ماسون حق رفتن به طبقه فوقانی را ندارند. باشگاه رازی سومین(۱) سازمان نیمه مخفی لژ های ماسونی انگلیسی و فرانسوی است که در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱م) تقاضای تشکیل و ثبت آن از وزارت کشور، ثبت اسناد و شهربانی شده و موافقت این سازمان های دولتی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ (آوریل ۱۹۶۲ـم) اعلام شده است.

فراماسونهای عضو لژهای انگلیسی برای اینکه محل تشکیل لژهای خود را از نظر مردم و سازمانهای دولتی مخفی کنند. با استفاده از مقررات تأسیس باشگاه‌ها و مجامع متشابه مصوب سال ۱۳۰۴ هیئت دولت، تقاضای ثبت مؤسسه مذکور را نموده‌اند. تقاضای تأسیس لژ از شهربانی بوسیله دکتر علی‌شین پرتو عضو سابق وزارت خارجه و رئیس فعلی کتابخانه دانشکده پزشکی تسلیم شده است.

او در تقاضانامه‌اش نام: محمد جواد مستوفی‌زاده ـ دکتر رحمت مرشدزاده ـ

---

۱) جلسات لژهای فرانسوی در خیابان ابن‌سینا کاشی ۴۱۰ و لژ لایت در کلیسای انجیلی تشکیل می‌شود

سرهنگ فضل‌اله مقدم(۱) وحسین رامتین رابعنوان عضو هیئت‌مدیره ذکر کرده ودکتر ذوالریاستین ودکتر جعفر جهان رابنام بازرسین باشگاه معرفی نموده است.

بموجب ماده‌هشتم ، مقررات سال ۱۳۰٤ـش (۱۹۲۵ـ م) که در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ـم) تکمیل‌وتائید شده‌است «اعمال، مقاصد ومذاکرات سیاسی‌وایرادخطابه و میتینگ‌ها ونطق‌هائیکه جنبه سیاسی داشته باشد درکلوبها، قرائتخانه ومجامع ممنوع‌است»وحال آنکه‌باشگاه رازی‌برای‌تشکیل‌جلسات مجمع‌سیاسی‌فراماسونی بوجود آمده ودر همه جلسات نطق‌وگفتگو ومذاکرات سیاسی می‌شود .

مقررات خاص واستثنائی باشگاه رازی نموداری ازطرز تفکر وچگونگی پنهان‌کردن مقاصد اصلی کارگردانان فراماسونی ازنظر مردم واجتماع است . در ماده دوم اساسنامه باشگاه رازی نوشته شده :

«...منظور از تشکیل باشگاه رازی عبارتست از: ایجاد روابط دوستی بین اعضای باشگاه بمنظور تعاون ومعاضدت‌وراهنمایی یکدیگروهمفکری وتشریک‌مساعی آنها درامور خیریه وخدمات نوعی وعلمی و فرهنگی و نیکوکاری نسبت بمردم ایران»

فراماسونها برای اینکه هیچیک ازغیر ماسون‌ها رابه باشگاه راه ندهند ، تبصره‌ای درماده‌۱۵ اساسنامه گنجانیده‌اندکه ارتباط اعضای باشگاه را بامردم‌قطع می‌کند : «اشخاصی‌که دوستی آنها با اکثریت میسر نبوده ویا دارای اخلاق و ایمان وتربیت وسواد و معلومات‌کافی نباشد ، نمی‌توان بعضویت پذیرفت .»

فراماسون‌های انگلیسی برای‌اینکه سرپوشی برروی اعمال خود در درون لژهابگذارند ودرهای باشگاه رابروی بیگانگان (ماسون‌ها بکسانیکه فراماسون نیستند بیگانه می‌گویند) ببندند در اساسنامه ۲۸ ماده‌ای باشگاه رازی مقررات

---

(۱) درشهربانی دوسرهنگ‌فضل‌اله مقدم‌خدمت‌می‌کرده‌اند که اکنون بازنشسته‌شده‌اند سرهنگ‌مقدم ـ فوق‌الذکر آخرین سمتش مأمور انتظام شهرداری تهران بود . و سرهنگ‌ـ فضل‌اله مقدم دیگر قبل‌از بازنشسته‌شدن رئیس‌کارگزینی شهربانی .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خاصی برای عضویت وورود به‌باشگاه دربسته وحتی حضور دراطاقهای باشگاه قائل شده‌اند. هیچکس حق ندارد، حتی به‌بار، رستوران وسالن باشگاه، بدون اجازه، ویا عضویت درلژفراماسونی وارد شود. مقرراتی که اعضای هیئت مدیره باشگاه ظاهراً وکارگردانان لژ باطناً دراساسنامه وضع کرده‌اند عبارتند از:

ماده سوم: باشگاه رازی دارای شخصیت حقوقی وتابع قانون شخصیتهای حقوقی غیر بازرگانی می‌باشد و مسئول تعهدات مالی باشگاه فقط دارائی باشگاه است.

ماده ششم: علاوه بر اعضای رسمی باشگاه، فقط کسانی حق ورود به‌عمارت ومحوطه باشگاه را دارندکه درانجمنهای خیریه یاسازمانهای خدمات نوعی وعلمی وفرهنگی (که برقراری محل تشکیلات آنها دراین باشگاه به‌تصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشند وکارت عضویت آنها طبق مصوبات این‌هیئت صادر شده وملغی نشده باشد معذلك اعضای این انجمنها وسازمانها جزدرایام وساعات ودراطاق ویا اطاقهائی که ازطرف مدیرعامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده، نمی‌توانند در باشگاه رازی حضور یابند، وجز موقعیکه مدیرعامل مزبورصلاح بداند نباید حضورداشته باشند.

ماده شانزدهم: قسمت چهارم: قبول یا رد تقاضای مربوط به‌برقراری محل تشکیل جلسات انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی درباشگاه وتعیین مقررات مربوطه بداین‌کار وهمچنین تصویب مقررات مربوطه به‌جشنها ومیهمانیها.

ماده بیست‌وششم: قبول میهمان یا برقراری جشن‌ها ومجالس که اشخاص غیرعضو باشگاه بتوانند درآن شرکت نمایند خواه در عمارت یا محوطه یا در رستوران وبوفه باشگاه‌باشد تابع‌مقررات موضوعه ازطرف هیئت مدیره بوده ودر غیراینصورت ممکن نیست.

ماده بیست وهفتم: هرنوع فعالیت سیاسی ازقبیل متینگ ـ ایجاد دفتر

روزنامه یا حزب در باشگاه ممنوع است .

فراماسون‌ها برای اینکه اداره و درآمد باشگاه رازی را کـه جنبه غیر بازرگانی دارد موجـه وقانونـی جلوه دهند ، محـل درآمد مؤسسهٔ مذکـور را به موجب بنـد ۲ ماده ۲۱ از : «کمک‌های نقدی اشخـاص ـ امورخیریه ـ انجام خدمات ملی ونوعی ـ علمی وادبی یا فرهنگی انجمنها ومؤسسات مربوط به‌این امور دانسته‌اند .»

نکته جالب وقابل تعمق وتأمل درتدوین اساسنامـه باشگاه رازی این‌است که‌کلیه مواد مندرجه در آن ، عیناً وتنها‌باتغییر کلمه (حافظ) به‌(رازی) ازاساسنامه باشگاه حافظ لژ همایون‌که محمد خلیل جواهری آنرا تأسیس ومحـل تشکیل اجتماعات اعضای لژمذکورقرارداده‌بود ، اقتباس شده‌است . درحالیکه فراماسون‌های‌کنونی ایران همه افعال وکردارجواهری را ناصواب دانسته وهر وقت ازاو و سازمانهای لژهمایون یادمی‌کنند، ابروهارادرهم‌کشیده وحتی‌ازگفتن‌ناسزا به‌برادر فراماسونشان دریغ نمی‌کنند . بطوریکه درفصل بیست و پنجم همین‌کتاب‌گذشت ، محمد خلیـل جواهری برای سرپـوش گذاشتن روی اجتماعات وفعالیت‌های لـژ همایون در دوران زمامداری نخست‌وزیر آن‌زمان‌واعمالی‌که ماسونها برای سقوط حکومت‌وی می‌کردند، باشگاه حـافظرا تشکیل‌داده‌بود، ودرهمین محـل بود که طرفداران وی‌وفراماسونهای لژهمایون،جلسات‌خودرا تشکیل‌می‌دادند وباصطلاح ماسونها لژ کار می‌کرد .

تجدید انتخـابات

فراماسونهای لژهای انگلیسی برای‌اینکه محل استیجاری راخریداری‌کنند وآنرابه‌صورت محفل ومعبدفراماسونری درآورند، تصمیم‌گرفتند ازاعضای‌خودمبلغ‌یک‌میلیون‌تومان جمـع آوری کنند . بدین منظور اعضای هیئت مدیره انتخاب شده توسط هیئت مؤسس مستعفی شدند و روز ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ . هیئت مدیره جدیدی بدین شرح انتخاب شدند :

۱. مهندس حسین شقاقی ـ رئیس هیئت مدیره
۲. محمد مجلسی ـ دبیر انجمن
۳. مصطفی عامری ـ خزانه‌دار
۴. فتح‌الله فرود ـ عضو هیئت مدیره
۵. مهندس جمال گنجی ـ عضو هیئت مدیره

نخستین تصمیم هیئت مدیره جدید تصویب ماده‌ای برای جمع آوری پول والحاق آن به اساسنامه انجمن زکریای رازی بدین شرح بوده:

«هیئت مدیره تصمیم گرفت به شورای انجمن پیشنهاد نماید، اشخاص صلاحیتداری که با تصویب رئیس هیئت مدیره برای پرداخت بهای ساختمان محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر یا اهداء مبلغی شرکت‌کنند، عضو انجمن رازی شناخته می‌شوند.»[1]

وقتی کار الحاق ماده فوق الذکر به اساسنامه انجمن فراماسونری مذکور پایان یافت، مهندس حسین شقاقی استاد اعظم لژهای انگلیسی بخشنامه زیر را برای همه فراماسونهای انگلیسی فرستاد و از آنها خواست تا هر یك از آنها دوهزار تومان برای ساختمان محفل فراماسونری پرداخت نمایند.

اینك عین بخشنامه مذکور نقل می‌شود:

آقای محترم و برادر عزیز

بر آن برادرعزیز پوشیده نیست‌که محل‌سابق انجمن رازی واقع درخیابان شاهرضاکوی نیائی با مال‌الاجاره نسبتا زیادی که پرداخت می‌شد استعداد کافی و سالون مناسب برای‌پذیرائی برادران مخصوصاً دراوقاتی‌که جلسات رسمی‌وعمومی درآنجا تشکیل می‌شد نداشت واینمعنی بارها موردتذکر واقع می‌گردید، توسعه

۱ـ روزنامه اطلاعات روز ٤ شهریور ۱۳٤٤ روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی‌روز ۱٤مهر ۱۳٤٤ آگهی اداره ثبت شرکت‌هاراکه حاوی ماده جدید الحاقیه اساسنامه وانتخابات دومین هیئت مدیره انجمن زکریای رازی بود چاپ ومنتشر کردند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و پیشرفت امور انجمن و ازدیاد تعداد اعضا بویژه در دو سال اخیر این نگرانی را بوجود آورد که دیگر تجمع این عده از برادران در چنین محل کوچك و نامتناسب امکان پذیر نیست بطوریکه عده‌ای از برادران بسیار عزیز ما که ازدیر باز متوجه این نقیصه شده بودند در صدد بر آمدند محل دیگری که متناسب با تعداد اعضا و انجام کارها باشد تهیه نمایند. جستجوی مکان وسیعتر و آبرومند مصادف با معامله یکی از برادران نسبت به محل فعلی انجمن گردید که امکان تحقق بخشیدن باین آرزوی دیرینه را فراهم می‌ساخت ولذا با زحمات زیاد و صرف مبلغ معتنابهی بالاخره محل فعلی که از هر جهت آبرومند و شایسته می‌باشد تهیه گردید که متأسفانه تاکنون بملکیت انجمن در نیامده است.

برای اینکه طبق مقررات قانون بتوان اموال غیر منقول تهیه نمود لازم بود قبلا انجمن رازی دارای شخصیت حقوقی شود و باین منظور باسعی بلیغ عده‌ای از برادران اساسنامه انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی که هدف آن پیش برادران معلوم و روشن می‌باشد و فاقد جنبه انتفاعی است تنظیم گردید و انجمن مزبور در تاریخ ۴۴/۵/۳۰ تحت شماره ۷۰۹ به ثبت رسید و دارای شخصیت حقوقی شد و باین ترتیب امکان تحصیل اموال غیر منقول برای انجمن فراهم گردید.

از یکسال قبل تاکنون جلسات متعددی تشکیل تا برنامه‌ای برای تهیه مبلغ لازم جهت خرید این محل تنظیم گردد و تاکنون درحدود -/۸۰۰٫۰۰۰ ریال تهیه و بابت تغییرات ساختمان بمالك طبق مدارك ودفاتر موجود پرداخت گردیده. با مطالعاتی که در ظرف مدت مزبور بعمل آمد معلوم شد برای پرداخت بهای محل و تهیه اثاثیه و مخارج لازم و هزینه‌های بانکی در حال حاضر درحدود -/۵٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال لازم است که جز از طریق توسل به همّ عالیه برادران عزیز میسر نیست.

درجلسه روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۴۵ که باحضور ۲۰ نفر از اعضاء مؤسس وغیر مؤسس انجمن تشکیل گردیده بود با مطالعه دقیق و بادر نظر گرفتن تعداد اعضاء و امکانات مالی آنها اینطور بنظر رسید که اگر حداقل هریك از برادران ۲۰ هزار

ریال نقداً یابااقساط ماهیانه (باسفته) پرداخت وتعهدنمایند باوجوهی‌که باهمتهای عالی برادران دیگرکه دارای قدرت مالی بیشتر می‌باشند جمع‌آوری بانهد شود خواهند توانست انجمن ومالك محل را از مضیقه مالی‌رهائی بخشند و مرکزی را که‌از روی نقشه صحیح وهم‌آهنگ بامنویات انجمن ساخته و پرداخته شده است نگاهداری نمایند ، ضمناً باستحضار برادران عزیز می‌رساند که انجمن باتهیه این محل مرکزی‌هم برای‌دیدار دسته‌جمعی برادران ودیدوبازدید اعیاد فراهم‌ساخته ودرنظر دارد وسائل‌پذیرائی‌ناهار وشام وبوفدآ برومند تهیه نماید که‌اقلاًبرادران ماهی چندبار بتوانند ناهار یاشام دوستانه وبرادرانه درآنجاصرف نمایند .

برای انجام مقاصد فوق دست توسل به عنایت برادران عزیز دراز کرده و بوسیله برادران علاقمندکه از راه محبت و اشتیاق عهده‌دار جمع آوری وجوه و سفته‌ها شده‌اند بشما مراجعه خواهدشد ویقین داردکه همت عالی وتصمیم شایسته شما انجمن رادر راه مقصودی‌که در جهت نفع برادران و حفظ آبروی آنها است موفق خواهد ساخت .

انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی

انجمن زکریای رازی

درسال ۱۳۴۳ (۱۹٦٤- م) ، سازمان‌های فراماسونری انگلیسی ، درصدد برآمدند نام باشگاه رازی را به«انجمن طرفداران حکیم‌زکریای رازی» تغییر داده وهمه فعالیت‌ها و دعوتنامه‌ها و کارهای ماسونی لژهای تابعه را تحت عنوان نام جدید ازسرگیرند . برای‌انجام این منظوراز بیست وسه نفرازفراماسونها عضو لژتهران -که نخستین لژ انگلیسی درایران است دعوت بعمل‌آمد ، وآنان بدین شرح وبه‌عنوان هیئت مدیره انتخاب شدند .

۱- دکتر احمد امامی -۲- دکتراحمد علی احمدی -۳- دکتر محمد حسن نوران -٤- رضا جعفری -٥- مهندس حسین شقاقی -٦- دکتر پرویز کاظمی -۷-

حسین اشرف سمنانی ۸ـ حسنعلی حکمت ۹ـ مصطفی عامری ۱۰ـ دکتر غلامرضا کیان ۱۱ـ حاج سید ذبیح‌الله ملکپور ۱۲ـ حسن صابرزاده ۱۳ـ عباسقلی عرب شیبانی ۱۴ـ دکتر علی‌اصغر خشایار ۱۵ـ دکتر احمد علی‌آبادی ۱۶ـ محمد مجلسی ۱۷ـ اسدالله موسوی ۱۸ـ دکتر علی پرتو ۱۹ـ دکتر مهدی ذوالریاستین ۲۰ـ دکتر رحمت مرشدزاده ۲۱ـ عیسی بهزادی ۲۲ـ محمد تقی خستو ۲۳ـ فتح‌الله فرود .

هیئت مؤسس ، نخستین جلسه انجمن حکیم زکریای رازی را روز ششم اسفند ۱۳۴۳ـ در محل محفل فراماسونری انگلیسی واقع در خیابان انوشیروان دادگر تشکیل داد و افراد زیر را به عنوان هیئت مدیره انجمن انتخاب کرد :

هیئت مدیره اصلی : مهندس حسین شقاقی ـ فتح‌الله فرود ـ ذبیح‌الله ملک‌پور ـ محمد مجلسی ـ مصطفی عامری

اعضاء علی البدل : دکتر احمد امامی ـ رضا جعفری ـ اسدالله موسوی .

بازرسان : دکتر علی‌اصغر خشایار ـ عباسقلی عرب شیبانی

اعضاء هیئت مؤسس و هیئت مدیره پس از اینکه انتخاب شدند ، سه نسخه صورت مجلس تأسیس انجمن را امضاء کردند که دو نسخه آنرا طبق ماده ۱۲۷ اساسنامه برای کسب اجازه به شهربانی کل کشور ـ اداره ثبت شرکتها فرستادند و نسخه سوم را برای بایگانی در لژ فراماسونری تهران ضبط کردند .

شعبه انجمن رازی در خوزستان

همانطوریکه قبلا گفته شد، فراماسونها وقتی تصمیم می‌گیرند، دریکی از شهرها لژماسونی تأسیس کنند ، قبلا در آن محل «باشگاه» ویا «انجمن» بوجود می‌آورند، که ظاهراً هیچ ارتباطی باسازمان پنهانی و مخفی ماسونی ندارد . این تشکیلات که درسازمان های دولتی، شهربانی و اداره ثبت شرکتها به ثبت می‌رسد و برای فعالیت

آنهاکسب اجازه رسمی می‌شود، پایه و اساس فعالیت‌های بعدی فراماسونی خواهد بود. و لژ های انگلیسی که همواره سعی دارند در مناطق نفتی لژ هـای ماسونی تأسیس و اعضاء این لژها را حافظ منافع غارتگران نفت نمایند، موفق شدند از استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند اجازه تأسیس لژی بنام (خوزستان شماره ۱۶۲۳) را در شهر اهواز کسب‌کنند. قبل از تأسیس و یا باصطلاح فراماسونها «تنصیب و یاتقدیس» لژ مذکور ابتدا شعبه انجمن رازی رادراین شهر بوجودآوردند. اجازه تأسیس لژ مذکور روز ۲۲ مرداد ۱۳٤٦ از طرف هیئت مدیره انجمن رازی صادر شده و روز دهم آذر ۱۳٤٦ به نصرالله آذری عضو مؤسس لژ های فراماسونهای تهران وکورش اختیار داده شدکه شعبه انجمن را در اهواز به ثبت برساند آگهی ثبت و تأسیس این انجمن روز ۱٤ اسفند ۱۳٤٦ در روزنامه صدای مردم منتشر گردید، که تاامروز نیز این انجمن درآن‌شهر فعالیت می‌کند.

انتقاد از مؤسسین انجمن رازی

پس از انتشار آگهی ثبت «انجمن زکریای رازی» درروزنامه‌ها، آقای محمد جناب‌زاده که از محققان و نویسندگان ایران است وسالها در رأس مقام های قضائی در دادگستری ایران بوده وهت، یك‌مقاله انتقادی درباره تشکیل انجمن مذکور بوسیله اشخاصی که‌نام آنها در آگهی برده شده بود، نوشت. ایشان بدون اینکه از هویت و هدف اصلی فراماسونها اطلاع داشته باشد، در روزنامه‌کوشش(۱) چنین می‌نویسد:

انجمن نوزاد حکیم زکریای رازی؟!

یکی‌ازدوستان‌نقل‌می‌نمودکه انجمنی‌بنام (انجمن‌طرفداران حکیم زکریای رازی) تشکیل شده واز اداره ثبت شرکت‌ها ومالکیت صنعتی تقاضای ثبت رسمی شده‌است.

پرسیدم غرض ازتشکیل چنین انجمنی آنهم باچنین نام‌چه می‌باشد؟

ایشان اظهار داشتندکه موضوع بزرگداشت عالم وفیلسوف و طبیب عالیقدر

---

(۱) روزنامه‌کوشش شماره ۲۱۹۲۹ ـ شهریور ۱۳٤٤

ایرانی محمد زکریای رازی و ترویج کتب و کشفیات عالم مزبور در ایران و جهان است .

گفتم البته آقایان مؤسسین انجمن میدانندکه زکریا بنا به تحقیق کمال و معرفتی نداشته، و بهمین دلیل فرزند خود (محمد) را دنبال کسب و کاری مانند زرگری و صرافی وغیره گسیل داشته است و این اشتباه را که درعنوان انجمن شده در بیان موضوع باافزایش کلمه (محمد) مرتفع نموده‌اند .

دوست من عده‌ای از اعضاء انجمن را معرفی نمود .

نخست چنین گمان داشتم که انجام این کار مهم مشترك را باید اهل فن یعنی پزشکان حاذق و روانشناسان و آگاهان بعلوم طب نفسانی و داروشناسی و دانشمندان حکمت و فلسفه بعهده گرفته باشند و جای بسی خوشوقتی و مباهات است که چنین فکری بمرحله عمل رسیده و ما را در آینده نزدیك از تتبعات خاورشناسان که بالاخره از روی ناچاری و پراکندگی منابع تحقیق نزد ما نیازمند آنان نموده است و اقوالشان برای عموم خواه دلیل و حجت قرار گرفته و طوعا و کرها باید آنچه گفته‌اند و نوشته‌اند بپذیریم آسوده خواهد ساخت و براستی چرا باید ما بزرگان خودمان را از حکماء و عرفا و ادبا و شعرا و اطباء و هنرمندان و نقاشان و معماران و مهندسان از دریچه دیدگان بیگانگان بشناسیم ؟ این اقدام کار بسیار مفید و ثمر بخشی است و البته مستلزم دقت و فرصت زیاد و مخارج لازم و اطلاعاتی عمیق و جامع و عشقی سوزان و نه تنها درمورد محمد زکریای رازی بلکه نسبت بتمام بزرگان این سرزمین باید یك روش صحیح که اصول و نوع عمل و تحقیق را دیگرانی که دراین کار برما پیشی گرفته‌اند نشان داده و درحقیقت راه را تادرجه هموار ساخته‌اند .

ولی اگر بخواهیم تسلیم نظرات دیگران شویم و کارهای شده را بصورت ناقص و تبلیغاتی درآوریم بیفائده بلکه زیان آور است .

نام کسانی را که مؤسس این انجمن شده‌اند غالباً شنیده‌ایم ولی تخصص و اطلاعات هریك از آقایان که بعنوان هیئت مدیره معرفی شده‌اند دررشته‌ها و علوم و کارهای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دیگری است که ارتباطی باموضوع سخن درباره محمد زکریای رازی ندارد .

ولی این گمان و پندار موجود است که شاید ۲۱ نفر دیگر که نامشان درج نشده از میان دانشمندانی واجد صلاحیت برگزیده‌شده باشند ودرغیر این‌صورت اشتغال باین کار علاوه بر آنکه آنها را از اشتهار و هنر مخصوص خودشان باز میدارد در این‌راهی که پیش گرفته‌اند توفیقی نخواهند یافت مگر آنکه (نعوذبالله) دررشته های پزشکی وادبی‌وفلسفه ایرانی هم قصد انحصار واحتکار درمیان باشد تا بعنوان تشکیل انجمن طرفداران فلان دانشمند سایر دانشجویان و فرهنگ پژوهان ازمطالعه ومراجعه ومباحثه واظهار نظرفی‌المثل درباره محمدزکریای‌ـ رازی ممنوع باشند وتحقیقات ونوشته‌های آنان تاوقتیکه مورد تائید واقع نشود درمطبوعات منعکس نگردد .

دوست من گفت این بدگمانی شما برای چیست ؟

گفتم مارگزیده از ریسمان سیاه می‌ترسد ومن ایام و روزگارانی را دیدم‌که هنگامیکه می‌خواستم درباره آثارسعدی بحث‌کنم‌وکتاب بنویسم مواجه باطلسمات عجائب وهفتخوان رستم‌گشتم وراهنمایان‌نامه نگاری برای اینکه مهر(روا)روی نوشته‌های من بزنند حتی‌گفته سعدی‌راهم اصلاح می‌نمودند وقسمت زیادی از نثر ونظم استاد سخن را حذف می‌کردند...

درهرحال اگردر زیرنام انجمن قصد تجارت در میان است امری جداگانه است .

ولی تحقیق و تدقیق در آثار رازی و سایر بزرگان ثبت رسمی و انحصاری نمی‌خواهد کاشفان ومخترعان و هنرمندان ومؤلفان ومحققان حق دارند از قانون مالکیت صنعتی بهره‌مند شوند وطلب انحصار نمایند .

ولی هیچ قانونی اجازه نمی‌دهدکه جمعی بیایند وبعنوان طرفداران حکیم زکریای رازی دربست مالك تألیفات وتحقیقات (محمدزکریای رازی) شوند وزیر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

این‌نام عکس‌العملی بوجود آیدکه هیچکس درباره این مرد بزرگ افتخار ایران وسرشناس درفرهنگ‌جهان‌درکشور ماوارد بحث‌ومطالعه نگردد وتنهاخاورشناسان که اجبار به متابعت از این حق‌انحصاری انجمن ندارندکماکان درکار خویش آزاد ودستشان باز باشد .

در فراخنای جهان متمدن‌که از برکت تعمیم فرهنگ دیو خود خواهی و نادانی فراری شده هنوز انحصار طلبی واحتکار موروثی بانواع واشکال برنك روز درافکار واخلاق افراد باقی است .

شاهنشاه بزرك ماباانقلاب ششم‌بهمن ۱۳۴۱ هرنوع انحصار مذموم را درهم شکستند وبهمه افراد آزادی عطا فرمودندکه هرکس درشغل ومقام خودروی دانائی وعقل وخرد پیش برود وبمدارج لیاقت و شایستگی خود برسد .

اماکسانی‌درمیان‌ماوجود دارندکه برای‌نومیدنمودن نسل‌جوان ومحرومیت آنان ازتعلیمات عالیه حتی حق تحقیق مستقل درباره بزرگان نقشه های عجیب و غریب‌طرح‌می‌کنند .

البته این نقشه های انحصار طلبی نقش برآب است و هیچکس حق ندارد فرهنگ وآثار بزرگان راهرچند به ثبت رسمی برسد حق‌مطلق خود بداندوچرا بایداشخاصی‌که درکارهای خاصی‌صلاحیت‌دارند ازدائره خویش‌گام فراتربگذارند وبکارهای افراد صالح دستبرد بزنند؟

اگر درجامعه ماماننـد جوامع مترقی هرکس بکار خود مشغول باشد و همه نخواهند همه‌کاره، ولی وقتی‌فی‌المثل عطارسیمان وهندوانه ومنسوجات می‌فروشد ودارو‌فروش‌کتاب فروشی راهم ضمیمه‌کار خودمی‌نماید نه‌عطار درکارش توفیق‌پیدا می‌کند نه داروفروش وکذافعلل وتفعلل.

(پایان)

اینك عین اساسنامه انجمن رانقل می‌کنیم :

۲ ـ هیئت مدیره .

۳ ـ مدیر عامل .

٤ ـ هیئت نظار یابازرسان .

ماده ۹ ـ شوری از اشخاص مذکور در ماده ۷ تشکیل ودرصورت فوت یااستعفا هر یك جانشین او ازطرف شورای مزبور در جلسه‌ای‌که منظماً تشکیل شده باشد بارأی اکثریت دوسوم (دو ثلث) نسبت بتعداد کل انتخاب خواهدشد وتعداد اعضاء شوری علاوه برمؤسسین برحسب احتیاج به پیشنهاد هیئت مدیره وبه ترتیب مزبور قابل افزایش است.

ماده ۱۰ ـ کلیه معاملات غیرمنقول بنام انجمن باید بتصویب شوری رسیده باشد ولی سایر معاملات ضروری انجمن باتصویب هیئت مدیره یادرحدود اختیاراتیکه هیئت مدیره بدهد انجام خواهد یافت.

ماده ۱۱ ـ شوری درهرسال لااقل یکبار برای شنیدن گزارش هیئت مدیره وبازرسان وتصویب ترازنامه وبرنامه عمل انجمن وانتخاب بازرسان تشکیل وهمچنین درهرموقع که هیئت مدیران (بااکثریت آراء) یاهیئت بازرسان (باتفاق آراء) وبا یك ربع تعداد اعضای شوری ضروری دانسته ودعوت نمایند تشکیل می‌گردد.

تبصره ـ حضور دوثلث اعضاء برای رسمیت یافتن جلسه شوری ضروری است وتصمیمات بااکثریت آراء حضار اتخاذ می‌گردد ولی چنانچه برای موضوعی دعوت بعمل آید ودرمرتبه اول اکثریت دوسوم حاصل نشود جلسه بعد بفاصله لااقل ده روز بوسیله دعوت نامه و اعلان در روزنامه کثیرالانتشار دعوت می‌شود و در این جلسه باهر تعداد از اعضاء که حضوریابند تصمیمات بااکثریت آراء حضار اتخاذ می‌گردد باستثنای تغییر اساسنامه وانحلال انجمن وتعیین عضوجدید شوری که اینموضوعات در همین جلسه بدون موافقت دو ثلث از تعداد اعضاء شوری میسر نخواهد بود و درهردعوت که ازاین شوری بعمل می‌آید باید دستور جلسه دردعوتنامه قیدگردد.

ماده ۱۲ ـ هیئت مدیره وبازرسان انجمن ازطرف شوری از بین اعضاء آن

انتخاب می‌گردند ودرمقابل آن مسئول می‌باشند .

ماده ۱۳ ـ تعداد اعضاء هیئت مدیره پنج نفراست واین هیئت دارای سه نفر اعضای علی‌البدل نیز خواهد بود وکلیه آنها برای‌مدت سه سال انتخاب می‌گردند ودرصورت فوت یااستعفای هریك درظرف سه سال جانشین او نیز باید ازطرف شوری انتخاب گردد .

ماده ١٤ ـ هیئت مدیره مسئول حسن انجام امور انجمن بوده ولااقل ماهی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد ودراولین جلسه باید از بین اعضای خود یکنفر رئیس ـ یکنفر دبیر و یکنفر خزانه‌دار برای انجمن انتخاب نماید وهمچنین باید درهمین جلسه یکنفر مدیر عامل برای انجمن یا خارج با رأی مخفی برای مدت سه سال انتخاب گردد .

تبصره ـ دبیروخزانه دار درظرف مدت مأموریت خود جزدر صورت فوت یا استعفاء و یا بنا به تصویب شوری قابل تعویض نخواهند بود ولی مدیر عامل در هرموقع از طرف هیئت مدیره قابل تعویض است و نیز هیئت مدیره می‌تواند یکنفرکمك خزانه دار از اعضاء انجمن یاازخارج انتخاب کند .

ماده ١٥ ـ هیئت‌مدیره بدعوت‌رئیس آن ویابدعوت دبیروخزانه‌دار(توأماً) و یا بدعوت مدیر عامل باید تشکیل‌گردد . این هیئت باحضور چهار نفر از اعضاء رسمیت یافته وتصمیمات باکثریت سه نفر اتخاذ می‌گردد و درصورت تساوی آراء تصمیم طرفی‌که رئیس هیئت‌مدیره در آن واقع است قابل اجرا خواهد بود .

ماده ١٦ ـ مدیرعامل در مقابل هیئت مدیره مسئول است و مأمور حسن اداره انجمن درحدود اختیاراتیکه ازطرف هیئت‌مدیره معین‌می‌شودبوده ومسئول حفظ وحراست کلیه دارائی منقول و غیرمنقول انجمن وانتظام امورآن می‌باشد و برکلیه مستخدمین وحقوق بگیران انجمن ریاست دارد .

ماده ۱۷ ـ کلیه دریافتیهای انجمن بخزانه‌دار انجمن تحویل وپرداختها با امضای خزانه‌دار ومدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره انجام می‌پذیرد .

خواهد شد . این هیئت از این ببعد دراین اساسنامه شوری نامیده می‌شود .

ماده ۸ ـ سازمان انجمن عبارت‌است‌از :

۱ ـ شوری

ماده ۱۸ ـ مدیرعامل با تصویب هیئت مدیره یا درحدود اختیاراتیکه باو داده شده حق استخدام برای انجمن دارد ولی پرداخت حقوق باید درحدود بودجه ومصوبات هیئت مدیره باشد و درصورت اختلاف نظر بین مدیرعامل و خزانه‌دار و همچنین در صورت غیبت هریك از آنها رئیس هیئت مدیره با امضاء خود رفع اختلاف نموده و یا بجای یکی از آن دونفر حوالجات و چکها و اوراق بهادار را امضاء خواهد نمود .

ماده ۱۹ ـ کلیه وجوه نقدی انجمن بیش از یکهزار ریال باید ببانکی که مورد تصویب هیئت مدیره واقع باشد سپرده شود وامضاهای رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل وخزانه‌دار هرسه ببانك مزبور معرفی گردد تاچکها بامضای دو نفر از آنها قابل پرداخت باشد .

تبصره ـ مسئول تنظیم ترازنامه سالیانه انجمن مدیرعامل است .

ماده ۲۰ ـ شوری به‌پیشنهادهیئت مدیره یا پنج نفرازاعضاء خود آئین‌نامه وکمیسیونهائی را که ضروری بداند تعیین وتصویب خواهد نمود و هیئت مدیره و مدیرعامل مأمور اجرای تصمیمات شورای مزبور می‌باشد .

ماده ۲۱ ـ هیئت نظار یا بازرسان مرکب از دو نفر است که از بین اعضاء شوری یا از بین سایراعضاء انجمن برای مدت یکسال انتخاب می‌کردند .

ماده ۲۲ ـ نظار یا بازرسان بکلیه اوراق و اسناد ودفاترانجمن حق رسیدگی داشته وموظفند این بازرسی را بطورمنظم لااقل ماهی یکبارانجام وگزارش سالیانه خود را از برای شوری تهیه ولااقل پانزده روز قبل ازتاریخ جلسه سالیانه شوری یك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند و این گزارش باید قبل از تاریخ جلسه سالیانه شوری تهیه ویك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند واین گزارش باید قبل از تصویب ترازنامه و تصویب گزارش هیئت مدیره و درجلسه سالیانه شوری قرائت‌گردد. بازرسان متفقاً در مواقع پیش‌آمدهای مهم می‌توانند هیئت مدیره شوری را برای تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نمایند .

ماده ۲۳ ـ انحلال انجمن درحکم تغییر اساسنامه بوده وحد نصاب آراء برای تصویب آن دو سوم تعداد اعضاء اصلی شوری می‌باشد .

ماده ۲٤ ـ درصورت تصمیم بانحلال انجمن سه نفر یـا بیشتر از بین اعضاء شوری یا ازخارج انتخاب می‌گردند که بتصفیه مأمور انجمن اقدام خواهند نمود و مازاد دارائی انجمن پس‌از انحلال وتصفیه بیکی از انجمن‌هائیکه مقاصدی نظیر موضوع انجمن داشته یا بمنظور امور خیریه تشکیل یافته باشند از طرف شوری ویا تصویب آن اختصاص داده خواهد شد .

ماده ۲۵ـ نسبت بمسائلی‌که دراین‌اساسنامه پیش‌بینی‌نشده به‌پیشنهاد هیئت مدیره وتصویب شوری اخذ تصمیم خواهد شد .

ماه ۲٦ ـ این انجمن مطلقاً درامور سیاسی مداخله نخواهد نمود .

ماده ۲۷ ـ کلیه تغییرات حاصله درمواد این اساسنامه و یا تدوین و تنظیم آئین‌نامه اجرائی آن با مقررات جاریه کشور مغایرتی نداشته وپس از اطلاع و تصویب مراجع صالحه بمورد اجراء گذارده خواهد شد .



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

(۲)



لژ کورش شماره ۱۵۷۴

تابع قانون اساسی اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ کورش شماره ۱۵۷۴

سومین لژ فارسی زبان وابسته به گراند لژ اسکاتلند، لژ کورش شماره ردیف ۱۵۷۴ می‌باشد. این لژ انگلیسی را می‌توان کانونی برای پذیرش اعضای جدید سایر تشکیلات فراماسونی انگلیسی دانست. زیرا برخلاف لژ خیام که در آن تحصیل کرده‌ها و روشنفکران عضویت دارند، در این لژ اشخاص رنگارنگ با افکار و عقاید و مشاغل گوناگون وحرف مختلف گرد هم آمده‌اند.

فرمان تأسیس لژ کورش در ۱۴ اگست ۱۹۶۰ از طرف استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند، صادرشده و در ۹ آذر ۱۳۳۹ در تهران در کاخ بنایان آزاد (کلیسای انجیلی) زیر نظر استادان انگلیسی لژ روشنائی در ایران گشایش یافته است. در سالنامه سال ۱۹۶۱ نام این لژ در ردیف سایر لژهای جهانی اسکاتلند ثبت گردیده و از سال بعد نخستین رابطین لژ در انگلستان وایران بدین شرح معرفی شده‌اند:

John Mitchell, CBE, T.D., 9 Atholl Crescent, Edinburg, 3 P. A. Melrose, Viewbang, Gilmerton, Edinburg, q Frederick T. Farr-nant, 382 Holborn Street, Aberdeen. Hormoz Pirnia, AV. Lalezar-now, Kucheh, Pirnia Tehran.

بنیانگزاران لژ کورش که در نشریه‌های رسمی این لژ معرفی شده‌اند به‌شرح زیر می‌باشند:

۱- برادر دکتر علی پرتو

۲- برادر دکتر جعفر جهان

۳- برادر دکتر رحمت مرشدزاده

۴- برادر حسین رامتین

۵- برادر دکتر مهدی ذوالریاستین

۶- برادر احمد افخمی

۷- برادر علیرضا هروی

۸- برادر دکتر احمد توکلی

۹- برادر مهندس علی‌اصغر بختیار

۱۰- برادر یوسف مازندی

۱۱- برادر فتح‌الله فرود

۱۲- برادر کیقباد ظفر

۱۳- برادر مهندس حسین شفاقی

۱۴- برادر دکتر عبدالحسین راجی

۱۵- برادر دکتر ارفع‌السلطنه فرخ

۱۶- برادر هرن

۱۷- برادر دکتر گزنی

۱۸- برادر صالح چتایات

۱۹- برادر ادوارد چتایات

لژ کورش در سومین چهارشنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی، تشکیل جلسه می‌دهد و همانطور که گفته شد، لژهائی که در تهران یا یکی از شهرهای ایران تشکیل می‌شود، ابتدا اعضای آن در این لژ پذیرفته شده، سپس به سایر لژها منتقل می‌شوند.

در دوران فعالیت هشت ساله لژ مذکور تاکنون، چندین « استاد ارجمند » که یکی از مقامات عالی فراماسونی است، درین لژ پذیرفته شده‌اند که برای نمونه تشریفات ورود دو نفر از استادان را از نشریه بسیار محرمانه خود آنها نقل می‌کنیم:

لژ اعظم اسکاتلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی
لژ کورش شماره ۱۵۷۴
تنصیب
برادر دکتر مهدی ذوالریاستین

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لژ

بوسیله
برادر دکتر علی پرتو
استاد ارجمند تنصیب کننده
در محل لژ

در تاریخ چهارشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳٤۲

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مراسم تنصیب

۱- لژ کورش شماره ۱۵۷۴ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲- رئیس تشریفات تنصیب‌کننده برادر ارجمند دورابجی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید .

۳- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعین شده ایراد می‌نماید .

۴- حضرت‌استاد ارجمندپیشین‌تکالیف ومقررات باستانی‌راقرائت می‌نماید.

۵- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم آراء سوکند استاد انتخاب شده را انجام می‌دهد .

۶- کارآموزان از لژخارج می‌شوند. لژ بدرجه دوم برده می‌شود .

۷- کاریاران از لژخارج می‌شوند . لژبدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .

۸- استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردند.

۹- تنصیب

۱۰- لژدردرجه سوم ادامه داده می‌شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند .

۱۱- بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌گردد .

۱۲- لژبدرجه دوم‌تنزل‌داده می‌شود وکاریاران‌بداخل‌لژپذیرفته می‌گردند.

۱۳- بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۴ـ لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردد .

۱۵ـ بحضرت استاد ارجمند ازجنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی باو ارائه می‌گردد .

۱۶ـ فرمان وقانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه و تحویل می‌شود .

۱۷ـ سایرافسران لژ سوگند یاد می‌نمایند وبا دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۱۸ـ حضرت استاد بسیار ارجمند برادر عباسقلی گلشائیان جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می‌نماید .

۱۹ـ حضرت استاد ارجمند برادر رشیدی حائری جهت سرپرست‌ها خطبه ایراد می‌کند .

۲۰ـ حضرت استاد ارجمند برادر دکتر جعفر جهان برای برادران خطبه ایراد می‌نماید .

ـ خواندن دعا بوسیله خطیب .

ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده‌کوبه راکه علامت قدرت است‌بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۲۱ـ حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد .

۲۲ـ لژبنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

اسامی استادان ارجمند تنصیب کننده

۱ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده   برادر دکترعلی پرتو

۲ـ حضرت‌استادارجمندپیشین‌تنصیب‌کننده   برادر حسین شفاقی

۳ـ سرپرست ارجمند اول تنصیب کننده   برادر فتح‌الله فرود

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب‌کننده	برادر دکتر رحمت مرشدزاده
۵- رئیس تشریفات تنصیب‌کننده	برادر دورابجی
۶- دربان داخلی تنصیب‌کننده	برادر ارجمند صالح چنایات
۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده	برادر ارجمند اوانسوف

تشریفات مقام استادی مهندس جعفر فزونی

برای نشان دادن تشریفات داخلی لژ کورش، مراسمی که در ارتقاء مقام استادی مهندس جعفر فزونی نیز در روز ۴ آذر ۱۳۴۳ انجام گردیده، عیناً از رساله چاپ شده، نقل می‌کنیم.

اسامی استادان ارجمند تنصیب کننده :

۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده	برادر بسیار ارجمند دکتر علی پرتو
۲- حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب کننده	برادر ارجمند دکتر مهدی ذوالریاستین
۳- سرپرست ارجمند اول تنصیب کننده	برادر ارجمند فتح‌الله فرود
۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده	برادر ارجمند دکتر محمود ضیائی
۵- رئیس تشریفات تنصیب‌کننده	برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
۶- نگهبان داخلی تنصیب‌کننده	برادر ارجمند دکتر احمدعلی احمدی
۷- نگهبان خارجی تنصیب‌کننده	برادر عامری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مراسم تنصیب

۱ـ لژکورش شماره ۱۵۷٤ ـ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲ـ رئیس تشریفات تنصیب‌کننده برادر ارجمند مهندس حسین شفاقی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید .

۳ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده ایراد می‌نماید .

٤ ـ حضرت استاد ارجمند پیشین تکالیف و مقررات باستانی را قرائت می نماید .

۵ـ حضرت‌استاد ارجمندتنصیب‌کننده مراسم یادکردن سوگنداستاد انتخاب شده را انجام می‌دهد .

٦ـ کارآموزان از لژ خارج می‌شوند . لژ بدرجه دوم برده می‌شود .

۷ـ کاریاران از لژ خارج می‌شوند : لژبدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .

۸ـ استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد .

۹ـ تنصیب .

۱۰ـ لژ درجه سوم ادامه داده می‌شود . استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند .

۱۱ـ به‌حضرت استاد ارجمند ازشرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌گردد .

۱۲ـ لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود وکاریاران بداخل پذیرفته می‌گردد.

۱۳ـ بحضرت استاد ارجمند ازغرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ارائه می‌گردد .

۱۴ـ لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کار آموزان بداخل لژ پذیرفته میگردد.

۱۵ـ بحضرت استاد ارجمند ازجنوب سلام داده می‌شود . وابزار کار آموزی باو ارائه می‌گردد .

۱٦ـ فرمان وقانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه وتحویل می‌شود .

۱۷ـ سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نمایند وبادریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۱۸ـ حضرت استادارجمندبرادردکترخشایارجهت‌استاد ارجمندخطبه‌ایراد می‌نماید .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر محمود هومن جهت سرپرستها خطبه ایراد می‌کند .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر امیرحکمت برای برادران خطبه ایراد می‌نماید .

۱۹ـ خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۰ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۲۱ـ استاد بسیار ارجمند پاسخ می‌دهد .

۲۲ـ لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

برنامه‌های ماهانه

در هریك از لژهای فراماسونی انگلیسی ، فارسی زبان برنامه‌های منظم ۹ ماهه تنظیم می‌شود که در روز و ساعات معین عیناً اجراء می‌گردد . برای نشان دادن طرزکار لژ کورش دوبرنامه ماهانه را نقل می‌کنیم :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ل. کورش. شماره ۱۳۳٤ ق. ا. ا.



تأسیس دسامبر ۱۹۶۰

ح. ا. ا.

برادر ارجمند ...... رضا جعفری ......

س. ا. ا.

برادر ارجمند ... دکتر محمود علومی

س. ا. د.

برادر ارجمند حسن مصطفوی

تهران بتاریخ ... ۲۵ اسفندماه .... ۱۳٤۴ جلسهٔ شمارهٔ .... ۸۰ ...... ل. درد رجه .... ۲ ...... کار میکند.

برادر گرامی :

بنا بامر ح. ا. ا. از آن برادر گرامی دعوت میشود که در جلسه عادی / فوق العاده ل. کورش که ساعت .... ۶½ بعداز ظهر روز ... چهارشنبه ۲۵ اسفندماه ...... ۱۳۴۴ مطابق با ... ۱۶ مارس ماه ... ۱۹۶۶ میلادی در محل انجمن رازی واقع در خیابان شاهرضا خیابان انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشکیل میشود حضور بهمرسانید .

دبیر ل.

دکتر ذوالریاستین

برنامهٔ کار

۱ ـ افتتاح کارگاه .

۲ ـ قرائت دعوتنامه . و صورت جلسه عادی ۲۰ بهمن ماه و صورت جلسه فوق العاده ۱۱ اسفند

۳ ـ قرائت صورتجلسه کمیته تحقیق وامور عمومی.

٤ ـ ...... ارتقاء .. آقایان مطروحه زیر : برادر دکتر کمال الدین ارمین و دکتر یگانه حائری و مهندس هوشنگ فردوس

۵ ـ قرائت و اخذ رأی بدرخواست عضویت بیگانگان ۱ـ عیسی سالارجزایری ـ متولد بم سال ۱۲۹۹ ساکن کوی کاخ خیابان جلال ۲۶/۱ معرف برادر حسین مصطفوی واستاد ارجمند رضا جعفری ۲ ـ محمد کشاورزیان ـ معاون پارلمانی وزارت صنعت و معادن متولد ملایر سال ۱۲۹۹ ساکن خیابان امیر ابراهیم شماره ۱۹ معرف برادر حسین مصطفوی و دکتر طاهر میهان ۳ـ دکتر سید محمد طباطبائی مدیر کل بیمه قانونی متولد سال ۱۲۹۸ ساکن ۱۹۶ خیابان فرصت معرف برادر دکتر علومی و حسن مصطفوی ٤ـ هادی اویسی معرف دکتر مرشد زاده و دکتر ذوالریاستین

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژکورش شماره۱۵۷۴ ق . اس اسکاتلند
تأسیس دسامبر ۱۹۶۰

استاد ارجمند لژکورش
برادردکتر محمودعلومی

س . ارجمند اول
برادر حسن مصطفوی

س . ارجمند دوم
برادر حسن صابرزاده

برادرگرامی

بنابامر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می‌شود در جلسه عادی شماره ۹۳ لژ محترم‌کورش که درساعت شش‌ونیم بعدازظهر روزچهارشنبه۳۱ خـرداد ماه ٤٦ مطابق با ۲۱ ژون ۱۹٦۷ در محل انجمن رازی واقع در بن بست انوشیروان دادگر تشکیل می‌گردد حضور بهمرسانند .

لژ در درجه ۳ کارمیکند
لباس اسموکینگ یاتیره

دبیرلژکورش
ف. طباطبائی

برنامه کارها

۱ ـ افتتاح لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه وصورتجلسه‌عادی شماره ۹۲ وصورتجلسه‌کمیته‌تحقیق وامور عمومی مورخه دهم خردادماه ۱۳٤٦

۳ ـ ارتقاء برادران مسعود عرب شیبانی ودکترحسین داودی و هرمزدیار ـ ورهرامیان ومهندس‌علی اصغر اربابی به درجه۳ استادی

٤ ـ اخذرأی نسبت بورود داوطلبان (سید علی‌اکبر طباطبائی رئیس دادگاه شعبه ۳ دیوان‌کیفرمتولد سال ۱۲۹۸ ساکن خیابان‌نصرت غربی‌شماره۱۹٦۰ ـ تلفن‌ـ ۹٤۸۷۹ بمعرفی‌برادران جعفرقزوینی ودکتر علومی (۲ دکتر سیدعلی‌افقه مدیرکل اداره اعزام محصل‌متولد ۱۳۰۲ ساکن‌خیابان ٤۰ متری نواب‌ـکوچه عقیلی شماره

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ کورش
شماره ۱۵۷٤ ل ۱۰. اس

تهران ـ بتاریخ ۱۷/۱۰/۴۱
آقای عزیز و برادر گرامی [illegible]
بدستور استاد ارجمند از آن برادر محترم دعوت میشود که در جلسه عادی لژ محترم کورش:
که در ساعت شش بعد از ظهر ۲۶/۱۰/۴۱ مطابق ۱۲/۱/۹۴
در محل لژ تشکیل میشود حضور بهمرسانید
لژ در درجه ۱ کار میکند
لباس اسموکینگ
دبیر

۱۲ تلفن ۹۵۳٤٤٤ بمعرفی برادر کاظم فشارکی طباطبائی و تائید برادر ارجمند دکتر پرتو (۳ دکتر احمد عاطفی معاون وزارت بهداری متولد سال ۱۳۰۰ ساکن یوسف آباد خیابان محمدرضاشاه تلفن ۶۲۵۷۸۰ بمعرفی برادران دکتر علومی و جعفر فزونی.

۵ ـ گردانیدن کیسه خیریه

٦ ـ بستن لژ بنحو مقرر و باستانی

از ازمنه قدیمه در بنائی آزاد رسم براین بوده است که هیچ بنای آزاد نمی‌تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتیکه برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه محظور شدید و غیر قابل اجتنابی داشته و محظور او برای استاد ارجمند لژ مسلم شده باشد.

اقتباس از تکلیف باستانی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دوره اجلاسیه ۱۳۴۳-۱۳۴۴

لژکورش شماره ۱۵۷۴ق ا. اس-تهران

استاد ارجمند لژکورش

برادرمهندس جعفر قزوینی

سرپرست ارجمند اول — سرپرست ارجمند دوم

برادر رضا جعفری — برادر دکتر محمود علوی

آقای محترم وبرادر عزیز

بنا بامر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می‌شود درجلسه عادی لژکورش که درساعت شش بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۳ مطابق باهفدهم‌مارس۱۹۶۵درمحل‌جدید باشگاه خیابان شاهرضا- خیابان‌بن‌بست-جنب انوشیروان دادگر - کوچه دست چپ شماره ٦٦ - تشکیل می‌گردد حضور بهمرسانید.

دبیر لژ کورش

مهندس عنایت بهبهانی

لژدر درجه ۱ - کار می‌کند

لباس: اسموکینگ بانیره

برنامه‌کارها

۱ - قرائت دعوتنامه

۲ - قرائت صورت جلسه عادی مورخه ۴۳/۱۱/۲۸ و اخذ رأی

۳- قرائت صورت جلسه‌کمیته تحقیق و امور عمومی مورخه ۴۳/۱۲/۱۲ و اخذ رأی.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

٤ ـ قرائت درخواست ورود بیگانگان : محمد جواد مرید بازرگان مقیم اهواز ـ معرف برادر سید محمدعلی مرتضوی و برادرصدری کیوان ـ ساکن اهواز مهندس منوچهر ایازی رئیس کل کشاورزی خوزستان ـ معروف برادر علی‌اصغر محمدی وبرادر مهندس کمال‌الدین موسوی ـ فعلا ساکن اهواز ـ دکترسید ضیاء ـ امام ، دکتر درطب ، معرف برادر مهندس سلطانی وبرادر مهندس موسوی ـ ساکن اهواز .

٥ ـ اخذ آرا نسبت به ورود بیگانان : دکترکمال‌الدین آرمین ـ دکترحسن هاشمیان ومهندس محمد قره‌گزلو .

٦ ـ انجام تشریفات ورود بیگانگان محمد مهدی لاری زاده و سیدکاظم فشارکی طباطبائی

۷ ـ گرداندن کیسه خیریه

۸ ـ بستن لژ

شام برادرانه درمحل لژ صرف خواهد شد

از ازمنه قدیمه درآئین بنائی آزاد رسم براین بوده است که هیچ بنای آزاد نمی‌تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتی‌که برای حضور دعوت شده باشد . مگراینکه محظورشدید وغیرقابل اجتنابی داشته وعدم‌حضوراو برای استادارجمند لژ مسلم شده باشد .

اقتباس از تکلیف باستانی

انتخابات سالانه

همانطوریکه گفته شد ، درآغاز هرسال فراماسونری عده‌ای بنام «افسران اداره کننده لژ» ها بارأی مخفی اعضاء هرلژ انتخاب می‌کردند. افسران لژهریك دارای مقامات ومشاغل مختلفی‌هستندکه رایگان وظائف محوله را انجام‌می‌دهند. درزیر افسران‌پنج‌دوره پنجساله لژکورش‌را نقل می‌کنیم :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

صورت اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره اول لژمحترم کورش

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	دکتر علی پرتو
۲ ـ قائم مقام استاد	دکتر جعفر جهان
۳ ـ معاون استاد	مهندس قباد ظفر
٤ ـ سرپرست اول	دکتر مرشدزاده
٥ ـ سرپرست دوم	حسین رامتین
٦ ـ دبیر	دکتر نوالریاستین
۷ ـ خزانه‌دار	احمد افخمی
۸ ـ خطیب	دکتر عبدالحسین راجی
۹ ـ راهنمای اول	علی‌رضا هروی
۱۰ ـ راهنمای‌دوم	دکتر احمد توکلی
۱۱ ـ مدیر تشریفات	فتح‌اله فرود
۱۲ ـ کتاب بر	دکتر ارفع‌السلطنه فرخ
۱۳ ـ نگهبان‌داخلی	مهندس علی‌اصغر بختیاری
۱٤ ـ نگهبان خارجی	یوسف مازندی

اسامی حضرت استاد ارجمند وافسران

دوره دوم لژ محترم کورش

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	برادر دکتر رحمت مرشدزاده
۲ ـ حضرت استاد پیشین	برادر دکتر علی‌پرتو
۳ ـ قائم مقام استاد	برادر دکتر فرخ
٤ ـ سرپرست اول	برادر حسین رامتین
٥ ـ سرپرست دوم	برادر دکتر مهدی ذوالریاستین
٦ ـ دبیر	برادر هرمز پیرنیا
۷ ـ خزانه‌دار	برادر احمد افخمی
۸ ـ خطیب	برادر محسن حداد
۹ ـ راهنمای اول	برادر دکتر طاهرضیائی
۱۰ ـ راهنمای دوم	برادر دکتر محمود علومی
۱۱ ـ مدیر نشریات	برادر محمد جواد مستوفی‌زاده
۱۲ ـ کتاب بر	برادر دکتر احمد علی‌آبادی
۱۳ ـ نگهبان داخلی	برادر مهندس جعفر قزوینی
۱٤ ـ نگهبان خارجی	برادر مهدی خازنی مقدم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اسامی حضرت استاد ارجمند وافسران

دوره سوم لژ محترم کورش

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	برادر حسین رامتین
۲ ـ حضرت استاد پیشین	برادر دکتر رحمت مرشدزاده
۳ ـ قائم مقام استاد	برادر ارجمند مهندس شقاقی
٤ ـ معاون استاد	برادر ارجمند دکتر علی‌پرتو
٥ ـ سرپرست اول	برادر دکتر مهدی ذوالریاستین
٦ ـ سرپرست دوم	برادر مهندس جعفر قزوینی
۷ ـ دبیر	برادر علی‌اصغر محمدی
۸ ـ خزانه‌دار	برادر احمد افخمی
۹ ـ خطیب	برادر رضا جعفری
۱۰ ـ راهنمای اول	برادر دکتر محمود علومی
۱۱ ـ راهنمای دوم	برادر محمد مشیری یزدی
۱۲ ـ مدیر تشریفات	برادر دکتر طاهر ضیائی
۱۳ ـ کتاب بر	برادر محسن حداد
۱٤ ـ نگهبان داخلی	برادر مهندس رضارزم‌آراء
۱٥ ـ نگهبان خارجی	برادر احمد براتلو

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره چهارم لژ کورش

۱ ــ حضرت استاد ارجمند	برادر دکتر مهدی ذوالریاستین
۲ ــ حضرت استاد پیشین	برادر حسین رامتین
۳ ــ قائم‌مقام استاد	برادر دکتر رحمت مرشدزاده
٤ ــ معاون استاد	برادر احمد افخمی
۵ ــ سرپرست اول	برادر جعفر قزوینی
٦ ــ سرپرست دوم	برادر دکتر طاهر ضیائی
۷ ــ دبیر	برادر مهندس عنایت بیبهانی
۸ ــ خزانه‌دار	برادر دکتر محمود علومی
۹ ــ خطیب	برادر دکترعلی بهزادی
۱۰ ــ راهنمای اول	برادر علی اصغر محمدی
۱۱ ــ راهنمای دوم	برادر دکتر ابوالقاسم پیرنیا
۱۲ ــ مدیر تشریفات	برادر دکتر خلیل‌ضیائی
۱۳ ــ کتاب‌بر	برادر دکتر علی معارفی
۱٤ ــ نگهبان داخلی	برادر حسن مصطفوی
۱۵ ــ نگهبان‌خارجی	برادر احمد برانلو

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره پنجم لژ کورش

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	برادر مهندس جعفر قزوینی
۲ ـ حضرت استاد ارجمند پیشین	برادر دکتر مهدی ذوالریاستین
۳ ـ قائم مقام استاد	برادر دکتر رحمت مرشدزاده
٤ ـ معاون استاد	برادر دکتر طاهر ضیائی
٥ ـ سرپرست ارجمند اول	برادر رضاجعفری
٦ ـ سرپرست ارجمند دوم	برادر علی‌اصغر محمدی
۷ ـ دبیر	برادر مهندس عنایت بهبهانی
۸ ـ خزانه‌دار	برادر محمد علی مرتضوی
۹ ـ خطیب	برادر مهندس عبداله والا
۱۰ ـ راهنمای اول	برادر احمد براتلو
۱۱ ـ راهنمای دوم	برادر حسن‌مصطفوی‌نائینی
۱۲ ـ مدیر تشریفات	برادر صدری‌کیوان
۱۳ ـ کتاب‌بر	برادر دکتر علی معارفی
۱٤ ـ نگهبان داخلی	برادر مهندس نظام عامری
۱٥ ـ نگهبان خارجی	برادر شاپور بهبهانی

اعضاء لژ کورش

قبلا گفتیم که لژ کورش را پایگاهی برای پذیرش اعضاء جدید و انتقال آنان به لژ های دیگر قرار داده‌اند. در زیر نام کسانیکه از اسناد رسمی و چاپی این لژ بدست آمده، نقل می‌شود. بایستی گفت که ممکن است نام اینعده درسایر لژهای انگلیسی یافرانسوی نیز برده‌شودبدین سبب نمی‌توان همه آنهارا اکنون عضوفعال این‌لژ دانست. فراماسونها می‌توانند، درچندین لژعضویت داشته باشند وحق عضویت بپردازند.

آ

آرمین ـ دکتر کمال‌الدین

الف

ادیب ـ علی‌اصغر
ازدری ـ دکتر احمد
افخمی ـ احمد
امام ـ دکتر سیدضیاء
ایازی ـ مهندس منوچهر
اربابی ـ مهندس علی‌اصغر
اسماعیلی ـ دکتر اسماعیل
افقه ـ دکتر سید علی
اوانسوف

ب

بختیار ـ مهندس علی‌اصغر
برومند ـ دکتر
بهبهانی ـ مهندس عنایت
براتلو ـ احمد
بهبهانی ـ شاهپور

پ

پوتو ـ دکتر علی
پیرنیا ـ هرمز

ت

توکل ـ عبداله
توکلی ـ دکتر احمد

ج

جعفری ـ رضا
جهان ـ دکتر جعفر

ج

جنابات ـ ادوارد

جنابات ـ صالح

ح

حداد ـ محسن

حریری ـ محمدجواد

خ

خازنی مقدم ـ مهدی

خداباری ـ قدرت‌اله

د

دانشی ـ دکترمسیح

داودی ـ دکتر حسین

دورابجی ـ

دروفی ـ محمد

دهستانی ـ عبدالعلی

دیاروهرامیان ـ هرمز

ذ

ذوالریاستین ـ دکترمهدی

ر

رئیسی ـ محمد

راجی ـ دکتر عبدالحسین

رامتین ـ حسین

رزم‌آراء ـ مهندس رضا

رامتین سیروس

رشیدی ـ حائری

ز

زند ـ مهندس علیمراد

س

سالار بهزادی ـ عیسی

سینا ـ دکتر عبداله

ش

شقاقی ـ مهندس حسین

شهابی ـ میرشهاب‌الدین

ل

لاری زاده ـ محمد مهدی

م

مازندی ـ یوسف
محمدی ـ علی‌اصغر
مرات اسفندیاری ـ حسن
مرتضوی ـ سیدمحمد
مرشدزاده ـ دکتر رحمت
مستوفی‌زاده ـ محمدجواد
مشیری یزدی ـ محمد
معارفی ـ دکتر علی
مهدوی ـ دکتر یحیی
مخاطب رفیعی ـ مهندس عزت‌اله
مداوی ـ دکتر علی
مرتضوی ـ ابوالحسین
مرتضوی ـ محمد علی
مرید ـ محمد جواد
مسعودی ـ محمدعلی
مصطفوی نائینی ـ حسن
موسوی‌ماکوئی ـ میراسداله

ن

نجفی ـ غلامرضا

و

والا ـ فتح‌اله
والا ـ عزت‌اله
والا ـ عبداله

ه

هاشمیان ـ دکتر حسن
هرن
همایونفر ـ مهندس ابراهیم
هدایت ـ دکتر حبیب
هروی ـ علیرضا

ی

یاوروهرامیان ـ هرمز
یگانه حائری ـ دکتر

(۳)



لژ خیام شماره ۱۵۸۵

تابع قانون اساسی گراند لژ اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژخیام شماره ۱۵۸۵

دومین لژفارسی زبان‌که گراند لژاسکاتلند درایران تشکیل داد ، لژ خیام است . این لژ درسال ۱۳۴۱ (۲ نوامبر۱۹۶۱) درتهران تشکیل شد و تقدیس یافت و اعضای مؤثری‌که در مراسم افتتاح تأسیس آن دخالت داشتند ، عبارتند از :

دکتر احمد علی‌آبادی
« مرتضی رسا
« هوشنگ رام
« باقر عاملی
« فرزین
« کرباسفروشان
« ناصر یگانه
« ایرج وحیدی
« حسین اسفندیاری
« ناصرحداد
« محمد طاهری
مهندس شیلاتی فرد
رحیم متقی ایروانی
عباس اسفندیاری
هاشم حکیمی
دکتر احمد توکلی
« مصطفی نامدار
هوشنگ عامری
مهندس طاهرمحمدی

درتأسیس این لژ ، نکته بسیار جالبی که به چشم می‌خورد، انتخاب اعضای آن است که از طبقه روشنفکران و تحصیل‌کرده می‌باشند . شاید در روزهائی که این لژ تشکیل می‌شده ، نظر براین بوده است که با انتخاب روشنفکران و افراد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خوشنام، جبران انتخاب پیشین بعضی از افرادی را که سابقه سیاسی و اجتماعی روشنی نداشتند، و درلژتهران وارد شده بودند، بنمایند.

تظاهرات آزادیخواهانه و مخالفت‌های پنهانی و آشکار بعضی از اعضای لژ با پاره‌ای تصمیمات و اقدامات قوه مقننه، حتی دریك مورد سبب شدکه یك استاد لژ مقام مهم دولتی خود را ازدست بدهد. زیرا در حالیکه، همین مقام دولتی، خود نویسنده و تهیه کننده یکی از لوایح دولت بود، بدیکی دیگر از اعضای‌لژ دستور داده شده بود که درمجلس باآن مخالفت‌کند.

جریان واقعه از این قرار است: درسال ۱۳٤٤ شمسی هیئت دولت ایران، تصمیم گرفت، تغییراتی در کار دادگاه‌های کشور و انحلال و یا ابقاء پاره‌ای از دادگاه‌ها و قضات آن بدهد. دکترباقرعاملی استاد لژانگلیسی خیام‌که درآن ایام وزیر دادگستری بود، لایحه‌ای در این زمینه به مجلس شورایملی تقدیم کرد. ولی خود او دریکی ازجلسات بسیار محرمانه، استادان لژهای انگلیسی می‌گوید که با تنظیم وتصویب لایحه‌مزبورموافق نیست. درنتیجه تصمیم به مخالفت با این لایحه گرفته می‌شود و برای اینکه لژهای فراماسونری انگلیسی، بخصوص لژ خیام‌که اغلب ازافراد طبقه روشنفکر تشکیل شده‌است، نظراصلی لژ راکه مخالف لایحه پیشنهادی از طرف استاد ماسونی دکتر باقرعاملی بوده است، ابراز کنند. به سه نفراز اعضای لژ (رامبد، بهبودی، والا) مأموریت میدهندکه درجلسه علنی مجلس بالایحه مخالفت‌کنند. این‌سه نماینده‌که عضوفراکسیون حزب مخالف دولت بودند، از بین خود مهندس والا نماینده خلخال را انتخاب می‌کنند و او در روز بیست‌وهشتم آذرماه۱۳٤٤ نطقی‌درمخالفت بالایحه درجلسه علنی مجلس شورایملی ایرادمی‌کند، که‌خلاصه‌آن ذیلاً نقل می‌شود:

«... مجلس شورای‌ملی برای این بوجود آمد و مشروطیت در این مملکت ازاین جهت پی‌ریزی شد که فلسفه عدالت وبسط داد و دادگستری جزو احتیاجات زمان شده بود.. اگر تاریخ مشروطیت ایران را ملاحظه‌کنیم خواهیم دید که ملت ایران و روشنفکران ایران اول بفکر تأسیس عدالت خانه افتادند و تقاضایشان

از حکومت مستبد وقت این بود که ابتدا عدالت خانه تأسیس شود . بنابراین اگر ما ادعا کنیم که وجود پارلمان و اساس مشروطیت ما باید برپایه عدل وداد استوار بشود مطلبی را گزافه گوئی نکرده‌ایم بنابراین وقتی مسأله دادگستری مطرح می‌شود وما درباره لوایح آن موافقت یا مخالفت می‌کنیم وحتی این صحبت بدرازا می‌کشد ، بنظرمن بهیچوجه من‌الوجوه جنبه شخصی ندارد (صحیح است) مسأله مسأله مملکتی است مسأله مسأله خواست مردم است والا از نظرشخصی بنده یکی از مریدان شخص دکترعاملی هستم و برای ایشان احترام خاصی هم قائل هستم . اما جزء آرزوهای من یکی این بودکه وزارت دادگستری یا هروزارتخانه دیگری بدست اشخاص صلاحیتدار و وارد بیفتد و وقتی مرحوم منصور دکتر عاملی را از مجلس همراه خودش برد واقعاً من‌خودم این‌احساس‌راکردم‌که یك همکار واردی‌را درمجلس‌ازدست می‌دهیم ولی خدا کنداین‌مرد بتواندردادگستری منشأاثرباشد.»

مهندس والا اضافه می‌کند :

« اساس فکرتقدیم این لایحه است برای‌گرفتن اختیارات، بنده روی کلمه اختیارات برعکس فرمایش جناب آقای دکترعاملی اصرار دارم آقای دکترعاملی می‌فرماید من اختیارات نمی‌خواهم به‌بینم آیا اختیار این است‌که فقط سر ببرند؟ اختیار دیگربرای چه می‌خواهید؟ شما می‌آئید باتصویب یك لایحه اساس دادگستری رابهم می‌زنید ، شعبررا منحل می‌کنیددادگاه بخش را دادگاه شهرستان و دادگاه شهرستان را دادگاه استان می‌کنید و دادگاه استان را دو درجه‌ای دادگاه جنائی را یك و دومرحله‌ای می‌نمائید .

بنابراین بمحض‌اینکه این‌قانون تصویب‌شد،آن قاضی‌که پشت‌آن میز نشسته دیگردرآن‌مقام‌قرار نمی‌گیرد وبایدحکم جدیدی برایش‌درست‌کرداین‌چی‌است ؟

... ببخشید جناب‌آقای وزیر دادگستری ، می‌فرمایند دلیل وجودی ودلیل انشاء این قانون‌آنست که ما می‌خواهیم تشریفات زائد دادگستری را از بین ببریم هیچکس منکر این حرف نیست می‌خواهیم دادگستری را در مسیر انقلاب شاه و ملت قراربدهیم، همه باین‌گفته تمکین می‌کنیم اما جناب‌آقای دکترعاملی وزارت

دادگستری که ۱۲۰۰ نفر قاضی بیشتر ندارد چند مرتبه باید در طول مدت کوتاهی دستخوش نظرات صحیح یا ناصحیح و نظرات بجا و یا نابجای وزرای وقت بشود! وزرای دادگستری، آمدند در طول مدتی که مصدر کار بودند آن اصلی را که بنا به تجویز قانون اساسی، اصل تفکیک قوا است لگدکوب کردند. من اگر ثابت کنم وزیر دادگستری قیام بر علیه قانون اساسی کرده، آنوقت است که وقتی لایحه‌ای می‌آمد که در آن وزیر می‌تواند هر قاضی را از جایش عوض کند اسباب نگرانی‌ام می‌شود. شما وزیر دادگستری داشتید که آمده یك دادگاهی را منحل کرده بعد آمده آن دادگاه را دوماه تأسیس کرده.

مهندس عبداله والا سپس اشاره به دادگستری انگلستان نموده گفت:

«آقای دکتر عاملی شاهکار شما، تحول اساسی شما این بود که می‌آمدید می‌گفتید وزارت دادگستری را از نظر وزارت منحل می‌کنیم ولی مقام قضا و استقلال قوای قضائی و مصونیت قضائی را آنچنان مستحکم می‌کنیم که هیچ عامل دیگر نمی‌تواند آنرا بهم بزند ما انتظارمان این است که اگر ایشان تحصیل کرده اروپا هستند، اگر نسبت به قوانین اساسی دنیا مطلع هستند به‌بینند دنیا چکار کرده است آیا وزارت دادگستری در انگلستان وجود دارد؟ درصورتیکه مقام قضا در انگلستان و قضاوت در انگلستان در تمام دنیا حتی برای تمام دشمنان و مخالفان سیاست‌های استعماری دولت آن کشور مورد احترام است چرا؟»

چندی پس از ایراد این نطق، وقتی که یکی از اعضاء مؤثر لژهای انگلیسی ماجرا را افشاء کرد، دکتر باقر عاملی از پست وزارت دادگستری بر کنار شد، ومهندس عبداله والا هم بعلت اینکه دستورات لژ را بدون چون وچرا اجراء کرده بود، نتوانست در انتخابات دوره بیست ودوم پشتیبانی رأی دهندگان خلخال را بیاورد، وشخص دیگری بجای او انتخاب شد. بدین ترتیب یکی از بازیهای سیاسی پشت پرده فراماسونهای انگلیسی باشکست خاتمه یافت. یکسال بعد ازین ماجرا، گراندلژ اسکاتلند اجازه داد که باقر عاملی به مقام استادی ارتقاء یابد

لژ اعظم اسکاتلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

لژ خیام شماره ۱۵۸۵

تنصیب

برادر دکتر باقر عاملی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و تنصیب

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتر احمد علی احمدی

استاد ارجمند تنصیب کننده

در محل لژ

انجمن رازی

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳٤۵

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

استادان ارجمند تنصیب کننده

۱ ـ حضرت استاد ارجمند	برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی
۲ ـ سرپرست ارجمند اول	برادر بسیار ارجمند فری ح .ا. اعظم ناحیه و . س . ا . د . افتخاری ل . اعظم اسکاتلند
۳ ـ سرپرست ارجمند دوم	برادر ارجمند فتح‌اله فرودکتاب‌بر ل ، اعظم
٤ ـ مدبر تشریفات	برادر بسیار ارجمندمهندس حسین‌شفاقی ق . ح . ا . اعظم . ناحیه و . و . د . افتخاری ل . اعظم اسکاتلند
٥ ـ نگهبان داخلی	برادر ارجمند دکتر مرشدزاده و . د ل . اعظم ناحیه
٦ ـ نگهبان خارجی	برادر ارجمند صالح چنایات امین خیریه ل . اعظم ناحیه
۷ ـ خطیب	برادر ارجمند دکتر خشایار س ا . د . ل . اعظم ناحیه

مراسم تنصیب

۱ ـ لژ خیام شماره ۱۵۸۵ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲ ـ مدبر تشریفات برادر ارجمند مهندس شفاقی برادر دکتر باقر عاملی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید .

۳ ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ایراد می‌نماید .

۴ ـ مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی راقرائت می‌نماید .

۵ ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یاد کردن سوگند وفاداری را بانجام می‌رساند .

۶ ـ کارآموزان ازلژ خارج می‌شوند . لژبدرجه‌دوم برده می‌شود .

۷ ـ کاریاران از لژ خارج می‌شوند . لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .

۸ ـ استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند. هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد .

تنصیب

۹ ـ لژ در درجه سوم ادامه داده می‌شود. استاد بنایان بداخل لژپذیرفته می‌شوند .

۱۰ ـ بحضرت استاد ارجمند ازشرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود .

۱۱ ـ لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود و کاریاران بداخل لژ پذیرفته می‌گردند .

۱۲ ـ بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد .

۱۳ ـ لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کار آموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردند.

۱۴ـ بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام‌داده می‌شود وابزارکارآموزی باو ارائه می‌شود .

۱۵ ـ فرمان وقانون اساسی لژ اعظم و آئین‌نامه داخلی لژ باستاد لژارائه می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۶ - سایر افسران لژ سوگندیاد می‌نمایند و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۱۷ - برادر بسیار ارجمند برادر دکتر سعید مالك جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می‌نماید .

۱۸ - برادر بسیار ارجمند و بزرگوار دکتر امیرحکمت جهت سرپرست‌ها خطبه ایراد می‌نماید .

۱۹ - برادر ارجمند و بزرگوار دکتر حسن علوی برای برادران خطبه ایراد می‌نماید .

۲۰ - خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده کوبه‌را که علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۲۲ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

یکسال بعد از انجام تشریفات مذکور ، ومقام استادی‌که به دکتر باقر عاملی داده شد، او به ریاست لژدرسال فراماسونری ۴٦-۱۳٤۵ انتخاب‌گردید .

اداره‌کنندگان لژ مذکور در آن سال بدین شرح انتخاب شدند :

افسران لژ خیام شماره ۱۰۸۵

ق . ا . س .

دوره اجلاسیه ۴۶-۴۵

۱ - حضرت استاد ارجمند	برادر دکتر باقر عاملی
۲ - حضرت استاد پیشین	برادر ارجمند دکتر احمدعلی احمدی
۳ - قائم مقام استاد	برادر مهدی خازنی مقدم
٤ - سرپرست ارجمند اول	برادر دکتر عدل نخستین

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۵ ـ سرپرست ارجمند دوم	برادر دکتر مرتضی رسا
۶ ـ دبیر	برادر دکتر ناصر حداد
۷ ـ خزانه‌دار	برادر سروش فروهر
۸ـ امین‌خیریه(معاون‌خزانه‌دار)	برادر مصطفی فرهنگ
۹ ـ خطیب	برادر عباس اسفندیاری
۱۰ ـ راهنمای اول	برادر دکتر محمدحسین حائری
۱۱ ـ راهنمای دوم	برادر محمدعلی‌کرباسفروشان
۱۲ ـ مدیر تشریفات	برادر دکتر هوشنگ رام
۱۳ ـ زیوردار وکارپرداز	بعداً تعیین می‌شود
۱۴ ـ کتاب بر	برادر دکتر حسینعلی اسفندیاری
۱۵ ـ نگهبان داخلی	برادر نصرت‌الله شیلاتی
۱۶ ـ نگهبان‌خارجی	برادر دکتر محمد طاهری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لژ اصفهان شماره ۱۶۱۰

تابع قانون اساسی لژ اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ اصفهان ۱۶۱۰

نخستین لژ فارسی زبان فراماسونری اسکاتلندکه بعد از لژ های پایتخت در شهرستانها ، تشکیل شد لژ اصفهان است . فرمان تأسیس این لژکه باشماره ۱٦۱۰ به ثبت رسیده است روزچهارم فوریه‌سال۱۹٦۵ صادرشد و درشهراصفهان‌گشایش یافت. اهمیت تأسیس این‌لژبرای‌فراماسونری‌انگلیسی‌آنقدر زیادبودکه «لردبروس» استاداعظم‌گراندلـ لژ اسکاتلند را برای مراسم تأسیس آن به‌ایران فرستادند . ولی او به علت‌ابتلا به بیماری نتوانست به اصفهان برود ونماینده‌ای ازجانب خود به‌این شهرفرستاد. مؤسسین این‌لژ درشهر اصفهان افراد زیر بودند :

دکترکاظم امین
عبدالباقی نواب
علی‌اصغر بختیار
قدرت‌اله برومند
محمد طاهر برومند
عبدالغفار برومند
علی‌محمدآزما
سیدکاظم صدریه
احمد صدریه
دکتر اصغر محبی

دبیراین لژ درسال جاری‌دکتر علی‌اصغر محبی‌است‌که درسالنامه سال۱۹٦۸ نشانی اورا«بیمارستان احمدیه»اصفهان نوشته‌اند[1] . درانگلستان‌هم‌نماینده وواسطه لژ اصفهان :

J. I. R. Shepheherd, Greenbridg, Milltimber, Aberdednshire

معرفی شده است .

۱ـ سالنامه سال ۱۹٦۸ ص۱۹۰

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سه‌ماه بعداز صدور منشور تأسیس لژ مذکور، لرد بروس استاد اعظم و دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلند، به تهران آمدند تا لژ مذکور را تنصیب و مقام «استاد اعظم ناحیه ایران» را به کریستوفر فری بدهند. برای برگزاری مراسم تنصیب مقام مذکور این دعوتنامه برای همه استادان فراماسونری انگلیسی و فرانسوی و اعضائی که حق شرکت در جلسه تنصیب را داشتند فرستاده شد :

«برای دیدار لرد بروس ا. اعظم ل. اعظم اسکاتلند و برادر دکتر الکساندر فرلی باخن دبیر اعظم اسکاتلند و هم چنین برای شرکت در شامی که بعد از انجام تشریفات تنصیب برادر کریستوفر آ. فری به سمت ا. اعظم ل. ن. ایران داده می‌شود خواهشمند است ساعت ۸ بعدازظهر روز پنجشنبه دوم اردی بهشت ماه ۱۳۴٤ در محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر شماره ٦٦ تشریف فرما شوید.»

روز بعد نیز ضیافت باشکوه و مجللی که در آن شخصیتهای بزرگ فراماسونری شرکت داشتند، از طرف لژ تهران بافتخار وی داده شد. در این سفر «بوخان» دبیر اعظم لژ ناحیه ایران، چون اشتیاق طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه را برای ورود به لژ های فراماسونی انگلیسی مشاهده کرده بود، به کارگردانان این لژ اطمینان داد که اجازه تأسیس چند لژ را در ایران برای آنها بگیرد.

بطوریکه قبلا نیز گفته شد، سازمان فراماسونری انگلیسی سعی فراوانی در حفظ تشریفات و عرف و عادات قدیمه خود دارد. بدین سبب با نظم مخصوص و طبق یك برنامه تنظیمی چندین ساله، اجازه تأسیس لژهای ماسونی در انگلستان و باکشورهای دیگر جهان را می‌دهد. حتی در قبول عضویت نیز از نظر تعداد نفرات سهمیه معینی برای هر یك از لژ های ماسونی جهان قائل شده‌اند، که تخطی از آنها آسان نیست. موقعیکه دبیر اعظم لژ اسکاتلند در ایران، زمینه را برای پیشرفت اندیشه و آئین فراماسونی آماده دید، با تأسیس چهار لژ دیگر نیز موافقت کرد. گزارشی که او در این زمینه به استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند درباره سفرش بایران داده است بدین شرح آغاز می‌گردد :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لرد بروس استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند که به‌ایران آمد تا لژ ناحیه اعظم ایران
ولژ اصفهان را تقدیس کند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

«...قسمت عمده ومعکوس مسافرت مااین بودکه در مدت‌کوتاه ممکنه خود را از ماری‌تیوس به تهران برسانیم. برای انجام این‌کار در مدت ۳۳ ساعت‌بایستی باچهار هواپیمای مختلف به ماداگاسکار، قاهره وبیروت نقل‌و مکان‌کنیم.گرچه درساعت۱۱ بعداز ظهر از «نایروبی» عبورکردیم، اما باکمال خوشحالی بابرادران خود«هارولد ویلکنسون»، «پسرساموِل قیشی‌الدین»و «بوی‌یانگ» برای یك‌ساعتی درفرودگاه ملاقات‌حاصل‌کردیم وراجع به پیشرفت سازمان لژها اطلاعاتی بدست آوردیم‌که در این‌باب هم در دوماه پیش اشاره‌کرده بودم. ساعت ۳صبح درفرودگاه قاهره چندان‌کاری نتوانستیم انجام‌بدهیم و شاید هم تااندازه‌ای احمقانه، بایستی برای ریش تراشی یك دلار به یك سلمانی مصری‌که لبه تیغ آن فرسوده شده بود بدهیم. چون باید دربیروت ۹ ساعت بانتظار می‌ماندیم، من ترتیبی دادم‌که درسه لژ بابرادران خود در لبنان ملاقات‌کنم وبرای مسائل ماسونی در این‌کشور باآنها مذاکره نمایم. دراین مرحله مسافرت‌خانم بروس به من پیوسته وباتفاق مشارالیها به ترکیه وایران مسافرت‌کردیم.

گرچه ساعت ده بعدازظهر بودکه وارد فرودگاه تهران شدیم با اینحال عده کثیری باستقبال‌ما آمده بودند. برادر سی‌ای فایری- استاداعظم گراند لژ محلی بابرادرشقاقی، برادر دورابجی، برادر دکترسعید مالك‌استاداعظم ناحیه‌که‌منسوب به‌گراند لژ ملی فرانسه می‌باشد، وبسیاری اشخاص دیگر حضور داشتند.آن روز مصادف باآخرین‌روز فستیوال‌مسلمانان‌بود[1].شهر تهران‌ازروشنائی‌کامل‌می‌درخشید- درمدت اقامت خود درایران مهمان منزل جدید برادر خود و خانم فری بودیم. از طرف روتاری‌کلوب تهران هم ناهار دعوت شدیم ودرآنجا موفق شدم‌که بمنزله سخنگوی مهمانان چندکلمه‌ای ایراد نمایم.

منظورعمده از مسافرت ماباایران این‌بودکه لژ ناحیه اعظم‌ایران راتقدیس ودائرکنیم وبرادر فری رابسمت اولین استاد اعظم ناحیه‌ای معرفی نمائیم.

۱- شاید منظور نویسنده یکی از اعیاد مذهبی ویاملی بوده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برای این‌مسئله بایستی لژبزرگ را افتتاح نموده ومایل هستم‌که‌مساعدت برادر وابسته به‌لژ فرانسه درایران‌که دارای مقام «حضرت‌استاد ارجمند» می‌باشد وهمچنین برادر شریف امامی وابسته به لژهای آلمان «که ضمناً هم ریاست‌سنای ایران را دارا می‌باشد» ومقام استاد ارجمند رادارد بستایم. برادرفری رابه سمت رئیس تشریفات برادرج. د. پاین (سابقاً منشی لژ روشنائی درایران بود) وبرای شرکت ازکالیفرنیا مسافرت کرده بود، به سمت‌گراند چاپلین و برادر علی مرندی بعنوان‌نگهبان بزرگ داخلی‌تعیین‌گردیدند. این‌لژ درمحفل‌بسیارخوبی‌که بوسیله برادر شفافی طرح ریزی شده بود تشکیل شد.

محل‌لژ باقالیهای‌متعدد وکریستالهای قابل‌توجه‌تزئین شده‌بود ومن بخوبی پیشرفت ونفوذایرانی رادرمورد بنیاد همبستگی ماسونی ما درتشکیل لژ ماسونی احساس کردم. یك نقاشی روی دیوار بشکل برودری شده نفیس باعلامت‌گراندلژ ونقشه دوطرف لژ جلب توجه می‌کرد. دبیرکل شروع‌به اعلام رسمیت محفل‌کرد. وموزیك مخصوص محفل را به‌ترنم درآورد.

برادران ایرانی‌ما آشنائی چندانی با موزیك اسکاتلندی‌ما نداشتند معذلك تشریفات بخوبی انجام گردید و بطورکلی این انجمن خیلی جالب بود. من تصور می‌کنم که پیدایش این (گراند لژ محلی) باعث پیشرفت وکسب احترام و پرستش فراماسونری اسکاتلند درایران خواهدکرد.

متأسفانه من‌نتوانستم درتشریفات دیگری‌که برای‌تشکیل لژ اصفهان‌شماره ۱۶۱۰ برپاشده بود، شرکت‌کنم. مخصوصاً دراین‌موردمتأسف شدم. چون اتحادیه لژ شماره ۱۶۱۱–درنایروبی ولژ «رم‌کروئالادیس» سودان‌شماره۱۶۱۳ در«ویندالك» را تأسیس نموده بودم وبایستی برای تکمیل‌آنها مراجعت‌کنم،آماده حرکت‌شدم. اما حمله سخت انفلوئزا توأم باتب ۱۰۳درجه‌که۳ روز طول‌کشید وباعث ناراحتی زیادی برای‌من شد مسافرتم رامتوقف‌کرد. من به برادر سی.ای. فری استاد اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ناحیه‌ای مأموریت دادم که لژ اصفهان را تشکیل دهد و بادبیر کل لژ که برادر علی‌اصغر بختیار باشد همکاری نماید.

برادر فری باتفاق منشی کل ومساعدت برادر مرندی وعنایت رؤسای شرکت ملی نفت ایران بایك هواپیمای خصوصی به اصفهان وشیراز مسافرت کردند. بطوریکه شنیده‌ام تشکیل لژ اصفهان بخوبی انجام گرفته است. دوستان ما در ایران ترتیب گردش وتماشای اصفهان وشیراز رابرای ما تهیه دیده بودند. ولی دراین موقع من مبتلا به انفلوانزا بودم – برادر فری و منشی کل به شیراز رفتند که ملاقاتی از برادر عرب شیبانی نمایند ومعذرت مرا بایشان ابلاغ دارند که نتوانستم ازمهمان‌نوازی ایشان بهره‌مند شوم – همچنین در مورد ضیافت مجللی که برادر شقاقی در منزلشان ترتیب داده بود من نتوانستم شرکت کنم. ولی خانم بروس که بنمایندگی من شرکت کرده بود، شرح مفصلی از آن شب برای من تشریح کرده است.

سایر برادرانی که در منزلشان ما را بشام یاناهار دعوت و پذیرائی کرده‌اند عبارتند از: برادر امیر سلیمانی، برادر علی مرندی، برادر جورج اوانس‌اف، برادر دکتر نخستین وابسته میسیون امریکا وآخرین ضیافت را برادر دکتر سعید مالك در هتل دربند دادند.

در تمام این اوقات افتخار آشنائی غیر رسمی با برادران لژهای ایران را داشتیم. هنگامی که بابرادرامیرسلیمانی ناهارصرف می‌کردیم ایشان محفل دراویش و مریدان مسلکانی را که پیروایشان وپدر و جدشان بوده و هستند نشان دادند. یك بعد ازظهر هم برادر شریف امامی رئیس مجلس سنا ما را به ساختمان جدید مجلس سناکه دارای سنگهای مرمر بود راهنمائی و پذیرائی نمودند. افتخار صرف چای با نخست‌وزیر و سناتورها که بسیاری از آنها فراماسون بودند حاصل نمودیم.

درخاتمه ملاقات‌ها و پذیرائی‌ها، درتهران بیك فستیوال‌خانم‌ها در رستوران بزرگ فرودگاه رفتیم که بوسیله برادران لژلایت ایران ترتیب داده شده بود، و

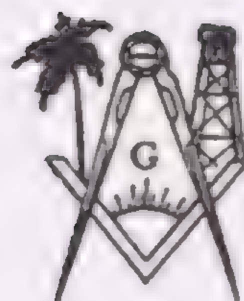
ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تقریباً بیش از دویست نفر حضور داشتند.

لژلایت ایران بشماره ۱۱۹۱ قدیم‌ترین لژ ایرانست ویکی از ارکان هائی استکه اقدامات برجسته‌ای بعمل آورده‌است. بازهم تکرار می‌کنم از برادرفری وخانم فری‌که مارا بعنوان مهمان پذیرفته‌اند، تشکر می‌نمایم وازاینکه درموقع بیماری من نهایت پرستاری را انجام داده‌اند، سپاسگذارم،»

لژاصفهان، شعبه اسکاتلند اکنون عده‌ای از انگلیس مآب های این‌منطقه را بدور خود جمع‌کرده و بیشتر سعی‌دارد، در بین دانشگاهیان و طبقه روشنفکر نفوذکند.

(۵)



لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳

تابع قانون اساسی اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ خوزستان شماره ۱۶۲۴

از پنجاه سال قبل که فرمان تأسیس لژهای فراماسونی انگلیسی در ایران از طرف شبکه های مخفی صادر شد ، همواره جنوب ایران هدف اصلی و نهائی لژنشینان انگلستان بوده است. سیاست استعماری انگلستان ، ابتدا برای حفظ شاهراه و - دروازه هندوستان و سپس نگهداری منابع زرخیز نفت ، به جنوب ایران توجه خاص داشته‌است .

نخستین لژ فراماسونی انگلیسی که درایران تشکیل شد، درشهر شیراز بود، وپس ازیکسال آبادان وبعد مسجد سلیمان دو نقطه فعالیت فراماسونهای انگلیسی بخاطر حفظ نفت برای امپراطوری انگلستان بودند . بطوریکه گذشت دو لژ - فراماسونی آبادان و مسجدسلیمان باملی‌شدن صنعت نفت درایران واخراج انگلیسها ازجنوب ، تعطیل شدند . لژ آبادان به عدن منتقل‌شد ، ولی لژ مسجد سلیمان در حال تعطیل است ، و لژنشینان به امید روزیکه باردیگر آنرا درمیدان های نفتی خوزستان افتتاح کنند در انتظار هستند. بعداز جنگ دوم جهانی لژ فراماسونی همایون هم دوشعبه درخرمشهر واهواز دایر کرد، ومنطقه نفت جنوب را بهترین محل برای کشت تخم فساد وتوسعه شبکه‌ها وسلولهای ماسونی درایران دانست. بعداز انحلال لژهمایون وایجاد لژهای وابسته به‌گراند لژ اسکاتلند وگراند ناسیونال دفرانس که هردو «عبودیت ، برتری وسروری» فراماسونری انگلستان راقبول دارند ، بار دیگر جنوب ایران بهترین نقطه‌برای توسعه شبکه‌های‌مخفی وپنهانی فراماسونی شناخته شد .

نخست گراند ناسیونال دفرانس درشیراز (لژحافظ) رادایر کرد وسپس گراند - لژ اسکاتلند در لژ اصفهان واهواز تشکیلاتی داد . این دو سازمان فراماسونی جهانی که هردو «عبودیت از فراماسونی انگلستان وقبول سروری وبرتری لژهای انگلیسی» راگردن نهاده‌اند ، نیز کماکان جنوب ایران را برای ایجاد شبکه‌های مخفی فراماسونی مناسب دیده ودراین دواستان لژهائی تشکیل دادند .

لژ خوزستان که تابعیت گراند لژ اسکاتلند را دارد ودر ردیف شماره ۱۶۲۳ لژهای جهانی این سازمان فراماسونی ثبت شده ، فرمان و منشور تأسیس آن در روز۵می) ۱۹۶۶ بوسیله استاداعظم لژ اسکاتلند صادر شده است.مؤسسین لژمذکور بیست‌وهفت نفر از فراماسونهای انگلیسی و بشرح زیر می‌باشند :

۱ـ برادر کریستوفر اسحق فری
۲ـ مهندس حسین شقاقی
۳ـ فتح‌الله فرود
٤ـ برادر نصراله آذری
۵ـ برادر احمد امام
٦ـ « خسرو مستوفی‌زاده
۷ـ « ابراهیم امرائی
۸ـ « محمد رضا اهدائی
۹ـ « محمد صمیمی
۱۰ـ « حسن اسکندری
۱۱ـ « محمد دورقی
۱۲ـ اسدالله موسوی
۱۳ـ علی‌اکبر مرعشی پور
۱٤ـ حجازی
۱۵ـ برادرکمال‌الدین موسوی
۱٦ـ ناصر مستوفی‌زاده
۱۷ـ برادر دکترمحمد علی‌علم
۱۸ـ برادر ناصر عجم
۱۹ـ « دکترحسن شهمیرزادی
۲۰ـ « مهندس نظام کعب‌عامری
۲۱ـ « دکترغلامرضا نجفی
۲۲ـ « دکترمحمد حسن توران
۲۳ـ « مهندس جعفر فزونی
۲٤ـ « نصرالله موسوی
۲۵ـ « دکترحسین اهری
۲٦ـ « صدری کیوان
۲۷ـ « محمد علی مرتضوی

تشریفات ومراسم افتتاح این لژ با همه آداب و رسوم معمول ، در حضور شش نفر از استادان لژهای انگلیسی که از تهران به اهواز رفته بودند ، در روز سه شنبه دوم اردیبهشت ۱۳٤٦، بشرحی که عیناً از رساله چاپی اقتباس شده است، انجام گردید :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ خوزستان شماره۱۶۲۳

ل . ا . اسکاتلند

ل . ا . ن . ایران

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تقدیس و تأسیس

ل . خوزستان

شماره ۱۶۲۳ در اهواز

در تاریخ سه‌شنبه ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۶

مطابق دوم مه ۱۹۶۷

تنصیب

حضرت استاد ارجمند

وافسران لژ

بوسیله

افسران لژ اعظم ناحیه ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

استاد ارجمند و افسران تقدیس کننده و تأسیس کننده
لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ث. ی. فری	استاد لژاعظم ناحیه ایران
استاد ارجمند پیشین	« مهندس‌حسین‌شقاقی	قائم‌مقام استاد لژاعظم ناحیه‌ایران
سرپرست‌ارجمنداول	« ژرژاوانسف	ناظر لژاعظم ناحیه‌ایران درمنطقه خوزستان
سرپرست‌ارجمنددوم	برادر صالح چنایات	سرپرست دوم لژاعظم ناحیه ایران
رئیس تشریفات	« فتح‌الله فرود	دبیرلژاعظم ناحیه ایران
نگهبان داخلی	« مهندس‌علی‌اصغر بختیارشمشیردار لژاعظم‌ناحیه‌ایران	

استاد ارجمند و افسران تنصیب کننده
لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ارجمند فتح‌الله فرود
استاد ارجمند پیشین	« بسیار ارجمند ث. ی. فری
سرپرست ارجمند اول	« ژرژاوانسف
سرپرست ارجمند دوم	« صالح چنایات
سرپرست تشریفات	« بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
نگهبان داخلی	« ارجمند مهندس علی اصغر بختیار

برنامه تقدیس

۱ ـ برادران درطالار مجتمع‌شده می‌ایستند.
۲ ـ هیئت نمایندگی لژ اعظم ن. ا. بدسته منظم داخل لژمی‌شوند.
۳ ـ لژ بنایان آزاد. در درجه اول افتتاح می‌شود
بدرجه دوم برده می‌شود
بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

٤ ـ خطیب تنصیب‌کننده دعامی‌خواند .

٥ ـ برادران سرودتقدیس رامیسرایند .

سرود تقدیس
آهنگ ملکمب[1]

٦ ـ خطیب مزمور ۱۳۳ را قرائت می‌نماید .

۷ ـ استاد اعظم برای برادران خطبه ابراد می‌کند .

۸ ـ افسران‌لژاعظم ن . ا. بدسته منظم دورلژمی‌گردند ودراین‌هنگام‌بخش اول مزمور ۲۳ سرائیده می‌شود .

افسران مزبور درشرق توقف‌کرده استاداعظم بذرافشانی می‌نماید .

مزمور ۲۳ ـ بخش ۱
آهنگ کریموند

۹ ـ دسته افسران مزبور دورلژ می‌گردند ودراین هنگام بخش دوم مزمور ۲۳ سرائیده می‌شودوسپس‌دسته افسران درغرب توقف‌کرده واستادشرابمی‌ریزد.

مزمور ۲۳ ـ بخش ۲

۱۰ ـ دسته‌مذکور برای‌بارسوم دورلژمی‌گردند ودراین‌حال بخش‌سوم‌مزمور سرائیده می‌شود .

دسته در جنوب توقف‌کرده واستاد اعظم ن . ا . روغن می‌ریزد .

مزمور ۲۳ ـ بخش ۳

۱۱ ـ استاد اعظم وافسران ل . اعظم ن . بمقرهای خود بازمی‌گردند .

برنامه تأسیس

۱۲ ـ استاد اعظم فرمان‌لژ را قرائت می‌نماید

۱۳ـ استاد اعظم ازرئیس‌تشریفات‌اعظم می‌خواهدکه لژوشماره لژو تابعیت آنرا اعلام نماید .

۱ـ چون قبلاآیات تورات از مزامیر داود نقل شده ازتکرارآنها جلوگیری می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۴ ـ رئیس تشریفات اعظم اعلامیه زیر را بیان می‌نماید :

برادران ـ بامر استاداعظم بنایان‌آزاد بدینوسیله اعلام می‌دارم‌که بموجب قدرت واختیار لژاعظم منظمی از بنایان‌آزاد پذیرفته شده و باستانی تحت اسم و عنوان لژخوزستان به شماره ۱۶۲۳ ـ تأسیس وتقدیس می‌گردد محل تشکیل آن شعبه انجمن رازی دراهوازمی‌باشد. این‌لژ از این پس‌اختیار اجرای‌کلیه حقوق و مزایای راکه طبق فرمان آن وقوانین اساسی لژ اعظم بآن تعلق می‌گرد خواهد داشت تاطبق عادات وسنن باستانی برادری رفتار نماید .

۱۵ـ خطیب اعظم می‌گوید: از خداوند متعال می‌خواهم که رحمت خود را شامل این‌لژ نموده وبکارهای‌آن خیروبرکت عطا فرماید برادران آمین می‌گویند.

۱۶ـ رئیس تشریفات اعظم از افسران تعیین شده لژ می‌خواهد کـه لژ را دور زده بطوریکه استاد تعیین شده در جلوی آنهـا قرارگرفته باشد و احترامات خود را نسبت به لژ اعظم با سلام دادن باستاد اعظم بجا آورند .

۱۷ـ خطیب اعظم دعا می‌خواند .

استاد اعظم جواب می‌دهد ـ بزرگی خدای را برازنده است و پس برادران می‌گویند ـ صلح در روی زمین وسعادت برای بشر .

۱۸ـ مزمور ۷۲سرائیده می‌شود .

مزمور ۷۲ آهنگ دانفرملاین

۱۹ـ لژ بنحو مقرر وباستانی بسته می‌شود .

۲۰ـ لژخوزستان شماره ۱۶۲۳ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲۱ـ مدیرتشریفات تنصیب کننده استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید

۲۲ـ حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده ایراد می‌نماید .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۲۳- مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید .

۲٤- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده مراسم یاد کردن سوگند وفاداری را اداره می‌نماید .

۲۵- انجام مراسم سرود .

۲٦- کارآموزان از لژ خارج می‌شوند ـ لژ بدرجه دوم برده می‌شود .

۲۷- کاریاران از لژ خارج‌می‌شوند ـ لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .

۲۸- استاد بنایان از لژخارج می‌شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد .

۲۹- تشریفات تنصیب استاد ارجمند .

۳۰- لژدردرجه سوم ادامه داده می‌شود ـ استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند .

۳۱- بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود .

۳۲- لژبدرجه‌دوم‌تنزل داده می‌شود و کاریاران بداخل‌لژ پذیرفته می‌گردند.

۳۳- بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد .

۳٤- لژبدرجه‌اول تنزل داده‌می‌شودو کارآموزان‌بداخل‌لژ پذیرفته‌می‌گردند.

۳۵- بحضرت استاد ارجمند ازجنوب سلام داده می‌شود وابزار کارآموزی باو ارائه داده می‌شود .

۳٦- فرمان‌وقانون‌اساسی‌لژاعظم‌وآئین‌نامه‌داخلی‌لژباستادلژارائه می‌شود.

۳۷- سایر افسران سوگند یاد می‌نمایند . و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۳۸- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده با استاد پیشین‌دیگر خطبه‌هایی ایراد می‌نماید برای :

حضرت استاد ارجمند
سرپرستان ارجمند
برادران

۳۹- برادران مزمور صدم را می‌سرایند. (آهنگ صدم قدیم)
۴۰- خواندن دعا بوسیله خطیب.
۴۱- حضرت استاد تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است از طرف لژ اعظم بحضرت استاد ارجمند اعطاء می‌نماید.
۴۲ - حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد.
۴۳ - حضرت استاد ارجمند دیپلمهای مؤسسین را اعطاء می‌نماید.
۴۴ - ح . ا . - ا . گواهینامه های رسیده از لژ اعظم را اعطاء می‌نماید
۴۵ - صندوق اعانه گردش داده می‌شود.
۴۶ - موضوعات دیگر که به لژ احاله شده باشد مورد رسیدگی واقع می‌شود.
۴۷ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود.
۴۸ - سرود اختتام - آهنگ الرس

بعد از تأسیس لـژ مذکور، نخستین انتخابات برای تعیین افسران و کارگردانان لژ خوزستان بعمل آمد و این افراد بسمت افسران لژ در سال ۴۷-۴۶ انتخاب شدند:

استاد ارجمند	برادر نصرالله آذری
قائم مقام استاد	« بسیار ارجمند مهندس حسین شفاقی
معاون استاد	« بسیار ارجمند فتح‌الله فرود
سرپرست اول	« احمد امام
سرپرست دوم	« مستوفی‌زاده
دبیر	« ابراهیم امرائی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خزانه‌دار	برادر علی‌اکبر مرعشی پور
امین خیریه	« محمد دورقی
راهنمای اول	« محمد رضا اعدائی
راهنمای دوم	« محمد صمیمی
نگهبان داخلی	« حسن اسکندری
نگهبان خارجی	« ناصر مستوفی‌زاده



معبد فراماسونری انگلستان در شهر لندن

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

(٦)



لژ ژاندارک

لژ ژاندارک ۱۶۰۸

هشتمین لژ فارسی که تابعیت اسکاتلند را دارد ، لژ « ژاندارک » است . این لژکه در ردیف شماره ۱۶۰۸ لژهای اسکاتلندی درجهان ثبت شده است ، فرمان تأسیس آن در روزهفتم‌می۱۹۶۶صادرشده . لژمذکور درچهارمین چهارشنبه هرماه مسیحی تشکیل می‌شود و اعضای آن از منتخبین لژهای تهران وکورش می‌باشند. نخستین استاد اعظم این لژ دکترمهدی میرزا حسابی عضو باز نشسته وزارت کشور است‌که باتفاق افسران لژدراولین سال‌تأسیس انتخاب‌شده است . محمدکشاورزیان معاون پارلمانی وزارت کشور دعوت نامه زیر را برای اعضای لژ فرستاده است :

آقای محترم و برادرعزیز

باکمال احترام از آن برادرگرامی دعوت می‌شود که برای شرکت درمراسم تقدیس و تأسیس و تنصیب برادر دکترمهدی میرزا حسابی و افسران ل . ژاندارک شماره ۱۶۰۸ وشرکت درشام برادرانه ساعت ۶ بعد ازظهرروز دوشنبه هشتم خرداد ماه ۱۳٤٦ برابربا بیست ونهم مه ۱۹٦۷ به‌خیابان شاهرضا کوچه انوشیروان دادگر شماره ٦٦ تشریف بیاورند .

دبیر ل . : ژاندارک محمدکشاورزیان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لباس اسموکینگ یا تیره

برای نخستین بار در سالنامه سال ۱۹٦۸ نماینده و رابط لژ اندارک در انگلستان[1].

John. F. H. Kenning, Easter Tegarmuchd, By Aberfeldy. Perthshire.

و نماینده در ایران محمدکشاورزیان ـ نشانی: باشگاه رازی معرفی شده‌اند اعضای این لژ عبارتند از:

داریوش کامیاب

مهندس حیدر علی ارفع

دکتر علی مداوی

دکتر محمد کاظمی

مهندس فیروز عدل

عزت‌الله والا

محمد [illegible]

مهندس ابراهیم همایونفر

مهندس عزت‌الله مخاطب رفیعی

دکتر منوچهر شابان

مهندس مسعود مهدوی

مهندس فتح‌الله ستوده

احمد ولائی

علیرضا فداکار

مهندس علیمراد زند

دکتر محمد حسین موسوی گرکانی

۱ـ سالنامه سال ۱۹٦۸ ص ۱۹۰

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عبدالحمید بختیار

یوسف رئیس سمیعی

غلامحسین گلشن بزرگ

دکترمحمد مدلی

کاظم شایان

دکترحسین شیخ نیا

دکتر رحیم قادری نژاد .



داخل معبد ماسونی انگلستان شماره ۴۷۹

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

چنانکه قبلا بتفصیل گفته شد ، گراند اوریان دفرانس که لژ همـایون را برسمیت می‌شناخت، دعوتنامه‌ای برای شرکت در آخرین جلسه «کنوان» و اعزام نماینده‌ای بتهران ارسال داشت .

هنگام وصول این دعوتنامه ، اختلافی بین کارگردانان لژهمایون برسر قبول دعوتنامه ، یاالحاق به‌گراند ناسیونال دفرانس بوجود آمد . قبلاگفته شدکه دربین فراماسون‌های لژ همایون، عده‌ای‌بودندکه درفرانسه، امریکا، عراق، هندوستان، مصر، لبنان‌وسوریه بطور قانونی فراماسون‌شده ودرجات مختلف‌راطی کرده‌بودند.

کارگردانان لژ روشنائی‌درایران ازوجود اینعده‌که بطور قانونی و«شناخت جهانی» فراماسون شده بودند ، برای ایجاد نفاق وتفرقه بین اعضای لژ همایون‌و از هم پاشیدن لژ استفاده کرده ، دودسته را علیه یکدیگر تجهیز کردند . وصول دعوتنامه‌گراند اوریان وارسال تقاضانامه الحاق به‌گراند ناسیونال دفرانس فرصت دیگری بدست کارگردانان انگلیسی لژ روشنائی درایران داد ، تادامنه اختلافات را وسیع‌ترکنند .

برای فراماسون های انگلیسی ، الحاق فـراماسون های ایرانی به گراند ناسیونال دفرانس بمراتب بهتروپسندیده‌تر از وابستگی آنها به‌گراند اوریان‌بود، زیرا گراند اوریان ازده‌ها سال قبل‌تاکنون بهیچوجه حاضر بقبول برتری لژ های انگلیسی واطاعت‌ازطریقت‌های‌اسکاتلندی ، انگلندی‌ویورك نشده‌است . بنابراین درمبارزه بین دودسته ماسون‌های ایران ، کرسی لژ انگلیسی روشنائی در ایران دسته طرفدارالحاق به ناسیونال‌فرانسه را تقویت‌می‌کردند. محمد خلیل‌جواهری که از این مبارزات ناراضی بود ، برای اینکه هردو دسته را خشنود سازد ، دکتر احمد هومن را مأمور شرکت در«کنوان»گراند اوریان‌کرد، ودرعین‌حال‌به‌برادرش دکترمحمود هومن‌که عضویت‌لژهمایون راداشت ودرپاریس‌هم عضوگراندناسیونال شده‌بودمأموریت‌داد تا بامنشی‌گراندلژ تماس‌گرفته ومقدمات‌الحاق رافراهم‌کند .

در نامه‌ای‌که دکتر محمود هومن روزه ۲۵ خرداد ۱۳۳٤ به برادرش دکتر

آن تماس نگیرند و به یاری و کمک آنها بشتابند. درعوض هر فراماسونری که عبودیت لژهای انگلیسی را گردن نهد ، می‌تواند با پرداخت ورودیه وحق عضویت در یکی دو لژ سمت افتخاری و یا عضویت رسمی داشته باشد. بدین لحاظ سازمان فراماسونری انگلیسی مقیم ایران دکتر سیدحسن امامی ، امام‌جمعه را به خاطر شخصیت مذهبی واجتماعی و نفوذی که در سازمان‌ها و مقامات دولتی دارد ، وارد تشکیلات خود کرد و اورا در رأس لژ نور قرارداد .

این لژ بموجب دعوتنامه‌ای که ذیلا نقل می‌شود ، در روز ۱۳ خرداد ۱۳٤٦ در تهران «تأسیس وتقدیس» شد وهمه تشریفات رسمی تشکیل لژ وحتی خواندن آیات توراة و ادعیه انجیل توأم باموزیک که در اینگونه مواقع اجراء می‌گردد ، عیناً وباحضور کریستوفر اسحق فری یهودی‌الاصل (ناظر اعظم لژ ناحیه ایران) انجام پذیرفت. دعوت‌نامه تشکیل لژ به شرح زیر است :

لژ نور شماره ۱۶۳۱ ق.اس

آقای محترم وبرادر عزیز

باکمال احترام از آن برادر گرامی دعوت می‌شود تا در جلسهٔ تأسیس وتقدیس لژ نور وتنصیب برادر

دکتر سیدحسن امامی

بسمت ح . ا . ا . که در تاریخ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳٤٦ ساعت ۶½ بعد از ظهر در محل انجمن رازی تشکیل می‌گردد حضور بهمرسانید و نیز خواهشمند است درشام برادرانه‌که همان شب ازطرف استاد ارجمند داده می‌شود شرکت فرمائید .

لباس اسموکینگ یانیره   **دبیردکتر رحمت مرشدزاده**

تشکیل وتأسیس این لژ باحضور افراد زیر بعمل آمد:

کریستوفر اسحق‌فری	ناظراعظم لژ ناحیه ایران
مهندس حسین شقاقی	قائم مقام ناظر اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دکتر سید حسن امامی (امام‌جمعه) فرزند حاج میرزا ابولقاسم امام‌جمعه و برادرزاده و داماد ظهیرالاسلام است. او تحصیلات خود را در علوم شرقی در ایران بپایان رسانید و برای تکمیل علوم جدید و گرفتن دکترای حقوق بسوئیس رفت. هنگام ورود بدانشگاه لباس اهل علم را از تن بیرون کرده و پس از گرفتن درجه دکترا بتهران بازگشت. پس از مراجعت به ایران باکت و شلوار و کلاه شاپو وارد خدمت وزارت دادگستری شد و بریاست دادگاه‌ها منصوب گردید. پس از فوت عمش، درسال ۱۳۲۰ به امامت جمعه وریاست مسجد سلطانی منصوب گردید. وی اولین امام جمعه‌ای بود که در مسجد شاه ابتدا نیمکت سپس صندلی را معمول کرد و همین امر سبب شد تا جوانهای متجدد در مراسم وعظ و سوگواری مسجد شرکت جویند. ایشان در دانشکده حقوق دانشگاه، مقام استادی دارند و در دسته‌بندی‌های سیاسی سهم مهمی دارند. در دوره هفدهم بریاست مجلس انتخاب شد، ولی مبارزه رئیس دولت وقت وی را مستعفی کرد. پس از استعفا به اروپا رفت. یکبار از طرف یکی از متعصبین با سوءقصد شد و بطور معجزه آسائی نجات یافت. وی مورد احترام طبقه زیادی از اجتماع و مقامات دولتی است و از روحانیون قشری و متعصب دوری می‌جوید.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

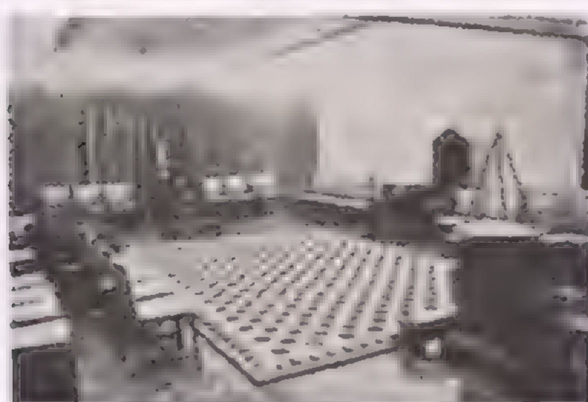
پرویز کاظمینی	راهنمای اول
دکتر توران	رئیس تشریفات
علی‌اصغر بختیار	زیوردار
دکتر احمدی	کتاب بر
رضا جعفری	نگهبان داخلی
دکتر مرشدزاده	دبیر

دکتر سیدحسن امامی‌که دراولین‌دوره افسران لژ به سمت «استاد ارجمند» انتخاب گردید ، سعی دارد افراد برجسته‌ای را وارد ، تشکیلات لژ نور بنماید ، چنانچه پذیرش عضویت سرتیپ رحیم صفاری دراین لژ ، نخستین قدم برای‌کسب اعتبار واهمیت این‌لژ می‌باشد .

فعالیت و عملیات این لژ را به تفصیل در جلد چهارم ، بیان خواهیم کرد و باذکرمشخصات واسطه لژدرانگلستان وایران‌به معرفی لژمذکورخاتمه می‌دهیم[1] :

Robert S. Beveridge,3 Burns Ave. Armadale. Westlothian

نماینده درایران ـ دکتر مرشدزاده ـ خیابان نفت ـ کوی‌شماره یك .



محفلی‌که به‌لژهای شهرلندن برای جلسات لژ اجاره میدهند

۱ ـ نقل از سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند ص۱۹۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لژ آریا ۱۶۲۲

تأسیس لژ آریا ازسال‌ها قبل مورد نظر فراماسونری اسکاتلند درایران بود برای نخستین‌بار درروزچهاردهم اردیبهشت ۱۳۳۹ دعوتی ازطرف «جمال کاشانی» عضوکنسرسیوم نفت وباجناق دواستاد فراماسونری «فری ـ مازندی» ازعده‌ای از فراماسونهابعمل‌آمد . او درآن روز تصمیم‌گراند لژمحلی «اسکاتلند درایران»را برای تشکیل لژی بنام «آریا» به برادران فراماسونش ابلاغ‌کرد . ولی بعللی که برما معلوم نیست، فرمان تأسیس لژمذکور سالها بعد درروز ۵ می ۱۹۶۶ ازمرکز گراندلژ صادر شد .

این لژروزهای دومین سه‌شنبه هرماه مسیحی درباشگاه‌رازی تشکیل‌جلسه می‌دهد و دبیر و نماینده لژ در ایران دکتر پرویز علا ، فرزند مرحوم حسین‌علا می‌باشد .

نماینده لژ درانگلستان‌طبق مندرجات‌سالنامه سال۱۹۶۸گراندلژاسکاتلند این شخص می‌باشد :

W. Page Burgess, 68 Lauderdale Gardens Glasgow, W 2.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



لژاهواز ۱۶۲۷

دهمین لژ فراماسونری اسکاتلند در ایران بنام اهواز می‌باشد که در روز چهارم اکست ۱۹۶۶ تأسیس شده است. این‌لژکه درسومین دوشنبه هرماه مسیحی و درماه‌های جون تانوامبر تشکیل‌می‌شود، جلسات خودرادر باشگاه رازی‌تهران برگزار می‌کند.گذاردن نام «اهواز» برروی این لژ، بدان جهت استکه پنج نفر از خوزستانیهای عضو لژهای انگلیسی، لژ مزبور را تأسیس کرده‌اند. ایشان عبارتند از :

علی‌اصغر ادیب محمدی ـ استادارجمند

سید اسداله موسوی

مهندس سلطان محمد ساطانی

دکتر حسن شهمیرزادی

بختیاری بختیاریها

تفصیل بیشتر درباره سازمان این لژ درجلد چهارم خواهد آمد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل بیست و هشتم

A. L. G. D. G. A. D. L. U.

GRANDE LOGE
NATIONALE FRANÇAISE



لژهای فراماسونری فرانسه در ایران



دکترسعید مالک استاد اعظم لژهای فراتسوی در ایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دومین سازمان بزرگ فراماسونری ایران، که در تهران ، شیراز و تبریز فعالیت می‌کند ، لژ وابسته بسازمان های ماسونی فرانسه است که دارای لژ ، یك شاپیتر و يك‌گراند لژ محلی است . این سازمان فراماسونری‌که بموجب اجازه و فرامین صادره از مرکز گراند لژ «ناسیونال دفرانس» تشکیل‌شده ، مستقیماً بالژ اصلی وابستگی مداوم دارد واز مرکز این‌گراند لژ درپاریس پیروی واز اوامر و فرامین آن اطاعت می‌کنند . اجازه قبول عضو، تعیین ساعات و روز های تشکیل‌لژ درایران، انجام فعالیت‌های سیاسی واجتماعی وبالاخره اجرای قطعی اوامرصادره از طرف استاد اعظم‌گراند لژ ، ازوظائف اصلی این لژهای فراماسونری است .

لژ های فراماسونری درایران ، چون منشعب ازگراند لژی هستندکه خود سروری و برتری لژ های انگلیسی وعبودیت نسبت بآنها را پذیرفته است ، بدین سبب، ازنخستین‌روز آغاز فعالیت، تابامروز، اوامرصادره ازطرف‌لژهای‌انگلیسی‌را بدون‌چون وچرا اجرامی‌کنند. اعضای این‌لژها حق‌دارند عضویت‌لژهای انگلیسی راپبذیرند ، وباپرداخت حق‌عضویت‌باین‌لژها، درجلسات‌آن شرکت‌کنند. هم‌چنین در تشریفات رسمی تشکیل لژ های انگلیسی و یا مراسم‌ارتقاء مقام «استاد اعظم» فراماسون های انگلیس‌وبالعکس افراد این‌لژها حق‌دارند ، دعوت دبیران لژها را بپذیرند وسمت‌های فراماسونی تشریفاتی‌ویا افتخاری راقبول‌کنند .

لژهای فرانسوی‌که درایران تشکیل شده‌اند ، تاپنجاه درصد ـ یعنی نیمی ازدرآمد خودرابه مرکزگراند لژفرانسه می‌فرستند. این‌لژهاحق ندارند ، بدون کسب اجازه وجلب‌موافقت لژهای فرانسوی ، تغییراتی درارگان های خود بدهند حتی نمی‌توانند ساعات تشکیل جلسات خود را قبل از کسب اجازه تغییر دهند . اعضای این لژها مجبور به اطاعت و اجرای دستورات صادره از مرکز گراندلژ هستند و چنانچه در اجرای اوامر صادره تخلفی از آنان دیده شود ، بلافاصله طرد شده و برادران فراماسون آنها در سراسر جهان فرد متخلف را منفور و مطرود خواهند شناخت . البته باید متذکر شد که در این صورت فقط آن دسته

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از لژهای فراماسونری جهان‌که برتری لژهای انگلیسی و عبودیت خود رانسبت بآنها پذیرفته‌اند ، فراماسون متخلف را طرد وبااو مبارزه می‌کنند .

نخستین باری که دریکی از نشریات جهان، به‌تشکیل‌وفعالیت‌لژهای‌گراندناسیونال در ایران اشاره شده، جملاتی است‌که Alco Mellor نویسنده کتاب «فراماسونری درلحظه تصمیم»[1] درکتاب خودآورده است . «الس‌مللور»می‌نویسد : «...گراندلژ ناسیونال دفرانس بتازگی باتجدید حیات وهدایت فراماسونری جهانی خودنمائی می‌کند. بدنبال اختلافاتی‌که‌میان دولتین‌ایران وانگلستان برسرمسئله شرکت‌نفت ایران وانگلیس پیش‌آمد ، لژ روشنائی درایران‌که قبلا توسط‌گراند لژاسکاتلند تأسیس شده بود ، درخواست تعطیل‌موقت وسکوت طولانی‌کرد[2]. بعداز این‌حادثه چند تن از فراماسون های سرشناس ، در شرایطی مشکوك تصمیم به تأسیس چند لژ غیروابسته [sauvages] به سازمان های ماسونی جهان‌گرفتند . لژهائی که بکلی خودمختار بوده وباهیچ سازمان رسمی ماسونی دیگری ارتباط نداشت .

مسلماً چنین لژی‌نمی‌توانست به سازمان های جهانی وابستگی داشته باشد و درنتیجه، مدت زیادی پابرجا بماند. طبعاً تشکیل چنین سازمانی‌کاملا موقتی‌بود و در چنین وضعی امکان تقاضای ثبت این لژ و برسمیت شناختن آن از طرف تأسیس‌کنندگان ایرانی‌آن وجودنداشت ، لذاآنهاباتوجه‌به شرایط موجود زمانی تصمیم‌گرفتندبه‌گراند لژ ناسیونال دفرانس روی‌آورند. بدین‌منظور نخست‌هیئتی مرکب از هفت شخصیت برجسته ایرانی (یك وزیر سابق ـ یك استاد دانشگاه ـ یك دریادار ـ یك پزشك ـ یك رئیس بانك‌ودونفر دیگر) رهسپار فرانسه‌شدند .

بدین‌ترتیب‌لژجدیدی‌وابسته به‌گراندلژناسیونال دفرانس وتحت‌سرپرستی

1 ـ Lafranc - maconnerie A L'heure Du Choix 1963

۲ ـ نویسنده تعطیل لژهای‌فراماسونری اسکاتلندی «پیشاهنگ» و «مسجدسلیمان» را درشهرهای‌آبادان ومسجد سلیمان که‌بعدازخلع یدازشرکت سابق نفت‌در روز۲۹ خرداد۱۳۳۰ اتفاق افتاد ، بالژ روشنائی در ایران‌که پنجاه‌سال است بدون تعطیل کارمی کند ، اشتباه‌کرده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واطاعت آن تأسیس شد، که از آن تاریخ تاکنون بکار خود ادامه می‌دهد. لژ انگلستان نیز بعد از مدتی فعالیت مجدد خود را آغاز، و کماکان کار خود را دنبال کرد. برای سازمان فراماسونری در ایران وضعی نظیر وضع فرانسه در قرن هیجدهم پیش آمد که طی آن لژ فرانسه [گرانداوریان] بتدریج از وابستگی های خود به لژ های انگلستان کاست و خودمختاری خاصی پیدا کرد[1]،

انحلال لژهمایون و مبارزه برای الحاق

تأسیس لژهای فراماسونری فرانسه، هنگامی صورت گرفت که فرمان انحلال لژ همایون صادر شده بود. قبل از اینکه آخرین جلسه لژهمایون برای اخذ تصمیم نهائی به انحلال لژ تشکیل شود، رؤسا و افسران کرسی لژ مذکور در صدد برآمدند به «گراند لژ ناسیونال دفرانس» ملحق شوند. این گراند لژ که خود عبودیت و برتری سازمان جهانی فراماسونری انگلستان را پذیرفته است، در نظر فراماسونهای ایرانی عضو لژ همایون، بر لژ «گرانداوریان» برتری داشت، حال آنکه گراند لژ «وادی نیل» که فرمان تقدیس و تأسیس لژهمایون را صادر کرده بود، به گرانداوریان فرانسه که از قرن هجدهم به بعد خودمختار شد، بستگی داشت، و قاعدتاً اگر اعضای لژهمایون می‌خواستند بدون وابستگی به لژهای ماسونی جهانی بکار خود ادامه دهند، می‌بایستی به «گرانداوریان» مستقل ملحق شوند، نه گراند ناسیونال فرانسه وابسته به انگلستان... ولی رؤسای کرسی لژ روشنائی در ایران برای اینکه لژ جدیدالتأسیس با آنها بستگی داشته باشد، فراماسونهای لژ در حال تعطیل همایون را تشویق کردند که به گراند لژ ناسیونال دفرانس ملحق شوند، زیرا این گراند لژ یکی از سازمان‌های وابسته انگلیسی است که عبودیت خود را نسبت با آنها قبول دارد و از مدت‌ها قبل آرزو داشت که تشکیلاتی وابسته بخود در ایران داشته باشد. بدین لحاظ، نامه‌ای از طرف محمدخلیل جواهری استاد اعظم لژ همایون برای «پیرشره» استاد اعظم گراند ناسیونال ارسال و طی آن تقاضای پذیرش شد. در همین زمان

۱ـ صفحه ۱۰۷ کتاب: لحظه تصمیم در فراماسونری

چنانکه قبلا بتفصیل گفته شد ، گرانداوریان دفرانس که لژ همایون را برسمیت می‌شناخت، دعوتنامه‌ای برای شرکت در آخرین جلسه «کنوان» و اعزام نماینده‌ای بتهران ارسال داشت .

هنگام وصول این دعوتنامه ، اختلافی بین کارگردانان لژهمایون برسر قبول دعوتنامه ، یاالحاق به گراند ناسیونال دفرانس بوجودآمد . قبلا گفته شدکه دربین فراماسون‌های لژ همایون، عده‌ای بودندکه درفرانسه، امریکا، عراق، هندوستان، مصر، لبنان وسوریه بطور قانونی فراماسون شده ودرجات مختلف را طی کرده بودند.

کارگردانان لژ روشنائی درایران ازوجود اینعده که بطور قانونی و «شناخت جهانی» فراماسون شده بودند ، برای ایجاد نفاق وتفرقه بین اعضای لژ همایون و از هم پاشیدن لژ استفاده کرده ، دودسته را علیه یکدیگر تجهیز کردند . وصول دعوتنامه گرانداوریان وارسال تقاضانامه الحاق به گراند ناسیونال دفرانس فرصت دیگری بدست کارگردانان انگلیسی لژ روشنائی درایران داد ، تادامنه اختلافات را وسیع‌تر کنند .

برای فراماسون های انگلیسی ، الحاق فراماسون های ایرانی به گراند ناسیونال دفرانس بمراتب بهتر وپسندیده‌تر از وابستگی آنها به گرانداوریان بود، زیرا گرانداوریان ازده‌ها سال قبل تاکنون بهیچوجه حاضر بقبول برتری لژ های انگلیسی واطاعت ازطریقت‌های اسکاتلندی ، انگلندی ویورک نشده است . بنابراین درمبارزه بین دودسته ماسون‌های ایران ، کرسی لژ انگلیسی روشنائی در ایران دسته طرفدارالحاق به ناسیونال فرانسه را تقویت می‌کردند. محمد خلیل جواهری که از این مبارزات ناراضی بود ، برای اینکه هردو دسته را خشنود سازد ، دکتر احمد هومن را مأمور شرکت در «کنوان» گرانداوریان کرد، ودرعین حال به برادرش دکتر محمود هومن که عضویت لژ همایون راداشت ودرپاریس هم عضو گراند ناسیونال شده بود مأموریت داد تا بامنشی گراند لژ تماس گرفته ومقدمات الحاق رافراهم کند .

در نامه‌ای که دکتر محمود هومن روزه ۲۵ خرداد ۱۳۳٤ به برادرش دکتر

احمد هومن نوشته دراین‌باره چنین می‌نویسد :

«برادر عزیزم . امیدوارم شاد و تندرست باشید ، نامه استاد اعظم را برای آقای پیرشره فرستادم وشرحی نیز ضمیمه کردم. اینك جوابی راکه منشی .G.L.N.F نوشته است به پیوست می‌فرستم . خواهش می‌کنم سلام ایشانرا خدمت استاداعظم برسانید .

چنانکه ازمتن جواب برمی‌آید ، ظاهراً موضوع را بانظر موافق رسیدگی می‌کنندومی‌توان‌امیدواربودکه مسئله‌الحاق عملی‌شود.البته چنانکه‌برای‌توضیحات بیشتر از من دعوت‌کنند، مطالب راچنانکه باید وشاید روشن خواهم‌کردوجزئیات موضوع رابعداًگزارش‌خواهم‌داد. ضمناًگزارش‌می‌دهم‌که دعوتی‌ازطرف‌گراند‌اوریان فرانسه ، توسط برادر عزیزمان دکترخلعتبری برای باشگاه مافرستاده شده است که درآخرین جلسه‌کنوان نماینده اعزام دارند . بنظرمن نباید این‌دعوت راقبول کرد ، زیراگراند‌اوریان از نظرG.L.N.Fرسمیت‌ندارد وباین ترتیب :

شرط‌مردی‌نیست بایك دل دو دلبر داشتن

یار دارا بودن و دل با سکندر داشتن

البته هرطورکه استاداعظم‌تصمیم بگیرند مطابق مصلحت خواهد بود ، ولی بنظر من‌این تذکرلازم بود . درملاقات قبلی‌که باآقای پیرشره‌کردم، ایشان‌گفتند که عملی کردن پیشنهادات شما مدتی وقت لازم دارد وبایستی موضوع رادرشورای عالی لژ مطرح‌کنیم . بنابراین نباید توقع سرعت زیاد داشت وگمان می‌کنم ، اگر موافقت حاصل‌شود ، اقدامات لازم برای دوره افتتاحیه بعدی لژهاکه دراکتبرماه خواهد بود ، به نتیجه‌برسدودراین‌فاصله فرصت‌کافی هست‌که برادران‌مابجزئیات ریتول‌اسکاتلندآشناشوند،تادرصورتیکه‌نماینده‌ای ازطرفG.L.N.Fآمد،جلسه‌ای طبق رسوم وتشریفات درحضورایشان تشکیل شود...».

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

[illegible] ۲۵ خرداد ۱۳۴۴

برادر عزیزم امیدوارم در تندرستی باشید

[illegible]

خدا نگهدار شما باد.

۱- نامهٔ دکتر محمود هومن به استاد اعظم لز

وصول نامه دکتر محمود هومن ، دسته طرفدار «گرانداوریان» را شکست داد، بطوریکه بتدریج همه باالحاق بدگراند ناسیونال موافق شدند. دریک جلسه فوق العاده نامه مذکور و همچنین گزارشی که قبلا دکتر احمد هومن در مسافرت سال قبل به فرانسه به استاد اعظم داده بود ، قرائت شد . درگزارش قبلی نوشته شده بود :

«...سازمان دیگری موسوم بدگراند لژدفرانس هست که اعضای آن باکتاب آسمانی قسم میخورند . البته عده آن ده هزار نفر است و اهمیت گرانداوریان را ندارد . باآنها هم تماس گرفتم وبناست دوروزدیگر بااستاد اعظم آن ناهاربخورم... ظاهراً لژهای انگلیسی ، گرانداوریان فرانسه را نمی‌شناسند . وهیچ ارتباط باهم ندارند وحتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خودرا درآنجا بگذارد . اینها هم می‌گویند اگر آزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است، پس چرا باید بکتاب آسمانی قسم خورد...؟!»

گزارش‌های برادران «هومن» که طرفدار الحاق به لژهائی بودندکه از طرف انگلیسها وطریقت های انگلیسی برسمیت شناخته شده بودند، سبب شدکه اکثریت اعضای لژ همایون ، همچنان طرفدار شرکت و عضویت در لژ هائی که باانگلیسها مرتبط هستند ، بشوند .

درایران سازمانهای فراماسونری نردبان ترقی، آنهم بوسیله انگلیسهاشناخته شده است . دکتر احمدهومن درگزارش خود باستاداعظم لژ همایون از اختلاف حل نشدنی بین لژ گرانداوریان و لژ های انگلوساکون اظهار ناراحتی کرده و صریحاً می‌نویسد : «... آیا مقتضی است با این اختلافی که بالژ های انگلوساکون دارند ، ماجزواینها بشویم...» یقیناً جواب این سؤال از نظر ماسون‌های ایرانی که طرفدار انگلستان وطریقت‌های انگلیسی واسکاتلندی هستند ، باتوجه به فعالیتی که کرسی لژ روشنائی برای از بین بردن گرانداوریان در ایران می‌کرد ، منفی بود و نتیجه آن موافقت دسته جمعی اعضای کرسی لژ همایون وهمه کسانیکه دراین لژکارمی‌کردند

Hôtel Mac-Mahon
3, AVENUE MAC-MAHON
PARIS 17e

گزارش دکتر احمد هومن به محمد خلیل جواهری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باالحاق بهگراندناسیونال شد[۱].

این پیروزی برای افسران کرسی لژ روشنائی در ایران، موفقیت بسیار شایانی دربرداشت، بطوریکه پس از گذشت چندین سال، هنگامیکه گزارشی از طرف منشی لژ روشنائی برای فراماسون‌های امریکائی مقیم ایران تهیه می‌شد، ومفاد آن بعداً نقل خواهد شد، درباره تشکیل لژ مولوی وانحلال لژ همایون چنین نوشته اند:

«... امادرمیان پیروان جواهری چند نفری هم بودندکه بطور قانونی وارد فراماسونری شده بودند (درفرانسه، امریکا، عراق، هندوستان وجاهای دیگر) این اشخاص دریافتند که تشکیلات جواهری غلط بوده‌است ودرپشت‌پرده فعالیت شدیدی را آغاز کردند و عده‌ای نیز بخـارج رفتند، تا بطور رسمی وارد سازمان فراماسونری بشوند. تااینکه سرانجام به آنها اجازه داده شد،که یك لژ قانونی در این‌کشور تشکیل دهند مقامات مسئول از فعالیت لژ «روشنائی در ایران» اطلاع داشتند ومی‌دانستندکه‌اگر لژ های دیگری نیز به همان طریق فعالیت‌کنند به نفع‌عایای ایشان خواهد بود. نخستین لژی‌که بدینترتیب تشکیل شد، لژ مولوی نام داشت که درحقیقت در فرانسه تشکیل شد، ولی تحت نظر گراندناسیونال فرانسه‌به‌اینجا منتقل شد...»[۲]

اسناد تشکیل لژ مولوی

درپایان آخرین‌ماه‌بهار سال۱۳۳۴‌ـش(۱۹۵۷‌ـم) لژهمایون باانعقاد آخرین جلسه ومذاکرات نهائی تعطیل ومنحل‌شد. محمد خلیل جواهری که هنوز بقول کرسی لژ روشنائی «مانندخدائی» براعمال رجال‌عضو لژ همایون‌نظارت می‌کرد

---

۱ - اولین باری که شعبه لژ گراند‌اوریان درایران تشکیل شد،کسانیکه عضویت این‌لژ راقبول کردند، امیدوار بودند خودرا ازقید اسارت انگلستان برهانند، ولی پس‌از اینکه در انقلاب مشروطیت پیروزی بزرگی نصیب اعضای‌لژشد وهمینکه مشروطیت مستقر گردید واعضای لژ دیدند، دست انگلیسها از آستین برادران ماسون فرانسوی درآمده است، عده زیادی از آن‌لژ کناره‌گیری کردند.

۲ - رجوع شود به فصل بیست و نهم همین کتاب

درتصویر صفحه بعد دکتراحمد هومن، دکترخانشیری، شهاب خسروانی، ارنست پرون و چند فراماسون ایرانی دیگر که شناخته نشدند با ستادان فراماسونری گراند‌اوریان دیده می‌شوند ←

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از اول تیرماه ۱۳۳٤ شروع به تدارك مقدمات تشكیل لژ «مولوی» در ایران کرد. نخستین اقدام او ترجمه قانون اساسی، نظامنامه، درجات و اطلاعاتی بود، که از پاریس وازمرکزگرانداوریان ازاوخواسته بودند اواین اطلاعات رابرای «پیرشره» استاد اعظم گراند لژ ناسیونال که نامه زیر را برای جواهری فرستاده بود، ارسال داشت:

۲۰ ژوئن ۱۹۵۵ (۲۹-خرداد ۱۳۳٤)

برادر ارجمند خلیل جواهری

استاد ارجمند لژ . . .

عطف بنامه وتقاضای سرکار می‌توانیم کمك های زیرین رابنمائیم:

۱ - مقتضی است. آئین‌نامه عمومی و قانون اساسی ویك نسخه از اصول و قواعدی‌که درلژ، برادران طبق آن‌عمل می‌نمائید، برای‌مابفرستید تاآنهارابررسی کرده، صحت و مطابقت آنها را بااصول متداول تصدیق نمائیم.

۲ - اگرممکن است هفت‌نفر را برای حداقل درمدت ۱۰ تا ۱۵ روز اقامت در پاریس بمامعرفی نمائید، تاآنانرا در لژ خود پذیرفته، طبق مقررات آنها را بآئین‌ماسونی‌درآورده، لژهائی، درپاریس‌ازآنها تشکیل‌دهیم. این اشخاص‌بااجازه شماوموافقت‌ماطبق اصول لژ مادرایران، شروع‌بعمل‌کرده لژی تشکیل‌می‌دهند. اینان بتدریج سایربرادران موجود درتهران را باآئین جدیدآشنائی داده وازآنها دولژ دیگر تشکیل خواهند داد، پس‌از مدتی تمرین وپس از اینکه به تشخیص خودتان سازمان جدیدقوی شد، آنوقت یك «گراندلژ» از سه لژ تشکیل خواهید دادکه ماوتمام قدرت‌های ماسونی دنیاآنرا خواهند شناخت وجزو لژهای منظم در خواهد آمد.

اگر برادران مادکتر احمدهومن ودکتر محمود هومن بخواهند همین‌حالا هم وارد لژ مابشوند، باموافقت شماوباکمال مسرت آنها راخواهیم‌پذیرفت.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



65, BOULEVARD BINEAU
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE FRANCE
TÉLÉPHONE
MAILLOT [illegible]

le 20 Juin, 1955.

R.F. Khalil Djavaheri,
Grand Maître de la Loge
Pahlevi de l'IRAN.

Mon cher Frère,

A la suite de votre demande nous pensons qu'il nous serait possible de vous aider de la façon suivante :

1° Il y aurait lieu de nous adresser votre réglement général et votre constitution ainsi qu'un de vos rituels pour que nous puissions examiner la régularité de vos réglements et des rites pratiqués.

2° Dans l'éventualité d'un développement ultérieur possible de notre aide, auriez vous la possibilité d'envoyer, pour un séjour de 10 à 15 jours minimum, sept de vos frères qui viendraient se faire affilier à une de nos Loges et régulariser leur situation maçonnique.

Ces sept, au plus, frères se formeraient immédiatement en une Loge que nous pourrions consacrer à Paris et qui me demanderait, avec votre accord, l'autorisation de travailler avec notre charte sur le territoire de l'Iran à Teheran.

Cette Loge régulariserait vos autres Frères, pourrait initier et former par la suite deux autres Loges à qui nous donnerions, toujours avec votre accord, des Chartes et plus tard lorsque vous vous sentirez assez forts, vous pourrez fonder une Grande Loge avec les bases d'une régularité indiscutable, demander votre reconnaissance aux puissances Maçonniques régulières mondiales.

Si les Fr.A. Houman et Dr. M. Houman veulent se faire affilier d'ores et déjà c'est avec le plus grand plaisir que, sur votre recommandation, nous les accueillerons parmi nous au sein d'une de nos Loges.

Nous sommes, bien entendu, à votre fraternelle disposition pour recevoir tout envoyé que vous voudrez bien habiliter à venir discuter de ces questions.

Veuillez croire à mes sentiments fraternels et dévoués.

P. CHERET
GRAND MAITRE.

نامه پیرشره استاد اعظم گراند ناسیونال دفرانس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماهمیشه دراختیار شمابنحو برادرانه خواهیم بود وبرادری راکه از طرف شما اختیارنامه دارد برای مذاکره دراطراف پیشنهاد گسیل دارید، با آغوش باز خواهیم پذیرفت.

استاد اعظم - پیرشره»

پس ازوصول این‌نامه، محمدخلیل جواهری هفت‌نفر از فراماسونهائی را که خود بآئین واصول لژ «وادی نیل‌مصر» فراماسون‌کرده بود، بامعرفی نامه‌های مخصوص بپاریس و به گراند لژ ناسیونال دفرانس معرفی کرد. اینعده عبارت بودند از :

۱ - دکتر احمد هومن - استاد دانشگاه

۲ - . . . . . .

۳ - دریادار عبداله ظلی - افسر نیروی دریائی

٤ - عبدالحمید سنندجی - نماینده مجلس

٥ - عبداله سعیدی نماینده مجلس شورای‌ملی

٦ - محمدعلی امام شوشتری - صاحبمنصب‌گمرکات

۷ - مهدی شوکتی - محضردار

نمایندگان اعزامی که روز دهم اکتبر ۱۹٥٥ - (۱۷ مهر ۱۳۳٤) از تهران حرکت‌کرده‌بودند، روز بعد وارد پاریس شدند. تنها عبداله سعیدی‌که دراستکهلم بودومی‌بایستی‌در آن‌روزدرپاریس‌باشد، بعلت بیماری‌نتوانست خودرا به برادرانش ملحق سازد.

دکتر احمد هومن طی‌تلگرافی، ازجواهری اجازه خواست‌که محمدساعد مراغه‌ای نخست‌وزیر اسبق ایران راکه درآنهنگام درپاریس اقامت داشت بجای سعیدی منصوب‌کنند ومعرفی نامه تلگرافی برای وی صادرشود.

پس ازوصول جواب تهران، شش‌نفری‌که ازتهران‌رفته بودند، باضافه‌ساعد

ودکتر محمود هومن‌خودرا به«پیرشره»استاداعظم گراند لژمعرفی‌کردند. روزبعد بدعوت‌استاد اعظم‌گراند ناسیونال دفرانس هیئت اعزامی‌ایران‌به‌لژکنفیانس‌شماره ۲۵پاریس که‌یکی ازلژهای وابسته به‌گراند لژ ناسیونال بودرفتند . ودریک‌جلسه فوق‌العاده که برای عضویت آنها تشکیل شده بود ، همگی بعضویت لژکنفیانس درآمدند وهمه مراسم‌را انجام‌دادند. سپس‌کلیه تشریفات‌تشکیل‌لژ مولوی شماره ۴۹که می‌بایستی زیرنظرگراند ناسیونال درتهران فعالیت‌کند ، انجام شد.گراند‌ـ ناسیونال دفرانس ، دکتر محمود هومن ـ محمد ساعد ـ دکتر عباسعلی خلعتبری و رشیدی حائری را که قبل از تأسیس‌لژ مذکور، مقام فراماسونری «برادر بسیار ارجمند» داشت نیز باسایرین درتأسیس وتقدیس لژ مذکور شرکت داد . وروز۱۳ اکتبر ۱۹۵۵(۲۰مهر۱۳۳٤) همه تشریفات تشکیل لژ باسرودها ومراسم مخصوص انجام گردید وافراد زیر بنام مؤسسین لژمولوی درایران شناخته شدند :

۱ ـ برادر محترم دکتراحمد هومن

۲ ـ . . . . .

۳ ـ برادر محترم دریادار عبدالهٔظلی

٤ ـ برادر محترم دکتر محمود هومن

۵ ـ برادر محترم دکتر عباسعلی خلعتبری

٦ ـ برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

۷ ـ برادر ارجمند مهدی‌شوکتی (مرحوم)

۸ ـ برادر محمد ساعد

۹ ـ برادر عبدالحمید سنندجی

۱۰ ـ برادر محمدعلی امام شوشتری

این لژکه درردیف شماره ٤۹ لژهای‌گراند ناسیونال فرانسه درجهان، ثبت شده ، در روزهای سومین سه‌شنبه هرماه مسیحی و درماه های :

ژانویه ـ فوریه ـ اپریل ـ می ـ سپتامبر ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در خیابان بوعلی‌سینا (ادامه خیابان مجلس شورایملی) پلاك ۴۱۰/ در یك عمارت قدیمی ساز تشکیل جلسه می‌دهد[1]. همان‌روز که‌این‌لژ تشکیل و باصطلاح فراماسونها (تقدیس) یافت ، نامه زیر از طرف «پیرشره» استاد اعظم گراند ـ لژمذکور برای‌محمد خلیل جواهری‌که بعدها بردن‌نام او برای‌فراماسونهاممنوع وجرم شناخته شد ، نوشته وارسال شد :

۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ (۲۰مهر۱۳۳۴)

برادر بسیار ارجمند

آقای خلیل جواهری

خیابان کاخ تهران ـ ایران

برادر بسیار ارجمند. پیرونامه‌ایکه ۲۰ژوئن گذشته خدمتتان ارسال‌داشتم، اخیراً افتخار پیدا کردیم که هیأتی‌که بنمایندگی لژ های شماکه به لژ کنفیانس [اطمینان] شماره ۲۵، درپاریس ملحق شدندآشنائی پیداکنیم. کلیه این برادران تمام مراسم را تادرجه ۳طی‌کرده ودرجات آنرا دریافت نموده‌اند. امروز باحضور این برادران لژجدیدی بنام «مولوی» بشماره ۴۹ تشکیل دادیم،که اعضایش‌همین برادران بودند ، بهآنها اجازه دادیم‌که این‌لژ را به تهران انتقال دهند وعملیات را دراین شهرادامه دهند والبته مطابق مقررات وقوانین ما وتحت نظامنامهٔکه به آنها تفویض کردیم . بدین ترتیب اولین مرحلهٔ نقشه ما با موفقیت و منظم انجام شده‌است .

باهمکاری برادرمحترم«آرتور نیبرگال[2]» که دبیرکل بزرگ ماست ودرآتیه بایران خواهدآمد، امیدواریم‌که این اولین لژ شما «مولوی» در تهران برقرار و مرتب فعالیت خواهد نمود . عجالتاً خواهشمندم بوسیله برادر خلعتبری‌مدارکی

---

۱ ـ همه اطلاعات تشکیل ودوام لژهای فراماسونری ایران ازسالنامه سال ۱۹۶۷ گرفته شده است

2 - Arthur Niebergall

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANCAISE



[illegible]
NEUILLY SUR SEINE

le [illegible] Octobre [illegible]

Fr. R. Fr. [illegible],
Grand Maître de la Loge
Pahlavi de l'IRAN,

Mon cher Frère,

J'ai déjà exprimé notre reconnaissance, officiellement en Loge, pour les magnifiques présents que nous ont été remis de votre part.

Mais je tiens, tout particulièrement, à vous remercier personnellement pour l'attention délicate que vous avez eue.

Soyez assuré que tout ce que nous avons fait et tout ce que nous pourrons faire dans l'avenir, pour vous aider sera fait de grand coeur car l'esprit qui animait votre délégation nous a fait comprendre l'esprit maçonnique sincère qui est en vous et nous pouvons espérer que l'avenir nous apportera la possibilité de relations de plus en plus étroites entre les Frères de nos deux pays.

J'espère que dans le courant de l'année prochaine mon emploi du temps (très chargé) me permettra d'aller personnellement assister à la consécration de votre Grande Loge ainsi régulièrement constituée.

Veuillez croire, mon cher Frère, à l'assurance de mes sentiments les plus sincères et très fraternellement dévoués.

[illegible]

نامه‌استاد اعظم گراند ناسیونال درباره تشکیل لژمولوی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

را که راجع بدرجات ماسونی دریافت نموده‌اید ، ارسال دارید . تا حسب‌التفاوت مطالعه نمائیم .

علی‌العجاله تاوصول این مدارك، ازآنجائیکه ، برادر بسیارارجمندما مورد نهایت احترام برادرهای تهران وشهرستانها می‌باشید ، موقتاً به شماعنوان بازرس کل منطقه ایران که فعلا تشکیل شده تفویض می‌کنم . تا تشکیل یك « گراند لژ ایران» که انشاءاله بااین‌ترتیب شماسمت اولین استاد اعظم آنرا خواهید داشت ، دارای این‌مقام می‌باشید .

بانقدیم مراسم احترام و سلام برادرانه به آن برادر ارجمند

پیر شره ــ استاداعظم

بطوریکه ملاحظه می‌شود ، استاداعظم گراند لژناسیونال دفرانس ، نه تنها الحاق فراماسون های اعزامی رابدلژکنفیانس قبول می‌کند ، بلکه به محمدخلیل جواهری‌عنوان «بازرس‌کل‌منطقه ایران»راکه‌یکی‌ازبزرگترین‌مقام‌های‌فراماسونی است ، می‌دهد .

«پیرشره» باتفویض این مقام به جواهری ، درنظر داشته است‌که «گراندلژ ایران» را زیر نظر ونفوذ جواهری درایران تشکیل داده وبمقابله با لژ روشنائی درایران‌که پس از ۳۶ سال هنوز فعال نبوده برانگیزد .

ولی‌ازآنجاکه لژهای انگلیسی همیشه سعی‌دارند برتری وسروری خودرا برسایر لژهای ماسونی حفظ‌کنند ، ودرکشورهای‌کم رشد ازنفوذسیاسی ، اجتماعی واطلاعات‌فراماسونهابهره برداری‌نمایند، درهرجاکه لژهای‌ماسونی‌ایجادمی‌شوند مسئله «قبول برتری» راعنوان‌کرده واداره لژها را بدست می‌گیرند . درتهران‌هم کرسی‌لژروشنائی درایران‌که اکثریت‌اعضای‌آن رادیپلماتهای انگلیسی، بازرگانان مأمورین اطلاعات، افسران انگلیسی وسایرخارجیان تشکیل‌می‌دهند، برای‌اینکه لژمولوی وسازمانهای دیگری راکه‌گراند ناسیونال در آتیه بوجود می‌آورد ، در اختیار وتحت‌کنترل داشته باشند ، درانتخاب‌کارگردانان لژ مذکور مطالعه و دقت

فراوان می‌کنند. همینکه عده ده نفری مؤسسین لژ مولوی از پاریس بازگشتند، فراماسونهای لژ روشنائی در ایران با آنها تماس گرفته وموفق شدند تحت نظر خودشان لژ مولوی را تأسیس کنند.

چون در آن موقع جواهری بموجب اخطار «مخصوص» حق فعالیت نداشت واز طرفی وی نمی‌خواست ازجلسه اول تحت نظر دیگران کارکند، لژ روشنائی مؤسسین لژ مولوی اخطار کرد که وی را ازسازمان در شرف تأسیس اخراج کنند.

درنیمه دوم سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵-۱۹۵۶) مبارزه بین دوجناح طرفدار انگلیسها وفراماسون های ایران که می‌خواستند مستقل از انگلستان وتحت نظر فرانسویها کارکنند، درتهران شدت یافت. درحالیکه این دوجناح بایکدیگر مبارزه می‌کردند، طرفداران جواهری نیزوارد میدان شده وباکسانیکه «حق استادی» وی را بجانیاورده ونسبت باو نمك نشناسی کرده بودند، مبارزه را آغاز کردند. دراین بین جواهری تصمیم گرفت، عده‌ای از طرفداران خودرا برای حفظ موقعیت خویش به پاریس بفرستد وآنهارا درمراکز لژگراندناسیونال، فراماسون کند و اینعده راکه دکتر...، عبداله سعیدی وصلاحی در رأس آنها قرار داشتند باتحف وهدایائی به پاریس فرستاد.

جوابهائی که استاداعظم گراندلژ ناسیونال دفرانس به جواهری درباره کار هیئت اعزامی داده نشانه آنست که هنوز پاریس تحت تأثیر فعالیت جواهری ولژی که او درایران تشکیل داده بود، می‌باشد. درنخستین نامه، استاداعظم گراندلژ- ناسیونال دفرانس، چنین می‌نویسد:

بافتخار بزرگترین معمار جهان

گراند لژ ناسیونال فرانسه

متمنی است به آرتور تیبرگال شماره یك کوچه ژوزف گرانیه پاریس هفتم جواب بدهید.

مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۵۵ (۱۹-آبان ۱۳۳۴)

۶۵ بلوار بینونوی‌ئی ایالتس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادر خ جواهری

ل...خیابان کاخ شماره ۲۱۲

تهران ـ ایران

برادر عزیز دوستداشتنی

پریروز باکمال خوشحالی نامه مورخ ۸ نوامبر را دریافت کردم. درتعقیب مذاکراتی که دیروز با برادر خلعتبری[1] مستشار سفارت کبرای ایران در پاریس بعمل آمد، دکتر...که باید اخوی (برادر...) باشد که مادرهجدهم اکتبر بعضویت لژ «Semper Fidelis» که بزبان انگلیسی کار می‌کند و بشماره ۲۰ است، پذیره شدیم.

بعد از موافقت با برادر خلعتبری ما پیشنهاد پذیرش دکتر . . . را به لـژ Confiance زبان فرانسه روز چهار شنبه ۲۳ نوامبر خواهیم نمود. ایشان در لژ کنفیانس شماره ۲۵ است که سایر برادران تهران هم در آن قبول شده وعضوند، به عضویت این گراند لژ پذیرفته ومنصوب می‌شوند.

ماهیچوقت فراموش نخواهیم کرد، زیبائی وجلالی که در تشریفات پذیرش برادران ایرانی بعمل آمد. همچنین تشریفاتی که برای پذیرش لژ مولوی شماره ۴۹ دردفاتر ماانجام شد.

مقصد عالی شماکه دایر کردن ماسونری مرتب وتاریخی وبین‌المللی است، درما تأثیر بسیارکرد وحاضریم که باشما همه‌نوع همکاری وکمك نامحدود بنمائیم.

۱ـ دکترعباسعلی خلعتبری متولد ۱۲۹۱ش فارغ‌التحصیل دانشگاه پاریس در علوم سیاسی و مشاغل دولتی دروزارت امورخارجه : کارمندتشریفات ۱۳۲۱ـ کارمنداداره سوم سیاسی ۱۳۲۳ـ تصدی کارمندمقدم اداره سوم سیاسی ۱۳۲٤ـ دبیردوم سفارت برن ۱۳۲٤ـ دبیریکم وکاردار موقت ورشو ۱۳۲٦ ـ کفالت اداره سازمان ملل‌متحد ۱۳۲۹ ـ رئیس اداره سازمان ملل‌متحد ۱۳۳۰ـ رایزن درسفارت کبرای پاریس ۱۳۳۲ـ مقام رایزنی سفارت کبرای ۱۳۳٤ـ رئیس اداره سوم سیاسی ۱۳۳٦ـ وزیر مختار ۱۳۳۷ـ سفیر ایران در لهستان ۱۳۳۹ـ دبیر کل سنتو ۱۳٤۰ مقیم در اسلامبول.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE

[illegible]

نامه استاد اعظم گراند ناسیونال درباره عضویت سه ایرانی دیگر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مقصود ماوشماداشتن نفوذفوق‌العاده نیکی‌بخش دربرادری بین‌المللی‌است وبعملیات خود بسیار مغرور ومفتخریم.

من درتاریخ‌معین به تهران‌می‌آیم‌که‌درمجلس عملیاتی راکه درپاریس‌شروع کردیم ، ادامه بدهیم .

خواهشدارم‌سلام برادرانه استاداعظم پی‌یرشره را باسلامهای کلیه برادران پاریس وخود بنده به برادران تهران ابلاغ فرمائید .

از هدیه‌ای که توسط دکتر... فرستاده بودید، بی‌نهایت متشکرم . به‌یادگار شماقبول می‌کنم. که روابط ذیقیمت‌مان ادامه یابد . آرتور لی‌برکال

متمنی است رتبه خودتان‌را در... بمن اطلاع‌دهید .

استاد اعظم گراند ناسیونال ، برای ابراز «حق شناسی» هرچه بیشتر نسبت به استاداعظم لژ همایون نامه زیر رانیز برای او فرستاد :

«برادر عزیز

من یکبار مراتب حقشناسی خودمان را بمناسبت هدایای عالی وبی نظیری که از ناحیه شما بمارسیده‌است درلژ بیان داشتم . اماعلاقمندم‌که مخصوصاً از خود شما بمناسبت توجه ودقتی‌که دراین امربکار برده‌اید تشکرکنم .

مطمئن باشید که آنچه مادرگذشته برای‌کمك بشماانجام داده‌ایم وآنچه‌که درآتیه می‌توانیم‌انجام دهیم، باکمال صمیمیت واشتیاق‌است . زیرا عواملی‌که‌باعث حرکت وجنب وجوش‌جمعیت وهیئت‌شماشد ، بمافهماندکه دروجودشما یك روحیه سازنده و عالی وجود دارد و مامی‌توانیم امیدوار باشیم‌که در آینده امکان روابط هرچه صمیمانه تری بین برادران دوکشورما فراهم خواهد شد .

امیدوارم درجریان سال آینده،گرفتاریهای من (که بسیار زیاد است) بمن اجازه بدهدکه شخصاً درجلسه افتتاحیه لژ بزرگ شماکه بدینترتیب یابه‌آن‌بطرز منظمی‌گذاشته شده‌است حضور بهم برسانم .

برادران عزیزم باکمال اطمینان علاقه قلبی وصادقانه وبتمام معنی برادرانه مرا قبول بفرمائید . رهبر بزرگ...»

آخرین نامه‌ای‌که از استاد اعظم‌گراند ناسیونال به استاد اعظم لژ همایون نوشته شده ، جملات تملق آمیزی دارد ، که بدین شرح است :

یکم دسامبر ۱۹٤۵ (۹آذر۱۳۳٤)

برادر ارجمندم . خ . جواهری

خیابان کاخ شماره ۱۱۲ تهران-ایران

برادر عزیزم : از نامه نوامبر شماوهمچنین قوطی سیگاریکه با نظر لطف توسط آقای دکتر... برای‌بنده‌فرستاده‌اید، بی‌نهایت‌سپاسگزارم. این‌هم یك‌نمونه ازمهارت صنعتگران آن‌سرزمین وهم یادگاردوستان ایران من بشمارخواهدرفت.

برادر عبداله سعیدی دیروز درلژ کنفیانس ماپذیرفته شد و اکنون ما خود آماده پذیرائی‌دکتر. . . ور. صلاحی می‌نمائیم‌که انشاءاله در آتیه نزدیکی انجام خواهد شد .

بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید ما به همکاری برادرانه خود در راه پیشرفت .·. جهانی ادامه می‌دهیم .

برادر بسیارگرامی خواهشمندم سلام برادرانه بنده را بپذیرید امضاء «معاون استاداعظم»

قبول عضویت این سه‌نفرکه همگی طرفدار جواهری بودند ، نتوانست از سقوط وبرکناری وی جلوگیری‌کند . بااینکه درسه نامه فوق استاد اعظم‌گراندلژ بزرگترین تجلیل را از جواهری‌کرده بود ، بااینحال معلوم شد ، مبارزه مخفیانه فراماسونهای تهران بپاریس نیز کشیده شده و برکناری جواهری مورد تصویب «پیرشره»استاد اعظم‌نیز واقعشده است. نخستین جلسه لژمولوی در خیابان‌سعدی در منزل دکتراحمد هومن تشکیل شد . در آن جلسهٔ هفت نفری‌که در پاریس لژ مولوی راتشکیل داده بودند، پس‌از ساعتهابحث ومذاکره‌به محمدخلیل جواهری

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



NEUILLY SUR SEINE

1er Décembre 1965.

V.P. M. [redacted]
Avenue Kakh, N° 212,
TEHERAN (Iran).

Très Cher Frère,

Je vous remercie de votre lettre du 8 Novembre et de la délicate et aimable attention que vous avez eue à mon égard en me faisant remettre par le Dr. Eghbal un porte-cigarettes, qui sera pour moi un souvenir de mes amis d'Iran et une preuve de l'habileté des artisans de votre cher pays.

Le Fr. Abdollah Saïdi a été reçu hier dans notre Loge CONFIANCE et nous prenons nos dispositions pour recevoir également les FF. Dr. Eghbal et R. Salleh dans un proche avenir. Nous continuons ainsi, comme vous le voyez, notre coopération fraternelle pour le bien de la Maçonnerie universelle.

Veuillez agréer, très cher Frère, l'assurance de mes sentiments les plus fraternels.

Assistant Grand Maître.

آخرین نامه استاد اعظم گراند لژ ناسیونال دفرانس به جواهری

که‌تادبروز بردست وزانوی اوبوسه می‌زدندپیشنهاد ترک‌جلسه و برکناری‌ازفعالیت لژ مولوی راکردند .

محمدخلیل جواهری درآن جلسه باعصبانیت برادران خودرا ترک گفت .

درهمان روز به‌همه اعضای لژهمایون اطلاع داده شدکه مراوده خود را با او قطع کنند . عده زیادی اوامر لژ مولوی را اطاعت کردند . دسته‌ای نیز ظاهراً رابطهٔ خودرا باجواهری قطع کردند ، ولی درخفا با اوهمکاری داشتند . ولی سرانجام همهٔ‌کسانی‌که عضو لژ مولوی شدند ، پیوندهای خود را با اوبریدند . در حالی‌که پنج‌نفر از آنها تاروزهای‌آخرعمرش اورا فراموش نکردند.

آغاز فعالیت لژ مولوی

از اوایل سال ۱۳۳۵ ـ ش (۱۹۵۶ـم) لژ مولوی که جلسات خودرا درمحل خریداری باشگاه حافظ واقع در محل‌سابق سفارت بلژیک ، اول خیابان ایران (عین‌الدوله) تشکیل می‌داد ، همه مقدمات افتتاح رسمی لژ را آماده ساخت . در مهرماه سال مذکور « آرتوربی برگال »[۱] استاد فراماسونری فرانسوی از طرف « پیرشره » استاد اعظم گراند لژ ناسیونال دفرانس ، برای نظارت در تأسیس و برگزاری آداب و رسوم و قواعد و مقررات صحیح ـ برطبق قاعده اسکاتلندی به تهران آمد .

هنگامی‌که لژ مولوی شماره ٤۹ در تهران تأسیس شد دکتر احمد هومن و سعید مالك (لقمان‌الملك) هردو سمت استادی داشتند .

دکتر احمد هومن درملاقاتی که در سال ۱۳٤۰ باوی کردم خود را نخستین «استاد اعظم» ایران معرفی کرد . همین ادعارا مرحوم ابراهیم حکیمی (حکیم‌ـ الملك) نیز داشت که درزمان‌حیاتش به‌نقل ازگفتهٔ خود او عیناً درمجلهٔ آسیای‌ـ جوان توسط نگارنده نقل شده است .

۱ـ Arthur Niebergall فرانسوی ساکن بخش هفت پاریس کوچه ژوزف گرانر بوده واستاد لژگراند ناسیونال دفرانس می‌باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

محمد خلیل جواهری نیزخودرا نخستین ایرانی‌که «استاد اعظم» شده‌است می‌دانست. او عین دیپلمی‌راکه گراند لژ قاهره به‌اوداده ، دراطاق‌کارش نصب‌کرده بود وآنرا به همه نشان می‌داد .

درحالی‌که مدعیان «استاد اعظم» فراماسونری بودن ، برسرداشتن این‌مقام گفتگو می‌کردند ، ناگهان‌گراند لژ ناسیونال دفرانس دکتر سعید مالک[1] را بسمت اولین «استاد اعظم» و رهبرلژ مولوی وگراند لژ محلی‌ایران انتخاب‌کرد .

دکترسعید مالک‌که چهل‌سال‌قبل‌ازآن تاریخ‌درایران‌وفرانسه به‌عضویت لژ فراماسونری گراند اوریان درآمده بود ، به مبارزات و قدرت طلبی‌های داخلی خاتمه داده وچون مورد اعتماد و وثوق‌کامل گراندلژ اسکاتلند نیز بود،درگزارشی که لژ مذکور برای امریکائیان تهیه کرده ودر فصول بعد خواهد آمد وی‌را مورد ستایش قرار داده‌اند .

پس‌ازآغاز کارلژمولوی، تا کنون لژهای وابسته به‌گراند ناسیونال‌دفرانس درایران به نامهای زیر تشکیل شده است :

۱ - لژ مولوی نمره ۴۹ - تاریخ تقدیس۱۳-اکتبر ۱۹۵۵ - روزتشکیل سومین سه شنبه ماه مسیحی . ماههای تشکیل : ژانویه - فوریه - اپریل - می - سپتامبر-اکتبر- نوامبر- دسامبر.

۲ - لژ سعدی نمره ۶۷ : تاریخ تأسیس ۱۷ می ۱۹۶۰ - روزهای تشکیل دومین هرماه مسیحی. ماه‌های تشکیل : ژانویه - فوریه - مارس - اوریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر .

۱- سعید مالک (لقمان‌الملک) درسال ۱۲۶۷ درتبریز متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را درمدرسه لقمانیه بپایان رساند وازسال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ در دانشکده طب فرانسه به تحصیل پرداخت پس‌از مراجعت به‌ایران از ۱۳۰۱ مشاغل زیرراداشته است : رئیس صحیه کل‌قشون - معاون فنی‌وزارت داخله - ریاست‌کل صحیه مملکتی - (۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰) استاد امراض‌خارجی‌دانشکده طب- رئیس بیمارستان دولتی‌ورئیس‌قسمت جراحی‌همین‌بیمارستان- عضو شورایعالی فرهنگ - وزیربهداری در کابینه‌های (ساعد ، بیات ، صدر ، حکیمی ،) از۱۳۲۸ تاکنون عضو مجلس‌سنا می‌باشد (۱۳۴۳) .

۳ـ لژ فروغی نمره ۶۷ : تاریخ تقدیس ۸ می ۱۹۶۰ ـ روز تشکیل اولین یکشنبه هرماه مسیحی. ماههای تشکیل جلسات: فوریه ـ اپریل ـ جون ـ اکتبر ـ دسامبر .

۴ـ لژ حافظ نمره ۶۸ شیراز ـ بلوار رضاشاه ـ کوی خبیر شهر شیراز تاریخ تقدیس ۱۹ می ۱۹۶۰ ـ روز تشکیل اولین سه‌شنبه ماه مسیحی. ماههای تشکیل جلسات: ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ اوریل ـ می ـ جون ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر.

۵ـ لژ شمس تبریزی نمره ۷۳ تبریز خیابان پهلوی تبریز ـ تاریخ تقدیس ۱۹ اپریل ۱۹۶۱ ـ روز تشکیل اولین سه شنبه هرماه مسیحی ـ ماه های تشکیل جلسات: ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ اپریل ـ می ـ جون ـ سپتامبر ـ اکتبر ـ نوامبر دسامبر

۶ـ لژ ابن‌سینا ۷۶ ـ بزبان انگلیسی ـ تاریخ تقدیس ۱۲ اپریل ۱۹۶۲ ـ روز تشکیل سومین شنبه هرماه مسیحی. ماههای تشکیل : ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ اپریل ـ می ـ سپتامبر ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر

۷ـ لژ مزدا نمره ۷۹ تاریخ تقدیس ۲ مارس ۱۹۶۳ ـ روزهای تشکیل هرماه مسیحی. ماههای تشکیل: ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ اوریل ـ می ـ سپتامبر ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر

۸ـ لژ فرانسه نمره ۸۳ بزبان فرانسه ـ تاریخ تقدیس ۷ می ۱۹٦٤ ـ روزهای تشکیل اولین سه‌شنبه هرماه مسیحی ماههای تشکیل: ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ می ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر

۹ ـ لژ کسرا نمره ۱۰۲ تاریخ تقدیس ١٤ نوامبر ۱۹٦٥ روزهای تشکیل دومین یکشنبه هرماه مسیحی. علاوه برچند لژ فوق‌الذکر، سازمان فراماسونری گراند ناسیونال دفرانس در ایران، دارای دو تشکیلات دیگر نیز هست ، که می‌توان آنهارا درردیف سازمان های بااهمیت‌تر دانست:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱ ـ گراند لژ محلی ایران به ریاست استاد اعظم فراماسونری دکتر سعید مالك که درماه نوامبر هرسال تشکیل جلسه می‌دهد . در روز تشکیل این سازمان ماسونی ، گرانشتین ، بازرس اعظم لژهای نظامی فرانسه بایران آمد و تشکیلات مذکور را پی‌ریزی وتقدیس کرد .

۲ ـ شاپیتر مولوی ـ این سازمان فراماسونری فرانسه در ایران برلژهای ماسونی دیگر ارجحیت‌دارد ودرآن صاحبمنصبان عالیمقام ماسونی شرکت دارند. بموجب‌مندرجات‌سالنامه‌سال۱۹۶۷گراندناسیونال،این‌تشکیلات‌درروز۳۲می۱۹۶۰ درتهران تأسیس شده[1]. شاپیترمولوی درسال پنج‌جلسه ودر سال ۱۹٦۸در روزهای ذیل تشکیل گردید :

چهارشنبه ۲۵ ژانویه

چهارشنبه ۲٦ اپریل

چهارشنبه ۲٤ می

چهارشنبه ۲۷ سپتامبر

چهارشنبه ۲۲ نوامبر

گراند لژ ناسیونال دفرانس وگراند لژ اسکاتلندکه هر دو بایك طریقت و تحت فرمان وعبودیت و برتری سازمان فراماسونری انگلستان می‌باشند ، پس‌از اینکه ازتأسیس و توسعه و استقبال سازمان های فراماسونری در ایران اطمینان کامل پیداکردند، باالحاق وهمبستگی‌همه لژهای فرانسوی‌وانگلیسی بایکدیگر موافقت کردند .

بدین منظور درسال ۱۹٦۰ دوگراند لژانگلیسی وفرانسوی توافق‌کردندکه یك گراند لژ محلی ایران را باداشتن عنوان :

District Grande Lodge of Iran

در ایران «تهران» تشکیل دهند .

---

۱ ـ ص ۱۰۲ سالنامه سال ۱۹٦۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دررأس این گراندلژمحلی دکتر سعید مالك که مورداعتمادکامل لژهای انگلیسی وفرانسوی بود ، باداشتن مقام District Grande Master گمارده شد .

برای اینکه گزارش کارهای این گراند لژمحلی مرتباً باطلاع انگلیسهانیز برسد وگراندلژاسکاتلند نیز براین سازمان نظارت مستقیم داشته باشد،گردانندگان لژهای انگلیسی و فرانسوی موافقت کردندکه ل. و. استراکرکه سالها در ایران مدیر شرکت تجارتی لینچ بود ، بمعاونت دکتر سعید مالك انتخاب شود .

استراکرپس ازاین انتصاب مقام District Grand Superantendent پیداکرد و بدینترتیب انگلیسها موفق شدندکه برکلیه اسرار واطلاعات وکارهای داخلی لژ های فرانسوی درایران دست یافته وبرآن نظارت کنند .

همانطورکه قبلا ذکر شد انگلیسها ازبدو تشکیل سازمانهای فراماسونری کنونی ، همواره سعی داشته و دارندکه برتری لژ های انگلیسی را برسازمانهای جهانی فراماسونری حفظکرده وازاینراه برنفوذ سیاسی واقتصادی دولت پادشاهی انگلستان بیافزایند .

درکشور مانیز درهردودفعه‌ای‌که فرانسویها شعبات لژهای خود رادرتهران وبالولایات دایرکردند ، انگلیسها موفق شدند اداره لژها رابدست‌گرفته واستفاده ازنفوذسیاسی‌واقتصادی اعضای‌لژها رانصیب‌خویش‌سازند. بنابراین وقتی‌هموطنان مامی‌شنوندکه لژهای‌فرانسوی، آلمانی، امریکائی، مصری‌وهندی درایران‌تشکیل شده ، باید بدانندکه همه آنها باصطلاح سروته یك‌کرباسند وهمه از یك جا آب می‌خورند . ایرانیانی‌که باستقلال و بقای میهنشان عقیده دارند ، همیشه باید این ندای محمود محمود نویسنده بزرگ وارجمند ایران‌را :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

دیپلم استادی لژ همایون دکترسعید مالک

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ORDO AB CHAO

المجلس السامى المثالى العالمى للدرجة ۳۳ (الاخيرة)

للطريقة الاسكوسية القديمة والمقبولة لوادى النيل ولافريقيا والشرق الاوسط

Supreme Conseil Idéal Universel

DU 33e ET DERNIER DÉGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

من المقعد الاعظم والاساتذة الاعظم للطريقة

الاسكوسية قررنا الاخ محمد ساعد

عضو في محفل ماجلان رقم ۵۰

بشرق پهلوی ایران

بصفة عضو من الحكماء درجة ۱۸ للطريقة

الاسكوسية

حرر في المجلس بشرق القاهرة

في تاريخ ۱۵ آوريل ۱۹۵۵

Mohammed Saed

Magellan

Pahlavi

Le Grand Chancelier Secrétaire Général

Le Gr. Trésorier

دیپلم استادی محمد ساعد نخست‌وزیر اسبق در لژ همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



علی مرندی متولد ۱۲۸٤ درشهر مرند، دوره دبیرستان را در مدرسه امریکائی تبریز بپایان رسانید ومدت سه سال در دانشگاه امریکائی بیروت تحصیل کرد. ودرسال ۱۳۱۳وارد خدمت شرکت نفت شد وتمام مراحل خدمات ۲٦ ساله خودرا در اداره کل پخش نفت طی کرد درابتدا کارمند ساده دایره فروش مواد نفتی بود و سه ماه بعد بهتصدی شعبه فروش نفت در قم گمارده شد. مشاغل بعدی او بدین قراراست :

ریاست انبار نفت تهران ، وریاست شعبه نفت اندیمشك ، ریاست پخش نفت در استان خوزستان ، ریاست فروش نفت درناحیه آذربایجان ، ریاست فروش‌نفت درناحیه‌اراك وخراسان وبلوچستان وسیستان ، ریاست اداره فروش مواد نفتی در تهران ، ریاست حمل و نقل ، مأمور تجدید تشکیلات دایره حمل ونقل پیمانی وانبار نفت تهران، ریاست اداره فروش‌نفت درناحیه آذربایجان، ریاست اداره تدارکات مواد نفتی وعضویت هیئت مدیره وسرپرست سازمان توسعه صنایع داخلی شرکت ملی‌نفت ایران .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



سید محمدعلی امام شوشتری یکی از بنیانگزاران لژمولوی

«...من بنام ایران وایرانیت ازهموطنان خود تمنی‌می‌کنم از دوراین شیادان بپاشند و پیرامون آنها نگردند. برای یکنفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی‌شود که داخل دریکی ازاین محافل دشمن بشر بشود ...»

بگوش داشته باشند وهیچگاه فراموش نکنندکه طرفداران حکومت های جهانی‌دشمنان مرزهاواستقلال کشورها هستند. یك ایرانی‌وطنپرست‌وناسیونالیست هیچگاه و در هیچ شرایط و زمانی «انترناسیونالیست» نمی‌شود. همچنانکه بقبول مهندس عالیمقام ایرانی مهندس احمدحسامی «زن عفیف و نجیب شوهردار هیچگاه روسپی نمی‌شود[1].»

تشکیل کمیته مرکزی واحد

پس از تشکیل گراند لژ محلی ایران و همینکه این لژها تحت‌نظر گراند لژاسکاتلند قرارگرفتند[2]، انگلیسهامسئله تشکیل«کمیته مرکزی واحد» وضرورت بوجود آمدن آنرا عنوان‌کردند. بهانه تشکیل این‌کمیته مرکزی‌را ایجادحسن روابط بین لژهای انگلیسی وفرانسوی‌که هردوتحت نظر «گراندلژ محلی‌ایران» کار می‌کنند، دانستند. این کمیته مرکزی از فراماسونهائی که مقام Reigning Master دارند تشکیل‌شده وبدینترتیب یك قدم دیگردرراه تسلط‌کامل انگلیسها بر فراماسونهای فرانسوی برداشته شده است.

---

۱ ـ درسال ۱۳٤۰ شمسی یکی ازاستادان فراماسوتری فرانسوی مهندس‌احمد حسامی را دعوت بدخول در لژ فراماسونری می کند. مهندس حسامی پس‌از اینکه سخنان‌او را خوب گوش‌می‌دهد باومی‌گوید. یك‌ناسیونالیست باشرف هیچگاه انترناسیونالیست نمی‌شود، چنانچه زن عفیف ونجیب شوهردار هیچگاه روسپی‌نمی‌شود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ب . س . م . ب . ع

لژ بزرگ ناحیه فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران



آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله باطلاع آن برادر گرامی میرساند که جلسه عادی لژ محترم مولوی در ساعت ۶ بعد از ظهر روزسه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۴۶ (۲۰ فوریه ۱۹۶۸) تشکیل میگردد خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید.

دبیر لژ مولوی

عیسی مالک

شماره ۲۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان) تهران ـ ایران

پشت جلد یکی از نشریات محرمانه لژ مولوی

بنیان‌گزاران لژ مولوی در پاریس

دکتر ـ احمد هومن	استاد دانشگاه
دریادار عبداله ظلی	افسر نیروی دریائی
دکتر محمود هومن	استاد دانشگاه
دکتر عباسعلی خلعتبری	دیپلمات وزارت امور خارجه
رشیدی حائری	» » » »
محمد ساعد	نخست وزیر اسبق
مهدی شوکتی	محضردار
عبدالحمید سنندجی	دیپلمات وزارت امورخارجه
محمدعلی امام شوشتری	صاحبمنصب بازنشسته‌گمرکات

اعضای افتخاری لژ مولوی

برادر بسیار محترم ارنست وان هك
برادر بسیار محترم آ . ال . دروزیر
برادر بسیار محترم دکترسعید مالك
برادر بسیار محترم مارك درابل
برادر بسیار محترم ال . دی . استریك
برادر محترم ن . کرانشتین
[redacted]
برادر محترم ژرژ پروو
برادر محترم . اس . جی . ال . همبرت
برادر محترم شارل وبورل

برادر محترم جی . جاکسون
برادر محترم پیر ماربل
برادر محترم عیسی بهزادی
برادر محترم ژاك مریا
برادر محترم روبرت‌میشا
برادر بسیارارجمندمحمدجهانشاهی
برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی
برادر ارجمند ژرژ ژوئن
برادر ارجمند ماکس دوبسکی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

استادان ارجمند لژ مولوی در ده سال فراماسونری

برادر محترم دکتراحمد هومن	۱۳۳۶ - ۱۳۳٤ -
برادر بسیار محترم دکتر سعید مالك	۱۳۳۸ - ۱۳۳٦ -
برادر محترم دکتر محمود هومن	۱۳٤۰ - ۱۳۳۸ -
برادر محترم دریادار عبداله ظلی	۱۳٤۱ - ۱۳٤۰ -
برادر محترم علی مرندی	۱۳٤۲ - ۱۳٤۱ -
برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری	۱۳٤۳ - ۱۳٤۲ -
برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح	۱۳٤٤ - ۱۳٤۳ -
برادر بسیار ارجمند عیسی مالك	۱۳٤٥ - ۱۳٤٤ -
برادر ارجمند محمد حسن افخمی	۱۳٤٦ - ۱۳٤٥ -
برادر ارجمند محمد حسن مشیری	۱۳٤۷ - ۱۳٤٦ -

همانطوریکه قبلاگفته شد، برای اداره لژهای فراماسونری، دراول هرسال ماسونی (مهرماه تاپایان سال وسدماه اول سال بعد) انتخاباتی صورت می‌گیرد. انتخاب شوندگان درلژهای انگلیسی بنام «افسران لژ» ودرلژهای فرانسوی بنام «سالاران لژ» نامیده می‌شوند. کسانیکه برای اداره لژها انتخاب می‌شوند، هریك دارای مشاغلی هستند، که بنابااهمیتی که درسازمان‌های ماسونی دارند انتخاب می‌گردندو مسئولیت عهده‌دار شده را دریکسال ماسونی انجام‌می‌دهند. اینك انتخابات سه‌سال لژ مولوی را ذیلا نقل می‌کنیم:

سالاران سال ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ ش - ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶م

برادر ارجمند عیسی مالك	استاد ارجمند
برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح	استاد پیشین
برادر محمد حسن افخمی	نگهبان اول
برادر محمدحسن مشیری	نگهبان دوم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادر سرلشکر سید محمود میرجلالی	امین خیریه
برادر سرتیپ عبداله توماج	خزانه دار
برادر محمدعلی صدری	دبیر
برادر محمود رئیس	رئیس تشریفات
برادر ابوالحسن شاهق	کارشناس اول
برادر اسداله صوفی‌املشی	کارشناس دوم
برادر پرویز یگانگی	معاون رئیس تشریفات
برادر جمشید بهروش	پرده‌دار
برادر دکتر امیر اسفندیاری	خوانسالار
برادررضا اسفندیاری	خوانسالار
برادر علی‌اصغر سلسبیلی	دربان

سالاران لژدر سال۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ش - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ -م

برادر ارجمند محمد حسن افخمی	استاد ارجمند
برادر بسیار ارجمند عیسی مالك	استاد پیشین
برادر محمد حسن مشیری	نگهبان اول
برادر ابوالحسن شاهق	نگهبان دوم
برادر محمود رئیس	امین خیریه
برادر سرتیپ‌عبداله توماج	خزانه‌دار
برادر جعفر منصوریان	دبیر
برادراسداله‌صوفی-جمشیدبهروش	رئیس‌تشریفات
برادر عبدالعلی سمندری	کارشناس اول
برادر دکتر محمدعلی صدری	کارشناس دوم
برادر دکتر عبداله فتحی	معاون رئیس تشریفات

برادر زوریك دیلانیان	ارگ نواز
برادر پرویز یگانگی	پرده‌دار
برادر علی اصغر ساسبیلی	خوانسالار
برادر داود میشائل	دربان

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷

برادر ارجمند محمد حسن مشیری	استاد ارجمند
برادر ارجمند محمد حسن افخمی	استاد پیشین
برادر ابوالحسن شاهق	نگهبان اول
برادر عبدالعلی سمندری	نگهبان دوم
. . . .	امین خیریه
برادر سرتیپ عبداله نوماج	خزانه‌دار
برادر بسیار ارجمند عیسی مالك	دبیر
برادر جمشید بهروش	رئیس تشریفات
برادر دکتر محمدعلی صدری	کارشناس اول
برادر پرویز یگانگی	کارشناس دوم
برادر آلبریك خاچاطوریان	معاون رئیس تشریفات
برادر جعفر منصوریان	پرده دار

در درون لژ های فراماسونری ایران ، مثل اجتماعات و سایر رویداد های مملکتی رعایت خانواده‌ها و تقسیم مشاغل ومقامات بین آنان حکمفرماست. مثلا باوجودی‌که‌فرزند دکترسعیدمالك (دراصطلاح‌ماسونها«شیرزاده» و«ماسون‌زاده») مدت زیادی‌نیست‌که وارد لژ ماسونی‌شده است، بااینحال فراماسون های‌فرانسوی بعلت احترام زایدالوصفی‌که برای «استاداعظم» لژ های‌خودقائل هستند ، فرزند ایشان را کاندیدای مقام «استاد ارجمند» که یکدرجه با مقام پدرشان فاصله دارد

نمودند . جلسه استادی ایشان طبق دعوت نامه دبیر لژ مولوی بدین شرح انجام پذیرفت :

استقرار

برادر عیسی مالك استاد انتخاب شده

توسط

برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح استاد ارجمند

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمنداز آن برادر گرامی‌دعوت می‌شود درمراسم استقرار استاد انتخاب‌شده لژ محترم مولوی‌شماره ٤۹ ـ درساعت٦ بعد ازظهر روزسه‌شنبه ۳۱ فروردین ماه۱۳٤٤ مطابق‌با ۲۰آوریل ۱۹٦٥ـ به محل‌لژ بزرگ ناحیه‌ایران تشریف بیاورند .

بجای دبیر لژ مولوی
محمد حسن مشیری

لباس : اسموکینگ ـ دستکش سفید

شام برادرانه درسالن اختصاصی صرف خواهد شد .

کارها

۱ ـ گشودن لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ـ قرائت‌صورت جلسه عادی‌مورخ۲۷ بهمن‌ماه٤۳وصورت جلسه‌فوق‌العاده مورخ ۱۲ اسفند ماه ۱۳٤۳

٤ ـ قرائت ترازنامه واخذرأی

٥ ـ استقرار از استاد ارجمند انتخاب شده برادر عیسی مالك بوسیله برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۶ - انتخاب واستقرار سالاران لژ

۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران

۸ - انتخاب دونفر ممیزین حساب

۹ - اعطاء نشان استاد پیشین به برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

۱۰ - مسائل متفرقه

۱۱ - گرداندن کیسه خیریه

۱۲ - پایان کارها

پس ازاینکه «عیسی مالک» بمقام «استادی» رسید، میز «شام برادرانه» برگزار شد واین تشریفات انجام گردید :

تشریفات میز شام برادرانه

بسلامتی رؤسای کشورهائیکه از ف . م . مقام حمایت می کنند	استاد ارجمند
بسلامتی برادر غایب	استاد ارجمند
بسلامتی استاد اعظم لژ بزرگ ملی فرانسه برادر بسیار محترم ارنست وان هك	استاد ارجمند
بسلامتی استاد بزرگ لژ بزرگ ناحیه ایران برادر بسیار محترم دکتر سعید مالك	استاد ارجمند
بسلامتی استاد پیشین لژ محترم مولوی	استاد ارجمند
بسلامتی اعضاء مؤسس	برادر دکتر هوشنگ ظلی پاسخ بوسیله برادر محترم دکتر احمد هومن
بسلامتی استادان سابق	برادر حسن مشیری پاسخ بوسیله برادر بسیار محترم دکتر سعید مالك
بسلامتی برادران مهمان	برادر محترم دریادار عبداله ظلی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پاسخ بوسیله برادر محترم مهندس حسین شقاقی

نست دربان	برادر علی اصغر سلسبیلی

علاوه برتشریفات فوق که برای برقراری مراسم استادی درلژ مولوی معمول است ، برای انجام کارهای جلسات ماهانه نیز برنامه‌هائی اجراء می‌شود که دو نمونه از آنرا نقل می‌کنیم :

لژ مولوی شماره ۴۹

آقای محترم وبرادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما میرساند .

جلسه استقرار لژ محترم مولوی شماره ٤٩ درساعت ٦ بعداز ظهرروزشنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳٤۳ مطابق با ۲۱ آوریل ۱۹٦٤ درمحل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع درخیابان بهارستان شماره ٤١٠ تشکیل می‌گردد .

دبیرلژمولوی

لباس : اسموکینگ	حسینعلی باوری

کارها

۱ ـ گشودن لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ ـ قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳٤۲

٤ ـ قرائت صورت جلسات فوق العاده ۱۳ اسفند ۱۳٤۲ و ۱۲ فروردین ۱۳٤۳

٥ ـ قرائت ترازنامه واخذرأی برای تصویب آن

٦ ـ استقرار استاد ارجمند انتخاب شده وبرادر عبدالعلی مفتاح

بوسیله	برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

و	برادر محترم علی مرندی

۷ ـ انتخاب واستقرار سالاران لژ

۸ ـ انتخاب ممیزین حساب

۹ ـ انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران

۱۰ ـ قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانه پرویز یگانگی متولد ۱۳۱۶ درهمدان ـ شغل بازرگان ـ معرف برادرسید محمدمیرهادی و برادر اسفندیار یگانگی

۱۱ ـ مسائل متفرقه

۱۲ ـ گرداندن کیسه خیریه

۱۳ ـ پایان کارها

برنامه جلسه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵

کارها

۱ـ گشودن لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ـ قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۷ اردیبهشت ماه وصورتجلسه فوق العاده ۱٤ خرداد ماه ۱۳٤٥

٤ ـ قرائت اول درخواست عضویت آقای محمود بهمنیار مدیرعامل ورئیس هیئت مدیره شرکت سهامی بن شیم معرف برادران اسداله صوفی ومسعود هدایت

٥ ـ مراسم ارتقاء برادران نامبرده زیر به پایه سوم

برادر محمد روستا

برادر آلبر بك خاچاطوریان

٦ ـ قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت آقایان نامبرده پائین:

آقای محمد علی عبادی ـ مشاور عالی سازمان اصلاحات ارضی معرف برادر غلامحسین امیری قراکزلو و برادر پرویز یگانگی.

آقای مهندس مسعود استوار ـ مهندس راه در اداره کل نظارت وزارت راه ـ معرف برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی و برادر علی کوچکعلی.

آقای منوچهر طلیعه ـ مستشار دادگاه جنائی تهران ـ معرف برادرمحترم احمد هومن وبرادر مسعود هدایت.

۷ ـ مسائل متفرقه

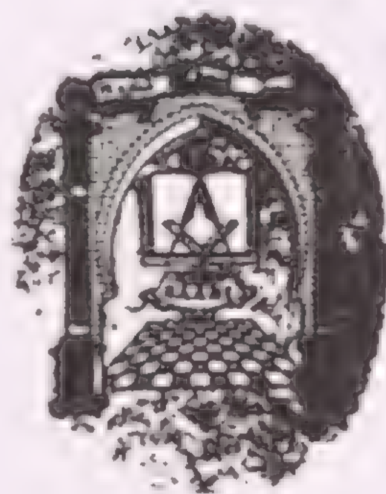
۸ ـ گرداندن کیسه خیریه

۹ ـ پایان کارها

ب.س.م.ب.ج

لـژ بزرگ ملی فرانسه

لـژ بزرگ ناحیه ایران



شماره ۳۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان)

تهران ـ ایران

صفحه اول یک رساله مخفی لژ مولوی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ب . س . م . ب . ج .

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران

لژ سعدی شماره ۶۶ -

شماره ۴۱۰ - خیابان بوعلی سینا (بهارستان) تهران . ایران

سالاران لژ در سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۷ -

برادر ارجمند علی کوچکعلی	استاد ارجمند
برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی	استاد پیشین
برادر دکتر احمد دارائی	نگهبان اول
برادر محمدعلی سید حسنی	نگهبان دوم
برادر علی‌قلی هدایت	امین خیریه
برادر جوادکمالیان	خزانه‌دار
برادر ابراهیم امامی خوئی	دبیر
برادر مهندس بهمن بهزادی	رئیس تشریفات
برادر مهندس ابوتراب روحانی	کارشناس اول
برادر مهدی کمالیان	کارشناس دوم
برادر جهانگیر جهانداری	معاون خزانه‌دار
برادر ابراهیم میرزاء حسابی	دبیریار

مطابق با ۱۴ آوریل ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادر مهدی لشکری	معاون رئیس تشریفات
برادر مهندس جلیل زراندوز	پرده‌دار
برادر غلامحسین آزرم	خوانسالار
برادر ضیاءالدین ضیائیان	خوانسالار
برادر دکتر پرویز رفوآه	دربان

اعضاء مؤسس لژسعدی

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالك
برادر محترم دکتر احمد هومن
برادر محترم دکتر محمود هومن
برادر محترم علی مرندی
برادر محترم دکتر عباس معتمدی
برادر محترم عیسی بهزادی
برادر بسیار ارجمند علی‌اکبر موسوی
برادر بسیار ارجمند عیسی مالك
برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی
برادر بسیار ارجمند نعمت‌اله خان‌اکبر
برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی
برادر بسیار ارجمند سید محمد میرهادی
برادر بسیار ارجمند علی‌اصغر سلسبیلی
برادر ارجمند مهدی شوکتی (مرحوم)
برادر سید علی نصر (مرحوم)
برادر دکتر ابوالقاسم نجم‌آبادی
برادر سرلشکر حسن بقائی
برادر دکتر خانبابابیانی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعضاء افتخاری لژ سعدی

برادر بسیار محترم ارنست وان‌هك
برادر بسیار محترم آ . ال . دروزیر
برادر بسیار محترم مارك درایل
برادر بسیار محترم ك و ن اسنایدر
برادر محترم شارل ویورل
برادر محترم ژان موئد

استادان ارجمند لژ سعدی

برادر بسیار محترم دکترسعید مالك	۱۳۴۰ - ۱۳۳۹
برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی	۱۳۴۱ - ۱۳۴۰
برادر محترم دکتر عباس معتمدی	۱۳۴۲ - ۱۳۴۱
برادر محترم موسی آبتین	۱۳۴۳ - ۱۳۴۲
برادر بسیار ارجمند علی‌اکبر موسوی	۱۳۴۴ - ۱۳۴۳
برادر بسیار ارجمند محمد جهانشاهی	۱۳۴۵ - ۱۳۴۴
برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی	۱۳۴۶ - ۱۳۴۵

اکنون‌که بامؤسسین لژسعدی‌وکارگردانان‌سال فراماسونری(۱۳۴۷ -۱۳۴۶) آشنا شدیم ، دو دعوتنامه جلسات ماهانه لژ مذکور را نقل می‌کنیم :

لژ سعدی شماره ۶۶

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به‌اطلاع شما می‌رساند جلسه استقرار لژ محترم سعدی‌شماره ۶۶ درساعت ۶ بعد ازظهر روزسه شنبه ۲۵ فروردین‌ماه۱۳۴۳ مطابق با ۱۴ آوریل۱۹۶۴ در محل‌لژ بزرگ‌ناحیه‌ایران واقع درخیابان‌بهارستان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شماره ٤١٠ تشکیل می‌گردد .

دبیر لژ سعدی

لباس : اسموکینگ — موسی خطاطان

کارها

۱ ـ گشودن لژ
۲ ـ قرائت دعوتنامه
۳ ـ قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۰ اسفندماه ۱۳٤۲
٤ ـ قرائت صورت جلسه فوق‌العاده مورخ ۲۷ اسفندماه ۱۳٤۲
٥ ـ قرائت ترازنامه واخذرأی برای تصویب آن
٦ ـ استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر علی‌اکبر موسوی بوسیله :

برادر محترم عباس معتمدی

و

برادر محترم محمود هومن

۷ ـ انتخاب و استقرار سالاران لژ
۸ ـ انتخاب ممیز بن حساب
۹ ـ انتخاب نمایندگی لژدر لژ بزرگ ملی‌فرانسه و لژ بزرگ ناحیه‌ایران
۱۰ ـ مسائل متفرقه
۱۱ ـ گرداندن کیسه خیریه
۱۲ـ پایان کارها

(شام برادرانه درسالن اختصاصی صرف خواهد شد)

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمندبدینوسیله باطلاع آن برادر گرامی میرساندکه‌جلسه عادی‌لژمحترم سعدی‌ساعت٦ بعد ازظهرروزسه‌شنبه‌٢٤ بهمن ماه١٣٤٦ (۱۳فوریه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۹۶۸ـ) تشکیل می‌گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد ازظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورند .

دبیر لژ سعدی

ابراهیم امامی خوئی

کارها

۱ ـ گشودن لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ ـ قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۹ دیماه و صورتجلسه فوق‌العاده ـ ۷ بهمن‌ماه ۱۳٤٦

٤ ـ قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :

آقای حسین خداداد ـ مدیر شرکت الکترو ادیسون ـ معرف برادر رضا شایگان واستاد ارجمند علی کوچکعلی .

آقای مارک خازن‌زاده مدیر پارک هتل ـ معرف برادر محترم موسی آبتین و برادر بسیار ارجمند سلسبیلی

آقای مهدی فیروز ـ بازرس قضائی کل کشور ـ معرف استاد ارجمند علی‌ـ کوچکعلی وبرادر ابراهیم

۵ ـ مراسم سیر بیگانگان نامبرده پائین :

آقای مهندس طلعت آلپائوتی

آقای مهندس محمد حسین امید سالار

٦ ـ قرائت دوم واخذرأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانگان

عبدالحسین مشیرفاطمی ـ رئیس هیئت نظارت بانك مرکزی ایران ـ معرف برادر محمدرضا امیدسالار وبرادر بسیار ارجمند فرهودی حسابی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آقای یوسف رئیس سمیعی ـ دادستان دیوان کیفر ـ معرف برادر دکتر بابایان و برادر بسیار ارجمند مهدی فرهودی حسابی

آقای دکتر احمدامید ـ دکتر کشاورزی ـ معرف برادر محمدرضا امیدسالار وبرادر ارجمند دکتر خانبابابیانی

۷ ـ مسائل متفرقه

۸ ـ گرداندن کیسه خیریه

۹ ـ بستن لژ

لژ حافظ شماره ۶۸ درشیراز

همانطورکه قبلاگفتیم، استان فارس وشهرشیراز همواره مورد توجه فراماسونها بوده است . نخستین لژ فراماسونی ، بوسیله افسران ارتش انگلیس در این شهر تشکیل شد، که اکنون نیز پس ازگذشت پنجاه سال، هنوز درایران فعالیت می‌کند این لژکه فراماسونری انگلیسی «اسکاتلند» را درسرتاسر کشور رواج داده‌است، همین‌که نخستین سازمان فراماسونری فارسی زبان درایران تأسیس شد ، دستور تأسیس لژی‌را درشیرازصادرکرد. لژی‌که درشیرتأسیس‌شددرردیف لژهای جهانی‌با شماره۶۸گراندناسیونال‌دفرانس به‌ثبت رسیده،ودر روز۱۹می۱۹۶۰درتهران‌تأسیس وتقدیس شد وسپس به شیرازمنتقل‌گردید . درتأسیس این لژهشت‌نفر زیربعنوان مؤسسین واعضای مؤثر معرفی شده‌اند :

۱ ـ دکتر ذبیح قربان ـ رئیس دانشکده پزشکی .

۲ ـ دکتر فرهمندفر ـ استاد دانشگاه شیراز .

۳ ـ دکتر تمدن فرزانه ـ استاد دانشگاه شیراز .

٤ ـ مهندس خمسی ـ میکانیک کارخانه برق .

۵ ـ کاظم دستغیب .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۶ - علی‌اکبر خلیلی شیرازی - بازرگان.
۷ - محمود دهقان - رئیس سازمان برق شیراز
۸ - احمد نادری وکیل دادگستری.

در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ (۱۹۵۸-۱۹۶۰) یك فراماسون امریکائی بنام پرفسور «جیراندو» ایتالیائی‌الاصل، که استاد تشریح دانشکده طب شیراز بود، درجلسات لژمولوی شیراز شرکت می‌کرد. اوچون یك‌ماسون قدیمی بود، فراماسونهای شیرازی‌را درانجام‌تشریفات راهنمائی می‌کرد.

درسال ۱۳۳۹-ش (۱۹۶۰-م) لژحافظ، هنگام پذیرفتن یك عضو جدیددچار اختلافاتی شد، که نتیجه این مبارزات داخلی به افشاء اسرار محرمانه لژدر شهر شیراز منجر شد.

پس از این حادثه لژ مولوی کنترل بیشتری را برلژحافظ اعمال‌کرد. هر ماه‌که جلسه لژ تشکیل می‌شد، قبلا غلامحسین صارمی «استاد ارجمند» لژمولوی از تهران به شیراز می‌رفت وکرسی استادی لژ را عهده‌دار می‌شد ویکی دو بارکه از رفتن بشیراز خودداری کرد، مورد توبیخ و سرزنش «استاد اعظم» دکتر سعید مالك قرارگرفت. از این پس لژ حافظ بااختفا وحفظ‌اسرار بیشتری اداره می‌شد. اینك می‌پردازیم‌به بحث‌درباره دکترذبیح قربان وچگونگی‌برکناری او ازمشاغل گوناگون[1]:

اختلافات و عزل استاد ماسونی

شهر شیراز همواره مرکز ادب، علم‌و دانش وشعر و شاعری بوده است، بهمین‌جهت‌هرحادثه ورویدادی دراین‌شهرمورد بحث‌محافل‌علمی وادبی قرارگرفته وباعکس‌العمل‌ها وبحث وانتقادهای گوناگون روبرو می‌شود. از بدوتشکیل دانشگاه شیراز، در این شهر اختلافاتی بین دکتر ذبیح‌اله قربان رئیس اسبق دانشگاه و استادان پدیدآمد. مبارزاتی‌که طی‌سال‌های۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰-ش بین رئیس‌دانشگاه شیراز و استادان‌عضو لژ فراماسونری «حافظ» وابسته به «گراند لژمحلی ایران»

۱-مجله سپید و سیاه - سال‌هشتم - جمعه ۱۹ خرداد - صفحه ۱۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از یکطرف، ومخالفین آنها ازطرف دیگر رویداد، سبب شدکه اسامی اعضای سازمان فراماسونری شیراز افشاء شده وعملیات محرمانه آنها برملاشود .

در سال ۱۳٤۰ ش (۱۹٦۱ـم) که محمد درخشش وزیر فرهنگ شد ، دکتر ذبیح اله قربان رادرنیمه اول سال ۱۳٤۰ ازکاربرکنار کرد . اگرچه دکتر قربان در نیمه اول سال ۱۳٤۱ یعنی یکسال پس از عزل ـ دوباره کرسی ریاست دانشگاه شیراز رااشغال کرد، معذالك کسانیکه بافراماسونهای شیرازی مبارزه می‌کردند ، درهمان مدت کوتاه موفق شدند ، اسرار فعالیت دکتر قربان و فراماسونهای شیرازی را افشاء کنند . مقاله زیرکه بقلم فریدون توللی شاعر شیرین سخن پارسی در مجله سپید وسیاه چاپ شده ، نمونه‌کوچکی از عملیات فراماسونهای شیرازی و «استاد اعظم» آنها دکتر ذبیح اله قربان رافاش می‌کند ، که عیناً نقل می‌شود :

«یکی‌ازاقدامات بسیار پرارزش درخشش وزیرفرهنگ عزل مردی‌است‌بنام (دکترقربان)که سالیان دراز،فارس‌وفارسی‌درزیرسیطره ونفوذ پایان‌ناپذیراین‌مرد می‌سوخت ومی‌ساخت . برکندن و بانتظار خدمت نشانیدن رئیس دانشگاه شیراز راباهیچیك ازاعمال‌درخشش‌نمی‌توان هم‌ترازشمرد، برای‌مزید اطلاع خوانندگان ومبارزه‌بزرك وزیرفرهنك دربارەعزل (مردسیزده شغله؟) بادرت‌بچاپ مقاله‌زیر که بقلم نویسنده مطلع ارجمندی است‌کردید».

«شاید عزل وتعقیب قانونی دکترذبیح‌اله قربان‌که درخشش‌دردومین‌مصاحبهٔ مطبوعاتی ورادیوئی خود ازدوازده شغل‌خطیردیگر وی نیز به اختصار سخن‌راند ازچشم مردم پایتخت وسایر هموطنان غیر فارسی ما، امری ساده و یانیمه دشوار تلقی شود وبهرحال‌چنین تصورکنندکه مشکلات این‌عمل‌نیز درردیف‌کارهای‌دیگر درخشش بوده‌است ؟ ولی مردم فارس وخصوصاً اساتید ودانشجویان دانشکده های مختلف این‌استان کەسالیان دراز، لگدکوب قدرت‌اهریمنی «قربان»وشاهدقانون‌ـ شکنیها و ستمگریهای بی‌امان این پرورده مکتب «فراماسون» بـوده از تظلم به

عالیترین مقامات مسئول مملکت نیز جز حبس و تبعید و اخراج نتیجه نگرفته‌اند خوب می‌دانند که درخشش در این مصاف بر چه از درسهمناک و شکست ناپذیری غالب شده و تا چه پایه خطر کیننه‌توزی عظیم‌ترین قدرتهای مرموز و بی‌گذشت را بجان خریده است.

«قربان» نه‌تنها با احراز سمت ریاست دانشگاه و در انحصار کشیدن متجاوز از پنجاه سمت رسمی و غیررسمی دیگر، بنفع سیاست بیگانه، بر سراسر فارس پنجه قدرت نهاده بود، بلکه کار این اقتدار و نفوذ را بدانجا کشانیده بود که سال گذشته با وجود اعتصاب عمومی و قانونی اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز و هماهنگی باطنی استاندار و عالیترین مقامات تأمینی فارس با این جماعت روشنفکر و کثیر که با ذکر دلائل و مدارک محکمه پسند خواستار رفع شروی بودند، همچنان بر اریکهٔ قدرت شیطانی خویش باقی ماند و به دستیاری و پشتیبانی «مهران» وزیر فرهنگ وقت، تنی چند از شایسته‌ترین و محبوب‌ترین استادان و دانشیاران آن دستگاه را نیز منتظر خدمت و ویلان نمود. تا آنجا که نه‌تنها استاندار مقتدر نمای فارس در پیشگاه این روئینه‌تن بیگانه پرست سپر افکند، بلکه قدرتهای تأمینی مافوق استاندار هم دانستند که هرگز تیغ ایشان بر پروردگان فراموشخانهٔ سیاستهای کهن، برّا - نخواهد بود.

برای آنکه خواننده عزیز، بر نمونه‌ای از نفوذ جهنمی «قربان» وقوف یابد و کار عظیم و پرارج درخشش را آنقدرها هم سهل و ساده نپندارد، بایستی عرض کنم که در گرماگرم ماجرای سال گذشته، پس از آنکه دکتر قربان کلیه اقدامات استاندار و مقامات تأمینی فارس و گزارش‌های تند و صریح آنان را، در مراجع عالیه مملکتی بی‌اثر گذاشت، مقامات مزبور با این تصور که چنانچه مدارک ارتباط مخفی دکتر ذبیح قربان را با عمال سیاسی بیگانه بدست آورده و به تهران بفرستند، موجبات رفع شبهه مرکز را در پاکدامنی و میهن پرستی وی فراهم خواهند کرد، مدتی چند «خانه مرموز سر کیس ارمنی» یا بهتر بگوییم مرکز فعالیت و مشاوره و کسب دستور فراماسون ها را زیر نظر گرفتند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وخلاصه ضمن کنترل رفت‌وآمدهای قربان و همدستان وی وکاوش بعدی آن خانه موفق شدندمدارك مورد نظر رابه يك مركز انتظامی برده وضمن بازجوئی ازشخص دکتر قربان گزارش نهائی‌امر را برای ارسال بتهران تکمیل نمایند، تصور می‌رفت که دکتر قربان دربرابر اسناد مورد بحث‌کوتاه آید وعلی‌المعمول درمقام انکار یا ادعای جعل‌خط وامضاء خود برخیزد ، ولی عکس‌العمل وی‌آنچنان خلاف انتظار از آب درآمد که رندان غلاف‌کردند وبرعظمت حضرتش آفرینها خواندند ! بدین معنی‌که آقای‌ریاست دانشگاه وده‌هاشغل دیگر، نه تنها مراتب‌ومدارك راتکذیب ننمود، بلکه اسامی چندین تن ازشخصیت های بسیار عالیمقام‌تهران را نیز بعنوان همکار مسلکی وهم لژ (حوزه های بزرگ فراماسونی را لژ می‌گویند) و معرف‌و رابط تشکیلاتی خود برزبان آورد وگویا ذیل ورقه بازجوئی محرمانه هم‌استدعا کردکه چون فعالیت دستجمعی نامبردگان درتهران وشهرستانهای مهم‌کشور بخاطر مجد وعلای کشور صورت گرفته وعضویت در فراموشخانه هم در قوانین مملکتی ایران‌جرم‌شمرده نشده،چنانچه مقامات‌تأمینی‌مزبور خواستارتحقیق کامل‌موضوع هستندبهتراست‌از آقایان....و....هم‌دراین‌زمینه‌سئوالاتی‌بعمل‌آورندوالبته‌پرواضح است‌که آقایان مزبور اشخاصی نبودندکه بتوان بدون تعظیم‌سجد خاکبوسی‌مشرف حضورایشان‌گردید،تاچه‌رسدبجسارت‌پرس‌وسئوال! بطورخلاصه برخی‌ازاین‌آقایان عظام‌همانهائی‌بودندکه سالهاست«پی‌برداری‌غارت‌عتیقات موزه‌ایران‌باستان»وفعل و انفعالات‌انجام‌یافته‌درسدسازیهای‌بزرگ‌کشورو نظائر آن‌تاپای‌حصن‌حصین‌ودژاستوار شخصیت‌ایشان رفته وهمان‌جا محوو نابود گردیده‌است، خلاصه‌آنکه هرچه‌مقامات دولتی فارس ، بتهران نوشتندکه باباجان صلاح مملکت نیست‌که بخاطر ابقاء مرد متجاوز وقانون شکن ودسیسه کار و مرموزی چون دکتر ذبیح‌اله قربان ، تمامی استادان ودانشجویان ودانشیاران يك دانشگاه راکه از طرف اکثریت مردم فارس هم پشتیبانی‌می‌شوند سرکوب نمود وبه مرد دشمن‌تراش ودروغ‌پردازی این‌چنین،

اجازه داد که این همه درمورد خود از حمایت های مقامات لاف و گزاف زند، نه تنها مثمر ثمر نگردید، بلکه همان‌هائی که از سال‌ها باین طرف برای حفظ منافع نامشروع و یغمای بی‌حد وحصر خویش میان شاه وملت پرده استتار کشیده‌اند، چنان دستگاههای قدرت مرکزی را بحمایت از «قربان» برانگیختند که نامبرده درمدتی کوتاه تمامی مدعیان خود را در آتش انتقام افکند و بکمک «مهران» دمار از روزگار همه بر آورد وشاخ مبارکش را بمدد سوهان گاوبندی وزیر، تیزتر نمود!

از افتضاحات دیگری که قربان به همدستی مستر شارپ انگلیسی کشیش کلیسای شمعون غیور شیراز انجام داده ودرسال قبل درمجله های تهران بوسیلهٔ محقق دانشمند محیط طباطبائی مورد بررسی دقیق قرار گرفته یکی هم انتخاب (آرم ـ دانشگاه شیراز) می‌باشد، که طابق النعل بالنعل از نقش سپر عیسویان در جنگهای صلیبی اتخاذ شده و با تردستی زیرکانه‌ای بخورد ملت شریف و بردبار ایران رفته است! آن هم ملتی که خود دارندهٔ قدیمی‌ترین دانشگاههای دنیا بوده و نوابغ جاویدانی از قبیل ابن‌سینا ورازی وفارابی وبیرونی وخیام را تقدیم عالم بشریت کرده است. افسوس که نگارندهٔ این مقالهٔ کوتاه را مجال آن نیست تا در این مختصر از «مرقومات فاضلانه محیط»، استمداد جوید و نقاب از چهره بیگانه پرستان برکشد، ولی آنان که طالبند می‌توانند به مرجع فوق‌الاشعار عنایت فرمایند وضمناً از حضرت محیط بپرسند، آنان بعد زبان سخن می‌گفتند ـ آیا چه شنیدند که خاموش شدند؛

درمعرفی دکتر ذبیح‌اله قربان وعقیده‌ای که مردم شیراز درباره وی از سر تجربه وتحقیق دارند. همین بس که چندین سال قبل که دولت وقت بمناسبت حوادث آن هنگام درب سفارت فخیمه وقونسولگری های تابعهٔ آن را با قطع ارتباط فیمابین فروبست، مردم شیراز، اهمیت چندانی به تعطیل قونسولگری آن دیار نگذاشتند ورندانه چنین گفتند:

«احمق آن است که با بودن قربان از تعطیل قونسولخانه خوشحال شود!»

شما را بخدا فکر کنید. وقتی که یک غیرمسلم، تمام قدرت و نفوذ شیطانی

خودرا برای منکوب کردن صدها استاد و دانشجوی مسلمان و هزاران فرهنگی دین‌دار ووطن‌پرست به کار می‌اندازد ودر این مبارزه از طرف بسیاری از روحانی نمایان متنفذ فارس هم به قلم وقدم پشتیبانی می‌شود ، آیامی‌توان مبارزهٔ وحشیانه اورا ساده وبی‌ارتباط باسیاست های تحریك آمیز بیگانگان تلقی‌کرد ؟

بهرحال این کار . . . ، کاری بس‌عظیم بوده وبیگمان از طرف عموم مردم شیرازودانشگاهیان‌رنج‌کشیده‌آن‌دیار (نه‌هم‌دستان‌قربان) بدعالی‌ترین وجه‌ممکنه مورد سپاس قرار خواهدگرفت . اگر . . . در تمام طول وزارت خود ، همین یك کار بزرگ راهم انجام داد ، کافی بودکه مردم فهیم وخردمند فارس مجسمهٔ وی را در داخل شهر برافرازند وذیل آن بنویسند :

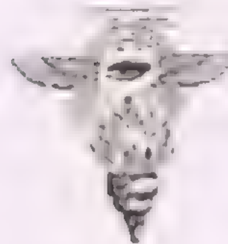
«این است مجسمه مردی‌که باشهامت خودمارا از دسائس قربان و قربان را از فوران کینهٔ انباشتهٔ مردم نجات بخشید»

حقیقت این است که چنانچه درخشش، چند صباحی‌دیگر دربرکندن‌قربان تأخیرکرده بود ، شاید سرنوشت... باوخامت وفضیحت بیشتری گریبان‌گیرریاست سیزده شغلهٔ دانشگاه شیراز می‌گردید وکار ازکار می‌گذشت .

زوال قربان رابـاید زوال مقتدرترین مظهر سیاست استعماری در سرزمین فارس بشمار آورد . زیرا این پدیده خطرناك‌که به شهادت ترقیات سریع و بهت‌آورش ازیك سیاست خارجی عمیق سرچشمه گرفته است ، کم‌مانده بود که با ـ برافروختن آتش انقلاب ، دانشگاه شیراز را به خاك وخون کشد ، وخود ...واز ازمیان معرکه رخت بسلامت برد ! » .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ بزرگ ملی فرانسه
لژ بزرگ ناحیه ایران



لژ مزدا شماره ۲۹

آقای محترم و برادر عزیز.

با کمال احترام از جنابعالی دعوت میشود درجلسه استقرار برادر مهندس رضا رزم‌آرا استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا که درساعت ۶ بعدازظهر روز شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۶) تشکیل میگردد. به محل لژ بزرگ ناحیه ایران خیابان بهارستان شماره ۱۰، تشریف بیاورید.

خواهشمند است درشام برادرانه‌ای که از طرف استاد ارجمند داده خواهدشد نیزشرکت فرمائید

دبیر: محسن کلانتری

لباس: اسموکینگ

پشت جلد رساله ارتقاء مقام استادی به مهندس رضا رزم آرا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ مزدا شماره ۷۹

هفتمین لژ فراماسونری فرانسه در ایران، لژ «مزدا شماره۷۹» نام دارد، که روزدوم مارس ۱۹۶۳ (نهم اسفند۱۳۴۳ـش) درتهران تأسیس وتقدیس شده‌است این‌لژکه دریکسال فراماسونری۹ماه ـ ودر روزهای اولین شنبه هرماه مسیحی جلسات ماهانه خود را تشکیل می‌دهد، بعد از لژ مولوی، ازفعالترین لژ های فراماسونری‌درایران‌است. درتأسیس این‌لژسیزده «استادارجمند» وشش‌فراماسون عادی شرکت داشتند. در حالیکه درتأسیس سایر لژهای‌فراماسونری بیش‌ازشش تاهفت«استادارجمند» شرکت نداشته‌اند واینک‌مؤسسین لژمزدا را معرفی‌می‌کنیم:

اعضاء مؤسس لژ مزدا

برادر بسیار محترم‌دکترسعید مالك
« محترم عیسی بهزادی
« بسیار ارجمند محمود ضیائی
« بسیار ارجمند دکتر هوشنگ ظلی
« بسیار ارجمند محمد جهانشاهی
« بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
« بسیار ارجمند دکتر فتح‌اله جلالی
« بسیار ارجمند غلامحسین صارمی
« بسیار ارجمند نعمةاله خان اکبر
« بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح
« بسیار ارجمند رضارزم‌آرا

۱ ـ در معرفی کارگردانان و مؤسسین این لژ از رساله‌ای‌که در ۱۲ اسفند ۱۳۴۶ مخفیانه منتشر شد، استفاده شده است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

« ارجمند دکتر خانبابا بیانی
« ارجمند محمود سلامت
« دکتر رضا فلاح
« عماد تربتی
« علی محمد دهقان
« باقر پیرنیا
« حسین فرهودی
« دکتر عبدالحسین راجی

اعضاء افتخاری لژ مزدا

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک
« محترم دکتر احمد هومن
« محترم دکتر محمود هومن
« محترم عباسقلی گلشائیان
« محترم علی‌مرندی
« محترم دکتر عباس معتمدی
« محترم موسی آبتین

استادان ارجمند لژ مزدا

برادر بسیار ارجمند دکتر فتح‌اله جلالی	۱۹۶۳ - ۱۹۶٤ -
« بسیار ارجمند دکتر محمود ضیائی	۱۹٦٤ - ۱۹٦٥ -
« بسیارارجمند نعمت‌اله‌خان اکبر	۱۹٦٥ - ۱۹٦٦ -
« بسیار ارجمند مهندس رضا رزم‌آراء	۱۹٦٦ - ۱۹٦٧ -
« ارجمند دکتر خانبابابیانی	۱۹٦٧ - ۱۹٦٨ -

درپنج‌سال گذشته ، لژمزدا پنج‌دوره انتخابات برای اداره‌کرسی داشته‌است که اینك درذیل سالاران وکارگردانان دوسال فراماسونری را نقل می‌کنیم :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سالاران لژمزدا در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۶م- ۱۳۴۴- ۱۳۴۵ ش

استاد ارجمند	برادر رضا رزم‌آرا
استاد پیشین	« ارجمند نعمت‌اله خان اکبر
نگهبان اول	« خانبابا بیانی
نگهبان دوم	« محمود سلامت
امین‌خیریه	« محمدعلی بوذری
خزانه‌دار	« مسعود هدایت
دبیر	« بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
رئیس تشریفات	« محسن کلانتری
کارشناس اول	« علی‌معین
کارشناس دوم	« عزیز نبوی
معاون خزانه‌دار	« احمد نظام
دبیر [illegible]	« علی‌اکبر ضیائی
پرده‌دار	« حسین دفتریان
خوانسالار	« غلامحسین جهانشاهی
دربان	« هدایت‌اله کسرائی

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ ـش / ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ ـم

برادر ارجمند محمود سلامت	استاد ارجمند
« ارجمند خانبابابیانی	استاد پیشین
« مسعود هدایت	نگهبان اول
« عزیز نبوی	نگهبان دوم
« علی معین	خطیب
« فرج‌اله اکبر	خزانه‌دار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

« احمد نظام	دبیر
« عباس ظریف	رئیس تشریفات
« حسین دفتریان	کارشناس اول
« محسن کلانتری	کارشناس دوم
« باباخان بیت‌وردا	معاون رئیس تشریفات
« علی‌اکبر ضیائی	دربان

لژ فعال «مزدا» هم مثل سایر لژ های فراسوی بطور منظم جلسات ماهانه خود را تشکیل می‌دهد. درذیل سه برنامه ماهانه سه سال را نقل می‌کنیم :

لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می‌رساندکه‌جلسه عادی لژ محترم مزدا در ساعت ۶ بعدازظهر روز شنبه **۱۲ دیماه ۱۳۴۳** برابر با ۲ ژانویه ۱۹٦٤ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشکیل می‌گردد.

دبیر لژ مزدا
دکتر خانبابا بیانی

کارها

۱ ـ گشودن لژ
۲ ـ قرائت دعوتنامه
۳ ـ قرائت صورت جلسه عبادی مورخ ۱٤ آذر ماه ۱۳٤۳
٤ ـ قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانگان :

محمود روحانی ـ نماینده مجلس شورایملی ـ ملیت ایرانی ـ معرف استاد ارجمند محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی‌اکبر موسوی.

علی‌اکبر ضیائی ـ قاضی دادگستری ـ ملیت ایرانی ـ معرف: استاد ارجمند محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی‌اکبر موسوی.

عباس ظریف ـ معاون اداره‌کل کارگزینی وزارت‌کشور ـ ملیت‌ایرانی ـ معرف:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی و برادر هوشنگ ظلی .

۵ ـ قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :

مهندس‌حسین دفتریان ـ مهندس راه وساختمان ـ ملیت ایرانی ـ معرف : برادر محمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

دکتر مهندس‌مصطفی مزینی ـ استاد دانشگاه تهران ـ ملیت ایرانی ـ معرف: برادرمحمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

باباخان بیت‌وردا ـ مهندس راه و ساختمان ـ ملیت ایرانی ـ معرف : برادر نعمت‌الله خان اکبر و برادر هوشنگ ظلی .

پرویز سهرابیان ـ متولد ۱۳۰٤ درتهران ـ کارمند وزارت‌کشور ـ معرف: برادر بسیار ارجمند فتح‌الله جلالی و برادر حسین فرهودی .

٦ ـ مراسم گذر برادران نامبرده زیر بپایه دوم :

برادر دکتر عزیز نبوی

برادر مهندس علی معین

۷ ـ مسائل متفرقه

۸ ـ گرداندن کیسه خیریه

۹ ـ پایان کارها

ب . س . م . ب . ج .

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران

لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از جنابعالی دعوت می‌شود در جلسه استقرار برادر مهندس رضا رزم‌آراء استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزداکه درساعت ٦ بعدازظهر روزشنبه ١٤ اسفندماه١٣٤٤ (٥ مارس ١٩٦٦) تشکیل می‌گردد . به محل‌لژبزرگ ناحیه ایران خیابان بهارستان شماره ٤١٠ تشریف بیاورید .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خواهشمند است در شام برادرانه‌ای‌که از طرف استاد ارجمند داده خواهد شد نیز شرکت فرمائید .

دبیر : محسن کلانتری

کارها

۱ ـ گشایش لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ ـ قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۴۴

٤ ـ قرائت ترازنامه سالیانه واخذ رأی

٥ ـ استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر رضارزم‌آراء

٦ ـ انتخاب واستقرار سالاران

۷ ـ انتخاب نمایندگی‌لژ در لژ بزرگ‌ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه‌ایران

۸ ـ انتخاب دونفر ممیز حساب

۹ ـ مسائل متفرقه

۱۰ ـ گرداندن‌کیسه خیریه

۱۱ـ پایان‌کارها

آقای محترم و برادر عزیز :

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله باطلاع آن برادر گرامی می‌رساند. که جلسه استقرار استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا ساعت ٦ بعدازظهرروز شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳٤٦ ـ (۲مارس ۱۹٦۸ـ) تشکیل می‌گردد. خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر به محل لژبزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ مزدا

مسعود هدایت

کارها

۱ ـ گشودن لژ

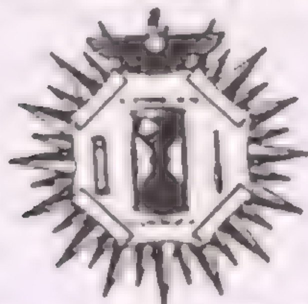
۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ ـ قرائت صورت‌جلسه عادی مورخ ١٤ بهمن ماه ۱۳٤٦ ـ

٤ ـ قرائت ترازنامه سالیانه واخذ رأی

۵ ـ استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر
مهندس محمود سلامت
توسط
برادر بسیار ارجمند مهندس رضارزم‌آرا
۶ ـ انتخاب واستقرار سالاران لژ
۷ ـ انتخاب نمایندگی لژ در لژبزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران
۸ ـ انتخاب دونفر ممیز حساب
۹ ـ مسائل متفرقه
۱۰ ـ گرداندن کیسه خیریه
۱۱ ـ پایان کارها

I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
French National Grand Lodge
District Grand Lodge of Iran



AVICENNA LODGE No. 76
TEHEAN

W. Bro. M SANAI	W. M.
Bro. Z DELANIAN	S. W
Bro. J BOWE	J. W

Dear Sir and Brother.
You are hereby summoned to attend a Regular Meeting of this Lodge to be held on **Saturday. 17th February 1968** (28 Bahman 1346) at 410, Avenue Abu Ali Sina Tehran
The Attendence Book will be available at 6.30 p.m. and the Lodge opened at 7 p. m. precisely

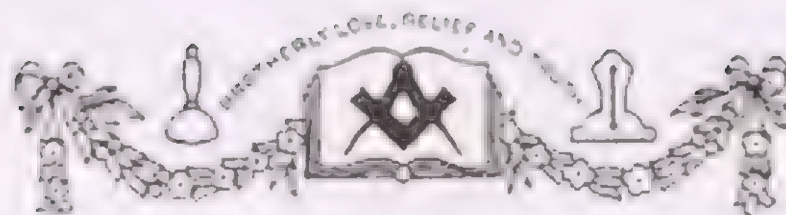
R. E. Gloyn
Secretory

Dress: Dinner Jacket, or Dark Lounge Suit

DINNER

آرم مخصوص لژ انگلیسی زبان ابن‌سینا که تابع گراند لژ فرانس است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
French National Grand Lodge
District Grand Lodge of Iran

لژ ابن‌سینا شماره ۷۶

نخستین لـژ انگلیسی زبان ، سازمان فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ «ابن سینا» است که شماره ردیف آن در لژهای جهانی‌گراند ناسیونال دفرانس۷۶ می‌باشد . این لژ را از روز تأسیس تاکنون دکتر حسن علوی چشم پزشك معروف ویکی از ایران پرستان بنام ، اداره می‌کند : دکتر حسن علوی که تحصیلات عالیه خود را دردانشگاه‌های انگلستان بپایان رسانیده ، علاوه براینکه ازچشم پزشکان حاذق کشور بشمار می‌رود وسمت استادی در دانشگاه تهران دارد ، یکی ازمردان سیاسی بنام ایـران است . وی در دوران حساس مبارزات نفتی ، نماینده مجلس شورایملی وعضوکمیسیون نفت بود .

این لژ کـه فرمان تأسیس آن در روز ۱۲ آپریل ۱۹۶۲ صادر شده است ، در سومین سه‌شنبه هرماه مسیحی جلسه ماهانه خود را تشکیل می‌دهد . مؤسسین این لژ بموجب مطالبی‌که دریك رساله چاپ ومخفیانه ازطرف فراماسونها منتشر شده ، عبارتند از :

دکترسعید مالك استاد اعظم لژهای فرانسوی در ایران .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دریا دار عبدالله ظلی افسر بازنشسته .

د . ف . ویبسن .

م ـ کاندل کنسول اسبق انگلیسی در تهران .

دکتر سید حسن علوی استاد دانشگاه .

هوشنگ ظلی دیپلمات وعضو وزارت امور خارجه .

ح ـ فاضل

رحمت‌الله قوامی ـ کارمند بازنشسته کنسرسیوم

م ـ ضیائی

عیسی مالك ـ دیپلمات وزارت خارجه

علی مرندی ـ عضو هیئت مدیره نفت

دکتر معتمدی مدیرعامل شرکت کریستال ایران

عبدالعلی مفتاح ـ عضو نفت ملی

علی کوچکملی ـ بازرگان

محمد حسن افخمی

غلامحسین قراگوزلو

م ـ تسلیمی معاون سابق وزارت اطلاعات

زوریك دبلاتیان ـ کارمند سفارت انگلیس

د ـ القانیان بازرگان

حبیب القانیان «

دکتر رضا فلاح عضو هیئت مدیره نفت

خلیل طالقانی ـ وزیر اسبق

یگانگی ـ بازرگان

علی‌اصغر سلسبیلی منشی لژ

اعضاء افتخاری لژ ابن سینا

روبینسن	W. H. Robinson
ا ـ ت ـ پارکر	A. T. Parker
ام ـ اس ـ درابل	M. S. Drabble
سی ـ ای ـ فری	C. I. Fairey
دورابجی	
د ـ و ـ هورن	D. W. Horne
احمد هومن	
د ـ داوید	D. David
ار ـ ا ـ جونس	R. A. Jones
اس ـ سی ـ کنلیت	S. C. Knlight
ا ـ منشائی	
ا ـ بروون	A. Brown
اس ـ اف ـ بروون	E. F. Brown
اکبر دارائی	
شاهرخ فیروز	
اف ـ ای ـ گرانت	F. I. Grant
ار ـ هارگراوز	R. Hargreaves
فتح‌الله جلالی	
یوسف خوش کیش	
م . موحد	
ار ـ اودی	R. Oddy
ا ـ ا ـ رفیعی	
ا ـ سمندری	

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اس ـ سرکیسیان	
ابوالحسن شاهق	
ج ـ سعیدی	
خلیل شیانی	
ام ـ اف ـ هولووای	M. F. Holloway
ا ـ ح ـ پرتواعظم	
ای ـ پی ـ داویس	E. P. Davies
س ـ موسوی	
بور بور	
م ـ صناعی	
ف ـ القانیان	
ار ـ شپرد	R. Shepherd
م ـ خواجه نوری	
جی ـ هرین	G. Herrin
و ـ د ـ میلز	W. D. Mills
اس ـ ج ـ بوو	S. j. Bowe
ار ـ ار ـ تونلی	R. R. Townly
سی ـ تی ـ گودورث	C. T. Goodworth

در انتخابات سال‌های مختلف فراماسونری، فراماسونهای زیر عهده‌دار، اداره کرسی لژ ابن‌سینا بودند:

سال فراماسونری ۱۹۶۴ـ۱۹۶۳

حضرت استاد ارجمند	م ـ کندل
قائم مقام استاد	دکترحسن علوی
سرپرست اول	منوچهرتسلیمی

	ار ـ ا ـ جولز
خزانه دار	علی‌کوچکملی
دبیر	ابوالحسن شاهق
مدیر تشریفات	علی مرندی
راهنمای اول	فاضل
« دوم	ا ـ براون
خطیب	داود القائیان
معاون‌تشریفات	رحمت‌الله قوامی
اورگ نواز	زوریك دیلانیان
معاون دبیر	غلامحسین‌قراگوزلو
نگهبان داخلی	سرکیسیان
	م. اف. هولوی
	پرتواعظم
نگهبان‌خارجی	محمد افخمی

افسران اداره کننده سال ۱۹۶۵ ـ ۱۹۶۴

حضرت استاد ارجمند	دکتر حسن علوی
قائم مقام استاد	دکترمنوچهرتسلیمی
سرپرست اول	فاضل
استاد ارجمند پیشین	م ـ کندل
خطیب	خلیل طالقانی
خزانه‌دار	علی‌کوچکملی
دبیر	زوریك دیلانیان
مدیرتشریفات	علی مرندی
راهنمای اول	محمد حسن افخمی
« دوم	ای ـ پی ـ دایویس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

	ت ـ موسوی
معاون تشریفات	شاهرخ فیروز
اورک نواز	زوریك دیلانیان
معاون دبیر	موحد
معاون خزانه‌دار	پرتواعظم
نگهبان داخلی	م ـ صناعی
	بور بور
	ا ـ ر ـ شپرد
	القانیان
نگهبان خارجی	فتح‌الله جلالی

افسران لژ در سال ۱۹۶۸ـ۱۹۶۷

حضرت استاد ارجمند	م ـ صناعی
	اف ـ اچ ـ ار ـ وایت
قائم مقام استاد	زوریك دیلانیان
حضرت استاد پیشین	دکترسید حسن علوی
خزانه‌دار	علی کوچکملی
دبیر	ار ـ ای ـ گلوین
مدیر تشریفات	فاضل
راهنمای اول	بور بور
« دوم	او ـ تشرشیان
	بورریج
معاون تشریفات	بهروش

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

معاون دبیر	فریدون باتمانقلیج
معاون خزانه‌دار	ا. ا. سمندری
نگهبان داخلی	ار ـ ار ـ تونلی
	ا. م. شاهپرکی
	القانیان
نگهبان خارجی	علی‌اصغر سلسبیلی



دراین تصویر از راست به چپ،
دکتر کیان عضو لژهای انگلیسی ـ دکترحسن علوی استاد لژابن‌سینا ـ عباسقلی عرب شیبانی عضو لژهای انگلیسی ـ دربادار نقلی یکی‌ازبنیانگزاران لژ مولوی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

LOGE LA FRANCE NO. 83

لژ لافرانس شمارهٔ ۸۳

نخستین لژ «فرانسه زبان» فراماسونری در ایران ، لژ «لافرانس» تحت نظارت عالیه گراندلژ ناسیونال فرانسه در ایران است. این لژ که در روز هفتم می ۱۹۶٤ تقدیس و تأسیس شده است ، یکی از لژهای تابعه گراند لژ محلی فرانسه در ایران می‌باشد، که بوسیله عده‌ای از ایرانیانی که به زبان فرانسه صحبت می کنند و فرانسویهای مقیم تهران تشکیل شده . طبعاً منظور اصلی از تأسیس این لژ در درجه اول گرد آوردن فرانسویهای فراماسونی بود که در ایران اقامت داشتند. این لژ که در اولین سه شنبه هر ماه مسیحی جلسات ماهانه خود را دایر می کند، در مدت یکسال فراماسونری شش جلسه ماهانه در ماه های ژانویه ـ فوریه ـ می ـ اکتبر ـ نوامبر ـ دسامبر ، دارد که تاریخ تشکیل آن قبلا از طرف مرکز گراندلژ تعیین می‌شود. اعضای افتخاری ومؤسسین این لژ عبارتند از :

۱ ـ وان هک استاد اعظم گراند لژ ناسیونال دفرانس

۲ ـ ......[1]

۳ ـ علی موسدی ـ نماینده کنونی مجلس شورایملی

٤ ـ دریادار عبداله ظلی ـ افسر بازنشسته نیروی دریائی

٥ ـ علی‌اصغر سلسبیلی ـ منشی لژ های فرانسوی درایران

---

۱ ـ نام این شخص محترم بعللی که فقط بستگی به نظرشخصی نویسنده دارد، حذف شد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

چهارنفر از مؤثرترین افسران لژ «لافرانس» که اهمیت فراوانی دارند، عبارتند از :

۱ ـ احمد هومن باسمت استاد اعظم	Venepable Maitre
۲ ـ دکتر جواد صدر، وزیر دادگستری	Premiere Surveillant
۳ ـ هوشنگ ظلی ـ سفیر کبیر کنونی ایران در لبنان	Deuxieme Surveillant
۴ ـ علی اصغر خشایار ـ عضو عالیمقام سازمان برنامه[1]	Secretaire

افسران اداره کننده این لژ درسال فراماسونی ۱۹۶۵ ـ ۱۹۶۶ در نشریه محرمانه این لژ، بدین شرح معرفی شده‌اند :

هوشنگ ظلی استاد اعظم	Venerable Maitre
احمد هومن	Passé Maitre Immédiat
علاءالدین روحانی	Premiér Surveillant
مهدی فرهودی حسابی	Deuxieme Surveillant
محمد جهانشاهی	Hospitalier
احمد دارائی	Trésorier
علی اصغر خشایار	Secrétaire
محمود رئیس	Directeur des Cérémonies
ناصر بدیع	Premier Expert
ناصر الدین ناصری	Deuxiéme Expert
حسین فرهودی	Bienfaisance Maconnique
حبیب القانیان	Elémosinaire
زوریك دیلانیان	Organiste
محمد مشیری یزدی	Couvreur

۱ ـ مقامهائی که درینجا بدانها اشاره می‌شود، از نشریه محرمانه مربوط به تنویض مقام استادی به هوشنگ ظلی استخراج شده است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

داود القائیان — Maitre des Banquets

مهدی کهن — Tulleur

این لژ فراماسونری اگرچه بزبان فرانسه، جلسات خود را دایر می‌کند و مکاتبات و نشریات آنهم بزبان فرانسه می‌باشد، ولی اکثریت اعضای آن فراماسونهای ایرانی هستند، که زبان فرانسه را می‌دانند و یا در فرانسه تحصیل کرده‌اند، نه فرانسویان مقیم ایران که هدف اصلی از تأسیس لژ گردآوری آنها بود.

بعنوان نمونه دو برنامه ماهانه این لژ، برای پذیرش و ارتقاء مقام اعضای جدید را که عضو سایر لژهای فراماسونری فرانسه هستند، ذیلا نقل می‌کنیم:

برنامه روز ۱۵ دی ۱۳۴۳ (۵ ژانویه ۱۹۶۵)

۱ ـ قبول عضویت علی اکبر صادق ـ متولد ۱۹۰۸ در تهران ـ آرشیتکت ـ ملیت ایرانی ـ معرف: هوشنگ ظلی ـ ناصر بدیع.

۲ ـ امیراسمعیل ملک منصور متولد ۱۹۱۰ ـ ملیت ایرانی ـ معرف: هوشنگ ظلی ـ ناصر بدیع.

۳ ـ محمد مشیری یزدی ـ عضو لژ کورش ـ قبول عضویت در لژ فرانسه، معرف: ابوالقاسم ملکی یزدی ـ ناصر بدیع.

٤ـ قبول عضویت، عضو جدید دکتر ابوالقاسم مغازه متولد ۱۹۳۲ زنجان ـ پزشك ملیت ایرانی ـ معرف: دکتر حسین رحمتیان ـ محمود هومن.

۵ ـ پذیرش منصور معتمدی ـ متولد ۱۹۳۱ تهران ـ مدیر شرکت ایران بوتان ـ ملیت ایرانی ـ معرف: دکتر حسین رحمتیان ـ محمود هومن

٦ ـ پذیرش داوید اوهایون تبعه فرانسه ـ مدیر الیانس اسرائیلی یونیورسال ـ معرف: زوریك دیلانیان ـ محمود ضیائی.

قرائت اخذ رأی دوم:

ابراهیم ریاحی.

یعقوب خلیقی.

پایان کار لژ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برنامه جلسه ماهانه در اسفندماه ۱۳۴۳

تحت نظارت عالیه گراند لژ ملی فرانسه .

گراند لژ شعبه ایران

لژ لافرانس شماره ۸۳

خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ ـ

آقای عزیز و ب . الف . ف .

از شما خواهش می‌شود درجلسه منظم لژ که درروز سه‌شنبه دوم مارس ۱۹۶۵ـ (یازدهم اسفند ۱۳۴۳) درساعت هیجده تشکیل می‌شود ، حضوریابید. لیست حضور وغیاب ازساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه مفتوح است .

از طرف استاد اعظم ـ دبیر ـ علی‌اصغر خشایار .

کارها

۱ ـ دستور کارها .

۲ ـ قرائت دعوتنامه‌ها .

۳ ـ قرائت صورت جلسه اجلاسیه منظم دوم فوریه . همچنین قرائت صورت اجلاسیه فوق‌العاده بیست و سوم فوریه ۱۹۶۵ وبحث پیرامون تائید آن .

۴ ـ انتخاب استاد اعظم . صندوقدار برای تصدی درسال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۵

۵ ـ دومین قرائت واخذرأی درباره تقاضای عضویت آقایان دکترابوالقاسم مفازة ، دارای ملیت ایرانی پزشک که توسط آقای دکتر رحمتیان وهرمان معرفی شده است .

۶ ـ مهندس منصور معتمدی. دارای ملیت ایرانی. متولد ۱۹۳۱ ـ درتهران که توسط آقای دکتر رحمتیان و آقای هرمان معرفی شده است .

۷ ـ دکترمحمد حسین حاجبی. دارای ملیت ایرانی . که توسط آقای هرمان وعباس معتمدی معرفی شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۸ – داویداوهایون متولد سال ۱۹۱٤ – درمراکش دارای ملیت فرانسوی، که توسط دیلانیان وضیائی معرفی شده است.

۹ – قیصر مسعود. متولد یزد درسال ۱۹۰۷. دارای ملیت ایرانی. توسط آقای فرهودی حسابی و آقای هرمان معرفی شده.

۱۰ – یوسف سلیم خالی متولد ۱۹۱۷. دارای ملیت ایرانی. که توسط آقای محمود رئیس وهرمان معرفی گردیده است.

۱۱ – اخذرأی نسبت به دکترمحمدحسین حاجبی (درصورتی که رأی موافق باشد) دکتر ابوالقاسم مغازه؛

۱۲ – دومین قرائت واخذرأی درباره تقاضای الحاق آقای محمدرضا امیدسالار عضو لژ سعدی شماره ٦٦ که توسط آقای هرمان وخشایار معرفی شده است.

۱۳ – موضوعات متفرقه

۱٤ – جمع آوری اعانات

۱۵ – تعطیل کارها[1]

---

۱ – کلیه اسامی ومشخصات افراد ازهمان نشریه محرمانه تنویش مقام استادی به هوشنگ ظلی استخراج شده است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پ.س.م.ب.ج.

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران



لژ کسرا شماره ۱۰۴

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند باطلاع آن برادر گرامی میرساند که جلسه عادی لژ محترم کسرا ساعت ۶ بعدازظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۴۶ (۱۱ فوریه ۱۹۶۸) تشکیل میگردد.

خواهشمنداست ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر بمحل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید

دبیر لژ کسرا

دکتر عباس بابك

شماره ۲۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان)

پشت جلد یکی ازنشریات محرمانه لژ کسرا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ کسرا شماره ۱۰۸

تابع قانون اساسی گراند ناسیونال دفرانس

آخرین لژ فارسی زبان فراماسونری فرانسه در ایران، لژ «کسرا» تابع گراند لژ ناسیونال دفرانس است. این لژ را بیست و چهار نفر از فراماسونهای لژهای فارسی زبان تشکیل داده‌اند، که در یك رساله مخفی الانتشار بدین شرح معرفی شده‌اند:

اعضای مؤسس لژ کسرا

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالك.
» محترم دکتر محمود هومن.
» بسیار ارجمند سرلشکر میرجلالی.
» بسیار ارجمند سیدمحمد میرهادی.
» بسیار ارجمند سلسبیلی.
» ارجمند علی کوچکعلی.
» غلامحسین امیری فراگزلو.
» سید محمدعلی مرتضوی.
» صدری کیوان.
» دکتر احمد دارائی.
» جمشید بهروش.
» دکتر غلامحسین جهانشاهی.

برادر ابوالقاسم ملکی یزدی.
» مهندس علی معین
» پرویز یگانگی.
» محمد علی بوذری.
» دکتر اسفندیار یگانگی
» حاج علی یوسفی.
» خسرو مستوفی زاده
» ناصر مستوفی زاده.
» محمد علی جاوید
» علی‌اکبر مرعشی‌پور.
» محمد یزدانفر.
» محمود ثقفی.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعضاء افتخاری

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک .
« محترم اس. جی. ال همبرت .
« محترم دکتر احمد هومن .
. . . .
« محترم عباسقلی گلشائیان .
« محترم دریادار عبداله ظلی .
« محترم موسی آبثین .

برادر محترم کاهانا .
« محترم کربن من .
« بسیار ارجمند رشیدی حائری .
« بسیار ارجمند علی اکبر موسوی .
« بسیار ارجمند محمد جهانشاهی .
« زوربك دیلانیان .

استادان ارجمند

برادر بسیار ارجمند سرلشکر میرجلالی . ۱۳۴۴-۱۳۴۵
« بسیار ارجمند سید محمد میرهادی ۱۳۴۵-۱۳۴۶
« بسیار ارجمند غلامحسین امیری قراگوزلو ۱۳۴۶-۱۳۴۷

در این لژ که روز ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ در تهران تأسیس و تقدیس شده ، تاکنون سه دوره انتخاب «اداره کننده لژ» یا باصطلاح فراماسونهای فرانسوی «سالاران لژ» انجام شده است . آخرین دسته کارگردانان این لژ در سال جاری باین شرح انتخاب شده اند (نقل از همان رساله مخفی الانتشار) :

سالاران لژ در سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ / ۱۹۶۸ - ۱۹۶۷

برادر ارجمند غلامحسین امیری قراگوزلو	استاد ارجمند
« بسیار ارجمند سید محمد میرهادی	استاد پیشین
« سید محمد علی مرتضوی	نگهبان اول
« صدری کیوان	نگهبان دوم
« ابوالقاسم ملکی یزدی	خطیب
« مهندس کمال دری	خزانه‌دار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برادر دکتر عباس بابك	دبیر
« فتح‌اللهامامی	رئیس تشریفات
« جمشید بهروش	کارشناس اول
« مهندس خلیل محلوجی	کارشناس‌دوم
« پرویز یکانگی	پرده‌دار
« مهندس مجتبی سلطانی	دبیریار
« دکتر مجید بهروش	معاون رئیس‌تشریفات
« ارجمند علی‌کوچکعلی	خوانسالار
« سرهنگ رحیم آذرپی	خوانسالار
« دکتر محمود ثقفی	خوانسالار
« بسیار ارجمند سلسبیلی	دربان

جلسات عادی

جلسات عادی لژ کسرا در دومین یکشنبه ماههای ژانویه ـ فوریه ـ مارس ـ آوریل ـ سپتامبر ـ اکتبر ـ نوامبر و دسامبر هرسال درمحل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان شماره ٤١٠ تشکیل می‌گردد.

لژ «کسرا» نیز، مانند سایر لژهای فراماسونی فرانسه، تشریفات مخصوصی برای قبول عضو، ارتقاء مقام و سایر مراسم وآئین دارد. در زیر یك نمونه از تشریفات داخلی لژ را برای ارتقاء مقام دوفراماسون عضو ازیك نشریه محرمانه نقل می‌کنیم:

«آقای محترم وبرادر عزیز

بدستور استاد ارجمند باطلاع آن برادر گرامی می‌رساند که جلسه عادی لژ محترم کسرا ساعت ٦ بعدازظهر روز یکشنبه ٢٢ بهمن ماه ١٣٤٦ (١١ فوریه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۹۶۸) تشکیل می‌گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ کسرا
دکتر عباس بابك

کارها :

۱ ـ گشودن لژ

۲ ـ قرائت دعوتنامه

۳ ـ قرائت صورت جلسه عادی ۲۴ دی‌ماه ۱۳۴۶

۴ ـ مراسم گذر برادران نامبرده زیر بپایه دوم :

به تقاضای لژ محترم سعدی

برادر ابراهیم رئیس روحانی
برادر علیرضا دره

۵ ـ مسائل متفرقه

۶ ـ گرداندن کیسه خیریه

۷ ـ بستن لژ

آخرین استادی که این لژ را درسال فراماسونی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ اداره می‌کند ، سید محمدعلی مرتضوی است ، که تشریفات انتخاب استادی او با این دعوتنامه صورت گرفت :

«آقای محترم و برادر گرامی

باکمال احترام ، از آن برادر عزیز دعوت می‌شود ، برای حضور در جلسه استقرار برادرسیدمحمدعلی‌مرتضوی استاد ارجمند انتخاب‌شده لژ محترم‌کسرا، وشرکت درشام برادرانه‌ای‌که ازطرف استادانتخاب شده داده می‌شود ، ساعت۶بعد از ظهر روزیکشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۷ (۱۰ نوامبر ۱۹۶۸) به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید . موجب امتنان خواهد بود .

دبیر لژ کسرا ـ دکتر عباس بابك»

دراینجا بمعرفی ۹ لژ فراماسونی گراندلژ دفرانس درایران خاتمه می‌دهیم و به تذکر دو نکته جالب می‌پردازیم :

کاندیداهای گراند لژمحلی در مجلسین

یکی‌از خصوصیات‌فراماسونهای ایرانی اینست‌که ، درلژها، جلسات واجتماعات داخلی،خودرا ازمهمترین‌افراد ذی‌نفوذ طبقه‌حاکمه و ممتازه مملکت معرفی می‌کنند . چنانکه هر تحول ورویداد سیاسی واجتماعی‌را نتیجه اقدامات وبراثر اعمال نفوذ خویش قلمداد می‌نمایند . طبعاً وجود گروهی از رجال و شخصیتهای مختلف مملکتی ، درلژهای فراماسونری ، درتقویت این قبیل شایعات ودر نتیجه گمراهی افراد ساده دل وزودباور تأثیرقطعی دارد . انتشار اینگونه شایعات سبب می‌شود ، زود باوران فریب خورده‌ای‌که باین محافل راه می‌یابند ، گاهی درصدد برآیند ، تابااستفاده از نفوذ وقدرت کارگردانان لژها وتسلط واهی و خیالی آنها برهمه شئون وتشکیلات وسازمان های مملکتی ، موقعیت اجتماعی خودراتحکیم و صاحب مقام های مهم دولتی و اداری یا احراز پست های حساس سیاسی شوند . چنانکه درجریان انتخابات دوره‌بیست‌ویکم مجلس‌شورایملی ، کارگردانان«گراند لژمحلی ایران تابع اسکاتلند» گروهی ازهمین افراد راکه به خیال احرازمقامات اجتماعی بآنان روی آورده بودند ، کاندیدای نمایندگی‌مجلسین کرده وبآنان‌قول داده بودند که بااعمال نفوذ در دستگاه حاکمه وتسلطی‌که بر سازمان های مدیره مملکتی دارند،آنان‌را ازصندوقهای اخذرأی خارج‌کنند ودرحقیقت موفقیت آنها را درانتخابات پیشاپیش‌تضمین‌کرده بوند. ولی نه‌تنها موفق‌نشدند ، سیزده‌داوطلب نمایندگی‌مجلس‌شورایملی‌را ازصندوق‌های‌انتخابات‌یازده شهرموردنظرخودبیرون بیاورند ، بلکه در بکرسی نشاندن همه کاندیداهای سنا نیز شکست خوردند . در

زیر اسامی کاندیداهای «گراندلژ» مذکور در آن دوره انتخابات مجلسین را از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرانیم:

برای نمایندگی سنا از طرف لژهای فراماسونری ایران افراد زیر:

دکتر سعید مالک ـ مهندس شریف امامی ـ فتح‌اله فرود ـ دکتر اسمعیل فیلسوفی فتح‌اله نوری اسفندیاری ـ دکتر خان‌بابا بیانی.

و چند نفر دیگر کاندیدا و معرفی شده بودند، ولی از اینعده فقط چهار سناتور فراماسون موفق شدند به مجلس سنا بروند. سیزده کاندیدای مجلس شورایملی که هیچکدام انتخاب نشدند، عبارتند از:

غلامحسین امیری قراگوزلو ـ رزن همدان

محمد میرهادی	تفرش
دکتر محمدعلی صدری	شهریار
نعمت‌اله خان اکبر	فومن
مهندس فضل‌اله جلالی	کاشمر
دکتر عباس معتمدی	تهران
سلطان محمد ساطانی	بهبهان
علیمحمد دهقان	شیراز
شاهرخ فیروز	میاندوآب
مظفر صولتی	تبریز
دکتر عبدالعلی شاهید	تبریز
صالح چاکوتاهی	تبریز
مهندس پرویز بهبودی	میانه

۱ ـ اسامی کاندیداها را از صورت جلسه بسیار محرمانه گراند لژ محلی ایران وابسته به فرانسه بدست آورده‌ایم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بولتن فراماسونری لژهای فرانسه

سازمان فراماسونری فرانسه (گراند ناسیونال دفرانس) چون ازقانون‌اساسی اسکاتلند پیروی‌می‌کند ، برای‌استادان اعظم این‌لژیک‌نشریه مشترک‌بنام «بولتن‌اطلاعات‌ماسونیک» منتهی به زبان فرانسه ، بصورت پلی‌کپی منتشر می‌کند . نسخه‌های‌این‌بولتن درسراسرجهان دراختیار لژهای‌وابسته بسازمان‌فراماسونری فرانسه قرار می‌گیرد ، و از آن جمله نسخه‌ای نیز بزبان فرانسه ، برای گراند لژمحلی ایران فرستاده می‌شود . در زیر ترجمه خلاصه‌ای از بولتن‌شماره ششم-سال ۱۹۶۸-که دوماه بعداز آغاز کارسال فراماسونری منتشر شده است ، منعکس می‌شود .

این بولتن‌فقط برای افسران عالیرتبه وافسران عالی‌استان واستادان اعظم فرستاده شده است ، تادرجلسات خودآنرا مطالعه‌کرده و مضمون مطالب مندرجه رامورد بررسی قراردهند . اینک ترجمه قسمتی ازمتن‌بولتن را ملاحظه‌می‌کنید:

مجلس یادبود

مجلس‌تذکری در روز یکشنبه ۲۷ اکتبر۱۹۶۸ساعت ده‌صبح درمحفل‌بزرگ واقع دربولوار بی‌نیو ۶۵ منعقد می‌شود . دراین جلسه یادبود، خانواده اعضائی‌که وفات یافته‌اند نیز حاضر می‌شوند . شك نیست که عده زیادی از برادران ، که در این جلسه شرکت می‌کنند ، می‌توانند خانمها و اعضای خانواده و دوستان خود را افتخاراً دعوت‌نمایندکه برای مشاهده تشریفات واستماع‌سخنرانیهای مجلس‌تذکر حضور یابند .

کمك به زلزله زدگان

در نتیجه استمدادی‌که دربولتن شماره پنج جهت جمع‌آوری اعانات برای زلزله زدگان اخیر ایران شده بود ، بسیاری از لژهای ما مبالغی فرستاده‌اند . استاد اعظم امیدوار است که همه لژهای ماسونی . کمک‌هائی به لژهای بزرگ محلی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ایران بنمایند و آنهائی که تاکنون نتوانسته‌اند این اقدام را انجام دهند، فوراً اعاناتی بحساب «صندوق اعانه بی‌پناهان» بآدرس خزانه‌داریکل ارسال دارند.

اطلاعات عمومی

تشکیل مجمع عمومی ۷ دسامبر ۱۹۶۸

طبق مقررات قانون شماره ۸ - مندرج در نظامنامه عمومی‌کمیته بزرگ فراماسونری - که در جلسه منعقده ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ بتصویب رسیده است: «در جلسه هفتم‌دسامبر ۱۹۶۸ انتخاب استاداعظم برادر«وان‌هگ»[1] بسمت استادبزرگ لژ بزرگ ملی‌فرانسه، برای مدت سه‌سال وتاآخر سپتامبر ۱۹۷۱صورت‌می‌گیرد» بموجب تصمیمی‌که قبلادرکمیته بزرگ وکمیسیون داخلی‌گرفته شده. درجلسات مذکور می‌بایستی‌گزارش خزانه‌داریکل وگزارش دبیرکل‌گراند ناسیونال دفرانس نیزکه تاپایان ماه اکتبر تنظیم شده است، قرائت شود.

اطلاعات تشکیلاتی

به لژهایادآوری می‌شودکه باپیروی ازبخشنامه دبیرکل‌اعظم درموردتنظیم کتاب سال ۱۹۶۹ فوراً اقدام‌کنند. سطوری‌که درکتاب‌سال‌جدیدتغییرداده می‌شود، باید طبق مندرجات کتاب سال ۱۹۶۸ تنظیم شده و ارسال گردد. علاوه براین از همه لژها تقاضامی‌شودکه علاوه برذکرتاریخ‌انعقاد تشکیل جلسات ماهانه، ساعات تشکیل جلسات‌را نیز تذکردهند.

از لژها همچنین تمنی می‌شود. هرگاه یکی از برادران عضو فوت‌کرد، بلافاصله خبر درگذشت او رابه دبیراعظم گزارش دهند. دبیرکل اعظم، مخصوصاً ازلژها درخواست می‌نمایدکه نام «نماینده‌ای»[2] راکه برای‌شرکت درجلسه سومین

---

۱ - وان‌هگ استاداعظم‌لژهای‌گراند ناسیونال است‌که درچندلژفراماسونی درایران‌نیز سمت عضویت افتخاری دارد.

۲ - برای شرکت‌دراین انتخابات ازایران‌مهندس شریف‌امامی ویکی‌دیگر ازسناتورها واز گراند لژمحلی اسکاتلند درایران، اف. اس. دورابجی به پاریس رفتند. علاوه براین ورقه‌آراء برای انتخاب «وان‌هگ» بسمت‌استاد بزرگ قبلا برای استادان ۹ لژمحلی‌فراماسوی درایران ودوسازمان دیگر فرستاده شده بودکه بایست برگشت داده شد.

مهندس پرویز بهبودی   میانه

---

۱ - اسامی کاندیداها را از صورت جلسه بسیار محرمانه‌گراند لژ محلی ایران وابسته به فرانسه بدست آورده‌ایم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کمیته هفتم دسامبر ۱۹۶۸، انتخاب شده‌اند، هرچه زودتر اطلاع دهند.

هنگامیکه بدرخواست عضویت رسیدگی می‌شود، منشی‌های لژ بایستی الزاماً ماده شصت، مندرج در نظامنامه را صحیحاً رعایت نمایند.

«هر برادری که درخواست عضویت می‌کند، باید کاملاً مطمئن شوند که درخواست کننده حتماً مدارك لازم در مورد درخواست جدیدخود، شرح عضویت و علت لزوم آنرا بیان نماید و بگوید که سابقاً در لژ دیگر بوده است یا خیر؟»

یادداشتهای کتابخانه

«کتابخانه دلاك» نشریه‌ای را منتشر کرده است که بایستی آنرا خریداری کرد و برادر، «جین تورمیك» آنرا برشته تحریر در آورده است:

Vie et Perepectives du la Franc-maconnerie Iraditionnelle

این اثر «جین تومیك» بمنزله «کرونیکل» خودساخته است. زیرا در این اثر هم نظرات و جریانات اخیر منعکس شده و هم حاوی اطلاعات مهمی است. فراماسون‌ها آرزومندند که همواره گنجه‌ای ذیقیمت درباره آئین خود داشته باشند.

در زیر چاپ

درسری نشریات Verse et Contreverse نمره شش که بوسیله Beauchesne منتشر شده، گفتگوئی بین پدر روحانی میشل ریکوت Michel Riquet و برادر بسیار ارجمند جین بایلوت Jean Baylot رویداده که قابل توجه می‌باشد.

سازمان‌های نیمه مخفی

فراماسونهای ایرانی وابسته به لژهای فرانسه نیز مانند سایر سازمانهای فراماسونری درسراسر جهان و ظاهراً بیشتر از همه آنها برای حفظ اصول پنهانکاری به‌تشکیل سازمانهای نیمه علنی که امکان فعالیت‌آشکارا وجلب اعضای جدید را برای آنان میسر میسازد علاقمندند . بهمین‌جهت چهارسازمان نیمه علنی وابسته به‌لژهای فراماسونری فرانسه ، در ایران فعالیت چشم‌گیری‌دارند و اینك بمعرفی آنهامی‌پردازیم :

انجمن بوعلی‌سینا

نخستین‌انجمن فراماسونی‌که بعد از انحلال باشگاه‌همایون درایران تشکیل شد «انجمن طرفداران بوعلی‌سینا» بود،که طبق تصمیم کارگردانان لژ مولوی در تهران تأسیس شد . این انجمن در هفته اول سال ۱۳۳۸ رسمیت خود را اعلام‌کرد واعضای مؤسس آن عبارت بودند از :

دکتر سعید مالك .	عیسی بهزادی .
عباسعلی گلشائیان .	سرلشکر بقائی .
دکتر احمد هومن .	سید محمدعلی امام شوشتری
دکتر محمود هومن .	عبداله سعیدی .
عباس خلعتبری .	عبداله ظلی . .
خان بابابیانی .	معتمدی .
عماد تربتی .	غلامحسین صارمی .

اینعده‌که همگی‌عضولژ مولوی بودند، یکماه بعد شعبه‌انجمن را درشیراز افتتاح‌کردند[1] . مؤسسین انجمن دو سال بفعالیت خود ادامه دادند. اینان هرکسی

۱ ـ شعبه انجمن مذکور در شهر شیراز روز سی‌ام مرداد ۱۳۴۰ تشکیل شد واعضای آن‌همگی عضو لژ حافظ ، وابسته به گراندناسیونال هستند. آگهی تشکیل انجمن طرفداران بوعلی‌سینا روز سی‌ام مهر ۱۳۴۰ به شماره ۸۲۰۴ اداره ثبت شرکتهای شیراز منتشر شده است .

راکه قصد داشته باشند وارد لژ های تابعه «گراند ناسیونال دفرانس» کنند، ابتدا او را بنام عضویت در انجمن طرفداران بوعلی‌سینا، وارد جرگه خود ساخته وسپس پیشنهاد ورود او را به لژ مطرح می‌کنند. همینکه عضویت او بااکثریت آراء تصویب شد، به عضو تازه وارد پیشنهاد می‌کنند که وارد لژ بشود. اگر فرد مورد نظر، با عضویت در لژ موافقت کرد، وی را باتشریفات خاص وارد محفل ماسونیك خواهند ساخت. فعالیت فراماسونها در انجمن‌های نیمه مخفی، همچنان ادامه دارد و انتخابات «انجمن طرفداران بوعلی‌سینا» نیز بدین ترتیب صورت گرفته است.

۱ ـ انتخابات نخستین دوره هیئت مدیره انجمن مذکور، روز پنجم فروردین ۱۳۳۸ انجام شد و نتیجه بدینشرح اعلام گردید[1]:

دکتر سعید مالك دبیر انجمن. اعضای هیئت مدیره عبارتند از: عبداله سعیدی ـ غلامحسین صارمی ـ سیدمحمدعلی امام‌شوشتری ـ عبداله ظلی ـ احمد هومن ـ محمود هومن ـ عباس خلعتبری ـ خان‌بابا بیانی ـ معتمدی ـ بقائی ـ گلشائیان.

۲ ـ دومین انتخابات برای تعیین هیئت مدیره انجمن روز ۲۶ تیر ۱۳٤۱ انجام و اعضاء بدین‌شرح انتخاب شدند:

دکتر سعید مالك ـ گلشائیان ـ احمدهومن ـ محمودهومن ـ عباس‌معتمدی عماد تربتی ـ عیسی بهزادی (همگی با ٤۷ رأی) حسین فرهودی ـ دکتر عباسعلی خلعتبری ـ خان‌بابا بیانی ـ حسن بقائی ـ عبداله سعیدی (با ٤۵ رأی) عبداله ظلی وعلی مرندی (با ٤٦ رأی) بعنوان هیئت مدیره واسماعیل واعظ‌پور (با ٤۵ رأی) بعنوان عضو علی‌البدل.

۳ ـ سومین انتخابات داخلی هیئت مدیره که صورت مجلس آن بامضای ۸۲ نفر از اعضای انجمن رسیده است، بدین شرح انجام شد[2]:

۱ ـ روزنامه اطلاعات شماره ۹۸۹۵ ـ ٦ اردیبهشت ۱۳۳۸

۲ ـ روزنامه فرمان ۱۳ مرداد ۱۳٤۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دکتر سعید مالك ـ گلشائیان ـ احمد هومن ـ حسن بقائی ـ سر لشکر میرجلالی ـ موسی آبتین ـ خان‌بابا بیانی ـ هوشنگ ظلی (با ٤٧ رأی) عیسی بهزادی ومحمد جهانشاهی (با ٤٥ رأی) این‌عده درانتخابات داخلی سمت هائی را بشرح زیر عهده‌دار شدند :

سعید مالك ـ رئیس هیئت‌مدیره

محمد جهانشاهی ـ دبیر

عیسی بهزادی ـ خزانه‌دار

خوشبختانه یك نسخه از صورت جلسه اعضای فعال « انجمن طرفداران ابوعلی‌سینا» که در داخل لژفراماسونری فرانسوی‌مولوی بامضا رسیده‌است ، در پرونده ثبت شرکتها ضبط و نگهداری می‌شود . این‌صورت‌جلسه بامضای ۸۲نفر ازاعضای انجمن رسیده‌که متأسفانه امضای‌شانزده نفر از آنها خوانده‌نشد . برای اینکه ازهویت‌فراماسونهای عضو این انجمن‌آگاه شویم، اسامی مستخرجه راعیناً نقل می‌کنیم :

۱ ـ دکتر سعید مالك	۲ ـ دکتر احمد هومن
۳ ـ دکتر محمود هومن	٤ ـ عباسقلی گلشائیان
٥ ـ عیسی بهزادی	٦ ـ عماد تربتی
۷ ـ سرلشکر حسن بقائی	۸ ـ سرلشکر میر جلالی
۹ ـ محمد جهانشاهی	۱۰ ـ موسی آبتین
۱۱ ـ عبداله سعیدی	۱۲ ـ دکتر خانبابا بیانی
۱۳ ـ هوشنگ ظلی	١٤ ـ عیسی مالك
۱٥ ـ اسماعیل واعظ پور	١٦ ـ محمود سلامت
۱۷ ـ دکتر محمد جواد جنیدی	۱۸ ـ علی اصغر ناصر
۱۹ ـ عباس ظریف	۲۰ ـ مهدی کمالیان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۲۱ ـ محسن رئیسی

۲۲ ـ دکتر محمد ضیائی

۲۳ ـ دکتر کمال حداد

۲٤ ـ علی‌اصغر سلسبیلی

۲۵ ـ ابوالحسن دیبا

۲٦ ـ مهندس شهیدی

۲۷ ـ علی‌اکبر صادق

۲۸ ـ جمشیدی مجتبائی

۲۹ ـ امیر منصور شاهپرکی

۳۰ ـ مهندس بهمن بهزادی

۳۱ ـ مهدی رئیس

۳۲ ـ مهندس داریوش

۳۳ ـ دکتر آ. بابایان

۳٤ ـ مهدی‌فرهودی‌حسابی

۳۵ ـ عزیز نبوی

۳٦ ـ محمدرضا روشنائی

۳۷ ـ احمد کبه

۳۸ ـ اوهانیون

۳۹ ـ حبیب القانیان

٤۰ ـ ابراهیم امامی‌خوئی

٤۱ ـ محمد علی بوذری

٤۲ ـ کمازدری

٤۳ ـ محسن کلانتری

٤٤ ـ ابوالقاسم ملکی یزدی

٤۵ ـ محمود ملک‌نیا

٤٦ ـ سیدمحمدعلی‌حسنی

٤۷ ـ سلطان حمید اردلان

٤۸ ـ ابراهیم طه

٤۹ ـ دکتر بابک

۵۰ ـ دکترابراهیم غروی

۵۱ ـ جعفر منصوریان

۵۲ ـ دکتر مصطفی مزینی

۵۳ ـ احمد دارائی

۵٤ ـ علاءالدین روحانی

۵۵ ـ جواد کمالیان

۵٦ ـ سعید رئیسی

۵۷ ـ سعید ثقةالاسلامی

۵۸ـ مهدی صناعی

۵۹ ـ پرویز جلالی

٦۰ ـ علی‌اکبر ضیائی

٦۱ ـ محمود رئیس

٦۲ ـ مهدی لشکری

٦۳ ـ دکترمحمدعلی صدری

٦٤ ـ محمود ثقفی

٦۵ ـ داور میشائیل

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اینک عین اساسنامه انجمن را نقل می‌کنیم :
اساسنامهٔ انجمن طرفداران ابوعلی سینا[1]

بمنظور تجلیل واحیاءِ اثرات جاوید نابغه ایرانی ابن‌سینا وشناساندن این دانشمند عالیقدر انجمنی در تهران طبق این اساسنامه تشکیل می‌یابد .

ماده ۱ ـ اسم انجمن (انجمن طرفداران ابوعلی‌سینا) خواهد بود .

ماده ۲ ـ مدت از تاریخ دهم دیماه ۱۳۳۷ ونامحدود است

ماده ۳ ـ مرکز فعلا تهران خیابان ابوعلی‌سینا شماره ۴۱۰ ولدی الاقتضاء شعب آن درشهرستانهای ایران تشکیل می‌یابد .

ماده ٤ ـ انجمن دارای شخصیت حقوقی بوده ومؤسسین وتشکیل دهندگان آن بهیچوجه قصد انتفاعی ندارند .

ماده ٥ ـ هرایرانی‌که‌علاوه برحسن شهرت صاحب‌قریحه بوده وعلاقمندی خود رابه تجلیل از بزرگان ایرانی‌به نحوی ازانحاءِ باثبات‌رسانیده باشدمی‌تواند تقاضای عضویت انجمن رابنماید .

تبصره ـ هیئت مدیره می‌تواند در اطراف هر داوطلب اطلاعات لازم را از معرفین و یا بوسائل دیگر کسب کرده بدون توجیه و دلیل تقاضای داوطلب را رد کند .

ماده ٦ـ انجمن‌حق دارد ازعلاقمندان قبول‌هدیه وهبه بنماید بشرط‌آنکه آنچه بعنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصراً برای امر مقرر در منظور انجمن بمصرف برسد .

ماده ۷ ـ انجمن می‌تواند مجالس خطابه ویا به نشرکتب ورسالاتی که فقط مربوط به ابوعلی سینا باشد مبادرت نماید .

ماده ۸ ـ سازمان انجمن عبارت است از :

---

۱ ـ ازیکی‌ازمأمورین وطنپرست وشرافتمنددولت سپاسگذارم که اساسنامه های انجمنها را دراختیارم‌گذاشت .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

الف ـ هیئت‌مدیره

ب ـ مجامع عمومی و فوق‌العاده

ماده ۹ ـ هیئت مدیره انجمن از چهارده نفر تشکیل می‌یابد که برای مدت سه‌سال در مجمع عمومی بارأی مخفی انتخاب می‌شوند، در این جلسه سه نفر بعنوان عضو علی‌البدل انتخاب می‌گردد که در صورت فوت یا غیبت هر یك از افراد هیئت‌مدیره به تشخیص هیئت مدیره عضویت اصلی شرکت نماید.

ماده ۱۰ ـ هیئت مدیره نماینده تام‌الاختیار انجمن خواهد بود که هرگونه اقدامی راکه مقتضی بداند انجام نماید وحق هر نوع عملی که شخص عادی یا شخصیت حقوقی قادر باشد هیئت مدیره می‌تواند بنام انجمن اعمال نماید.

ماده ۱۱ ـ بلافاصله پس از انتخاب هیئت مدیره جلسه تشکیل و یك نفر دبیر و یکنفر خزانه‌دار از بین خود برای مدت سه سال بارأی مخفی انتخاب می‌نماید.

ماده ۱۲ـ امضای کلیه اوراق واسناد بهادار از طرف رئیس هیئت مدیره و یکنفر از هیئت مدیره که به این عنوان انتخاب شده یاخزانه‌دار خواهد بود بعبارة اخری در کلیه اوراق و اسناد امضای رئیس هیئت مدیره و یك امضای دیگر (از طرف خزانه‌دار یا عضوی از هیئت مدیره که به این سمت انتخاب شده) معتبر ـ خواهد بود.

ماده ۱۳ ـ مادام‌که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده باشد هیئت مدیره سابق دارای اختیارات خواهند بود.

ماده ۱٤ـ هر سه‌سال یکبار مجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره واعضاء علی‌البدل به‌دعوت هیئت مدیره تشکیل می‌یابد و در این جلسه گزارش هیئت مدیره وصورت دارائی انجمن وخط‌مشی آتی انجمن به تصویب خواهد رسید.

حضور ثلث اعضاء در تشکیل مجمع عادی ضروری است ولی اگر این عده در جلسه اولی حضور پیدا نکردند درجلسه بعد که لااقل باده روز فاصله بعد ازجلسه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اولی تشکیل می‌یابد باهر عده از اعضاء انجمن رسمیت پیدا می‌کند .

ماده ۱۵ - در مورد ضروری مجمع فوق‌العاده به تقاضای ۱۵ نفر از اعضاء یابه تشخیص هیئت مدیره تشکیل می‌یابد و باهمان مقررات و حد نصاب معمولی رسمیت پیدا می‌کند ولی در مواقعی که تغییر اساسنامه در برنامه مجمع باشد عده حاضر باید لااقل سه ربع از اعضاء بوده ودر جلسه بعدی نصف اعضاء حضور داشته باشند والاتغییر در اساسنامه امکان پذیر نخواهد بود .

ماده ۱۶ - دعوت درمجامع عمومی ممکن است بانامه یاوسیله جرایدبعمل آیدولی‌درهرحال دستورجلسه باید دردعوتنامه‌قید شده وخارج ازدستور نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود .

ماده ۱۷ - کلیه آراء باکثریت‌تام (بیشتر از نصف عده حاضر درجلسه)معتبر خواهد بود .

ماده ۱۸ - انحلال شرکت در حکم تغییر اساسنامه بوده و مقررات مربوطه به نصاب اعضاء باید درآن مراعات شود .

ماده ۱۹ - درصورت انحلال انجمن‌سه‌نفراز هیئت‌مدیره باافرادی‌که‌مجمع انتخاب‌کند به تصفیه انجمن اقدام خواهند نمود .

ماده ۲۰ - پس‌از انحلال دارائی انجمن به‌یکی از مؤسسات که مقاصد آن نظیر یانزدیك به فکر انجمن باشد یاانجمنهای‌خیریه اختصاص‌خواهد یافت.

ماده ۲۱- موضوعاتیکه‌دراین‌اساسنامه‌صراحت‌نداردبه‌تشخیص هیئت‌مدیره قابل حل وفصل خواهد بود .

ماده۲۲- هیئت مدیره آئین‌نامه‌های‌لازم‌هرابرای انجمن‌تدوین‌خواهدنمود.

ماده ۲۳ - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند به تشخیص خود شعباتی در ایران تشکیل دهد وهرگونه اختیاری راکه لازم‌بداند بداین شعبات تفویض‌نماید وهرتعداد نفری‌که لازم بداندبمدیریت هرشعبه ویانمایندگی هیئت‌مدیره درآن شعبه انتخاب‌نماید ودراین‌گونه‌موارد بایدلااقل دوثلث‌اعضاء هیئت‌مدیره‌بموضوع رأی موافق داده باشند .

باشگاه خورشید تابان

باشگاه خورشید تابان

دومین سازمان نیمه مخفی فراماسونهای فرانسوی درایران که چهارسال قبل تشکیل شده است ، ابتدا «باشگاه نور» و سپس «باشگاه خورشید» نامگذاری شد .

فراماسونها همواره محفل خود را منبع «نور» و«روشنائی» ودنیای غیر فراماسون را جهان ظلمات و تیرگی و تاریکی می‌دانند . آنان مدعی هستند که هر کس فراماسون می‌شود ، وارد دنیای «روشنائی» شده و از زندان جهل و تاریکی نجات یافته است . آنان می‌گویند غیر فراماسون‌ها نادان هستند و دربی‌خبری وجهل‌مرکب وتاریکی بسرمی‌برند . نکته جالب‌اینکه فراماسون‌ها که خود «یهوه» و «خدای اسرائیل» را پرستش می‌کنند و به آیات مزامیر داود سوگند می‌خورند و در عین‌حال فریاد «برادری و برابری» درمی‌دهند، خودرا برتر ازسایرجهانیان می‌دانند. ومتأسفانه فریب‌خوردگان مسلمان وپیروان آئین‌مقدس اسلام ومذهب حقه «اثنی‌عشری» نیزکه قرآن مجید راکتاب‌آسمانی خودوبرتر و والاتر از همه کتب‌آسمانی دیگر می‌دانند ، همراه باسایر «برادران» فراماسون خود درمراسم خاص «یهوه» راستایش می‌کنند وخودرا برتر از سایرین می‌دانند، وحال‌آنکه کتاب آسمانی مسلمانان، سید قریش و سیاه حبشی را برابر شناخته و آزادی‌ومساوات‌کامل دردستورات این‌دین‌مقدس تأکید شده‌است. امافراماسونهای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مسلمان، دیگران (بیگانگان=غیرماسون) را درجهل وتاریکی محض می‌دانند، حتی برادران هم مذهب خود ومسلمانان را...! بدین‌سبب فراماسونهای فرانسوی وابسته به گراند ناسیونال دفرانس که عبودیت گراند لژ های انگلیس را گردن نهاده‌اند وبرتری وسروری گراند لژهای انگلیسی را پذیرفته‌اند ، نیز باشگاهی بنام «نور» تشکیل‌دادند . ولی خیلی زود اسم باشگاه را به «روشنائی» تغییردادند. زیرا قبلا این نام در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسیده بود . اعضای مؤسس در جریان تغییر نام باشگاه ، صورت مجلسی بدین شرح تنظیم وامضاءکردند :

«مجمع مؤسسان باشگاه نور نظر باینکه نام نور قبلا بثبت رسیده ، عنوان اساسنامه باشگاه مذکور وماده اول آنرا به تحوزیرتغییر نمودند» .

ماده‌الحاقی به اساسنامه باشگاه خورشید تابان

ماده اول اصلاحی : امضاء کنندگان این اساسنامه ، باشگاهی بنام باشگاه خورشید تابان که بزبان فرانسه و بزبان انگلیسی نام خواهد داشت طبق قوانین کشور شاهنشاهی ومقررات این اساسنامه ، تشکیل می‌دهند ، تغییرات آینده این اساسنامه و همچنین آئین‌نامه اجرائی آن بروفق قوانین و مقررات جاریه کشور خواهد بود و پس از تصویب مراجعی‌که قانون بآنها صلاحیت داده باشد ، بموقع اجراءگذاشته خواهد شد .

توضیحاً اعلام می‌شودکه آقای نصراله هنجنی مدیرکل وزارت‌کشور بعلت مسافرت درجلسه حاضر نبودند»

بنیان‌گزاران باشگاه خورشید تابان ، که دوازده‌نفر بودند ، پس‌از تشکیل جلسه‌ای اعضای هیئت‌مدیره را ازبین خود انتخاب‌کرده ، اسامی آنها را بمراجع قانونی اطلاع دادند . اینان عبارت بودند از :

۱ - دکتر... ۲ - ذبیح‌اله ملك‌پور ۳ - مهندس محمدعلی قطبی ٤ - دکتر امیر اصلان افشار ٥ - وحیدهویدا ٦ - ادیب هویدا ۷ - فریدهویدا ۸ - جمیل

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

هویدا۹ـ دکتر احمد امامی ۱۰ـ هوشنگ کیوان ۱۱ـ نصراله هنجنی ـ۱۲ـ محمدعلی کرباسفروشان .

چند روز پس از خاتمه مقررات ثبت باشگاه مذکور، آگهی زیر در روزنامه اطلاعات ـ مورخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۴۳ ـ منتشر شد :

آگهی ثبت باشگاه خورشید تابان

نظر بماده ۸ آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجارتی و بموجب اظهارنامه شماره ۵۷۹۲ پیوست مدارک مربوطه به باشگاه خورشید تابان طی شماره ۶۴۰ ـ ۲۰ر۴۳ر۴۳ در دفتر مؤسسات غیر تجارتی ثبت شده و خلاصه مشخصات آن در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از جراید کثیرالانتشار یومیه تهران بشرح زیر منتشر می‌شود:

نام مؤسسه : باشگاه خورشید تابان که بفرانسه :

«L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT»

و بانگلیسی: THE CLUB OF THE RISING SUN می‌باشد .

هدف و موضوع مؤسسه : مطالعه و تحقیق درباره مسائل فرهنگی ـ علوم اخلاقی ـ امور بهداشتی ـ حقوقی ـ اقتصادی ـ مالی ـ اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هرگونه موضوعی از جنبه‌های فنی آن تثبیت و بسط مبانی ادب‌دوستی وحق و حقیقت همچنین شور و مشورت و ترویج معنویات از راه تأسیس کتابخانه و انتشار مجله و فعالیت های خیریه .

مرکز اصلی و اقامتگاه : تهران خیابان نادری کوچه مسعودسعد شماره ۷

تابعیت: ایرانی

مدت : نامحدود .

مؤسسین : آقایان دکتر... ـ ذبیح‌اله ملک‌پور ـ دکتر امیراصلان افشار ـ وحیدهویدا ـ مهندس محمدعلی قطبی ـ دکتر احمدامامی ـ ادیب‌هویدا ـ محمدعلی کرباس‌فروشان ـ فرید هویدا ـ هوشنگ کیوان ـ جمیل‌هویدا ـ نصراله هنجنی .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعضاء هیئت مدیره ومدت خدمت آنها: آقایان دکتر... رئیس هیئت‌مدیره ـ ذبیح‌الملک‌پور نایب رئیس، وحید هویدا دبیر ـ ادیب‌هویدا خزانه‌دار که برای‌مدت یکسال از تاریخ ۱۲ر۳ر۴۳ انتخاب شده‌اند.

دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق‌واسناد مالی‌بامضاء رئیس یاوکیل او ویکی ازاعضاءهیئت‌مدیره وخزانه‌دار واوراق عادی بامضاء رئیس ویکی ازاعضاءهیئت‌مدیره متفقاً صادر می‌شود ومعتبر خواهد بود.

رئیس اداره ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ مهدی نراقی

برای‌اطلاع بیشتر ازمرام وهدف این باشگاه فراماسونری، عین اساسنامه آنرا ذیلا نقل می‌کنیم:

اساسنامه باشگاه خورشید تابان

فصل اول ـ اصول و هدف باشگاه

ماده‌اول ـ امضاءکنندگان این‌اساسنامه باشگاهی‌بنام باشگاه خورشید تابان که بزبان فرانسه «L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT»

و بزبان انگلیسی «THE CLUB OF THE RISINGSUN» نام خواهد داشت طبق قوانین‌جاری‌کشور شاهنشاهی‌ومقررات این اساسنامه تشکیل می‌دهند.

ماده دوم ـ باشگاه مؤسسه علمی، تربیتی‌وفرهنگی‌می‌باشد ومنظور و هدف آن مطالعه وتحقیق منباب‌مثال درباره مسائل‌فرهنگی، علوم اخلاقی‌اموربهداشتی حقوقی، اقتصادی، مالی، و اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هرگونه موضوع ازجنبه‌های فنی‌آن می‌باشد. تثبیت وبسط مبانی ادب دوستی حق‌وحقیقت وهمچنین‌شوروومشورت‌وترویج‌معنویات‌جزء هدف باشگاه‌است‌برای‌انجام‌مقاصدش باشگاه می‌تواند ازکلیه منابع معرفت ومصادر اطلاع استفاده نماید و نیزمی‌تواند کتابخانه لازم را تأسیس وبه انتشار ترجمه فارسی کتب مفید پرداخته و کنفرانس و مجالس فرهنگی ترتیب دهد. انتشار مجله در حدود هدف باشگاه و همچنین

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فعالیت های خیریه درصورت امکان مورد نظر باشگاه خواهد بود .

ماده سوم ـ ایمان به‌خداوند متعال ووفاداری به شاهنشاه و دودمان پهلوی و رژیم سلطنت مشروطه ایران و همچنین نداشتن سوء سابقه و داشتن حسن شهرت آزادی وجدان وهمچنین صفات منطق نوع‌دوستی،عدالت، انصاف، محبت برادرانه‌و گذشت عادلانه شرط اساسی عضویت باشگاه می‌باشد .

ماده چهارم ـ باشگاه قصد انتفاعی ندارد .

فصل دوم ـ مقر باشگاه وسنت آن

ماده پنجم ـ مقرمرکزی باشگاه‌درتهران فعلاکوچه مسعود سعدکاشی‌شماره ۷ و درصورت لزوم وامکان شعب آن درسایر نقاط کشور تأسیس خواهد شد .

ماده ششم ـ مدت باشگاه نامحدود است

فصل سوم ـ عضویت باشگاه

فصل سوم ـ عضویت باشگاه

ماده هفتم ـ باشگاه سه‌نوع عضوخواهد داشت. الف‌ـ اعضای عامل که‌مجمع عمومی راتشکیل می‌دهد. ب‌ـ اعضای طرفدار واعضای‌افتخاری‌که درإداره باشگاه حقوقی ندارند .

ماده هشتم ـ تشخیص عاملیت یا طرفداری اعضای باشگاه با هیئت مدیره می‌باشد .

ماده نهم ـ هیئت مدیره می‌تواند پس از دریافت تقاضای کتبی عضویت در اطراف داوطلب تحقیقی، تشخیصی‌وتصمیمی‌که مقتضی بداند بنماید .

ماده دهم ـ تقاضای عضویت باید از طرف عضوعامل تصدیق وپیشنهادشود .

ماده یازدهم ـ تبدیل عنوان عضویت از طرفدار به عامل بترتیب مذکوردر ماده دهم خواهد بود .

ماده دوازدهم ـ تشخیص میزان حق عضویت باهیئت‌مدیره می‌باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده سیزدهم ـ تقاضای عضویت باشگاه شامل قبول اساسنامه حاضر وهمچنین قبول ورعایت کلیه مصوبات بعدی مجمع عمومی وهیئت مدیره می باشد .

ماده چهاردهم ـ هیئت مدیره می تواند عضو یااعضای باشگاه را در صورت تخلف ازرعایت اساسنامه ومصوبات بعدی مذکور درفوق براساس اصل توجه تصمیم باکثریت آراء ازعضویت باشگاه محروم نماید .

ماده پانزدهم ـ باشگاه می تواند کسانیراکه خدمات قابل توجه ومنطبق با اصول وهدف باشگاه نموده باشند به عضویت افتخاری بپذیرد .

فصل چهارم ـ سازمان باشگاه

ماده شانزدهم ـ این سازمان عبارت ازمجمع عمومی وهیئت مدیره می باشد.

ماده هفدهم ـ هرچهارسال یکبارمجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره به دعوت هیئت تشکیل می یابد ودراین جلسه گزارش رئیس هیئت مدیره بصورت دارائی وهزینه باشگاه بتصویب خواهد رسید مضافاً درهمین موقع مجمع عمومی کلیه مسائل مندرج دردستورکه بااین اساسنامه منطبق باشدمورد رسیدگی وتصویب قرار خواهد داد .

ماده هیجدهم ـ حضور ثلث اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی عادی ضروری است . چنانچه در جلسه اول حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی حداقل پانزده روز از تاریخ جلسه اول تشکیل می یابد وباهرعده ای که حاضر شوند تصمیم اتخاذ وبموقع اجراء گذارده می شود .

ماده نوزدهم ـ درموارد ضروری مجمع عمومی فوق العاده به تقاضای ده نفر ازاعضاء وموافقت هیئت مدیره یابه تشخیص هیئت مدیره دعوت شده وباهمان مقررات وحد نصاب مذکور درماده هیجدهم رسمیت پیدا می کند .

ماده بیستم ـ درمواقعیکه تغییر اساسنامه یاانحلال باشگاه در دستور باشد حدنصاب جلسه اول سه پنجم وجلسه دوم ثلث اعضاء می باشد .

ماده بیست ویکم ـ دعوت مجامع عمومی ممکن است بانامه یا وسیله جرائد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بعمل آید ولی درهرحال دستور جلسه باید در دعوتنامه قید شود و خارج از آن نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود .

ماده بیست‌ودوم ـ درصورت انحلال باشگاه دو نفر ازهیئت‌مدیره یاافرادی که مجمع‌عمومی انتخاب خواهد کرد تصفیه امور باشگاه‌را بعهده خواهند داشت.

ماده بیست‌وسوم ـ پس‌از انحلال باشگاه دارائی آن به یکی ازمؤسسـاتیکه مقاصد آن نظیر یا نزدیك به فکر باشگاه باشد یا به یکی از انجمنهـای خیریه اختصاص خواهد یافت .

ماده بیست‌وچهارم ـ هیئت‌مدیره آئین‌نامه لازم باشگاه را تدوین وپس از تصویب هیئت آنها را بموقع‌اجراء خواهدگذاشت.

ماده بیست‌وپنجم ـ هیئت‌مدیره دائم ازهفت‌نفر تشکیل می‌شود .

ماده بیست‌وششم ـ مجمع عمومی مؤسسان‌دراولین جلسه خود هیئت‌مدیره موقتی مرکب ازچهار نفر برای مدت‌یکسال‌حداکثر بااکثریت‌آراء تعیین می‌نماید و بلافاصله پس از آن رئیس هیئت‌مدیره را از میان اعضاء هیئت با اکثریت آراء انتخاب می‌نماید. قبل ازانقضای‌مهلت یکساله فوق‌مجمع‌عمومی عادی‌هیئت‌مدیره دائم را انتخاب خواهدکرد .

ماده بیست‌وهفتم ـ تجدید انتخاب اعضای هیئت‌مدیره بلامانع است .

ماده بیست‌وهشتم ـ مادام‌که‌هیئت‌مدیره جدیدانتخاب‌شده‌باشدهیئت‌مدیره سابق دارای اختیار بوده ومسئول اداره امور باشگاه می‌باشد .

ماده بیست و نهم ـ هیئتهای مدیره موقت و دائم بارعایت مفاد و روح این اساسنامه ومصوبات مجامع عمومی اداره امور باشگاه را بعهده‌خواهدداشت . تهیه کلیه وسائل وانجام‌کلیه اموری‌که برای اجرای مقاصد باشگاه‌لازم‌باشد وهمچنین بطور کلی اقداماتی‌که هدف‌وموجودیت باشگاه‌راتشکیل‌وتثبیت می‌نماید ازوظائف هیئت‌مدیره می‌باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده‌سی‌ام ـ رئیس هیئت‌مدیره مجری مقررات اساسنامه و اختیارات قانونی باشگاه می‌باشد و در انجام وظایفش حق توکیل خواهد داشت. نوشتجات و اوراق صادر از باشگاه بامضای رئیس هیئت‌مدیره (یا وکیل او) و یکی از اعضای هیئت‌مدیره خواهد رسید. در مورد اسناد و اوراقیکه برای باشگاه تعهد مالی ایجاد می‌نماید امضاء خزانه‌دار ضروری می‌باشد.

انجمن خواجه نصیر طوسی

آخرین وسومین انجمنی که فراماسونهای فرانسوی در ایران تشکیل دادند، انجمن خواجه نصیر طوسی[1] است. این انجمن را بیست نفر از فراماسونها بشرح زیر تشکیل دادند:

موسی آبتین ـ علیرضا امیرسلیمانی ـ ناصر بدیع ـ منوچهر تسلیمی ـ حبیب خمسی ـ رضا رزم‌آرا ـ علاءالدین روحانی ـ محمود رئیس ـ علی‌اصغر سلسبیلی ـ محمود ضیائی ـ هوشنگ ظلی ـ علی کوچکعلی ـ سرلشکر میرجلالی ـ عیسی مالك ـ ابوالحسن معدل ـ محمدحسن بشیری ـ علی‌معین ـ احمد هومن ـ محمود هومن ـ ناصر یگانه.

این انجمن درمردادماه ۱۳۴۷ هیئت‌مدیره خود رابدین شرح انتخاب کرد:

۱ ـ سرلشکر سیدمحمود میرجلالی ـ رئیس هیئت‌مدیره

۲ ـ دکتر محمود هومن ـ استاد دانشسرایعالی ـ دبیر

۳ ـ دکتر محمود ضیائی ـ نماینده مجلس شورایملی ـ خزانه‌دار

۴ ـ ناصر یگانه ـ وزیر مشاور ـ عضوهیئت مدیره

---

۱ ـ فراماسونهای فرانسوی پس از انتخاب نام «بوعلی‌سینا» با اعمال نفوذ درشهرداری موفق شدند، نام خیابانی راکه محفل‌ماسونی آنها در ردیف ۴۱۰ آن ثبت است: بنام انجمنی که تشکیل داده بودند، تغییردهند. محفل مذکور چسبیده به پارك‌امین‌الدوله است وهمچنین خیابان دیگری را که از جاده قدیم شمیران منشعب و بمیدان عشرت‌آباد ختم می‌شود، بنام «خواجه نصیر طوسی» نامیدند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۵ ـ منوچهر تسلیمی ـ معاون وزارت اطلاعات ـ عضو هیئت مدیره

۶ ـ هوشنگ نفلی ـ سفیرکبیر ایران درلبنان « « «

۷ـ مهندس امیرسلیمانی ـ عضوعلی البدل

پس از خاتمه انتخابات هیئت مدیره ، آگهی زیر ازطرف اداره ثبت شرکت ها در روزنامه های رسمی کشور شاهنشاهی وخاک خون منتشر شد[1]:

۵۳۶۳ رم الف

۶٫۹۷۴۹

۴۷٫۵٫۲۲

آگهی تأسیس انجمن خواجه نصیرطوسی

نظر بماده هشت آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجارتی و بموجب اظهارنامه شماره ۹۶۷۰ ـ ۴۷/۵/۱۹ پیوست سایر مدارک مربوطه انجمن خواجه نصیرطوسی درتاریخ ۴۷/۵/۲۰ طی شماره ۹۷۵ در دفتر مؤسسات غیرتجارتی[؟] ثبت وخلاصه مفاد آن بشرح زیر برای اطلاع عموم آگهی می شود .

۱ ـ نام مؤسسه ـ انجمن خواجه نصیر طوسی .

۲ ـ موضوع . تجلیل واحیاء اثرات فلاسفه ودانشمندان وادباء ایران وبسط واشاعه فرهنگ وادب فارسی .

۳ ـ مرکز اصلی . تهران خیابان حافظ کوچه هاتف شماره ۶۸

۴ ـ تاریخ تشکیل ومدت بارشابت ماده ۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ۴۷/۲/۲۵ برای مدت نامحدود .

۵ ـ تابعیت . دولت شاهنشاهی ایران .

۶ـ مؤسسین . آقایان موسی آبتین ـ علیرضا امیرسلیمانی ـ ناصر بدیع ـ منوچهر تسلیمی ـ حبیب خمسی ـ رضارزم آراء ـ علاءالدین روحانی . محمودرئیس علی اصغر سلسبیلی ـ محمودضیائی ـ هوشنگ نفلی ـ علی کوچکعلی ـ سرلشکر

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۶۷۵۳ ـ مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۴۷ ـ روزنامه خاک و خون ۳ شهریور ۱۳۴۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سید محمود میرجلالی ـ عیسی مالك ـ ابوالحسن معدل ـ محمدحسن مشیری ـ علی معین ـ احمد هومن ـ محمود هومن ـ ناصر یگانه

۷ ـ اعضاء هیئت‌مدیره ـ تیمسار سرلشکر بازنشسته سید محمود میرجلالی بسمت رئیس آقایان محمود هومن بسمت دبیر ـ محمود ضیائی بسمت خزانه‌دار، ناصر یگانه ومنوچهر تسلیمی بسمت اعضاء هیئت مدیره از تاریخ ۴۷/۲/۲۵ برای مدت سه سال انتخاب گردیدند وحق امضاء کلیه اوراق واسناد بهادار بارئیس هیئت مدیره و یکنفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً معتبر می‌باشد.

رئیس اداره ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ مهدی نراقی

آ-۲۰۹۹

اساسنامه انجمن خواجه نصیر طوسی

ماده ۱ ـ بمنظور تجلیل و احیاء اثرات فلاسفه و دانشمندان وادباء ایرانی وبسط و اشاعه فرهنگ و ادب فارسی انجمنی بنام انجمن خواجه نصیرطوسی در تهران طبق این اساسنامه برای مدت نامحدود تشکیل می‌شود .

ماده ۲ ـ مرکز انجمن در تهران کوچه هاتف خیابان حافظ می‌باشد ولدی ـ الاقتضا شعب آن در تهران و یا شهرستانها تشکیل خواهد شد پس از اطلاع وتائید مقامات صالحه .

ماده ۳ ـ انجمن از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی بوده و غیر انتفاعی می‌باشد .

ماده ٤ ـ هرایرانی که علاوه برحسن شهرت صاحب قریحه بوده وعلاقمندی خود رابه تجلیل از فرهنگ وادب ایران به اثبات رسانیده باشد می‌تواندتقاضای عضویت انجمن رابنماید .

قبول عضویت هرداوطلب موکول به تصویب هیئت‌مدیره خواهد بود .

ماده ٥ ـ انجمن حق دارد ازعلاقمندان قبول هدیه وهبه نماید بشرط آنکه آنچه بعنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصراً برای پیشرفت هدفهای انجمن

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بمصرف برسد .

ماده ٦ ـ انجمن می‌تواند مجالس سخنرانی تشکیل دهد و یا به نشر کتب و رسالاتی که مربوط به فرهنگ وادب ایران باشد باتوجه ورعایت قوانین مطبوعات کشور مبادرت نماید .

ماده ۷ ـ فعالیتهای انجمن درباره هدفهای مذکور در ماده ۱ بوده و دارای هیچگونه جنبه سیاسی نخواهد بود .

ماده ۸ ـ ارکان انجمن عبارت است از :

۱ ـ هیئت مدیره

۲ ـ مجمع عمومی

ماده ۹ ـ هیئت‌مدیره ازپنج‌نفر تشکیل‌می‌شودکه برای مدت‌سه‌سال بوسیله مجمع‌عمومی بارأی مخفی انتخاب می‌شوند. دونفرهم بعنوان عضوجانشین انتخاب خواهد شد که در صورت فوت ویا غیبت هریك از افراد هیئت مدیره به تشخیص هیئت‌مدیره بعنوان اصلی شرکت نمایند .

ماده ۱۰ ـ هیئت مدیره نماینده تام‌الاختیار انجمن خواهد بودکه هرگونه اقدامی رادرحدود هدفهای انجمن بعمل آورد .

ماده ۱۱ ـ پس از تشکیل اولین مجمع عمومی که مجمع مؤسسین است بلافاصله هیئت مدیره از طرف هیئت مؤسسین انتخاب می‌گردد وهیئت مدیره‌از بین‌خود بااعضاو جانشین یکنفررئیس ویکنفر دبیر ویکنفر خزانه‌دار برای مدت سه سال بارأی مخفی انتخاب می‌نماید.

ماده ۱۲ ـ کلیه اوراق‌واسناد بهادار ازطرف‌رئیس هیئت‌مدیره و یکنفراز اعضاء هیئت مدیره امضاء شده ودارای اعتبار خواهد بود .

ماده ۱۳ ـ مادام‌که هیئت‌مدیره جدیدانتخاب نشده است‌هیئت مدیره‌سابق دارای اختیارات خواهد بود .

ماده ۱٤ ـ هرسه‌سال یکبار مجمع‌عمومی انجمن برای‌انتخاب هیئت‌مدیره

واعضاء جانشین به دعوت هیئت مدیره تشکیل می‌شود. دراین جلسه گزارش رئیس هیئت مدیره و صورت دارائی و هزینه انجمن و خط مشی آتی انجمن بتصویب خواهد رسید.

ماده ۱۵ ـ حضور ثلث اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی ضروری است در صورت عدم حضور مجمع عمومی مجدداً دعوت و با هر عده که حاضر باشند تشکیل می‌شود ورأی اکثریت عدهٔ حاضر مناط اعتبار است.

برای تغییر اساسنامه درهر صورت حضور نصف بعلاوه یکی از اعضاء ضروری است و تصمیماتی که باکثریت آراء عده حاضر اتخاذ می‌شود پس از اطلاع وتائید مقامات ذیصلاحیت معتبر خواهد بود.

ماده ۱۶ ـ در موارد ضروری مجمع عمومی به تقاضای یك پنجم از اعضاء و یا به تشخیص هیئت مدیره تشکیل می‌شود.

ماده ۱۷ ـ دعوت مجامع عمومی بوسیله نامه بعمل خواهد آمد ودستور جلسه در دعوتنامه باید قید شود.

ماده ۱۸ ـ برای انحلال انجمن بایستی لااقل سه ربع از اعضاء در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند درصورت انحلال سه نفر از هیئت مدیره انتخاب می‌شوند به تصفیه انجمن اقدام خواهندکرد.

ماده ۱۹ ـ پس از انحلال دارائی انجمن به یکی از مؤسسات که مقاصد آن نظیر یا نزدیك به هدفهای انجمن باشد اختصاص خواهد یافت.

ماده ۲۰ ـ موضوعیکه دراین اساسنامه صراحت ندارد به تشخیص هیئت‌ـ مدیره قابل حل و فصل خواهد بود.

ماده ۲۱ ـ هیئت مدیره می‌تواند به تشخیص خود شعباتی در شهرستانها تشکیل دهد وهرگونه اختیاری راکه لازم بداند باین شعبات تفویض نماید. دراین مورد باید لااقل دو ثلث اعضاء هیئت مدیره بموضوع رأی موافق داده باشند.

انجمن فارابی

یکی از سازمان های جدید فراماسونری فرانسه درایران «انجمن‌فارابی» است‌که باشکل کاملا جدید و نوظهوری تشکیل شده‌است . این انجمن‌که هدف‌آن «تعالی سطح اخلاق ودانش وتعمیم فرهنگ» عنوان شده، چنین بنظر می‌رسد،که برای بوجودآوردن یکی دیگر از سازمان های ماسونی ویاواحد پراهمیت‌تری، تشکیل شده باشد . اعضای مؤسس‌انجمن فارابی را قبل‌ازاینکه مقررات ثبت آن بانمام‌رسد : محسن فروغی ـ فتح‌اله فرود ـ محمد مجلسی ـ نصرالدین نوری خواجوی و سناتور جمال‌گنجی نیشابوری معرفی کرده‌اند . بااینکه در اساسنامه محل تشکیل انجمن «خیابان شمالی کاخ جوانان» معین‌شده ، بااینحال درتقاضای اولیه ثبت‌اسناد نشانی آنرا «مجلس سنا» نوشته‌اند . مؤسسین این انجمن قبل از آغاز «فعالیت فراماسونی» وبابقول خودشان «تعمیم فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح اخلاق» درنظرگرفته‌اندکه محل‌تازه‌ای بناکنند. لذا مؤسسین انجمن‌باکمك سازمان‌های‌دولتی قطعه زمین‌بسیاربزرگی دراراضی «ونك‌واوین» رابرای‌ساختمان معبد فراماسونری ، مجاناً بتصرف درآورده‌اند . برای ساختمان محفل و معبد فراماسونری مذکوربموجب‌اسنادگراندلژایران،از۱۳۰نفرازفراماسونهای لژهای مختلف مبالغی‌اعانه‌جمع‌آوری شده‌است‌که دربین اعانه دهندگان، ماسون‌های زیر مبالغ‌قابل‌توجهی‌پرداخت‌کرده‌اند:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

حبیب القانیان	۱۰۰۰۰۰	ریال	مهندس شریف امامی	۱۰۰۰۰۰	ریال
نجات‌اله‌القانیان	۱۰۰۰۰۰	«	لاجوردی	۷۵۰۰۰	«
جواد مرید	۵۰۰۰۰	«	مهندس محمدهادی	۶۳۰۰۰	«
صوفی	۳۰۰۰۰	«	دکتر سیدحسن امامی	۳۰۰۰۰	«
علی‌مرندی	۳۰۰۰۰	«	ابراهیم میرزا حسابی	۳۰۰۰۰	«
احمد رفیعی	۳۰۰۰۰	«	دکتر سعیدمالك	۳۰۰۰۰	«
محمدعلی مسعودی	۴۰۰۰۰	«	سیروس بقائی	۲۰۰۰۰	«
دکتر عباس معتمد	۲۰۰۰۰	«	مهندس شفاقی	۲۰۰۰۰	«
مستوفی‌الممالکی	۲۰۰۰۰	«	دکتر امیرحکمت	۲۰۰۰۰	«
حاجی اصغرزاده	۲۰۰۰۰	«	خلیل محلوجی	۲۰۰۰۰	«
علی‌معین	۲۰۰۰۰	«	علی‌اکبر محلوجی	۲۰۰۰۰	«
جواد خازنی	۲۰۰۰۰	«	ابوالفتحی	۲۰۰۰۰	«
مهدوی	۲۰۰۰۰	«	رستم زرتشتی	۲۰۰۰۰	«
علی‌کوچکملی	۲۰۰۰۰	«	پرویز یکانگی	۲۰۰۰۰	«
دکتر مهدی ملکی	۲۰۰۰۰	«	صانعی	۱۵۰۰۰	«
مرتضی‌قلی‌کیهان	۱۵۰۰۰	«	اصغرزوارهٔ	۱۲۵۰۰	«
گلشائیان	۱۰۰۰۰	«	دکتر رضافلاح	۲۰۰۰۰	«
دکتر مبین	۱۰۰۰۰	«	مهندس روحانی	۱۰۰۰۰	«
فری	۱۰۰۰۰	«	دکتر چهرازی	۱۰۰۰۰	«
ناصح ناطق	۱۰۰۰۰	«	رحیم اذابی	۱۰۰۰۰	«
محمود نظر	۱۰۰۰۰	«	اسمعیل واعظ زاده	۱۰۰۰۰	«
کاظم‌کورس	۱۰۰۰۰	«	مهندس کنجه	۱۰۰۰۰	«
رحمت‌اله قوامی	۱۰۰۰۰	«	ابوتراب روحانی	۱۰۰۰۰	«
محمد رضا ایثاری	۱۰۰۰۰	«	عبداله ظلی	۱۰۰۰۰	«

امیر مهدی‌خواجی	۱۰۰۰۰	ریال	دکتر هوشنگ نهاوندی	۱۰۰۰۰	ریال
مهندس حبیب خمسی	۱۰۰۰۰	«	جعفر کفائی	۱۰۰۰۰	«
عبدالامیر رشید حائری	۱۰۰۰۰	«	دکتر ناصر یگانه	۱۰۰۰۰	«
مهندس صادق	۱۰۰۰۰	«			

بقیه که کمتر از یکهزار تومان پرداخته‌اند درحدود هشتاد نفر می‌باشند.

در گزارشی که خزانه‌دار کل سازمان های فراماسونری فرانسه در ایران، به‌گراند لژمحلی داده است، پس ازذکر ارقام اعانه، متذکر می‌شودکه درحال حاضر با این مبلغ جمع آوری شده، امکان آغاز ساختمان محفل ماسونی وجود ندارد. نقشه این‌محفل رامهندس محسن‌فروغی تهیه کرده‌اند و نظارت آن رانیز شخصاً بعهده خواهندگرفت. چون تازمان چاپ این‌فصل، فعالیت‌محسوس دیگری از این‌انجمن دیده نشده، لذا تنها به نقل اساسنامه آن اکتفا می‌کنیم:

اساسنامه انجمن‌فارابی

نام ـ مرکز اصلی ـ موضوع انجمن ـ مدت

ماده یك ـ نام انجمن. انجمن فارابی.

ماده دو ـ مرکز اصلی انجمن فارابی در شهر تهران ـ خیابان شمالی کاخ جوانان جنب آموزشگاه حرفهٔ پسران است.

ماده سوم ـ موضوع انجمن. بمنظور تعالی سطح اخلاق ودانش وتعمیم فرهنگ انجمنی بنام انجمن فارابی تشکیل می‌گردد.

ماده چهارم ـ مدت نامحدود است.

ماده پنجم ـ انجمن فارابی ازطرف هیئت مؤسسان که اسامی آنها دراین اساسنامه قید است تشکیل وهمگی ذیل این‌اساسنامه را امضاء می‌نمایند.

ماده ششم ـ انجمن‌فارابی‌دارای‌شخصیت‌حقوقی‌است‌و بهیچوجه جنبه انتفاعی وسیاسی ندارد ومی‌تواند برای پیشرفت هدفهای خود هرگونه هدایا یااموالی که از طرف شخصیت های حقیقی وحقوقی اهدا می‌شود بپذیرد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده هفتم ـ اهداکنندگان هدایااعم ازشخصیت های حقیقی وحقوقی نسبت به‌دارائی انجمن‌کما وکیفاحقی ندارندودرآمدها منحصراً درراه‌هدف‌اصلی انجمن به‌مصرف خواهد رسید .

ماده هشتم ـ انجمن بهیچ‌یك از دستجات سیاسی بستگی ندارد و اعضاء آن بهیچ عنوان حق‌فعالیت سیاسی رابنام انجمن ندارند .

ماده نهم ـ هرگونه تغییری دراساسنامه وباعضاء هیئت‌مدیره انجمن‌بایستی پس‌از تائید مقامات صلاحیت‌دار بمرحله اجراگذارده‌شود .

ماده دهم ـ افتتاح شعب درسایر شهرستانها منوط به اجازه قبلی مقامات ـ صالحه خواهد بود .

ماده یازدهم ـ چاپ و انتشار نشریات از طرف انجمن طبق قوانین جاریه کشورخواهد بود .

فصل‌دوم ـ تشکیلات انجمن

ماده دوازدهم ـ انجمن فارابی از ارکان زیر تشکیل می‌گردد .

ماده سیزدهم ـ هیئت مؤسسان ـ شورایعالی ـ هیئت مدیره ـ هیئت نظارت.

ماده چهاردهم ـ هیئت مؤسسان عبارتند از ٦ نفر اشخاص زیر :

الف ـ . . . . .

ب ـ مهندس محسن فروغی

ج ـ فتح‌اله فرود

د ـ محمد مجلسی

هـ ـ نصرالدین خواجوی

و ـ مهندس گنجی

ماده پانزدهم ـ هیئت مؤسسان بلافاصله پس‌ازتصویب وامضاء این‌اساسنامه اشخاصی راکه تشخیص دهد بامنظور این انجمن هماهنگی دارند بعنوان عضویت

دعوت‌می‌نمایدوهمینکه تعداداعضاء بالغ بر۳۰نفر گردیدمبادرت‌بانتخاب‌شورایعالی خواهد نمود .

ماده‌شانزدهم ـ شورایعالی حداقل از۳۰ نفر تشکیل می‌شودکه ازبین اعضاء هیئت مؤسسان واشخاص‌دیگرانتخاب وشورای مزبور می‌توانند هرشخص‌دیگری را که مقتضی بداند بعضویت شورا انتخاب وتعیین کند .

ماده هفدهم ـ پس از تعیین و انتخاب شورایعالی هیئت مؤسسان منحل و شورای مزبور قائم‌مقام‌هیئت مؤسسان بوده وکلیه اختیارات‌مندرج دراین‌اساسنامه جزواختیارات ووظایف شورا خواهد بود.

وظایف شورایعالی

ماده هیجدهم ـ وظایف شورایعالی بقرار زیراست :

۱ ـ تعیین خط‌مشی انجمن در زمینه اجرای برنامه هائیکه براساس هدف انجمن باشد .

۲ ـ تدوین آئین‌نامه ومقررات لازم

ماده نوزدهم ـ جلسات شورایعالی بردونوع است :

۱ ـ جلسات عادی

۲ ـ فوق‌العاده

الف ـ جلسات عادی شورایعالی برای تصویب بودجه و ترازنامه عملکرد سالانه‌وگزارش‌هیئت‌مدیرومسائلی‌که‌طرح آن‌درشوری‌ضروری باشدسالی‌یک‌مرتبه درمهرماه تشکیل می‌شود .

ب ـ جلسات فوق‌العاده بنابدعوت هیئت‌مدیره ویاهیئت نظارت یاده نفر از اعضاء شورایعالی بانقاضای‌کتبی هیئت‌مدیره بطور فوق‌العاده منعقد می‌گردد .

ماده‌بیستم ـ برای رسمیت یافتن جلسات عمومی اعضاء انجمن حضور۵۱٪

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از اعضاء ضروری است و درصورت عدم حصول نصاب برای تشکیل جلسات عمومی جلسه دیگری‌که نباید فاصله تشکیل آن ازده روزکمتر وزائد بریکماه ازتاریخ جلسه قبلی‌باشد دعوت می‌گردد. این دعوت‌نامه بوسیله نامه سفارشی یادرج آگهی دریکی از روزنامه های کثیرالانتشار بعمل می‌آید.

شرط رسمیت جلسه حضور نصف اعضاء انجمن‌مقیم تهران کافی است‌چنانچه در این جلسه نیز حد نصاب حاصل نشود جلسه سوم بفاصله ۱۵ روز تعیین و اعضاء انجمن وسیله یکی از روزنامه های‌کثیرالانتشاردعوت می‌شوند وحضور ثلث‌اعضاء دراین جلسه‌کافی برای تشکیل واتخاذ تصمیم خواهد بود.

ماده بیست‌ویکم- درهر موردی‌که تغییر یااصلاح موادابن اساسنامه‌ضرورت پیدا کند برحسب پیشنهاد هیئت مدیره شورایعالی آنراتغییر و یا اصلاح خواهد کرد.

هیئت مدیره و وظایف آن

ماده بیست و دوم - هیئت مدیره از ۷ نفر تعیین و وسیله شورایعالی از بین اعضاء برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند. تازمانی‌که هیئت مدیره جدید انتخاب نشوند هیئت‌مدیره سابق درسمت‌خودباقی وبوظایف مدیریت ادامه خواهند داد.

ماده‌بیست‌وسوم- هیئت‌مدیره ازبین‌خودیك‌رئیس که همان‌رئیس‌شورایعالی است ودونایب‌رئیس ویك خزانه‌دار ویك‌دبیر انتخاب می‌نماید.

ماده بیست‌وچهارم - هیئت‌مدیره تصمیمات‌لازم را برای اداره امور انجمن اتخاذ می‌کندوطرف - عقد وایقاع‌واقع وهرگونه معامله‌برای انجمن‌انجام‌می‌دهد. تنظیم‌قرارداد باهرشخصیت حقیقی وحقوقی وافتتاح هرنوع حساب دربانکها بنام انجمن - صدورچك بروات ازحساب‌ها امضاء اسناد واوراق وقبول تعهدبنام‌انجمن جزء اختیارات هیئت‌مدیره است و همچنین رجوع بمراجع قضائی - طرح‌دعوی جوابگوئی از دعاوی وبالاخره هرگونه اختیارات‌که برای پیشرفت کار لازم باشد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دارای اختیار است وهیئت مدیره می‌تواند تمامی اختیارات ویا جزئی از آنرا به وکیل یاوکلاءدادگستری بااعطاء حق توکیل غیرولوکراراً تفویض نماید. اختیارات وحدود وظایف‌هیئت مدیره بجز درموردکسب‌اجازه ازشورایعالی درموردمعاملات غیرمنقول محصور ومحدود نمی‌باشد .

ماده بیست وپنجم ـ سال مالی انجمن ازاول مهرماه هرسال شروع ودرمهر سال بعدخاتمه می‌یابدولی سال‌مالی‌هذالسنه ازتاریخ ثبت‌اساسنامه تااول‌مهر۱۳۴۸ خواهد بود .

ماده بیست‌وششم ـ جلسات هیئت‌مدیره باحضور حداقل چهار نفر از اعضاء آن رسمی وهرتصمیمی که بااکثریت ٤ نفراتخاذگردد معتبروقابل اجراء است .

ماده بیست‌وهفتم ـ کلیه اسناد واوراق بهادار وقراردادها وچکها وبرواتو خلاصه هرگونه سندتعهدآور باامضاء رئیس‌ویکی ازنواب‌رئیس وخزانه‌دارخواهد بود . در غیاب خزانه‌دار هیئت‌مدیره دیگری را برای انجام امور مذکوره تعیین خواهد نمود .

ماده بیست‌وهشتم ـ هیئت مدیره ترازنامه سالیانه رادراول شهریورهرسال تنظیم وبلافاصله برای رسیدگی بههیئت نظارت تسلیم می‌دارد .

ماده بیست‌ونهم ـ پس‌ازرسیدگی هیئت‌نظار وتسلیم‌گزارش خود هیئت‌مدیره ترازنامه رابرای تصویب بهشورایعالی تسلیم می‌نماید ـ تصویب‌شورایعالی بمنزله مفاصا حساب دوره عملکرد سال‌تصدی هیئت مدیره خواهد بود .

هیئت نظارت

ماده سی‌ام ـ شورایعالی از بین اعضاء خود هرسال سه نفر برای نظارت در امور مالی انجمن انتخاب می‌کند وپس ازخاتمه دوره نظارت آنها تازمانی‌کههیئت جدیدانتخاب نشده‌همان عده‌درسمت خود باقی بوده وبوظایف‌نظارت عمل‌خواهند کرد وانتخاب مجدد آنها بلامانع است .

ماده سی‌ویك ـ هیئت نظارت به‌امورمالی رسیدگی وترازنامه رابررسی ودر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

صورت‌صحت ترازنامه آنرا امضاء وتائید وگزارش خودرابرای‌طرح درشورایعالی تسلیم می‌نماید این گزارش وقتی‌معتبر است‌که ممضی‌بامضاء دونفر ناظرباشد .

انحلال انجمن

ماده سی‌ودوم ـ در صورت انحلال انجمن تصفیه امور آن بعهده مدیر یا ـ مدیران تصفیه است‌که ازطرف شورایعالی انتخاب می‌شوند . مدیران تصفیه طبق قانون‌تجارت‌امورانجمن‌را تصفیه وباقی‌مانده دارائی‌رابه‌شورایعالی‌گزارش می‌دهد. این دارائی به سازمان‌ها و انجمنهائی‌که هدف‌مشابه باانجمن‌دارند هبه‌خواهدشد. تازمان‌ختم تصفیه وتسلیم ترازنامه‌ازطرف متصدیان تصفیه بشورایعالی، شورایعالی وظایف محوله دراساسنامه راخواهند داشت پس‌ازختم تصفیه واهداء دارائی‌بشرح بالا شورایعالی منحل وانجمن بالنتیجه منحل شده شناخته می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل بیست و نهم

لژهای امریکائی درایران

درفصول پیشین ، از چگونگی فعالیت سازمانهای فراماسونری ایران که وابسته به لژهای انگلیسی و فرانسوی هستند ، آگاه و با ماسونهای معروف عضو این سازمانها آشنا شدیم . اینك می‌پردازیم به فعالیت تشکیلات فراماسونری در امریکا وارتباط احتمالی ماسونهای ایرانی بااین تشکیلات :

بااینکه فعالیت سازمانهای فراماسونری در امریکا یکصد و نود سال سابقه داشته وامریکا نیز یکصد وسه سال است‌که با ایران روابط‌سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌دارد،(۱) معذلك‌لژهای فراماسونری‌امریکا، شعبه‌یاشعبائی درایران دایر

---

۱ ـ نخستین برخورد امریکائیان باایران‌وآشنائی ایرانیان باافکاروعقاید مبلغین‌امریکائی درسال ۱۲٤٤ ـ هجری قمری (۱۸۲۹ـم) باسفر دوکشیش باسامی «اسمیت» و «وایت» که از طرف «جمعیت مبشران پروتستان امریکا» بایران اعزام شده بود ، آغاز شد. این دوتن پس از مدتی اقامت درآذربایجان و تحقیق ومطالعه بامریکا بازگشتند و خاطرات خود را طی کتابی منتشر ساختند . ازآن پس نیز چندین‌بار تماسهائی بین‌سفرای دوکشور درلندن و پطرزبورگ گرفته شده ودر مذاکراتی که صورت گرفت ، طرفین برای استقرار رابطه سیاسی ، ابرازعلاقه واشتیاق کردند، سرانجام درتاریخ دوم‌مه ۱۸۸۱ جان‌فوستر وزیرمختارامریکا در پطرزبورگ نتیجه مذاکرات خود رابامیرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم ، سفیر کبیر فوق‌العاده شاه ایران ـ که برای تبریك جلوس امپراتور روسیه بتخت سلطنت ، بدربار روسیه رفته بود ، طی گزارشی←

نکرده‌اند . حال آنکه بگواهی آمار واسناد بدست آمده ، ۱۰۷ لژ فراماسونری وابسته بگراندلژهای ماسونی امریکا درسراسر جهان پراکنده ومشغول فعالیتند .

ازسال ۱۹۱۹ـم (۱۳۳۷ـهـ) که لژ روشنائی درایران ، در کلیسای انجیلی تهران دایرشد ، امریکائیانی که عضو لژهای ماسونی اسکاتلند بودند ، با اجازه مراکز خود ، مرتباً بدین لژروی آورده ، در کلیه مراسم و تشریفات آن شرکت می‌کردند .

یك گزارش رسمی که برای شورای طریقت لژ فراماسونری امریکا تهیه‌شده، حاکیست که اعضای لژ «روشنائی در ایران» هیچگاه به فراماسون های امریکائی بدون موافقت مرکز اسکاتلند اجازه «ملاقات» و «بازدید دوستانه» وحتی «دیدار» از لژ خود را نمی‌داده‌اند .

بارها اتفاق افتاده است که یك فراماسون امریکائی سالها در ایران اقامت داشته ، ولی باوجود مراجعه مکرر، اجازه حضور در لژروشنائی درایران وشرکت درجلسات آنرا نیافته است. اینگونه فراماسونها ، فقط هنگامی می‌توانستند وارد لژ «روشنائی در ایران» شوند ، که یکنفر از سران مورد اعتماد «لژ اسکاتلند» هنگام سفر ، از تهران عبور کرده ، آنها را باعلائم مخصوص به لژ معرفی کند .

ازسال ۱۳۳۲ـش(۱۹٤٤ـم) که عده‌ای از افسران نظامی امریکا و مأمورین سیاسی آنکشورکه فراماسون بودند بتهران آمدند ، بتدریج و با گذرانیدن یکرشته آداب ومقررات بسیار شدید ، وارد لژ روشنائی درایران شدند و هرچه برتعداد امریکائیان مقیم ایران افزوده می‌شد، علاقه آنها بشرکت درلژ ماسونری

← بواشنگتن فرستاد . پس از وصول این گزارش که حاکی از اشتیاق ایران برای ایجاد رابطه سیاسی باامریکا بوده درژانویه سال ۱۸۸۳ «س . ج . بنیامین» باعنوان اولین وزیرمختارامریکا درایران ، عازم این کشور شد . وی روز یازدهم ژوئن همان سال (۲۱ خرداد ۱۲٦۲ شمسی مطابق باشعبان ۱۳۰۰ قمری) درکاخ گلستان بحضور ناصرالدینشاه‌قاجار بارباقت واستوارنامه خود رااطی تشریفات بسیار عالی وباشکوهی بپادشاه قاجارتسلیم کرد. دراین مراسم ناصرالدینشاه اظهارداشت : «توسعه مناسبات‌سیاسی بین دودولت به‌نفع هردو کشوراست. بدولت خودگزارش دهیدکه دولت ایران علاقمند است همیشه سفارت امریکا درپایتخت ایران باقی بماند .»

ایران نیزافزایش می‌یافت .

دراین موارد کارگردانان لژ روشنائی در ایران ، پس‌از تحقیق کامل درباره «امریکائی داوطلب» واطلاع‌ازشغل‌ومقام حساس او درارتش ، سفارت، اصل چهار ، مؤسسات‌نظامی (ام. ك. او- مهندسی‌خلیج - مستشاری نظامی) شرکت های‌مختلف تجارتی امریکائی ومیسوئری او را وارد لژ روشنائی می‌کردند .

همان‌گزارش رسمی شورای طریقت لژفراماسونری امریکا حاکیست‌که طی هفده‌سال گذشته‌بیش از ٣٤ نفر ازفراماسونهای امریکائی ، هنگام اقامت درایران بعضویت لژروشنائی درآمده ودراین‌سازمان فعالیت می‌کرده‌اند .

«ج . دیاین» کشیش امریکائی مقیم ایران، که مدت سی‌سال باعنوان‌کشیش درتهران ساکن بود ، سالهامقام حساس دبیری لژ را درتهران‌بعهده داشت وشرح فعالیت ومقام‌هائی‌که او در لژ روشنائی ایران داشته است، درفصول قبل گفته‌شد.

درسال ١٩٦٢-م(١٣٤١-ش) لژروشنائی درایران‌برای ائتلاف باامریکائیان وباعضویت‌افسران نظامی امریکادرایران،که‌دراداراتمستشاری(ارتش‌ژاندارمری شهربانی) فعالیت داشتند وهمچنین مستشاران غیرنظامی واعضای سفارت امریکا، مذاکراتی را بافراماسونهای عالی‌مقام آغازکرد .

درگزارش مقدماتی که بوسیله یکی از افراد عالیمقام لژروشنائی در ایران برای امریکائیان تهیه شده چنین آمده است :

« لژ بسیار فعال ما همیشه برای پذیرائی از بازدیدکنندگان امریکائی و برادران جمعیت فراماسونی امریکا درایران آماده است وآنهارا استقبال می‌کند» باوجود «استقبال» و «آمادگی» که ازطرف لژ انگلیسی روشنائی در ایران اعلام شده‌است، معذلك گذشت زمان‌نشان داد، که فراماسون‌های امریکائی تحت شرایط بسیار سختی می‌توانستند موفق بدخول درلژ انگلیسی مذکور شوند . بدینترتیب که تاوقتی در باره آنها تحقیقات کامل صورت نمی‌گرفت ، و یا فراماسون‌های امریکائی‌حاضر بهمکاری‌سیاسی نمی‌شدند، اجازه‌ورود به‌لژهای‌وابسته به‌اسکاتلند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درایران و بالژهای تابعهٔ مولوی بهآنها داده نمی‌شد .

هرچه بر تعداد اتباع امریکائی مقیم ایران اضافه می‌شد ، فراماسون‌های امریکائی نیز بیشتر می‌شدند. بطوری‌که در اواخر سال ۱۹۶۱ در حدود هفتاد و سه فراماسون امریکائی که اغلب درجهٔ استادی داشتند در تهران و حومه بسر می‌بردند. هنگام آغاز فعالیت بیشتر لژ روشنائی در ایران و در سال ۱۹۶۲ ـ م (۱۳٤۱ش) ازطرف مرکزفراماسونری‌اسکاتلند، به‌تهران‌دستور رسیدکه‌فراماسون‌های امریکائی را جمع‌کرده برای آنها لژ مخصوصی ترتیب دهند .

درهمین‌وقت، مراکزفراماسونری «یورك» ولژهای محلی امریکا نیزدرصدد برآمدندکه لژی‌درایران تأسیس‌کنند. بدنبال این‌مقدمات، دراوایل‌آپریل۱۹۶۲ لژ روشنائی در ایران دعوتنامه‌ای برای عده‌ای از امریکائیان که درجهٔ «استاد اعظم» و «استاد» داشتند ، فرستاد، وآنها را برای شرکت در یك میتینگ مختلط دعوت کرد .

جلسه مشترك در روز۱۹اپریل ۱۹۶۲ تشکیل شد. دراین جلسه کارگردانان لژ روشنایی به‌امریکائیان فراماسون پیشنهادکردند: درلژهای «لایت» ، «ابن‌سینا» و «کورش» که زبان رسمی آنها انگلیسی بود شرکت‌کنند .

بطوری‌که بعداً خواهدآمد، تاپایان سال۱۹۶۲ درایران‌سه لژفراماسونری بودکه درآنها به‌زبان انگلیسی گفتگو و مذاکره می‌شد :

۱ـ لژ روشنایی درایران ، وابسته به‌گراندلژ اسکاتلند .

۲ـ لژکورش، وابسته به‌گراندلژ اسکاتلند .

۳ـ لژ ابن‌سینا، وابسته به‌گراندلژ ناسیونال دفرانس .

کارگردانان لژ روشنایی درجلسهٔ ۱۹ آپریل ۱۹۶۲ گزارش زیر را برای امریکائیان فراماسون قرائت‌کردند :

برادران !

نخستین‌لژعادی درایران «لژ روشنایی‌درایران» نام‌داشت‌که مطابق‌اساسنامه

اسکاتلند، درشیراز تشکیل‌شد. تشکیل دهندگان لژافسران ارتش انگلیس بودند که درزمان جنگ جهانی اول درایران بسر می‌بردند .

پس از تخلیه ایران از طرف ارتش انگلیس فعالیت آن لـژ متوقف شد ، ولی دوباره درتهران تحت همـان نام «نور درایران» تشکیل شد و تادو هفته پیش [۵ آپریل ۱۹۶۲–م] یگانه لژی‌که درتهران به‌زبان انگلیسی کار می‌کرد ، همین لژ بود. مالژ بسیار فعالی هستیم و میل داریم که برادران امریکائی هرچه بیشتر ازلژ ما دیدارکنند . دراین خصوص بعداً مطالب بیشتری به‌عرض خواهیم رساند.

دو لژ بعدی‌که درآبادان ومسجدسلیمان‌کار می‌کردند، لژهای «پیشاهنگ» pioneer نام داشتند وهردو تحت اساسنامه اسکاتلندی مشغول‌کار بودند. پس‌ازآن لژ «سن ژرژ» نیز تحت اساسنامه انگلیس، درآبادان تشکیل شد. همـه این لژها هنگام ملی شدن صنعت نفت و خروج عوامل انگلستان از آبادان تعطیل شدند . تاآن هنگام سنت لژ این بودکه هیچ ایرانی را به‌عنوان عضو تازه نپذیرد ، ولـی این نکته را همه می‌دانستند کـه چندتن از ایرانیان که در خـارج وارد سازمان فراماسونی شده بودند، گاهی به لژ ما می‌آمدند .

درهمان زمان ملی شدن نفت، شخصی بنام جواهری‌که بدون‌شك فراماسون بود، (منتها شاید از لژ فراماسونهای مشرق زمین) به‌ایران‌آمد. و پس از چندی درحدود ۲۵۰ نفررا دور خود جمع‌کرد وانواع درجات وعناوین‌را برخلاف قاعده به‌آنها بخشید. در میان این ۲۵۰ نفر، بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ کشور وجود داشتند. لیکن جواهری مانند خدایی برآنها حکومت می‌کرد . و تا می‌توانست ازآنها پول‌می‌گرفت. البته هدف اوامورخیریه فراماسونی نبود، بلکه پولها را به‌نفع خودش ضبط می‌کرد . او عقیده داشت «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» جریان او سرانجام بـه عرض شخص اول مملکت رسید و معظم‌له به‌موقع دستور دادندکه سازمان منحل و غیرقانونی شود .

اما درمیان پیروان جواهری چند نفرهم بودندکه بطورقانونی واردسازمان فراماسون شده بودند (درفرانسه، امریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر). این اشخاص دریافتند که قبلا تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی علیه او آغازکردند، عده‌ای نیز به‌خارج رفتند، تا به‌طور رسمی وارد سازمان فراماسون شوند. تااینکه سرانجام به‌آنها اجازه داده شدکه یك لژ قانونی دراین کشور تشکیل دهند. مقامات مسئول از فعالیت لژ «نور در ایران» اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگرلژهای دیگری نیز به‌همان طریق فعالیت‌کنند به‌نفع رعایای ایشان خواهد بود.

نخستین لژکه بدین‌ترتیب تشکیل شد، لژ «مولوی» نام داشت‌که درحقیقت درفرانسه تشکیل شده بود، ولی تحت نظرگراند ناسیونال فرانسه به‌اینجا منتقل گردید. رهبر این لژ دکتر سعید مالك بود، که یکی از عزیزترین و مهربان‌ترین برادران ماست.

بلافاصله پس از افتتاح این لژ، لژ تهران نیز تشکیل شد، کـه تحت نظر گراند لژ اسکاتلند کارمی‌کند.

از لژ مولوی، لژهای دیگری منشعب شد که عبارتند از لژهای سعدی و فروغی درتهران ـ لژحافظ، که اکنون درشیراز کار می‌کند ـ و لژ شمس تبریزی که اکنون دراینجا مشغول‌فعالیت است، ولی قراراست به‌تبریزمنتقل شود. گراند لژ ناسیونال فرانسه همین یك‌گراند لژمحلی District grand lodge رانیزدراینجا تشکیل دادکه درآن دکتر سعید مالك مقام District grand master را دارد، و برای ایجاد هماهنگی باگراند لژاسکاتلنداز District grand Superintendent ما یعنی برادر ل. و. استراکر[1] Straker دعوت شدکه بااجازه گراند لژ اسکاتلند، مقام معاونت دکتر مالك را بپذیرد.

ازلژ تهران نیز لژکورش منشعب شد ولژ خیام نیزده‌روز پیش (۲۹آپریل

۱ـ استراکرسالها درایران سمت ریاست لژروشنائی وشرکت لینچ واقع درخیابان سوم اسفند را داشت وسال ۱۳۳۹ از ایران رفت.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۹۶۲) تشکیل گردید. هردوی این لژها تحت‌نظرگراند لژ اسکاتلندکار می‌کنند. پس از تشکیل همه این لژهااحساس شدکه وجود یك‌کمیته مرکزی ضرورت دارد، تابتواند روابط این لژها را که تحت نظر دوگراند لژکار می‌کنند حفظ کند. این کمیته اساساً از Reigning Master لژها به‌علاوه کسانیکه ازطرف هر دو سازمان مقام گراندلژ دارند، تشکیل شده است.

عده کسانیکه در این راه زحمت کشیده‌اند بقدری زیاد است، که مشکل بتوان یکی را از آن میان انتخاب کرد، ولی من احساس می‌کنم که باید نام یك نفر را ذکرکنم و او برادر فری است. درهنگام غیبت برادر استراکر ازاین‌کشور او قائمقام Distric Grand Superintendent ما است.وی‌مورداعتماد هردوگراند لژ است، و چیزی‌که شاید ازاین نیز مهمتر باشد، آنست‌که ازاعتمادهمه برادران ایرانی و خارجی هردو سازمان برخوردار است. یکی از مهمترین وظایفی‌که این کمیته انجام می‌دهد، عبارت است از تعیین نامزد برای ورود به‌هرکدام از لژهای موجود. و بدین ترتیب نمی‌گذارد که یك لژ تقاضای ورود کسی را که برای لژ دیگر قابل قبول نیست بپذیرد. علاوه براینها در تهران سه لژ دیگر نیز وجود دارد، که تحت نظرگراند لژهای متحد آلمان کار می‌کنند، پس ازجنگ اخیر دو گراندلژ جداگانه در آلمان به‌وجودآمدکه هیچکدام از آنها ازطرف‌گراندلژهای اسکاتلند یاگراندلژ ناسیونال فرانسه به‌رسمیت شناخته نمی‌شدند و دلیل‌آن هم این‌بودکه این دوگراندلژ آلمانی حتی درمیان خودشان توافق نداشتند. اما پس‌از مذاکرات زیادی‌که بین خود آنها وگراندلژهای اسکاتلند، انگلیس و فرانسه از طرف دیگرصورت‌گرفت، این دوگراندلژ اختلاف خودرا حل‌کردند وبایکدیگر متحد شدند و بدین‌ترتیب گراندلژهای متحده آلمان بوجود آمد.

اکنون گراندلژهای متحده آلمان، از طرف لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه به‌رسمیت شناخته می‌شوند و باآنها روابط مودت‌آمیز دارند.

بنابراین رفتن ما به‌آن لژهای‌آلمانی، از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی

به‌نظر من رفتن مابه‌آنجا مطلوب نیست، زیراکه تاکنون خود آنها تمایلی به‌این امر نشان نداده‌اند و به‌کمیتهٔ مرکزی نیز نپیوسته‌اند. امیدواریم‌که بزودی موافقت خودرا برای پیوستن به‌کمیتهٔ مرکزی، ویا جمعیت‌کامل فراماسونری اعلام دارند. درحدود دو هفته پیش (۵ آپریل ۱۹۶۲ـم) نیز گراند ناسیونال فرانسه در اینجا یك لژ دیگر افتتاح کرد ، بنام لژ ابن‌سینا که زبان آن انگلیسی خواهد بود . بنابراین فعلا ۹ لژ درتهران مشغول کارند که رفتن به همهٔ آنها آزاد است وازشما بانهایت گرمی استقبال خواهند کرد، ولی از این ۹ لژ فقط «نور درایران» و «ابن سینا» زبان انگلیسی دارند و مابقی فارسی است .

این تاریخچه ایست از فعالیت فراماسونری در این کشور . البته تا مقام Master Mason ـ اما برای‌کسانیکه‌ازاین‌مقام‌عالی نیز بالارفته‌اند،بایداضافه‌کنم که سازمانهای اسکاتلند وفرانسه هردو یك Royal arch chapter درتهران دارند. دراین خصوص حاضرم هرگونه اطلاعی را در اختیار هرکسی‌که خواهان آن باشد بگذارم .

یکی از مسائل که بسیار مورد علاقه ماست ، وجود رابطهٔ نزدیك میان لژ «نور درایران» بابرادران امریکائی است . چند سال پیش چندنفر آمریکائی به لژ ما می‌آمدند وحتی به‌آن پیوستند. در حقیقت تعداد آنها آنقدر زیاد بود، که نمی‌توانستم تشکیل جلسات را به‌یکایك آنها اطلاع‌دهیم. من‌هرگونه پیشنهادی را برای نحوهٔ اطلاع‌دادن به‌برادران امریکائی باکمال میل می‌پذیرم. چطور است‌که سازمان‌های ما درمورد هرجلسه‌ای اطلاعیه‌ای برای چهار یاپنج تن از برادران وابسته به‌سازمانهای مختلف امریکائی بفرستند تاآنها نیز به‌نوبت خود به‌برادران سازمان خود اطلاع دهند .

محض اطلاع شما باید بگویم‌که ما درآخرین سه‌شنبهٔ هرماه غیر از ژوئیه و اوت از ساعت شش ونیم بعدازظهر دراطاق مدرسهٔ کلیسای امریکائی واقع در خیابان قوام‌السلطنه تشکیل جلسه می‌دهیم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

من ازطرف همهٔ برادران لژ نور درایران ازهمهٔ شما دعوت می‌کنم و از اینکه شب خوشی‌را درمیان شما گذرانده‌ام متشکرم.

بااینکه لژ روشنائی درایران درهای خودرا به‌روی فراماسونهای امریکائی بازکرد، معذلك آنها حاضر به‌همکاری بالژهای فعال‌ایران نشدند. هرگونه اظهار نظر درباره استنکاف‌امریکائیان ازاین‌ائتلاف سخنی ناصواب ودور ازحقیقت‌است. زیرا نه‌من ونه‌هیچ فرد غیرماسون دیگری بآسانی نمی‌تواند به اسناد و صورت جلسه‌های ماسونها دست‌یابد. بنابراین دراین باره سکوت اختیارمی‌کنیم وقضاوت دربارهٔ (پس‌زدن) دست ائتلاف برادران انگلیسی را ازطرف امریکائیها به آینده واگذار می‌کنیم.

سه هفته پس از پیشنهاد ائتلاف و تسلیم گزارش لژ روشنائی در ایران به‌فراماسونهای امریکائی مقیم ایران، ناگهان مجله هفتگی داخلی سفارت امریکا که بنام (این هفته درتهران) برای اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران منتشر می‌شود، درشمارهٔ ۱٦ جلدششم خود، ودر صفحهٔ هفتم (روز ۱۷ آپریل ۱۹٦۲ م- ۲۸ فروردین ۱۳٤۱ش) خبری باین‌شرح منتشرکرد:[1] «شاپیتر شمارهٔ ٤٦۸ایران نخستین مجمع عمومی و جلسهٔ خود را درکلوپ امریکائیان [واقع در تهران - خیابان پهلوی] افتتاح می‌کنند. این جلسه از ساعت ۳۰ - ۱۸ روز ۲۸ آپریل [۸ اردیبهشت ۱۳٤۱] برای صرف شام دایر خواهد بود.

درجلسه مزبور فقط معماران اعظم فراماسونی Master Masons که در سرزمین تهران اقامت دارند، می‌توانند حاضرشوند. برای اطلاع ازبرنامه مزبور و تهیه کارت ورودی به‌کاپیتان کالینز[2] تلفن شماره ۸٦٥۹۲ ویاگروهبان بلیس[3] با تلفن داخلی۲٤۹۹ سفارت امریکا مراجعه کنید.»

---

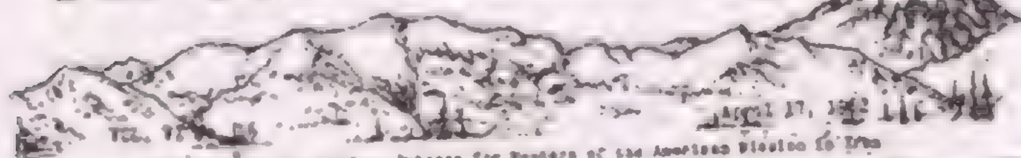
۱ - سه شماره مجله (این هفته در تهران) را یکی از دوستان ایرانیم که در مشهد در خدمت کنسولگری امریکاست برایم فرستاده است.

۲- Capt. Collines

۳- Mist. Bliss.

THIS WEEK IN TEHRAN





Vol. 6 No. 16 — April 17, 1962

Published by the American Embassy for Members of the American Mission in Iran

APRIL 24 1962

[redacted]

Iran Chapter 463 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 20 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Masons in Tehran area and their ladies are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 06932 or M/Sgt. [illegible], Embassy Ext. 2499 for reservations.

P-3 - Vol 6 No 18

17 APRIL 1962

[redacted]

Iran Chapter 463 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 20 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Masons in Tehran area are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 06932 or M/Sgt [illegible], Embassy Ext. 2499 for reservations.

Vol 6 No 16 - P - 3

MAY 16 1962

[redacted]

Iran Chapter 463 will hold the monthly meeting at the American Club, 1830 hours, 23 May 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners and Commissioned and Warrant Officers past or present are invited.

افسران که ...

[redacted]

سه آگهی از بولتن داخلی سفارت امریکا (این هفته در تهران) که خبر سازمان
فراماسونری افسران امریکائی در آن درج شده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

متعاقب انتشار این خبر درمجلهٔ این هفته درتهران سفارت امریکا، ناگهان رادیو صدای امریکاکه[1] هشت سال فقط موزیك خارجی و نمایشنامه پخش می‌کرد درساعت ۳۰–۱۹ روز بعد از انتشار مجله «این هفته در تهران» موزیك و برنامه معمولی خود را قطع و مطالبی باین مضمون پخش کرد:

«امریکائیان مقیم تهران و حومه توجه کنند.

کلیه افسرانی‌که معماران اعظم فراماسونری امریکا و مقیم تهران و حومه هستند روز ۲۸ آپریل، ساعت ۳۰–۱۸ برای شرکت درجلسهٔ عمومی شاپیترایران شماره ٤٦٨ حضور بهمرسانند.»

انتشار این خبر که نگارنده خود متن آنرا از رادیو رسمی دولت امریکا در تهران شنیده است طبعاً باعث شگفتی و تعجب نگارنده و همهٔ کسانیکه ازچگونگی پخش برنامه‌های رسمی این رادیو آگاهی داشتند، شد. زیرا پس از هشت سال سکوت، و پخش انحصاری نوارهای ضبط صوت، این نخستین باری بود که رادیو ارتش امریکا، مطالبی غیر از نام صفحات موسیقی و جملات نمایشنامه‌ها پخش می‌کرد.[1]

---

۱ – رادیو صدای امریکا بموجب موافقتنامه‌ای که در سال ۱۹۵٤–م بین‌وزارتخارجه ایران وسفارت امریکا درتهران امضاء و مبادله شد، بنام اختصاری R. A. F روی موج متوسط شروع بکار کرد. این رادیو که ابتدا فقط دو ساعت موزیك پخش‌می‌کرد، ازنوامبر ۱۹۵٤ شروع به پخش برنامه‌های مختلف کرد، بتدریج ساعات کار خود را افزایش داد، تا آنجاکه هم اکنون در شبانه روز شش ساعت موزیك و نمایشنامه پخش می‌کند. برنامه‌های این رادیو در ارتش امریکا برای پخش در کلیه پایگاههای نظامی امریکا در جهان و مناطقی که درآنجا عده زیادی امریکائی مقیم هستند، بوسیله نوار ضبط صوت تکمیل شده و همه جا یکسان پخش می‌شود.

ایستگاه فرستنده تلویزیون امریکا نیز که وابسته به (نیروهای مسلح امریکا) R.A.F می‌باشد در دسامبر ۱۹۵۹ – م درتهران شروع بکار کرد. رادیو و تلویزیون مزبور حق پخش هیچگونه گفتاریا سخنرانی را ندارد و فقط به‌پخش نوارهای ضبط صوت‌یا فیلمهای تلویزیونی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد می‌پردازند.

بجز موردی که اشاره شد، یکبار دیگر نیز، تلویزیون امریکائیها اقدام به پخش یك خبر کوتاه (بصورت زنده) کرد، که باعث جنجال و دردسرفراوان برای مقامات سفارت امریکا وتعطیل موقت فرستنده تلویزیونی‌وحتی‌محاکمه احتمالی‌مسئولان این‌فرستنده تلویزیون←

در آن شب که مجمع عمومی لژ فراماسونری امریکا در کلوپ امریکائیان تشکیل شد، ۴۹ نفر از افسران نظامی، دیپلماتهای عضو سفارت امریکا، اعضای هیئت عمران بین‌المللی امریکا در ایران (اصل چهارم) وسایر اتباع امریکائی عضو مؤسسات مختلف به‌اتفاق بانوانشان درجلسهٔ مذکور شرکت کردند. بااینکه باران به‌شدت می‌بارید، معذلك همهٔ مدعوین به‌لژ مذکور رفتند.

هنگام حضورمدعوین، بانوان‌امریکائی به‌سالن‌کوچك‌کلوپ‌هدایت‌می‌شدند،

→شد، که چون پس از خبر مربوط به جلسه فراماسونری، موردی است که یك خبر بصورت زنده و خارج از کادر فیلمها و نوارهای‌آماده شده، پخش‌شده است، دراینجا خلاصه ماجرارا منعکس می‌کنیم:

ماجرا چنانکه خوانندگان‌ارجمندبیاد دارند، درآخرین لحظات‌پخش‌برنامه تلویزیونی فرستنده امریکائیها بین ساعات ۱۱ و ۱۲ - نیمه شب - یازدهم شهریور ۱۳۴۱ (روز بعد از وقوع زلزله هولناك دهم شهریور دشت قزوین که تلفاتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر، و ویرانیهای فراوان ببار آورد) اتفاق افتاد. بدینترتیب‌که درجریان پخش یك فیلم سینمائی و هنگامیکه چند لحظه بیشتر بپایان فیلم نمانده بود - ناگهان صدای هنرپیشگان قطع شد و درحالیکه تصاویر همچنان روی صفحه تلویزیون بودند یك گوینده به زبان انگلیسی اخطار کرد که: «طبق گزارش مؤسسه ژئوفیزیك امشب زلزله دیگری درتهران روی خواهد داد» گوینده‌آنگاه از بینندگان تلویزیون خواست که خانه‌های خود را ترك کنند!

انتشار این اخطار - که بلافاصله در سراسر شهر منتشر گردید - باعث شد که همه تهرانیها خانه‌های خود را ترك کرده، بکوچه وخیابان ریختند... آنشب تهران شب بیخواب و وحشتناکی را گذرانید، زن و مرد و کوچك و بزرگ در خیابانهای اطراف شهر پراکنده شدند... وقتی آنشب از زلزله خبری نشد و اعلام گردید که اصولا زلزله غیرقابل پیش بینی است و از طرف مؤسسه ژئوفیزیك نیز تلفنی به ایستگاه تلویزیون نشده، سفارت امریکا در مقام توضیح برآمد وطی اعلامیه‌ای‌که برای مطبوعات ورادیو فرستاد، اعلام داشت‌که مسئولان تلویزیون، قربانی یك توطئه یا شوخی و مردم آزاری شده‌اند بدین معنی که در حوالی نیمه شب یکنفر بوسیله تلفن با ایستگاه فرستنده تلویزیون تماس گرفته، خود را مأمور کشیك مؤسسه ژئوفیزیك معرفی کرده و ازمسئولان تلویزیون خواسته است‌که چون برنامه تلویزیون ایران تمام شده و وسیله دیگری برای خبرکردن مردم نیست، احتمال وقوع زلزله را باطلاع مردم برسانند... آنان نیز که فرصتی برای تحقیق نداشته‌اند بلافاصله این خبر را پخش و باعث جنجال و هیاهو، بیخوابی و اضطراب و ناراحتی شدید مردم می‌شوند. اداره اطلاعات سفارت امریکا هم ضمن پوزش و عذرخواهی هم چنین اعلام کرده بود که با وجود این، مسئولان این حادثه تعقیب و مجازات خواهند شد... و این آخرین باری بودکه یك خبر بصورت زنده و خارج ازکادرفیلمها و نوارهای ضبط شده ازرادیو و تلویزیون امریکائیها درتهران پخش شد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ولی افسران که فراماسون بودند بالباس غیرنظامی درسالن بزرگی، که قبلا باعلائم، تابلوها و پرچمهای مخصوص تزئین شده بودند گرد می‌آمدند.

بطوری‌که بعدها شنیده‌ایم، در آن جلسه پیشنهاد شده بود که از استواران، گروهبانان و افسران جزء نیز که درمراحل اولیه ورود به ارتش امریکا هستند، برای شرکت درجلسات لژ دعوت‌کنند. منتهی همانطوری‌که رسم و قاعده تشکیلات فراماسونری است، هنگام بحث ومذاکره به‌تدریج کسانی را که دارای درجات پائین‌تر هستند ازلژ بیرون کرده و فقط «معماران اعظم» برای صحبت درمسائل بسیار مهم درلژ باقی می‌مانند.

گروهبان Sut : Howthorn امریکائی که از سال (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ ـ م) (۱۳۳۹ـ۱۳٤۱ـش) درایران باسمت ریاست اداره موتوری ارتش خدمت می‌کرد، بما گفت‌که بیش از سی استوار وگروهبان ارتش امریکا درایران فراماسون هستند. خود او که از فراماسون‌های شهر بوستون امریکا بود بااینکه ازنظر سلسله مراتب ماسونی درجهٔ سوم را داشت، معذلك درشب ۲۸ آپریل به‌کلوپ آمریکائیان نرفت، زیرا در دعوتنامه مجلسه این هفته درتهران وخبر رادیو و صدای امریکا فقط از افسرانی‌که مقام «معمار اعظم» داشتند، دعوت شده بود.

متعاقب تصمیمی که در شب ۲۸ آپریل گرفته شد، شاپیتر شماره ٤٦۸ ارتش امریکا (روز ۱٦ می ۱۹٦۲ـم) (۲٦ اردیبهشت ۱۳٤۱) نیز از همهٔ افسران، استواران وگروهبانان امریکائی مقیم تهران وحومه دعوت‌کرد، تادرجلسه (ماهانه) لژ که روز ۲۳ می ۱۹٦۲ـم) درکلوپ امریکائیان تشکیل می‌شود، شرکت جویند.

با تأکید روی کلمه «جلسهٔ ماهانه» چنین استنباط می‌شود که لژ امریکائی مزبور نخستین لژ فراماسونی امریکاست که می‌بایستی همه ماهه تشکیل شده و باصطلاح ماسونها (کار) و (عمل) کنند.

سازمانی که فراماسونهای امریکائی تشکیل دادند. Iran Chapter 468 نام دارد، که درسازمان فراماسونری جهانی دارای مقام مهمی است.[1]

۱ـ مجله «این هفته در تهران» شماره ۲ـ جلد ششم ـ مخصوص پخش درداخل سفارت امریکا.

علینقی‌خان نبیل‌الدوله

یکی از فراماسونهای معروف ایران‌که دارای‌شهرت جهانی بود ودرسازمان فراماسونی‌امریکا مقام «ژنرال‌ماسونی» و «درجهٔ۳۳فراماسونی» را داشت وهمچنین عالی‌ترین نشان ماسونی‌را که فقط به‌رؤسای جمهور امریکااعطاء می‌شود ، دریافت کرده بود، «علینقی‌خان نبیل‌الدوله» از افراد خاندان سپهرکاشی است. اوکه یکی از رؤسای فرقهٔ مذهبی بهائیان ایران و امریکا بود و عکس اورا در کنار تصویر عبدالبها ازارادت فوق‌العاده او به‌پیشوای بهائیان جهان حکایت می‌کند ، در خانه خود محفل ماسونی کوچکی داشت، که اغلب روزها، درحضور دیگران، در آنجا به‌عبادت‌می‌پرداخت. بااینکه نبیل‌الدوله بهائی‌بود واز رؤسای این‌فرقه به‌حساب می‌آمد، معذلك درمحفل ماسونی خود، دوقطعه از آثار و مناجاتنامه‌های «خواجه عبدالله انصاری» را دردوتابلو بزرگ قرارداده، جلو محراب‌عبادتگاهش نصب‌کرده بود، این دوتابلو به‌خط یکی ازخوش نویسان عهد ناصری است که برای «میرزا آقاخان نوری» نوشته شده بود. نبیل‌الدوله آنهارا به‌بهای گزافی خریداری‌کرده و همراه خود به‌امریکا برد. درجلسات‌فراماسونهای امریکائی وایرانی‌که درمحفل کوچك ماسونی وی تشکیل می‌شد ، او مناجات‌های خواجه عبداله انصاری را به فارسی می‌خواند، حتی بطوری‌که گفته‌اند ترجمه انگلیسی آنرا هم به فراماسون های امریکائی داده و آنهارا وادار می‌کردکه همراه باقرائت مناجاتنامه مذکور از طرف او، آنان نیز باصدای‌ملایم ابیات‌خواجه عبدالله را قرائت‌کنند .

تابلو اول

۱ـ بسنك‌القدوس قدمنی منی

۲ـ الهی این چه فضلیست که بادوستان خود کردهٔ که هرکه تورا

۳ـ شناخت ایشان را یافت وهرکه تورا یافت ایشانرا شناخت

۴ـ الهی اگر بدعا فرمانست قلم رفته را چه درمان است

۵ـ الهی اگرابلیس‌آدم‌را بدآموزی‌کرد گندم‌که او را روزی‌کرد .

۶ـ الهی تا تو درغیب بودی من همه عیب بودم چون تو ازغیب بدرآمدی، من ازعیب بدر آمدم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۷ـ الهی بیزارم از آن طاعتی که مرا به‌عجب‌اندازد و بندهٔ آن معصیتم که مرا به‌عذرآورد.
۸ـ الهی نه غالبی که گویم زینهار و نه مرا بتوحقی که گویم بیار
۹ـ چون اول برداشتی آخر فرومگذار

تابلو دوم

۱ـ الهی ناظری چه‌گویم ـ الهی اگرکار به‌گفتار است، برسر همه تاجم
۲ـ واگر به‌کردار است ، بهپشه و مور محتاجم
۳ـ الهی اگر من ناپخته‌ام تو پخته‌کن واگر پختی سوخته نکن .
۴ـ الهی اگر بردر رواست ازخود دورمکن واگر به‌دوزخ فرستی رضاست مهجور مکن
۵ـ الهی همه ازتو ترسند وعبداله از خود زیرا ازتو همه نیک‌آید و ازعبداله همه بد
۶ـ الهی تاازحمد تواثرآمدشمه مهرها به سرآمد .
۷ـ الهی همیشه چوبید می‌لرزم که مبادا به‌هیچ نیرزم

پس از شانزده جملهٔ مسجع خواجه عبداله انصاری، سه سطر بدین شرح نوشته شده است :

۸ـ به‌جهت [یک‌کلمه خوانده نشد] بزم حضور جناب جلالت مآب اشرف
۹ـ ارفع امجد افخم صدر اعظم میرزا آقاخان خواجه نوری
۱۰ـ مجده‌العالی تحریر شد. بنده درگاه محمدحسین شیرازی

این دو تابلوکه به‌خط کوفی نوشته شده باتزئینات اطرافش یکی از شاهکار های تزهیب وخوش نویسی دوران قاجاریه بشمار می‌رود .

درمحراب محفل ماسونی مذکور، علاوه بردو تابلوبالا، دوشمعدان سه‌شاخه سه جلد کتاب نیزقرارداشت، که کتابها عبارت بودند از:

۱ـ قانون اساسی فراماسونری
۲ـ الواح بهاءالله
۳ـ کتاب بیان

و علاوه براین‌ها، یک شمشیر ایرانی، یک برگ درخت مصنوعی ویک قطعه پارچه زری بافت هندوستان نیز وجود داشت . هرگاه نبیل‌الدوله درجلو محراب محفل ماسونی خود، به‌عبادت مشغول می‌شد ، جبه‌ای از پشم‌شتر بافت کرمان که راه‌های طلائی وابریشم سیاه رنگ داشت، بدوش می‌انداخت وبازدن‌زانو به‌زمین به‌عبادت می‌پرداخت .



نبیل‌الدوله وسایر بهائیان در حضور عبدالبها



نبیل‌الدوله و خانواده‌اش در واشنگتن

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

علینقی‌خان نبیل الدوله ، با اینکه از رؤسای فرقه بهائی بود ، و معمولا نمی‌بایستی در امور سیاسی دخالت کند ، با اینحال وارد فرقه سری فراماسونی شده بود[1]. او شصت و سه سال در امریکا اقامت داشت و روزی که بدرود حیات گفت هشتاد و هشت سال از عمرش می‌گذشت .

نبیل‌الدوله پسر عبدالرحیم‌خان کلانتر و معاون «کنت‌دومونت فورت» رئیس نظمیه تهران بود. وی ابتدا درخدمت سفارت انگلیس کارمی‌کرد. سپس بشغل آزاد و خرید و فروش تمبر پرداخت. این سالها مصادف بازمانی بود که بهائیان ازطرف دستگاه حکومتی تحت فشار قرار گرفته بودند و او که بهائی سرشناسی بود، ایران را ترك گفته عازم امریکا شد. نخستین شغل رسمی او در امریکا «کاردار سفارت ایران» در نمایشگاه جهانی «پاناما» وسپس داشتن همین عنوان در نمایشگاه «پاسفیك» بود که در سال ۱۹۱٤ گشایش یافت. چهارسال بعد، ۱۹۱۸ــ هنگامیکه نمایشگاه جهانی «سانفرانسیسکو» افتتاح شد، نبیل‌الدوله بخرج خود، غرفه‌ای درآن نمایشگاه، بنام «غرفه ایران» تأسیس کرد، وآنچه که اشیاء عتیقه، البسه، قالی، تابلو و اشیاء منبت کاری و تذهیب‌کاری داشت، دراین غرفه بمعرض نمایش گذاشت .

درسال ۱۹۱۹ بدستور وثوق‌الدوله ــ نخست‌وزیر وقت ــ مأمور مذاکره با «ویلسن» رئیس جمهوری امریکا شد وبا ژنرال «پرسینك» نیزهنگام عقد قرارداد صلح درپاریس بمذاکره پرداخت. اما پس از سقوط کابینه وثوق‌الدوله، ازطرف نصرت‌الدوله فیروز وزیرخارجه تلگرافی باواطلاع‌داده شدکه ازسمت‌های دولتی معاف شده است. نبیل‌الدوله آنگاه بایران بازگشت ومدتی پیشکارمحمدحسن میرزا ولیعهد بود. ولی درسال ۱۳۰٤ شمسی مجدداً از ایران بامریکا مراجعت کرد و بشغل آزاد یعنی فروش اشیاء عتیقه پرداخت .

۱ــ یکی دیگر از رؤسای فرقهٔ بهائی که نام وعکس اودراسناد فراماسونری دیده شده دکترذبیح‌اله قربان است که درفصل بیست وپنجم کتاب تصویر او چاپ شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درکابینه دوم قوام‌السلطنه که مسئله دریافت وام ازامریکا ودعوت ازشرکت های نفتی مطرح بود، رئیس‌الوزرا اورا به‌ایران دعوت‌کرد. اما این‌بار نیزاقامتش درایران طولانی نبود، یك سال بعد مجدداً بامریکا بازگشت وپس از مدتی اقامت در نیویورك، به واشنگتن رفت، که تاپایان عمر در این شهر بسرمی‌برد. همسر امریکائی‌اوبنام «فلورنس» لیدرزنان بهائی امریکابود وخود اوهم علاوه‌بر فعالیت های مذهبی درشورای طریقت فراماسونی امریکا نیزفعالیت می‌کرد.

سازمانهای علنی و تشکیلات مخفی

بطورکلی همه سازمانها و تشکیلاتی‌که درکشورهای مختلف جهان،مخفیانه فعالیت می‌کنند ویابعللی‌قادربانجام‌فعالیتهای علنی نیستند، سعی می‌کنندبا ایجاد سازمانهای علنی وابسته ویابوسیله نفوذ درسازمانهائی‌که دارای فعالیت‌علنی هستند، نظر خود را تأمین کرده ، همان هدفهای تشکیلات مخفی را ، در زیر سرپوش سازمانهای علنی تعقیب کنند. نمونه زنده اینگونه سازمانها را در جریان فعالیت احزاب کمونیست که در اغلب کشورها غیر قانونی شناخته شده‌اند می‌توان‌دید و در خود ایران نیز ــ در فاصله سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ دیدیم که چندین سازمان علنی با اسامی‌گوناگون فعالیت می‌کردند و همه میتینگ‌ها و تظاهرات حزب مخفی و غیرقانونی با نام و درزیرلوای این سازمانها تشکیل می‌شد. و وجود این‌احزاب و جمعیتهای علنی بهترین وسیله تماس افراد و اعضای حزب مخفی ــ که اجازه و امکان فعالیت علنی نداشتند ــ بایکدیگربود. همچنین نشریات متعدد این‌جمعیتها و احزاب ، عقاید و نظرات حزب مخفی را علناً منعکس و منتشر می‌کردند . . . سازمانهای فراماسونری جهان نیز که همه اعمال و فعالیتهای خود را در اختفای کامل انجام می‌دهند ، می‌کوشند در هرکشور سازمانی علنی تشکیل دهند و با نفوذ در جمعیتها و یا سازمانهای علنی ، بار سنگین فعالیتهای محرمانه را سبکترکرده و وسیله‌ای قانونی برای نفوذ بیشتر در طبقات مورد نظر و تأمین هدفهای خود بدست آورند.

چهار سازمان جهانی که ذیلاً تاریخچه تأسیس و چگونگی فعالیت آنها باختصار از نظر خوانندگان می‌گذرد[1] ، نمونه‌ای از فعالیت علنی فراماسونها در کشورهای مختلف گیتی ودر زیر لوای این سازمانهای علنی است:

۱ - تسلیح اخلاقی تسلیح اخلاقی مؤسسه‌ایست که ۳۶ سال قبل تأسیس شده است. کسیکه فکر تشکیل این سازمان را بمرحله عمل در آورد ، دکتر (بوخمن) نام دارد که زادگاه او «سنگالی» در نزدیکی شهرزوریخ است. بوخمن ازسویس به امریکا رفت و در آنجا به اتفاق شش نفر امریکائی دیگر پرورشگاهی را اداره می‌کرد. ولی در اثر اختلافی که بین اعضای پرورشگاه بوجود آمد، بوخمن مستعفی شده و بزادگاهش باز گشت. حواریون او می‌گویند :

یك روز بوخمن که در جنگل سیاه قدم می‌زد و غرق درافکار و اندیشه‌های گوناگون بود ، پس از بررسی وقایع خود را مقصر تشخیص داد و علت رها کردن کار پرورشگاه را (خود خواهی) شخص خودش دانست. لذا همانروز نامه‌ای برای همکارانش فرستاد و طی آن خود را مقصر قلمداد کرده ، به عذرخواهی پرداخت. ارسال همین نامه مقدمه افکارو اندیشه‌های بعدی اوبود، زیرا بوخمن از تفکرات آنروز خود چنین نتیجه گرفت که انسان اول باید خودش را اصلاح کند ، سپس به هدایت دیگران بپردازد. او بعدها به همکارانش گفت :

«ما دنیا را با اصول امانت ، پاکدامنی ، محبت و ترك خود خواهی تسخیر می‌کنیم» و برای رسیدن به هدف خود جمعیت تسلیح اخلاقی‌را بوجود آورد.

مرکز تسلیح اخلاقی در(مونترو) سویس است ، و طرفداران این فکر بیشتر در آنجا زندگی می‌کنند. درسال ۱۹٤۸ - م (۱۳۲۷ - ش) دکتر بوخمن که ازرؤسای لژالپینای سویس‌است، هنگام مسافرت بایران موفق شدکه دراین‌کشورنیزفعالیت

۱ - شرح فعالیت و تشکیلات چهارگانه مورد بحث بترتیب تأسیس آنها است .

جمعیت را آغاز کند[1] .

ازسال ۱۹۴۹ ـ م (۱۳۲۸ ـ ش) به بعد بتدریج عده‌ای از ایرانیها عضو این مؤسسه شدند . در میان افراد این جمعیت ـ که تعداد صحیح آنها افشا نمی‌شود ، بموجب اظهارات حاج ابوالفضل حاذقی[1] این عده که سرشناس‌تر هستند عضویت دارند :

دکتر رضا زاده شفق ـ علی اصغر حکمت ـ دکتر علی اصغر آزاد ـ دکتر رعدی ـ دکتر چهرازی ـ دکتر متین دفتری ـ دکتر سنگ ـ دکترمحمود زند ـ دکترمنصورپورسینا ـ دکترمحمد شاهکار ـ حاج محمد نیشابوری ـ دکترعلیمحمد بنکدارپور ـ مجید موقر ـ مصطفی عامری ـ دکتر مجتهدی ـ دکتر شهریار ـ سپهبد نخجوان ـ سید علی نصر ـ علی نقی مستوفیان .

در سال ۱۹۵۲ ـ م (۱۳۳۱ ش) برای اولین بار هیأتی مرکب از ۵۲ نفر از اعضاء تسلیح اخلاقی جهان بایران آمدند ، که دکتر بوخمن در رأس آنها قرار داشت . این عده دریکی ازباشگاه‌های تهران پذیرائی شدند وفیلمی بنام «جزیره گمشده» را نیز بنمایش گذاشتند .

در سال ۱۹۵۵ ـ م (۱۳۳٤ ـ ش) باردیگر ۱۹٤ نفر به ایران آمدند که در تهران مورد پذیرائی قرار گرفتند و درسه شب متوالی پیسی بنام (ناپدید شونده) را نمایش دادند . این عده در تالار ابن سینا نیز سخنرانی‌هائی ایراد کردند .

نخستین بارمجله (امید) سپس مجله (شورش) یا (رنسانس) بزبان فارسی از طرف این‌گروه درتهران منتشر شد . این مجلات در چاپخانه (روتو ساداک) ژنو سویس ـ حروفچینی شده ، و درچاپخانه (اقتصادیات شرق) کلن ـ آلمان غربی ـ در سال ۱۹۶۱ ـ م (۱۳۳۹ ـ ش) چاپ شده بود . هر دو مجله را در پنجاه هزار نسخه طبع و مجاناً توزیع کردند .

---

۱ ـ ابوالفضل حاذقی چندین بار به نمایندگی مجلس شورایملی از شهر جهرم انتخاب شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ابوالفضل حاذقی در گفتگوی با نگارنده ، حاضر نشد دفتر کار و نام اعضای هیئت مدیره (تسلیح اخلاقی ایران) را افشاء کند. او گفت مامرکزی نداریم، ولی صندوق پستی شماره ۱۴۴۲ مخصوص مکاتبات ماست . بموجب اظهارات او در سال ۱۹۶۲ ـ م (۱۳۴۰ ـ ش) تسلیح اخلاقی ایران ۷۰۰۰۰ فرانك سویس موجودی داشت . و تنها مجله (شورش) ٤٥ هزار فرانك خرج چاپ و انتشار داشته است .

بموجب سندی که او نشان داد ، در سال ۱۳۴۰ ـ ش (۱۹۶۲ ـ ۱۹۶۱ ـ م) اشخاصی که ذیلا نام آنها خواهد آمد ، مبلغ ـ ۵۳۲٤ لیره استرلینگ بلاعوض به انجمن ایرانی تسلیح اخلاقی ایران پرداخته‌اند .

۱ ـ کولن انگلیسی	ـر۴۲۰۰ لیره
۲ ـ مك کای	ـر۵۰۰ لیره
۳ ـ ود	ـر۱۰۰ لیره
٤ ـ اسکور	ـر۵۰ لیره
۵ ـ سرتیپ صمصامی	ـر۲۰۰ لیره
٦ ـ مفخم	ـر۸۰ لیره
۷ ـ حاذقی	ـر۸۰ لیره
۸ ـ کسیکه نامش افشاء نشده	ـر۹۱ لیره

بموجب اظهارات حاذقی ، تسلیح اخلاقی در تبریز ، شیراز و اصفهان هم شعبی دارد ، ولی وی حاضر نشد دفتر و مراکز و اسامی اعضای این شعبات را فاش کند .

۲ ـ روتاری کلوپ یکی دیگر از جمعیتهای امریکائی که زیر نفوذ فراوان فراماسونهای آن کشور قرار دارد ، روتاری کلوپ است .

مؤسسین این جمعیت که اکثراً از فراماسونهای شیکاگو (شیکاگو مرکز بزرگ فراماسونی امریکاست) بودند ، روز سوم فوریه ۱۹۰۵ ـ م (۱٤ بهمن ۱۲۸۳ ـ ش) این انجمن را در شهر شیکاگوی امریکا تشکیل دادند. مبتکر

فکر تشکیل این انجمن یك وکیل دعاوی امریکائی بنام «پل‌هادیس» بود. او هنگامیکه کلوپ روتاری را تشکیل داد، شعار آنرا (خدمت بخلق و جامعه، قبل از خدمت به خود) قرار داد و به اعضای مؤسس کلوپ گفت: دومین شعار ما باید این باشد که «کسی بهترین استفاده را از کلوپ ما می‌کند، که بهتر و بیشتر از همه به مردم کمك و خدمت کند» کلوپ روتاری که درسالهای اول تشکیل بزحمت عده اعضایش به هفتاد نفراز صاحبان حرف و صنایع و اصناف مختلف می‌رسید، امروز در ۱۲۳ کشور جهان شعبه و ۵۰۵ هزار نفر عضو از هشتاد صنف مختلف دارد.

در کشورهائی که تعداد اصناف و صاحبان حرف آن زیادتر شده، نسبت به اهمیت وجود اصناف در آنکشورها اعضای روتاری کلوپ آن هم افزایش یافته است. و چنانکه درایران اصناف قالیباف، کاشی کار، منبت کار و خاتمکار بر ۸۰ صنف دیگر جهان اضافه شده است.

فعالیت در ایران

درایران نیزازپنج سال قبل مقدمات تشکیل جمعیت مزبور فراهم شد. در آن سال فقط اعضای مؤسس مشغول فعالیت شدند و اعضای هیأت مدیره را از بین خود انتخاب کردند. تعداد اعضای هیأت مدیره جمعیت طبق اساسنامه بیست نفراست، که درسال ۱۳۳۵ از بین خود دکتر جهانشاه صالح را بریاست کلوپ انتخاب کردند. روتاری کلوپ یك رئیس، دو نایب رئیس، یك خزانه‌دار، یك منشی و یك عضو علی‌البدل دارد. علاوه بر این هرشش نفر عضو یك کمیته دارند، که کمیته‌ها کلیه کارهای انجام شده را بدبیر کل جمعیت گزارش می‌دهند.

در تهران کلوپ اول روتاری، هفتاد عضو داشت ولی چون تعداد زیادی در کلوپ نام نویسی کردند، کلوپ دوم و سوم نیز تشکیل شد.

روتاری کلوپ ایران در آبادان، خرمشهر، تبریز، اصفهان و شیراز نیز شعباتی دارد. جمعیت مرکزی روتاری‌کلوپ هرسال یکبارکنگره‌ای‌تشکیل می‌دهد که ۳۳۰۰ نفر ازاکناف جهان درآن شرکت می‌کنند. فعالیت فراماسونهای امریکا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دراین جمعیت فقط درچهار چوب (اموخیریه) است . در حالیکه درسایرکشورها فراماسونها از آن‌برای پیش بردن مقاصد بین‌المللی وشخصی خود استفاده سیاسی می‌کنند . روتاری کلوپ مثل سایر جمعیتهای امریکائی فقط در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی شعبه ندارد . نشریه‌ای که در سال ٤٤ – ۱۳۴۳ – از طرف روتاری کلوپ ایران منتشر شد ، رؤسای کلوپ را در سالهای ۱۹٥٦ تا ۱۹٦٥ باین شرح معرفی کرده است :

دکتر جهانشاه صالح	٥۸ – ۱۹٥٦
عباس مسعودی	٥۹ – ۱۹٥۸
عباسقلی یساری	٦۲ – ۱۹٦۱
فریدون ورجاوند	٦۲ – ۱۹٦۳
جهانشاه صالح	٦٤ – ۱۹٦۳
محمود ضیائی	٦٥ – ۱۹٦٤

از بین اعضای روتاری کلوپ ، آنها که تا کنون هویتشان در لژهای مختلف فراماسونری ایران شناخته شده عبارتند از :

عیسی بهزادی – کریستوفرفری – دکتر اسماعیل‌فیلسوفی – مهندس فروهر فیروز – حسینعلی حکمت – دکتر احمد هومن – دکتر علی اصغر خشایار – علی کوچکعلی – دکتر عباس معتمدی – دکتر حسین رحمتیان – ژرژاوانسف – مهندس عبداله والا – دکتر طاهر ضیائی – دکتر خلیل ضیائی – دکتر عبدالحسین راجی – مهندس خلیل طالقانی – محمد حسین فرخ پارس – مهندس رضا رزم‌آرا – اوانس اوانسوف – صالح چتایات – ادوارد چتایات .

رئیس روتاری‌کلوپ شمال تهران مهندس رزم آراء و نایب‌رئیس آن دکتر عبدالحسین راجی است و بدینترتیب دو پست مهم این سازمان در اختیار فراماسونهاست .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۳ ـ جمعیت برادری جهانی

تشکیلات (برادری جهانی[1]) یکی دیگر ازسازمانهای تعاونی جهانی‌است‌که در آن‌کلیه‌افراد بشر بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، زبان، مذهب و نژاد حق عضویت دارند. این سازمان جهانی که در سال ۱۹۵۰ ـ م (۱۳۲۹ ـ ش) در کاخ یونسکو تشکیل شد براساس هدفهای (کنفرانس ملی یهودیان ومسیحیان) امریکاپایه‌گذاری شده است. گرچه در تشکیل سازمان برادری جهانی، فراماسونهای امریکائی، ویاانگلیسی‌نقش اصلی رانداشتند. ولی وجود دکتر کلینچی[2] رئیس عالیه (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) در رأس هیأت امریکائی و آزاد بودن فراماسونها و اعضای همه جمعیتهای وابسته آشکار و پنهان جهان دراین تشکیلات جهانی، این حدس و گمان را تقویت کرده و این شبه را بوجود می‌آورد که در اداره سازمان تعاونی (برادری جهانی) نیز فراماسونها مقام اول را دارند. بخصوص که دکتر کلینچی ازسرشناس‌ترین رهبران ماسونی و«گراند ماستر» فراماسونرهای امریکا و یکی از برجستگان تشکیلات ماسونی ایالات متحده بشمار می‌رود.

علاوه بر این دلایل، حتی جملات و کلماتی که ماسونها در قانون اساسی، نظامنامه‌ها، سخنرانیها و تشریفات خود بکارمی‌برند، عیناً در اساسنامه سازمان برادری جهانی نیز بکار برده شده است.

از همه مهمتر بکار بردن عنوان و کلمه (برادر) درنام اصلی سازمان است. به طوری‌که می‌دانیم فراماسونها یکدیگررا (برادر) خطاب می‌کنند و هدف آنها تشکیل حکومت (فراماسونی جهانی) یا بهتر بگوئیم (برادری جهانی)است.

دراساسنامه سازمان (برادری‌جهانی) نیزهدفهائی‌نظیرآنچه که فراماسونها دارند مطرح و عنوان شده است با این تفاوت که در سازمان برادری جهانی هر کس با هر نوع ملیت، رنگ پوست ونژاد و زبان که داشته باشد، می‌تواند شرکت کند.

۱- World Brother's

۲- Dr. Clinchy

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در حالی که در سازمانهای فراماسونی فقط کسانی که چشم وگوش بسته خود را در اختیارلژها بگذارند، حق ورود دارند. چنانکه اشاره شد، افکارو ایده جمعیت از هدف‌های (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) امریکا سرچشمه گرفته است.

این جمعیت درسال ۱۹۲۸ - م (۱۳۰۷ - ش یا ۱۳۴۶ - ق) درشهر نیویورك وبوسیله (چارلزایوانزهیوز) رئیس دیوان عالی کشورامریکا بوجودآمد. (هیوز) که تا سال ۱۹۲۸ از فراماسونهای فعال امریکا بود، کلیه کوششها و فداکاریهای خودرا برای مبارزه با سازمان (کوکلوکس کلان) های امریکا بکاربرد. جمعیت تروریستی و طرفدار تبعیض نژادی مزبورازاوایل قرن بیستم بوجودآمده است. آنها آنچه توانستند، از سیاه پوستان و کسانی را که مخالفشان بودند کشتند و هنوز هم به فعالیتهای تروریستی و نژادی خود ادامه می‌دهند.

چالز هیوز، چون در ضمن صدوراحکام، متوجه شد که ازراه قانون کاری از پیش نمی‌برد، در صدد بر آمد با تشکیل انجمنی از مسیحیان و کلیمیان، با این سازمان تروریستی مبارزه کند. او مواد اساسنامه انجمن خود را بر روی کلمات (آزادی، برادری، دوستی، حسن تفاهم، اشتراك مساعی، رفع تبعیضات نژادی و مذهبی و برادری افراد بشر با یکدیگر) استوار کرد.

این فراماسون مؤمن ورازداربدون اینکه تا دم مرگ انگیزه وعلل واقعی تشکیل جامعه مزبور را بیان کند، از راه گفتگوی مستقیم با اعضای جمعیت تروریستی (کوکلوکس کلان) موفق شد، عده کثیری از آنها را از جمعیت مذکور مستعفی ویا با خود هم عقیده وهمدست‌کند. بزودی شعبات این انجمن درسرتاسر امریکا تشکیل شد. به طوریکه در ده سال اول حتی در دهات هم شعبه - انجمن مزبور دایر بود.

در ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) یا (۱۳۶۹- ق)که جنگ کره، بار دیگرجهان را تهدید به یك جنگ بین‌المللی جدید می‌کرد، دکتر (کلینچی) و پرفسور

(کامپتون)[1] که اولی ریاست عالیه انجمن ملی یهودیان ومسیحیان را داشت ودومی بزرگترین فیزیك دان امریکائی بود در کنگره نمایندگان جهان ، در عمارت یونسکو، تقاضای تشکیل سازمان (برادری جهانی) راکردند واین سازمان بوجود آمد .

جمعیت برادری جهانی بزودی بسط یافته ، شعباتی درمناطق پنجگانه زیر تأسیس کرد :

۱ ـ سرتاسرامریکا ـ مرکز نیویورك
۲ ـ کلیه‌کشورهای اروپائی ـ مرکز ژنو
۳ ـ کشورهای خاور میانه وخاور نزدیك ـ مرکز تهران
٤ ـ منطقه خاور دور ـ مرکز مانیل
۵ ـ جنوب وجنوب شرقی آسیا ـ مرکز هنگ کنگ

درسال ۱۳۳۷ ـ ش (۱۹۵۸ـ م) دکترکلینچی و پروفسور کامپتون ازامریکا بایران آمدند ، و مرکز سازمان برادری جهانی را در خاور میانه و خاور نزدیك درتهران تشکیل دادند .

ریاست جمعیت با حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی بود و شجاع الدین شفا وسلیمان شاملو بعنوان دبیرکل ومدیر عامل جمعیت انتخاب شدند .

علاوه براین : دکتر فرهاد ، فروزانفر ، دکتر محمود مهران ، جمشید

---

۱ ـ پرفسور کامپتون Compton متخصص اتمی امریکا که در تهیه بمبهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی شرکت داشت ، پس از انفجار بمب مزبور و تلفاتی که به مردم بیگناه و بی پناه این دو شهر وارد شد ، چون خود را دراین فاجعه شریك و سهیم می‌دانست ، نه تنها از کار تهیه بمب اتمی بلکه به طور کلی از مطالعات فیزیکی دست شست . تلاش برای جبران این گناه و شستن لکه‌ای که ـ به عقیده خود وی ـ فاجعه هیروشیما و ناکازاکی ، برگذشته‌اش نهاده بود ، باعث شد که وی ابتدا به جمعیت (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) پیوسته و سپس وارد جمعیت (برادری جهانی) شود . پروفسور(کامپتون) درماه مارس ۱۹٦۲ (فروردین ۱۳٤۲ ـ ش) بدرود حیات گفت .

آموزگار ، دکتر محمود اعتمادیان ، دکتر حسین بنائی ، محمد یزدانفر ، پرویز خوانساری ، فتح اله معتمدی ، جعفر بهاتیان و خانم صیفه فیروز ـ برای ریاست وعضویت‌کمیسیونهای مختلف جمعیت انتخاب شدند .

بطوریکه یکی از مطلعین جمعیت برادری جهانی اظهار می‌داشت ، کمیته اجرائیه سازمان برادری جهانی در ایران عملیات و اقدامات زیر را انجام داده است :

۱ ـ حذف مطالب زننده علیه مذهب اهل تسنن ازکتب درسی فارسی

۲ ـ تدریس‌فقه‌تسنن وایجادکرسی مذهب‌تسنن دردانشکده معقول ومنقول .

۳ ـ تشکیل جلسات شورایعالی مرکب ازرؤسای مذاهب مختلف .

(باشگاه لاینز) یکی دیگر از مؤسسات خیریه امریکاست که فراماسونها درآن نفوذ دارند .

۴ـ باشگاه‌لاینز

باشگاه لاینز را (ملوین‌جونز)[1] که یکی از فراماسونهای متنفذ شهر شیکاگو بود ، درروز هفتم ژوئن ۱۹۱۷ ـ م (۱۵ خرداد۱۲۹۶ ـش) درشهر شیکاگو تشکیل داد .

اولین‌کنگره این مجمع در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ ـ م (۱۶ تا ۱۸ خرداد ۱۲۹۶ ـ ش) درشهر (دالاس) ایالت تگزاس تشکیل شد . این اتحادیه‌ابتدا تحت عنوان «خدمت بخود» شروع بکارکرد ومنظور مؤسس آن کمك و همکاری به‌بازرگانان بود ، ولی درآن‌کنگره ناگهان شعار باشگاه عوض شده وشعار«خدمت بدیگران» و«ازخودگذشتگی درخدمت اجتماع» جای شعار پیشین یعنی «خدمت بخود» راگرفت .

تااواخر جنگ جهانی دوم ، توسعه سازمان لاینز در جهان بسیارکند بود ، بطوریکه درسال۱۹۳۷ ـ م (۱۳۱۶ ـ ش) در۲۱ واحدجغرافیائی جهان فقط۶۱۱۷ باشگاه و۳۲۶۴۴۸ عضوداشت ، ولی از۱۹۴۷ ـ م (۱۳۲۶ ـ ش) ناگهان فعالیت این

---
(1) – Melvin Jones

سازمان در جهان افزایش یافت ، بطوریکه در ۱۹۶۱ ـ م (۱۳۴۰ ـ ش) در ۱۱۴ واحد جغرافیائی دارای ۱۶۰۹۰ باشگاه و ۶۴۴۲۶۳ عضو بود .

توسعه و تشکیل لاینز در ایران از روز ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ ـ ش «۱۹۵۷ ـ م» آغاز شد . در آنروز شفیق منصور ، نماینده سیار لاینز بین‌المللی که متأسفانه موفق بکشف هویت کامل و مشخصات او نشدیم سی نفر از ساکنان تهران را دعوت کرد که بنای اولیهٔ این مؤسسه را در ایران پی ریزی کنند . سی نفر دعوت شده عبارت بودند از :

بوذری ـ دکتر اسماعیل اردلان ـ هرمز ارش ـ کاظم اشرفی ـ مهندس منصور امامی ـ دکتر صادق آهی ـ دکتر منصور پور سینا ـ علی تاج بخش ـ حسن تراب ـ میشل جمایل ـ احمد حریری ـ ادموند حکیم ـ حبیب اله دیهیم ـ مهندس معزالدین ذوالفقاری ـ دکتر عزیز رفیعی ـ اسماعیل شریفی ـ محمود شکوه ـ طاهباز ـ حسین علاء ـ دکتر علی‌نقی فسا ـ حسن فصیحی ـ دکتر محمد کاظمی ـ وانک گرئی ـ ارباب گیو ـ عبدالحسین مثقالی ـ دکتر ویلهلم مقدم ـ دکتر حسن مهدوی ـ نقی یزدی ـ مهدی یزدی .

باشگاه لاینز در تقسیمات خود کشور ایران را منطقه ۳۵۴ نامید ، و در مدت دو سال ۵۷ باشگاه در ۵۰ شهر با ۱۷۵۳ عضو مرد دایر شد .[۱]

اعضای باشگاه‌های این مؤسسه در تهران ، در روزهای پنجشنبه اول و سوم هرماه ، در یکی از هتلهای تهران اجتماع می‌کنند و با هم ناهار می‌خورند . از کارهای مهم این مؤسسه در ایران، توزیع عصای سفید بین نابینایان و تقسیم مقداری لباس بین محصلین بی بضاعت مدارس در ایام نوروز است .

هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که فراماسونهای ایران باشگاه‌های لاینز را اداره کنند . ولی چون چند فراماسون صاحب مقام و سرشناس و همچنین عده‌ای از فراماسونهای امریکائی ، آسیائی و افریقائی در باشگاه‌های لاینز جهان فعالیت

۱ ـ این آمار تا پایان سال ۱۳۴۱ شمسی است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌کنند، این فکر را بوجود می‌آورد که لاینز یك مؤسسه مقدماتی برای فراماسونهای ایران است . در این باشگاه لژهای فراماسونی ایران سعی می‌کنند ، اشخاصی را که مورد نظرشان هستند زیر نظر گرفته ، پس از طی مراحل آزمایش ، به عضویت لژها در آورند . و در حقیقت این سازمان را به آزمایشگاهی برای انتخاب و آماده ساختن افراد و سرانجام جلب آنها به لژهای فراماسونی مبدل کرده‌اند . مؤسس لاینز در ایران یکی از فراماسونهای معروف خاورمیانه است که اکنون به معرفی او از قول یکی از مردان شریف و صحیح‌العمل می‌پردازیم .

الله پاشا خان صالح استاد دانشگاه که سالها در سفارت امریکا مقام مترجمی و مشاوری داشت ، اظهار میداشت ، دومین روزی که شفیق منصور اهل لبنان و نماینده سیار لاینز بین‌المللی به تهران آمد ، در دفتر کارم با من ملاقات کرد . او نامه یکی از دوستانم را بمن داد و تقاضا کرد در تشکیل شعبه لاینز در ایران پیشقدم شده و مدیریت و مسئولیت اداره آنرا قبول کنم . چون دوستم از مردم خیر و نیکنام بود و دربشر دوستی او شك نداشتم ، ازشفیق منصور خواهش کردم تا در باره آئین نامه ، مرامنامه و چگونگی فعالیت این سازمان اطلاعاتی در اختیارم بگذارد. درحالیکه شفیق منصورمشغول صحبت بود همکارم «کورش شهباز» وارد اطاق کارم شد . نامه دوستم را به او داده و در باره پیشنهادی که شده بود توضیحاتی به شهبازدادم . همینکه او شروع به صحبت با شفیق منصورکرد ، بدون مقدمه بوی گفت که شما استاد لژ فراماسونری لبنان هستید و فلان مقام را هم دارید . من از شنیدن عنوان (فراماسون) بوحشت افتاده از منصور شفیق خواستم حقیقت موضوع را بگویید .

او ضمن تأیید و تصدیق گفته همکارم شهباز ، گفت : باشگاه لاینز لبنان را فراماسونها تشکیل داده‌اند و در اینجا هم تصمیم داریم که لااقل اعضای هیئت‌ـ مدیره از فراماسون‌ها باشند .

بلافاصله به وی پیشنهاد کردم‌که مدارك و نامه ارسالی را برداشته، ازاطاقم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بیرون برود . او نمی‌دانست چرا من تا بدین حد از فراماسونری وحشت دارم و مرتباً در این باره توضیح می‌خواست . وقتی اصرار مرا در خروج خود از اطاق دید ، تقاضا کرد لااقل یکنفر مطلع و متنفذ را باو معرفی کنم . منهم ، حسین علاء وزیر دربار را به او معرفی کردم و گفتم عین ماجرا را به ایشان بگوئید و یقیناً علاء در این باره بشما کمك و مساعدت خواهد کرد . وقتی شفیق از اطاق خارج شد ، از همکارم کورش شهباز پرسیدم که چطور او را شناخته است ؟ و او پاسخ داد: ازعلامتی‌که با انگشتان دستش درموقع ورود داد و همچنین انگشتری که در دست داشت . و سپس به ملاقات حسین علاء که در امریکا فراماسون شده بود می‌رود و نخستین باشگاه لاینز را در ایران تشکیل می‌دهد .

فراماسونهای امریکائی ، و سایر انجمنهای خیریه

همانطور که قبلا اشاره شد ، فراماسونهای امریکائی در درجه اول ازاین مؤسسات جهانی‌برای پیشرفت امورخیریه درداخل امریکا استفاده می‌کنند . بیش ازچهار ملیون دلار در سال به ۲۵ مرکز مبارزه با جذام کمك می‌شود و هزینه نگهداری ۳۵۰ هزار کودك بی‌سرپرست را در سراسرجهان می‌پردازند .

ضمناً انجمنهای متعددی‌نیز برای‌کمك به‌کوران، افلیج‌هاومعلولین تشکیل داده‌اند . و همچنین مراکز متعددی برای مبارزه با سرطان ، تب رماتیسم و بیماریهای دیگردرامریکا وجود دارد ، که با بودجه شعبات مختلف فراماسونری امریکا اداره می‌شود .

درجنگهای اول و دوم جهانی ، فراماسونهای امریکا به مجروحین جنگ کمك می‌کردند . علاوه برجمعیتهای فوق فراماسونها درامریکا ده باشگاه بزرگ دیگر را اداره می‌کنند که در زیر مشخصات مختصر آنها ذکر می‌شود :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام باشگاه	تاریخ تأسیس	تعداد شعبات	تعداد اعضا
۱ ـ باشگاه کی وانز Kiwans	۱۹۱۵	٤٦٢٥ باشگاه	۲۵۵۸۰۳ عضو
۲ ـ « اکس چینج Exchange	۱۹۱۱	۱٤۰۰ «	۸۰٤۰۰ «
۳ ـ « اپتی میسیت Optimisit	۱۹۱۹	۱۷۳۵ «	٦۸۵۰۰ «
٤ ـ « سیویتان Civitan	۱۹۲۰	۸۳۲ «	۲۸۹٤۷ «
۵ ـ « روریتان Ruritan	۱۹۳۰	۷٦٦ «	۲۵۸٦٦ «
٦ ـ « سرتوما Sertoma	۱۹۱۲	۳۱٦ «	۱٤۸۱٤ «
۷ ـ « بیست‌وسه Twenty - thirty	۱۹۲۲	۳۲۱ «	۷۳۵۵ «
۸ ـ « ژیرو Gyro	۱۹۱۲	۱۲٤ «	۵۵٤۹ «
۹ ـ « کاسموپلیتن Cosmopolitan	۱۹۳۳	۸۰ «	٤۰۳٦ «
۱۰ ـ « روند تیبل Roundtable	۱۹۲۲	٤٤ «	۱۷۲۵ «

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل سی‌ام



انجمن اخوت

علیخان ظهیرالدوله دامادناصرالدین شاه، که خود وپدروجدش ازدرباریان معروف قاجاریه بودند، یکی دیگر از ایرانیانی است که برای تشکیل سازمان (فراماسونری) در قرن چهاردهم اقدام کرد.

ظهیرالدوله که در سازمان‌های فراموشخانه و مجمع آدمیت ملکم و لژ بیداری ایران شرکت داشت، از چگونگی شکست و عللی که باعث عدم موفقیت میرزا ملکم خان بود، اطلاع پیدا کرده، و برای این‌که اشتباهات ملکم را جبران کرده باشد، اساس سازمان فراماسونری خود را بر روی عقاید و آراء صاحبان افکار (اخوان‌الصفاء) و (صوفیان) بنیان نهاد وتحت عنوان (انجمن‌اخوت) فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. محمود عرفان در این باره چنین می‌نویسد:

«گفتیم دو نفر از رجال دولتی به فکر افتادند شبیه انجمن فراماسونهای اروپا در ایران انجمنی ترتیب دهند. یکنفر دیگر علیخان ظهیرالدوله (قاجار) است که خود و پدر و جدش از درباریان معروف بودند و همین ظهیرالدوله است که (ملکه ایران) دختر ناصرالدینشاه را به زنی داشت و چون دیده بود که میرزا ملکم خان چگونه درانجام مقصودکامیاب نشد وچه مواردی بودکه باعث پیشرفت بدخواهان اوگردید و چه گفتگوهائی سبب مشوش شدن ذهن شاه یا شورش عامه، معمولا در ایران می‌شود. با تدبیر و کاردانی مقصود خود را آغاز کرد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در اول کار از مظفرالدینشاه فرمانی گرفت که اجازه داشته باشد، انجمنی به نام (انجمن اخوت) در تهران تأسیس کند... ظهیرالدوله که مردی روشنفکر، اصلاح طلب وخواهان تجدد و مساوات بود، سعی داشت افکارطبقه‌ای ازحکمای ایرانی قرن چهارم (اخوان‌الصفاء) و افکار و عقاید (صوفیان) را با هم درآمیخته و با وارد کردن فراماسونهای ایرانی در انجمن اخوت پایه نوینی برای توسعه فراماسونری بریزد...». [۱]

اخوان‌الصفا حکمای اخوان الصفاء سعی داشتند حکمت یونانی و دین اسلام را با هم درآمیزند و از آن نتیجه بهتری بنفع مردم بگیرند. درقرن چهارم، این دسته ازحکمای ایرانی‌برای نشرعلوم عقلی ونزدیک‌کردن دین‌وحکمت بایکدیگر ومطلع‌ساختن عامه ازمبانی حکمت‌نظری وعلمی رسالات مختصر وساده‌ای، بی‌آنکه نام‌مؤلف آن آشکارباشد، می‌نوشتند و انتشار می‌دادند. غالب محققان تصور کرده‌اندکه اینان‌دسته‌ای ازشعب شیعه وباحتمال قوی ازفرقهٔ اسماعیلیه‌اند. لیکن تعلق ایندسته به یك فرقه خاص محقق نیست. وتنها این نکته مسلم است‌که جماعت مذکور برای توجیه معتقدات دینی مسلمین سعی می‌کردند، اعتقادات آنها را با اقوال حکما منطبق‌کنند. آنان برای اثبات برخی از مسائل مذهبی، به‌روش‌های فلسفی متوسل می‌شدند، وبرای تزکیه باطن و صعود بمدارج کمال علاوه برتوسل به فلسفه، معتقد تمسك بدین نیز بوده و از پاره‌ای جهات بمتکلمین معتزله و اسمعیله شباهت داشته‌اند. با این تفاوت که این دو دسته اخیر می‌کوشیده‌اند که دین را با فلسفه وفق دهند، و یا در توجیه اصول عقاید خود با استفاده از عقاید حکمای یونان سخن گویند. و حال آنکه اخوان‌الصفاء ـ سعی داشتند اصول حکمت و فلسفه را با مبانی دین اسلام سازش دهند وفاصله‌ای راکه میان حکما و اهل دین پدیدآمده بود ازمیان

۱ ـ مجله یغما سال سیزدهم ص ۵۵۱.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بر دارند.[1]

اینان معتقد بودندکه به یاری علم و اعتقاد به دین، می‌توان به تصفیه باطن نائل شد و به مرحله‌ئی از کمال که غایت شرایع و ادیانست رسید و حقایق آنها را بهتر فهمید. و بر اثر اعتقاد به مبانی دین اسلام و اصول و عقاید افلاطونیان و فیثاغوریان جدید و صوفیه با فلاسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنانرا رد می‌کردند، و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه بیشتر درعقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی ذکر نام مؤلف می‌نوشتند.

علاوه بر رسائل وکتب بدون نام نویسندگان، که اخوان الصفاء منتشر می‌کردند، برای تعلیم پیروان این گروه، درشهرهای مختلف مجالس خاصی وجود داشت که مواقع معین درآنها گرد می‌آمدند و کسی جز آنان در این مجالس حاضر نمی‌شد. آنان در این محافل علوم خود را مورد مذاکره قرار می‌دادند و اسرار خویش را در معرض محاوره و بحث می‌گذاشتند.

در این مباحث بغالب علوم، خاصه علوم الهی که نظر اصلی، اخوان بود، توجه می‌شد و شرط عمدهٔ کار ایشان آن بود که نسبت به هیچیك از علوم دشمنی نکنند و هیچ کتابی را به چشم بی اعتنائی ننگرند و نسبت به هیچیك از مذاهب تعصب نورزند.

هنگامی‌که یکی ازاخوان می‌خواست دوستی انتخاب و اورا وارد درجرگه اخوان الصفاء کند، قبلا می‌بایست در احوال او دقت نماید و در باره او اطلاعات و معلومات کامل بدست آورد و اخلاق و روحیات او را آزمایش کند و مذهب و اعتقاد او را بشناسد تا بداند که سزاوار دوستی و برادری و ورود درجرگه اخوان هست یا نه؟

پس از اینکه ازتازه وارد اطلاعات کامل بدست می‌آمد و آزمایشات لازمه می‌شد، دوستان و معرفین و اعضای اخوان الصفاء موظف بودند به هیچ روی از او

۱ ـ تاریخ ادبیات ایران ص ۲۷۰ .

رقص دراویش



دراویش مولوی هنگام دور زدن و سلام

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



دراویش مولوی درحال سماع

الات موسیقی مولوی که با آنها مقام ها و نواهای ایران را می‌زنند و می‌خوانند شش قسم است :
نای ـ سه‌تار ـ کمانچه ـ طبل ـ سنج ـ کوج و دف

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دست باز ندارند و از بذل مال و جان درباره او خودداری نکنند.[1] مرحوم ظهیر-الدوله سعی داشت، کلیه دستورات (اخوان‌الصفاء) را اجرا کند و به طوری‌که بعداً خواهد آمد، هدف و افکار و مرام (انجمن اخوت) شبیه (اخوان‌الصفاء) بود.

چگونه وچرا انجمن اخوت تشکیل شد؟

برای اطلاع از انگیزه وچگونگی تشکیل (انجمن‌اخوت) و ادامه دادن راهی که میرزا ملکم‌خان وسید جمال‌الدین بخاطر توسعه سازمانهای فراماسونری ایران در پیش‌گرفته بودند، بهترین دلیل ومدرك سخنرانی دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملك) رئیس هیئت مشاوره انجمن اخوت در جشن پنجاهمین سال تأسیس انجمن مزبور است.[2] اودر آن شب درباره تشکیل انجمن اخوت چنین گفت:

«... می‌خواهم ابتدا اوضاع و احوال محیطی‌را که در آن محیط، انجمن اخوت ابتدا بطور سری وسپس بطورعلنی بوجودآمده‌است، برای آقایان تشریح کنم، تااز علل وموجباتی‌که باعث طلوع فکر تأسیس‌این انجمن‌گردیده است‌اطلاع حاصل نمایند.

همه‌آقایان ازوضع‌دربار استبدادی‌آن زمان‌کم وبیش اطلاع دارندومی‌دانند که درآن عصر تاچه حداصول بیداد وستمگری بوسیله درباریان و عمال حکومت

---

۱ - نویسنده کتاب تاریخ ادبیات در ایران می‌نویسد: «... اخوان چون نفس واحد در اجسام متعدد باشند و در حفظ و مراعات کار و اداء حقوق او بکوشند و چون احسانی درباره صدیق خود کرد، منتی از این باب بر او نهد و چون بدی از وی دید، نرمد و او را بر جمیع نزدیکان ودوستان همسایگان برتری نهد، چه چنین دوستی از پسر و برادر بهتر است — از کسانی که از کودکی باراء فاسد و عادات پست و اخلاق نا مأنوس عادت کردند دوری جویند و کسانی از اخوان که از مال یا علم برخوردارند باید برادران را از آنها برخوردار دارند و در دوستی و صداقت از اسباب صرف نظر کنند و درطلب دین و دنیا با اخوان یاوری نمایند...»

۲ - جشن پنجاهمین سالروز تأسیس انجمن اخوت روز دوم تیرماه ۱۳۲۷ شمسی (۱۵ شعبان ۱۳۶۷ قمری) درمحل انجمن واقع درخیابان فردوسی برگزارشد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آنروز نسبت بمردم ایران اعمال می‌گردید و همچنین آقایان اطلاع دارند که ناصرالدین شاه برای دیدن کشورهای غربی مسافرتی باروپا نمود.

در بازگشت از فرنگ نغماتی که محرك بیداری تهییج روح آزادیخواهی درافراد ایرانی بودگوش شاه را متأثر نمود. میرزا ملکم خان ازیك طرف درلندن رسالاتی بمنظور بیدار کردن اذهان افراد ایرانی چاپ نموده، محرمانه بایران می‌فرستاد که در اینجا بین افراد آزادیخواه دست بدست می‌چرخید، ازطرف دیگر مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی وتابعین او مشغول جمع آوری پیروانی بودند که بوسیله آنها بتوانند برای بیداری ملت تبلیغات بهتر ووسیعتری بنمایند. این قضایا هرچند سری بود، ولی درباریان وقت جریان را حس کرده، مصمم گردیدند باشدت عمل ازاین تبلیغات که ارکان سلطنت استبدادی را مالاً متزلزل می‌ساخت، جلوگیری نمایند و بالاخره هرنغمه‌ای را بیك شکل خاموش کردند. ضمناً (کنت دومونت فورت) را برای ریاست پلیس ازایتالیا خواستند که بیشتر باوضاع تسلط داشته وآنهارا بطوری تحت قید وفشار قراردهند که کسی فرصت تفکر وتعقل برای استشمام رایحهٔ آزادی نداشته باشد.

مضیقه و قید مردم بحدی رسید که هیچکس از ترس اینکه مبادا بتشکیل مجامع متهم شود، جرأت نداشت حتی ازدوستان وبستگانش درمنزل خوددعوت نماید واغلب دیده می‌شدکه هر کاسب یا تاجری که شب ازآشنایان خود دعوت می‌کرد، کدخدا وداروغه محل شبانه بمنزل اوورود نموده، مزاحمت فراهم می‌کردند.

قضایای گرفتاریهائیکه برای فرق مذهبی وغیره درزمان سلطنت ناصرالدینشاه رخ می‌داد، اغلب از این بابت بود که اصولاً دربار وقت باهر جمعیت و اجتماعی مخالف بود...»[1].

این نطق که پنجاه سال پس ازتشکیل انجمن اخوت ایراد شده است، یك نکته را روشن می‌کند و آن اینکه برنامه کار انجمن مزبور ادامه دادن راه و

(۱) ـ رساله یادگار جشن پنجاهمین سال تأسیس انجمن اخوت ص ـ ۱۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دنباله روی از اقدامات ملکم خان، سید جمال‌الدین وسایر انجمنهای سری بوده وفراماسونهائی‌که در (فرانسه) و(انگلیس) بعضویت لژها درآمده بودند، محرك اصلی درایجادآن بشمارمی‌آمدند. و ناگفته نماندکه وجود این نوع انجمنهاومجامع سری، در پرورانیدن ریشه های نهـال انقلاب مشروطیت ایران نقش مهمی را ایفا می‌کردند.

صفیعلیشاه و انجمن اخوت

در چنین محیط و زمانی، مرحوم میرزا حسن صفیعلیشاه که برای زیارت خانه خدا به مکه معظمه سفر کرده و از آنجا به هند رفته بود، به تهران آمد... و اینك برای آگاهی از زندگی مرحوم صفیعلیشاه و نقش او در انجمن اخوت کمی به گذشته بر می‌گردیم:

مرحوم صفی‌علیشاه روز سوم شعبان ۱۲۵۱ هجری در اصفهان متولد شد. پدرش تاجر بود و پس ازتولد صفی علیشاه از اصفهان به‌یزد رفته، درآنجا مسکن گزید. صفی علیشاه بیست سال در یزد بود و تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در این شهر فرا گرفت. آنگاه طی سفرهای خود بسر زمینهای مختلف شرق، با اصول آئین صوفیه آشنا شد. خود وی در شرح حال خویش چنین می‌نویسد:

«... از طرف هندوستان به حجاز رفتم. اغلب ازمشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم. از بعضی قلیل مستفیض شدم و قداعد فقر و سلوك را که اخذش منحصر به خدمت و قبول ارادتست به اتصال سلسله که شرح آنهم مبسوط است، بدست آوردم. در هندوستان به تألیف (زبدة الاسرار) نظماً که در اسرار شهادت وتطبیق با سلوك‌اله است موفق شدم. به عزم ارض اقدس رضوی ازراه عتبات عالیات به شیرازو یزد مراجعت‌کردم و به تهران‌آمدم. چون سکنای دارالخلافه ازبرای هرکس ـ به خصوص امثال ما جماعت ـ از سایر بلاد امن‌تر است...»[1]

صفی‌علیشاه پس از ورود به تهران، به عنوان یکی ازاقطاب صوفیه بارشاد

---

۱ ـ منتخبی از اشعار صفی علیشاه مقدمه کتاب ص ۲

مریدان و پیروان این آئین پرداخت. به طوریکه نوشته‌اند: «برحسب وظیفه ارشادی که داشتند، شروع به دستگیری از مردم نموده و در این اقدام منتهای احتیاط و متانت را مرعی می‌فرمودند، چنانکه طوری به تربیت و بیداری مردم پرداختندکه طرز عملشان به هیچوجه مورد ایراد درباریان استبداد وعمال حکومت آن روز نگردید و درنتیجه جمع کثیری ازاهالی به ایشان‌گرویدند[۱]».

صفیعلیشاه هنگامی‌که، دراویش وفقرا را به فقر مشرف می‌کرد و آنان را توبه می‌داد، شش تعهد به شرح زیر از آنها می‌گرفت:

۱ ـ تعظیم امرالله.
۲ ـ خدمت بولی‌الله.
۳ ـ کتمان سرالله.
٤ ـ محبت اهل‌الله.
٥ ـ شفقت خلق‌الله.
٦ ـ بذل نفس فی سبیل‌الله.

دفتری که هم اکنون موجود است، تعداد (فقرای) تهران را از روزیکه وی شروع به ترویج آئین درویشی کرد، تا سال وفات مرحوم ظهیرالدوله سی هزار نفر را معرفی می‌کند.[۲]

عده کثیری از صاحبان مشاغل و اشخاص برجسته اواخر دوران سلطنت و حیات ناصرالدین شاه به مرحوم صفی گرویدند. در بین آنها میرزا نصراله خان دبیرالملك که بعدها قانون اساسی فراماسونری(اندرسن) راترجمه‌کرد. شاهزاده سیف‌الدوله ـ برادر عین‌الدوله ـ میرزا محمود کرمانی کـه از بزرگان عرفان کرمان بود ـ و علیخان ظهیرالدوله، بیش از سایرین با وی معاشرت داشتند.

بنا به اظهارامین‌الملك مرزبان همین چند نفری که اسم برده شد «جلسائی

۱ ـ یادگار جشن پنجاه ساله ص ۱۳.
۲ ـ یاد داشت‌های خطی خان ملك ساسانی که خود از دراویش صفی‌علیشاهی بود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

به‌طورسری خدمت مرحوم صفی تشکیل داده وتحت ارشاد ورهبری ایشان، هسته مرکزی انجمن اخوت را تشکیل دادند، و همانطورکه عرض کردم، درآن موقع به اقتضای زمان، جلسات انجمن اخوت به طورسری خدمت صفی تشکیل می‌شد.»[1]

صفی علیشاه موجد و مؤسس (انجمن اخوت) به منظور ایجاد اخوت و مساوات (برادری و برابری) در میان مردم تصمیم گرفت فاصله عظیمی را که بین اشراف دربار استبدادی و سایر طبقات مردم وجود داشت، از بین ببرد و بواسطه نفوذ و قدرتی که داشت، حتی عده‌ای از رجال درباری نیز مرید وی شده بودند. بنابراین در محضر او علاوه بر اشخاص معمولی، عده کثیری از اعیان و اشراف و رجال درباری نیز حاضر شده و به معاشرت با تودهٔ مردم تن در می‌دادند. به طوری که در این حلقه وزیر، امیر، بقال وکارگر مساوی بودند و همه از غنی و فقیر با هم الفت گرفته و عهد اخوت می‌بستند.

نظم‌الدوله که سمت معاونت «کنت دومونت فورت» رئیس پلیس تهران را داشت، از طرف شاه و دولت به طور محرمانه مأموریت داشت که در خانقاه صفی حاضر شده، مراقب اوضاع و احوال باشد. و در صورت احساس خطری از طرف ایشان، مراتب را گزارش دهد. ولی نظم‌الدوله خود درمدت کوتاهی جزو مریدان صفی علیشاه شد ومرحوم صفی به وسیله او موفق به‌کسب اجازه چاپ (تفسیرصفی) گردید. در این تفسیر آیات کلام‌الله مجید ترجمه و تفسیر شده و مثنوی وار به نظم در آمده بود.

پس ازانتشارچند جزوه ازتفسیر منظوم صفی، ناگهان موج اعتراض عمومی علمای تهران آغازشد و بالا گرفت و همه آنها این اقدام صفیعلیشاه را کفرشمرده و رسماً اورا تکفیرکردند. حتی به ناصرالدین‌شاه‌فشار آوردند که او را ازتهران اخراج کند. شاه، اعتماد السلطنه را به نمایندگی ازطرف خود نزد مرحوم صفی

---

۱ ـ اظهارات مرحوم‌امین‌الملک مرزبان به‌شادروان خان‌ملک ساسانی.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فرستاد تا به طرز محرمانه‌ای بوی اخطار کند که از تهران خارج شوند.

در مجلس ذکری که با حضور میرزا نصرالله‌خان دبیرالملك، ظهیرالدوله، سیف‌الدوله، حاج میرزا محمود و شمس‌العرفاء در حضور صفی منعقد شده بود، اطلاع دادندکه اعتمادالسلطنه ازطرف شاه حامل پیامی است. هنگامی که اعتماد-السلطنه با صفی ملاقات کرد، به اوگفت: «نظر به هیاهوئی که پاره‌ای ازاشخاص، علیه تفسیر شما برپا نموده‌اند، خوب است جنابعالی برای مدتی در مشهد مقدس اقامت فرمائید تا سرو صداها خاموش شود - حضرت صفی در جواب فرمودند: تفسیر قرآن بهرزبان و به هرعنوانی برخلاف مذهب اسلام نیست مخالفت‌آقایان با تفسیر من، به واسطه نادانی و متکی به اغراض نفسانی است. با اینحال چون امر پادشاه مطاع و متبع است، تا چند روز دیگروسائل مسافرت خود را تهیه و برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه (ع) بارض اقدس خواهم رفت»[1]

پس ازرفتن اعتمادالسلطنه، اطرافیان صفیعلیشاه شروع بفعالیت‌کرده وبشاه گفتند: چون مخالفین مرجع تقلید نیستند، حق تکفیر واظهارنظردرباره تفسیر صفی را ندارند وپیشنهادکردند در این زمینه از یك مرجع تقلید استعلام شود و چنانچه میرزای شیرازی نظرمخالفین را تائیدکردند، امرپادشاه اطاعت شود، در غیراینصورت، بهیاهوی مخالفین «تفسیر» وقعی نگذارند. ناصرالدینشاه نظری‌که ابرازشده بود پسندید. وپس ازمدتی دستخط آیت‌اله میرزای شیرازی از نجف رسید. دراین دستخط، آیت‌اله شرحی‌مبنی برتمجید وتعریف ازتفسیرصفی‌نوشته بودند. طبعاً وصول فتوای مزبور، صدای مخالفین را خاموش‌کرد وبدینترتیب‌از تبعید صفیعلیشاه جلوگیری بعمل‌آمد.

این موفقیت، موقعیت صفی علیشاه را مستحکمترساخت و مخالفین دربار ناصرالدینشاه وکسانیکه‌درانجمنهای سری‌برای ایجاد مشروطیت تلاش‌می‌کردند، بیش ازپیش دراطراف اوگردآمدند. هرشبانه روزصدها نفرازطبقات مختلف در

۱ - یادگار جشن پنجاه ساله ص ۱۷.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اسدآبادی (مرید صفی) صورت گرفت ، بنمایند اضافه می‌کند :

«حضرت صفی که بطور قطع از ستاره‌های قدراول آسمان ادب و عرفان بوده ، نه تنها از افتخارات بزرگ کشور ما بلکه عالم اسلام محسوب می‌شوند . در تمام مدت زندگی خود منظوری جز خدمت بخلق‌الله و بیداری مردم و ترویج اصول اخوت و مساوات نداشتند . چنانکه تأسیس انجمن اخوت بطور سری نیز ، بهمین منظور بود و بالاخره در ذیقعده سال ۱۳۱۶ هجری قمری خرقه تهی فرموده و در حین ارتحال رهبری و ارشاد خلق را بحضرت ظهیرالدوله صفی علیشاه واگذار نمودند ...»[1]

صفیعلیشاه قبل از وفات، در زیر جملات وردی که مخصوص بعد از نماز دراویش صفی علیشاهی است ، این جمله را بعنوان وصیت نامه تعیین جانشین نوشته و بظهیرالدوله سپرده است «حق تعالی برعمر و عزت و عافیت یار باجان و ایمان هم‌عنانم علیخان ظهیرالدوله بیفزاید همین اوراد درسالها بطالبین تلقین نماید و روح فقیر را بیاری شاد فرمایند . میرزا حسن»

صفیعلیشاه را درخانقاهی که هم اکنون به همین نام معروف است در خیابان صفیعلیشاه فعلی بخاک سپردند و پس از مرگش اداره کار دراویش و فقراء بظهیرالدوله واگذار شد .

فعالیت علنی انجمن اخوت

مرحوم ظهیرالدوله یکسال پس از مرگ صفیعلیشاه ، فرمانی از مظفرالدینشاه برای تأسیس «انجمن اخوت» گرفت . تا آنروز انجمن مزبور سری و مرکب از عده‌ای از درباریان و دوستان صمیمی و نزدیک آنمرحوم بود . ظهیرالدوله برای اینکه انجمن اخوت را از صورت مخفی درآورد ، و آنرا از امکان فعالیت علنی برخوردار سازد ، فرمان مخصوصی که تشکیل جلسات انجمن را تائید کرده، بلامانع

(۱) ـ یادگار جشن پنجاه ساله ص ۱۹

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سه بانوی درویش



دراین تصویر از راست به چپ : فروغ‌الدوله مادر عباس فروهر (دوام‌الدوله) ـ ملکه ایران دختر ناصرالدینشاه همسر ظهیرالدوله ـ فروغ‌الملوک

ناصرالدینشاه درموقع تشرف بحضرت عبدالعظیم ، بدست میرزا رضاکرمانی بقتل رسید .۴ امین‌الملك بدون اینکه اشاره‌ای به قتل شاه‌که بتحریك سید جمال‌الدین



در این تصویر ظهیرالدوله صفاعلیشاه ـ میرزا حسن صفی‌علیشاه ـ مولوی
درانجمن اخوت دیده می‌شوند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌دانست ، از مظفرالدینشاه گرفت .[1]

ظهیرالدوله بدون اینکه نام «فراماسونری» ویا «فراموشخانه» باین انجمن بدهد عده‌ای ازهم مسلکان سابقش راگردآورد وتاآنجاکه توانست سعی کرد اعضای اولیه انجمن، ازرجال روشنفکر، اصلاح طلب وخوشنام باشند .

قبل ازافتتاح رسمی انجمن وآغازفعالیت علنی آن، ظهیرالدوله صدوده نفر را برای عضویت انجمن اخوت دعوت کرد، واولین جلسه درخانه خودش دایرشد. اوعدد صدوده راکه با حروف ابجدکلمه (علی) می‌شود ، بمنظورتبرك وتیمن، برای عده اعضای اولیه انجمن اختیارکرد وصد وده صندلی بیك شکل ساخته نام هریك ازاعضاء را برروی یکی ازصندلیها نوشته و در سالن بزرگ خانه‌اش که روبروی بانك ملی فعلی است قرارداد .

در روزاول افتتـاح علنی «انجمن اخوت» ظهیرالدوله در صندلی اول قرار گرفت وبعضی ازآداب ورسوم فراماسونها را انجام داد . بطوریکه شرح آن قبلا گذشت فراماسونهاعلامات مخصوصی دارند،که درنشان‌وحمایل‌وفرمان ودیپلم‌فرقه خود بکارمی‌برند . واین‌علامات مرکب ازتیشه و پرگاروگونیا است که گاهی جدا جدا وگاهی مخلوط با هم قرار داده می‌شود . ظهیرالدوله هم تبرزین و کشکول و تسبیح را علامت بخصوص انجمن اخوت قـرار داد و چون شکـل مثلث نزد عیسویان و فراماسونها شکل مقدسی است ، علامت انجمن اخوت هم بشکل مثلث درآمد .

محمود عرفان قاضی دادگستری که در سال ۱۳۲۷ با لباس فراماسونری در حزب عامیون تهران درباره این‌فرقه درایران سخنرانی کرده است درباره انجمن

۱ــ صدورفرمان موردبحث که بنام میرزاعلیخان ظهیرالدوله‌وزیرتشریفات صادرگردیده است در حقیقت با استعانت وکمك مرحوم میرزا علی اصغرخان اتابك صدراعظم وقت ایران صورت گرفت که با مرام وتشکیلات انجمن توافق‌کامل داشت وشاید بتوان گفت که مشارالیه با نفوذی که درمظفرالدینشاه داشت ، موفق شد فرمان تأسیس انجمن اخوت را بگیرد .

اخوت چنین می‌نویسد :

«... نخستین اجتماع صد وده نفری که درصدر آنها ظهیرالدوله بود، درسال ۱۳۱۷ دائر گردید. یعنی «انجمن اخوت» در این سال تأسیس شد و رونق مهمی گرفت.

غیراز اخوان طریقت ظهیرالدوله، رجال دیگری نیز بآن انجمن آمدورفت می‌کردند وظهیرالدوله پیوسته درنظرداشت اساس کارخود را با فراماسونها مطابق کند» [1]

همانطور که رسم فراماسونهاست، ظهیرالدوله هسته مرکزی انجمن را که تاکنون بنام «هیئت مشاور انجمن» نامیده می‌شود ۱۲ نفر انتخاب و باین شرح معرفی کرده :

۱ ـ انتظام‌السلطنه [2]

۲ـ دکتر اسماعیل مرزبان ـ امین‌الملك

۳ ـ ابراهیم حکیمی ـ حکیم‌الملك

٤ ـ حاج شمس‌الدین جلالی ـ فطن‌الملك.

۵ ـ نیرالملك شیرازی

٦ ـ سیف‌الدوله [3]

۷ ـ نصراله صبا ـ مختارالملك

۸ ـ همایون سیاح [4]

۹ ـ اسداله بهمن اسفندیاری

۱۰ ـ محسن قریب

۱ـ مجله یغما سال سیزدهم ص ۵۵۷

۲ـ پدرنصراله و عبداله انتظام که هم‌اکنون نیزاز رؤسای فراماسونی هستند. و این لژ فراماسونری درمحل انجمن اخوت درخیابان فردوسی تشکیل می‌شود.

۳ ـ سیف‌الدوله برادرعین‌الدوله دشمن مشروطه وآزادیخواهان

٤ ـ خزانه دارلژبیداری درایران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۱ ـ فتح‌اله صنائی ـ صفاالملك
۱۲ ـ علیخان ظهیرالدوله

چنانکه‌قبلا‌اشاره‌شد، صفی‌علیشاه و‌ظهیرالدوله از‌افکارو‌عقاید و‌اندیشه‌های اخوان‌الصفاء الهام گرفته بودند سعی داشتند ، حکمت و فلسفه یونان و عقاید و نظریات صوفیان را با دستورات دین مقدس اسلام توأم کرده از آن بنفع اعضای انجمن بهره برداری کنند . یکی از کارهای اخوان‌الصفاء توجه به موسیقی و تأتر بود. ظهیرالدوله‌هم ، برای‌اولین‌بار در‌انجمن اخوت ، تشکیلات : تئاتر ، نمایش و موسیقی را تشکیل داد و در جلسات رسمی آن ، برنامه‌های موسیقی و نمایش به معرض اجرا و تماشا گذارده شد . نمایشات تند و کوبنده‌ای که علیه استبداد و ظلم دربار قاجار و همچنین نکوهش از‌اعمال حکام ستمگر‌دوره استبداد به روی صحنه می‌آمد ، از ابتکارات انجمن بود .

در سال ۱۳۱۸ ـ ه (۱۹۰۱ ـ م) شهر آمل دچار حریق بزرگی شد ، انجمن اخوت برای تجدید بنای شهر یك برنامه گاردن پارتی ترتیب داد . در این گاردن پارتی دراویش بخصوص سماع حضور و حسنعلی خان ترانه‌های ایرانی نواختند و در آمد سرشاری از این راه به دست آمد .

برای تعاون و همکاری اعضای انجمن ، مقررات سختی وضع شده بود و فقط کسانی که عضو انجمن بودند ، حق داشتند ازمرامنامه جمعیت اطلاع حاصل کنند . این مرامنامه که مرحوم ظهیرالدوله شخصاً آنرا نوشته و در سال ۱۳۲۷ شمسی تجدید طبع شده است فقط به کسانی داده می‌شود که عضو انجمن اخوت باشند . اینك مرامنامه مذکور را منعکس کرده در دسترس افکار عمومی قرار می‌دهیم . باید دانست که از‌بدو تأسیس انجمن اخوت و‌تدوین مرامنامه انجمن تا بامروز‌این‌نخستین‌بار‌است‌که متن مرامنامه محرمانه‌انجمن‌اخوت منتشر‌می‌شود و به جز‌اعضای رسمی انجمن ، دیگران نیز از متن آن اطلاع حاصل می‌کنند :

«فقرا و اخوان هر جا» باید بزرگ و رئیس خود را معظم و محترم دارند. رئیس هم باید ازقول و فعلی‌که باعث سردی و کسالت مکلفین می‌شود احتیاط کند. در همه وقت ازاعمال قبیح و نامشروع در مقام ترك و توبه باشند و خدا را حاضر دانند ، یعنی حاضر باشند که خدا حاضر است . و در هر آنی از آفات و مهلکات ظاهر و باطن پناه به شاه ولایت برند .

وقت سحر حتی‌الامکان فقرا اگر مانعی نداشته باشند بیدار باشند . بلکه اگر بشود از ثلث آخر شب تا صبح اقلا بین‌الطلوعین خواب نباشند و به ذکرجلی یا خفی یا قرآن مشغول باشند وهمیشه با طهارت ولباس پاك باشند. و از خواندن اوراد موظفه خود غفلت نکنند . زبان را از لغو و دروغ بی‌نهایت و تهمت و غیبت نگاه دارند . اگر گرسنه و برهنهٔ از اهل طریقت باشد ، بر همه تکلیف است که اگرچه نیم‌نانی باشد باوبرسانند وغفلت نکنند وهرچیزکه ممکن باشد ازاهل‌بیت خود دریغ نکنند . در حفظ اسرار و امانات و ستر عیوب یکدیگر بکوشند و از هم‌احترام‌کنند . ضعفای قوم را تحقیر ننمایند .

به عیادت و تشییع یکدیگر بروند . اگر جهت یکنفر گرفتاری پیدا شود همه اتفاق کنند و دست از هر کاری بکشند تا رفع گرفتاری برادرشان را بکنند ، که این بمنزله جهاداست وبرهمه لازم است . مجادله ومباحثه درهیچ مطلبی با هم نکنند که موجب رنجش است . اگردو نفربا هم کدورت کنند پیش سایرین اظهار شکایت از یکدیگر نکنند . و بر دیگران است که مابین آنها را اصلاح کنند . مزاح و شوخی با هم کمتر کنند و همدیگر را به کلامی وا نزنند اگرچه سخیف و باطل باشد جز به ملایمت و خلوت نه در جمع . و بر یکدیگر تمسخر ننمایند که در انظار سبك و بی قدر شوند و از هم دلتنگ گردند . در ادای امانت دوست و دشمن کوتاهی نکنند که برای نوع وهن عظیم است . با منکرو مخالف و منافق مخالطه نکنند مگربه ضرورت وصحبت منهبی‌ندارندکه نزاع شود واسباب خفتی

خانه ظهیرالدوله آغاز شد .

دردوران سلطنت احمد شاه ، فعالیت انجمن اخوت ، بیشترشد . زیرا شاه ، محمد حسن میرزا ولیعهد را به انجمن فرستاد و او در همان خانه‌ای که هنوز [illegible] توپ [illegible] محمد [illegible] باقی بود . مشرف به فقر گردید.

فراهم آید. کسی را باید دعوت کرد که نفاق و افکارش معلوم نباشد، وقتی معلوم شد دوری ضرور است.

بار زحمت خود را بر شانه هم نگذارند، که باعث بعد، قلوب از یکدیگر شود.

در مجالس از اندوه و پریشانی خود صحبت ندارند و اظهار ملالت نکنند، که ثمری بجز خفت و افسردگی دیگران ندارد. خلف وعده و خلاف عهد با هم نکنند. اگر از کسی خلافی به ظهور رسید بدل نگیرند و اغماض کنند. به علمای شریعت توهین روا مدارند. بلکه اظهار مودت کنند (که مغز را پوست باید و تن را لباس) مفسد و خائن معلوم‌الحال را در مجالس خود راه ندهند.

اگر یکی از خودشان را بیکار بینند، البته او را به کار و کسبی مجبور دارند. نهایت فخر فقر آنست که از دسترنج و زحمت خود معاش کنند. نه اینکه دست کند کفچه به هر لقمه‌اش (مگر نه حضرت مولی‌الموالی ارواح‌الفقرا له‌الفداء با خلافت و سلطنت باطنی و ظاهری برای یهودیان مزدوری می‌فرمود) جوانها و فرزندان خود را در صورت امکان زود زن بدهند و به کسب بگذرانند که به هرزگی و پریشانی دوچار نشوند. اغلب اوقات با هم مجتمع باشند و در کوچه و بازار و مجالس عامه با هم بروند که مردم آنها را متفق و مجتمع بینند (زیاد خنده و شوخی نکنند) که کم قدر شوند. آهسته و آرام سخن گویند، مگر وقت ضرورت. از بازار چیز نسیه ناممکن باشد، نبرند و اگر لابد شوند زودتر تدارك کنند. همیشه سخن بر وفق و شرع گویند تا مخذول نگردند. به اندك قناعت کنند، تا از اهل زمانه راحت یابند و ملول نگردند و شاکی نشوند. بر خلقت خود نیفزایند و آنچه هستند همان را نمایند، که چون ظاهرشان را بگردانند باطنشان بگردد. در خلوت و جلوت سخنی برخلاف نظم ملك نگویند، در هر دم و هر قدم توفیق درویشی از درگاه مولی استدعا کنند». امضاء با جوهر بنفش «صالح» این مرامنامه را همه دراویش صفی علیشاهی همیشه در جیب بغل همراه دارند، ولی هیچگاه آنرا به کسی که «مشرف به فقر» نشده باشد نشان نمی‌دهند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مرحوم نظام‌السلطان خواجه‌نوری نیز با اینکه یکبار اجازه قرائت مرامنامه را حضوراً دادند، ولی استنساخ و چاپ آن را به هیچوجه مجاز نمی‌دانستند. تا اینکه اتفاقاً در پرونده فراماسونری مرحوم ادیب‌الممالك، نسخه‌ای از این مرامنامه وجود داشت، که مورد استفاده نگارنده قرار گرفت. این جزوه در مطبعه فاروس چاپ شده و در آخر آن امضاء (صالح) و مهر دلیل‌العرفاء به چشم می‌خورد. در پشت جلد نمره ۲۲۵۱۱ و نام ادیب‌الممالك نوشته شده است. به طوری که خود ادیب‌الممالك دریادداشتهایش می‌نویسد «او بیست ودو هزار و پانصد و یازدهمین نفری بوده که بعد از ورود به فرقه فراماسونری وارد سلك درویشی شده است.»

انهدام محل انجمن

پس از مرگ مظفرالدینشاه، انجمن اخوت مبارزه شدیدی را با دربار محمد علیشاه آغاز کرد و اعضای انجمن همه بر علیه استبداد و محمد علیشاه به مبارزه پرداختند. از روزی که محمد علیشاه مجلس را به توپ بست، چند روز پی‌درپی به امر شاه مستبد خانه کسانی که مورد تنفر او بودند، ازجمله شاهزاده ظل‌السلطان عم شاه، شاهزاده جلال‌الدوله پسر عمش و خانه ظهیرالدوله شوهر عمه شاه که در آنوقت حکمران رشت بود، بمباران و به‌وسیله سربازان غارت شد.

محل انجمن اخوت نیز که کتابخانه و دفتر انجمن و سالن جلسات بوده به توپ بسته شد و کلیه دارائی و مایملك انجمن و خانه ظهیرالدوله به غارت رفت. ولی اعضای انجمن که قبلا از دستور محمد علیشاه اطلاع حاصل کرده بود، کلیه دفاتر و اسناد مرکز فراماسونری «لژ بیداری ایران» را که در محل انجمن بود، شبانه به‌سفارت فرانسه بردند. محمود محمود در این‌باره چنین می‌نویسد: «علاوه بر محافل لندنی از طرف لژ داران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی دایر گردید. دستگاه مرحوم ظهیرالدوله مربوط به فراماسون فرانسه بود. این که در زمان سلطنت محمد علی میرزا خانه ظهیرالدوله را غارت کردند، به این دلیل بود که محفل فراماسون را در آنجا سراغ کرده بودند. ولی مرحوم ظهیرالدوله قبلا خبردار

شده اثاثیه ماسونی را از آنجا به سفارت فرانسه برده بودند ولی خانه غارت شده و عمارت نیز ویران گردیده و دیگر آباد نشد و شاید حال هم به همان حال باقی مانده باشد.»[1]

محمود محمود درهمین زمینه اضافه می‌کند: «چون قبلا اطلاع رسیده بود که محمد علی میرزا چنین قصدی دارد، شبانه وزیر مختار فرانسه را دیده بودند وهرچه‌که متعلق به ماسونهای فرانسه بود به سفارت فرانسه بردند وشاید تاامروز هم آنجا باشد. از قرار اطلاعی که دارم دیگر محفل آنها دایر نگردید».

محمود نشاط داماد صفی علیشاه و کارمند وزارت پست وتلگراف به مترجم کتاب «انقلاب ایران» چنین گفته است:

«همسر مرحوم ظهیرالدوله (ملکه ایران) پس از ویرانی و تاراج خانه‌اش بشوی خود در رشت می نویسد:

«تو به خواب راحتی، من در اسیری می روم، خانه‌ام ویران و هستی‌ام را به یغما بردند، دیگر آه در بساط ندارم - پسرم را نیز دستگیر و در اندیشه کشتنش هستند.»

ظهیرالدوله در پاسخ او نوشت:

«خانم عزیز، خوب شدکه آن همه جواهروزخارف‌راکه خون دل مستمندان بود بردند و ما را آسوده نمودند - هر وقت به صندوقخانه تو سر می‌کشیدم و آن چیزهای پوچ را می‌دیدم نیشهای مار و عقرب به تن خود احساس می‌کردم. سپاس خدایرا که از این همه رنج تنم آسوده و از آن شکنجه و درد رهیدیم. خدای پسرمان هم کریم است. مولی سخی است.[2] پس ازفرار محمد علیشاه، مشروطه‌خواهان در همان خرابه‌های غارت شده انجمن و منزل ظهیرالدوله جشن «نصرت ملی» برپا کردند و بار دیگرفعالیت سیاسی «انجمن اخوت» و «فقرو درویشی» در

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم جلد هفتم ص ۱۷۹۶

۲ - تاریخ مشروطیت برون مقدمه مترجم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خانه ظهیرالدوله آغاز شد .

دردوران سلطنت احمد شاه ، فعالیت انجمن اخوت ، بیشترشد . زیرا شاه ، محمد حسن میرزا ولیعهد را به انجمن فرستاد و او در همان خانه‌ای که هنوز جای‌گلوله‌های‌توپ سربازان محمد علیشاه در آن‌باقی بود ، مشرف به فقرگردید.

روزی که محمد حسن میرزا ولیعهد وارد سلك درویشی شد ، به مناسبت دوازدهمین سال تأسیس انجمن اخوت جشنی برپا بود . در آن جشن ظهیرالدوله نطقی ایراد کرده گفت :

یا مولی

«انجمن اخوت سال دوازدهم علنی شدن خود را بپایان رسانید و بتوفیقات آسمانی تا یك درجه‌ای بمقاصد اصلی خود نایل‌وکامیاب‌گردید .

همه می‌دانیم‌که‌انجمن اخوت‌درموقعی علنی‌شد وجلسات‌خود راآشکارنموده که بهیچوجه رسمی از مساوات وبرادری واسمی ازحقوق ملی و حکومت افرادی در میان نبود وبدون اینکه بالفاظ پرداخته افکارخود پسندان و متنفذین را تهیج نمایدکرداررا مقدم داشته عامه را ملتفت ساخت‌که اگر امتیازی در میان بنی‌آدم باشد ، همانا امتیازخدمتی وشرف فضلی است و آن فضل و شرافت هم در صورتی محقق ومسلم خواهد شدکه خلق خدایرا از آن بهره وفایده‌ئی حاصل‌آید.

آری ، انجمن اخوت بوده‌که صورت متکبرین‌را درهم شکست وصدوروقت وابناء سلطنت عصررا با فقراء واصناف هم زانو و جلیس نمود و انجمن اخوت بود که تشکیل هیئت شوری را در حوزه خود اعلان کرد و ترقیات مدنی را بتهذیب اخلاق وتزکیه ملکات افراد ملت اشعارنموده و شکراللمولی که زمین دلها مستعد بود واین بذر را برویانند و درختی بارور و سایه‌گسترفرمود . تاریخ عالم و نژاد بنی‌آدم ازقرون خالیه واعصارسالفه نشان می‌دهدکه در دنیا هیچوقت تنها قوانین وقواعد سیاسی موجب نجات ورستگاری واسباب سعادت و تکامل هیچ قومی نشده اگرچه مناسبات اشتراکی‌آنان را منظم و مرتب داشته ، ولی چیزیکه یك ملتی را

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بنام نیک واستقلال عناصر درمیان نوع خود سرافراز نموده همانا اخلاق و ملکات آنان بوده که بوظایف خویش که حفظ حدود آدمیت و رعایت روابط اخوت بوده موفق گردیدند ودانستند که انسانی برای انس ومعاونت با یکدیگر است نه برای تفاخر ومخالفت.

پس برما برادران روحانی ومعنوی لازم است که اگر سعادت ملک و ملت را خواستار باشیم و البته خواستاریم باید باخلاق حسنه کوشیده خلق را نهال بوستان الهی دانسته خود را بتربیت وباغبانی مکلف دانیم، که اگر هر توانائی دست ناتوانی را می‌گرفت هر آینه هیچ افتاده‌ای در عالم دیده نمی‌شد.

عالم معاش وحیوة حیوانی عالم جنگ وجدال ومیدان غلبه و جنجال است وعالم اخلاق انسانی عالم صلح ومسالمت وبرادری وبرابری وهمان عالمی است که خونها برای اساس واستوار آن ریخته شد وکتب ورسائل آسمانی برای تبلیغ آن منزل ومأمور گشت، که ما برادران نیز مأمور بپیروی همان دستوریم ومجبور بتقویت همان اساس که مفاسد مساوی اخلاقی راکه جالب تجاوز ومخالف است از خود دور ومحاسنی راکه موجب سلامت وسعادت است، تعقیب نمائیم. صفا علی».

انجمن اخوت، از آن پس دوران عادی خود را آغاز وطی کرد وحتی در دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که فعالیت احزاب، جمعیتها وانجمنها متوقف شده بود، این انجمن کماکان هفته‌ای یک روز تشکیل جلسه می‌داد. پس از فوت ظهیرالدوله، مرحوم انتظام‌السلطنه (پدر عبداله ونصراله انتظام)[1] مرشد طریقت شد وبعد ازاو نیز فتح‌اله صفائی (صفاءالملک) مرشد گردید واکنون عبداله انتظام این سمت را دارد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ـ که احزاب جدیدی بوجود آمد، انجمن اخوت هیچگونه فعالیت شدید علنی نداشت. فقط درسال ۱۳۲۷ شمسی که دوحزب (عامیون دمکرات) با هم ائتلاف و«حزب عامیون ایران» را تشکیل دادند،

۱ـ این دوبرادر ازاستادان واعضاء هیئت رهبری سازمان فراماسونری گراند لژ مستقل ایران می‌باشند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وروز ۱۵ بهمن آنسال اعلام رسمیت کردند، انجمن اخوت نیزکه در رأس آن یازده نفر از اعضای قدیم «هیئت مشاوره» قرارداشتند (که بعضی از آنها معروف بعضویت در فرقه فراماسونری هستند) شروع بفعالیت علنی کرده وجشن پنجاهمین سال خودرا برگزارکرد.

فعالیت علنی (عامیون ـ اخوت) که اعضای مؤثرهر دودسته معروف بعضویت درفرقه فراماسونری هستند، این شبه را بوجود می آورد که دوسازمان فراماسونری (انگلیس ـ فرانسه) باردیگر قصد فعالیت علنی داشتند، ولی حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ وسوء قصدی که بحیات شاهنشاه آریامهر اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی صورت گرفت، موقتاً فعالیت علنی وتظاهر این دودسته را متوقف کرد.

انجمن اخوت که روز ۲ تیر ۱۳۲۷ شمسی (۱۵ شعبان ۱۳٦۸ قمری) پنجاهمین سال تأسیس خودرا جشن گرفت، درکتابی که منتشرساخته است اعضای هیئت مشاوره را از آغاز پنجاهمین سال فعالیت بشرح زیر معرفی می کند:

۱ـ دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملك) رئیس هیئت مشاوره.
۲ ـ ابراهیم حکیمی (حکیم الملک).
۳ ـ حاج شمس الدین جلالی (فطن الملك).
٤ ـ تیمسارسرلشکر فرج اله آق اولی.
۵ـ نصر اله صبا (مختار الملك).
٦ ـ همایون سیاح.
۷ ـ اسداله عین اسفندیاری (حاج عین الممالك).
۸ـ محسن فریب.
۹ ـ آقا بزرگ بیات.
۱۰ ـ علیرضا میرزا حکیم خسروی دبیر انجمن.
۱۱ ـ فتح اله صفائی صفاالملك.

دراین جشن نطقها وخطابه هائی درباره تاریخچه انجمن اخوت، صفیعلیشاه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ومرام ومسلك درویشی ایراد شد و در کتابی‌که بهمین مناسبت منتشر شد و حاوی مطالب ایراد شده می‌باشد، اسامی اینعده بعنوان افراد شاخص و برجسته ذکر گردیده است :

۱ـ سرلشکرمجید فیروز (ناصرالدوله) .
۲ـ اسداله داوری (مؤید حضور) .
۳ـ غلامعلی خواجه نوری (نظام‌السلطان) .
٤ ـ محمد حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه) .
٥ ـ شفیعا (مقتدرالملك) .
٦ ـ اسداله صفا .
۷ ـ هدایت قلی رهبری .
۸ ـ غلامحسین رشته .
۹ ـ برادران برومند .
۱۰ ـ حاجی داداش ـ حاج عبداله مستشارالتجار کرمانشاهی .
۱۱ ـ علی نعمتی مستشار .
۱۲ ـ ع ـ شهری .
۱۳ ـ صفا علی صفائی .
١٤ ـ امینی اصفهانی .
۱۵ ـ محمود جم .
١٦ ـ علی هیئت .
۱۷ ـ دکتر لقمان الملك .
۱۸ ـ فتح‌اله صفائی .
۱۹ ـ فتحیه .
۲۰ ـ هاشم ملك مدنی .

۲۱ ـ امیر محسن بایگانی[1].
۲۲ ـ مهندس جعفر صفائی.
۲۳ ـ مهندس رحمت‌اله صفائی.

انجمن اخوت در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۸ میلادی) شروع به تجدید ساختمان سالن انجمن در خیابان فردوسی کرد، و اکنون در روزهائی که لژهای فراماسونی (مهر ـ آفتاب ـ صفا ـ وفا) جلسه دارند، سالن داخلی انجمن را با ترتیب خاصی تزئین می‌کنند وعلائم وپرچم لژها را به دیوارو بالای صندلی استاد نصب می‌کنند. اما درروزهای پنجشنبه وجمعه جلسات عادی فقرا ودراویش منعقد می‌شود و در آن روز هیچ گونه علائم و آثاری ازفراماسونها وجود ندارد. درحال حاضر انجمن اخوت دبیرخانه لژهای گراند لژمستقل ملی است. و بیشتر مراسم و تشریفات مذهبی دراویش در سر مقبره ظهیرالدوله انجام می‌گیرد. و عبداله انتظام یکی ازاستادان هیئت رهبری گراند لژمذکوردررأس دراویش صفی‌علیشاهی قرار دارد.

---

۱ ـ در روز جشن قصیده‌ای منحصر بفرد از اشعارمرحوم ظهیرالدوله را که در اختیار امیر محسن بایگان بود، مجاناً بین مدعوین توزیع کردند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل سی و یکم



لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران
وگراند لژمستقل ایران

یکی از پدیده‌های نوین فراماسونری در ایران، پیدایش لژهای تابع «اتحادیه لژهای آلمان» در ایران است که بعد از شش سال پذیرفتن «برتری و عبودیت و سروری» لژهای انگلیسی، استقلال خود را اعلام کردند و سازمان جدیدی تحت عنوان «گراند لژمستقل ایران» تشکیل‌دادند.

اعضای لژهای وابسته به گراند لژ آلمان، نخستین افرادی بودند که علیه پذیرفتن «عبودیت» و قبول «برتری و سروری» لژهای انگلیسی قیام کردند و در قطع ارتباط بااینگونه لژها درجهان پیشقدم شدند. ولی‌مبارزه شدید لژهای تابع انگلستان وهم چنین مخالفت‌گراندلژهای مختلف درانگلستان، آلمان، فرانسه و بالاخره در خود ایران با اعضای لژهای آلمانی، سبب شد که آنها را از جامعه فراماسونی جهانی طرد کنند. با اخراج این افراد از لژهای آلمانی همه لژهای تابعه (انگلیسی‌ها و فرانسویها درایران) آنانرا از ورود به محافل ماسونی خود منع کردند و حتی آمیزش عادی با آنها را برای فراماسونهای جهانی مضر و غیر قانونی و ممنوع اعلام داشتند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دامنهٔ مخالفت‌ها ومبارزاتی که لژنشینان انگلیسی و فرانسوی علیه متمردین درپیش گرفتند به ایران نیز کشیده شد، تا جائیکه چهل نفراز اعضای لژ «ستاره سحر» بطور پنهانی با لژهای انگلیسی وفرانسوی سازش کرده وباکمك کارگردانان این لژها موفق شدند، بار دیگر به «لژهای متحده آلمان» ملحق کردند و زیر نظر آنان فعالیت خود را ادامه دهند.

قبل ازاینکه به تشریح فعالیت لژهای مذکور وحوادثی که منجر به جدائی «لژهای آلمانی» و ایجاد گراند لژ مستقل ملی ایران شد، بپردازیم، بد نیست بدانیم «لژهای متحد آلمان فدرال» چگونه تشکیل شدند وبه چه ترتیب بالژهای ماسونی جهان پیوند و پیوستگی پیدا کردند.

تشکیل فراماسونری انگلیسی در آلمان

می‌دانیم که آدولف هیتلر در دوران زمامداریش در آلمان نه‌تنها همه لژهای فراماسونری راهمراهبا سایرسازمان‌های سیاسی و غیرسیاسی، در این کشور تعطیل کرد، بلکه کلیه فراماسونهای صاحب مقام آلمانی راهم ازمشاغل‌خود برکنار ساخت. او حتی گروهی از فراماسونهای آلمانی را نیز که در خارج از کشور مأموریت داشتند ازسازمان‌های دولتی اخراج کرد. چنانچه سفیر آلمان درایران نیز به اتهام عضویت در لژهای فراماسونری از پست خود معزول، و به برلن احضارشد. این آلمانی فراماسون که فعالیت پنهانی خود را ازسران نازی مخفی می‌کرد، یکی ازرؤسای سازمان جاسوسی آلمان درخاورمیانه به خصوص درایران و ممالك عربی بود. برای این که بدانیم که این جاسوس زبردست آلمانی چه می‌کرده، آنچه را که روزنامه «نیوز ریویو» در روز ۲۸ اوت ۱۹۴۱ (۶ شهریور ۱۳۲۰) دربارهاش نوشته عیناً نقل می‌کنیم، تافراماسون‌های آلمانی رابهتر بشناسیم:

- فرتیس گروبا شخصی افسانه‌آمیز و وزیر مختار سابق آلمان در بغداد معاون لایق و کارآمد اتل [آخرین وزیر مختار آلمان نازی در ایران] بود،

کروبا پس از کودتای بی حاصل رشید عالی در عراق به همراهی امین‌الحسینی مرد لایق و مخالف انگلستان و مفتی سابق اورشلیم به تهران تبعید شد، و طبق اطلاعی که کروبا آنرا تصدیق نمود نام حقیقی وی «ارتور بورک» و پدرش دکان عطاری داشته وبواسطه موهای سیاه وچشمان تیره رنگی که داشت همه دوستانش در مدرسه اورا ترک می‌خواندند. آرزوی او برای گردش و سفر به شرق درجنگ گذشته تحقق یافت و در ارتش آلمان در ترکیه شغلی پیدا کرد. درسال ۱۹۱۸ در حلب زخمی شد و با یك دختر شانزده ساله اهل سوریه که به او (گل حلب) نام داده بودند، آشنا گردید و هنگامی که او را برای معالجه به بیمارستان مونیخ فرستادند دختررا به طورقاچاق و با تغییر لباس ازمرز عبورداده با خود به آلمان برد. پس از چندی دخترك درگذشت و شاید از آن تاریخ وی نام خود را تغییر داده است. به هر حال کروبا اسلام اختیارکرد و مذهب وتعلیمات شرقی را بررسی نمود و پس از چندی دراداره خاورمیانه وزارت امور خارجه آلمان وارد خدمت شد ... او یك دیپلمات ورزیده و کارکشته ایست که دراوایل تشکیلات نازی داخل حزب نبوده و برای ادای توضیحات راجع به روابط خود با جمعیت فراماسون آلمان به برلین احضار گردیده بود ...» کروبا، برای این‌که به زمامداران آلمان نشان بدهدکه فراماسون نیست وبا یهودیان‌که‌بوجودآورنده‌فراماسونیزم می‌باشند، دشمنی و عناد دارد: «در سال اول فعالیت خود در خاورمیانه مبلغ ده ملیون مارك طلا درراه تبلیغات بویژه‌برای توسعه سازمان شورش‌های ضدیهود خرج نمود...»[۲]

نشریه دیگری‌که شرح مبارزات هیتلر بافراماسونیزم رامی‌دهدمی‌نویسد: «کروبا مثل صدهاآلمانی دیگرکه عضولژهای فراماسونی آلمان بودند، خیلی‌زود به چنگ نازی‌های ضد ماسون وضد یهود افتادند»[۳] و بازچنانکه می‌دانیم مبارزه

۱ - رستاخیز ایران - فتح‌اله نوری اسفندیاری ص ۷۸۳.

۲ - ایضاً ص ۷۸۳.

۳ - مجله موندلاوی شماره ۱۵۲ ژانویهٔ ۱۹۶۶.

با یهودیان و بزرگترین سازمان پنهانی و بین‌المللی آنان (صهیونیزم) در رأس برنامه‌های رایش سوم قرارداشت و طرح «حل نهائی مسئله یهود» که مفهوم آن معدوم ساختن این قوم و نژاد بود، ازهمین برنامه ریشه می‌گرفت. هیتلر فراماسونیزم را شعبه‌ای از صهیونیزم جهانی می‌دانست وعقیده داشت که یهودیان جهان در پناه لژهای فراماسونری در سرتاسر گیتی بنفع خود فعالیت می‌کنند.

همینکه حمله سرتاسری آلمان به کشورهای اروپائی آغاز شد، هیتلر به فرماندهان قوای اشغالی، فرمان داد به هرکشوری که تسلط یافتند، نخست لژهای ماسونی آن کشوررا منحل وکارگردانان آن را تحت تعقیب قرار دهند. این فرمان پیشوای آلمان نازی همه جا اجراء شد و در نتیجه کراند لژهای فراماسونری در همه کشورهای اشغالی اروپا منحل شد واسناد ومدارک آنها بدآلمان حمل گردید. بدستور آدولف هیتلر نمایشگاه‌های ثابت ومتحرکی ازفعالیتهای ماسونی با بنمایش گذاردن اسناد ومدارک مکشوفه ترتیب داده شد وازاینراه نیز تبلیغات دامنه داری علیه صهیونیزم جهانی آغازگردید.

پس ازپایان جنگ دوم جهانی، و پیروزی متفقین، فراماسونهای اروپائی موفق شدند مقداری ازاسناد ومدارک پیشین لژهای خود را بدست‌آورندوآنها را به‌کشورهای خود بازگردانند، چنانچه اسناد ومدارک لژهای فراماسونری فرانسه دردوواگن ازبرلن بپاریس حمل شد وطبق دستورژنرال دوگل، محموله واگن‌هارا به‌کتابخانه ملی پاریس تحویل دادند.

طی موافقت نامه‌ای که بعد از مدتی بین دولت فرانسه و لـژهای ماسونی بامضاء رسید، طرفین موافقت‌کردندکه اسناد مذکورمورد بررسی قرارگیرد، تاآن قسمت ازاسنادکه غیرلازم تشخیص داده شد، تحت نظر نمایندگان دولت فرانسه و استادان لژهای فراماسونی به کارخانه کاغذ سـازی حمل شده و در آنجا بصورت (خمیرکاغذ) درآمده وبدینترتیب‌معدوم شود وبقیه‌دربایگانی‌کتابخانه ملی‌پاریس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نگهداری گردد . ژنرال دوگل موافقت کرد که این اسناد فقط با اجازه گراندلژها دراختیار محققین و مراجعین قرار گیرد و بدین ترتیب فراماسونیزم بار دیگر در فرانسه تجدید حیات کرد .

در این سال‌ها سازمان‌های فراماسونی انگلستان (گراند لژهای انگلند ـ اسکاتلند ـ ایرلند) نیز درصدد احیاء شبکه‌های ماسونی خود درایران برآمدند، و برای این منظور نخست به ارتشیان انگلیسی که فراماسون بودند ، دستور داده شد تا در نواحی اشغالی لژهای فراماسونی را تشکیل دهند . در سال ۱۹۴۷ چند لژ فراماسونی مهم تحت نظر گراند لژهای انگلیسی فوق‌الذکر تشکیل شد و در پایان همان سال «سازمان فراماسونی انگلیسی در آلمان» بوجود آمد .

این سازمان محل کارخودرا دراداره مرکزی قوای اشغالگر انگلیسی درشهر «بداوین‌هاسن» قرارداده و باکمك فرماندهان انگلیسی، فراماسونیزم را بین مردان میانه سال آلمانی توسعه داد. درماه می ۱۹۴۸ سازمان فراماسونی انگلستان در آلمان رسمیت یافت وهمه گراند لژهای انگلیسی ارتباط باآن را بلامانع تشخیص دادند. درسازمان جدیددرشهر «بداوین‌هاسن Bad oyenhausen» تشکیل‌شدو گروهی از فراماسونهای قدیمی آلمان‌که زنده مانده بودند، تقاضای تجدید عضویت وفعالیت دراین‌سازمان راکردند . ملاقات درشمبات این لژبرای عموم فراماسونها آزاد شد و هر لژی که بوجود می‌آمد تحت نظریکی ازاستادان فراماسونری انگلیس ، با قبول‌عبودیت یکی ازگراند لژهای (انگلند ـ اسکاتلند ـ ایرلند) بود وتأسیس آن با انجام همه تشریفات، باضافه نماز درکلیسا وفستیوال‌هائی که زنان نیز در آن شرکت داشتند صورت می‌گرفت ، هنگام تقدیس و تأسیس بعضی از لژها ، رؤسای فراماسونری انگلستان به آلمانها وانگلیسیهای مقیم این‌کشور توصیه می‌کردندکه با کمك‌سایر برادران فراماسون‌کشورهای‌مجاوراز جمله سازمان‌ماسونی هلند تشکیلات‌ماسونی خود راگسترش دهند .

سازمان ماسونی هلند «لژ بزرگ شرق» که Concord No 134 نام داشت و همچنین لژ انگلیسی زبان هلند ، در روتردام کـه به نام کینگ دراگون گارد Gings Dragoon Guards خوانده‌می‌شدنیز در تأسیس این لژها نقش فراوان داشتند .

نخستین اقدام این سازمان فراماسونری تقدیس و تأسیس یك لژ انگلیسی زبان درآلمان بود. درماه مارس ۱۹۵۵ فراماسون معروف آلمان «ج. و. ن. گروز» Groves کـه مقام P.P. G. CH را در سازمان ماسونی جهان داشت موافقت خود را با مسافرت به انگلستان و مذاکره با «اتحادیه لژهای بزرگ انگلستان» اعلام داشت ، اوقبلا به انگلیسها وعده داده بود که پس ازاستقرار اولین حکومت دولت آلمان برای تشکیل وتأسیس لژهای تابع انگلستان درآلمان اقدام خواهد کرد .

به طوری که کلنل کورفیلد Corfield استاد فراماسونری‌انگلند می‌نویسد:
«بعد ازاین مسافرت درصورت جلسه اتحادیه گراند لژهای انگلستان مورخ هشتم سپتامبر ۱۹۵۶ قید شد که فراماسونهای آلمان از طرف گراند لژ انگلستان به رسمیت شناخته نمی‌شوند . واعضای لژهای ما نبایستی از لژهای‌آلمان دیدن‌کنند».

اما در اکتبر سال بعد ، اتحادیه ماسونری انگلستان اعلام کرد که ممکن است در آینده نزدیکی فراماسونری آلمان برسمیت شناخته شود .[1]

دراین ایام‌بموجب مندرجات مجله فراماسونری«رکورد»ارکان سازمان‌های فراماسونری‌انگلستان، مکاتباتی‌بین‌لژهای هلند و آلمان‌وانگلستان‌برای استقرار لژهای انگلیسی وانجام همه تشریفات حتی‌قرائت سرودهای تورات وقبول مراسم یهودیان ، جریان داشت ، ولی در پاسخ همه پیشنهادات ، اتحادیه فراماسونری انگلستان به پیشنهاد دهندگان هلندی و آلمانی توصیه می‌کردند که در برقراری لژها عجله نکنند .

---

۱ ـ Masonic Record نمره ۴۱ ـ اگست ۱۹۶۱ .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دردسامبر ۱۹۵۶ اتحادیه لژبزرگ انگلستان، فراماسونری آلمان را تحت شرایط تحمیلی و قبول عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۷ حادثه تازه‌ای رخ نداد ولی به موجب ادعای «کورفیلد» استاد اعظم انگلیسی: (بدون شك فعالیت‌های بزرگی پس پرده تعقیب می‌شد.» درژانویه همین سال (۱۹۵۷) استاد اعظم لژمونشن‌گلاد باخ Monchen Glad Bach به استاد اعظم ماسونی انگلیسی «لاولر» Lawlor گزارش داد که او به نمایندگی گراند لژ آلمان A. F. A. M موافقت خود را با تأسیس یك لژ انگلیسی زبان با انجام همه تشریفات قبول کرده است. کورفیلد استاد لژ انگلیسی می‌نویسد: «در آن موقع برادرما «لاولر» بسمت مدیرانجمن برادری فراماسونی آلمان که مدتی درآن عضویت داشت، انتخاب گردید. ودرهمین موقع بودکه اسامی مؤسسین لژ تازه اعلام‌شد.[۱]

وبدین‌ترتیب فراماسونری بعد ازجنگ‌دوم آلمان با قبول عبودیت وسروری لژهای انگلیسی وانتخاب یك استاد اعظم انگلیسی بریاست سازمان‌های خود، در سازمانهای فراماسونی جهانی رسمیت یافت.

نخستین لژانگلیسی بنام ابسلوم شماره ۸٤۱ Absolom (G.C) درخواستی تقدیم اتحادیه لژهای انگلیسی‌کرد و خود را برای همیشه تحت فرمان و اطاعت ودراختیارلژهای انگلیسی‌گذاشت.[۲] منظور تأسیس این لژدرروزسی‌ام ماه مارس ۱۹۵۵ برای استقراردرشهردوسلدرف صادرشد. چون این لژ برپایه و حتی با نام لژانگلیسی ۸٤۱ تأسیس شده بود، شماره ردیف آنرادرسالنامه ماسونی انگلستان درردیف یك ثبت‌کردند وبدینسان نخستین لژ انگلیسی که ریاست آن با «لاولر»

---

۱ ـ لژابسولوم شماره ۸٤۱ تابع قوانین فراماسونری انگلستان درسال ۱۷۳۸ درشهر هامبورك تأسیس شده بود.

۲ ـ کلنل کورفیلد این جمله را چنین می‌نویسد:

Having submitted a petition, was consecrated.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

استاد اعظم تبعه انگلستان بود ، در آلمان گشایش یافت .

بدنبال گشایش نخستین لژ انگلیسی در آلمان ، لژهای دیگری بر اساس برنامه لژهای فراماسونی قبل از آغاز زمامداری هیتلر ، بدین شرح بوجود آمد :

۱ ـ لژساکسون بشماره ۸٤۲ درشهرسل Cello ـ ۸ می ۱۹۵۷

۲ ـ لژبریتانیا شماره ۸٤۷ دربیل فلد Bielefeld در ٦ جون ۱۹۵۷

۳ ـ لژفونیکس Phoenix بشماره ۸٤۷ دربرلن ۹ نوامبر ۱۹۵۷

٤ ـ لژ استاراف ساکسونری Star of Saxonry شماره ۸۵۳ در شهر جور Jever درسال ۱۹۵۸

۵ ـ لژانگلوهانستیک Anglo – Hanseatic بشماره ۸۵۰ درسال ۱۹۵۸

با وجود اینکه لژهای آلمانی با تشکیل لـژهای انگلیسی زبان موافقت کرده بودند ، بااینحال دشمنی دیرینه بین انگلیس و آلمان وجنگ چندین ساله دوکشور ، و از همه مهمتر نفرت و دشمنی و کینه توزی دو ملت و مردم (ژرمن و انگلوساکسون) با یکدیگر سبب شد تا بتدریج مبارزه مخفی بین جناحین مختلف فراماسونری در آلمان شدت یابد. اما سازمان‌های فراماسونری انگلیسی که هجوم همه جانبه‌ای را به‌سرزمین‌های اشغالی آلمان آغازکرده بودند ، بسرعت توانستند اداره لژها رامنحصر به اتباع انگلیسی کنند .

ولی مبارزه فراماسونهای آلمان سرانجام اتحادیه گراند لژهای انگلستان را وادار به‌قبول تشکیل «اتحادیه گراند لژ آلمان» کرد . بموجب سندی که سرهنگ دوم کورفیلد ارائه می‌دهد، پس از این شناسائی کامل و همه‌جانبه، سازمان‌های فراماسونی انگلستان در اوایل سال ۱۹۵۸ موافقت خود را بـا ایجاد اتحادیه گراند لژهای آلمانی که عبودیت و برتری و سروری آنان را پذیرفته بودند ، اعلام کرد .

منشوری که روز ۱٤ سپتامبر ۱۹۵۸ ازطرف فراماسونهای آلمانی صادر شد

تأسیس «اتحادیه گراند لژهای آلمانی» را به همه سازمان‌های ماسونی وابسته به انگلیس اطلاع داد.

درجلسه‌ای که طی آن منشور مذکور اعلام‌شد، ۲٦٤ استاداعظم لژهای آلمانی A.F.A.M وهشتاد و دواستاد اعظم لژهای سوئدی و هم‌چنین گروهی ازشخصیتهای گراند لژهای انگلیسی مقیم آلمان حضور داشتند.

این عده پس‌ازاعلام‌رسمیت اتحادیه‌گراندلژهای آلمان، با انتخاب تئودور- ووگل Theodor Vogel بسمت اولین استاد اعظم اتحادیه مذکور موافقت کردند، وبدین‌ترتیب همه فراماسونهای آلمانی‌تابعیت قانون‌اساسی‌فراماسونری انگلستان را پذیرفتند، تا بتوانند تحت عنوان «اتحادیه‌گراند لژهای آلمان» برای توسعه تشکیلات خود استقلال داخلی داشته باشند.

سرهنگ دوم کورفیلد درپایان گزارش خود، درباره «فراماسونری‌انگلیس درآلمان» می‌نویسد: درخاتمه این‌گزارش می‌بایستی جمله‌ای ازبرادرپرنس‌رویال فریدریك‌ویلهلم، استاداعظم وسرور بزرگ گراندلژ پروس‌را یادآوری‌کنیم.

گراند لژ متحده آلمان، بلافاصله با گراند لژهای زیر تماس دائم برقرار کرد وموفق شد اتحاد وهمبستگی باآنها پیداکند:

۱- گراند لژبزرگ مشرق هلند

۲- گراند لژ لوکزامبورگ

۳- گراند لژ بنایان قدیمی (آزاد وپذیرفته شده‌از اتریش)

٤- گراند لژ الپینا سویس

٥- گراند لژ بلژیك

٦- گراند اوریان ایتالیا

هم‌اکنون سازمان‌های فراماسونری «اتحادیه‌گراند لژهای آلمان» - بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹٦٦ بدین شرح می‌باشد:

۱ـ سازمان اتحادیه گراند لژهای آلمان برای فراماسونهای آلمانی

۲ـ تشکیلات استادان اعظم

۳ـ تشکیلات ماسونی سناتورها

۴ـ سازمان‌های اداری

۵ـ گراند لژ آلمان

۶ـ سازمان تشکیل جلسات برای اخذ تعلیمات عالیه

۷ـ گراند لژهای محلی

۸ـ گراند لژ مملکتی

۹ـ عالیترین تشکیلات گراند لژ محلی

۱۰ـ تشکیلات فراماسونری حومه‌ها

۱۱ـ تشکیلات بزرگ محلی

۱۲ـ گراند لژ ملی مادر

Grosse National mutter loge zu Den Drei Weltkugeln

۱۳ـ سازمان اداره لژها و فراماسونهای اتحادیه گراند لژهای آلمان

۱۴ـ لژهای آلمانی خارج از اروپا که به‌زبان آلمانی کار می‌کنند .

اتحادیه گراند لژهای آلمانی در خاورمیانه در اسرائیل و ترکیه لژهائی دارند که بازبان آلمانی کار می‌کنند . در اسرائیل درشهرهای حیفا ـ اورشلیم ـ تل اویو ـ مخار اباح و در ترکیه سه لژ آلمانی است که درشهر استانبول کار می‌کنند. درخاتمه معرفی سازمان‌های فراماسونی در آلمان بی‌مناسبت نیست که یکبار دیگر گزارشی راکه گراند ماستر لژ نظامیان انگلیس درایران (روشنائی درایران) برای سرگرد بتیستای امریکائی (مأمور جمع آوری اطلاعات در ایران ۱۹۶۴) و سایر افسران نظامی لژ نظامیان امریکا در ایران (ایران چاپتر ۴۶۱) در کلوب افسران امریکائی خوانده است ، نقل کنیم . دراین گزارش ، آنچه کـه سرهنگ

دوم «کورفیلد» انگلیسی در مجله ارگان فراماسونری انگلند نوشته ، مورد تائید قرارگرفته وچنین گفته شده است :

«پس ازجنگ اخیردوگراند لژجداگانه درآلمان بوجودآمدکه هیچکدام ازآنها از طرف گراند لژهای اسکاتلند ، یاگراند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی‌شدند و دلیل آن هم این بودکه این دوگراند لژآلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند . اما پس از مذاکرات زیادی‌که بین‌خودآنها ازیك طرف وبین آنها وگراند لژهای اسکاتلند، انگلیس وفرانسه ازطرف دیگرصورت‌گرفت، این دوگراند لژ اختلافات خود را حل‌کردند و با یکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب‌گراند لژهای متحده آلمان بوجودآمد . اکنون‌گراند لژهای متحدآلمان، ازطرف گراند لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه برسمیت شناخته می‌شوند وبا آنها روابط مودت‌آمیز دارند» و بدین ترتیب می‌بینیم کـه افسران نظامی ممالك غرب چگونه در لژهای فراماسونیزم جهان نفوذ دارند و اگر اشتباه نکرده باشیم باید بگوئیم کـه سلول‌های ماسونیزم جهانی با فعالیت‌های نظامیان (جهان غرب) بی‌ارتباط نیستند و بنابراین جا دارد که مردم وطنخواه از این شبکه‌های مخفی و اعمال وکردار و پنهانکاری آنان وحشت داشته باشند . ! !

تشکیل لژهای آلمانی در ایران

نخستین‌فراماسون ایرانی‌که‌بفکر تأسیس وایجادلژهای تابع گراندلژهای آلمانی در ایران افتاد ، دکتر تقی اسکندانی بود . وی‌که تحصیلات عالیه خود را در دوران زمامداری نازی‌ها درآلمان هیتلری بپایان رسانیده بود ، از آن گروه میهن پرستانی است‌که «وطنپرست‌افراطی» نامیده می‌شوند . اسکندانی بیست و هفت‌سال قبل‌وارد خدمات دولتی شد ودوپست‌مهم دولتی او، مدیریت عامل‌شرکت نساجی ایران و مدیریت شرکت برق‌تهران بود،که درهردومقام با اداره مقتدرانه امور لیاقت وکاردانی خود را نشان داد . دکتر مهندس‌تقی اسکندانی‌که در آلمان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وارد لژ فراماسونری شده بود ، در ایران باراهنمائی یکی از دوستان خود به لژ همایون بپوست .

دکتر اسکندانی ازفعالیت دراین لژنه تنهاخاطره خوبی ندارد ، بلکه‌اصول تشکیلات آنرا غیر صحیح‌می‌داند. خوداو می‌گوید: «وقتی از آلمان بایران آمدم بامرحوم حکیمی و آقای تقی‌زاده تماس‌گرفتم. بآنهاگفتم فراماسون هستم ومی‌خواهم لژ فراماسونی درایران تشکیل بدهم . آنها گفتند فعلاکه زمینه ترویج این فکر درایران آماده نیست . بعلاوه عده‌ای دورهم جمع شده‌اند و لژی تشکیل داده‌اند که ازچگونگی کار ونحوه فعالیت آنها بی‌اطلاعیم . باراهنمائی این آقایان بایکی از مقامات مؤثر لژمذکور تماس گرفتم . در اولین ملاقات باعلائم و نشانیهائی که محمدخلیل‌جواهری داد، فهمیدم‌که او نیزماسون‌است، ووارد تشکیلات لژهمایون شدم . در روزهای اول ، هنگام ورودبه لژ ، جواهری به من گفت‌چون تودرآلمان بوده وعضویت‌لژهای دیگر راداشته‌ای، بایدفلان‌مبلغ‌رابه اضافه هزینه‌تلگرافی که برای تحقیق درباره شما مخابره کرده‌ایم ، بپردازید . علاوه بر این هنگام گردانیدن‌کیسه خیریه ، هرچه می‌توانستند از اعضاء پول می‌گرفتند . درحالیکه سنت فراماسونیزم، اینست که ماسون‌ها هرقدرمی‌توانند ، کمك می‌کنند، نه‌اینکه مجبورشان‌کنندکه هرچه در جیب دارند بپردازند ! وقتی‌وضع داخلی لژ همایون راچنین‌دیدم، مشاهداتم رابرای آقایان‌حکیمی وتقی‌زاده نقل‌کردم. آنهاخندیدند وگفتندماهم ازاین تشکیلات خبرهائی داریم، ولی‌خود هیچگونه تمایل‌وعلاقه‌ای بکار آنها نداریم . اما باآنان نیز مخالفت ومبارزه‌ای نمی‌کنیم .

چند ماهی در لژ کار می‌کردم ، تا اینکه برای انجام مأموریتی مجبور به مسافرت رضائیه شدم . طبق رسوم قدیمی و دیرینه ماسون‌ها ، موضوع و مقصد مسافرت‌را به‌اطلاع جواهری‌استاداعظم‌لژ رسانیدم.ولی‌ایشان به‌من‌گفتند،فعلا دو هفته‌ای مسافرتتان را به عقب بیاندازید. پرسیدم چرا وبه چه‌دلیل؟ او در جواب گفت «بزودی یکی از مأمورین‌اینتلیجنس سرویس‌به‌تهران می‌آیدومی‌خواهدتو

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



«دکتر محمد تقی اسکندانی دبیر بزرگ [illegible] محفل ایران»

را ملاقات کند. از شنیدن این جمله بشدت برآشفتم، لذا با اینکه در آن حال [illegible] نشسته بودم [illegible] آهسته [illegible] این مطالب [illegible] گفتم، من چه ارتباطی با اینتلیجنس سرویس دارم؟ چرا باید با اینتلیجنس سرویس مرتبط باشم؟ من [illegible] مشکلات [illegible] آقای [illegible] مردم و [illegible] توسعه آزادی [illegible] ولی حالا می بینم شما، مطالبی عنوان می کنید که بهیچوجه ارتباطی [illegible]

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

این جملات اعتراض آمیز من ، سبب دخالت چند نفر دیگری که حضور داشتند ، شد و آنهاهم در بحث ماشرکت کردند . ویکی دونفرکه از ذکر نامشان معذورم،گفتند : عصبانیت شمابیهوده است ، ماهم‌چنین ملاقات‌هائی کرده‌ایم ... به آنان جواب دادم ، شما هم کار غلط ونادرستی کرده‌اید، من حاضر نیستم درچنین اجتماعی شرکت‌کنم !

بعد ازمراجعت ازسفر، یك شبدر اجتماع باشگاه حافظ، درباره‌فراماسونی درسویس و نحوه کار وفعالیت آنها سخنرانی مفصلی ایراد کردم که با اعتراض جواهری مواجه‌شد. اوگفت‌ما نمی‌خواهیم‌فراماسونی سویس‌راسرمشق‌کارخودمان قرار بدهیم . مابافراماسونی انگلیس بستگی داریم وعبودیت وسروری آنها را پذیرفته‌ایم . این‌گفتگوها و مشاجرات ، سبب شدکه برای همیشه از لژ همایون کناره‌گیری کنم . بعدها شنیدم که دکتر غلامرضا کیان نیز اولین ناطقی بوده ، که علیه بعضی از عملیات انجام شده در لژ همایون سخنانی ایرادکرده است . پس از اینکه از لژ همایون کناره‌گیری کردم ، باردیگر باآقای تقی‌زاده تماس‌گرفتم ، و از آن روز تاکنون مرید ایشان هستم .»

تشکیل لژ های آلمانی

در فصول پیش چگونگی انحلال لژ همایون و تشکیل لژ های وابسته به اسکاتلند وفرانسه را به تفصیل بیان‌کردیم. در برچیده شدن لژهمایون، مرحوم حسین علاء نقش‌مؤثر و درجه اول‌را داشته است و او راباید در این اقدام پیشقدم بدانیم . مرحوم علاء دراین‌باره به‌نویسنده‌گفت : ابتدا تصور می‌کردم لژ همایون برای پیشرفت مرام و مقصد ماسونیزم بوجود آمده است . به همین جهت هرگاه محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ مذکور ، مراجعه‌ای می‌کرد ، بدون مضایقه او را کمك ویاری می‌کردم . زیرا او را بدون تردید فراماسون وابسته به‌یکی‌از لژهای معتبر می‌شناختم . ولی متأسفانه باید بگویم‌که او وعده زیادی از یارانش کداکنون‌درلژهای انگلیسی‌وفرانسوی‌فعالیت‌دارند وحتی‌مقامات عالیه راعهده‌دار

شده‌اند ، راه های غلطی در پیش گرفته بودند . آنان نه تنها در اجرای هدف های ماسونیزم نمی‌کوشیدند ، بلکه اعمال وافعالی انجام می‌دادند، که حتی تکرار آنها برای‌من وهن‌آوراست. ارتباط هائی‌که دراین لژ با فراماسونهای خارجی برقرار شده بود ، برای من‌که همیشه بداین مملکت عشق می‌ورزم وبارهانشان داده‌ام که در راه سربلندی واقعی میهنم درصف‌اول پیکار بوده‌ام ، ناراحت کننده ، بود. بعد از آنکه همه موجبات انحلال لژ همایون‌آماده شد، من در ازهم‌پاشیدن سازمان مذکورپیشقدم‌شدم‌وخوشبختانه دراین‌کارتوفیق‌حاصل‌کردم.

بامتلاشی شدن لژمذکور وتقدیس وتأسیس لژهای دیگر ، مکرر از طرف شخصیتهای فراماسونی ایران ، بمن مراجعه شدکه در یکی از سازمان های آنها شرکت جویم . ولی بعللی‌که باسلیقه و نظر شخصی‌ام ارتباط دارد ، حاضر نشدم با آنها همکاری‌کنم. تااینکه از طرف چندنفراز شخصیتهای‌قابل اعتماد فراماسون، پیشنهاد تأسیس لژی‌که با دوسازمان ماسونیزم انگلیس و فرانسه بستگی نداشته باشد ، عنوان شد . بعد از اینکه شش‌نفراز استادان ماسونیزم ایران ، باهم برای تأسیس لژ های آلمان در ایران توافق کردند ، باآنها هم عهد شده و فعالیتی را که متأسفانه نمی‌توانم جزئیات آنرا افشاء کنم و یا نام برادرانم را بگویم ، آغاز کردیم . »

مرحوم علاء پس از اینکه با وساطت یکی از وزرای کابینه‌اش این مطالب را برای نگارنده شرح داد ، قول گرفت که عین جملات ایشان را منعکس‌کنیم و بنویسم وپس از اینکه یادداشتهای تنظیم شده را مجدداً خواندند وتصویب‌کردند آنها را نقل‌کنیم . دوروز بعد از این ملاقات ، آنچه راکه‌گفته بودند ، روزی‌کاغذ سفیدی نوشته به همان وزیر کابینه‌اش دادم تابنظر وی برساند . مرحوم علاءبعد از خواندن جملاتی‌که گفته بودند ، در روی چندکلمه بامداد قرمز خط کشیدند ولی حاضر نشدند ذیل ورقه اظهارات را امضاءکنند . ایشان به همان وزیرکابینه گفته بودند «گفته‌شفاهی‌ام از امضای من معتبرتر است»

تشکیل سه لژ دیگر

بااین‌مقدمات، نخستین‌لژفراماسونی بنام«مهر» بنابه‌تقاضای هفت استاد فراماسونی تشکیل شد. هفت استاد تقاضاکننده عبارت بودند از:

حسین‌علاء ـ سیدحسن تقی‌زاده ـ مختارالملک‌صبا ـ عبدالله انتظام ـ دکتر تقی اسکندانی ـ ابوالحسن حکیمی اتباع‌ایران و«فوکل» تبعه آلمان.

این هفت استاد ماسونی ابتدا از لژ «الپینا»ی سویس تقاضاکردند تا اجازه تشکیل لژی بنام«مهر» تابع قانون اساسی این گراند لژ مستقل وآزاد سویسی‌را بآنهابدهند. ولی‌لژ«الپینا» سویس‌بآنها اطلاع دادکه‌نمی‌تواند بااین تقاضاموافقت کند، زیرا گراند لژ مذکورمنحصراً درسویس فعالیت‌داشته وباهیچیک از سازمان های فراماسونی جهانی بستگی ندارد.

در نتیجه هفت استاد مذکور ازسازمان فراماسونی‌آلمان‌که «لژهای متحده آلمان» نامیده می‌شد، تقاضای تشکیل لژی راکه وابسته به آنها باشد نمودند. سازمان ماسونی‌مذکور بلافاصله بااین تقاضا موافقت‌کرد واولین قدم این هفت‌نفر تشکیل یك سازمان نیمه مخفی بنام «کلوپ ماسونیك» بود. بطوریکه قبلا گفته شد، فراماسونها قبل از اعلام‌رسمیت ویابعد از آغاز بکار وفعالیت، سازمان‌های نیمه مخفی‌تشکیل‌می‌دهندودرزیر نام «کلوپ»«انجمن»و«جمعیت» بکارمی‌پردازند این هفت استاد نیزکه‌می‌خواستند بدون اتکاء ویا قبول تابعیت لژهای انگلیسی‌و فرانسوی تشکیل جلسه دهند ابتدا سازمانی بنام «کلوپ‌ماسونیك» تشکیل دادند وچند نفری رانیزکه می‌خواستند بلافاصله بعضویت بپذیرند بعنوان‌اعضای اولیه وارد مجمع خودکردند. سازمان فراماسونی آلمان بااعلام قبولی تشکیل لژمهر در ایران منشور تأسیس لژ را صادر کرد و به اصطلاح ماسون‌ها «نور» از آلمان بایران آورده شد وروز هفدهم بهمن ۱۳۳۸ لژ مهر در ایران تشکیل گردید.

همینکه چندماهی ازآغاز فعالیت لژمهرگذشت، وعده اعضای این لژبحد نصاب‌رسید، مرحوم حسین علاء بنام «اولین استاد اعظم» این لژ انتخاب شد و

تشریفات انتصاب او با برگزاری همه آئین‌ها و مقررات لژهای آلمانی صورت گرفت. دبیر این‌لژ ابتدادکتر تقی اسکندانی بود، و بعد از تشکیل گراند لژ مستقل ایران، وی بسمت «دبیربزرك»گراند لژمذکور انتخاب گردیدکه تا امروز نیز همین سمت را دارد.

استقبالی که یك طبقه خاص، یعنی روشنفکران ایرانی از سازمان جدیدـ التأسیس‌مذکور نمودند، باعث شد، فکر تشکیل لژ دیگری که در آن ایرانیان «آلمانی زبان» و«آلمانیهای مقیم تهران» عضویت داشته باشند. بوجودآید. این لژکه «آفتاب» نامیده می‌شود، درآن ایرانیان‌وآلمانی‌ها فعالیت داشتند واستادی آن با «فوگل» آلمانی بود. پس از تشکیل این دو لژ و ثبت نام و مشخصات آن در دفاتر فراماسونی جهانی، لژهای انگلیسی و فرانسوی که در ایران فعالیت می‌کردند، آنها را به رسمیت شناختند و درهای محافل خود را بروی اعضای آن گشودند. زیرا بطوریکه قبلا گفته شد، لژهای متحده آلمان هم پس از قبول «عبودیت و سروری و برتری» لژهای انگلیسی در سازمان‌های ماسونی جهان به رسمیت شناخته شده بودند و آمیزش و ارتباط با آنها را قانونی اعلام کردند. بنابراین لژهای انگلیسی و فرانسوی در ایران نیز این لژها را به صورت لژ با قاعده شناختند وحتی در تشکیل «لژ تهران» که در روزپانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۷ درکلیسای انجیلی تهران واقع درخیابان قوام‌السلطنه تقدیس‌وتأسیس شد، شرکت داشتند. علاوه بر آن در یکی از جلسات این لژ دکتر تقی اسکندانی سخنرانی بسیار جالبی تحت عنوان «آئین باستانی و بزرگ بنایان آزاد درجهان و کشورما» ایراد کرد.

فراماسونی آلمان که از پیشرفت سریع دولژمهر وآفتاب راضی شده بود، به هیئت رهبری این دو لژ اجازه داد تا لژ دیگری نیز تأسیس کنند. این لژکه «ستاره سحر» نامیده شد و در ردیف لژهای متحد آلمان درجهان در ردیف ۸۹۱۲ ثبت شده است، بزودی دارای چهل عضو شد واستادی‌آن بمهندس شریف امامی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واگذار گردید، مهندس شریف امامی که در مدت سه ماه عضویت در لژ آفتاب، از عضویت ساده به درجه استادی و حتی استاد ارجمند ترقی کرده بود، بزودی در رأس لژ «ستاره سحر» قرارگرفت.

پس از تشکیل این سه لژ، سازمان فراماسونی آلمان موافقت خود را با تأسیس گراند لژی از سه لژ (مهر ـ آفتاب ـ ستاره سحر) اعلام کرد. تشکیل فوری «گراند لژایران» بتدریج به اهمیت این‌سازمان فراماسونی‌افزود، بخصوص که کارگردانان وهیئت رهبری‌آن، سعی داشتند، بیشتر آداب ورسوم و ریتول‌های داخلی محافل را تغییر داده به آن شکل ایرانی بدهند. مثلا درلژهای انگلیسی فرانسوی، امریکائی، مجسمه‌هائی ازموسی ـ مسیح ـ سقراط ـ بقراط ـ آبراهام لینکلن و غیره می‌گذارند و آنها را ستایش می‌کنند. ولی در لژهای فراماسونی گراند لژفوق‌الذکر، تمثال حضرت علی علیه‌السلام را نصب می‌کنند وابیات مثنوی مولوی را می‌خوانند. این تغییرات که مرحوم حسین علاء در بوجود آوردن آن مؤثر بود، بتدریج سبب مخالفت لژهای انگلیسی و فرانسوی و سنت پرستان با این لژها شد. لژهای انگلیسی سعی داشتند با ورود در جلسات لژهای (مهر ـ آفتاب ـ ستاره سحر)، افکار و نظرات و ریتول‌ها و تشریفات ماسونی خود را در این محافل رواج دهند. اماآنان حاضر به نزدیکی وهمکاری نمی‌شدند، تاجائیکه استاد اعظم لژ روشنائی ناچار از شکوه و شکایت بخاطر بی‌اعتنائی هیئت رهبری واستادان اعظم‌لژهای‌آلمانی‌شد. اودریك‌گزارش رسمی‌چنین می‌نویسد: «... رفتن ما به لژهای آلمانی ازلحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی به نظرمن رفتن ما به آنجا مطلوب نیست، زیرا که تا کنون خود آنها تمایلی باین امر نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی‌نپیوسته‌اند»[1] استاداعظم‌لژسپس اظهارامیدواری می‌کند«... امیدوارم که‌بزودی موافقت‌خودرابرای‌پیوستن‌به‌کمیته مرکزی، باجمعیت‌کامل‌فراماسونری اعلام دارند»[2].

---

۱ ـ گزارش ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ ـ لژ روشنائی به لژ افسران امریکائی.
۲ ـ ایضاً همین گزارش.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعلام استقلال و خود مختاری

پنج سال بعد از اینکه، لژهای آلمانی فعالیت خود را آغاز کردند وگراند لژی تشکیل دادند، دریکی ازجلسات عمومی «لژهای متحد آلمان» که دکتر تقی اسکندانی، شرکت کرده بود، موضوع «استقلال و خودمختاری» گراند لژ مستقل ایران مطرح شد. اسکندانی، دبیربزرگ گراند لژ مستقل ایران از «تئودور ووکل» خواست تا موافقت هیئت مدیره و استادان لژهای متحده آلمان را با اعلام استقلال کسب‌کند. او ضمن توضیحات حضوری علاقه هیئت رهبری گراند لژ ایران رابه عدم همبستگی لژهای سه‌گانه (مهر ـ آفتاب ـ ستاره سحر) ابراز کرد و ازاو خواست تا اجازه داده شود که این گراند لژبطورخود مختار ومستقل عمل کند، همچنانکه بعضی از گراند لژهای دیگر در کشورهای مختلف عمل می‌کنند. سرانجام دردسامبر ۱۹۶۰ لژهای متحده آلمان، استقلال سه لژفوق‌الذکر و گراند لژمستقل ایرانی را اعلام کردند ودرمجله Die Bruder Schaft موافقت این لژها با استقلال و خود مختاری آنان اعلام شد.

یکسال بعد از این که لژ مذکور مستقلا فعالیت کرد، در بلژیك «کنوان» لژهای متفق ومتحد «لژهای متحده آلمان» تشکیل شد وطبق دعوت هیئت مدیره کنوان چندنفر بنمایندگی گراندلژایران دراین‌جلسه شرکت‌کردند. دراولین‌جلسه نامه‌ای را که به امضای سه نفر از اعضای کرسی لژ ستاره سحر رسیده بود، بنمایندگان ایران نشان دادند. دراین‌نامه سناتور مهندس شریف امامی ـ سناتور اشرف احمدی ـ سناتور امیر حکمت به‌استاد اعظم لژ های متحده آلمان اطلاع داده بودندکه باموافقت سی‌وهفت نفر از اعضای لژ ستاره سحر، آمادگی خود را برای‌الحاق وهمبستگی مجددبه «لژهای‌متحده‌آلمان» وخروج ازگراندلژایران، اعلام می‌داریم. این چهل نفر در نامه‌خود به‌استاد اعظم‌لژهای متحده آلمانی‌نوشته بودندکه کماکان مشتاق همبستگی والحاق به ماسونی جهانی‌هستند ونمی‌خواهند درگراند لژ مستقل ایران باقی بمانند. در حالیکه همان وقت دو لژ دیگر یعنی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

(مهر ـ آفتاب) که «ووگل» وحسین علاء استاد اعظم آنهابودند ، همچنان‌درگراندلژ مستقل باقی بودند . استاد اعظم لژهای متحده آلمان بنمایندگان ایران می‌گوید: «چنانچه موافقت کنید ، امضاءکنندگان را از این لژ اخراج‌کنیم ، زیرا عمل‌آنها با انضباط و سنت ماسونی مغایرت دارد» نمایندگان ایران پاسخ می‌دهند که فعلا ، هیچگونه تصمیمی اتخاذ‌نشود تادرتهران با«استاد اعظم» مذاکره بعمل‌آید وتصور نمی‌رود وی‌هم بااین اقدام موافق باشد .

اخراج از سازمان جهانی ماسونیزم

پس از مراجعت نمایندگان اعزامی به «کنوان» بلژیك ، گزارش‌کاملی درباره تقاضای چهل‌نفرفراماسون عضو«ستاره سحر» از طرف‌آنان به حسین علاء استاد اعظم سه‌لژ (مهر آفتاب ـ ستاره سحر) تسلیم‌شد. مرحوم علا ازهیئت‌رهبری گراند لژ تقاضا کرد تادرباره این تقاضای : (شریف امامی ـ امیرحکمت ـ اشرف احمدی) و سی‌وهفت عضو دیگر لژ ستاره سحر نظر قطعی بدهند . هیئت رهبری گراند لژ مستقل ایران نیز ، پس از چند جلسه مذاکره سر انجام با جدائی همه اعضاء لژ ستاره سحر موافقت‌کرد .

درهمین‌ایام«استراکر» بنیان‌گذار لژهای‌فراماسونی‌انگلیسی، برای‌تأسیس وتقدیس یك لژ انگلیسی بتهران آمد . اوطی چند جلسه مذاکره باهیئت‌رهبری گراند لژ مستقل ایران ، بآنان پیشنهاد الحاق بیکی از گراند لژهای وابسته به انگلستان راکرد، ولی‌هیئت رهبری‌بااین تقاضای‌مؤسس لژهای‌انگلیسی درایران موافقت‌نکرد. درنتیجه وی به گراند لژهای فرانسوی وانگلیسی درتهران‌دستور داد تاارتباط همه جانبه خود را بااعضای لژهای (مهر ـ آفتاب) قطع‌کنند . بعد از مراجعت استراکر به انگلستان ، سازمان فراماسونری آلمان نیز بدستورگراند لژهای فراماسونری انگلستان ، همه ارتباطات خود را بااین دولژ قطع‌کرده وبه حسین علاء اطلاع داده شدکه ازاین پس درسازمان های فراماسونی جهانی‌لژهای آنها (غیرقانونی) شناخته می‌شود .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

هیئت رهبری این «لژ» بلافاصله دولژ دیگر بنام‌های «وفا» و «صفا» تشکیل دادند وباقیمانده آثار «عبودیت» لژهای جهانی را هم از خود دورکردند. اینان‌که جلسات خودرا در محل انجمن اخوت تشکیل می‌دهند ، نام محل تشکیل جلسات خودرا «معبد» و «کارگاه»گذاشته وکسانی رابه عضویت می‌پذیرندکه قبلا باسازمان جهانی ماسونیزم پیوندی، نداشته باشند. وبدین‌ترتیب تاامروز بفعالیت خودادامه می‌دهند .

دولژ آلمانی ستاره سحر ـ ناهید

انشعابیون عضولژ«ستاره سحر» پس‌ازاینکه ازطرف‌اتحادیه «لژهای آلمان» برسمیت شناخته شدند ، مستقیماً ارتباط خود را بامرکز این سازمان جهانی برقرار کردند . چهل نفر مذکور وهم‌چنین لژ تابعه آنها درایران نیز موردتائید لژهای انگلیسی وفرانسوی قرارگرفت وپس ازاعلام استقلال ، حق آمدورفت‌در لژهای فعال ایران ، بآنان داده شد .

اتحادیه لژهای‌آلمانی نام لژ «ستاره‌سحر» را در ردیف لژهای‌جهانی‌خود به شماره‌۸۶۷ وسال تأسیس آنرا ۱۹۶۰ ثبت‌کرد. درسالنامه اتحادیه مذکورآدرس لژ را : تهران ـ خیابان تخت جمشید شماره ۱٦٤ وتلفن مأمور ارتباط وواسطه‌را سناتور امیرحکمت ۸۱۹٦٤ معرفی کرده است . در سالنامه سال ۱۹٦٤ سه رهبر این لژ را :

۱ ـ سناتور مهندس شریف امامی باتلفن‌های ۸۱۹۹٤-٤۲۰۵۵

۲ ـ ابوالحسن‌معدل ـ تجریش ـ خیابان ملك‌پور نمره ۸۷ تلفن ۸۵۲۳۳۸

۳ ـ قاسم لاجوردی ـ خیابان ژنرال زاهدی نمره ٦۸ تلفن ٤۰۷٦۵

در لژ«ستاره سحر» اینعده ازافراد مشهور ومؤثردرانشعاب معرفی‌شده‌اند:

۱ ـ مهندس شریف امامی ـ رئیس مجلس‌سنا

۲ ـ سناتور دکترعلی امیرحکمت

۳ ـ سناتور اشرف احمدی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مصافحه ماسونی دو استاد اعظم در تالار علنی مجلس سنا



این تصویر در تالار علنی مجلس سنا در لحظه ایکه دکتر سعید مالک رئیس سنی مجلس سنا ، انتخاب ریاست سنا را بشریف امامی تبریک می گوید ، برداشته شده است

٤ ـ عباس آرام وزیر خارجه سابق وسفیر کبیر ایران درلندن

٥ ـ قدس نخعی وزیر دربار اسبق وسفیر کبیر ایران درواتیکان

٦ ـ دکتر سید مهدی پیراسته سفیر کبیر ایران دربلژیک

٧ ـ سناتور مطیع الدوله حجازی

٨ ـ همایون بهادری

٩ ـ ابوالحسن معدل عضو شرکت نفت

١٠ ـ قاسم لاجوردی ـ بازرگان

١١ ـ دکتر شفیع امین وکیل مجلس شورایملی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اسامی سایر اعضای این دولژ ومنشعبین وهم‌چنین شرح اقدامات وفعالیت های آنان درجلد چهارم این کتاب به تفصیل خواهد آمد.

هیئت‌رهبری لژ «ستاره سحر» بااجازه اتحادیه لژ های آلمانی درسال ۱۹٦٤ لژ دیگری بنام «ناهید» تشکیل دادند. مشخصات این لژ که از لژهای تابعه «ستاره سحر» معرفی شده:

تهران ـ قلهك خیابان امیرحکمت نمره ۳ـ۸۰ ـ دکتر علی امیر حکمت تلفن ۸۱۱۳۱ می‌باشد.

اکنون که از تشکیل لژهای آلمانی، انشعاب واستقلال والحاق مجدد دولژ به سازمان های ماسونی جهانی آگاه شدیم، به معرفی دواستاد اعظم مادام العمر گراند لژ مستقل ایران، می پردازیم:

نخستین استاد اعظم نخستین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران، حسین علاء سیاستمدار مشهورایران بود. وی که از بیست سالگی تاروزی که بدرود حیات گفت صاحب مشاغل مختلف وحساس مملکتی بود درامریکا بسازمانهای فراماسونی پیوست. حسین علاء که بلافاصله پس از خاتمه تحصیل وارد کارهای دولتی شده بود فقط تایکسال بعد از تاجگذاری اعلیحضرت فقید، رضاشاه کبیر شغل و مقام دولتی نداشت. ولی از آن پس مرتباً شاغل مقامات گوناگون، از جمله مدتها سفیرکبیر، وزیر، و صاحب مقام های عالیه دیگر دولتی بود.

حسین علاء درتمام دوران فعالیت سیاسی واجتماعی خود ـ پس از بازگشت به ایران با تقی‌زاده، حکیم‌الملك و سایر فراماسونهای متنفذ و سرشناس مملکتی ارتباط دائم داشت وبایاری وهمفکری آنان امور مملکتی را اداره می‌کرد.

حسین علاء قبل از اینکه درلژمهر وگراند لژ مستقل ایران بدریافت مقام «استاد اعظم» نایل شود از لژ ایده‌آل جهانی صاحب عالیترین عنوان یعنی مقام فراماسونری «مادام‌العمر» شده بود. نامه‌ای که وی‌در روز ۲۲ اوت ۱۹۵۱ درجواب استاد اعظم این لژ نوشته عیناً نقل‌می‌شود:



حسین‌علاء، نخستین استاد اعظم لژ مستقل ایران

تهران ۲۲ اوت ۱۵۹۱

عالیجناب آقای حنالابی‌راشد استاد بزرگ با عنوان مادام‌العمر ، لژ ایده‌آل جهانی قاهره .

آقای جواهری ، منشی سازمان جهانی ایده‌آل در تهران نیات محبت آمیز شمارا در مورد اعطای عالیترین درجهٔ ماسونری به اطلاع من رسانید.

ضمن سپاس از قصد التفات‌آمیز شما خاطر نشان می‌سازم که این افتخار بزرگی را که نصیب من می‌سازید قبول می‌کنم وهمکاری برادرانه خود را اعلام می‌دارم و متذکر می‌کردم که انتظار دارم از نقطه نظرهای عاقلانه و برادرانه ماسونری شما استفاده می‌برم و سعی می‌کنم مستقیماًوظایف خود را انجام داده و به ایده‌آل خود

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

Téhéran, le 22 août
1951

Son Excellence,
Monsieur Hanna Abi
Rached,
Grand Maître, à titre viager,
de la Loge [illegible] Mondiale,
Le Caire

Monsieur Djavâhiri, Fondateur de
l'Organisation Mondiale idéale à
Téhéran, m'a donné connaissance
de l'aimable intention que vous
avez de m'accorder le plus haut
degré de maçonnerie.

Je m'empresse de dire
que j'apprécie vivement cette
gracieuse attention et que j'accepte
l'honneur que vous m'avez conféré.

Avec votre collaboration fra-
ternelle et vos sages conseils la
confraternité maçonnique ne man-
quera pas de renforcer de [illegible]
succès et [illegible] l'idéal
de la paix, de la liberté, de la
fraternité et de l'égalité.

Veuillez agréer, Grand
Maître, l'expression de mes
sentiments sincèrement
fraternels ainsi que l'assu-
rance de ma haute
considération.

(signé) Hossein Ala

استلمت الرسالة الواردة من طهران ... ۹۸
في دفتر وارد المحفل الاكبر المعالي العالمي -
في القاهرة واحد ثاني الاستاذ الاعظم للمحفل
الاطلسي في طهران



نامه حسین علا نخست‌وزیر اسبق به حنا ابی راشد، استاد اعظم گراندلژ ایده‌آل جهانی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و به صلح ، آزادی ، برادری و برابری خدمت کنم. استاد بزرگ امیدوارم صمیمانه‌ترین احساسات برادرانه مرا و همچنین احترامات فائقه‌ام را بپذیرید . حسین علاء

بطوری‌که پرویز صدیقی منشی مخصوص مرحوم علاء اظهار می‌داشت جواب نامه فوق را که به زبان فرانسه تهیه شده ، امیرعباس هویدا که از دوستان و افراد مورد علاقه حسین علاء نخست‌وزیر وقت بود انشاء و نوشته است . این نامه که روز ۳۰ اوت ۱۹۵۱ در قاهره به استاد اعظم لژ ایده‌آل جهانی رسید ، در دفتر لژ با شمارهٔ ۹۹۸ به ثبت رسیده است و فتوکپی آن در سفر سال ۱۳۳۷ شمسی نگارنده به مصر بدست آمد .

دومین استاد اعظم

دومین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران ، سید حسن تقی‌زاده یکی از بنیان‌گذاران لژهای آلمانی در ایران است. وی که یکی از بازماندگان انقلاب مشروطیت در ایران بشمار می‌رود، نخستین بار درسال ۱۹۰۷ـ م (۱۳۲۵ـ ه) وارد لژ بیداری ایران شده و پرونده او در دوسیه شماره ۲۵ کارتن شمارهٔ ۵ بایگانی لژ به ثبت رسیده است.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، هرگاه در نشریات فارسی زبان و محافل و مجالس سیاسی ذکری از سازمانهای فراماسونری و فراماسونهای معروف ایران می‌شد ، نام سیدحسن تقی‌زاده در ردیف اول قرار داشت .

چنانچه در سال ۱۳۲۷ که از طرف عباس اسکندری شدید ترین حملات علیه فراماسونها در مجلس شورای ملی صورت می‌گرفت ، وی در استیضاح روز سی‌ام دی‌ماه و در جلسهٔ ۱۳۵ مجلس شورای ملی هنگامیکه در بارهٔ (نفوذ استعماری بریتانیای کبیر بوسیلهٔ فرقه فراماسون در ایران [1]) بحث می‌کند ، نام عده‌ای از از فراماسونهای ایرانی از جمله (حکیم‌الملك ـ تقی‌زاده ـ نجم‌الملك [2])

۱ ـ نفت و بحرین یا عباس اسکندری درخدمت مجلس پانزدهم ص ۳۵۵

۲ ـ در مدت بیست سالی که مشغول تحقیق در بارهٔ فراماسونری در ایران بودم ، جز درهمین استیضاح ونطق عباس اسکندری هیچگاه به نام نجم‌الملك برخورد نکردم .



سیدحسن تقی‌زاده فراماسون شصت‌ساله
ودومین استاد اعظم (مادام‌العمر)
گراندلژ مستقل ایران

را می‌برد[۱].

سید حسن تقی‌زاده در جواب عباس اسکندری در جلسهٔ هفتم بهمن ۱۳۲۷ می‌گوید :

« حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می‌دهم و با حرف‌های دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاك افسانه بود وبس ، مانند داستان موهوم فراماسون و حمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت که از ابرار و اخیار مملکت هستند ، با قصه‌های جن وپری دیگر کاری ندارم[۲].

۱ ـ رجوع شود به‌جلسهٔ روز یکشنبه سوم بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی ـ همچنین فصل سی‌ودوم همین کتاب.

۲ ـ مذاکرات مجلس شورای ملی جلسهٔ سوم بهمن ۱۳۲۷

نخستین اشاره به فراماسونری در ایران

با اینکه سید حسن تقی‌زاده در جلسهٔ علنی مجلس شورای ملی ، فراماسونری در ایران را (داستان موهوم) دانسته و بحث در بارهٔ آنرا وسیلهٔ « حمله به اشخاص صالح درجهٔ اول مملکت » می‌دانند با اینحال خود ایشان در یکی از شماره‌های مجله یادگار ازفراموسونری یادکرده و تنها راه نجات مملکت را ، تشکیل جمعیت فراماسون در ایران می‌داند ، وی می نویسد :

« چهارم تشکیل جمعیتی برای ترویج حیثیت و شرف وراستگوئی‌واجتناب از دروغ ودسیسه و نفاق و خودداری از مبالغه و اظهارات بی اساس و بی دقتی و احتراز از مسامحه وپرهیز از غیبت و نمامی و مخصوصاً ترك مطلق تعارفات بی حقیقت رویا روی (که ازبدترین مفاسد اخلاقی این ملت‌است) چه درکلام و عمل وجه درکتابت .

اگرچنین انجمنی از مردمان صاحبدل و منزه به وجود بیاید و به طورثابت و مستمرگذشته از تبلیغ قولی سرمشق مشهودی به دیگران نشان بدهد قطعاً در ایجادنهضت اخلاقی‌بی‌اثر نخواهدبود ومانندتأثیر محفل بناهای‌آزاد درانگلستان و فرقه «دوستان» یا«کویکرها» دربنای اخلاقی «انگلند جدید» در مشرق ممالك متحده امریکا وهمچنین در خود انگلیس‌انقلاب اخلاقی تدریجی به وجودخواهد آورد ... علامت اصلاح اخلاق راستگوئی موقوف‌کردن تعارفات وتملقات رویا-روی، تقید شدید به‌نظم در وقت ، حفظ وعده و حضور در سروقت ، حفظ قول ، سربلندی وسرفرازی ، عدم تلون و تبعیت‌در عقاید از ارباب نفوذ ووزش بادقدرت و ایجاز درکلام واکتفا به حد لازم است و هروقت ما اثری از این صفات در جمعی از جوانان خود دیدیم‌بالنسبه امیدوار می‌شویم والبته برای اینکار بهترین‌وسیله تشکیل جمعیت اخوانی است‌که مراتب حفظ صفات در همدیگر باشند وبا تشویق

واحترام دارندگان صفات وتحقیر وطرد متخلفین[۱]،

یك اقدام جالب

از جمله اقدامات جالبی که فراماسونهای عضو این گراند لژ آنرا بخود منسوب می‌کنند، مصاحبه مطبوعاتی معروف «سید طیب حسین» سفیرکبیر پاکستان درایران است. طیب حسین که به علت اقامت دو دوره مأموریت چهارساله در ایران، رنگ و خوی ایرانی بخود گرفته بود، از جمله دیپلماتهای پاکستانی است، که تلاش فراوانی برای نزدیکی دوکشور مسلمان ایران و پاکستان بکار برد. وقتی دوران مأموریت وی درایران پایان می‌یافت، بدوستان ایرانیش گفته بود، که پس ازبازنشستگی به ایران باز می‌گردد و بقیه ایام عمرش را درایران می‌گذراند. سید طیب حسین که به عضویت لژ فراماسونری «وفا» درآمده بود، پس از اینکه دولت پاکستان درسازمان ملل متحد نسبت به عضویت نماینده بحرین دریونسکورأی موافق داد، درصدد برآمد این اقدام زیان بخش دولت متبوع خویش را درایران ترمیم کند. زیرا پس از آنکه نماینده پاکستان در یونسکو به عضویت بحرین دراین سازمان جهانی رأی داد، اولیای دولت ایران درصدد برآمدند که اقدامات شدیدی اتخاذ کنند. طیب حسین که درجلسات داخلی لژ «وفا» و سایر لژهای گراند لژ مستقل ایران، مورد انتقاد قرار گرفته بود، ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه آیندگان، مجمع الجزایر بحرین را جزء لاینفك ایران دانسته و چنین گفت:

«پاکستان بتوصیه های یکی دو دولت برای شناسائی بحرین وایجاد رابطه سیاسی بازرگانی بااین جزیره‌کوچکترین اهمیتی قائل نیست وکماکان برای رفت وآمدهای خود بابحرین قبلا بادولت ایران مشورت می‌کنند زیرا پاکستان معتقد است‌که‌بحرین‌قسمتی ازخاك‌ایران‌است والحاق آن‌بخاك‌ایران ازخواسته‌های‌دولت و ملت پاکستان است[۲]»

طیب حسین سفیرکبیر پاکستان در تهران به خبرنگارآیندگان گفت «دولت

۱ - مجلهٔ یادگار شمارهٔ ۱۰ سال پنجم ص ۱۳.
۲ - آیندگان شماره ۱۶ـ۱۴ دیماه ۱۳۴۶

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



من فقط عنوان خلیج فارس را برسمیت می شناسد و در کلیه مکاتبات خود برای دریای جنوب ایران از این نام استفاده می‌کند. و اگر تاکنون در چند مورد بعضی از جراید پاکستان به خلیج فارس نام خلیج عربی داده‌اند اشتباه مترجمان آن نشریه‌ها بوده است که همین خبر خبرگزاریهای مقیم کشور های عربی را نقل کرده بودند و البته در این زمینه پاکستان از دولت ایران معذرت خواسته است»

چندی بعد از این مصاحبه، یکی از استادان لژ مهر از اقدام طیب حسین ستایش کرد و تذکرات پی‌درپی برادران فراماسونش را در انجام این مصاحبه مؤثر دانست. دولت پاکستان نیز از آن پس، نظر سفیر کبیر خود در ایران را صحیح دانست و بعدها هم پرزیدنت ایوب خان، سیادت ایران را در خلیج فارس و حقانیت ایران را نسبت به مالکیت مجمع‌الجزایر بحرین صحیح و اصولی دانست.[1]

۱ ـ پس از رأی نماینده پاکستان در سازمان یونسکو، وزارت خارجه ایران، علیه این اقدام نماینده هم پیمان ایران «درسنتو» و «پیمان عمران منطقه‌ای R.C.D» اعتراض کرد. پرزیدنت ایوبخان برای اینکه از حقانیت ایران در مجمع‌الجزایر بحرین آگاه شود، از سفیر کبیر ایران خواست تا اسناد و مدارك و یا کتاب مستندی که دولت و وزارت خارجه ایران دارد، برای او بفرستند. وزارت امور خارجه ایران بعد از مدت‌ها، کتاب «بحرین» زبان انگلیسی، تألیف دکتر فریدون آدمیت، دیپلمات بیکار و خانه نشین وزارت خارجه را برای پرزیدنت ایوبخان فرستاد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برنامه دو ماهه

کارگردانان لژهای چهارگانه (مهر ـ آفتاب ـ صفا ـ وفا) سعی دارند، همه آداب ورسوم وتشریفات متداوله درلژهای جهانی را اجراء کنند. اینان که اکثراً در لژهای خارج از ایران فراماسون شده‌اند، درایران برای اجرای برنامه‌های منظم واز پیش تعیین شده، سعی فراوان دارند. برای نمونه یك برنامه دوماهه لژهای فوق رانقل می‌کنیم:

برنامه‌دوماهه:

برادرگرامی

برنامه‌تاآخردیماه ۱۳۴٦را بشرح زیر بهاستحضار می‌رساند:

شنبه	۱۱	آذر	۱۳۴٦	لژ وفا ـ تنصیب
یکشنبه	۱۲	«	«	« مهر ـ جلسه‌اداری
سه‌شنبه	۱٤	«	«	« آفتاب ـ تنصیب
شنبه	۱۸	«	«	« وفا ـ برنامه بعداً اعلام‌خواهد شد
یکشنبه	۱۹	«	«	« صفا ـ جلسه‌اداری
سه‌شنبه	۲۱	«	«	تعطیل
شنبه	۲۵	«	«	« وفا ـ سخنرانی
یکشنبه	۲٦	«	«	« آفتاب ـ جلسه‌اداری
سه‌شنبه	۲۸	«	«	« صفا ـ تنصیب
شنبه	۲	دیماه	«	تعطیل است
سه‌شنبه	۵	«	«	« مهر ـ جلسه اداری
شنبه	۹	«	«	« وفا ـ برنامه بعداً اعلام‌خواهد شد
یکشنبه	۱۰	«	«	« صفا ـ جلسه‌اداری
سه‌شنبه	۱۲	«	«	تعطیل است
شنبه	۱٦	«	«	« وفا ـ برنامه بعداً اعلام‌خواهد شد
سه‌شنبه	۱۹	«	«	« آفتاب ـ ارتقاء

شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۴۶ لژ وفا ـ تنصیب ـ شام عمومی درانجمن
سه‌شنبه ۲۶ « « « آفتاب ـ تنصیب
شنبه ۳۰ « « « وفا ـ برنامه بعداً اعلام‌خواهد شد

درصورتی‌که تشکیل جلسات دیگری ضرورت پیداکند بموقع توسط دبیر مربوط اطلاع داده خواهد شد .

ساعت‌شروع‌جلسات‌همیشه شش‌بعدازظهرمی‌باشد ـ توجه‌آن برادرارجمند مخصوصاً علاقمندی وکوشش درحضور موجب کمال امتنان خواهد بود .

فراماسونهای عضو چهار لژ گراند لژ مستقل ایران

کارگردانان وبنیان‌گذاران لژهای وابسته به‌اتحادیه لژهای آلمان ، از نخستین روز فعالیت خود سعی‌کردند ، در میان طبقه روشنفکر مملکت ودانشگاهیان نفوذ و رسوخ کنند .

استادان این لژ برای انتخاب اعضای جدید اهمیت خاصی قائل هستند وبرای پذیرفتن یك عضو جدید ، مقررات و شرایط دشواری در نظر گرفته‌اند. چنانچه برای پذیرفتن یك عضو جدید، می‌بایستی اقداماتی بشرح‌زیر معمول گردد :

۱ ـ لژهای فوق‌الذکرعضوغیرماسون‌ودرخواست‌کننده عضویت‌را(جوینده) می‌خوانند ، درحالیکه در لژ های تابع انگلیسی‌ها ، اینگونه افراد را (بیگانه) می‌گویند .

۲ ـ هنگامیکه‌جوینده‌ای تقاضای عضویت درلژ رامی‌کند ویا یك استاد لژ پیشنهاد عضویت‌فردجدیدی‌رامطرح‌می‌سازد، درخواست باپیشنهادبه یك‌کمیسیون تحقیق که مرکب از افراد زیرند ارسال می‌شود :

الف ـ ناظر اول و راهنمای لژ .

ب ـ دو برادر عضو

ج ـ یکی ازاعضای هیئت رهبری لژ .

اینعده‌که بموجب‌آراء جلسه عمومی لژ انتخاب می‌شوندتقاضای (جوینده)

رامورد بررسی قرار می‌دهد.

۳ ـ استاد، ضامن عضو جدید، باید مسئولیت وضمانت:

الف ـ اخلاق وشایستگی

ب ـ تعهدات مالی

ج ـ رفتار ودرجه اطاعت از دستورات واوامر را قبول وتعهدکند

٤ ـ قبل ازاینکه قبولی (جوینده) اعلام‌شود، بایستی شرح‌حال اوراهمراه باسوابق و صفات و مخصوصاً شایستگی وی برای عضویت در جرگه(بنایان آزاد) اعلام‌کنند.

٥ ـ تقاضای (جوینده) درشورای صاحب منصبان مطرح‌می‌شود.

٦ ـ اگر شورای صاحبمنصبان لژ که از اعضای هیئت رهبری تشکیل شده است عضویت (جوینده) را ردکرد به استاد معرف وضامن توصیه می‌کندکه‌پیشنهاد خود را مسترد دارد.

۷ ـ درصورت قبولی عضویت (جوینده) پیشنهاد استاد ضامن و معرف را به جلسه شاگردان ارجاع می‌کند.

۸ ـ اگر درجلسه عمومی اعتراضی نشد، رئیس‌کمیسیون پذیرش، به برادر معرف می‌گوید تا مدارك زیررا ازعضو جدیدبگیرد:

الف ـ شرح حال کامل خود باذکر محل سکونت.

ب ـ مشاغل مختلفی که جوینده داشته است.

ج ـ رونوشت شناسنامه و ۳ قطعه عکس.

د ـ تکمیل اوراق پرسشنامه.

۹ـ درلژهائی‌که به‌گراند لژهای جهانی بستگی دارند، نسخه‌ای از اوراق هویت (جوینده) و یا (بیگانه) را به زبانی که آن‌گراندلژ باآن زبان کارمی‌کند، تکمیل‌کرده وبه مرکز لژ می‌فرستند.

قبل از تشکیل گراندلژ مستقل ایران، اینگونه اوراق به آلمان فرستاده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌شد ولی بعد از اعلام استقلال ، اوراق تکمیلی را به کمیسیون تحقیق فرستاده ، پس از تصویب (استاد اعظم) و قبول عضویت (جوینده) بـه معرف و ضامن اطلاع می‌دهندکه تشریبات واوراق اولیه رادر اختیار عضوتازه بگذارند.

در تمام‌دورانی‌که این تشریفات‌انجام‌می‌شود ، تالحظه قبل ازورود(جوینده) به لژ اسم وعکس و شرح حال (جوینده) در معرض اظهار نظـر همه فراماسونها قرار می‌گیرد . اما پس از قبولی عضویت جوینده ، کلیه گـزارش‌های کمیسیون تحقیق و ضامن قبل از ورود (جوینده) به لژ نابود می‌شود .

۱۰ ـ بعد ازاینکه همه مراسم انجام و تحقیقات کامل شد ، ابتدا رئیس کمیسیون تحقیق ، جوینده رابه جلسه‌ای‌که خود او و دو عضو دیگر درآن‌حضور دارند ، دعوت می‌کند و با او به بحث و گفتگو می‌پردازد ، تا بار دیگر صلاحیت وشایستگی او را حضوراً تأییدکنند . در این جلسه مقدماتی پیرامون تشکیلات و هدفهای بنایان آزاد و فراماسونری جهانی را با تازه وارد در میان می‌گذارند . چنانچه او پس از این گفتگوها بازهم داوطلب ورود به جرگهٔ ماسون‌ها بود ، او را وارد لژ می‌کنند و در غیر این صورت موضوع عضویت (جـوینده) مسکـوت می‌ماند .

۱۱ ـ چهارهفته قبل ازاخذ رأی‌مخفی ، درجلسه شاگردان ، مشخصات‌کامل داوطلب دراختیار اعضای جلسه قرار می‌گیرد . هنگام اخذرأی اگریك هفتم آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده بود ، درخواست ردشده، تایك سال پس ازتاریخ اخذ رأی نمی‌توان عضویت اورا تجدیدکرد .

۱۲ ـ اگر تازه وارد تا شش ماه برای تنصیب و انجام تشریفات حاضر نشد ، پرونده او بـه شورای صاحب منصبان فرستاده می‌شود ، تا نسبت به داوطلب نظر بدهند .

۱۳ ـ درصورت اعلام قبولی همهٔ تشریفات ورود با چشم بسته به ترتیبی که درفصول جلد اول شرح داده شد ـ انجام‌می‌شود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مشخصات ۱۲۳عضو

در گراند لژ مستقل ایران، برای فرزندان فراماسونهای قدیمی به خصوص فرزندان اعضای لژ بیداری ایران اهمیت زیادی قائل هستند. شورای استادان و هیئت رهبری، اینگونه افرادرا (شیربچه‌گان) می‌نامند وعضویت آنها را برسایر داوطلبان و پیشنهاد شوندگان مقدم می‌دانند. بدین سبب در بین ۱۲۳ عضو چهار لژ (مهر ــ آفتاب ــ وفا ــ صفا) عده‌ای از فرزندان لژ بیداری وجود دارند که از جمله آنها فرزندان وثوق‌الدوله (علی وثوق) و قوام‌السلطنه (هادی قوام) را بایستی نام برد.

دربین اعضای چهارلژ فوق‌الذکر که اسامی و مشخصات آنها تا پایان سال فراماسونی (۱۳۴۶-۱۳۴۷) بدست آمده است و عیناً نقل خواهد شد، هفت استاد فراماسونی آلمان هستند که به نظر می‌رسد، این عده از مؤسسین لژ آلمانی‌زبان آفتاب (قبل ازاعلام خودمختاری) بوده‌اند.

این گروه که هنوز هم نامشان در بین اعضای لژ آفتاب نوشته می‌شود عبارتند از:

فن شبالات ـ شتگل ـ فوگل ـ کرمر ـ لاکروا ـ مولر ـ وانشافت.

علاوه بر اینها دو خارجی دیگر، یکی «سید طیب حسین» سفیر سابق پاکستان در تهران ودیگری (ژوزف‌بو) تبعهٔ سوریه رانیز بایستی نام برد.

از ۹ نفر مذکور که بگذریم، بقیه یکصد وچهار نفر عضو لژهای چهارگانه هستندکه دربعضی از لژهاشش نفر زیر، دردو لژ عضویت دارند.

۱ ـ نصرالله انتظام و مهندس رضاکیوانی، در لژهای مهر و وفا

۲ ـ ابوالحسن حکیمی و ادوارد ژوزف در لژهای مهر و صفا

۳ ـ عبدالله انتظام و دکتر جمشید مفخم درلژهای وفا و صفا

بدین ترتیب در چهار لژگراند لژمستقل‌ایران تاپایان سال ماسونی۱۳۴۶ـ۱۳۴۷ یکصدو بیست وسه‌فراماسون‌ایرانی وخارجی بدشرح‌زیر فعالیت‌می‌کردند:

۱ ـ لژ مهر ۴۲ عضو
۲ ـ لژ آفتاب ۳۱ «
۳ ـ لژ وفا ۳۵ «
۴ ـ لژ صفا ۱۵ «

اینک به نقل اسامی ۱۲۳ عضو ایرانی و خارجی گراند لژ مستقل ایران، مستخرج از اسناد رسمی دبیرخانه لژ می‌پردازیم:

لژ های تابع قانون اساسی گراند لژ ملی ایران

«لژ مهر»

الف :

آذین فر ـ حسن — آژیر ـ دکتر احمد
ابهری ـ دکتر علی — ادیبی ـ ابراهیم
اصفهانی ـ دکتر علی‌اکبر — اصفهانیان ـ حمید
انتظام ـ نصراله

ب :

بختیار ـ آقاخان — بهمن ـ سیف‌اله
بیات ـ پرویز

پ :

پوبانی ـ محمدحسن — پیرنیا ـ دکتر حسین

ت :

تقی‌زاده ـ سیدحسن — تهرانیان ـ احمد

ج :

جلیلی ـ سیدابوالحسن — جمال‌پور ـ علی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ح:

حریرفروش ـ فتاح

حکیمی ـ ابوالحسن

خ :

خسروانی ـ دکترخسرو

د :

دری ـ محمد

ز :

زرین‌کفش ـ علی‌اصغر

زرین‌کوب ـ دکتر عبدالحسین

ژ :

ژوزف ـ ادوارد

ص :

صبا ـ نصراله (مختارالملك)

صدرزاده ـ مهدی

صفا ـ دکتر ذبیح‌اله

ع:

عرفان ـ محمود

ف :

فرتاش ـ دکتر منوچهر

فرشی ـ محمدحسن

فلاح رستگار ـ احمد

فرخان ـ هوشنك

فرمانفرمائیان ـ دکتر حافظ

ق :

قوام ـ محمد

ك :

کیوانی ـ مهندس رضا

مشخصات ۱۲۳عضو

در گراند لژ مستقل ایران ، برای فرزندان فراماسونهای قدیمی به خصوص فرزندان اعضای لژ بیداری ایران اهمیت زیادی قائل هستند . شورای استادان و هیئت رهبری ، اینگونه افرادرا (شیربچه‌گان) می‌نامند وعضویت آنها را برسایر داوطلبان و یا ... می‌دانند . بدین سبب در بین ۱۲۳ عضو چهار لژ (مهر ـ

م :

مرشد ـ دکتر حسن | مطبر ـ محمود

ن :

نجفی عرب ـ سیف‌اله | نیامیر ـ کاظم

و :

ورزیده ـ حبیب‌اله

هـ :

هاکوبیان ـ زاون | همایونفر ـ محمد

ی :

یار شاطر ـ دکتر احسان

« لژ آفتاب »

الف :

اردلانی ـ خسرو

اسکندانی ـ دکتر نقی

امیرحکمت ـ دکتر کیومرث

ب :

بو ـ ژوزف

ت :

تهرانی ـ دکتر منوچهر

ج :

جهانداری ـ کیکاوس

ح :

حکیم زاده ـ رضا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ز :

زریاب خوئی ـ دکتر عباس
زند ـ اسمعیل
زند ـ دکتر امیرحسن
زند ـ دکتر داریوش
زند ـ شاهرخ

س :

سلطان زاده پسیان ـ دکتر حسینعلی

ش :

شیلارت ـ فن فرانتز کئورک (در آلمان)
شتگل ـ والتر (در آلمان)
شیبانی ـ دکتر احمد علی
شیخ الاسلامی ـ مهندس حسینعلی
شیلاتی ـ دکتر امیر

ف :

فخر طباطبائی ـ غلامحسین
فوگل ـ دکتر تئودور (عضو افتخاری)

ک :

کرمر ـ دکتر کئورک (در آلمان)
کورس ـ حسن

ل :

لاکروا ـ دکتر هانز ورنر (در آلمان)

م :

ملک اصلانیان ـ دکتر امانوئل
مولر ـ بورنر (عضو افتخاری)
میکده ـ مهندس غلامعلی
میکده ـ فریدون

ن :

نبوی ـ مهدی

و :

وانشافت ـ اسکار (در آلمان)

ه :

هربا ـ کرت (در آلمان)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

«لژ وفا»

الف :

اخوت ـ محمد

امینی ـ ایرج

انتظام ـ نصرالله

الی ـ دکتر خان بابا

انتظام ـ عبداله

ب :

بجستانی ـ مهندس کاظم

بهرامی ـ علی اکبر

بیگکاری ـ احمد علی

پ :

پورنسکی ـ دکتر رسول

ت :

تاج بخش ـ منوچهر

ج :

جهانداری ـ کیکاووس

ح :

حافظی ـ دکتر مسعود

ز :

زریاب خوئی ـ دکتر عباس

زرین کفش ـ علی اصغر

س :

سیاح ـ حمید

ش :

شاهمیر ـ مهندس نصرت‌الله

ص :

صبا ـ نصرالله (مختارالملك) | صدوقی ـ دکترحسین

صفائی ـ دکتر جواد

ط :

طباطبائی یزدی ـ عبداله | طبیب حسین ـ سید

ع:

علا ـ دکتر فریدون

غ:

غفاری ـ حسنعلی (معاون‌الدوله)

ق:

قوام ـ هادی | قدی ـ مهندس حسن

ك :

کیوانی ـ مهندس رضا

گ :

گنجهٔ ـ مهندس رضا | گوهریان ـ مهندس ابوطالب

م :

مسعود ـ قیصر | مشیری ـ علی

مفخم ـ دکترجمشید | ملك مدنی ـ سید هاشم

و :

وارسته ـ عباس | وثوق ـ علی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

«لژصفا»

الف:

اتحادیه ـ یوسف .
اسدی لنگرودی ـ نصرت‌الله .
امیری ـ عنایت‌الله .
انتظام ـ عبدالله .
اردلان ـ دکتر اسماعیل
امیرابراهیمی ـ دکتر جهانگیر.
امین ـ سید جعفر .

ح :

حکیمی ـ ابوالحسن .

ژ :

ژوزف ـ ادوارد .

ش :

شفیعاها

ص

صفائی سمنانی ـ عبدالعلی

م :

مشکوتی ـ مهندس محمدولی
مفخم ـ دکتر جمشید
مفتاح ـ حسین
مقیم ـ محمد

ه :

همایونفر ـ دکتر علی‌اصغر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آئین نامه لژ مهر

لژ مهر که در هفدهم بهمن ۱۳۳۸ در تهران تأسیس شده بود، پس از اینکه استادان فراماسونی آلمان، منشور تأسیس لژرا که بآن «نور» می‌گویند به ایران آوردند، نخستین کار مهمی کـه لژ مهر انجـام داد، تهیه آئین‌نامه‌ای برای لژ مذکور و سایر لژهائی که از آن پس تشکیل می‌شد، بود. تهیه این آئین‌نامه پنج ماه به طول انجامیدوچون پایان آن مصادف بـا تعطیلات لژها بود، قرار شد، درآغاز سال‌ماسونی‌بعد (شهریور۱۳۳۹- خرداد۱۳٤۰) مطرح شود. در نتیجه آئین‌نامه مذکور درجلسه‌عمومی شاگردان در تاریخ۱۵آذر ۱۳۳۹به‌تصویب رسید. درآن‌روز استاد لژسید حسن تقی‌زاده ودبیر لژغلامعلی میکده‌بود. پس از تصویب آئین‌نامه مذکور در«جلسه عمومی»، هیئت رهبری آنرا برای تصویب به «شورای‌اداری لژ بزرگ‌ایران» فرستاد و این سازمان نیز آئین‌نامه پیشنهادی را به‌تصویب رسانید و ذیل آن را آقایان عبدالله انتظام باسمت «استادبزرگ» وتقی اسکندانی باسمت «دبیربزرگ» امضاءکردند. متن‌آئین‌نامه‌لژمهر که ازباقیمانده اوراق یك شرکت مقاطعه‌کاری به دست‌آمده‌است[1]، در اینجا عیناً نقل می‌شود:

۱- ازمشحمتر مطبوعاتی که‌این‌آئین‌نامه را در اختیار نگارنده گذارده‌است،صمیمانه سپاسگزارم.

آئین نامه

لژمهر

در

شرق تهران

مصوب

۱۵ آذر ماه ۱۳۳۹

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فهرست آئین‌نامه

مقدمه

ماده ۱ – لژ مهر که در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۳۸ در شرق تهران تأسیس شده است تابع لژ بزرگ ایران می‌باشد.

ماده ۲ – برطبق اساسنامه لژ بزرگ ایران اعضای این لژ آئین بنائی آزاد را از روی اصول موسوم به «سن‌ژان» در سه رتبه شاگردی رفیق و استادی مجری می‌دارند و بنابراین لژ مهر از هرجهت قانونی و کامل می‌باشد.

ماده ۳ – تشکیل این لژ در حدود قوانین و مقررات کشور ایران صورت گرفته است.

ماده ٤ – هدف لژ مهر عبارت است از:

۱ – سعی در بالا بردن سطح فکری و اخلاقی اعضای خود

۲ – عمل به اصول بشردوستی و نیکوکاری.

۳ – کوشش در توسعه و تقویت دوستی و برادری، میان اعضای خود.

٤ – کوشش در اجرای اصول مندرج در قانون اساسی لژ بزرگ ایران و اطاعت از دستورهای آن.

۵ – کوشش در تربیت و تهذیب اخلاق عامه.

٦ – بنایان آزاد وطن ایران بوطن خود از هرجهت علاقمند و وفادارند و دفاع از آزادی واستقلال و حفظ داخلی کشور را وظیفه مقدس خود می‌دانند.

فصل اول

ماده ۵ – اعضای لژ مهر عبارتند از اعضای رسمی مجاز و افتخاری.

اعضای رسمی عبارتند از مؤسسین لژ و کسانیکه بموجب مقررات این آئین‌نامه از راه تنصیب پذیرفته شده‌اند و یا برادرانیکه باین لژ ملحق شده‌اند.

عضویت مختار افتخاری ازطرف لژ باعضاء رسمی اعطاء می‌شود که دارای رتبه استادی بوده و خدمات شایانی به بنائی آزاد و لژ مهر کرده باشند. اعضاء افتخاری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعضائی هستند که از سایر لژها بعنوان افتخاری بعضویت پذیرفته می‌شوند.

ماده ٦ـ اعضای افتخاری دارای حق رأی مشورتی خواهند بود. اعضای افتخاری بجلسات دعوت می‌شوند واز ادای حق عضویت معاف هستند.

ماده ۷ ـ بنایان آزادکه بستگی به لژ بزرگ ایران دارند ویا به لژهای دیگر بستگی دارند می‌توانند درجلسات لژ مهر حضور یابند مشروط براینکه قبلا بوسیله یك عضو رسمی باستاد لژ معرفی شده باشند. مهمانان عضو لژهای شناخته شده با ارائه ورقه عضویت خودکه منطبق بااصول باشد بااجازه استادلژ پذیرفته می‌شود. مهمانان مکلفندکه انتظامات لژ را رعایت نمایند.

فصل دوم

تشکیلات لژ

ماده ۸ـ تشکیلات لژ عبارت است از:

۱ ـ جلسه استادان
۲ ـ جلسه رفیقان
۳ ـ جلسه شاگردان (جلسه عمومی)
٤ ـ شورای صاحب‌منصبان
۵ ـ هیئت رهبری
٦ ـ استاد لژ
۷ ـ کمیسیون تحقیق درباره جویندگان
۸ ـ کمیسیون محاسبات

تبصره ـ وظائف واختیارات فوق دراین آئین‌نامه تعیین شده است.

جلسه استادان

ماده ۹ ـ جلسه استادان بعنوان مقام ارشد لژ دارای وظائف تفتیش واداری وقضائی می‌باشد.

الف ـ وظائف تقنینی

ماده ۱۰ ـ فقط جلسه استادان درموارد زیر بحث کرده وتصمیم می‌گیرد:

۱ ـ آنچه مربوط به رتبه استادی است.

۲ ـ آنچه مربوط به مراسم (Rituel) و رتبه های سه‌گانه لژ می‌باشد .

ماده ۱۱ ـ جلسه استادان قبلا درموارد زیر بحث نموده بعد بجلسه شاگردان پیشنهاد می‌نماید :

۱ ـ طرحهای مربوط به آئین نامه ومقررات وهمچنین دستورها و اوامری که برای لژ اجباریست .

۲ ـ بحث و اصلاح و قبول یارد طرح مراسم (Rituel) و تغییراتیکه از طرف هیئت رهبری پیشنهاد می‌شود .

ماده ۱۲ـ برای انتخاب استاد لژ جلسه استادان سه نفر را نامزد کرده به جلسه شاگردان پیشنهاد می‌نماید . همچنین پیشنهاد انتخاب صاحب منصبان و مقامات مهم دیگر لژ و یا نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ بعهده جلسه استادان است.

پیشنهاد شوندگان باید در جلسه شاگردان به اکثریت آراء انتخاب شوند .

تبصره ـ هر استادی حق دارد درخواست رأی مخفی نماید .

ماده ۱۳ ـ جلسه استادان دستورهائی را که شورای صاحب منصبان برای نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ یا به مجمع بنایان آزاد (Convent) پیشنهاد می‌کند مورد بحث قرار می‌دهد ودرصورت موافقت آنها را تأیید می‌نماید و بعداً گزارش اقدامات آنان را می‌خواهد .

ب ـ وظایف اداری

ماده ۱٤ ـ جلسه استادان عهده‌دار امور مربوط باخذ رأی و پذیرش در رتبه‌های سه‌گانه و تعلیمات در رتبه سوم می‌باشد بشرط تصویب لژ بزرگ و بنام لژ می‌تواند بامقامات بنایان آزاد وارد مذاکره شده قرار داد ببندد . در مورد استعفای عضوی بحث کرده تصمیم بگیرد .

ج ـ وظایف قضائی

ماده ۱۵ ـ جلسه استادان بعنوان مقام ارشد باختلافات حاصله بین ارکان لژ و یا اعضای آن رسیدگی کرده حل و فصل می‌نماید ودر صورت لزوم امر را بشورای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اداری لژ بزرگ ارجاع می‌کند . رسیدگی به سوء تفاهم یااختلاف نظر بین جلسه استادان و یکی از مقامات لژ یا بین یکی از این مقامات و استاد لژ به لژ بزرگ ایران ارجاع می‌شود .

ماده ١٦ ـ جلسه استادان درباره برادرانی که از راه سوء نیت یانفع شخصی ازانجام وظیفه کوتاهی‌کرده یادور ازادب وجوانمردی رفتار نموده‌اندبیکی‌ازطرق زیر اقدام می‌کند :

١ ـ منع از حضور در لژ بمدت بیش از سه‌ماه

٢ ـ منع از انتخاب بیکی از مشاغل لژ

٣ ـ عزل صاحب منصبی از مقام خود

٤ ـ برکنار ساختن از لژ

جلسه رفیقان

ماده١٧ـجلسه رفیقان‌ازاستادان ورفیقان‌لژ تشکیل‌می‌شود ووظیفه‌آن‌عبارت است‌ازمذاکره واخذرأی دربارهٔارتقاء شاگردان بدرتبه وتعلیمات مربوط باین‌رتبه. برادران رفیق مکلفند در جلسات تعلیماتی رتبه حضور یابند.

جلسه شاگردان (جلسه عمومی)

ماده ١٨ ـ از اجتماع‌کلیه برادران استاد ورفیق وشاگرد جلسه شاگردان یا جلسه عمومی تشکیل می‌گردد . وظایف واختیارات آن بقرار زیر است :

١ ـ اخذرأی درباره پذیرش‌اعضای جدید (اعم از جوینده وافتخاری یاعضو لژ دیگر) .

٢ ـ اخذرأی درباره پیشنهادجلسه استادان دایر بانتخاب استاد لژوانتخاب صاحب منصبان وانتخاب نمایندگان به لژ بزرگ .

٣ ـ اخذرأی درباره تمام مسائل مالی و میزان حق عضویت یاپرداختهای احتمالی پیشنهاد شده .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۴ ـ بحث درحسابهای صندوق خیریه وتصویب آنها که بجلسه عمومی پیشنهاد می‌شود .

۵ ـ اخذرأی درسایر امور مربوط به لژ باستثنای مسائل اختصاصی بجلسه استادان .

۶ ـ برادران شاگرد و رفیق مکلفند که در جلسه های تعلیماتی بنائی آزاد حاضر شوند .

ماده ۱۹ ـ برنامه جلسات لژ باقید موضوع وروز وساعت کار دوماه بدوماه تهیه وطبع می‌شود. این برنامه باید اقلاده روز قبل ازاولین جلسه دوماهه بوسیله پست به‌تمام اعضاء از روی آخرین آدرس که داده‌اند فرستاده شود .

ماده ۲۰ ـ برادران موظف هستند که سرساعت مقرردر برنامه در محل جلسه حاضر شوند . برحسب مقررات هنگام انجام مراسم درلژ باید تمام برادران حاضر در ردیفهای معین قرارگیرند .

برادرانی که نمی‌توانند در جلسه‌ای شرکت کنند قبلا باید غیبت خودرا کتباً یا بوسیله یکی از برادران باطلاع استاد لژ برسانند .

ماده ۲۱ ـ اگر برادری شش‌ماه متوالی از حضور در جلسات لژ بدون خبر وعذر موجه غیبت کند مستعفی محسوب می‌شود .

برادران عضولژ که درمسافرت باخارج تهران اقامت دارند هرشش‌ماه یکبار غیبت خود را باطلاع استاد لژ می‌رسانند.

استاد لژ

ماده ۲۲ ـ استاد لژ ورئیس و رهبر لژ بوده و مجری قوانین و سنن اصلی بنایان آزاد وآئین‌نامه لژ بوده وریاست کلیه اجتماعات لژ بااوست . استاد شخص اول لژ است . اختیاراتش مبنی براعتماد برادران لژ باوست . هرگز برتری خود راظاهر نمی‌کند و چون برای رهبری اشخاص برگزیده می‌شود باید صاحب صفات

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لازم برای چنین مقامی باشد. بی‌نظری، راستی وملایمت رفتار او موجب یگانگی واتفاق برادران است.

ماده ۲۳ ـ در جلسه خاص که برای انتخاب صاحب‌منصبان تشکیل می‌یابد استادلژ از بین‌سه‌نفر باکثریت آراء انتخاب می‌شود.

تبصره ـ تجدید انتخاب استادی تاسه دوره مجاز است.

ماده ۲٤ـ استاد لژ بزرگ یانماینده اوطی‌مراسم باشکوهی استاد جدید را درکرسی استادی مستقر می‌سازد.

ماده ۲۵ـ هنگام تساوی‌آراء رأی استاد لژ قائم‌مقام اوقاطع است.

ماده ۲٦ ـ وظایف استادلژ بقرار زیراست:

۱ ـ استاد همواره به تعلیمات اصولی بنائی در درجات سه‌گانه می‌پردازد.

۲ ـ هرگاه درجریان سال به جهتی از جهات محل صاحب منصبی خالی‌ماند استاد جانشین او را تعیین می‌کند.

۳ ـ دیپلمها و تصمیمات لژ وصورت‌جلسات هیئت رهبری در شورای‌صاحب منصبان را باتفاق منشی وناظران امضاء ومهر می‌نماید.

٤ ـ به خزانه‌دار و امین خیربه حواله صادر نموده واسناد هزینه را امضاء می‌کند.

۵ ـ در مواردی‌که استاداستحقاق برادری با شخص مستمندی‌را تشخیص‌داد می‌تواندتامبلغ دوهزار ریال‌باوکمک‌کندوبعدبه شورای‌صاحب منصبان گزارش‌دهد.

ماده ۲۷ ـ استاد لژ در خارج ازجلسات کتباً یا شفاهاً بشخصه یا با موافقت هیئت رهبری به برادرانیکه وظایف خود را بنحو احسن انجام داده‌اند تشویق و ترغیب می‌نمایند.

ماده ۲۸ـ استاد لژ می‌تواند برای حفظ انتظامات برادران ذیل‌را ازشرکت درجلسات لژ محروم سازد:

۱ ـ کسانی که با وضعی مخالف آداب و ظاهر نامناسب وارد لژ می‌شوند.

۲ ـ کسانی‌که با رفتارخود درنظم اخلال می‌کنند ویا از اطاعت مقامات رسمی لژ سرباز می‌زنند .

۳ ـ برادرانی‌که با هم اختلاف دارند تا هنگام رفع اختلاف و سوء تفاهم .

٤ ـ کسانی‌که تحت تعقیب‌کیفری قرارگرفته‌اند تا هنگام صدورحکم تبرئه یا منع تعقیب و یا مصالحه .

۵ ـ برادرانی‌که بدون عذر موجه حق عضویت خود را نپرداخته‌اند .

٦ ـ برادرانی‌که از طرف لژ درحال تعلیق هستند تا هنگام رفع تعلیق .

هیئت رهبری

ماده ۲۹ ـ هیئت رهبری مرکب است از: استاد لژ ـ قائم مقام او ـ ناظران اول و دوم و خطیب . در موارد لازم دبیریا خزانه‌دارنیزممکن است دعوت شوند. تصدی امور لژ و اداره آن بعهده این هیئت است ودرموارد فوری می‌تواند تصمیم بگیرد .

هیئت رهبری نماینده رسمی لژ نزد مقامات رسمی بنایان آزاد و مقامات کشوری می‌باشد.

ماده ۳۰ ـ هیئت رهبری در مسائل انتظام که رازداری در آن صلاح باشد می‌تواند به موجب مصلحت بینی بدون اطلاع مراجع دیگرعمل کند . درخصوص قبول اعضای جدید غور بیشتر کرده در مورد شکایات و اتهامات دقت وافی نماید .

شورای صاحب منصبان

ماده ۳۱ ـ شورای صاحب منصبان تشکیل‌می‌شود از :

۱ ـ استاد لژ	۲ ـ قائم مقام استاد
۳ ـ ناظر اول	٤ ـ ناظر دوم
۵ ـ خطیب	٦ ـ دبیر
۷ ـ خزانه دار	۸ ـ امین خیریه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۹ ـ راهنما
۱۰ ـ استاد تشریفات
۱۱ ـ نگهبان اول
۱۲ ـ نگهبان دوم
۱۳ ـ کتابدار و بایگان
۱۴ ـ مسئول موسیقی
۱۵ ـ برادر سرایدار

تبصره ۱ ـ برای اجرای مراسم اقلا هفت صاحب منصب لازم است. تکثیر عده بسته بموارد احتیاج وعده اعضای لژ می‌باشد. مقامات مذکور می‌توانند معاونینی هم داشته باشند.

تبصره ۲ ـ استادان لژ که دوره ریاستشان به پایان می‌رسد حقاً عضو شورای صاحب منصبان می‌باشند و رأی آنها مشورتی است.

ماده ۳۲ ـ انتخاب صاحب منصبان قبل از خاتمه سال لژ در جلسه شاگردان که فقط باین‌منظور تشکیل می‌شود انجام می‌گیرد. تاریخ انجام تشریفات مربوط به مستقر ساختن آنان درمشاغل به عهده خود لژ است.

استاد لژ و صاحب منصبان برای مدت یکسال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنان مجازاست لیکن هیچیك بیش ازپنج سال درمنصبی متوالیاً نمی‌مانند.

ماده ۳۳ ـ هرگاه صاحب منصبی مجبور به غیبت از جلسه بشود باید قبلا استاد لژ را مستحضر سازد تا جانشین برای او تعیین کند.

هرصاحب منصبی که بدون عذر موجه سه مرتبه متوالی از جلسات شورای صاحب منصبان یا لژ غیبت کند مورد اخطار قرار می‌گیرد. در صورت دوام غیبت مقام او بلا متصدی تلقی شده جانشین برای او تعیین می‌شود.

وظایف صاحب منصبان

ماده ۳۴ ـ قائم مقام استادلژهنگام غیبت استادیاموقعیکه استاد این وظیفه را باو محول می‌دارد جانشین اومی‌شود. او عضو هیئت رهبری می‌باشد.

ماده ۳۵ ـ درموقع غیبت‌استاد لژوقائم‌مقام‌او ناظران‌جانشین آنان می‌شوند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

معمولاً هر یك نظم ردیف خود را بعهده می‌گیرند .

ماده ۳۶ ـ امتیاز ناظران عبارت است از : ۱ ـ عضویت هیئت رهبری . ۲ ـ هنگام اجرای مراسم لژ با یك ضربه چکش از استاد لژ اجازه کلام می‌طلبد ـ ۳ ـ برای برادران ردیف خود از استاد لژ اجازه کلام می‌خواهد .

تبصره ـ ناظران بدون اجازه استاد لژ ردیف خود را ترك نمی‌کنند تا آنکه جانشین برای ایشان تعیین شود .

خطیب باید شخص ادیب و بافضیلت وخوش بیان بوده دارای فکر آزاد و بیطرف باشد . درمواقع اجرای مراسم سه گانه درباره اصول ومرام بنایان آزاد و مصالح لژ نطق کرده وبه برادرانیکه بهرتبه بالاتر پذیرفته می‌شوند ازطرف لژ تبریك بگوید. هنگام بحث در مطلبی یا سخنرانی نتیجه آنرا اختصاراً بیان کرده باتوجه باصول بنائی آزاد در آن اظهار نظر می‌کند .

ماده ۳۸ـ خطیب همواره مترجم احساسات لژ بوده باعضای جدید حقوق و تکالیف آنانرا تعلیم می‌دهد. همیشه متوجه اجرای نظامات بنایان آزاد و آئین نامه لژ می‌باشد .

ماده ۳۹ ـ دبیر مسئول نگاهداری اسناد ودفاتر لژ است . نسخه مراسم لژ (Rituel) هرگز نباید از لژ بیرون برده شود .

دفاتر عبارتند از : ۱ ـ صورت جلسات رتبه های سه‌گانه ـ شورای صاحب‌ـ منصبان ۲ـ دفتر ثبت تصمیمات وقطع نامه‌ها ۳ ـ پرونده‌ایکه حاوی کلیه آئین نامه‌ها واساسنامه‌ها ومقررات وتصمیمات لژ بزرگ ایران واستاد لژ بزرگ باشد ٤ ـ دفتر باپرونده ضبط مراسلات ٥ ـ دفتر ثبت اعضای لژ بانام ونشان وتاریخ تولد وورود وارتقاء واعتلاء وشغل وآدرس آنها ٦ ـ کتاب سیاهی متضمن نام کسانیکه بعلت ارتکاب خطا وعملی برخلاف سوگند خود و برخلاف ادب وجوانمردی از لژ بنایان آزاد برکنار شده‌اند .

ماده ٤۰ ـ وظائف وتکالیف دبیر عبارت است از :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱ ـ تهیه وارسال دیپلم‌ها و تصدیق نامه‌هائیکه بامضای مقامات رسمی و خود او رسیده باشد.

۲ ـ تسلیم اسناد و مدارک و صورتهای دیگر متعلق به لژ، به برادر مأمور بایگانی در موعد مقرر.

۳ ـ بررسی آرشیو لژ باحضور استاد لژ.

٤ ـ بامضاء رسانیدن تمام تصمیمات و مراسلات لژ.

۵ ـ امضای بعضی مراسلات باقید اینکه «بدستور لژ یااستاد لژ» می باشد.

٦ ـ ارسال نامه‌ها و مرسوله‌ها بامهر لژ.

۷ ـ تهیه صورت مجلس هر جلسه آن وقرائت آن درجلسه بعدی.

۸ ـ بدون اجازه استادلژ نباید از اسناد و مراسلات لژرونوشت بردارد یاآنرا نزد خود نگاهدارد یابه‌کسی غیرمجاز تسلیم نماید.

۹ ـ دبیرهرسال یک‌گزارش از فعالیتهای لژ می‌نماید.

ماده ٤۱ ـ درمقابل زحمات دبیر ممکن است پاداش برای او منظور گردد.

ماده ٤۲ ـ خزانه‌دار امانت‌دار لژ است ومسئول کلیه دارائی لژ اعم‌ازنقدی، اوراق بهادار یااشیاء قیمتی می‌باشد. او بایدکلیه عایدات ومخارج رادر دفاترمنظم درج‌کند. محاسبات باید مبتنی برمدارک باشدکه عواید وحق عضویت برادران در سرموقع تحصیل‌شود وبایدنام برادر را در ادای‌حق عضویت‌کوتاهی‌کرده‌اندباطلاع شورای صاحب‌منصبان برساند.

ماده٤۳ـهرگاه‌موجودی صندوق بالغ‌بر۲۰۰۰۰ریال‌گردیدبایدآنرادربانکی که شورای صاحب منصبان تعیین می‌کند بگذارد. مبالغی‌که متعلق به لژ است جز بااجازه شورای صاحب‌منصبان وامضای استاد لژ ودبیر وخزانه‌دار نمی‌توان تغییر محل‌داد ویابه ارز وسرمایه دیگری تبدیل نمود.

خزانه‌دار در آخر هرسال مالی گزارشی راجع به صندوق ودارائی لژ تهیه می‌کند وآنرا بابودجه سال آینده به لژگزارش می‌دهد ومحاسبات ودفاتر رابرای

بررسی کمیسیون محاسبات آماده می‌کند .

ماده ٤٤ ــ برادر خزانه‌دار ممکن است پاداشی دریافت کند .

ماده ٤٥ ــ امین خیریه در پایان هر جلسه مبلغی بعنوان اعانه از برادران دریافت می‌کند و مراقبت می‌نماید که برادران پیش از ترك جلسه این عمل خیر را انجام دهند. پس از آن وجه موجود را با خزانه‌دار لژ شمرده بدبیر گزارش می‌دهند تا در صورت جلسه یادداشت کند . وجوه حاصل را در دفتر مخصوص ثبت می‌کند . هر نوع اعانه و کمکی باید باتصویب شورای صاحب‌منصبان و اجازه استاد لژ باشد .

امین خیریه بیش از ۲۰۰۰ ریال نزدخود نگاه نمی‌دارد و مازاد را باتصویب همان مقامات درحساب علیحده می‌گذارد.

امین خیریه موظف است از برادران بیمار معلول لژ عیادت کند و آنانرا در مواقع سختی و گرفتاری ملاقات نموده تسلی داده و دلجوئی کند .

ماده ٤٦ ــ **برادر راهنما** که باید از آداب و رسوم بنائی آزاد اطلاع کامل داشته باشد موظف است جوینده راپس از پذیرفته شدن و پیش از تنصیب درخارج از لژ ملاقات کرده از افکار و عقاید او جویا گردد . هنگام ورود او را باطاق تفکر راهنمائی کرده تعلیمات و تذکرات لازم ــ در امور تنصیب را باو می‌دهد و اورا آماده مراسم تنصیب سازد .

همچنین در موقع ارتقاء شاگرد بدرجه رفیقی و اعتلاء رفیق بپایه استادی آنانرا رهبری و آماده می‌نماید . رفتار برادر رهنما باید باوقار ورفق توأم باشد .

ماده ٤٧ ــ **استاد تشریفات** عهده‌دار آماده ساختن و آرایش لژ برای انجام مراسم بوده و در اجرای تشریفات مراقبت می‌کند مقامات عالیقدر و مهمانان را بداخل لژ هدایت کرده جای هریك را نشان می‌دهد .

بدستور استاد لژ برادران شاگرد موظفند برای آماده ساختن لژ به استاد تشریفات کمك کنند .

ماده ٤٨ ــ **نگهبان اول ودوم** هنگام تشکیل لژ نگهبانی بعهده آنهاست و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برای نظم و ترتیب لژ بااستاد تشریفات همکاری می‌کنند.

نگاهداری لژ و جلسات و اسباب و لوازم تشریفات وظیفه آنهاست.

هنگام مراسم در کنار دو ستون لژ می‌نشینند. برادران مهمان تازه وارد را پیش از ورود به‌لژ درباره بنائی آزاد امتحان می‌کنند و مدارك آنانرا بررسی می‌نمایند.

هنگام اخذ رأی مخفی مهره‌هارا میان برادران تقسیم می‌کنند بعد با مراقبت جمع کرده باستاد لژ تسلیم می‌دارند.

ماده ۴۹ ـ **کتابدار و بایگان** مأمور حفظ و ترتیب اسناد و اوراق و پرونده‌های لژ می‌باشد. تنظیم کتابخانه و تهیه فهرست کتب نیز بعهده او می‌باشد.

ماده ۵۰ ـ **برادر یکه مأمور موسیقی لژاست** باموافقت شورای صاحب‌منصبان وسایل لازم را برای اجرای موسیقی در حین انجام مراسم تشریفات لژ آماده می‌سازد.

ماده ۵۱ ـ **برادر سرایدار** نگهبان لژ و اثاث آن و مسئول نظافت و آبدارخانه است.

وظایف او باقرارداد مخصوص معین می‌شود و مواجبی درحق او تعیین می‌گردد او باید تعهد بسپارد که اسرار لژ را ابداً فاش نکند.

فصل سوم

الف: جوینده ـ تنصیب ـ عودت عضو مستعفی

ماده ۵۲ ـ کسانی درلژ پذیرفته می‌شوند که ازحقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند بوده و در زندگی مستقل و بخود متکی باشند و از حیث معلومات و اخلاق و تقوی شایسته باشند.

ماده ۵۳ ـ درخواست یا پیشنهاد عضویت بکمیسیون تحقیق مرکب از ناظر اول وراهنما و دو برادر دیگر از هیئت رهبری و یك استاد خارج از این هیئت بانتخاب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

جلسه عمومی تفویض می‌گردد.

ماده ۵٤ ـ معرف عضوجدید باید دارای درجه استادی باشد وضامن جوینده بوده مزایای اخلاقی وشایستگی او را تضمین نماید ومسئول تعهدات مالی ورفتار او در برابر لژ باشد.

ماده ۵۵ ـ جوینده درضمن نامه‌ای از استادمعرف تقاضامی‌کندکه عضویت اورا به‌لژ پیشنهادکند. برادرمعرف این درخواست‌را همراه شرح مختصری مبنی برنظرخود درباره جوینده وسوابق وصفاتی‌که اورا سزاوار ورود به‌حلقه بنایان آزاد می‌دارد به‌استاد لژ تقدیم می‌دارد جوینده بایداقلا ۲۱ سال داشته باشد.

ماده ٥٦ ـ استاد لژ درخواست جوینده را در شورای صاحب منصبان مطرح می‌کند.

اگراین‌شوری معتقد باشدکه‌جوینده دارای شرایط اخلاقی وشایستگی لازم وکافی نیست به‌معرف توصیه‌می‌کندکه پیشنهاد خودرامستردبدارد. درغیراینصورت درخواست را بجلسه شاگردان ارجاع می‌کند.

ماده ۵۷ ـ درصورتیکه درجلسه عمومی‌راجع به‌پیشنهاد اعتراض‌بعمل نیاید رئیس‌کمیسیون‌پذیرش‌از برادر معرف‌تقاضا می‌کندکه جوینده شرح‌کامل خودرا با ذکرمحل سکونت ومعلومات وشغل‌خود بهمراه رونوشت‌شناسنامه وسه‌قطعه‌عکس ٦در٤ تهیه کند وباپرسش‌نامه‌ایکه باو داده می‌شود پرکرده توسط برادر معرف‌به کمیسیون ارسال دارد. معرف برای جلب توجه راهنمائیهای مجاز را باطلاع جوینده می‌رساند ونشریاتی‌راکه‌برای‌شناسانیدن بنائی‌آزاد به‌اغیاراست به‌اوارائه می‌دهد.

ماده ۵۸ ـ اسم وعکس وشرح حال جوینده ازحین وصول تاهنگام اخذرأی مخفی درلژ درمعرض نظر برادران قرار داده می‌شود.

ماده ۵۹ ـ کمیسیون تحقیق می‌تواند عده‌ای‌را برای کسب اطلاعات کافی و جامع درباره جوینده مأمورکند. این‌گزارشها بعد از ورود جوینده نابودمی‌شود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده۶۰ـ رئیس کمیسیون تحقیق جوینده را به جلسه خصوصی که از خود او ودو نفر از اعضای کمیسیون تشکیل شده‌است دعوت می‌کند و با او بحث می‌نماید تا معلوم شود که آیا او دارای صلاحیت وشایستگی ورود بجرگه بنایان آزاد هست یا نه و آیا بااصول بنائی آزاد واجرای قوانین آن موافق است یاخیر.

ماده ۶۱ـ پیش از آنکه رأی مخفی گرفته شود نتیجه این تحقیقات واطلاعات در جلسه رسمی شاگردان به اطلاع عموم می‌رسد . این جلسه باید اقلا چهار هفته پیش از معرفی جوینده تشکیل شود . جلسه عمومی می‌تواند اخذرأی را برای تحقیقات کاملتری بتأخیر بیندازد . هرگاه یکهشتم آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده باشد درخواست رد شده تلقی می‌گردد و تایکسال پس از تاریخ اخذرأی نمی‌توان در آن باب تجدید نظر کرد .

ماده ۶۲ـ هرگاه جلسه بقبول جوینده‌رأی دادتشریفات تنصیب اودرجلسه خاص لژ بموجب قوانین‌وسنن بنایان آزاد بعمل می‌آید.

اگر جوینده تا شش ماه برای تنصیب حاضر نشد بعداً پذیرش او با تکرار مقررات ماده ۶۵ و مواد بعدی انجام می‌یابد .

ماده ۶۳ـحق تنصیب وحق عضویت مقرر درآئین‌نامه و سایر تعهدات مالی در روز پذیرش پرداخت می‌شود .

ماده ۶٤ ـ پذیرفتن برادر عضو لژ مهر مستلزم آنست که برادر مزبور از لژ قبلی بصورت شرافتمندانه‌ای استعفا داده باشد وثابت شود که هیچگونه مانعی برای قبول چنین استعفائی درآن لژ وجود نداشته است.

تبصره ۱ ـ پذیرفتن چنین عضوی مستلزم انجام تحقیقاتی است که در حق جویندگان مقرراست .

تبصره ۲ ـ برادرانی که ازلژ مهراستعفا داده‌اندیابرادرانیکه مدت‌متمادی فعالیت در بنائی آزادرا ترک کرده باشندبخواهند مجدداً وارد لژ بشوند پذیرفتن آنان منوط به انجام مقرراتی است‌که درحق جویندگان مجری است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ب : ارتقاء و اعتلاء

ماده ٦٥- ارتقاء بدرتبه‌دو واعتلاء بدرتبه سه باپیشنهادمعرف‌ودعوت‌شورای صاحب‌منصبان‌انجام‌می‌گیرد. حداقل مدت‌لازم‌برای‌ارتقاء یا اعتلاء یکسال‌است. در مورد استثنائی‌باید ازلژ بزرگ‌اجازه خواست.

ماده ٦٦- برادرانیکه برای ارتقاء یااعتلاء دعوت می‌شوند باید در طی این مدت رغبت وشوق مخصوص از خود به بنائی آزاد نشان داده ودرجلسه‌ها همواره حاضر شده واز تعالیم رتبه خود وتاریخ بنایان آزاد واصول اساسی آن اطلاعات کافی‌کسب‌کرده باشند. نیز قبلا طرح‌معماری به‌لژارائه داده باشند. شاگرد یارفیق قبلا موضوع طرح رابااطلاع استاد لژیاخطیب رسانده وآنرا تهیه نموده وحداقل یکماه قبل‌از تاریخ‌ارتقاء یااعتلاء به‌استاد لژتقدیم‌می‌دارد.

ماده ٦٧- ارتقاء واعتلاء برادران پس از امتحان واخذرأی مخفی در جلسه رفیقان یااستادان‌باتشریفات خاص‌خودصورت‌می‌گیرد.

فصل چهارم

مقررات مالی

الف : عایدات

ماده٦٨ – عایدات لژ حاصل می‌شود از :

١ – حق تنصیب وارتقاء واعتلاء وورود به برادری‌که از لژ دیگر پذیرفته می‌شود.

٢ – حق‌عضویت

٣ – پرداختهای فوق‌العاده درموارد لازم.

٤ – هرگونه هدیه یااعانه وموقوفه‌ای‌که ازطرف‌برادران‌به‌لژداده می‌شود.

٥ – عایدات لژ از ثروت منقول وغیر منقول آن.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده۶۹- حق عضویت نباید کمتر از ماهیانه ۳۰ تومان و حق تنصیب ۲۰۰ تومان باارتقاء واعتلاء هر یك ۱۰۰ تومان باشند.

ماده۷۰ - تعیین میزان عایدات شماره های ۱و۲و۳ هرسال باپیشنهاد شورای صاحب‌منصبان درجلسه عمومی شاگردان بعمل می‌آید.

ماده۷۱ - پس از اینکه جلسه عمومی شاگردان میزان حق عضویت را تعیین کرد برادر خزانه‌دار چگونگی پرداخت وموقع آن رابااطلاع اعضای لژمی‌رساند.

ماده ۷۲- هرگاه برادری درمدت شش‌ماه ازپرداخت حق عضویت‌خودداری کند برادر خزانه‌دار توجه او را بانجام وظیفه جلب می‌کند. پس از آن هرگاه به نتیجه‌ای نرسد ارسال‌دعوت به‌جلسات متوقف می‌گردد و ورود به‌لژها تاهنگام ترمیم وضع ممنوع می‌شود.

ماده۷۳- هرگاه برادری از عهده پرداخت حق عضویت بر نیاید با موافقت هیئت رهبری وشورای صاحب‌منصبان تاهنگام بهبود وضع ازپرداخت حق‌عضویت معاف می‌گردد وحق عضویت او از صندوق خیریه تأمین می‌شود.

تبصره - شورای صاحب منصبان می‌تواند در حق برادری که دارای مقامات علمی باهنری بوده و وجود او در لژ مغتنم شمرده می‌شود ولی وسائل مادی کافی دراختیار نداشته‌باشد تسهیلات وتخفیفاتی قائل شود.

ماده۷۴- ازاولاد برادرانی‌که تاهنگام‌وفات عضو لژبوده‌اند نصف حق‌تنصیب دریافت می‌گردد.

ماده۷۵- برادران ذیل از تخفیف خاص یا معافیت از پرداخت حق عضویت استفاده می‌کنند. بشرح زیر:

اول تخفیف ۵۰ درصد:

۱ - برادرانی‌که خارج از شرق تهران زندگی می‌کنند یا خارج از کشور اقامت دارند.

۲ - برادرانی‌که ۲۵ سال مداوم عضو لژ باشند و پیش بند نقره بایش ان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعطا شود.

دوم معافیت .

اعضای افتخاری لژ و برادرانی که چهل سال متوالی عضو لژ بوده و پیش بند طلائی به آنان اعطا شده یا بیش از هفتاد سال عمر داشته باشند .

ماده ۷۶ – هرگونه بخشش یا هدیه یا موقوفه ازطرف برادران یااغیارجزو ثروت لژمحسوب می‌شود مگر آنکه ازطرف اهداء کننده یا واقف مصرف خاصی که مطابق اصول بشر دوستی بنایان آزاد باشد برای هدیه یا موقوفه مزبور تعیین شده باشد

ب ـ مخارج

ماده۷۷ – وجوه حاصله منحصراًبه‌مصرف مخارج وتعهدات‌لژخواهد رسید.

ماده ۷۸ – خزانه داردرآخرهرسال مالی بودجه سال آتی را باکلیه مخارج و تعهدات پیش بینی شده و عایدات لازم تهیه می‌کند . این بودجه پس از بررسی شورای صاحب منصبان و تصویب آن برای رأی نهائی به جلسه عمومی شاگردان پیشنهاد می‌گردد .

ماده ۷۹ – خزانه دار مجاز است بدون تأخیر مخارج معمولی مصوب در بودجه را تأدیه نماید. ضمناموظف‌است اسنادمربوطه رابه امضای‌استاد لژبرساند.

هرگونه مخارج فوق‌العاده‌فوری خارج ازبودجه‌باید قبلابه‌تصویب مقامات مسئول رسیده باشد :

۱ – استاد لژ ۵۰۰ تومان ۲ – شورای صاحب منصبان تا ۱۰۰۰ تومان
۳ – جلسه عمومی شاگردان بالاتر از مبلغ مذکور .

ج ـ دارائی

ماده ۸۱ – خزانه دار مجموع دارائی نقدی لژمبر را باستثنای مبلغ مورد احتیاج با تصویب شورای صاحب منصبان در یکی از بانکها بنام لژ می‌گذارد .

ماده ۸۲ - اداره وحفاظت ثروت لژاعم ازمنقول یا غیرمنقول بعهده شورای صاحب منصبان است. شورای مزبور درصورت لزوم می‌تواند از بهره برداری از آن ازراهنمائی برادران بصیر استفاده کند. خزانه دار برای دریافت عواید مراقبت لازم را به عمل خواهد آورد.

ماده ۸۳ - لژ مهر می‌تواند مؤسسات خیریه یا فرهنگی و اجتماعی به نفع برادران لژو یا عموم بنایان آزاد تأسیس کند. درصورت امکان و درمواقع مناسب اقدام به تشکیل سرمایه وصندوق مخصوص می‌نماید. اداره چنین سرمایه وصندوق ممکن است به کمیته‌ای غیر از خزانه‌دار سپرده شود.

ماده ۸۴ - هیچگونه قرض یا مساعده از سرمایه صندوق لژ داده نمی‌شود.

د - حسابداری

ماده ۸۵ - حسابداری لژ به عهده خزانه دار است.

ماده ۸۶ - صورت حسابهای آماده برای رسیدگی به شورای صاحب منصبان تسلیم می‌شود. بعد به‌کمیسیون‌بازرسی محاسبات ارجاع می‌گردد. کمیسیون مزبور به مطابقت ارقام واسناد حساب وموجودی صندوق رسیدگی می‌نماید وگزارش کتبی خود را با نظریاتی که دارد توسط شورای صاحب منصبان به جلسه شاگردان تسلیم می‌نماید. پس از آن این جلسه عمومی حسابها را به تصویب می‌رساند.

ماده ۸۷ - هرگاه اعتراض پیش آید حسابها برای تجدید نظر به شورای صاحب منصبان برمی‌گردد تا در مدت یك ماه گزارش مجددی به لژ فراهم نماید.

ماده ۸۸ - کمیسیون بازرسی به حساب صندوق خیریه و نیز هر صندوق دیگری که ازطرف لژایجاد می‌شود رسیدگی کرده به طریق فوق گزارش می‌دهد.

ماده ۸۹ - اعضای کمیسیون بازرسی ازطرف جلسه عمومی به مدت یکسال انتخاب می‌شوند و نباید عضوشورای صاحب منصبان باشند. اقلا یکی از آنان برای سال بعدی مجدداً انتخاب می‌شوند.

فصل پنجم

الف : تخلف ـ کیفر

ماده ۹۰ ـ هرگونه شکایت یا اتهام باید کتبی بوده امضای شاکی را در ذیل داشته باشد. شکایات را هنگام اشتغال و جلسه لژ نمی‌توان ارائه داد.

شکایت یك شاگرد یا یك رفیق باید به امضای دو استاد نیز رسیده باشد.

شکایت برعلیه یك صاحب منصب با امضای دو استاد پذیرفته می‌شود.

شکایت برعلیه استادلژوهیئت رهبری وشورای صاحب منصبان باید به‌امضای سه استاد باشد.

شکایت باید عموماً خطاب به استاد لژباشد و شکایت برعلیه شخص او تسلیم ناظر اول گردد.

ماده ۹۱ ـ هیئت رهبری با شورای صاحب منصبان در شکایات مطالعه دقیق به عمل می‌آورد.

پس از تفحص وتحقیق واستماع طرفین شکایت موضوع را درجلسه استادان مطرح می‌نماید. اگربا وجودکوشش جلسه استادان سازش حاصل نشود رأی نهائی خود را اعلام می‌دارد.

تصمیم جلسه استادان را می‌توان به توجه لژ بزرگ ایران ارجاع کرد.

رأی شورای اداری این مقام واجب‌الاجرا می‌باشد.

ماده ۹۲ ـ شورای صاحب منصبان می‌توانند اعضائی را که رفتارشان مورد اعتراض و ایراد قرار گرفته است از سه ماه تا یك سال از ورود به لژ منع کنند.

تخلفات مهم عبارتند از : افشای اسرار و آداب و مراسم و علائم و کلمات شناسائی متداول میان بنایان آزاد. توهین و تحقیر تشکیلات بنایان آزاد ومقامات مسئول آن.

کسیکه‌نظر به‌اتهامی تحت‌تعقیب دادگاهی قرارگیرد تارفع‌اتهام،از ورود به‌لژ ممنوع‌است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده۹۳ـ ممکن است برحسب اهمیت مورد مجازات انفصال درحق خاطی و متخلف برقرارگردد. سایرموارد انفصال عبارت است از:

۱ ـ امتناع از پرداخت حق عضویت ۲ ـ محکومیت دادگاهها بجرم خیانت یا جنایت.

ماده۹۴ـ انفصال درجلسه استادان بعد از بحث ومشاوره بهرأی مخفی بااکثریت دوثلث میسر است.

ماده۹۵ـ هر کس که مستوجب یکی از تصمیمات فوق بوده باشد حق دارد موضوع رابرای دادخواهی به لژبزرگ ایران رجوع نماید.

تصمیم شورای اداری لژبزرگ قاطع خواهد بود.

ب ـ قدردانی

ماده۹۶ـ از برادرانی که خدمات شایان به لژ مهر یا بنایان آزادکرده باشند به یکی ازطرق ذیل قدردانی بعمل می‌آید:

۱ ـ تشکر استاد
۲ ـ تشکر به‌نام لژ
۳ ـ تشکردرجلسه عمومی یا بوسیله هیئت نمایندگی فوق‌العاده
٤ ـ انتخاب بعضویت افتخاری
۵ ـ تشکیل جلسه فوق‌العاده به احترام شخص موردنظر
٦ ـ اعلام خدمات آن شخص به تمام لژهای تابعه
۷ ـ برپاکردن مجسمه یابنائی به‌نام اودرداخل یاخارج لژ
۸ ـ اعطای پیش‌بند افتخار یا نشان

ج ـ استعفا

ماده۹۷ـ هرعضوی اختیار دارد در هر موقع از لژ بطور دائم یا موقت به مدت یک سال استعفابدهد. درخواست استعفا بایدکتبی بوده دلائل آن‌به صراحت

و صداقت ذکر شده باشد . این استعفا به استاد لژ تقدیم می‌گردد.

استعفانامه پس از شورای صاحب‌منصبان و اظهار نظر آن به جلسه استادان احاله می‌گردد . جلسه استادان درصورتی‌که استعفا دهنده کلیه تعهدات خودرا انجام داده باشد استعفا را «شرافتمندانه» والا به صورت استعفای ساده تلقی می‌نماید.

ماده۹۸ـ استعفا در صورتی پذیرفته می‌شود که عضو مستعفی تعهدات مالی خود را انجام داده باشد .

در غیر این‌صورت انفصال مورد توجه قرار می‌گیرد .

استعفا یا انفصال باطلاع لژهای تابع لژبزرگ ایران می‌رسد .

ماده۹۹ـ شخص مستعفی یا منفصل ملزم است نشان ـ حمایل ـ پیش‌بند ـ علائم وکتب ومطبوعات بنائی راکه از لژدریافت داشته مسترد بدارد . ایضاً استعفا یا انفصال چنین شخصی را ازهرگونه حق ومزایائی مشترک لژ محروم می‌سازد.

د ـ انحلال

ماده۱۰۰ـ انحلال لژ وقتی صورت می‌گیرد که عده اعضاء به‌کمتر از دوازده نفر تقلیل یابد وازطرف شش تن ازاعضاء کتباً درخواست شود.

درخواست انحلال باید درجلسه عمومی مرکب ازتمام اعضاء مطرح گردد.

دعوت اعضاء باید پانزده روز قبل ازانعقاد جلسه‌صورت گرفته باشد .

رأی به انحلال مخفی‌است وبااکثریت دوثلث اعضاء تصویب می‌گردد.

دارائی لژ رانمی‌توان میان اعضاء تقسیم‌کرد . جلسه درباره مصرف‌آن‌برای مؤسسات خیریه یا عام‌المنفعه تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید .

هـ ـ مقررات نهائی

ماده۱۰۱ـ تجدید نظر در آئین‌نامه فقط درجلسه مخصوص که بدین منظور تشکیل می‌شود امکان پذیر است و برای این منظور رأی دوسوم اعضای لژ لازم می‌باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درصورت رأی به‌تجدید نظر شورای صاحب‌منصبان طرحی تهیه کرده پس از تصویب استادان به جلسه عمومی پیشنهاد می‌شود .

ماده۱۰۲ـ این آئین‌نامه نباید منافی بامراسم جاری در لـژ باشد ووقتی قابل اجراست‌که به تصویب لژ بزرگ‌ایران رسیده باشد .

این آئین‌نامه درجلسه عمومی شاگردان درتاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید .

استاد لژ ـ سید حسن تقی‌زاده

دبیر لژ ـ غلامعلی میکده

این آئین‌نامه درشورای اداری لژبزرگ ایران تصویب شد .

استاد بزرگ ـ عبدالله انتظام

دبیر بزرگ ـ تقی اسکندانی

اتحادیه جهانی فراماسون ها L.U.F

یکی دیگر از سازمان‌های تابعه ،گراندلژ ایران که همه فراماسون‌های این گراندلژ در آن عضویت دارند ، « اتحادیه جهانی فراماسونری » است که به نام اختصاری (لوف .L . U . F) خوانده می‌شود .



ابوالحسن حکیمی استاد ماسونی لژ البینا سویس

مؤسس این سازمان فراماسونی در ایران، ابوالحسن حکیمی است که از پنجاه سال قبل تاکنون عضو لژ فراماسونری «البینا»ی سویس می‌باشد . ابوالحسن حکیمی ، برادر ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملك) است که پس از خاتمه تحصیلات، ابتدا در دبیرخانه جامعه‌ملل عضویت داشت ، سپس سه سال در تشکیلات ملل‌متفق سمت ریاست شعبه اقلیت‌ها را عهده‌دار بود و در مراجعت به ایران بنمایندگی دورهٔ شانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب گردید . وی در تجدید فعالیت « جمعیت عامیون ایران » در سال ۱۳۲۷ شمسی نقش‌مؤثری داشت ، وسخنرانی مهمی تحت عنوان «رفرم اگرر» یا « اصلاحات زراعتی » ایرادکرد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ابوالحسن حکیمی که از اعضاء مؤثر «زبان اسپرانتو» در سویس می‌باشد ، در تشکیل لژهای مهر و آفتاب نقش مؤثری داشت و از چند سال قبل تاکنون ، شعبه « اتحادیه جهانی فراماسونها» را در تهران دایر کرده است . این سازمان فراماسونی در سویس تشکیل شده و شعبه خاورمیانه آن در بیروت مستقر شده است . همین شعبه به ابوالحسن حکیمی وچند فراماسون دیگر اجازه تأسیس این تشکیلات را در ایران داده است . در اینجا عین اساسنامه اتحادیه مذکور را نقل می‌کنیم :

بنام معمار بزرگ جهان

«اساسنامه اتحادیه جهانی فراماسونها»[1]

ماده اول ــ «اتحادیه جهانی فراماسونها» جمعیتی است متشکل از بنایان ــ آزاد «مجاز و کامل»[2] که مستقلا وفرداً به این جمعیت می‌گروند. هدف آن ایجاد بهبودی وتوسعهٔ روابط هم پیوستگی بین بنایان آزاد در تمام جهان است وخواهان ایجاد تحرك و جنبش منظم «برادری» بین افراد و اقوام می‌باشد .

نیل به این مرام به وسایل ذیل میسر است :

الف ــ تبادل نظر شفاهی و کتبی .

ب ــ انتشار مجله‌ای برای اطلاع برادران .

ج ــ تشکیل مجالس بحث و محاوره .

د ــ تشویق مرتب مداوم و هرگونه مجاهدت به منظور ایجاد یگانگی و پیوستگی و اتحاد بین افراد و توسعهٔ برادری جهانی و همگانی .

هـ ــ انتشار کتب و اسناد مربوط به اتحادیه .

1 ــ La ligue Universelle de Francs-Maçons «LUF»

۲ ــ مقصود بنای آزادی است که به موجب مقررات اساسی تنصیب شده و عضو لژمنظم و کاملی باشد تابع یك لژ بزرگ .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و ــ تشکیل مجالس سخنرانی در ممالك مختلف .

ز ــ دعوت و مبادله برادران برای سخنرانی .

ماده دوم ــ این اتحادیه از هرگونه دخالت درامور و فعالیتهائی که مربوط به ابدیانس‌ها[1] باشد احترازمی‌نماید و نیزدرمسائل سیاسی و مذهبی رویهٔ بیطرفی اختیار می‌کند .

ماده سوم ــ سمت عضویت در اتحادیه فقط به کسی داده می‌شود که با درخواست کتبی مدارك عضویت رسمی خود را در یك لژ مجاز و کامل ارائه دهد. درخواست عضویت به این اتحادیه باید به هیئت رئیسه گروه محلی تسلیم شود و اگردرمحل اقامت متقاضی چنین‌گروهی نباشد درخواست را به دفترمرکزی اتحادیه می‌توان ارسال نمود .

ماده چهارم ــ اعضائی‌که اعمالشان مخالف مرام این اتحادیه باشد ــ بعد از اخطار قبلی ــ به موجب تصمیم شورای اداری و مشورت با گروه ملی مربوطه از اتحادیه طرد می‌شوند .

ماده‌پنجم ــ اعضایی‌که مستعفی می‌شوند ملزم هستند تصمیم خود را کتباً به دفتر گروه ملی خود و در صورت عدم آن به اداره مرکزی اتحادیه اطلاع دهند .

ماده ششم ــ اتحادیه متشکل‌است ازاعضای‌رسمی‌وافتخاری. اعضای‌افتخاری بنابر پیشنهاد شورای اداری توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و سهمیه‌ای نمی‌پردازند لیکن تمام مزایای یك عضو رسمی را دارا می‌باشند .

ماده هفتم ــ هیئت رئیسه‌برای مدت پنج سال‌ازطرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و عبارت از نه عضو رسمی می‌باشد که از بین خود رئیس ودبیرو خزانه دار اتحادیه رابوسیله اخذ رأی انتخاب می‌نمایند. یك عضودیگررا خود هیئت رئیسه از بین نه نفر منتخبه به سمت نایب رئیس انتخاب می‌نمایند .

---

۱ ــ منظور Obédience است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مجمع عمومی می‌تواند علاوه بر نه نفر مذکور در این ماده، از رؤسای افتخاری یا اعضای افتخاری اتحادیه به عضویت هیئت رئیسه انتخاب نماید که با حق رأی در جلسات هیئت رئیسه شرکت کنند. هرگاه یکی از اعضای هیئت رئیسه در مدت تصدی کناره گیری کند هیئت رئیسه مجاز است جانشین او را از بین سایر اعضای هیئت رئیسه تکمیل نماید. مجمع عمومی این انتخاب را در جلسهٔ بعدی تأیید می‌نماید.

ماده هشتم - رئیس و در غیاب او نایب رئیس نماینده اتحادیه در مقابل اشخاص ثالث می‌باشد و جلسات هیئت رئیسه و شورای اداری و مجمع عمومی را اداره می‌نماید. دبیر مأمور تنظیم صورت جلسات و مکاتبات است. خزانه دار مسؤل اداره امور مالی است. گزارشهای آنها باید در اختیار مجمع عمومی گذاشته شوند، همچنین گزارش بازرس‌های حساب.

ماده نهم - هیئت رئیسه بر فعالیت‌ها و امور مالی اتحادیه مباشرت دارد. هر یك از اعضای هیئت رئیسه می‌تواند به وسیله نامه یا با دادن وکالت به عضو دیگر نسبت به تصمیمات هیئت رئیسه رأی بدهد.

ماده دهم - مقر رسمی اتحادیه همان محل اقامت رئیس شاغل است.

ماده یازدهم - شورای اداری متشکل است از هیئت رئیسه - از رؤسای گروه ملی (ماده ۱۲) - از اعضای افتخاری (ماده ٦) و از اعضای مؤثر اتحادیه که نظر به شایستگی خاصی توسط مجمع عمومی بنا به پیشنهاد شورای اداری انتخاب شده باشند.

ماده دوازدهم - مجمع عمومی می‌تواند اعضائی را به سمت نماینده اتحادیه در بعضی کشورها انتخاب نماید. هیئت رئیسه هم می‌تواند این نمایندگان را انتخاب کند مشروط بر آنکه مجمع عمومی بعدی این انتصابات را تأیید نماید. همینکه در یك کشور عدهٔ کافی باشند با موافقت هیئت رئیسه یك گروه ملی می‌توان تشکیل داد. سازمان و اختیارات و تکالیف گروه ملی در آئین نامه‌هائی تدوین می‌شود که

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باید به تصویب کمیتهٔ مرکزی برسد. الحاق به گروه ملی برای اعضائی که مقیم آن حوزه می‌باشند اجباریست. علاوه بر این اتحادیه روابط برادری بین بنایان آزاد تمام کشورها را طبق مدلول ماده یك تشویق می‌نماید و بدین منظور جمعیت‌های خاصی تشکیل خواهد داد که وظایف مخصوص برعهده داشته باشند.

فعالیت این جمعیت‌ها بوسیلهٔ آئین نامه‌هائی که هیئت رئیسه تنظیم می‌نماید اجرا خواهد شد.

ماده سیزدهم ـ مجمع عمومی هر سال یك بار تشکیل می‌شود و عهده‌دار وظایف ذیل است:

۱ ـ تصویب گزارش سالانه وگزارش خزانه‌دار

۲ ـ تعیین محل اجتماع ودستور کارکنگره ومجمع عمومی سال آتی.

۳ ـ اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادات واصله از هیئت رئیسه یا شورای اداری یاگروه های‌ملی یااعضاء پیشنهادات گروه‌های‌محلی‌واعضاء بایده۱۵روز قبل ازتاریخ تشکیل مجمع عمومی به هیئت‌رئیسه تسلیم شده باشد.

٤ ـ اصلاح‌یاتغییر اساسنامه

۵ ـ انتخاب هیئت رئیسه ـ انتخابات تکمیلی‌اعضای شورای اداری(ماده۱۱) وانتخاب نمایندگان(ماده ۱۲).

٦ ـ تعیین حق عضویت سالیانه وتقسیم آن بین هیئت رئیسه وگروه‌های‌ملی

۷ ـ تعیین بازرس‌های حساب.

۸ ـ انتخاب اعضای افتخاری.

ماده چهاردهم ـ اخذ آراء در مجمع عمومی برای موضوعات مشروحه در ماده ۱۳ علنی وبه اکثریت مطلق اعضاء حاضر می‌باشد. اخذرأی مخفی باپیشنهاد دوثلث از اعضای صاحب رأی قابل اجرا می‌باشد.

هرگونه تغییر در اساسنامه باید به اکثریت دو ثلث از رأی دهندگان‌حاضر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درجلسه صورت گیرد .

ماده پانزدهم ـ اتحادیه زبانهای زنده مهم یا اسپرانتو را مورد استفاده قرار خواهد داد .

ماده شانزدهم ـ انحلال اتحادیه موقعی امکان‌پذیر است که دو ثلث از اعضای حاضر در مجمع عمومی به آن رأی داده باشند .

نحوه مصرف موجودی و دارائی اتحادیه درمجمع عمومی به اکثریت نسبی معین خواهد شد .

فصل سی و دوم

عقاید نویسندگان ایرانی

سکوت مطلق

از روزی که کلمهٔ «فراماسونری» و «فراموشخانه» به زبان فارسی راه یافت، همواره ایرانیان با آب و تاب فراوان، از این مجمع اسرارآمیز یادکرده و شاید هم اکنون نیز نظیر چنین افکاری دربارهٔ این سازمان وجود داشته باشد. از اوایل قرن هیجدهم میلادی هروقت نویسندگان ایرانی دربارهٔ «فراموشخانه» بحثی می‌کردند و یا مطالبی می‌نوشتند بیشتر نوشته‌ها و افکار آنها جنبهٔ افسانه و حکایات عجیب و غریب داشته و کمتر توانسته‌اند به واقعیت پرداخته و مطالب عمیق و صحیحی تهیه کنند.

در یک قرن اخیر به خصوص در سال‌های گذشته، که همیشه فراماسون‌های ایران مصدر کارهای بزرگ بوده و در دولت، مجلس، مقامات دولتی و حتی روحانی نفوذ کرده و شاغل حساس‌ترین مقامات بوده‌اند، تصورات و نظرات نویسندگان نیز دربارهٔ آنها عوض شده، همه اعضای این فرقه را عامل انگلیس‌ها دانسته[1] و معتقدند که سازمان فراماسونری ایران شعبه‌ای از دولت و یا وزارت خارجه انگلستان در ایران است. نطقها، گفتارها، مقالات و کتبی که در زبان فارسی علیه فراماسونها ایراد و منتشر شده و می‌شود همه بلاجواب مانده و در تمام دوران ۱۵۰ سالهٔ اخیر،

---

۱ ـ کتاب نفت و بحرین ص ۱۶۲

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فراماسونها همواره سکوت کرده وهیچگاه حاضر نشده‌اند درباره اوهام وخرافات، اتهامات و نسبت‌های روا یا ناروائی کـه بـه آنها می‌زنند ، در مقام جواب گوئی بر آیند .

در مدت یکصد و پنجاه سال اخیر ، فقط یکبار در محفلی کـه عده‌ای از فراماسون‌ها گرد آمده بودند ، یکنفر حاضر شد ، دربارهٔ فرقه ماسونی درایران و جهان سخن‌گوید ومعلومات‌خود را در اختیار افکار عمومی بگذارد . این‌شخص محمود عرفان قاضی‌عالی‌مقام وزارت دادگستری‌است‌که درجلسه سخنرانی هفتگی حزب عامیون درسال۱۳۲۷درباره فراماسون‌ها نطق مختصری ایراد کردکه‌خلاصه گفتار اودرمجله یغما [۱] چاپ شده و درقسمت دیگر این‌کتاب نیز از این سخنرانی ذکری شده است .

اطلاع از نوشته‌ها و نظرات مورخین وهم‌چنین نویسندگان و دانشمندان معاصر ، بخصوص از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون ، تا اندازه‌ای مهم وقابل توجه‌است. بهمین جهت تاآنجاکه‌امکان دارد خلاصه‌ای از مقالات و گفتارها ونظریات وعقاید دانشمندان ونویسندگان معاصر را جمع‌آوری کرده و به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم :

دیو و جن و عفریت

نصیر الدین میرزا فرصت حسینی شیرازی در کتاب نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند ، که پس از مسافرت بـه هند نـوشته در باره فـراماسونری چنین می‌نویسد : [۱]

« دراین‌هفته می‌خواهم‌بروم(فری‌مسن)فراموشخانه اگر خدایتعالی‌بخواهد شاید از آنجا هم چیزی نوشتم سابق بـر این دویست روپیه می‌گرفتند شخص را داخل می‌نمودند حال ارزان‌ترشده یك صدوپنجاه‌روپیه می‌گیرند یکی ازدوستان

۱ ـ مجلهٔ یغما شماره‌های ۱۰ تا ۱۲ سال دوم

۲ ـ نحو وصرف خط‌آریا و مختصر جغرافیای هند، قسمت دوم‌ص ۸۳

نتگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واقعی میل کرده ازروی فتوت آن وجه را (درحقیقت ضرر را متحمل شود) مرا برده سیر دهد وخودش رفته است نام اورا دراینجا نوشته بودم از در داخل شد ازدیدن نام خود متغیر گردید فرمود نامی ازاین گمنام مبر لهذاحاك نموده ننگاشتم والسلام.

پیش ازاینها مرد مغرضی کتابی درباب فری‌مسن نوشته بدطبع رسانیده بودو اشکال عجیب وغریب (دیو وعفریت وجن) کشیده مذکور داشته بود که در آنجا این اشکال را به نظر شخص جلوه می‌دهند و برخی مهملات بهم بافته انتشار داده بود اصلا این مطالب حقیقتی ندارد و بعضی که گویند رفتن در آنجاموجب بی‌دینی ولامذهبی است از روی بصیرت نگفته‌اند مردمانی که فری‌مسن رفته‌اند می‌بینم برورع وزهد ودیانت و اماتشان افزوده جز طریق محبت و مودت به بنی اوع خود رفتار ندارند واحدی را نیازارند و زیردستان را دستگیری نمایند. از برای این تشکیل سی و سه درجه است تا نه (۹) درجه آن دربمبئی برقرار است زیاده از این در لندن و پاریس ترتیب داده شده که در بمبئی میسر نبوده و اسبابش ناموجود هر درجه را نامی است مخصوص:

درجه اول را (انترد اپرانتیس) نامند یعنی دخول شاگرد بر استاد

درجه دوم را (فکوکراف) گویند یعنی رفقای هنرمند

درجه سیم را (مسترمسن) خوانند یعنی معمار یامهندس

واین هرسه درجه را لاج می نامند وشش دیگر را (چپتر) می‌خوانند و فری‌مسن که نام تمام این اداره است معنیش مهندس یا معمار ازاو است و بنای این کاردر زمان بنای بیت‌المقدس شده و آنچه معلوم می‌شود معمار بیت‌المقدس هم آن خانه را برای همین مقصودی که حالا دارند بنانهاده بوده ..

نوشته‌های محمود محمود

دانشمند فقید محمود محمود نویسنده کتاب «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در مجلدات پنجم وهفتم کتاب خود، درباره فراماسونری درجهان



استاد فقید محمود محمود

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و ایران مطالب فراوانی نوشته است.[1] در این جا برای نشان‌دادن افکار و عقاید و نظرات یك مورخ و نویسنده ایرانی، قسمتهائی راکه زائیده افکار اوست عیناً نقل می‌کنیم، و ازذکر قسمتهای‌تاریخی، سیاسی و آنچه‌که ازکتب‌و آثار دیگران‌اقتباس و نقل‌کرده‌است. خودداری می‌شود:

«از تاریخ عملیات اولیه مجامع فراماسون پیداست‌که در بدوامر خیلی‌ساده ومخصوص یکمده‌از طبقات بنا و عمله وکارگران‌آزموده و مفید بودکه بطور آزاد در شهرهای معتبر اروپا برای ساختمان بنا و عمارات و غیره در دنبال کاربودند و این‌یك طبقه مخصوص را تشکیل داده‌بودند. بعدها رنگ مذهبی و سیاسی گرفت و صاحبان همت بلند مطامع عالی، آنها را بدست‌گرفته، برای مقاصد سیاسی بکار بردند. رفته رفته قواعد نظامات برای‌آنها قائل شدند وجلسات و مذاکرات سری نگاهداشتند.

به‌مرور زمان اشخاص جاه طلب درآن محافل‌راه پیداکرده اساس‌اولیه‌آنرا برهم‌زده از نو طرح‌دیگری‌ریختند واین‌محافل به‌هیئت‌های سری بسیارخطرناك مبدل گردید وهرموضوع‌خطرناك سیاسی‌بدست‌اعضای آن‌اجرامی‌شد بعدهاهمینکه روح ملیت در اروپا استحکامی پیدا می‌کرد این مجامع نیز رنگ ملی آن ملت را می‌گرفتندکه مختصراً شرح آن گذشت.

این‌اواخر دیگر بقدری‌این‌محافل‌خطرناك شدوعملیات‌آن بقدری‌وحشت‌آور است‌که انسان از شنیدن و خواندن و اقدامات و عملیات آنها وحشت‌می‌کند.

همینکه دول اروپا بفکر استعمار افتادند این محافل بهترین وسیله بود که توسط اعضاء آن می‌توانستند تولید اختلاف کنند و باتفاق و دوئیت میان سکنهٔ آن ممالکتی‌که بتصرف آن تصمیم‌گرفته بودند موفق شوند.

داعیان‌جسورواز‌جان‌گذشته زیادباطراف‌عالم‌مخصوصاً به‌آسیا وافریقا روانه داشتند. مأموریت اینها دراین زمینه‌ها بوده‌که‌آداب ورسوم‌آئین و مذهب واصول

۱- از صفحه ۱۲۱۶ تا ۱۲۲۰ جلد پنجم و از صفحه ۱۸۱۰ تا۱۸٤۸ جلدهفتم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

حکومت آنها را بمناوینی که فقط خود این داعیان به آنها آشنا هستند، درانظار سکنه حقیر و بی اعتبار جلوه داده باعبارات دلفریب آنها را نسبت باصول زندگانی و حکومت ملی خودشان بدبین و ناراضی کنند. این کلمه آزادی که درمیان یك قوم باملت جاهل برزبانها افتد غافل هستندچه اثرات شومی در میان آن ملت ساده لوح تولید خواهد نمود.

کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی ـ برادری و برابری باشد یك آتشی در سال ۱۷۸۹ دراروپا بوجود آورد که خشك وتر هرچه بود سوخت وروح ملت فرانسه راطوری مسموم نمود که هنوز هم که هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده است و ملت فرانسه بحال طبیعی خود عود نکرده است.

روشن کننده همین آتش همان اعضاء مجامع ومحافل فراماسون بودند که بعدها رفته رفته شراره این آتش بتمام ممالك عالم سرایت نموده دنیائی را باآتش بیداد خودسوزانید، امروز هم یك دام بس خطرناکی است که تمام ملل مقتدر وغیر مقتدر را بوحشت انداخته است.

من بیش ازاین نمی خواهم درسراین موضوع ممطل بشوم فقط می گویم همین آتش بعدها بخرمن هستی ایرانی افتاد وملت ایران راسالها گرفتار انواع مصائب و محن نموده است. پس از آن دودمان آل عثمان رابخاکستر سیاه نشانید روسیه یکصدو شصت ملیون نفوس را باشعله های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر مجرب و جاهل را به بادفنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است. من این تذکر مختصر را بهموطنان خود می دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین شیادرا نخورند و به الفاظ فریب دهنده آنها گوش ندهند و به کتابهای شیرین وعبارات نغز آنها مفتون نشوند، مجذوب نویسنده های آنها که دارای عناوین فضلا و علما وغیره هستند نگردند، این الفاظ و این عبارات واین نویسنده های عالم و فاضل آنهائی هستند که دنیا را بااین کلمات شیرین وفریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه و انقلاب را درهر سرزمینی دامن زده اسباب اسارت دایمی سکنه آنها را فراهم می آورند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باور بکنید از آن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیدا شد و محفل سری آنها باشاره لندن در این سرزمین تشکیل گردید از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است.

همینکه ناراضی‌ها و ساده‌لوحان و بعدها طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند از آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بربست.

اینك با این مقدمه که فوقا گذشت من تعجب دارم چگونه این نسبت را به سید جمال‌الدین داده او را داعی و مبلغ یك چنین مؤسسه دانسته‌اند که در ایران و سایر ممالك اسلامی عامل آنها را تشکیل داده است. من امیدوارم ریشه این درخت فتنه و فساد که عالمی را زیر و رو نموده است از ایران برانداخته شده است دیگر محفلی باین نام و نشان در ایران وجود ندارد هرگاه خدای نکرده بازهم اثری از آن در این سرزمین وجود داشته باشد من بنام ایران و ایرانیت از هموطنان خود تمنی می‌کنم از دور این شیادان بپاشند و پیرامون آنها نگردند و برای یکنفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی‌شود که داخل یکی از این محافل دشمن بشود»

دانشمند فقید در جلد هفتم چنین می‌نویسد:

«... نمایندگان دولت انگلیس که در ایران مأموریت پیدا می‌کردند در همه جا از این برادران داشتند و بسراغ هم می‌رفتند و یکدیگر را پیدا می‌کردند و با آنها سر و سر داشته و باهم رایگان بودند.

انگلیسها این محافل را نه تنها در ایران بلکه در تمام ممالك آسیائی و افریقائی و سایر جاها داشتند. مأمورین رسمی دولت انگلیس دیگر در این ممالك غریبه نبودند، برادران دلباخته آزادی زیاد داشتند و آنها انگلیسها را دوست داشتند آنها را غریبه نمی‌دانستند. همینکه روبرو می‌شدند یکدیگر را می‌شناختند و باهم رایگان می‌شدند... وقتیکه انسان بطور دقت اعمال و شرح حال رجال درباری فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه را مطالعه می‌کند، می‌بیند تمام آنها مانند اشخاص فرسوده، بی‌حال و بی‌علاقه، مهمل و بیکاره هستند.

مثل این است که مقدرات آنها دست خودشان نیست . ازخود اراده ندارند. اینها نیستند که صاحب مملکت ایران هستند ، بلکه ایران صاحب دیگر داردکه غیرازشاه وصدراعظم است .

وقتی که می‌دیدند دریك روزی اعتمادالدوله راکه یگانه مرد توانای ایران است دریك روز باتمام اعوان وانصار و اولادش نیست ونابود می‌کنندآنوقت بجای او میرزاشفیع را می‌نشانند رجال‌دربار درفکر فرو می‌روند ونمیدانندکه اورابرد ودیگری را آورد .

وقتی که میرزا ابوالقاسم قائمقام را نمی‌گذارند یکسال صدارت‌کند وحاجی میرزا آقاسی را چهارده سال در صدارت حفظ می‌کنند پیداست که کارشاه نیست . هم‌چنین میرزاتقی‌خان‌امیرکبیررا باآن‌قدرت‌وتوانائی‌ازبین‌می‌برندومیرزاآقاخان نوری را درمسند صدارت می‌نشانند همه می‌فهمند که کار شاه نیست ، این دست دیگری است که میرزا تقی‌خان را می‌کشد و میرزاآقاخان را بجایش می‌نشاند . آن تشریفاتی‌که برای دخول بمحفل فراماسون داده‌اند هرتازه وارد ازمشاهده آن تشریفات مات ومبهوت می‌شود اختیار ازکف او خارج است خود را در مقابل چیزهائی مشاهده می‌کندکه از خود بی‌خود می‌شود ، در اینوقت است‌که از اوقول وقرار می‌گیرند وتاآخر عمر به‌آن محفل خود را بسته می‌بیند وبرگشت برای‌او نیست واوامرآن بدون چون و چرا باید اجرا شود تابه بهشت موعود که آزادی تام وتمام همه سکنه جهان در آن است برسند ، آنوقت است‌که آزادی ، برادری‌و برابری تمام روی‌کره‌زمین را خواهدگرفت .

درقرن‌نوزدهم‌چندین‌امام زمان برای‌ایرانیان‌تراشیدند ولی هیچیك جائی نگرفت،پیروان‌میرزا علیمحمدباب‌حتی‌دست بشمشیرهم‌بردند فایده‌نکردچونکه درزمان حاجی میرزا آقاسی علم کردند ولی‌صدارت او دوامی‌نکرد محمدشاه‌مرد وحاجی‌خلاص شد ، رفت درحضرت‌عبدالعظیم بست نشست تاربدان اسباب مسافرت او را بعتبات فراهم کردند . میرزا تقی‌خان امیرکبیر در دوره صدارت خود فتنه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باب را خوابانید و آنها را قلع وقمع کرد و خود او نیز برای سیاستی که در پیش گرفته بود وجودش غیرلازم بوده او را هم ازبین بردند .

در زمان میرزا آقاخان نوری پیروان باب بازجابش کردند ولی این بار سخت مجازات دیدند ودیگر قد علم نکردند ولی پرفسور براون تاابن اواخرهم سنگ آنهارا بسینه می‌زد وبرای آنها همیشه نوحی‌خوانی می‌کرد...

...توسعه سریع وفوق‌العاده فراماسون در قرن هیجدهم بسیار قابل ملاحظه است بچه سرعت عالمگیر شد وبطور مؤثری آزادی فکر وعقیده توسط پیروان آن توسعه‌یافت. این‌یك مؤسسه سری بوده افرادآن بقید قسم غلاظ و شداد باید اسرار آنرا حفظ‌کنند . افراد این مؤسسه سری عقیده وایمان راسخی به اصول و شعائر را درمیان بشر عمومیت دهند تاآنها هم ازنعمت آزادی ، برابری وبرادری بهره‌مند شوند . هرعضو ماسون وظیفه خود می‌دانست مبلغ از جان گذشته آن مؤسسه باشد .

آن‌کسیکه آتش فتنه را روشن می‌کند دودآن اول بچشم خودهمان آتش‌افروزمی‌رود وبعدبچشم‌دیگران.درسال ۱۷۷٦ انقلاب‌ازامریکا شروع‌شد چونکه محفل‌ماسونهاسال ۱۱۳۳ درامریکا تشکیل‌شده‌بود واستقلال خود را اعلام کرد .

علت‌عمده این‌انقلاب بیدادگری‌دولت‌انگلیس بودکه مستعمره‌خودانگلیس برعلیه دولت انگلیس قیام‌کرد وخودرا آزادنموده وبرای همیشه خودشان را از چنگال بی‌رحم آن‌دولت غدار رهائی دادند هنوزهم قلب هر انگلیسی از دست رفتن این کلنی داغدار است .

انگلیسها هرگز تصور نمی‌کردند این فتنه اول دامنگیر خود آنها گردد ، مقصود آتش فتنهٔ بودکه جهانی را بسوزاند و خودشان ایمن بمانند ولی یك‌جرقهٔ ازآن بخرمن خودآنها افتاد . در سال ۱۷۸۹ این‌آتش بخرمن هستی ملت‌فرانسه افتاد درنتیجه‌آن انقلاب وحشتناك در فرانسه پدیدآمد مانند وبا وطاعون‌بهترین رجال این ملت را دروکرد . قرنها باید بگذرد تا ملت فرانسه زیان این انقلاب‌را

جبران کند و بحال طبیعی عود کند.

چه کسانی از آن انقلاب پرخوف و وحشت تعریف می‌کنند؟ همانهاکه پیرو اصول فراماسون بودند، همانها بودند که این آتش را افروختند و جان هزاران نفر را به خاک هلاک انداختند. آشوب ایتالیا، فتنه اسپانیا تمام تحریکات فراماسونها بوده کارل نون‌هایس می‌نویسد «لژهای فراماسون مراکز مناسب و جاهای امن برای تبلیغات بود. آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی در میان تمام ملت اسپانیول پیداکرده بودند، می‌توانستند بواسطه علائم و اشارات و طرز مخصوص دست‌دادن و اسامی و الفاظ سری و مرموز، بدین وسائل آزادی، برابری و برادری را بملت اسپانیول تعلیم بدهند، در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیت حتی در میان صاحبمنصبان قشون این نهضت توسعه یافت تااینکه درکشتی اسپانیول جنگ داخلی شروع گردید ...»

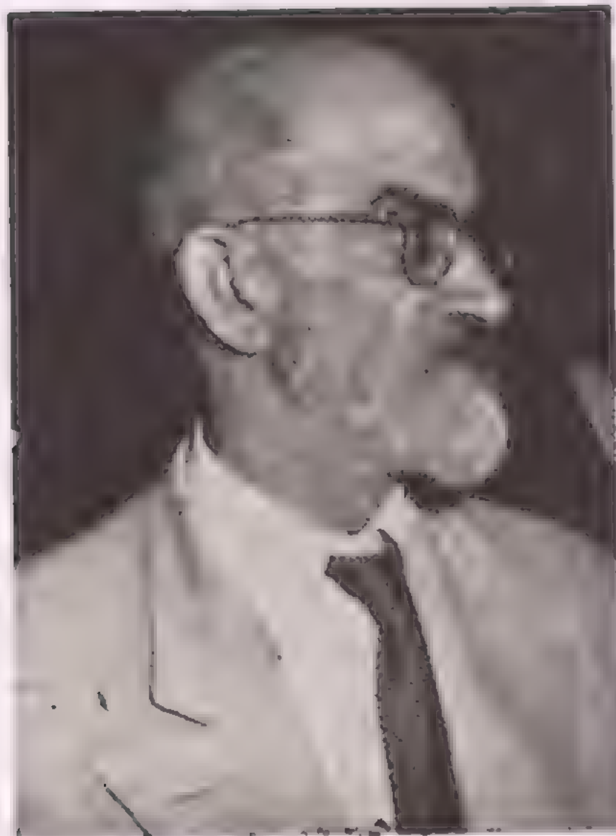
نظریات و عقاید استاد سعید نفیسی

استاد سعید نفیسی درکتاب «نیمه‌راه بهشت» در آنجائیکه از دستگاه اینتلیجنس سرویس وجاسوسی انگلستان بحث می‌کند، چنین می‌نویسد[1]

«این دستگاه همواره با فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته است و با زبر دستی خاصی فراماسونها را در هرجای ایران بنفع خود بکار انداخته و آنها را کورکورانه باطاعت و فرمان برداری محض وادارکرده است. فراماسونها همیشه در همه جای جهان درپی مردم متوسط، اندك همت، کوته نظر و ظاهر پرست گشته‌اند ... شاید هزاران هزار فراماسونهائی در اکناف و اطراف جهان بوده‌اند که صادقانه با کمال خلوص و صفا باین دستگاه جاسوسی خدمت کرده‌اند و خود نمیدانسته‌اندکه ازکجا مأمورند وبسود چه‌کسانی گام برمیدارند. برای رسیدن باین نتیجه راه بسیار سادهٔ طبیعی دارند و آن اینست که همین دستگاه جنایت پرور وخیانت‌گستر مردمان بی‌استعداد متوسط را ازجای

---

۱ نیمه راه بهشت از ص ۳۹ تا ۵۲



استاد فقید سعید نفیسی

پست برمی‌کشد و بجای بلند می‌برد ... در ایران از روز نخست با مردمی‌که اصل ونسب درستی نداشته و از مال جهان‌جز دلی‌هوی پرست و طبیعتی‌جاه طلب‌چیزی بآنها نرسیده بود بنای سازش راگذاشته‌اند. گروه گروه مردم‌از طبقه پست را پرو بال داده یا جاه طلبی آنها را راضی‌کرده و یا مکامعشان را تسلیت بخشیده‌اند ... درصد سال پیش فراماسونهای‌فرانسوی بوسیله یك ارمنی‌که دعوی مسلمانی‌داشت لژی درتهران دایرکردند. پیش از آن برخی از ایرانیان که در زمان فتحعلیشاه بعنوان فراگرفتن فنون جدید یا نمایندگی سیاسی بانگلستان رفته بودند بافراماسونهای‌لندن‌آشنا شده و عضویت‌این جمع‌راپذیرفته بودند ولی دربازگشت بایران تعصب‌هائی‌که درپیش بود مانع‌شده بودکه عده بسیاری را باخود یارکنند و تقریباًپنجاه‌سال این‌کوششهای‌جسته‌وگریخته ایرانیانی‌که در انگلستان‌فراماسون شده‌اند بجائی نرسید و سازمان منظم و پا برجائی نتوانستند فراهم کنند .

افتاد درنتیجه‌ان انقلاب وحشتناك در فرانسه پدیدامد مانند وبا وطاعون‌بهترین رجال این ملت را دروکرد . قرنها باید بگذرد تا ملت فرانسه زیان این انقلاب‌را

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

درهندوستان و مخصوصاً درکلکته فراماسونهای انگلیسی دستگاه وسیعی چیده بودند و گروه‌گروه مردم ملل مختلف را با خود یار می‌کردند. ایرانیانی‌که بهند رفتند دربن جمع نیز راه یافتند و در بازگشت بایران بیشتر در فارس و اصفهان وسایل انتشار افکار فراماسونها و آن هم بیشتر در میان طبقه محدود و معینی فراهم شد.

مبلغان این فکر بیشتر تاجرانی بودندکه برای سوداگری بهندوستان رفته و دربازگشت این کالای نوظهور را هم با خودآورده بودند و برخی طلاب وواعظان و اهل منبر بودند که بگفته خود برای ترویج عقیده خویش یا روضه خوانی در میان مسلمانان هند بآنجا رفته‌ودر بازگشت این‌افکار راآورده بودند. اما هنوز نه شماره آنهاو نه‌هنر دلاوریشان بجائی نرسیده‌بودکه بتوانند دستگاه‌منظم فراماسونری انگلیس را در ایران بگسترانند.

گروهی دیگر از ایرانیان و بیشتر مردم آذربایجان برای تجارت بخاك عثمانی ومصر می‌رفتند ودرآنجابا فراماسونهای تربیت یافتهٔ فرانسه آشنامی‌شدند و در قاهره و استانبول از آنها تعلیمات می‌گرفتندو در بازگشت به ایران این‌افکار را انتشار می‌دادند.

فراماسونهای دسته فرانسوی نخست از یکی از شهرهای استانبول الهام گرفته‌اند. جوانی از ارمنیان جلفای اصفهان که بعدها می‌بایست دربن گیرو دار سیاست‌اروپائی در ایران‌کارهای‌بسیار بکند وحتی در تقلب در قمار ودلالی‌گرفتن از خرید و فروش‌های دولتی وارد شود و چنان مردم‌را از شعبده‌ها و نیرنگهای گوناگون خود خیره کند که حتی نسبت حقه بازی و تردستی مخصوص باو بدهند مأموریت پستی در سفارت ایران دراستانبول داشت ومترجم فرانسه‌آن سفارتخانه بود. این‌جوان ارمنی‌ملکم پسرمیرزا یعقوب ازبهترین و دلیرترین و با وفاترین پیشروان و پیشوایان فراماسونها در ایران بود که در استانبول او را تربیت‌کرده و به ایران برگردانده بودند تا مأموریت خود را انجام دهد ...

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

... فراماسونها خوب می‌دانند از حالت رعب مخصوصی که در اعضاء خود ایجاد می‌کنند چگونه برخوردار شوند ... دست آلوده چرکینی را میاورند، آلودگی و رسوائیش را بیادش می‌آورند و با او شرط و قراری می‌دهند که هرساعت سر از فرمان بپیچد فسقش آشکار خواهد شد ... اساس کار فراماسونها همواره در هر زمان ودر هرکشوری بهره جوئی و بهره‌یابی از مردم زبون و ناتوان سست پای سست دل سست رأی بوده‌است. در گام اول که می‌خواهند کسی را جلب کنند نخست آنچه می‌توانند درباره وی بحث و فحص می‌کنند و می‌پرسند و می‌جویند تا مطمئن نشده باشندکه آن مردست نشانده فرمان بردارشان خواهد شد او را ببازی نمی‌گیرند. سپس که تصمیم بجلب او گرفتند و شرط و پیمانها را با او استوار کردند و قلاده سنگین بردگی جاودانی را بگردنش گذاشتند انواع وسائل مادی کودك فریب ابله ترسان را دربارهٔ وی بکار می‌برند.

شب تاریك در پی او می‌روند، در وسیله نقلیه‌ای می‌نشانندش، چشمانش را تنگ می‌بندند، مدتها و گاهی ساعتها در همان یکی دو خیابان او را می‌گردانندو بارها از این سو بآن سو می‌برند چنانکه آن مرد بپندارد که به مسافت بسیار دوری برده‌اندش.

درخانه که وارد شدند باز چندین بار وی را درگرداگرد آن سرای می‌گردانند که حس تعیین مسافت را بکلی درو بکشند و او را کاملاً گیج و سرگشته بکنند. از پله‌هائی چندین بار بالا و پائینش می‌برند و سرانجام در زیر زمین تاریکی واردش می‌کنند. درسر راهش صندلی‌ها و میزهای متعدد چیده‌اندکه پایش با آنها بربخورد و باز رعب در دلش بیشتر شود. همینکه اورا نشاندند موسیقی یکنواخت و یك آهنگی که گوئی از کیلومترها مسافت می‌آید مدتی در گوشش شاق می‌کنند. در میان سکوت محض ناگهان تیری در پی گوش وی در می‌کنند و بکلی حالت کشش اعصاب و اضطراب و خلجان فکر و منتهای رعب و هراس را درو پیش می‌آورند، در همین میان کسی با صدای مصنوعی بسیار خشن و زننده او را مخاطب می‌کند و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

با بانگ بم وکلمات مقطع و کشیده و بریده از نام و نسب و جزئیات زندگی او می‌پرسند و آن اسراری را که از او بدست آورده‌اند جسته جسته در میان آن سخنان می‌گوید و بر او امیددارد که بپرسشهای او پاسخ صریح و درست بدهد و اسرار دیگر را بر زبان بیاورد.

بدینگونه این مرد ابله بدبخت را بکلی زبون و دست نشانده و فرو دست می‌کنند و ذره‌ای غیرت و مردانگی و جرأت و دلاوری و حس غرور وخودخواهی دراو باقی نمی‌گذارند.

بدین حالت چشمش را می‌گشایند و در پرتو بسیار ضعیف شمع گرداگرد وی در دو صف گروهی نشسته وگروهی پشت سر ایستاده‌اند که همه سیاه پوشیده و هر یك افزاری بدست دارند و به‌ترتیب درجات و شئونی که در آن جمع دارند نشسته یا ایستاده‌اند. پس از این که مجلس بهم خورد و فضا روشن شد و بحال عادی برگشت تازه می‌بیند کسانیکه گرد وی را گرفته بودند بیشترشان دوستان نزدیك و معاشران قدیم او هستند که درین سالهای دراز دوستی و معاشرت اندك اشارتی به این اوضاع نکرده‌اند و عجیب‌تر از همه آن‌که خانه وصاحبخانه و محله همه را می‌داند و می‌شناسد و پی‌می‌برد که در کجاست و چگونه است ...

... خدا داند که دستگاههای فراماسونری فرانسوی و انگلیسی در این‌دو قرن گذشته در گوشه وکنار جهان چه بهره‌ها و چه سودهای مردم گزای از این دستگاه و ازین بازی زشت مردم اوباش برده‌اند ...

... فراماسونهای ایران‌هم تابع‌همین‌اصول و بازیگرهمین میدان‌اند. برخی از آنهاکه در جوانی سری پرشور ودلی پر آرزوداشته‌اند ونمی‌خواسته‌اندبه‌همان زندگی‌محقری‌که‌برایشان فراهم‌بودقناعت‌کنند بدین دستگاه سر فروآورده‌اند...

۱ــ در این قسمت از کتاب نیمه‌راه بهشت کلمات زشت و زننده‌ای بکار رفته که چون تکرارآن‌زائد است از نقل‌آنها خودداری شده وتنها اظهارعقیده وتشریفاتی‌که نویسنده به‌آن توجه کرده نقل شد.

... اگر از نزدیك وارد زندگی ایشان بشوید می‌بینید در خانهٔ خود گوشه‌ای و ساعتی مخصوص بخود دارد که در آن جا بیگانه و نامحرم را جای نیست. همیشه اطاقی یا پستوئی و صندوقخانه و تاریك خانه‌ای مخصوص ایشانست که دیگران حق ورود بدان ندارند وچون خلوتگاه دیوان در قصه‌هائیست که برای کودکان می‌گویند.

درساعت معینی از شبانه روز بدانجا می‌روند و در را بروی خویش می‌بندند وچون صوفیان که در خلوت چله می‌نشینند وبمراقبه می‌پردازند آنها نیز بانفس امارهٔ خود خلوت می‌کنند وبه‌مشورت می‌پردازند وعقل را بمیانجی‌گری وقضاوت در برابر خویش می‌نشانند..

... درهفته، روز معین و ساعت معین این آقای عزیز در میان انبوه شهر گم می‌شود وکسی نمی‌داند بکجا رفته است وهرگز زن و فرزندش هم کمترین اشارتی بدین (غیبتهای صغری و کبری) ازو نشنیده‌اند. درخانه جعبه‌ای یا چمدانی و صندوقی و کشوی میز مخصوص او هست که کسی نمی‌داند در آن چه نهفته و چه امانت گذاشته است. روزی که مرگ برسرش فرود آید ... وسرانجام کلید اسناد بدست محارم افتد. یکی چندورق احکام وفرمان‌های لژ که بزبان خود (دیپلم) می‌گویند و بسته بدرجاتی که پیموده نشانها و امتیازات ماسونها و اگر بمقام بلند رسیده باشد حمایلهای آن با یك نسخه چاپی اساسنامه و نظامنامه لژ یگانه میراث مرده آنهست..

دکتر محمدحسین میمندی نژاد

دکتر میمندی نژاد درکتاب « حوادث » در باره فراماسنهای ایران چنین می‌نویسد:[1]

« ... هیئت‌های حاکمه مزدوران سر سپرده فراماسونهای مسلوب الاختیار وبیسوادی اکثریت مردم ایران اساس وپایه نفوذ انگلستان در ایران می‌باشد.

کسانی که کتب سیاسی و اجتماعی نگارنده را مطالعه فرموده‌اند به خوبی

---

۱ – صفحه ۱۰۹ تا ۱۱۳

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

متوجه گردیده‌اند که برای متزلزل ساختن و فرو ریختن این پایه‌ها با صراحت مبارزه‌کرده‌ام. آنچه مرا وادارکرد بازهم به حاشیه بروم اینست‌که: پس‌ازانتشار کتاب(مبارزه‌در راه‌حق ادامه‌دارد) بایکی از دوستان‌به‌دیدار یکی ازفراماسونهای گوشه‌نشین که تازه از سفر آمده بود رفتم وکتاب را به او تقدیم کردم تا مطالعه کند. بحث تحت عنوان (سرم حقیقت) انقلابی درفکر و روحش ایجاد کرده‌بود. چند روز بعد که در تنهائی با آن پیرمرد که ازبردن نامش معذور هستم[1] روبرو شدم متأثر ومغموم درحالی‌که می‌لرزید و اشك می‌ریخت‌می‌گفت: شما بدون‌جهت تمام فراماسون‌ها را با یك چوب رانده‌اید خوب بود استثنائی قائل می‌شدیدوقتی که قانون بدون استثناء نمی‌شود چطور ممکن است دریك اجتماعی تمام اشخاص یك‌جور باشند شما خودتان نوشته‌اید: وقتی که دو اثر انگشت میلیاردها افراد بشر شبیه نیست چگونه ممکن است طرز تفکر افراد شبیه باشد؟

گفتم: آنچه می‌فرمائید صحیح است. روی همین اصل بودکه در کتاب در راه حق به‌صراحت نوشتم: (کسانی‌که واردلژهای فراماسون می‌شوند ممکن‌است قبل ازورود مردان باشرف وپاك ودرستی باشند..)

در حالی که می‌لرزیدگفت: من به شما اطمینان می‌دهم اکثریت اشخاصی که وارد این تشکیلات شده‌اند اشخاص باشرفی هستند. برای اینکه شما بدانید برای چه این اشخاص باشرف وارد این تشکیلات شده‌اند مانعی ندارد از مرام و مسلکی که‌این جمعیت‌دارد باخبر باشید. همان‌طورکه شمانوشته‌اید فراماسونری در دنیا ریشه دوانده ودرتمام‌کشورها این فلسفه باسرعت نفوذ یافته‌است. سرّنفوذ این فلسفه در بین مردم عالم از این جهت است‌که مرامنامه این‌جمعیت برای‌تمام مردم فهمیده عالم قابل قبول است وهرکسی‌آن راکامل می‌یابد.

این جمعیت بین‌المللی یك جمعیت کامل اخلاقی است وبرای تأمین رفاه و آسایش مردم عالم تأسیس گردیده‌است و اگر به سرعت پیشرفت کرده برای‌این

[1] ۱ – این شخص بنا باظهار آقای دکتر میمندی نژاد مرحوم قراگوزلو همدانی بوده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

است که پیروان این فلسفه خوبان عالم هستند. دربین ماسون‌ها اشخاص بی سواد هرزه و رسوا راه ندارند. من به کشورهای دیگر کاری ندارم در همین ایران افرادی از قبیل آیت‌الله سید محمد طباطبائی، شیخ ملا هادی نجم‌آبادی، حاج سید نصرالله نقوی، میرزا حسین خان مستوفی الممالک، مشیرالدوله پیرنیا، ادیب‌الملک فراهانی، علیخان ظهیر الدوله، کمال‌الملک، محمد علی فرزین، ارباب کیخسرو، محمد علی‌فروغی (ذکاء الملک) و امثال آنها در این سازمان بوده‌اند.

شماکه پرونده و سوابق سیاسی اشخاص را از بایگانی ها بیرون می‌کشید و اززیر خروارها خاک‌بیرون می‌آورید آیا شنیده‌اید این اشخاص دزدی کرده‌باشند آیا هیچ کجا خوانده‌اید که ازاین بزرگوارها خلافی سرزده باشد ویا عمل‌زشتی را انجام داده باشند؟

او منتظر بود جوابی به سئوالاتش بدهم و چون سکوت مرا دید اظهار داشت: سکوت شما دلیل بر اینست که در برابر این سئوالات جوابی ندارید بدهید.

گفتم: سکوت مرا دلیل بررضایت ندانید فرمایشات خود را بفرمائید تا بعداً جواب عرض کنم.

گفت: اصول وعقاید ماسونها در درجه اول اعتقاد به ذات پروردگار یگانه است اودر نظر ما مهندس اعظم معمار اصلی است چون چنین ایمان و عقیده‌ای سرلوحه فلسفه فراماسون‌ها است پس از این جمعیت دارای تمامی مبانی اخلاقی می‌باشد.

فراماسونها تمام افراد عالم را برادر وبرابر می‌دانند وکسانی که معتقد به ذات پروردگارمی‌باشند ولو اینکه دین ومذهبشان با هم متفاوت باشد با یکدیگر برادر هستند. در بین فراماسونها آزادی و احترام به آن یکی از اصول اساسی را تشکیل می‌دهد. آزادی کار، آزادی مسکن، آزادی عقیده ارکان اصلی این

فلسفه می‌باشد . فراماسونها با اختلافات نژادی شدیداً مخالف هستند و اختلاف رنگ، پوست و تبعیضهای نژادی‌را بکلی‌متروك وهمگی بیکدیگر بهدیده احترام نظر می‌کنند . فراماسونها در هرکجای عالم باشند دارای هر مذهب و نژادی که هستند همگی با هم برادرند و به اصطلاح با یکدیگر صیغه‌برادری خوانده‌اند .

برای سالکین این طریقه ۳۳ درجه تعیین گردیده است ولی‌بین افرادی‌که درجات مختلف را دارند هیچگونه مزیتی وجود ندارد وهمگی‌بایکدیگر برادرو برابر هستند .

هر شخص فراماسونی را که در نظر بیاورید دروغگو نیست ، تابع قوانین است ، بهزیردستان رئوف ومهربان است ، بشر دوست است ، طالب علم وفرهنگ است ، علیه خرافات می‌جنگد ، بخل وحسد و تنگ چشمی ندارد . خلاصه یك نفر فراماسون مردوارسته ازخود گذشته و دارای سجایای اخلاقی و ملکات فاضله است .

برخلاف تعبیر فارسی که کرده‌اند و فراماسون را فراموشخانه نامیده‌اند پیروان این فلسفه سعی دارند دنیای آزادی که روابط بین‌کشورها وافراد مختلف و جماعات متفاوت یکسان وبرابر باشد بسازند . شما فرانسه می‌دانید معنی لغت فراماسون در فارسی می‌شود (بنایان‌آزاد) هرکس دارای روح انسانی باشد و از بشریت بهره‌ای داشته‌باشد خواه وناخواه در ساختن‌این دنیای آزاد شریك‌می‌باشد خود شما هم با مبارزاتی‌که می‌کنید همین‌راه را پیروی می‌نمائید .

شما درکتاب (بسوی او) که‌نوشته‌اید درجه ایمان خود را بهمهندس‌اعظم و معمار بزرگ یعنی ذات پروردگار اثبات می‌کنید . مبارزات شما در جمعیت ضد راسیسم نشان می‌دهد که در راه برابر دانستن نژادها از مسلك فراماسونهاپیروی می‌کنید . شما باخرافات مذهبی از طرفی می‌جنگید و ازطرف دیگر افرادسالك مذاهب مختلف‌را درنزد خدایکسان می‌دانید . این‌اصل هم یکی از اصول فلسفه فراماسون‌ها است . شما علیه دیکتاتوری و زور وقلدری مبارزه می‌کنید و در راه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آزادی حاضر بد جان خود را فدا کنید اینها تمام اصول فلسفهٔ فراماسون‌ها است.
شما هم خواسته و نخواسته در جزو (بنایان آزاد) هستید . منتهی تفاوت شما با
آنهاکه وارد دراین تشکیلات هستنداینست که تشریفات وارد شدن بداین محافل را
انجام نداده‌اید .

اگر فلسفه فراماسونری بداست ، شما و تمام افراد آزاده جهان هم بد
هستید . آقای دکتر ... باور کنید سرم حقیقت شما صحیح نبود و نسبت به افراد
این جمعیت اخلاقی بیجهت چنین حمله ناروائی کرده‌اید . از شما بعید بود این
چنین رفتار بفرمائید . شاید در نتیجه عدم اطلاع بوده است . در هرحال درنوشتهٔ
خود تجدیدنظر بفرمائید و به یك عده مردم شرافتمند به این پایه حمله‌نفرمائید
وتهمت ناروا نزنید زیرا دربرابر خداوندی‌که به‌آن ایمان و عقیده دارید اجر و
پاداش خود را از بین می‌برید .

گفتم : فرمایشات سرکار تمام شد

اظهار داشت : تصور می‌کنم متقاعد شده باشید .

گفتم : در برابر عبارات زیبا و فریبنده سرکار هر کسی متقاعد می‌شود
ولی . . .

گفت : اگر آنهارا صحیح نمی‌دانید اعتراضات خود را بفرمائید .

گفتم : فلسفهٔ فراماسون‌ها را تشریح فرمودید . با توجه به سوابق فامیلی
سرکار اطمینان دارم مسلمان هستید زیرا مسلمان زاده‌اید . من هم قسم بـه ذات
پروردگار مسلمان‌زاده هستم و دین و آئین خود را برتـر و بالاتر از سایر ادیان
می‌دانم . می‌خواهم از سرکار که مسلمان هستید سؤال کنم : آیا دین اسلام دین
برادری و برابری نیست ؟ آیا دردین اسلام بین سیاه حبشی وسیدقریشی‌اختلافی
گذاشته‌شده است ؟آیابرای افراد مسلمان خدایکی نیست و به قول سرکارمهندس
اعظم و معمار بزرگ شریکی دارد؟آیا مسلمان حقیقی از خرافات گریزان‌نیست؟
آیا فرد مسلمان دروغگو ، ریاکار ممکن است باشد ؟ آیا شخصی که ادعا می‌کند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مسلمان است نوع دوست، خیر، رئوف و مهربان نیست؟ آیا ممکن است شخص مسلمان طالب علم نباشد؟ آیا فرد مسلم علیه بی‌عدالتی و برای حفظ آزادی مبارزه نباید بکند؟ آیا در دین اسلام جهاد و پیکار کردن علیه زورگویان و متعدیان و با به اصطلاح امروزی مبارزه با دیکتاتوری فریضه اولیه نیست؟ آیا در آئین اسلام رعایت نکردن حقوق دیگران، احترام نگذاشتن به افراد دیگر عالم قید شده است؟ آیا آن همه مبارزه در راه اسلام برای این نیست که تمام عالم از آزادی و برادری و برابری و انتفاع از حقوق یکسان بهره‌مند گردند.

گفت: البته تمام اینها صحیح است.

گفتم: پس من برخلاف فرمایش سرکار جزو (بنایان آزاد) نیستم. من یک فرد مسلمان هستم و از شما تعجب می‌کنم با وجود این که کاملترین فلسفه‌های اخلاقی و اجتماعی در دین حنیف اسلام هست از فلسفه (بنایان آزاد) پیروی می‌کنید مگر مسلمانی چه عیب دارد و پیروی از آئین اسلام چه نقصی دارد که فرد مسلمان مجبور باشد از فلسفهٔ فراماسونها پیروی کند؟

فکری کرد و گفت: شخص ممکن است هم مسلمان باشد و هم از فلسفهٔ فراماسون‌ها که با اسلام مخالفت ندارد پیروی کند. اثبات شیئی که نفی ماعدا نمی‌کند.

گفتم: فرض کنیم چنین باشد. پیغمبر اسلام چهارده قرن قبل آمد. مردم جهان را علناً به راه حق دعوت کرد، چون در راه حق می‌رفت و دسیسه‌ای در کار نبود احتیاج نداشت محافل و لژهای سری تأسیس کند و مردم را در خفا و پنهانی برای راست گفتن، برای رئوف و مهربان بودن، برای دستگیری کردن از همنوعان، برای شناختن ذات پروردگار، برای برادری، برابری، تساوی حقوق و بالاخره برای آزادی و و و دعوت کند.

تصور نمی‌فرمائید همین سرّی بودن محافل و لژها، همین مقررات سختی که برای ورود اشخاص و پیوستن آن‌ها به سالکین این طریقه وجود دارد از دسیسه‌ای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

حکایت می‌کند که از نظر افرادی که وارد می‌شوند پنهان می‌ماند .

گفت : چنین شبهه‌ای را هرگز بخود راه نداده‌ام

گفتم : بهمین جهت است که در روز ورود تعهد سپرده‌اید : (بدون چون و چرا بالاراده فرامین لژ بزرگ راکه در لندن‌است اجراکنید و باسپردن این تعهد خود را مسلوب‌الاختیار نموده‌اید) . ای آقای بزرگوار کــه سرم حقیقت نیشتری به قلبت زده و بااین موهای سفید در برابرم اشك می‌ریزی آیا فکر نکرده‌ای‌که تحت این عبارات زیبا و فریبنده ، سرکار وامثال سرکار بدون اراده و چون وچرا برای معمار بزرگ و مهندس اعظمی‌که درلژها و محافل خود چشم‌آن را درمثلثی در بــالای سر رئیس محفل نقش کرده‌اید و آن چشم چشم انگلستان است کار می‌کنید .

گفت : این چه حرفی است ، آن چشم چشم خدا است .

خندیدم وگفتم : خدا چشم‌ندارد، تجسم‌دادن چشم خدا هم به‌آن‌شکل‌تصور می‌کنم انحراف از اصول مذهب است . شماکه مسلمان هستید چرا چنین حرفی‌را می‌زنید ؟

فکری کرد و اظهار داشت : هر چه هست آن چشم چشم انگلستان نیست.

گفتم : وقتی که فرامین و دستورات هر محفلی که در عــالم باشد از محفل بزرگ که در لندن است می‌آید و تمام لژها و محافل از آنجا سرچشمه می‌گیرد ودستورات آنها را اجرامی‌کند پس دنیای آزاد به دستور آن معمار ومهندس‌باید ساخته شود . شمابخواهید یا نخواهید نقشه‌طراحی شده توسط‌آن معمار ومهندس را عملی می‌سازند .

به عبارت دیگر سرکار آقا ایرانی هستید . ادعا دارید مسلمان می‌باشید و خواسته یا نخواسته ، عمله واکله‌ای بیش تشریف ندارید و چون مسلوب‌الاختیار می‌باشید و اراده‌ای از خود ندارید لذا به دستور مهندس اعظم ویا معمار بــزرگ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

که غیر از انگلستان کسی نیست منافع و مصالح کشور آباء واجدادی خود راپامال می‌کنید.

شما و امثال‌شما در هرکشوری‌هستید خواسته یا نخواسته شدیدترین‌ضربات را بر پیکر هم میهنان و میهن خود به نفع یك دولت جابر بیگانه وارد آورده‌اید و بازهم در هر فرصتی که پیش بیاید وارد خواهید آورد.

به موجب صفحات تاریخ که شمه‌ای از آن را سعی کرده‌ام با اسناد مثبته درکتب خود انتشار دهم آن عبارات فریبنده وزیبا دامی‌است برای‌جلب‌افرادخوش‌طینت و پاك، ولی‌همان طور که در کتاب (در راه حق) نوشته‌ام (.. مقررات ورود به این محافل به نحوی است که وارد شده اراده خود را از دست می‌دهد و آلت بلااراده یا بنابه اعتراف یکی‌ازشماها آلت فعل می‌شودکه طبق فرامین ودستورات مجبور است رفتار کند وراه برگشت هم ندارد).

گفت: پس آن مردمان شریفی‌که نام بردم آنها هم ..

گفتم : به اکثر آنها (نعل وارونه) زدند . اینها به طور غیر مستقیم به تصور این‌که با استعانت وکمك مردم آزاده‌جهان‌که محافل آن‌ها درپاریس بود ، خواهند توانست‌ایران‌را ازقید استبداد پادشاهان قاجارخارج‌کنند به‌این‌جمعیت‌به‌اصطلاح سرکاراخلاقی، پیوستند . از یکی از آنها قبل از مرگش شنیدم گفت :

(با کمال تأسف ما آن روزها نفهمیدیم ، در پس قیافه آراسته‌ای‌که به ما عرضه داشتند قیافه کریه مهیبی که ما همیشه از آن ترس داشتیم پنهان بوده است).

حرفم را قطع کرد وگفت : اگر راست می‌گوئید پس چرا وقتی‌که فهمیدند برنگشتند.

گفتم : همین سئوال شما را ازآن‌مرد شریف‌که مورد احترام من بودکردم، درجواب اظهار داشت : راه برگشت وجود ندارد تنهاکاری‌که من توانستدام انجام بدهم اینست‌که در بازی‌ها وارد نشوم و به عناوین مختلف از زیر بار فرامینی که

می‌رسد شانه خالی کنم . مثل آن بزرگوار در بین مؤسسین این تشکیلات زیادبودند و من با بعضی از آنها تماس نزدیك داشته‌ام . برمن واضح و مسلم گردیده است اشخاص باشرف و باحیثیتی که وارد این سازمان گردیدند ، پس از آگاه شدن بر حقایق گرفتار عذاب وجدانی شده زندگی روزمره را گذرانده‌اند ووجودشان مثمر ثمر و اثری نبوده است . مثلا جناب آقاکه به من اعتراض می‌فرمائید وسالك این طریقه هستید ومی‌کوشید از شرف و حیثیت خود دفاع کنید منشاء اثری نیستید . قصری زیبا دارید ، ثروتی سرشار دراختیار شما است ، قسمتی از سال رادرخارج از ایران وبقیه را در این کاخ عظیم به سر می‌برید چه عمل مفیدی انجام می‌دهید؟ چه خدمتی به‌کشور آباء واجدادی خودمی‌کنید ؟ چرا شما را به بازی نمی‌گیرند؟ قبل از اینکه‌سفر بروید یك روز ازشماپرسیدم‌چرا خاطرات خود را نمی‌نویسید؟ جواب فرمودید: برای اینکه تأمین‌جانی ندارید؛ آری، چون تأمین جانی ندارید، چون به زندگی علاقمندهستید . چون به این کاخ ودرآمد سرشار دلبستگی دارید، سکوت را پیشه خود ساخته‌اید . بدیدها و بازدیدها، به‌تعظیم و تکریم‌ها دل خوش کرده‌اید .

در برابر گفته‌هایم‌ساکت وآرام بود . با چشمهای نافذ و سیاهش گلهای قالی را می‌شمرد . دستها را بهم می‌مالید . ناراحتی عجیبی سراسر وجودش را به‌تزلزل درآورده بود . او خواسته بود بر من خورده بگیرد . امـا من با گفته‌های خود ضربات شدیدی بر روحیه‌اش فرود آورده بودم او میل داشت این بحث خاتمه یابد ... اما من دست بردار نبوده وگفتم : وقتی که سرکورزن به ایران آمد سفری به همدان کرد در آنجا توانست بزرگان متنفذ ودانای شمارا با عبارات‌زیبا بفریبد و سالك به این طریقه سازد شما هم که از آن‌خاندان بودید خواه ناخواه در این طریقه‌وارد شدید ولی‌وقتی که‌فهمیدید و دانستیدکنار کشیدید ، خانه‌نشین شدید ، زندگی را ادامه می‌دهید شما رابارها به‌کاردعوت‌کردند . خستگی‌وبیماری را بهانه نمودید و از زیر بار کارکردن شانه خالی نمودید . . اینطور نیست ؟

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قهوه‌ای آوردند. رسم این بزرگوار چنین بود در اول ورود بـه مهمان خود چای می‌داد اشارات و رموزی داشت کـه قبل از رفتن قهوه‌ای بیاورند همینکه قهوه می‌آمد معلوم بود وقت ملاقات تمام شده است و باید اورا راحت گذاشت. قهوه را خوردم و از خانه‌اش خارج شدم، اورا در دریای غم و اندوه برجای‌گذاردم.

چند روز قبل که بایکی از دوستان برای‌گفتن خیر مقدم به سراغش رفته بودیم در موقع خروج دوست من می‌گفت (زندگی پرتجمل، کاخ رفیع، ثـروت بیکران است اما با چنین وضعی، بی‌کس و یاور و بازمانده‌ای تنها در این کاخ بسر بردن وغم‌خوری نداشتن ازمرگ بدتر است).

دراین‌ملاقاتی‌که‌به‌تنهائی‌ازاوکردم‌می‌خواستم اسنادومدارکی به‌دست‌آورم. اما برخورد ما به این ترتیب خاتمه یافت و من به مقصود نرسیدم. چند روزی نگذشته بود که در رادیو شنیدم در جراید هم خواندم. درتیرگی‌های شب. .درآن قصربزرگ، درمیان تمام آن تجملات، بدون اینکه کسی در بالینش‌باشد به‌خواب ابدیت فرورفته است. روز بعد با تشریفات جسدش را به قبرستان خانوادگی‌که‌در محل تولدش بود انتقال دادند.

خدایش بیامرزد زیرا اگرقدمی در راه خیر و صلاح کشور برنداشت وکار مفیدی انجام نداد لااقل ضرر هم نزدکه مورد ملامت و سرزنش قرار گیرد.ایکاش تمام‌فراماسونها دارای این شرافت اخلاقی بودند و آنطورکه اعتراف‌کردند (آلت فعل) نمی‌شدند و فرصت می‌دادند ایرانیان باشرف، ایرانی مستقل و آباد را با نقشه‌ای‌که‌برپایهٔ میهن‌پرستی طراحی‌می‌کردند دور ازچشم مهندس اعظم ومعمار-بزرگ بسازند ایکاش این (بنایان‌آزاد) تابع اجنبی، پای خود را ازصحنه سیاست کنار می‌کشیدند و می‌گذاردند ملت با شرف و نجیب ایران اختیار خودرا در کف گیرد.

این‌آرزو البته جامهٔ‌عمل به این سهولت نمی‌پوشد زیرا اکثریت پیروان، بخصوص جوانهای جاه طلبی که امروزه عمله واکله مهندس اعظم و معمار بزرگ



دکتر میمندی نژاد

می‌باشند پای‌بند شرافت اخلاقی و ایمان نیستند. اینها که متوجه هستند حساب از چه قرار است تابع غرائز شخصی: حب جاه، حب ثروت و گروهی برای ارضای شهوت از هیچگونه خوش رقصی فروگذار نمی‌کنند.

بهمین جهت است که برخلاف طرز مبارزه‌ای که پیش گرفته‌اند نگارنده کمتر ین می‌کوشم: مهندس اعظم و معمار بزرگ و بنایان آزاد را که مانند سرطان بر پیکر ایران چسبیده‌اند بهم‌وطنان خود معرفی کنم اطمینان دارم وقتی که ملت درد را شناخت چاره درد را خیلی زود خواهد کرد.

دکتر میمندی نژاد در کتاب (در راه حق) نیز درباره فراماسونها بحث شدیدی کرده می‌نویسد:[1]

«... درحال حاضر بهر گوشه عالم نظر شود، اوضاع هرج ومرج کشورهای جهان مورد بررسی قرارگیرد خواهیم دید در پس ظواهر قیافه‌های دو حریف

۱ ـ صفحه ۷۳ تا ۷۹

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شوروی و آمریکا و در پس آنها قیافه انگلستان که مشغول انگولک کردن این دو حریف می‌باشد خودنمائی می‌کند.

حال ببینیم چرا انگلستان تا این‌حد بازیگر صحنهٔ سیاست شده است؟

از روزی که تشکیلات جاسوسی در انگلستان به راه افتاد به موجب اسناد تاریخی در حدود هفتصد سال می‌گذرد. چنین تشکیلاتی با این همه سابقه ممتد و طولانی توانسته است درکشورها به مرور ایام رسوخ و نفوذ کند ودر هر کشوری سازمانهائی به راه انداخته با قراردادن افراد سرسپرده‌ای در رأس آن سازمانها آنها را به نفع خود بچرخاند. یکی از سازمانهائی‌که امروزه به نفع این‌سازمان جاسوسی کارمی‌کند تشکیلات فراماسونها در عالم‌می‌باشد. تصور نفرمائیدنگارنده میل دارد در اطراف آنچه‌که تا کنون جسته وگریخته درجراید نوشته شده است و راجع به این سازمان جاسوسی در ایران توضیحاتی داده‌اند بحث کنم وماهیت افرادی که درحکم قازورات اجتماع می‌باشند به شما معرفی نمایم. به هیچ وجه، زیرا اگر ملاحظه می‌فرمائید در این اواخر گاهگاه افرادی که فامیلا سرسپرده هستند از این‌سازمان درایران بحث می‌کنند وچند نفرپیر کفتار را که یک‌پایشان لب‌گور است معرفی می‌کنند از آنجهت است که بساط کهنه و قدیمی این دستگاه در ایران بی‌ثمر شده و اربابها در فعالیت هستند سازمان جوانتری که از قوای جوان تشکیل می‌دهند جای آنرا بگیرد. البته در درجهٔ اول این قوای جوان از همان فامیلها و از بین همان طبقات انتخاب می‌شوند وافرادجوان وتازه‌نفس مؤثری را که مقامات حساس را در ایــن کشور دارند در تشکیلات جدید داخل می‌کنند. ضمناً از رسوا کردن این پیرکفتارهای بی‌ثمر مردم را سر گرم می‌نمایند واین طور وانمود می‌کنند که مرگ این سازمان فرا رسیده ودیگر بساط آنها برچیده می‌شود درحالی که حقیقت اینست که سازمان نو و جدیدی جایگزین این‌سازمان پوسیده قدیمی‌شده وعناصرجوانی برسرکارمی‌آیند.

در این روزها این عناصر مرموز کثیف‌که اراده خود را ازدست داده‌اندبه مناسبت ورود ارباب و سایه افکندن بر سر آنها جشنی برپا می‌سازند. اجازه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌خواهم از مجلس جشن و سرور آنها فانتزی بسازم و بتو ای خواننده عزیز تقدیم دارم تا ضمناً تغییر ذائقه‌ای داده و بر اسراری نیز واقف‌کردی. قبل از اینکه به این مجلس جشن وارد شویم برای اینکه ماهیت افراد معلوم شود بیائید حقه‌ای بزنیم تا بر اسرار واقعی واقف شویم. بدون تردید شنیده‌اید اخیراً سرمی تهیه کرده‌اند به نام (سرم حقیقت) خاصیت این سرم اینست که بهرکس تزریق شود هرچه در دل دارد خواهد کفت و ماهیت خود را علنی خواهد ساخت. برای اینکه اثر سرم حقیقت را امتحان‌کنیم قبلا درچند مورد آنرا آزمایش می‌کنیم. سپس به‌آزمایش اصلی‌که مورد نظر است می پردازیم. مثلا از نوکرخانهٔ شما شروع‌کنیم: این نوکرخانه ادعا می‌کند سر بزیر، پاکدامن، صحیح‌العمل و یا به اصطلاح دزد نیست. شما هم بالاش‌قسم می‌خورید. این‌طور نیست؟

سرم را بدون‌اینکه‌خود او بفهمد به او تزریق می‌کنیم. منتظر می‌نشینیم اثرآنرا ببینم. چند لحظه از تزریق سرم کذشته است. صدای قهقههٔ خنده نوکر که هیچگاه در جلوی شما نمی‌خندید و همیشه مؤدب بود بلند می‌شود عباراتی می‌کویدکه چون نمی‌توانم‌آن مطالب‌را دراینجا نقل‌کنم زیرا به عفت و عصمت عمومی برمی‌خورد لذا به عوض آنها نقطه می‌گذارم:

(خواهر.... مادر.... زن.... توخیال کردی، از روزی که قدم‌بخانه‌ات‌گذاردم پدرت‌را درآوردم و تونفهمیدی. هرجنسی‌که خریده‌ام وزنش را دوبرابر کفته‌ام وقیمتش راکرانتر از آنچه بود حساب کردم‌آره احمق‌جون یك‌لا دولا بات‌حساب کردم تو خبر نداری اسبابهائی‌که در دسترس نبوده وبه آنها احتیاج نداشتی یکی پس از دیگری فروخته شده وپولهایش را بجیب زده‌ام. حیوون جون درسته‌که من نوکرم وتو آقا اماکردن‌کلفت تومثل‌خر کارکردی و من بعوض تو آقای خونه بودم. هروقت مرا دنبال کاری فرستادی دیر کردم. پرسیدی: کجا بودی؟ چرتی جوابت دادم. اما راستش را بخواهی سرتواحمق کلاه‌کذاردم. یك روزش باپول‌تو سینما بودم یك روزش سری بناحیه ده زدم. آخه چطور توکردن‌کلفت کارد بشکم خورده‌کنار مامان جونت باشی و من راست راست راه بروم و سماق بمیکم،

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نه‌جونم، منم یک‌مامان جون‌پیداکردم باا‌وخوشم وازپول توهرچه بخواهد برایش میخرم. خانم احمق خیال‌می‌کرد انگشتری را توکوچه‌گم‌کرده است. راستی‌چقدر خراست. آن‌انگشتر را من برداشتم بدمامان جونم هدیه‌کردم آخر اونهم دل‌داره واز من هدیه‌ای می‌خواد. توخیال‌کردی من اینجا ماندنی هستم. نه احمق جون همین‌که پس اندازم کافی شد کورپدرت. راستی‌که خیلی خرتشریف داری. احمق بااین عقلت من‌نمی‌دونم چطور شده توآقاشدی ومن نوکر. منو اینطور نبین. من هفتاد تا مثل ترا سرجو می‌برم وتشنه برمی‌گردونم..) نوکرشمااز این مباحث زیاد می‌گوید. ذکر تمام آنها باعث تصدیع است. صرفنظر می‌کنم.... اثر سرم تمام شد قهقهه خنده هم تمام می‌شود. نوکر همان نوکر سربزیر، همان نوکر باوفا،همان نوکرمهربان دربرابر آقا سرفرود می‌آورد. چون‌یادش‌نیست چه‌گفته مانندهمیشه با صدائی محجوب می‌گوید: آقا خدا سایه شما را از سرچاکرتون‌کم نکنه. من نوکرم، خانه زادم، تاعمردارم خاک‌کفشتان راسرمه چشمم می‌کنم.

آقا از شنیدن بیانات نوکر خود برمی‌انگیزد. اما چـون او چیزی یادش نمانده برویش نمی‌آورد و برای اینکه بداند اثر سرم حقیقت چیست دست مرا گرفته قدمی ازخانه بیرون می‌گذاریم. سراغ بقال سرگذر می‌رویم. آقامیرزابقال روی چهار پایه‌ای برابر دکانش توی آفتاب نشسته و چرت می‌زند. آهسته وبدون آنکه بیدارش‌کنیم آمپول سرم راباو تزریق‌می‌کنم. بخیال‌اینکه تن پیمائی آزارش داده است دست خود را بجای سوزن می‌مالد

چشمهای خود را می‌گشاید. سلام می‌کند وازجای خود برای تعظیم کردن و احترام گذاشتن به آقا بلند می‌شود و هنوز قد راست نکرده سرم اثر خـود را می‌بخشد. روی چهارپایه می‌نشیند. قاه‌قاه ـ می‌خندد و بیانات زیبا و شیوائی را با آقا شروع می‌کند. قسمتی از صحبتهایش را اجازه می‌خواهم نقل‌کنم: «راستی توچه مردکه احمقی هستی. می‌گویند توآدم دانائی هستی. امااگر از من بپرسند خواهم‌گفت: ازتوخرتر توی عالم‌کسی پیدا نمی‌شود. خوب مردکه احمق توتاحالا

نفهمیدی من بانوکرت ساخته‌ام. هرچه می‌خوره دوبرابر بات حساب می‌کنه. بجای یك کیلو لیمو کیلو جنس می‌خره ودوسره کلاه سرت می‌گذارد. منهم بعنوان حق‌السکوت سهم خودم رامی‌گیرم.

راستی تو خیلی احمقی، آن دختره پررو روداری که کلفت آورده بودی و تو آشپزخانه دور ازچشمای خانم‌باش میلاسیدی ماپشت‌همین دخل دخلش راآوردیم احمق نزدیك بود گریبونت بگیره وهرچه ماکردیم بحسابت بزاره. خوب‌شد اصغر آقاکه گلوش پیش دختره گیر کرده بود یارو رو ورداشت وزد بچاك محبت. راستی که خیلی خری تو مثل کبك سرت‌کردی زیر برف خیال می‌کنی کسی نمی‌بینه برو جلو زن پتیاره‌ات‌رو بگیر. این آقا که هرروز لیستی‌خونه، میاد اونجا و بخالمت ورمیره‌کیه نمی‌شناسی؟ تعجب می‌کنی، خیلی خری، جون شما نباشه جون خودم پریشب دیدم توی تاریکی‌خانمت را بدیوارچسبانده ولباشو میمکه. دستهاشم‌اون پائینا بیکار نبود. بازم نفهمیدی‌که رامیگم همان جیگولوئی‌که آنروز همرات‌بود آمدی سیگار بخری وبهت می‌گفت: داداش جون حالا فهمیدی «آقا تر قه شده قبل ازآنکه بقیه حرفهای بقال رابشنود دستم راگرفته می‌کشد. بسرعت مرا ازپیچ و خم چندکوچه می‌گذراند. داخل‌خانه‌ای‌می‌شویم. می‌گویند آقا خواب است‌پاورچین پاورچین باطاق‌خواب‌وارد شدیم. به اشاره آقابدون‌اینکه سروصدائی بشود آمپول سرم حقیقت را به او تزریق می‌کنم. بخیال اینکه پشه‌ای رانش را گزیده است دستی به ران خودمی‌برد. غلطی در تخت میزند چند لحظه صبر می‌کنیم تااثر سرم بروزکند.

آقا دستی بشانه‌اش گذاشته و او را حرکتی می‌دهد و می‌گوید: حسن خان بلندشو منم.

حسن‌خان که تحت تأثیر سرم قرارگرفته بدستهایش تکه می‌کند. از جای خود بلند می‌شود. همینکه چشمش به آقا می‌افتد شروع بخنده می‌کند. اینقدر می‌خنددکه دلش مالش می‌رود. دست بشکم‌گرفته درحال خنده می‌گوید واه توئی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اگر یکساعت جلوتر آمده بودی خانمت را توبغلم می‌دیدی راستی تو خیال کردی من عاشق چشم وابروی نوام یابتو علاقه‌ای دارم‌که بتوبرادر خطاب می‌کنم راستی خیلی خری. من‌می‌خوام‌سر به تنت نباشه. توچقدرخر تشریف‌داری. بازهم‌می‌خندد ومی‌گوید‌احمق‌جون‌تمام این‌بازیها برای‌اینکه در نبودن‌نوعشقی بخانمت‌برسونم. ولی..... مرده‌شوی تورو ببره وزن پیرافعی‌تو . من‌حساب چیز دیگری رومی‌کنم تمام فکر من اینه قاپ دخترتو بدزدم . شانزده سالش بیشتر نیست وباب دندون منه . تو هنوز این‌رو نفهمیدی . راستی‌که خری فکرکن اگردخترتو صاحب شدم وحسابش رسیدم. حاضر خواهی شدبامن وصلت‌کند. آنوقت نوتم تورروغنه . راهش راخوب بلدم که ثروت و دارائیت را یکسره هپروکنم . بعد هم گور پدرتو وزن‌تو ودخترت . اینقدر پدرشو در می‌آورم که بگه : مهرم حلال ، هرچه دارم مال تو ، جونم خلاص . حالا فهمیدی چرا بتو میگم داداش جون...

«آقا از شنیدن این اعترافات ناراحت شده دستم را می‌کشد . دوپله یکی‌از ایوان پائین آمده مرا از خانه داداش جونش بیرون می‌آورد . بسرعت مرا بخانه خود برمی‌گرداند . سرکار علیه خانم اظهار خستگی‌کرده باطاق خواب رفته است. آقاآمپول سرم‌حقیقت وسرنگ را ازمن می‌گیرد. بفکراینکه ممکنست‌ناموسش درتخت خواب طوری خوابیده باشد وچشم من‌که نامحرم هستم بدتن وبدن عریان خانمش بیفتد تنها وارد اطاق می‌شود و در راآهسته پشت سرخود می‌بندد . چند لحظه می‌گذرد. هر چه می‌کوشم از درز در، ازسوراخ کلید ، چیزی ببینم میسر نمی‌شود . در همین موقع صدای خانم‌که می‌خندد بلند می‌شود . من بطور وضوح می‌شنوم: راستی جات‌خالی یکساعت قبل‌پیش حسن‌خان داداش‌جونت بودم. خیلی بمن خوش‌گذشت. اگربدونی... نه توخری. تواز‌این‌چیزها بلدنیستی... بیست‌وپنج ساله توخونتم‌،سه تاکرّه ازتوپس‌انداختم اماکیف‌زندگی روحسن‌خان بمن‌فهموند. توخیال‌کردی فقط تودل‌داری، تواحمق فکرنکردی منهم‌چشم دارم. خوب‌می‌بینم کدهر کلفت‌جوانی توخونه‌می‌آرم . فوری سروگوشت میجنبه و همینکه چشم منو

دور می‌بینی سراغش میری . آخه منهم دل دارم . حیف از جوانیم که پای تو پیر کردم خوب‌شد سر آخری‌حسن‌خان پیداشد ومن لذت‌زندگی روفهمیدم....صدای شرق و شرق چند کشیده در فضا می‌پیچد فریاد خـانم بلند می‌شود (پدر.... چرا می‌زنی توخیال‌کردی . الان پدر تودرمی‌آرم. بهمه خواهم‌گفت . دزدی‌هاتو برای اهل محل شرح خواهم داد . روزی که من بخانه‌ات آمده‌ام آه در بساط نداشتی، رشوه‌هائی‌که‌گرفتی . حساب سازیهائی‌که کردی همه را خواهم‌گفت...؛

فریاد آقا بلند می‌شود : خفه‌شو پتیاره بی‌آبرو...؛

صدای قیل‌وقال وبگومگو زیاد است. معلوم است‌خانم وآقادست بگریبان شده‌اند . دیگر ماندن جایز نیست . آهسته از خانه خارج شدم . چون اثر سرم حقیقت کاملا مشخص شد و معلوم گردید کاملا مؤثر است بفکر افتادم بترتیبی‌در جشن‌فراماسونها بکاربرم تاباسراری واقف‌گردم .

درفکر بودم‌چه‌کنم ؟ واردشدن به این‌مجلس که‌میسر نیست . کارت‌مخصوص می‌خواهدفقط‌اعضاء راراه‌می‌دهندآنهاکه‌دعوت‌دارندحتی‌بزن‌وبچه‌خودنمی‌گویند کجامی‌روند پس‌چه‌بایدکرد فکری‌بخاطرم رسید. شنیده بودم مخلوطی ازمشروبات را می‌نوشند . بدون‌اینکه سربطریها باز شود باسوزن سرنگ در هربطری چند آمپول سرم حقیقت وارد می‌کنیم ببینیم چه می‌شود ؟

درعالم خیال باین‌مجلس می‌رویم.ساعت هفت بعداز ظهر است. مدعون یکی پس‌ازدیگری می‌آیندآقایان همه موقروسرشناس ریش‌داروبی‌ریش‌همگی‌محترم صاحب جاه و مقام و آنهم مقامات حساس یکی پس از دیگری وارد می‌شوند در سالن‌بزرگ جمع می‌گردندتعارفات براه است سرگوشی‌هائی می‌گویند جشن‌مجلل است‌زیراسکوت حکم فرما است این بزرگوارانی‌که آمده‌اند از تیپ‌های مختلف هستند.سروران‌سیاسی، مذهبی درلباسهای مختلف‌همگی‌مورد احترام مجلس‌جشن است اما خنده در قیافه‌ها کمتر دیده می‌شود همگی موقر و متین هستند چشمها بیفروغ، صورتها بی‌رنگ وبی حالت. انواع بطریهای مشروب را که قبلا آمپول

سرم حقیقت در آنها وارد کرده بودیم یکی بعد از دیگری باز می‌کنند محتویات آنها در قدح چینی بزرگی ریخته می‌شود. با طمأنینه و وقار مدعوین بسوی بار آمده هر یك گیلاسی برمی‌دارند صاحب‌خانه که شخصاً میزبان است با قاشق بزرگی گیلاسها را پرمی‌کند همینکه گیلاسها پرشد رئیس محفل فراماسونها که می‌گویند کراست رئیس کل لژها نامیده می‌شود گیلاس بدست بسوی تریبون می‌رود دیگران هم در جایگاههای خود جلوس و به بیانات رئیس گوش می‌دهند رئیس باکمال طمأنینه و وقار بعموم مدعوین خیر مقدم می‌گوید و علاوه می‌کند:

برادران عزیز بافتخار این جشن بزرگ و پر افتخار که بعد از سه سال ناراحتی با مجد و عظمت خاصی برگذار می‌شود گیلاسهای خود را بنوشید همگی گیلاسها را بلب برده تا قطره آخر مخلوط را می‌نوشند رئیس سینه خود را صاف نموده گیلاس را بروی تریبون می‌گذارد و اظهار می‌کند: برادران عزیز بسیار خوشوقتم بشما بگویم در این موقع سرم حقیقت اثر خود را بخشیده خطوط قیافه رئیس باز می‌شود اثر خنده بر سیمایش ظاهر می‌شود و بصحبت خود ادامه می‌دهد بلی برادران عزیز بسیار خوشوقتم بگویم که ما پدرسوخته‌ترین ورذل‌ترین افراد این اجتماع هستیم.

تمام مدعوین که تحت تأثیر سرم حقیقت قرار گرفته‌اند با چهره‌های خندان فریاد می‌کشند صحیح است احسنت.

رئیس ادامه میدهد با آنچنان اشخاصی هستیم که گوشت و پوست و خون و پیه‌های ما در این آب و خاك پرورش یافته همگی بردوش این مردم سواریم و حاصل کار و دسترنج آنها را می‌خوریم خوش و خرم بسر می‌بریم و در برابر، بزرگترین ضربات را بر پیکر این اجتماع وارد می‌سازیم من خودم کسی هستم که می‌خواستم بدستور ارباب قرار دادی را امضاء کنم که ایران یکسره تحت قیمومیت قرارگیرد آیا از این عمل رذلتر و خیانتی از این بزرگتر ممکن بود انجام شود.

تمام مدعوین فریاد می‌کشند البته خیر، رئیس ادامه می‌دهد بله آقایان ما خائن هستیم ما به میهن خود خیانت می‌کنیم ما کثیف‌ترین مردم روی زمین هستیم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ما از انسانیت و شرافت بهره‌ای نداریم.

فریاد مدعوین: صحیح است احسنت.

یکی از بزرگوارانی‌که ریش سفیدی دارد و باعمامه‌اش منظره قارچ بهاری رادارد ودروسط جمعیت بلند می‌شودفریاد می‌کشدبله‌آقای رئیس صحیح‌فرمودید من بنوبهٔ خود می‌گویم‌که وظیفه خود را بخوبی انجام داده مردم‌را بعالم لاهوت و ناسوت وارد می‌کنم همگی را به‌آخرت حواله می‌دهم تا به فکراین دنیانباشند و ثروتشان را در این دنیا اربابان ما تناول فرمایند.

آقای دیگری که دکتر سرشناسی است از جای خود بلند شده توی دماغی می‌گوید:من برای‌اینکه مریض‌هایم‌رم‌نکنندخودم تریاکی‌شدم وبه‌عوض هرداروئی به مریض‌هایم تریاك تجویز می‌کنم بله آقا ما اینیم.

آقای دیگری از جای خود بلند شده فریاد می‌کشد: بله آقای رئیس شما صحیح فرمودید ما خائن هستیم زیرا من یکی تابحال چندین قرارداد بضرر هم‌وطنهای بیچاره‌ام با اربابان‌بسته‌ام و ثروت مردم را بسهم خود بجیب‌آنهاریخته‌ام.

آقای رئیس زنگ جلو خود را بصدا درمی‌آورد. سکوت برقرار می‌شود. رئیس بصحبت خود ادامه‌می‌دهد بله‌آقایان ما حقه بازهای مزورطبق دستور،هرج و مرج و برادرکشی را در بین هم میهنانمان براه می‌اندازیم ما آنهارا به انواع و اقسام سرگرم می‌کنیم تا اربابانمان از آب‌گل‌آلود استفاده کنند آنچه را که عیان است و همگی بر آن واقف هستیم گفتن ندارد ما همه خیانت پیشه و آلت فعلیم و همگی سروته یك کرباس هستیم.

فریاد احسنت صحیح است، از مدعوین بلند می‌شود. هر یك شمه‌ای از خیانتهای خود برمی‌شمارد صداهای همگی مخلوط شده غوغائی براه افتاده است همگی‌حاضرین‌تحت‌تأثیرسرم‌حقیقت‌قرارگرفته سیأت اعمال خود رابرمی‌شمارند کلمات من خیانت‌کردم. جاسوس هستم. من در قتل شرکت داشتم. من در توطئه شرکت نمودم. جسته وگریخته بگوش می‌رسد. به‌آقائی‌که وکیل شده است نزدیك

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌شوم مضمون صحبتهایش اینست: من به ملت گفتم مصالحش را حفظ خواهم‌کرد درراه عمران و آبادی مملکت خواهم‌کوشید . اینهاکه گفتم دروغ است.کشک‌است زیرا من طبق میل اربابان باید قدمی در راه مصالح‌مردم برندارم من باید قوانین کمرشکن‌که ملت را بروز سیاه بنشاند تصویب کنم . آری من به ملت دروغ گفتم .

صدای فریاد از هرگوشه بلند است. هرکسی پرده از کار خود برمی‌دارد . مانند صفحه گرامافون خود بخود آنچه برلوح ضمیرش نقش گردیده است پس می‌دهد و ماهیت خود را بروز می‌دهد .

من چه بنویسم چه‌ها گفتند شما بهتر می‌دانید چه‌کرده‌اندو چگونه‌درلباس ایرانیت با در دست داشتن سجل احوال ایرانی وسلیس صحبت‌کردن فارسی ما را ذلیل و زبون کرده اند لذا بیش از این شما را بخواندن بیانات این حقه بازها سرگرم ننموده باصل مطلب می‌پردازم .

***

فرقه فراماسون‌که‌در عالم پخش‌گردیده و شعبات یا لژهای‌آن مانندچنگال سرطان در هرکشور بر پیکر تشکیلات و سازمانهای داخلی پیچیده است آلت بلااراده‌ای دردست سرویس‌جاسوسی انگلستان می‌باشد .

آیا همیشه اینطور بوده است ؟

فراماسونهای اولیه هدفی جز تأمین (آزادی . برابری . برادری) درجهان نداشتند. پیروان این عقیده می‌کوشیدند تمام مردم عالم از این سه اصل کلی‌بهره برند. انگلستان‌که متوجه‌گردیده در پناه این‌کلمات زیبا می‌تواند استفاده‌های کلی ببردبه‌این‌جهت‌کوشید تحت‌این‌نام تشکیلات‌وسازمان وسیعی درجهان براه‌اندازد. به موجب اسناد تاریخی موجود انگلستان از سال ۱۷۱۷ سازمان فراماسون‌ها را به راه انداخت و لژ عالی را در لندن بر پا ساخت از آن پس بـه ترتیب در سال ۱۷۲۵در ایرلندلژ وابسته تشکیل‌گردیدودر سال۱۷۳۰ در هندوستان در سال۱۷۳۲ در پاریس پایتخت فرانسه. در سال ۱۷۳۳ در آلمان و در شهر بوستون آمریکا در

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سال ۱۷۳۶ در اسکاتلند انگلستان در سال ۱۷۳۷ در هند و پرتقال در سال ۱۷٤۰ در کاناداو سویس در سال ۱۷٤۲ در هند غربی در سال ۱۷٤٥ در دانمارك در سال ۱۷۵۳ و در شهر ویرژینیای آمریکا در سال ۱۷٦۳ در ایتالیا در سال ۱۷۷۱ در روسیه در سال ۱۷۷۳ در سوئد لژهای وابسته تأسیس گردیدند .

سرعت عمل در تأسیس لژهای فراماسون در قرن هیجدهم خیلی زیاد بود بطوریکه دراواخر این قرن در انگلستان بیش از ۱٦۰۰ لژ فرعی برپا شده بود و تمام کشورهای اروپا و آمریکا و قسمتی از آنها دراین قرن محفل فراماسون داشتند. درقرن نوزدهم این لژها درکشورهای دیگر نیز تأسیس گردیدند .

راجع به تشکیل لژهای فراماسون در ایران به موجب اسناد موجود تصور می‌رود از زمان ورود سرهارفوردجونس که درسال ۱۸۰٤ بطورغیررسمی به ایران آمده است این محافل به راه افتاده‌اند . نامبرده درسال ۱۸۰۸ مأمور رسمی دولت انگلیس گردید وهمانطورکه درکتاب نعل وارونه نوشتم برای بیرون کردن ژنرال کاردان فرانسوی از ایران با هدیه‌کردن یك انگشتر الماس و تحف و هدایائی به میرزاشفیع صدراعظم توفیق یافت. بعد از نامبرده جیمزموریه وفریزرکه ازمبلغین فراماسون بودند درراه تأسیس محافل فراماسون درایران همت کماشتند و رجال درباری و اعیان و اشراف را به این محافل وارد کردند . نگارنده راجع بـه قتل صدراعظم های وطن پرست ایران در کتاب نعل وارونه توضیحاتی داده‌ام در اینجا آنچه نوشته‌ام تکرار نمی‌کنم آنچه می‌خواهم تذکردهم اینست که در آن دوره‌ها صحیح است شاه قدرت داشته و استبداد رأی داشته است معذالك از بین بردن صدراعظم‌های وطن پرست در نتیجه دسیسه‌های این محافل و به دستور لژ عالی بوده است . از زمان فتحعلی شاه به بعد اگر به رفتار صدراعظم های پروپاقرص که صدارتشان دوام‌کرده است توجه کنیم خواهیم دید همگی اشخاص بی‌حال و بیکاره و بلااراده بوده‌اند و اینطور بنظر می‌آید مانند عروسکی دردست سیاست مرموزی که همان سیاست چرخاننده لژهابوده است قرار داشته‌اند اعتمادالدوله مدبر و سیاس و

توانا را فتحعلی شاه با تمام فامیل و بستگانش به آن طرز فجیع به قتل می‌رساند و از بین می‌برد. جایش میرزا شفیع رجاله می‌آید. قائم مقام آن مرد بزرگ بیش از یکسال درمسندصدارت نمی‌ماند وسر به نیست‌می‌شود به‌جایش حاج‌میرزا آقاسی ابله می‌نشیند . امیرکبیر آن مرد توانا نابود می‌شود در عوض او میرزا آقا خان نوری‌که تخم وترکه‌اش هنوزهم دست از سرملت ایران بر نمی‌دارند صاحب‌اختیار مملکت می‌شود .

نظری به سالهای‌اخیر مارا متوجه خواهد ساخت‌کوروکر وبی‌حال‌و آلتهای فعل همه‌کاره بوده‌اند. فراماسونهای اولیه مردم باشرفی بودندآنها خیرافرادبشر را می‌خواستند اما اززمانی‌که سیاست محیل ومکار روباه صفتان این سازمان را در دست‌گرفتند جامعه بشریت به بلای عظیمی گرفتارگردید . در هرکجا این سازمان به‌کاشتن تخم‌آزادی وبرابری و برادری شروع‌کرد . آتش فتنه برپا شد درنتیجه برای مردم‌کشور زهرقتال وجانکاهی ببارآورد .

چنانکه قبلا اشاره شد در سال ۱۷۳۳ لژ فراماسونها درآمریکا تأسیس شد ژرژ واشنگتن مؤسس لژ درشهر ویرژینیا بود. بنیامین فرانکلین به موجب‌نوشته (هوتن وبستر) درتاریخ جهان نه تنها کشت‌کننده تخم‌آزادی و برابری و برادری درآمریکا بود بلکه فرانسویان نیز از افکارش بهره‌مند شدند .

آتش افروز همیشه خیر نمی‌بیند

ثمره آتش‌افروزی فراماسونها درامریکا این شدکه‌درسال ۱۷۷۶ استقلال امریکا اعلام‌گردید واین قطعه زرخیز از انگلستان مجزا شد وثمره‌اش‌این‌گردید که امروز شیشه حیات و ممات انگلستان در دست امریکا است و اگر امریکائیها بادادن دلار حیات اقتصادی انگلستان‌را نچرخاند واورا ازنظر سیاسی پشتیبانی نکند حسابش با کرام‌الکاتبین است .

فراماسونهای ایرلند هم برای انگلستان ثمره‌ای جز مستقل ساختن خود به بار نیاوردند . همانطور که قبلا اشاره کردم در سال ۱۷۳۲ لژ وابسته به محفل

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عالی فراماسون انگلستان درشهرپاریس تأسیس گردیده ودرسال ۱۷۸۹ تقریباً نیم قـرن بعد آتش به خرمن هستی ملت فرانسه زد . انقلاب فـرانسه شروع شد . موریس تالمیی راجع به انقلاب فرانسه و ارتباط آن با فراماسونها درسال ۱۹۰۴ کتابی نوشته وپرده ازرفتار این بزرگوارانکه فرانسه را بهآتش وخونکشیدهاند برداشته است وحتی ازطرز تمرینهائیکه درلژها برایکشتنشاه میکردند بحث نموده است .

با استناد بهنوشتههای فراماسونهایبزرگ استدلال میکند هدف اینفرقه ایجاد هرج ومرج کشت وکشتار خلاصه برگشت ورجعت به حال توحش است .

دستوریکه بهتمام افراد فراماسون فرانسه دادهمیشد این بود (برادرخود را چنان نشان بدهکه مردم تصورکنند تویك خدمت اجتماعی وعمومیانجاممیدهی ولی هدفت باید فقط خرابکردن، منهدم ساختن باشد) این افراد همه جا فریاد میکردند (وطن درخطر است) وبرای رفع خطر بزرگترین بلا را برسر فرانسه آوردند زبانههایآتششعلهکشید سرهای سرورانامی فرانسه یکیبعدازدیگری به وسیله تیغگیوتین ازتن جدا شد . سرانجامآنچه راکه درلژها تمرین میکردند وآنکشتن شاه بود عملیگردید .

داستان انقلاب فرانسه غمانگیز است و کارهای این جمعیت پلید و مرموز را نویسندگان بیطرف بخوبی روشنکردهاند . نگارنده بیش ازاین دراطراف آن بحث نمیکنم .

فراماسونها درتمامکشورهاآتش افروختهاند . درایتالیا ، دراسپانیا ، درمصر وترکیه وبسیاریکشورهای دیگرغوغاها بپاکردهاند . درروسیه چه کردند ، آنهم بحث مفصلی استکه درکتبگذشته اشاراتیکردم .

درایران علاوه برمحافل فراماسون وابسته به انگلستان محافلیهم وابسته به لژ فرانسویها (گرانداریان) تأسیس شد و ظهیرالدوله دررأسآن قـرار داشت وقتیکه محمد علی میرزا خواست به خانه ظهیرالدوله حمله کند اسناد و مدارك

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

را به سفارت فرانسه بردند. لژهای فراماسون وابسته به انگلستان در زمان سرآرتور هاردینگ بر فعالیت خود افزودند. قتل ناصرالدین شاه به شرحی که درکتاب نعل وارونه نوشتم به دسیسه بازی سید جمال اسدآبادی و بدست میرزا رضای کرمانی انجام شد.

خرابی وانهدام تحت لوای آزادی وبرابری وبرادری و درلباس مشروطیت گریبانگیر ایران گردید بنام آزادیخواها ریخته شد وجنایت‌ها نصیب ملت ایران گردید.

کسانیکه وارد لژهای فراماسون می‌شوند ممکن است قبل از ورود مردان باشرف وپاك ودرستی باشند ولی مقررات ورود به این محافل بنحوی است که وارد شده اراده خود را ازدست می‌دهد وآلت بلااراده‌ای یا بنا به اعتراف یکی از آنها (آلت فعلی) می‌شود که طبق فرامین ودستورات مجبوراست رفتارکند وراه برگشت هم ندارد. به جوانانی که درفکر جاه ومقام و ثروت هستند وبرای رسیدن به آنها گول می‌خورند وخود را اسیر وبنده و برده می‌سازند اعلام خطر می‌نمایم ومی‌گویم:

شما بشر هستید، در سایه پشتکار و فعالیت می‌توانید بدون از دست دادن شخصیت خود بدون اینکه آلت فعل شوید به آنچه میل دارید برسید، ازراه سعی وعمل وخدمت به مردم محبوب قلبها قرارگیرید چه احتیاجی است نوکر بیگانه شوید، آنهم نوکری که حق چون و چرا ندارد ومانند حیوان باید بسر برد و اگر احیاناً روزی هم وجدانش بیدار شد وخواست شخصیتی نشان دهد وخود را از قید وبند نوکری برهاند برایش میسر نباشد.

می‌گویند روسها انقلاب جهانی را طالب هستند. رفتار انگلستان و سیاست گذشته‌اش نشان می‌دهد قبل ازروسیه شوروی انگلستان طالب هرج ومرج وانقلاب وانهدام وبرگشت به حال توحش و بربریت بوده است البته در کشورهای دیگر نه درخود انگلستان زیرا لژها ومحافل انگلیسی فقط به ساختن وپرداختن افرادی که این روش را در کشورهای دیگر عملی سازند اقدام کرده و در داخل انگلستان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آب از آب تکان نخورده است.

نطقهای نمایندگان مجلس شورای ملی

علاوه بر کتب و رسالات و مقالاتی‌که درجراید له وعلیه فراماسونها، زمانی اغراق‌آمیز و خالی از حقیقت وگاه نیز مستدل و صحیح نوشته شده است، پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نمایندگان مجلس شورایملی نیز نطقهائی علیه فرقه فراماسونری ایران ایراد کرده‌اند، که از نظر اهمیت این‌گفتارها و نشان دادن نظرات و عقاید نمایندگان مردم قسمتهای برجسته نطقهای بعضی از آنان نقل می‌شود:

نطقهای عباس اسکندری

عباس اسکندری فرزند مرحوم شاهزاده محمد علی میرزا معروف بشاهزاده علیخان که دردوره پانزدهم نماینده مجلس شورایملی بود، بیش از همه نمایندگان در باره سازمان فراماسونری ایران درمجلس شورایملی نطق کرده است.[1]

بااینکه پدراو هسته مرکزی «انجمن آدمیت» راکه یکی ازسازمان‌های فراماسونری ایران شناخته شده، بنیان نهاده است، معذلك وی در دوره ۱۵ قانونگزاری در جلسات علنی مجلس شورایملی حملات شدیدی به‌فرقه فراماسونری ایران کرده‌است.

ناشر کتاب (نفت وبحرین) درمقدمه بخش هشتم کتاب چنین می‌نویسد:

«اما استیضاح عباس اسکندری از کابینه حکیمی چنان بوده که حکیمی به دست تقی‌زاده و عده‌ای از فراماسونها در مجلس و خارج مجلس برای مردمی

۱ـ عباس اسکندری که از خاندان قاجاریه بود در نوزده سالگی وارد جریانات سیاسی شد. دراوائل جنگ بین‌المللی اول درصف مجاهدان و مهاجران درآمد و چندی در توقیف و اسارت سپاهیان متفقین بود. روزنامه سیاست را درسالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ منتشر کرد. سپس بفرانسه رفت و درآنجا وارد حزب کمونیست شد در مراجعت بایران جزو ۵۳ نفر دستگیر شده بزندان افتاد. پس از وقایع شهریور وارد حزب توده گردید و پایه حزب مزبور را پیریزی کرد. سپس از حزب توده خارج شده دردوره ۱۵ بمجلس رفت اواز ملاکین و سرمایه‌داران تهران بشمار میرود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وطنخواه و دموکرات و آزادی طلب معرفی شده بودند و مردم خوش‌باور که عادتاً به این گفته‌ها و شنیده‌ها اعتقاد دارند، از هویت حکیمی و همکاران وی مانند نجم‌الملک واردلان و غیره بی اطلاع بودند و فقط عباس اسکندری با طرح استیضاح اخیر، پرده از روی اسرار بسیاری برداشت و به وسیله ارائه اسناد و مدارک مسلم از تالار جلسهٔ علنی مجلس شورایملی به مردم اعلام کرده که همین حکیم فراماسون ظاهر الصلاح به موجب خط وامضای خود برای بستن مجلس وتعطیل دستگاه مشروطه قیام کرده وبدبختانه اقدامات شوم وی نیز به نتیجه رسیده است.[۱]

عباس اسکندری پس از نمایاندن سیمای واقعی حکیمی در طی استیضاح خود به معرفی فراماسون شماره‌دوم یعنی ابوالقاسم نجم (نجم‌الملک) وزیر دارائی ویارغار حکیمی پرداخت و نوشته‌ها ودستورهای اورا درمجلس خواندکه برخلاف قانون اساسی مالیات وضع کرده ...

درجای دیگر همین فصل نوشته می‌شود :

فراماسون یا فراماسیون یك جمعیت وسازمان محرمانه‌ایست‌که از قرنهای پیش درشرق وغرب‌وجود داشته درابتداء مروج یك‌نوع نهضت اخلاقی بوده و بعداً عامل سیاست‌گشته است . این نهضت در زمان فتحعلیشاه توسط انگلیسها به ایران سرایت‌کرده وهدف اصلی آن مبارزه با نفوذ روسها در ایران‌بوده است. رجال عضو جمعیت فراماسون ایران برای انجام منظورخود درایران ازسفارت انگلیس‌الهام می‌گرفتند وتاقبل ازمشروطه وکمی‌هم‌پس‌ازمشروطه مبارزه آنان بادربار ایران و دستگاه‌تزاری وکم وبیش به نفع ملت ایران‌تمام می‌شد اما بعد از مشروطه‌که پای روسهای تزاری از میان رفت فراماسونری یکسره تسلیم انگلیس‌ها‌گشتند ومنافع ایران را ازنظردور داشتند ودرواقع مبارزه خودرا باترقی وتعالی ملت‌ایران‌آغاز کردند .

در حال حاضر دو نوع سازمان فراماسیونی در ایران هست یکی سازمان

۱ـ صفحه ۱۶۲ کتاب نفت وبحرین .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فراماسون فرانسوی که از عوامل مؤثر ومهم سیاست محسوب نمی‌گردد و دیگر فراماسون وابسته به انگلیسهاکه درتهران ویکی دوشهر ایران شعبه دارد ورجال مهم سیاسی ایران درآن جمعیت عضوهستند وچنانکه‌گفته شد با نهضتهای ملی و استقلال‌طلبی ایران جداً مخالفت می‌کنند...

در جای دیگر در بخش هفدهم درباره فراماسونری چنین می‌نویسد[۱] :

ت ـ موضوع فراماسون تا حدی برخوانندگان مشهود و مشخص است.این فرقه ابتدا بعنوان مؤسسه نیکوکاری در میان یهود پیدا شد و بعدها به روم قدیم و سایر ممالك اروپا سرایت کرد و اساساً بـه منظور آزادی قـوم یهود از مظالم دیگران تشکیل شد و خدمات مهمی هم درآن زمینه انجام داد اما از اوائل قرن ۱۸ موضوع فراماسون که تا حدی منحصر به یهود و نژاد آنان بود از سیرعادی خویش انحراف یافت و به جای آن که وسیله خیر و نجات افراد بشر باشد آلت قتاله‌ای شدکه فقط سیاستمداران مستعمره‌چی اروپا برای‌سرکوبی‌نهضت‌های شرق از آن سوء استفاده کردنـد و نیز بدبختانه تا حال حاضر آن جریان نامطلوب در کشورهای شرقی و بخصوص ایران باقی می‌باشد .

درحال حاضر دو نوع مؤسسه فراماسونی در ایران دایر است :

اول مؤسسه فراماسون فرانسوی که آنقدرها در سیاست روز تأثیر نـدارد دوم فراماسون اسکاتلندی وانگلیسی‌که از اول مشروطه تا بحال تقریباً تمام امور سیاسی ایران را تا آنجا که توانسته است به نفع بیگانگان اداره کرده است این مؤسسه در شهرهای‌شیراز،آبادان‌وتهران‌لژدایرکرده‌است وعده‌ای از آمریکائیان، انگلیسها ، یهودیان ، زردشتیان ، ارامنه و ایرانیان مسلمان در آن عضویت دارند و بیشتر جلسات رسمی آنان درکلیسای انجیلی آمریکائیان واقع در خیابان‌قوام‌السلطنه تشکیل می‌یابد .

۱ـ نفت و بحرین ص ۳۵۵

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نطق عباس اسکندری در جلسه ۳ بهمن ۱۳۲۷

«... بنده یك اصلی کلی می‌دهم دست شماها این‌را بگذارید مثل محکمی که می‌خواهید ببینید که این طلا هست یا نیست محك بزنید آنچه که به‌شما می‌گویم این در دایرة‌المعارف فرانسه نوشته شده وحاضر است و آن موضوع فراماسون است سرگذشت هیرام بناکننده معبد سلیمان که بدست سه نفر از همکاران خودش کشته شد و آن سه نفر هم آن سر را نگهداری کردند این حکایت پایه افسانه فراماسون است ولی فراماسون دو وجه داشته است در دنیا ، یك وجه‌ای که در قرون وسطی خدمات بزرگی به بشریت کرده و یك مردمی بودند در آن موقع در زیر بار فشار و ظلم اصول خان خانی دراسپانی و در جاهای دیگر اینها را بیداد-گران می‌گرفتند می‌سوزاندند دررم ، شما همانطورکه چهل‌چراغ می‌گذاریدمردم را می‌گرفتند و صد تا شمع به تن آنها می‌گذاردند و می‌سوزاندند در رم در آن موقع این مؤسسه کمکهای بزرگی کرد اما زبان ما بیشتر زبان فراماسونبا شد در۱۷۱۷ لژهای فراماسون به سمت آسیاحرکت‌کرد برای دفعه‌اول دردهلی آگراه مدرس اینها فراموشخانه ساختند سی‌وهشت لژ در۱۷۲۷درآگراه ودهلی ساختند، درآن موقع قبل از این‌که اینهابروندکمپانی هندآنجا شرفیاب شده بود در۱۷۵۲ بیست لژ در مدرس ساخته شد و بعد از آن امپراطوری انگلستان از پشت سر کمپانی هند نماینده فراماسون‌بوده در ۱۸۰۰ یعنی سال یازدهم سلطنت فتحعلیشاه سه لژ در تهران و اصفهان گذارده شد ولی زمین ایران درآن‌موقع خوب‌حاصل-خیز نبود و نتوانست آنطوری‌که محصول می‌خواستند بدهدگذشته از آن‌موقعیت جغرافیائی ایران هم به واسطه‌رقابتی‌که در بین بود مساعد نبود ولی بعد ازتاریخ ۱۰۰٤ فراماسون در ایران پیشرفت شایانی‌کرد این فراماسون اصولی داشت‌اینها ازهم چیزی را پنهان نمی‌کنند باهم زندگی می‌کنند باهم‌کار می‌کنندد‌ر هرکشوری که هستند اینهااگر در پنج هزار کیلومتر آن طرف... (رئیس جلسه را ختم‌می‌کنم جلسه آینده سه شنبه ساعت نه و نیم صبح)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عباس اسکندری درباره تاریخچه فراماسون در آسیا و ایران، چنین گفت :

جلسه ۵ بهمن ۱۳۲۷ مذاکراتی که در جلسه قبل ما کردیم دلائل بررد قرار داد تمدیدی و تحمیلی بود از نظر حقوقی وبعد دلائل راکه در خود قرار داد بوده ذکر می‌کردم بمناسبتی مجبور شدم کـه تذکر بدهم تشکیلات وسیعی را که امپراطوری انگلستان در دنیا دارد و یکی از آنها هم بـرای کارهائی که در خاورمیانه و مخصوصاً ایران داشته است و بـه کار انداخته در یك قرن اخیر بلکه یك قرن و نیم اخیر صحبت می‌کردم واو راجع به فراماسون بود .

البته دلائلی که برای رد قرارداد در داخل قرارداد است به واسطه توضیح این مقال معوق و متوقف مانده که بعداً به اطلاع آقایان خواهم رساند تندنویس مجلس هم بایستی دقت بکند که تاریخها و مطالبی که گفته می‌شود آنها را اشتباه نکند از برای این که یك وقتی صحبت عادی می‌کنیم این صحبت معمولی اگر اشتباه بشود اهمیتی ندارد اما یك صحبتهائی که ارتباط تاریخی دارد وقتی که اشتباه شد هم بـرای مجلس شورای ملی خوب نیـست هم برای گوینده گفته می‌شود کـه چیزی همین طور بی مطالعه گفته شده این طور نیست بنده آنچه که اینجا عرض می‌کنم که اشاره بـه یك تاریخی می‌شود تمام اسنادش اینجا موجود است و هـر کس هم می‌خواهد می‌تواند ببیند .

بنده گفتم که در تاریخ ۱۷۲۷ اداره کشورگشائی انگلستان به‌نام فراماسون درپشت سر کمپانی هند شرقی وارد هندوستان‌شد در۱۷۲۷ در کلکته و آگرا بیست و هشت لژ و در بمبئی ۸ لژ در ۱۷۲۸ و در ۱۷۵۲ در مدرس ۲۰ لژ تأسیس‌گردید قدم اولی که این برادران طریقت در قرون وسطی پیش می‌گرفتند برای این بود که واقعاً به مردم‌کمك بکنند اما در این زمان خواستنددر طبقات عالیه‌هندوستان، در پیش راجه‌ها ، مهاراجه‌ها بـه نام فراماسون اقدامات سیاسی را موفق شوند و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آنهارا به نوع دوستی تشویق کردند و در نتیجه در ۱۷۵۲ آن آخرین قسمتی را که خواستند انجام دادند و از پشت سر این مردمان خیر و نیکوکار سایه مهیب و شیطانی مستعمراتی انگلستان پدیدار شد و هندوستان برای یك قرن و نیم متجاوز در چنگال آنها بود که خوشبختانه روزگار جدید یك آثار و اماراتی نشان می‌دهد که شاید دست از گریبان آنها بردارند در ۱۸۰۰ همین کمپانی، کمپانی فراماسون و کمپانی هند این دو تا را باید همه جا با هم مترادف بدانیم و یك معنی دارد، اینها به ایران آمدند در تهران و در اصفهان سه لژ تشکیل دادند.

چنانکه گفتیم ایران به واسطه موقعیت جغرافیائی و وضعیتی که در باران زمان داشت زیاد زمین حاصلخیزی نبود و محصولی نگرفتند در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه یك عددی وسیعتر ولی باز جلوگیری شد تا این که منتهی شد به ۱۹۰٤ قبل از مشروطیت ایران در این اوان و در مشروطیت ایران توسعه زیادی پیدا کرد قبلا باید بفهمیم که فراماسون چه چیزی است؟ اینها یك اصولی را تبعیت می‌کنند و با هم بستگی و صداقت و تعهدی دارند مطالبی که هست از هم پنهان نکنند و در هرکجای دنیا هستند تبعیت بکنند از رئیس خودشان مطابق علائمی که دارند هر کس و اهل هر کشوری باشند فرق نمی‌کند در هر کشوری هم که وارد شوند آنها از متنفذین، درباریها، رجال کشور را عضویت دارند چون کار داشتند (مکی-حقوق هم می‌گیرند) اینها سه درجه دارند اول شاگرد، دوم رفیق و سوم استاد، استاد غالباً می‌تواند پیشوا و رهبر باشد و یك درجاتی هم پیدا می‌کند و بالاخره مرشد بزرگ مرسوم به روشنائی (لومیه) است تشریفاتشان راکاری نداریم و زیاد مفصل است بچه طریق می‌آیند چه جور قسم می‌خورند که وفادار باشند و بد نکنند و مطیع رئیس واصول خود باشند و آنچه از شهر پاك به قول خودشان می‌گویند (مدینه طیبه) از آنجا بهشان داده بشود مکلفند که اجراء بکنند، شما ایرانی هستید، هندی هستید، شما هرجه که هستید مجبور هستید آن مردمی که در استرالیا در هندوستان، در فرانسه هستند و جزو فراماسون می‌باشند آنها را نزدیکی از هموطن خودتان واگر بشما

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ازبالاتر دستور دادند مجبورید دستور اورا اطاعت بکنید اگر چه‌مخالف باقوانین شماباشد اگر آنهائی‌که هستند ومن می‌گویم تکذیب‌کردند قبول می‌کنم‌که بگویند ما تعهداتی‌که داریم اجبار نداریم که اجراء بکنیم .

آقایان‌نمایندگان وطن آنها فراماسون‌است‌وتبعیت آنها ازقوانین فراماسون است و هیچ چیز دیگر در مقابل آنها رادع و مانع نیست هر چه هست آنست ، فراماسونی که به ایران آمد ، همانطور که در زمان قدرت انگلستان مستقیماً از لندن به اینجا مزاحم نمی‌شد هندوستان همیشه در این کار دخالت می‌کرد وکسانی که اسناد دولتی انگلیس را منتشرکرده و بنده دارم معلوم می‌داردکه همیشه وزیر خارجه‌انگلیس مراجعه‌می‌کند به نایب السلطنه هند که در این موضوع شما چه می‌گوئید او هم جواب می‌دهد و نظر موافق و مخالف خود را می‌گوید و همیشه مأموریتی که در هندوستان بوده‌اند مستقیماً نظر می‌دهند .

فراماسونی هم که در ایران آمد این فراماسون شعبه هند بود و مستقیم نبود (رحیمیان-ممکن‌است چند نفراز فراماسونهای ایران‌را اسم ببرید؟) (مکی وزرای‌سابق و اسبق) آقایان نمایندگان اصولاً من با افکار و عقاید مردم‌کاری‌ندارم به عقیده من هرکس آزاد است هر قسم فکری بخواهد بکند .

ما در قرنی زندگی نمی‌کنیم که عقاید و افکار مردم را بخواهیم سانسور بکنیم ، اعمال مردم مورد تعقیب ما است (یکی از نمایندگان صحیح است) والا هرکس‌هر فکری دارد می‌تواند فکرخودش‌را پیروی‌بکند وما هم طبق‌منشور ملل متحد طرفدار این‌عقیده‌هستیم مردم‌آزادند و بهر قبله‌ای می‌خواهند نمازبخوانند ولی اعمال آنها مورد نظر ما است ، بنده عقیده شخصی‌ام اینست که کسانیکه در کشورایران بستگی و تعهدی با هر دولت خارجی وبا هر مردمی مطابق این‌اصول داشته‌باشند ، آنها نباید متصدی امور شوند (عده‌ای از نمایندگان صحیح است) آنها در ایران در برابر لژ بزرگ انگلستان و دربرابر لژ سن‌ژان اسکاتلند زانو می‌زنند و هر چه‌آنها بگویند عمل می‌کنند وادارهای‌که درمقام خودش، درکشور

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خودش مورد تمجید و تحسین جهانیان است یعنی اینتلیجنس سرویس انگلستان، اداره کننده لژ انگلستان است.

من مکرر گفته‌ام که ما راجع به مملکت خودمان صحبت می‌کنیم. مردمی که انگلیسی هستند مردمی که برای بقاء و عظمت کشور خودشان سعی می‌کنند و زحمت می‌کشند آنها مورد تمجید هستند و من همیشه آرزو دارم که در این کشور هم مردمی باشند که بتوانند همان نوع خدمات را برای کشور خودشان بکنند (حاذقی - خوشبختانه ما افراد وطن پرست زیاد داریم که برای وطنشان خدمت می‌کنند)

بنده خیلی میل دارم که سعی بکنم امروز استیضاح را تمام بکنم و نمی‌خواهم که جملات معترضه جواب بدهم، ولی این نکته را باید فهمید در صورتی که ما آنقدر مردم وطن پرست داریم، اینقدر مردم خوب داریم، همه حسن نیت دارند پس می‌خواهم ببینم وضع مردم کشور ما چرا به این بدیست؟ می‌خواهم ببینم مسئولش کیست؟ (عده‌ئی از نمایندگان - صحیح است - صحیح است) حالا خواهید فرمود که خدا خواست اداره کننده‌ها آنها هستند؟ (مکی - مملکت هم که امن و امان است توی مجلس وکیل را می‌زنند مملکت امن و امان است، راحت بخوابید مردم تهران یک جائی که مصون از تعرض است وکیل را می‌زنند ...) مرشد فراماسون ایران آقای حکیم‌الملک است و آقای نجم‌الملک هم اخیراً بدرتبه استادی رسیده‌اند ایشان هم هستند و تمام کسانیکه با ایشان کار می‌کنند و با هم همکاری می‌کنند اسامی همه را می‌دانم محتاج بذکر نیست مگر این که خودشان بردارند در روزنامه اعلان کنند که بنده نیستم جزو فراماسون و تشکیلاتی ندارم و یا با آن مخالفت دارم.

اگر اینکار را کردند خوب این بحث جداگانه است و بنده آنوقت با دلائلی که دارم بعرض آقایان می‌رسانم و اگر اینکار را نکردند، با این دلائل کتبی که من دارم آئین‌نامه و نظامنامه فراماسنها، بنده بملت ایران توصیه می‌کنم از تمام آنها احتراز کنند (اکثریت نمایندگان صحیح است) من می‌شناسم اشخاص دیگری را که از نظر رعایت ادب میل ندارم حتی اسمشان را ببرم از برای اینکه می‌گویند که غرض رانی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

می‌کند ، وقتیکه بنده در ایران نبودم اطلاع پیدا کردم و در روزنامه های قاهره خواندم که متفقین هرسه دولت یادداشتی داده‌اند برای نظارت بین‌المتفقین در ایران یعنی مداخله در امور ایران . آقای حکیمی که آنموقع نخست وزیر بودند ایشان قبول می‌کنند و همین آقای نجم‌الملك وزیر خارجه بود و داخل مذاکره شدند اگر یکعده مردم آزادیخواه در آن زمان نبودند یکدفعه دیگر بطومار سیاسی این مملکت نوار سیاه بسته بودند (حاذقی ـ اینطور نبود آقا . ایشان جزو مردم وطنپرست این کشوراست) (امامی ـ مرد باشرفی است) باید خودشان تکذیب بکنند آقای امامی که جزء فراماسون هستند یانیستند اگر هستند تابع این مقررات‌اند و اگر نیستند اعلان بکنند، در فراماسون کسیکه این انگشت چپش را برمی‌گرداند وعلامت می‌دهد رئیس اوست و بایستی تبعیت بکنند از طرف او نگوئید نیستند مرا وادار نکنید که ازادب خارج شوم (امامی اهری ـ شما نسبت می‌دهید، دلائل را هم باید اقامه کنید) دلائل را من الان می‌گویم اما موضوع نظارت بین‌المتفقین را در حکومت ایشان کسی هست بتواند تکذیب کند ؟...»

آشتیانی‌زاده و فراماسونها

دیپلمات خانه نشین رضا آشتیانی زاده که در دوره شانزدهم مجلس شورایملی از ورامین انتخاب شده ودردوره‌مجلس ازجمله «منفردین» بود ، همیشه از دولت ها و اعمال آنها انتقاد می‌کرد .

ایشان در جلسه ۱۹۳ روز ۲۸مهر۱۳۳۰ درباره (نفت و نقش فراماسونها) مطالبی گفتند که قسمتهای کوتاه آنرا که مربوط به فراماسونهاست نقل می‌کنیم «... روزی که آقای دکتر مصدق با فراماسونها آشتی کردند و چند نفر از آنها را در دستگاه حکومت خودشان شریك قرار دادند ، من از ساده دلی وحسن نیت دکتر مصدق تعجب کردم و تذکر دادم که بیعت با رؤسای فراماسونها اتحاد آب و آتش است و بالاخره یکی ازاین‌دو دیگری را از میان خواهد برد ـ دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه کار نفت کرده و از روی تختخواب

وگوشه اطاقش در تهران تکان نمی‌خورد و بکارهای دیگر مداخله نمی‌کرد، شاید بدون اینکه خودش متوجه باشد یکایک فراماسونهای نشاندار را وزرای او که بنظر خودشانیم این کاره بوده وهستند، درتمام مقامات حساس مملکت قراردادند (دکتر راجی ـ کی‌ها هستند مثلا) وبا یک نقشه بسیارماهرانه، اول برضد خود دولت وبعد هم برضد کلیه کسانیکه سر بر آستان لژ گرانداوریان لسپرده‌اند مشغول فعالیت شدند . . .

آشتیانی‌زاده سپس به‌بحث درباره فراماسون‌ها درکابینه‌وقت . . . پرداخته و تعویض آقای شاه‌باغ حائری دادستان کل کشور را که به‌زعم ایشان از مخالفین فراماسونهاودرکارنفت‌وملی‌شدن آن‌بدولت‌ومات خدمت‌کرده بود، موردبحث قرار داده‌چنین‌می‌گویند:

«... تمام قانون شکنی‌ها، تجاوزات، سلب‌حقوق و آزادیهای مردم که دکتر مصدق درمدت عمرخود برای جلوگیری از آن‌کوشش‌داشت وبر آنها ایرادمی‌کرد و در زمان حکومت خودش و شاید بدون اطلاع خودش و بدست خرابکارهائی که وزیر یادست اندرکار دولت بودند تکرار شد .

مثلا همین تعویض آقای حائری شاه باغ که حتی برای یکبار هم ایشان راندیده‌ام ولی‌ازهمه شنیده‌ام‌که این مرد درمدت تصدی خودبرای استیفای‌حقوق مردم و جلوگیری از تجاوزات . . . نهایت درجه رشادت را بخرج داده [همه] را تحت‌کنترل‌سخت‌گرفته... آشتیانی‌زاده سپس درجلسه علنی مجلس چنین‌گفت:

... عرض می‌شودکه ماها یکعده‌ای هستیم‌که از پرونده‌سازی وپاپوش‌دوزی هم اطلاع داریم وهم این بلاها بسرخودمان آمده است .

آقای حاج سیدنصرالله تقوی یکی از رؤسای بزرگ فراماسونها بودند ، آقای امامی،مرحوم‌حاج سیدنصرالله یکی ازبزرگان فراماسونری درایران‌بودند، تمام فراماسنها شریف‌هستند (نورالدین امامی ـ ازارکان مشروطیت بوده‌وخدمت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کرده) یا باید شهربانی اعمال خودش را باقانون تطبیق می‌کرد یا باید دادستان‌کل بدرجه یك مأمورکارآگاهی تنزل می‌نمود. . . . .

برای تغییر دادستان شجاع وقانونی صبرکردند تارئیس دولت بدامریکا رفت و درغیاب ایشان این مرد شریف را عوض کردند.

من بهیچوجه کاری به صلاحیت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی‌می‌پرسم علت برکناری دادستان‌کل چه بوده‌است. (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه‌گرفته بود؟آیا قانون نمی‌دانست؟آیا صلاحیت نداشت؟ چطور شدکه تا چند ماه از حکومت دکترمصدق صلاحیت شاه‌باغ محرزبود ولی همینکه عوامل‌مشغول نقشه‌کشیدن شدند و درصدد تجدید خاطرات ایام مختاری برآمدشاه باغ‌حائری فاقد صلاحیت شد؟

چه علت موجب تغییر شاه‌باغ حائری وانتصاب یك فراماسون بجای‌اوشده است. دادستان کل بایدکسی باشدکه مردم باو اعتماد داشته باشند...»

درآن ایام رئیس دولت در امریکا بودند وکفالت کابینه با آقای باقر کاظمی بود. ایشان آقای شاه باغ حائری را تعویض وبجای وی‌دیگری را بسمت دادستان‌کل منصوب کردند.

آشتیانی زاده در دنباله بیاناتش که اشاره تلویحی به بقاء فراماسونها در پست‌های دولتی بعد از وقایع مشروطیت تا آنروز بوده نموده وچنین‌گفتند:

«. . . امید ما این بود که دکتر مصدق پس از نیل بمقام نخست وزیری یك طبقه‌ای را سرکار بیاورد که آنها ارتباطی باآن‌جریان نداشته باشند یاللعجب که مادرموقعیکه یا مبارزه کرده‌ایم یا می‌خواهیم باز هم مبارزه را ادامه بدهیم، هنوز استخوان‌لای زخم‌ماست.

من باآقای‌کاظمی سابقه‌ای‌ندارم من‌آقاشما را می‌شناختم تابحال‌خدمتتان رسیده بودم. کوچکترین سابقه سوء یا حسن سابقه‌ای بین بنده وآقا نبوده است برای اینکه ما تاوقتی چشم‌بازکردیم ایشان وزیرخارجه بودند، وزیر راه‌بوده‌اند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سفیرکبیر ترکیه بوده‌اند باز درموقع بیکاری برای استراحت سفیرکبیر می‌شوند من می‌گویم چه شدکه سیدحسن مدرس شهید وتقی‌زاده‌وعلاء [که] هرسه‌بااصلاح قانون اساسی و تغییر قانون اساسی در مجلس پنجم مخالفت کردند [سرنوشت مختلف داشتند] چه شدکه مدرس را بردند باآن وضع فجیع شهید کردند [ولی] آقای علاء بلافاصله سفیرکبیر ایران در پاریس شد؟ بعد وزیر شد باز وزیر شد باز وزیر دربار است پس فرداهم بازلابد سفیرکبیر

یوسف کنعان من برده دل و جان من

برده دل و جان من یوسف کنعان من

اینها را نمی‌فهمیم توی این مملکت اگر دکتر مصدق‌السلطنه خیال می‌کند در این مملکت مرد نیست و «جز فراماسنها کسان دیگر» لایق وزارت نیستند، اشتباه می‌کنند تمام طبقات جوان این‌مملکت میهن پرست بوده وهنوز هم هستند بقول بناپارت چه بسا درشکه‌چی‌ها که لایق وزارت من هستند وچه‌بسا وزرای من که لیاقت درشکه چی‌گری ندارند- اشتباه است آقا ... »

نظرات جراید در باره ماسونها

روزنامه‌های ایران هیچگاه از « فراماسون » و«فراماسونری » به‌نیکی یاد نکرده‌اند .

هرگاه به‌مناسبتی یادی‌از فراماسونری درجراید ایران شده یا برای‌انتقاد شدید از یك فراماسون فاسد بوده است و یا برای نمایاندن زشتی اعمال هیئت حاکمه ... روزنامه نگارانی‌که ازفراماسونها انتقاد می‌کنند ، اکثراً آنهائی‌هستند که دارای افکار «دست راستی» بوده و باهیچ چسبی نمی‌توان‌آنها را بجناح «چپ» چسبانید . برای نمونه چند سطر از بین ده ها مقاله انتقادی سالهای اخیر نقل می شود :

روزنامه جهان صادق بهداد مدیر روزنامه جهان بیش از همه روزنامه‌نگاران از فراماسونها انتقاد می‌کند. او که همیشه در جناح «ناسیونالیستها»ی ایران جا داشته، در یکی از صدها مطلب انتقادی علیه ماسون‌ها تحت عنوان «داوری ضدکمونیسم» می‌نویسد:

«در ایران خطر نفوذ بیشتر حزب کمونیست روزبروز زیادتر می‌شود، چون هنوز در مدت این بیست سال - ناسیونالیست‌ها دولتی تشکیل نداده‌اند، حکومت‌هائی هم که فراماسونها و تحصیلکرده‌های مکتب سیاسی انگلیسی و کمونیست‌ها و یا سوسیالیست‌های وازده یا متعصب تشکیل دهند دربرابر کمونیسم قدرتی ندارد و نمی‌تواند جلو نفوذ آنرا بگیرد ...»[1]

روزنامه بامشاد اسماعیل پوروالی مدیر روزنامه بامشاد که پایان نامه تحصیلی خود را در باره مشروطیت و ماسون ها نوشته، در اکثر مقالات خود نام فراماسون ها را می برد. ایشان در مقاله‌ای که عنوان «پیر مرد محترم» داشته و ظاهراً بایستی منظور «سید حسن تقی زاده» باشد می‌نویسد:

«... من عرض می‌کردم که مقالات سرکار را خواندم و فوراً فهمیدم که موضوع از چه قرار است ... کدام مقاله را می‌فرمائید ... همانهائی که می‌نویسید ... من فوراً فهمیدم که جنابعالی در زمره حضرات هستید. بله، بله، بله، این را که همه می‌دانند از کی وارد لژ شده‌اید؟.

- لژ؟ والله بنده اهل سینما و تآتر نیستم و اگر هم گاهی به اصرار والده بچه‌ها ناچار شوم و سینما بروم، همان پانزده ریالی ...

- بله می‌فهمم، منتهی ملاحظه می‌فرمائید این اختلافی که در لژ افتاده باعث نهایت تأسف است فکرش را بکنید، اختلاف در لژ !!

... این اختلاف آخرش بضرر همه ما تمام شد، هیچ معنی ندارد که در لژ

1- روزنامه جهان ۱۰۸۶- ۵ آذر ۱۳۴۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دو دستگی باشد ..

- والله‌ماجسارتی نکردیم .اصلا بنده نمی‌دانم جنابعالی اشاره‌تان به ..

- نخیر ، نخیر، اینها همه دلیل اختلاف در لژ است، اگر او امروز تشخیص داده‌که همین چهارتا عمارت فکسنی‌که اسمش را دانشگاه‌گذاشته‌ایم چه‌ضرری‌بما زده و می‌خواهد این ضرر را جبران‌کند ومردرندی‌که سالها امتحان‌بندگی‌راداده مأمور این‌کارکرده ، دلیل نمی‌شود که ..

- والله‌بنده تصورمی‌کنم‌که جنابعالی عوضی‌گرفته‌اید .ازارقامی‌که‌گفتید بنده هیچ‌نفهمیدم چون‌تمام زندگی بنده راکه جمع‌کنند۳۰۰تومان بیشتر ارزش‌ندارد. بنده ازتاریخ چیزی نمی‌دانم و ازمسائلی که به‌آن اشاره فرمودید چیزی سر در نمی‌آورم .بعلاوه بنده خودم پیرمردم ونسبت به‌ریش سفیدها همیشه احترام قائلم در باره لژهم والله بالله‌بنده اهل سینما نیستم و . .

- خواهش می‌کنم جلوی من خودتان را به‌کوچه علی‌چپ نزنید .

این پیرمردمحترم یکروزاقرارکردکه‌ناچار بوده این‌کارها رابکند.آنوقت برمی‌دارد هرچه دلش می‌خواهد بعنوان تاریخ نویسی بداوید وبیراه می‌گوید.من به‌گذشته‌هاکاری ندارم،همین سه‌ماه‌پیش این مرد تشخیص دادکه بهبود مملکت با تنزیل معارف نسبت مستقیم دارد وبعد توی لژصحبت شد وگفتند این‌مردرندی‌که خودش رابه‌هالوئی زده‌برای ازمیان برداشتن مانع‌اصلی‌ازهمه‌بهتراستوتظاهرات شروع شد و تا تیر در رفت و یکنفر دراز شد یارو سر کارآمد و حالا هم اگر چه در ظاهرشات وشوت انقلابی دارد اما هرچه لژبگوید سمعاًطاعتاًمی‌پذیردچونکه این پیرمرد محترم هم پنجاه شصت سال‌پیش که عمامه راکج می‌گذاشت همین‌شات و شوت انقلابی راراه انداخته بود و خودش خوب وارد اینگونه مسائل هست واز آن هفت خطها ..

- والله جناب‌آقا فکرمی‌کنم جنابعالی اصلا عوضی گرفته‌اید اسامی خارجی و داخلی وپیر مرد هفت خط و مردرندهالو وهمه این مسائل برای بنده عجیب و

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

غریب جلوه می‌کند اگر اجازه می‌دهید...

در این موقع تلفن زنگ زد و آقای ناشناس بدون آنکه منتظر بقیه حرفهای من شده باشد خودش مستقیماً پای تلفن رفت و گوشی را برداشت و گفت:

ـ بله خودم هستم.. نخیر خیلی احمق است.. فکر می‌کنم عوضی گرفته باشیم.. نه، چیزی نفهمید.. خودش را به‌حماقت زده؟.. نه نه قطعاً احمق است چشم‌چشم همین‌الان، بعد بطرف من برگشت و بدون اینکه‌خدا حافظی‌کند‌کلاهش را سرش گذاشت و رفت و من نفهمیدم مگر غیر از لژ سینما لژ دیگری هم‌هست و پیر مرد محترم که پنجاه سال پیش شلوغ چی بوده و بعد سالها از ما دوری‌کرده و دوباره برگشته کیست و این مردرند هالو که مأمور است ضرر چهار تا عمارت فکسنی را جبران کند کیست؟ خدا عاقبت همه را بخیر کند.[1]

مم جعفر

پیغام امروز

دکتر عبدالرسول عظیمی درمقاله «از انحلال دانشسرایعالی تا انحلال دانشگاه» درباره اداره دانشسرایعالی بوسیله فراماسن‌ها (دکتر فیلسوفی و دکتر تسلیمی) می‌نویسد:[2]

«... همه مردم می‌دانند وزیر فرهنگ شخصاً اطلاع کامل از مسائل تربیتی وحتی تشکیلات و سازمان فرهنگ ندارد و اورا دسته‌ها و گروه هائی [فراماسن ها] از پشت سر می‌گردانند. از جمله، دست هائی که پشت سر وزیر فرهنگ هست، دست مردی‌است بنام دکتر تسلیمی‌که گویا از جانب دسته‌های فراماسونری حامی وزیر فرهنگ بوی معرفی شده و تز انحلال دانشسرا یك تز زمینه دار می‌باشد که از ناحیه او عنوان‌گردیده است...

ـ وزیر فرهنگ [درخشش] بی آن که بداند چه می‌کند برنامه هائی را که از جانب فراماسونها حمایت می‌شود، فقط از روی جاه طلبی اجرا می‌کند...

۱ـ باماد ـ ۱۲ شهریور ۱۳۴۰

۲ـ پیغام امروز ۲۵ دیماه ۱۳۴۰

... این اختلاف آخرش بضرر همه ما تمام شد، هیچ معنی نداردکه در لژ

۱ـ روزنامه‌جهان ۱۰۸۶ـ ۵ آذر ۱۳۴۱

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اگر برنامه‌ئی که دکتر تسلیمی[1] طرح کرده و وزیر فرهنگ می‌خواهد اجرا کند به نتیجه برسد، باید گفت نخستین ضربت مورد علاقه حامیان وزیر فرهنگ و فراماسونرها به دانشگاه وارد می‌گردد ...»

روزنامه آژنگ

روزنامه آژنگ به مناسبت ورود هولمز سفیر امریکا به تهران و اشغال پست «سفارت امریکا» می‌نویسد[2]:

«... دولت امریکا باید بداند که ایران دویست سال است که زیر پنجه سیاست انگلیسی قرار گرفته و هر چه سیاستمدار و رجال و دیپلمات و وکیل و سناتور داشته و داریم غالباً در یکی از مکتب‌های وابسته به سیاست انگلیس اینتلجنس سرویس و فراماسونری) تعلیم گرفته‌اند. و اصلاً ما هنوز کسی را نمی‌شناسیم که بجائی رسیده باشد و این چنین مکتب هائی را ندیده باشد ... در ایران فقط یك سیاست می‌تواند جلو کمونیسم را بطور قطع بگیرد، و آن نیروی «ناسیونالیسم ایران» است، بدست مشتی فراماسون و نوکر سیاست خارجی نمی‌شود جلو کمونیسم را گرفت باکمونیست‌های ساخت تبتو نمی‌شود جلو کمونیزم را گرفت و هنوز واوشنماه هم تاکنون امکان داده نشده که ناسیونالیست ها بر مملکت حکومت کنند، از نیروی عظیم ناسیونالیسم ایران غافل نباشید، همین نیروئی بود که شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی را بوجود آورد و همین طرز فکر شاه عباس و نادر شاه را بر قسمتی از جهان آن روز مسلط ساخت. ما از کمونیزم هیچ باك نداریم به شرط این‌که دفاع از کشورمان بدست خودمان باشد.»

ایران ما

جهانگیر تفضلی و روزنامه ایران ما نیز در چندین شماره بحث‌های مفصل ومنطقی درباره فراماسونری وفراماسن‌های ایران و انتقاد از اعمال و کردار آنها نموده است. دریکی‌از

۱ـ دکتر تسلیمی عضو لژهای فراماسونری فرانسه در ایران است رجوع شود به فصل بیست و هشتم همین کتاب

۲ـ روزنامه آژنگ ۲۳ خرداد ۱۳۴۰

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مقالات‌مشهور تحت عنوان «آمریکا وانگلستان درایران وخاور میانه فراماسون‌های مصر و ایران ـ گفتگوی یك ناسیونالیست بایك فراماسون» می‌نویسد :[1]

چندماه پیش یکی از آشنایان قدیمی‌من که معلوم‌می‌شود اگر از فراماسونها نیست لااقل از طالبان طریقت‌آنانست می‌گفت : من مقالات تو را درباره‌انگلستان از همان چند سال پیش باکمال علاقه و اعتقاد می‌خوانم ، ما هم مثل شما طرفدار دوستی متقابل با انگلستان می‌باشیم وما هم مثل شما از نوکری انگلستان بیزاریم اما انگلستان در برابر دو رقیب‌که دارد چه می‌تواند بکند جز این که دوستی برادران فراماسون‌را مغتنم بشمارد .

به او گفتم : یکی از بزرگترین خدماتی که این فرقه به سیاست استعماری انگلستان کرده اینست که در کشورهای خاورمیانه ، که این فرقه آشیانه و لژ ساخته همواره کوشیده است‌که غرائز وطنخواهی وملی را بکشد وخوب می‌دانید همانطورکه کمونیستها در سراسرجهان بیکدیگر « رفیق » می‌گویند و یك رفیق کمونیست از کشورهای اجنبی ، خیلی بریك هموطن غیرکمونیست ترجیح دارد ، برای این فرقه نیز «یك برادر» فراماسون هزاربار بر یك ایرانی غیر فراماسون ترجیح دارد .

این فرقه درسراسر خاورمیانه مأموریت‌داشته‌است‌که بااحساسات ملی‌مردم کشورهائیکه هدف سیاست استعماری بوده‌اند مبارزه کند و حس حق طلبی و مردانگی وجوانمردی و عصیان را درجوانان ومردان افسرده ومعدوم سازد و راه پیشرفت سیاستهای استعماری را هموار سازد .

---

(۱) ایران ما ٤ خرداد ۱۳۳۵ . مقالات معروف دیگر ایران ما عبارتست از :

۱ـ شیوخ خجسته خصال ـ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۵

۲ـ جفا بینیم ومنت داشته باشیم ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۵

۳ـ بنایان آزاد ١٤ ـ اردیبهشت ۱۳۳۵

٤ـ جمعیت برادران لژ همایون ۱۱ خرداد ۱۳۳۵

۵ـ نفوذ معنوی و روز افزون شماره ۲۷۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خلاصه این فرقه مأموریت دارد و تاکنون این مأموریت را انجام می داده است‌که مردم را به‌تحمل و بردباری دربرابر زور و تجاوز، وقتی‌که ازطرف‌سیاست استعماری انگلستان باشد عادت بدهد ومردم را توسری‌خور باربیاورد.

از این آشنای فراماسون پرسیدم که:

آیا می داند که در لژ فراماسونهای مصر یهودیها را بکلی از فرقه بیرون کرده‌اند.

- بلی، این موضوع را خبرگزاری رویتر پارسال انتشار داد وروزنامه‌های تهران هم نوشتند تنها روزنامه اطلاعات بجای لژ فراماسونری نوشته بود «فراموشخانه قاهره» یهودی‌ها را اخراج کرده است.

- می‌دانید چرا؟

- بلی برای اینکه مصریها باکشور اسرائیل دشمن ومخالفند.

- خیلی اشتباه می‌فرمائید اولین شرط فراماسونی بیوطنی است، یعنی‌اگر ایران فی‌المثل با مصرجنگ کند، فراماسون ایران نه تنها جنگ با فراماسون مصری نمی‌کند، بلکه درآئین اوست‌که دردرجه اول به برادر خود خدمت‌کند[1] و یکی از علل اینکه یهودی های فراماسون در اغلب لژهای خاورمیانه صاحب جاه بودند، همین بیوطنی آن‌ها بود.

- پس چرا یهودیها را از لژ فراماسونهای مصرخارج‌کردند.

- خود یهودیها بیرون رفتند. در ایران هم چند نفر یهودی که با لژ «ح» تهران همکاری می‌کردند مدتی است خودراکنارکشیده‌اند.

۱- درحادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ عده‌ای ازایرانیهای عضو شرکت نفت ایران وانگلیس مقیم آبادان، درشب حمله مجلس ضیافتی ترتیب داده و از افسران ایرانی دعوت بشام کردند. آنها که عضولژ فراماسنی «پیشاهنگ آبادان» بودند، مأموریت سرگرمی افسران‌درشب حمله ودستیگری آنهارا داشتند ومأموریت خودراهم بخوبی انجام دادند، یکی دو نفر از آنها هم‌اکنون درلژ ابن سینا عضویت دارند.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برای اینکه اکنون یهودیها دارای وطن‌شده‌اند ودیگر نمی‌توانند با وطن‌خواهی ووطن پرستی وخلاصه ناسیونالیسم مبارزه‌کنند ...»

مجله این هفته مجله این هفته‌که مدت‌کوتاهی در سال ۱۳۳۱ در تهران انتشاریافت سلسله مقالاتی تحت عنوان «تاریخ فراماسونری یا فراموشخانه (بنای آزاد)» منتشرکرد.

این سلسله مقالات‌که به‌قلم دانشمند محترم احمد خان ملك ساسانی است، پرده ازروی بسیاری از نکات مبهم فراماسونری برمی‌دارد .بطوریکه مکرردراین کتاب آمده ، متأسفانه درزبان فارسی دربارهٔ «فراماسونری» کتاب و یا رسالات که راهنمای مردم باشد ، منتشر نشده است. به‌همین جهت سلسله مقالات ناتمام«خان ملك» در مجله این هفته ازنظر محققین قابل توجه و دقت فراوان می‌باشد .

مجله خوشه در سال ۱۳٤۱ از شماره ٦٤ تا ۷٥ مقالاتی بقلم مازیار (جهانگیر تفضلی) درباره فراموشخانه و فراماسونری منتشرکرده است . تجزیه و تحلیلی که دراین شماره‌ها شده ،بیشتر برروی مندرجات کتاب «فکر آزادی» دکتر فریدون آدمیت است.این سلسله یادداشتها وبررسیها اگرادامه پیدا می‌کرد و یابه صورت‌کتابی درمی‌آمد،درهدایت افکارمردم بخصوص درواقعهٔ«مشروطیت» وروشن شدن‌گوشه‌ای‌ازتاریخ میهن‌ما مؤثر بود.چون انتشارهمهٔ آنها میسر نیست،علاقمندان را به‌مطالعه شماره‌های فوق‌الذکر راهنمائی می‌کنیم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل سی‌وسوم

معرفی هشتصد وپنجاه وهفت نفر از فراماسونهای کنونی

فراماسونهای ایرانی، اگرچه دارای تشکیلات وسازمانهای مختلف، لژهای گوناگون وفعالیتهای متنوع درزمینه های متفاوت هستندوهم‌چنین از نظر وابستگی به لژهای بزرگ جهانی اختلاف چشم‌گیری، بایکدیگر داشته، واز این جهت ازهم متمایز هستند، اما در یک نکته باهم اتفاق نظر دارند، و آن رعایت دقیق اصول پنهانکاری می‌باشد. فراماسون‌ها درحفظ اسرار محرمانه وکوشش درمخفی‌داشتن اسناد ومدارک، وچگونگی فعالیت سازمان‌های خود وبخصوص اسامی ومشخصات افراد واعضای لژها، اتفاق نظردارند وتلاش فراوان می‌کنند.

درطول این دوقرن که از آغاز کار لژهای فراماسونری در ایران می‌گذرد، تاکنون هرگز فهرستی از اسامی اعضای این فرقه منتشر نشده، وگاه نیز که درموارد بسیار استثنائی، نام پاره‌ای ازاین افراد فاش می‌شده، بشدت درمقام انکار بر آمده حتی باوجود ارائه سند و مدرک عضویت خودرا درسازمان‌های فراماسونری تکذیب می‌کرده‌اند.

باتوجه باین نکات وهم‌چنین ملاحظه مطالب واسناد و مدارکی که طی فصول مختلف کتاب از نظر خوانندگان گذشت و حکایت از تلاش فوق‌العاده فراماسونها، درپنهان‌داشتن اسرار محرمانه، بخصوص اسامی ومشخصات افراد می‌کنند، بسادگی می‌توان دریافت که دست‌یافتن به لیست اسامی متجاوز ازهشتصد فراماسون ایرانی، آنهم باارائه اسناد ومدارک انکارناپذیر، برای هریک از آنها، کاری ساده و آسان نیست.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بدون اینکه قصد خودستائی داشته باشیم و یا بخواهیم منتی ابواب جمع خوانندگان کتاب بکنیم ـ که خوشبختانه درسراسر کتاب از هر دو انحراف تبرّی جسته‌ایم ـ اشاره باین نکته را ضروری می‌دانیم که :

زحمات بیست‌ساله نگارنده در راه تهیه اسناد و مدارک و تدوین و نگارش کتاب یک‌طرف و کوشش توانفرسائی‌که برای دسترسی باین اسامی ومدارک‌مستند مربوط بدآنها‌مبذول شده‌است، یک طرف دیگر...زیرا باوجود آماده شدن‌مطالب کتاب ، اگردسترسی باین‌اسامی وبااسناد مربوط بدآنها میسر نمی‌شد ، چون‌اصولا کتاب را بدون این‌لیست‌اسامی ناقص می‌دانستیم ، شاید انتشار کتاب سالهای‌دیگر نیز بتأخیر می‌افتاد .

دو نکته‌مهم،تهیه وانتشاراین‌لیست‌اسامی رابامشکلات‌بزرگی‌روبرساخته‌بود:

نخست اینکه اصرار داشتیم هریک از اسامی ومشخصات ، همراه بااسناد و مدارک قاطع وانکار ناپذیر باشد ، تاعلاوه برحفظ شیوه «مستدل و مستند» کتاب ، احیاناً پاره‌ای افراد و خانواده‌ها ، اشتباهاً متهم بارتباط بافرقه مورد بحث کتاب نشوند. وهمچنین سعی‌کرده‌ایم ، جائی‌برای انکاروتکذیب‌اعضای لژها ـ که بهیچ قیمتی بافاش شدن‌نام و ارتباط وانتساب‌خود بالژهای فراماسونری موافق نیستند ، باقی نماند .

نکته دوم‌که تهیه وتدوین لیست اسامی را فوق‌العاده دشوار می‌ساخت ، کار تفکیک اسامی اعضای لژهای مختلف از یکدیگر بود . زیرا ، چنانکه در فصول پیشین‌کتاب ملاحظه شد ـ هریک ازافراد، اغلب درچند لژمختلف عضویت دارند، لذا برای معرفی دقیق‌آنها ناچار می‌بایستی نخست اسامی افراد ، باتوجه بانتساب آنها بهریک از لژها ، ازیکدیگر تفکیک شده وآنگاه وابستگی عضو موردبحث بهرکدام ازاین لژها مشخص گردد ، تا خواننده بمحض مراجعه به لیست اسامی ، علاوه بر شناختن اسم و مشخصات فرد مورد نظر، ازعضویت او، دریک یا چند لژ فراماسونری نیز آگاه‌گردد .

تصور می‌کنیم همین مقدمه برای نشان دادن اهمیت تهیه لیست اسامی بیش

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از هشتصد فراماسونر ایرانی کنونی کافی باشد. لذا سخن را کوتاه‌کرده به‌معرفی آنها می‌پردازیم. ولی توجه خوانندگان را قبل از مطالعه لیست به این چند نکته کوتاه جلب می‌کنیم:

۱ ـ در این لیست‌گاه نام‌کسانی را می‌بریم که‌فقط در یك سند از آنهاذکری شده است. اینگونه افراد را با زیر نویس مشخص کرده‌ایم.

۲ ـ در تهیه اسامی فراماسونهای کنونی، از اوراق محرمانه لژها که‌گاه به وسیله‌ایران پرستان و در اکثر موارد با پرداخت مبالغ قابل‌توجهی، بدست‌آمده، استفاده شده است. در این لیست فراماسونی‌که معرفی می‌کنیم، در یکی از مراتب چهارگانه زیر عضویت داشته و یا دارند:

الف ـ رأی به‌پیشنهاد عضویت «بیگانه» این گونه افراد اکثراً ازجریاناتی که در خفا، و در لژها در باره آنها می‌گذرد، بی‌اطلاع هستند.

ب ـ رأی به تقاضای کتبی «داوطلب» ورود به جرگه ماسون‌ها

ج ـ شورها و اخذ رأی اول و دوم داوطلب

د ـ فراماسونهائی که مناصب و مقامات مختلف و یا بـه درجات گوناگون ارتقاء می‌یابند.

بنابراین آنهائی‌که نامشان با اسم لژی که در آن عضویت دارند قید شده، جملگی عضو محافل‌فراماسونی ایران هستند.

۳ ـ هنگام معرفی بعضی از فراماسونها، نام لژی که در آن عضویت دارند، ذکر نشده، و این بدان جهت است کـه فراماسون مورد بحث در چند لژ شرکت داشته وما چون خود فراماسون نیستیم، طبعاً ازعضویت اینگونه افراد در لژهای اولیه و یا لژی که در آن فعالیت می‌کنند، بی‌اطلاعیم. ولی بهرحال نام اینگونه افراد نیز در اسناد مختلف نوشته شده است. اینك به معرفی فراماسونهای کنونی که در لژهای انگلیسی- فرانسوی -آلمانی ولژ مستقل فعالیت دارند، می‌پردازیم:

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آ :

آبتین	عیسی (محمد مهدی)	ـ
آبتین	موسی (مهدی)	مولوی ـ کسرا
آبتین	منوچهر	ـ
آبتین	انوشیروان	فرابی
آقاجان‌زاده	سیوکی	تهران
آقازادیان	سورن	ـ
آبکار[1]	آندرانیک	.
آذری	امیرقلی	همایون
آذری	نصرالله	تهران ـ خوزستان
آذرپی	سرهنگ رحیم	کسرا
آذرفر	حسین	آفتاب
آذرین‌فر	حسین	مهر
آرام	عباس	ستاره‌سحر
آرنور	فریدون	لامت
آرمین	دکتر کمال‌الدین	کورش
آرین‌پور	قاسم	همایون
آروانس	رنجبرد	لامت
آزرم	غلامحسین	سعدی
آزما	علی‌محمد	اصفهان

۱ ـ نام این شخص فقط در یك سند دیده شده.

برای اینکه اکنون یهودیها دارای وطن‌شده‌اند و دیگر نمی‌توانند با وطن‌خواهی و وطن پرستی و خلاصه ناسیونالیسم مبارزه کنند ...»

مجله این [illegible] که مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۱ در تهران انتشار یافت سلسله مقالاتی تحت عنوان «تاریخ فراماسونری

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مجله این هفته

آزیر	دکتر احمد	مهر
آپائوئی	مهندس طلعت	سعدی
آرکانس	زیبا	همایون
آموده	مهدی	—
آهاری[1]	بزرگ علینقی	ا
آهنچی	محسن	،

الف :

ابراهیمی	یدالله	—
ابوسعیدی	دکتر مهدی	—
ابوالفتحی	—	فارابی
ابهری	دکتر علی	مهر
اتحادیه	یوسف	صفا
احتیاج فر[2]	—	—
احسانی	علینقی	تهران
احمدی	دکتر احمد علی	خیمه
اخترزاده	دکتر معز	—
اخگر	سرهنگ محمد علی	همایون
اخوت	محمد	وفا
اخوی	سرتیپ محمدحسین	همایون
ادیب محمدی	علی اصغر	اهواز
ادیبی	ابراهیم	مهر

۱ ـ نام این شخص فقط یکبار ودر یك سند دیده شده .
۲ ـ ایضاً .

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	مهندس [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	تهران
[illegible]	[illegible]	[illegible]
اردلان	دکتر [illegible]	[illegible]
اردلان	سلطان [illegible]	[illegible]
[illegible]	سلیمان	[illegible]
ارفع	مهندس محمد علی	[illegible]
ارفع	دکتر فرج‌الله	—
[illegible]	[illegible]	[illegible]
ازدری	دکتر احمد	تهران
ازدری	عباس	تهران ـ کورش
استریك	ال ـ دی	مولوی
استوار	مهندس مسعود	فارابی
اسدی	مهندس حسن	تهران
اسدی لنگرودی	نصرت‌الله	صفا
اسفندیاری	دکتر امیر	مولوی
اسفندیاری	دکتر حسین	خیام
اسفندیاری	رضا	مولوی
اسفندیاری	عباس	خیام
اسفندیاری بختیاری	اسعد	—
اسفندیاری دارائی	علیرضا	—
اسکندانی	دکتر محمدتقی	مهر
اسکندری	حسین	تهران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اسماعیلی	دکتر اسماعیل	کوروش
اسفندیار	لئون	سعدی ـ افتخاری
اشرف احمدی	علی	ستار سحر
اشراقی	امیر قاسم	همایون
اشراقی	حبیب‌الله	همایون
اصفهانی	دکتر علی‌اکبر	مهر
اصفهانیان	حمید	مهر
افتخار	محمدرضا	همایون
افخم ابراهیمی	محمدحسن	تهران
افخمی	احمد	تهران
افخمی	محمد	مولوی ـ ابن‌سینا
افشار	امیراصلان	تهران
افقه	دکتر سیدعلی	کوروش
افقی	دکتر منوچهر	تهران
اقبال	احمد	همایون ـ مولوی
اکبر پروانکی	عزیزالله	ـ
اکرامی	دکتر	فارابی
اکرامی	عباس	مولوی
الفاین	آقاجان	ابن‌سینا
الفایین	حبیب بابائی	ابن سینا
الفاین	داود بابائی	فارابی
الفانیان	ـ	ابن سینا
الی	دکتر حسن ...	وفا
الیاسی	ـ	ـ

امام	سیداحمد	همایون ـ کورش ـ اهواز
امام	دکتر سیدرضا	〃 〃 〃
امام	دکتر سید ضیاء	〃 〃 〃
امام جمعه	جلال	همایون ـ اهواز
امام شوشتری	سید محمد علی	مولوی
امامی	دکتر احمد	تهران
امامی	دکتر سیدحسن (امام جمعه)	نور
امامی خوئی	ابراهیم	سعدی
امینی	فتح‌الله	[illegible]
امید	دکتر احمد	سعدی
امید سالار	مهندس محمدحسین	سعدی
امید سالار	محمد رضا	سعدی ـ فرانسه
امیرانی	ابراهیم	خوزستان
امیر ابراهیمی	دکتر جهانگیر	[illegible]
امیر ابراهیمی	هادی	سعدی
امیر حکمت	سناتور دکتر علی	سعدی ـ سحر
امیر حکمت	دکتر کیومرث	مهر
امیر حکمت	دکتر عبدالحسین	همایون
امیر طباطبائی	مهندس علیرضا	تهران
امیر شاهی	هادی	ـ
امیری	عنایت‌الله	صفا
امیری	محمدصادق	ـ
امیری قراگوزلو	غلامحسین	تهران ـ فرانسه
امیر نیرومند	دکتر ناصر	همایون ـ اصفهان

امیر لبرومند	دکترعیسی	اصفهان
امین	غنی	فارابی
امین	سیدجعفر	صفا
امین	دکتر شفیع	صفا
امین	دکتر محمدکاظم	اصفهان
امینی	ایرج	وفا
امینی	دکتربهمن	ـ
امینی	دکتررضا	کورش
اوانسف	اوانس	لابت ـ تهران
اوانسف	ژرژ	لابت ـ تهران
اودی	ر	ابن‌سینا (افتخاری)
اوهایون	داوید	فرانس
اهری	دکترحسین	خوزستان
ایازی	مهندس‌منوچهر	کورش
ایثاری	محمدرضا	فارابی

ب :

بابایان	دکتر اسد	فرانسه ـ سعدی
بابك	دکترعباس	کسرا
بانمانقلیچ	» فریدون	ابن سینا
بادین	میروسلاواوکستین	همایون
باکلی	ویلیام	روشنائی
بالاس	اوراهام	همایون
بامداد	ابوالفضل	ـ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بجانیان	هارتون	لایت ـ سعدی
بخشی	دکتر غلامرضا	کوروش
بختیار	آقاخان	مهر
بختیار	ابدال ـ غلامحسین	تهران
بختیار	خانی	آفتاب
بختیار	عبدالحمید	زاندارت
بختیار	علی اصغر	تهران ـ اصفهان
بدیع	محمد	فرانس
بدیع	مهندس اصغر	فرانس
برالو	احمد	همایون
براون	ای ـ اف	لایت ابن‌سینا (افتخاری)
برومند	قدرت‌الله	اصفهان
برومند	عبدالغفار	اصفهان
برومند	محمدباقر	اصفهان
برومند	محمد طاهر	اصفهان
بشیرالسلطان	محمد	همایون
بصیری	حسین	فرانس
بشیری	محمد حسن	مولوی
بقائی	حسن	مولوی
بقائی	مهندس حیدری	تهران
بکری	ویلیم	لایت
بلادی	سید محمد	همایون
بنی‌سلیمان شیبانی	مصطفی	اصفهان
بنی هاشمی	جلال‌الدین	آفتاب

بو	ژوزف	آفتاب
بوربور	داریوش	ابن‌سینا
بوربور	غلامحسین	همایون
بوذری	محمد علی	مزدا ـ کسرا
بوریج	ج ـ ب	ابن‌سینا
بوو	اس ـ جی	ابن‌سینا (افتخاری)
بهبهانی	مهندس شاهپور	خیام
بهبانی	» عنایت	کورش
بهبودی	سلیمان	روشنائی ـ تهران
بهبودی	مهندس ناصر	کورش ـ تهران
بهروز	مهدی	سعدی
بهروش	جمشید	مولوی ـ کسرا
بهروش	زرین	کسرا
بهروش	دکتر مجید	کسرا
بهزاد	دکتر حمید	تهران
بهزادی	مهندس بهمن	فرانسه ـ سعدی
بهزادی	دکتر علی‌اصغر	کورش
بهزادی	عیسی	مولوی
بهزادی	همایون	ـ
بهمن	سیف‌الله	مهر ـ آفتاب
بهمنیار	محمود	مولوی
بهنیا	محمود	مولوی
بیات	پرویز	آفتاب
بیات	عیسی	ـ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بیانی	دکتر خانبابا	سعدی
بیت وردا	بیبخان	مزدا
بیگدلیگ	عزیزالله	آفتاب

پ :

پارکر	A . T . Perker	ابن‌سینا (افتخاری)
پارسا	مهندس ابراهیم	آریا
پارسی	دکتر فرح	تهران
پاپا	دکتر محمدرضا	تهران
پرتو	دکتر علی	کورش
پرتو اعظم	ـ	ابن‌سینا
پرویو	ژ.ژ.	مولوی (افتخاری)
پطرسیان	ـ	ـ
پناه	ابراهیم	همایون
پورسرتیپ	فتح‌الله	همایون
پورنگی	دکتر رسول	وفا
پوران	حسین	آفتاب
پوریانی	دکتر حسین	مهر
پیراسته	دکتر سید مهدی	ستاره سحر
پورآرمان	ونگین	ـ
پورمرادیان	حجیر	ـ
پوربها	دکتر ابوالقاسم	تهران ـ کورش
پوریا	بیژن	مزدا
پورنیه	دکتر حسین	آفتاب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پیرنیا	هرمز	تهران
پیروز	مهندس محمد حسین	تهران
پیروز بخت	دکتر جواد	تهران

ت :

تاج بخش	منوچهر	وفا
تاد (محمدی‌سابق)	مهندس عباس	تهران
تربیت	غلامعلی	همایون
تربتی	عماد	مولوی
تسلیمی	منوچهر	ابن‌سینا
تشرشیان	او	ابن‌سینا
تفضلی	دکتر تقی	مهر
تقی‌زاده	سید حسن	آفتاب
تهرانی	دکتر منوچهر	آفتاب
تهرانیان	احمد	مهر ـ آفتاب
توانا	دکتر	تهران
توحیدی	محمد	ـ
توران	دکتر محمدحسن	تهران
توکل	عبدالله	کورش
توکلی	احمد	لایت ـ کورش
توکلیان	علی اصغر	تهران
تومج	سرتیپ عبدالله	تهران
توانلی	R.R. TOWNLY	بن‌سینا(افتخاری)
تیموریان	علی	تهران

ث :

ثقفی	دکتر محمود	کسرا
ثقةالاسلامی	مهندس سعید	تهران
ثقةالاسلامی	موسی	همایون

ج :

جالینوس	مهندس عبدالوهاب	آریا ـ مهر
جوید	محمدعلی	کسرا
جعفری	رضا	کورش
جلالی	پرویز	مولوی ـ ابن‌سینا
جلالی	فتح‌الله	مولوی ـ سعدی
جلالی	فضل‌الله	ـ
جمالپور	علی	مهر
جمهوری	جهانبخش	تهران
جنیدی	دکتر محمد جواد	سعدی
جونز	R.A. JOUNS	ابن‌سینا (افتخاری)
جهان	دکتر جعفر	تهران
جهانداری	جهانگیر	سعدی
جهانداری	کیکاوس	آفتاب ـ وفا
جهانشاهی	غلامحسین	مزدا
جهانشاهی	محمد	مولوی
جلیلی	سیدابوالحسن	آفتاب
جلیلی یزدی	محمود	کورش

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

چ :

جراز	مهندس پرویز	مزدا
جالوتاهی	صالح	همایون ـ مزدا
چشیدت	ادوارد	لابت ـ کورش
چتابات	صالح	لابت ـ کورش
جرجیان	ای	ابن‌سینا
چهرازی	دکتر ابراهیم	فرانسه

ح:

حائری	دکتر محمد حسین	خیام
حاجبی	دکتر محمد حسین	فرانس
حافظی	دکتر مسعود	[illegible]
حاجی‌اصغرزاده	مهندس	فارابی
حجازی	حسنعلی	اهواز
حداد	سمیر	همایون
حداد	دکتر کمال	فرانس
حداد	دکتر محسن	کورش
حداد	دکتر ناصر	خیام
حریرفروش	فتاح	مهر
حریری	محمد جواد	کورش
حسابی	دکتر محمد	تهران
حسو	ک . م	لابت
حسو	ح . م	لابت

حقیق	فضل‌الله	سعدی
حکمت	بهمن	تهران
حکمت	حسنعلی	تهران
حکمت‌یار	فضل‌الله	همایون
حکیم‌زاده	رضا	آفتاب
حولوای	ام ـ اف	فرانس

خ :

خاچاطوریان	البریك	مولوی
خازنی مقدم	مهدی	خیام
خان‌اکبر	نعمت‌الله	سعدی ـ تهران
خان‌زاده	مارك	سعدی
خانلری گودرزی	مهدی	سعدی
خجسته	محمدمیر شکار [1]	ـ
خداداد	حسین	سعدی
خدادادفر	محمدداود	ـ
خدایار	امیر مسعود	ـ
خرازی	دکترعباس	تهران
خزعلی	شیخ احمد فیصل	تهران ـ فیحا
خزیمه‌علم	امیر حسین	همایون
ختو	نقی	تهران
خسروانی	دکتر خسرو	مهر
خسروانی	شهاب	مولوی ـ همایون

۱ـ فقط در یك سند نام این شخص دیده شده است

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خشایار	دکتر علی‌اصغر	فرانس ـ کورش
خطاطان	موسی	سعدی ـ همایون
خضرائی	پرویز	ـ
خلعتبری	دکتر عباسقلی	مولوی ـ همایون
خالقی	محمد ح ن	همایون از خرمشهر
خلیقی	یعقوب	فرانس
خلیلی	علی‌اکبر	ـ
خمسی	مهندس	حافظ ـ همایون‌ازشیراز
خمسی	حبیب	مولوی
خواجوی	امیرمهدی	مولوی
خواجه‌نوری	محسن	ـ
خوش‌بین	دکتر غلامحسین	تهران
خوش‌کیش	یوسف	ابن‌سینا

د :

دارابجی	فیروز	لائیک
دادور	محمد	همایون
دارائی	دکتر احمد	سعدی ـ کسرا
دارائی	طغرل	ـ
دانش	یهودالنون	همایون
دانش‌زاده	محمود	ـ
دانشی	دکتر مهدی‌مسیح	کورش
داودی	دکتر حسین	کورش
داودیان	محمد	همایون

داوید	د	ابن‌سینا (افتخاری)
داریوش	مهندس	فرانس
دبی	الیاس	تهران روشنائی
درابل	M.S. DRABBLE	مولوی ـ سعدی (افتخاری)
دره	علیرضا	ـ
دروزیر	آ . ال	مولوی ـ سعدی (افتخاری)
دری	مهندس کمال	کسرا
دری	محمد	مهر
دستغیب	کاظم	حافظ
دفتریان	حسین	مزدا
دوبسکی	ماکس	مولوی (افتخاری)
دورقی	محمد	کورش ـ اهواز
دولتشاهی	عباس	همایون
دولو قاجار	جمشید	همایون
دیویس	E.P POYIES	ابن‌سینا
دهستانی	مهندس عبدالعلی	کورش
دهقان	محمود	حافظ ـ همایون
دهقان	محمد علی	مولوی
دیبا	ابوالحسن	فرانس
دیلانیان	زوارت	لاله ـ ابن‌سینا
دیلمقانی	مهندس عبدالحسین	تهران
دیوید	د	روشنائی
دیویدخانیان	بهرام	تهران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ذ :

ذوالریاستین	صمدی	کورش ـ همایون

ر :

رئیس	محسن	فرانس
رئیس	محمود	مولوی
رئیس	مهدی	فرانس
رئیس‌روحانی	ابراهیم	کسرا ـ سعدی
رئیس سمیعی	یوسف	سعدی ـ ژاندارك
رئیسی	سعید	فرانس
رئیسی	محمد	کورش
رأفت	محسن	همایون
راجی	دکتر عبدالحسین	مزدا ـ مولوی ـ همایون
رادمرز	دکتر مسعود	تهران
رازانی	دکتر	فارابی
رام	دکتر هوشنگ	خیام
رامبد	هلاکو	تهران ـ همایون
راهتین	حسین	تهران ـ کورش
رامتین	سیروس	کورش
رحمانی	مهندس روح‌الله	ـ
رحمتیان	حسین	کورش ـ فرانس
رحیم‌زاده	ایرج	ـ
رزم‌آرا	مهندس رضا	سعدی

۱ـ از ذکر نام دو ایرانی وطن‌پرست در این ردیف معذوریم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

رسا	دکتر مرتضی	کورش
رشیدی حائری	دکتر عبدالحسین	کورش
رشیدی حائری	عبدالامیر	مولوی ـکسرا
رضوی	حسین	ـ
رفوآ ء	دکتر پرویز	سعدی
رفیع	محمد مهدی	ـ
رفیعی	دکتر احمد	ـ
رفیعی	دکتر عزیزالله	فارابی
رفیعی	علی اصغر	تهران
رفیعی	فضلعلی	همایون تبریز
رکنی فرد	اسداله	مولوی
رمضان نیا	اطیف	تهران
روب	و ـ ه	لایت
روبینسن	W. H. ROBINSON	ابن سینا
روحانی	مهندس ابوتراب	سعدی
روحانی	سید طاهر	ـ
روحانی	علاءالدین	ـ
روحانی	محمود	مزدا
روحی	محمد حسن	ـ
روستا	محمد	مولوی
ریاحی	ابراهیم	فرانس
ریچارد	ال. ی.	لایت

ز :

زراندوز	مهندس جلیل	سعدی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

زرتشتی	رستم	فارابی
زریاب خوئی	دکتر عباس	آفتاب ـ همایون
زرین کفش	علی اصغر	وفا ـ مهر
زرین کوب	دکتر عبدالحسین	مهر
زند	اسمعیل	آفتاب
زند	امیرحسین	آفتاب
زند	دکتر بهمن	روشنائی
زند	تقی	تهران
زند	دکتر داریوش	آفتاب
زند	شهرخ	آفتاب
زند	علیمراد	ژاندارک
زنگنه	اعظم	ـ
زوار	اکبر	فارابی

ژ :

ژوزف	ادوارد	مهر ـ آفتاب
ژوئن	ژرژ	مولوی (افتخاری)

س :

سعید	محمد	مولوی
سالار بهزادی	عیسی	کورش
سام	دکتر محمد	تهران
ساهاکیان	تیگران	ـ
سپهر	مهندس حسین	تهران

ستوده	مهندس فتح‌الله	زاهدارک
ستوده	دکتر یحیی	تهران
سراج حجازی	حسن	تهران
سرداری	دکتر امیرمنصور	لایت
سرداری	خان بابا	لایت
سرکیسیان	دکترسرکیس	ابن سینا
سردار گودرزی	عزت‌الله	همایون
سرمد	سید مرتضی	همایون
سرمد	صادق	همایون
سعیدی	عبدالله	مولوی ـ همایون
سلامت	مهندس محمود	مزدا ـ همایون ـ تهران
سلامتی	عزت الله[1]	لایت
سلجوقی	مهندس ابراهیم	تهران
سلسبیلی	علی‌اصغر	مولوی
سلطان	محمد بشیر	همایون
سلطان‌زاده پسیان	دکتر حسینقلی	آفتاب
سلطانی	مهندس مجتبی	کسرا
سلطانی	مهندس سلطان محمد	تهران
سلیمان	ج	لایت
سلیمان خانی	یوسف	فرانس
سلیمی	محمد	ـ
سمندری خطوف	عبدالعلی	مولوی
سمیعی	پرویز	مولوی

۱ـ نام این شخص فقط یکبار در اسناد لژهای انگلیسی دیده شده است.

[illegible]	عبدالحسین	مولوی ـ همایون
[illegible]	[illegible]	همایون
سهرابی	علی	مولوی ـ همایون
[illegible]	محمد	وفا
[illegible]	محمدولی	همایون
سید حسنی	محمد علی	سعدی
[illegible]	حسین	وفا
سیف	امان‌الله	همایون
سیمونیان	[illegible]	لابت
[illegible]	دکتر عبدالله	شمس تبریزی ـ کورش
ش :		
شاپوریان	محمد علی	نور
شارل	دی ـ ال	سعدی
شابان	عباس	همایون
شاباز	کاظم	ژاندارک
شایان	محسن	ـ
شایان	دکتر منوچهر	ژاندارک
شایگان	رضا	سعدی
شایگان	موسی	فارابی
[illegible]	امیرمنصور	فرانس ـ ابن‌سینا
[illegible]	ابوالحسن	ابن‌سینا
شاهمیر	مهندس نصرالله	وفا
[illegible]	[illegible]	همایون
شیرا	موسی	همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

شپرد	R. SHEPHERD	ابن‌سینا
شتنگل	والتر	آفتاب
شجاع نیا	دکترهاشم	تهران
شریعتمداری	عبدالرسول	همایون
شریف‌امامی	مهندس جعفر	ستاره سحر
شریف‌رازی	ناصر	مولوی
شعشعو	د	لایت
شفا	دکترجلال	همایون
شفائی	دکتراحمد	همایون
شفائی	سرلشکراسمعیل	تهران
شقیعیها	احمد	صفا
شقاقی	مهندس حسین	تهران
شکوفی	نصرت‌اله	تهران
شوکتی	مهدی	مولوی ـ همایون
شکوه	مسعود	همایون
شهنائی	باقر	همایون
شهابی	میرشهاب‌الدین	کورش
شهردار	دکتریحیی	همایون
شهمیرزادی	دکتر حسن	اهواز
شهیدی	مهندس	فرانس
شیبانی	دکتر احمدعلی	آفتاب
شیخ	دکتر ابوالحسن	تهران
شیخ‌الاسلامی	مهندس حسینعلی	آفتاب
شیلانی	دکترامیر	آفتاب

شیلانی‌فرد	مهندس نصرت‌اله	خیام
شیخ‌نیا	دکتر حسین	ژاندارک

ص :

صابرزاده[1]	حسن	کورش
صدق	علی‌اکبر	فرانس
صارمی	غلامحسین	مولوی ـ مژدا
صانعی	منوچهر	فارابی
صبا	نصراله (مختارالملك)	وفا ـ مهر
صباحی	امین	همایون
صدرزاده	مهدی	مهر
صدوقی	دکتر حسین	وفا
صدری	دکتر محمد علی	فرانس
صدیقی	محمدحسن	همایون ـ اهواز
صدیقی	محمد علی	همایون
صدریه	احمد	تهران ـ اصفهان
صدریه	سیدکاظم	اصفهان
صراف زاده	رضا	همایون
صفائی	دکتر جواد	وفا
صفائی	عبدالصاحب	همایون
صفائی سمنانی	عبدالعلی	صفا
صفا	دکتر ذبیح‌اله	صفا

۱ ـ این شخص روز چهارشنبه ٤ دیماه ۱۳٤۷ بمقام «استاد ارجمند» ترقی کرد .

عامری	مهندس نظام	اهواز
عامری	هوشنگ	خیام

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

صدری	سرتیپ محمدعلی	اور
صفرزاده	دکتر ابراهیم	—
صفانیا	فرهاد	مزدا
صفی‌نیا	دکتر ضیاءالدین	تهران
صلاحی	احمد	همایون
صلحجو	رضا	—
صناعی	مهدی	ابن‌سینا
صوفی	نعمت‌الله	تهران
صوفی املشی	اسدالله	مولوی
صولتی	مظفر	همایون ـ اهواز
صمیمی	محمد	اهواز
صمیمی بهبهانی	اسدالله	همایون ـ اهواز

ض :

ضیاءپور	جلال	—
ضیائی	دکتر خلیل	تهران
ضیائی	دکتر طاهر	تهران
ضیائی	علی‌اکبر	مزدا
ضیائی	محمود	مزدا
ضیائی	دکتر محمد	فرانس
ضیائیان	ضیاءالدین	سعدی

ط :

طالقانی	مهندس خلیل	ابن‌سینا ـ مولوی

طاهری	مهندس محمد	تهران
طباطبائی	سیدعلی‌اکبر	کورش
طباطبائی	دکترسیدمحمد	کورش
طباطبائی یزدی	عبدالله	وفا
طلیعه	منوچهر	مولوی
طوب	موسی	همایون
طوبی	حاج حسین	همایون دراصفهان
طه	دکترابراهیم	فرانس

ظ :

ظریف	عباس	کورش ـ فرانس
ظفر	مهندس‌کیقباد	تهران
ظلی	دریادار عبدالله	مولوی
ظلی	دکتر هوشنگ	مولوی ـ فرانس

ع :

عاطفی	دکتر احمد	کورش
عاملی	دکتر باقر	خیام
عامری	احمد	همایون
عامری	دکتربهادر	تهران
عامری	دکتر مظفر	تهران
عامری	مصطفی	تهران
عامری	مهندس‌نظام	اهواز
عامری	هوشنگ	خیام

عبادی	محمدعلی	مولوی
عبدالوند	–	صفی
عجم	ناصر	همایون
عدل	احمدحسین	همایون
عدل	مهندس‌فیروز	کورش
عدل	مجید	همایون
عدیلی	جلال	–
عرب‌شیبانی	اسدالله	کورش
عرب‌شیبانی	عباسقلی	تهران
عرب‌شیبانی	مسعود	کورش
عرفان	محمود	مهر
عریضی	محمد	تهران
عطاری	سید علی	کورش
عظیمی پور	دکترحسین	همایون
علاقبند	حسین	فارابی
علاء	دکتر پرویز	تهران ـ آریا
علاء	دکترفریدون	وفا
علم	دکترمحمدعلی	تهران و اهواز
علوی	دکترحسن	ابن‌سینا
علوی مقدم	مهدیقلی	همایون
علومی	دکترمحمود	کورش
علی‌آبادی	دکتراحمد	کورش
عماد تربتی	عمادالدین	همایون ـ مولوی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

غ :

غروی	دکترابراهیم	فرانس
غروی موسوی	علی‌اکبر	همایون
غفاری	حسنعلی (معاون الدوله)	وفا

ف :

فاتحی	محمود	ابن سینا
فاضل	م - ح	ابن سینا
فاطمی	کریم	-
فتحی	دکترعبدالله	مولوی - فرانس
فخر طباطبائی	غلامحسین	آفتاب
فداکار	علیرضا	زالدارلا
فرجاد	مصطفی	همایون
فرخان	هوشنگ	مهر
فرح	دکترامیر مظفرالدین	
	ارفع‌السلطنه‌خان فرخ	لایت
فرزاد	علی	همایون
فردوس	مهندس هوشنگ	کورش
فرزانه	دکترتمدن	حافظ
فرزین	دکتر	خیام
فرشی	محمدحسین	مهر
فروغی	مهندس محسن	تهران
فروغی	مسعود	همایون
فرمانفرمائیان	دکترحافظ	مهر

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فرما	اکبر	
فرمند	محمود	تهران
فرهنگ	مصطفی	کورش ـ تهران
فرهمند	محمد	زاندارك
فرهمندفر	دکتر	حافظ
فرهوری	سیدحسین	مولوی
فرهودی‌حسابی	مهدی	سعدی
فرهودی‌حسابی	مهندس	ـ
فرود	اسدالله	تهران
فرود	سیدفتح‌الله	تهران
فرود	مهندس‌همایون	تهران
فروهر	سروش	تهران
فروهر	عباس	تهران
فروهر	غلامحسین	کورش
فری	کریستوفراسحق	لایت ـ تهران
فریار	دکتر عبدالله	همایون
فزونی	مهندس جعفر	کورش
فشارکی‌طباطبائی	سیدکاظم	کورش
فضائلی	محمد	تهران
فلاح	دکتر رضا	مولوی ـ فروغی
فلاح رستگار	احمد	مهر
فن‌شپالارت	فرانزکنورک	آفتاب
فوتزلیب	سوبی	همایون
فوکال	دکتر تئودور	آفتاب

فیروز	شاهرخ	ابن‌سینا
فیروز	مهدی	سعدی
فیروزی	مهندس محمدعلی	همایون
فیصلی	حاج‌علی	همایون
فیاسوفی	دکتر اسمعیل	سعدی ـ مولوی

ق :

قادری‌نژاد	دکتر رحیم	ژاندارک
قازاریان	دانیل	ـ
قدس‌نخعی	حسین	ستاره‌سحر ـ همایون
قدیمی‌نوائی	دکتر حسین	همایون
قراگوزلو	مهندس محمد	کورش
قرمان	دکتر ذبیح	حافظ
قریب	جمشید	همایون
قریشی	محمد	همایون
قزل‌اباغ	حسینقلی	همایون
قطب	سیدکاظم	همایون
قطبی‌گیلانی	مهندس محمدعلی	تهران
قهاری	دکتر ضیاءالدین	کورش
قهرمانی	محمد	همایون
قهرمانی	مهدی	همایون ـ تهران
قوام	محمد	مهر
قوام	مهدی	وفا
قوامی	رحمت	تهران ـ ابن‌سینا

قوامی	محمدعلی	همایون
قویمی	مهندس حسن	رفا

ک :

کایداند	داوید	لابت
کاریابی	محمد	تهران
کازرونی	خلیل	تهران
کاسمی	نصرالله	همایون
کاشانی	جمال‌الدین	لابت ـ آریا
کاشانی	کریم	ـ
کاظمی	دکتر پرویز	کورش ـ تهران
کاظمی	دکتر محمد	ژاندارك
کاظمی	مشفق	مولوی
کامیاب	داریوش	ژاندارك
کامیاب	عزیزالله	تهران
کاهانا	ـ	کسرا
کرامتی	محمد	همایون
کرامتی	نعمت‌الله	همایون
کرباس‌فروشان	دکتر محمد علی	خیام
کرمر	دکتر کئورك	آفتاب
کسرائی	هدایت‌الله	مزدا
کشاورزی	دکتر	سعدی
کشاورزیان	محمد	کورش ـ ژاندارك
کشفی	جمشید	همایون

کعب عامری	مهندس غلام	اهواز
کفائی	جعفر	همایون
کلاهدوزی	محسن	مزدا
کالی	جدن	سعدی
کمالیان	جواد	سعدی
کمالیان	مهدی	سعدی
کندال	مایکل	مولوی ـ ابن‌سینا
کهنیم	مهدی	همایون
کوچکعلی	علی	کورش ـ تهران
کودورث	سی‌ـبی	ابن‌سینا
کورس	حسن	آفتاب ـ
کورس	کاظم	تهران
کنیت	S. C.KNIGHT	ابن‌سینا (افتخاری)
کیا	دکتر امیر	همایون
کیا	حاج علی	همایون
کیان	دکتر غلامرضا	تهران
کیان	مهندس جلال‌الدین	دارایی
کیان	مرتضی‌قلی	ـ
کیوان	صدری	کسرا
کیوان	مهندس محمد	تهران
کیوان	هوشنگ	تهران
کیوانی	مهندس‌رضا	وفا ـ صفا
کیهان	مهندس پرویز	تهران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

گ :

[illegible]	ادیب	همایون
کرانت	اف.ای	ابن‌سینا
کرجیان	مهندس	خیام
کرانشتین	ن	مولوی (افتخاری)
کرین تن	–	کسرا
کلچینی	–	فارابی
کلشائیان	عباسقلی	مولوی
کلشن	ابوالقاسم	لایت
کلشن بزرگ	غلامحسین	ژاندارک
گنجه	مهندس رضا	رفاه
گنجینه	جواد	–
گنجی‌بخش پوری	مهندس جمال	مهران
گنجی‌پور	فریدون	همایون
[illegible]	ن.ا.س	لایت
[illegible]	حسینعلی	ابن‌سینا – افتخاری
[illegible]	–	کوروش
گوهریان	مهندس ابوطالب	رفاه

ل :

لاجوردی	قاسم	ستاره سحر
لاری‌زاده	محمدمهدی	کوروش
لاهو	[illegible]	لایت
لشکاری	مهدی	سعدی

م :

مئیر	بالاس ـ ابراهام	همایون
مارك	دانیل	سعدی
مارون	فرس	لائیک
مازندی	یوسف	کورش
مانی	حسینقلی	تهران
مانی	عباسقلی	همایون
مانی	فتح‌اله	کسرا
مالك	عیسی	مولوی
مالك	دکتر لقمان	مولوی
ماریل	پیر	مولوی (افتخاری)
مبین	دکتر	فارابی
مبصر	محمد	تهران
متقی ایروانی	محمد رحیم	خیام
مجتبائی	جمشید	فرانسه
مجتهدی	دکتر علی‌اکبر	همایون
مجلسی	محمد	آریا
محاوجی	مهندس خلیل	کسرا
محمدی	امیر سلیمان	همایون
محمدی	علی‌اصغر	تهران ـ اهواز
محمدی	مهندس طاهر	تهران
محمودیه	احمد	همایون
محبی	دکتر اصغر	اصفهان
مخاطب رفیعی	مهندس عزت‌اله	کورش

مداروی	دکتر علی	کورش ـ ژاندارك
مدرسی چهاردهی	مرتضی	تهران
مدنی	دکتر محمد	ژاندارك
مرآت اسفندیاری	حسن	کورش
مرادپور	حبیب‌الله	تهران
مرتضوی	ابوالحسن	کورش
مرتضوی	سید محمد	کورش
مرتضوی	سیدمحمدعلی	اهواز
مرشد	دکتر حسن	مهر
مرشدزاده	دکتر رحمت‌الله	تهران-کورش
مرعشی	علی‌اکبر	کسرا ـ همایون
مرندی	علی	مولوی
مروا	ژاله	مولوی (افتخاری)
مرید	محمدجواد	کورش ـ خوزستان
مزینی	دکتر مهندس مصطفی	مزدا
مژدهی	ـ	ـ
مستوفی‌زاده	خسرو	کسرا ـ اهواز
مستوفی‌زاده	ناصر	کسرا ـ اهواز
مستوفی‌زاده	محمدجواد	تهران
مسعود	قیصر	وفا
مسعود	. . .	فرانس
مسعودی	محمدعلی	کورش
مشکاتی	نصرت‌الله	همایون
مشکوتی	مهندس محمدولی	صفا

مشیر فاطمی	عبدالحسین	سعدی
مشیری	رضا	تهران
مشیری	علی	وفا (افتخاری)
مشیری	محمدحسن	مولوی
مشیری یزدی	محمد	کورش
مصداقی	ب	فرانسه
مصدقی	هادی	تهران
مصدقی	هدایت‌اله	همایون
مصدقی	محسن	همایون
مصطفوی	محمود	همایون
مصطفوی نائینی	سیدحسن	کورش
مظاهر	محسن	فارابی
مطیر	محمود	مهر
معافی	حسینقلی	تهران
معارفی	حسینقلی	تهران
معارفی	دکتر علی	تهران
معتضدی	دکتر عباس	همایون
معتضدی	دکتر فضل‌اله	تهران
معتمدی	دکتر عباس	مولوی
معتمدی	منصور	فرانس
معدل	ابوالحسن	کسرا
معین	مهندس‌علی	مزدا-کسرا
مغازة	دکتر ابوالقاسم	فرانس
مفتاح	حسین	آفتاب

مفتاح	عبدالحسین	مولوی
مفتاح	عبدالعلی	مولوی
مفخم	دکتر جمشید	صفا
مقدم	سرهنگ فضل‌الله	تهران
مفخم	ل.	تهران
مقیم	محمد	وفا
مکی	باقر	ـ
ملایری	محمود	همایون
ملک اصلانیان	دکتر امانوئل	آفتاب
ملک‌پور	ذبیح‌الله	تهران
ملک‌مدنی	سیدهاشم	وفا
ملک‌منصور	امیراسمعیل	فرانس
ملک‌منصور	امیرحسین	فرانس
ملک‌نیا	محمود	فرانس
ملکی یزدی	ابوالقاسم	تهران‌ـفرانس
ممتاز	عبدالله	همایون
مناشی	الف	ابن‌سینا
منصور	جواد	مولوی
منصور[1]	حسنعلی	همایون
منصوری	احمد	تهران

۱ ـ دریکی از جلسات لژفروغی که جواد منصور ـ هویدا ودیگر یاران حسنعلی‌منصور حضورداشتند ، تقاضای عضویت آنمرحوم مطرح شد ولی چون دونفر از حضار بامهره کبود با عضویت اومخالفت کردند، مورد قبول واقع نشد. مرحوم منصور پس‌از انحلال لژهمایون همواره علیه فراماسونها سخن‌می‌گفت .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

[illegible]	جعفر	مولوی
مونه	ژانت	سعدی
موحد	دکتر افضل	تهران
موسوی	مهندس کمال الدین	تهران
موسوی	سیدمحمدعلی	همایون
موسوی	علی اکبر	تهران
موسوی	نیرالدین	تهران
موسوی	اسحق	همایون
موسوی ماکوئی	سیداسدالله	تهران
موسوی ماکوئی	میراسدالله	کورش
موسوی غروی	دکتر ابراهیم	—
موسوی غروی	علی اکبر	سعدی
موسوی گرکانی	دکترمحمدحسین	ژاندارک
موقر	علی	همایون
مولر	بورز	آفتاب
مویدکاشانی	جمال الدین	تهران
مهران	دکترمحمود	همایون
مهران	احمد	همایون
مهدوی	مهندس مسعود	ژاندارک
مهدوی	دکتر یحیی ★	کورش
مهین	دکتر علی محمد	همایون
میرجلالی	سرلشکر	مولوی
میرحسینی	دکتراحمد	همایون

★ آقای دکتر یحیی مهدوی استاد دانشگاه تهران ، تنها کسی بودند که پس از انتشار این کتاب در ایران ، درطی شرحی در روزنامهٔ کیهان عضویت خود را در فراماسونری تکذیب کردند .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

	میرعبدالباقی	مهندس‌عبدالرسول	تهران-لایت
	میرمهدی	سیدحسین	-
	میرهادی	سیدمحمد	سعدی-کسرا
	میرزاحسابی	ابراهیم	سعدی
	میرزا حسابی	دکترمهدی	تهران
	میشا	روبرت	مولوی (افتخاری)
۸۰۰	میشائیل	داود	مولوی
	میلز	و-د	فرانس-ابن‌سینا(افتخاری)
	میکده	فریدون	آفتاب
	میکده	دکترغلامعلی	آفتاب

ن :

نادری	احمد	حافظ
ناصر	اسمعیل	-
ناصر	علی‌اصغر	فرانس
ناصری	ناصرالدین	فرانس
نافریون	خسرو	تهران
نامدار	دکترمصطفی	خیام-سحر
نبوی	عزیز	مزدا
نبوی	مهدی	آفتاب
نجات	مهندس‌امیر	تهران
نجات	عبدالحمید	تهران-آریا
نجفی	حسین	تهران
نجفی	دکترغلامرضا	کورش

---

۱ - دریکی از جلسات ازفروغی که جواد منصور - هویدا ودیگر یاران حسنعلی‌منصور حضورداشتند ، تقاضای عضویت آنمرحوم مطرح شد ولی چون دونفر از حضار بامهره کبود با عضویت اومخالفت کردند، مورد قبول واقع نشد. مرحوم منصور پس‌از انحلال لژهمایون همواره علیه فراماسونها سخن‌می‌گفت .

نجفی	نصرالله	تهران
نجفی‌عرب	سیف‌الله	مهر
نجم‌آبادی	دکتر محمود	همایون
نخجوانی	دکتر عباس	همایون
نخستین	دکتر عدل	لایت
نشاط	محمدعلی	تهران
نصر	سیدعلی	تهران ـ سعدی
نظام	احمد	مزدا
نعمت‌بخش	ـ	کوروش
نقوی	دکتر ابراهیم	فرانس
نقیب‌زاده مشایخ	محمدعلی	تهران
نمدچی	داریوش	همایون
نوا	دکتر پرویز	فرانس
نواب	دکتر عبدالباقی	اصفهان
نواب‌ترکی	علی	ـ
نوری	دکتر محمدحسن	تهران
نوری خواجوی	نصیرالدین	فرانس
نهاوندی	دکتر هوشنگ	فرانس
نیساری	سلیم	همایون
نیساری	عباسقلی	همایون
نیامیر	کاظم	مهر
نیک‌پور	عبدالحسین	لایت
نیکذات	دکتر بهروز	ـ
نیکلاس	آلکس	ـ

نیری	حسن	تهران
نیری	حمید	تهران

و :

وارسته	عباس	وفا
والا	مهندس عبداله	کورش
والا	عزت‌اله	ژاندارک
والا	دکتر فتح‌اله	کورش
واعظ‌پور	اسمعیل	تهران
وان‌هگ	ارنست	مولوی-ابن‌سینا(افتخاری)
وان‌آلست	ادیه	ابن‌سینا- سعدی
وانشافت	اسکار	آفتاب
وایت	اف-اچ-ار	ابن‌سینا
وثوق	علی	وفا
وحیدنیا	دکترسیف‌اله	تهران
وحیدی	دکترایرج	خیام
ورهرامیان	هرمزدیار	کورش
ورزی	مرتضی	تهران
ورزیده	حبیب‌اله	مهر
ویشکائی	-	مولوی
ویلسن	کت	ابن‌سینا
ویودل	شارل	مولوی-سعدی(افتخاری)

ه :

هادی	مهندس‌محمد	فارابی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

هال	ب	لایت
هالودی	ام-اف	ابن‌سینا
هاشمی حائری	سیدعلی	-
هاشمیان	دکترحسن	کورش
هاکوپیان	زاون	مهر
هدایت	دکترحبیب‌اله	کورش
هدایت	مهندس‌خسرو	ناهید
هدایت	علیقلی	سعدی
هدایت	مسعود	مزدا-کسرا
هدایتی	دکترجواد	-
هدایتی	محمدعلی	مهر
هارکراوز	ر	ابن‌سینا (افتخاری)
هروی	علیرضا	کورش
هرن	جی	ابن‌سینا
هس‌پا	کرت	آفتاب
همایونفر	مهندس‌ابراهیم	کورش
همایونفر	دکترعلی‌اصغر	صفا
همایونفر	محمد	مهر
همایون‌فرخ	رکن‌الدین	تهران
همبرت	ای - جی - ال	مولوی - کسرا (افتخاری)
هنجنی	محمدعلی	تهران
هنجنی	دکتر نصرالله	تهران - مولوی - سعدی
هوانسیان	مهندس ژرژ	-
هولووای	ام - اف	ابن‌سینا (افتخاری)

هومن	دکتر احمد	مولوی
هومن	دکترمحمود	مولوی
هویدا	-	فروغی
هویدا	ادیب	تهران
هویدا	دکتر جمیل	سعدی
هویدا	فرید	تهران
هیئت	دکترضیاءالدین	تهران

ی :

یارشاطر	دکتر احسان	مهر
یاسائی	حسن	همایون
یاورد	ر - ی	لایت
یاوری	حسینعلی	مولوی
یدیدی	دکتر حبیب‌الله	همایون
یزدانفر	محمد	کسرا
یزدی	حسن	تهران
یعقوب	اژن	همایون
یگانه	دکتر ناصر	خیام
یگانه حائری	دکتر هادی	تهران - کورش
یگانگی	اسفندیار	ابن‌سینا
یگانگی	پرویز	کسرا
یگانگی	جمشید	همایون
یوسفی	حاج‌علی	کسرا - همایون
یوسفی	مهدی	همایون

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فصل سی وسوم

مکاتبه با گراند لژهای جهان
و
قانون اساسی اسکاتلند

مکاتبه با گراند لژهای جهان

چنانکه در فصول و مجلدات مختلف کتاب حاضر ملاحظه شد، سازمانهای فراماسونری در ایران پیوندی مستقیم و ارتباطی مداوم با تشکیلات فراماسونری جهان، از جمله لژهای بزرگ انگلیسی و فرانسوی وامریکائی دارند. لذا بررسی فعالیتهای یك سازمان محلی، دریك کشور بخصوص بدون توجه به ریشه‌های خارجی و پیوندهای آن سازمان با لژهای جهانی، نمی‌تواند یك بررسی کامل وهمه‌جانبه باشد. بهمین جهت نگارنده پس از پایان کار تحقیق و مطالعه در ایران و استفاده از کلیهٔ مآخذ ومنابعی که دسترسی بهرکدام از آنها متضمن تلاش پی‌گیر وزحمات شبانه روزی فراوان بوده وهم‌چنین پس ازاستخراج مطالب مورد نیازاز رسالات، کتب و یادداشتهای چاپی وخطی درکتابخانه‌های ایران وجهان به‌بررسی دقیق ویادداشت مشاهدات ومعلومات خصوصی افراد، وبهره‌برداری ازپرونده‌های خصوصی و یادداشتهای شخصی فراماسونهائی که سالها در سازمانهای فراماسونری فعالیت داشته واینك زندگی را بدرودگفته‌اند، پرداختیم. بعد از خاتمه تحقیقات در داخل کشور، در صدد بر آمدیم از منابع و مآخذ تاریخی گراند لژهای فراماسونی جهان نیز از طریق مکاتبه و ارتباط مستقیم استفاده کنیم، تاکاربزرگی که توفیق انجام آن بدست آمده بوده، از همه نظر کامل وبدون نقص باشد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قبل از اتخاذ این تصمیم بارها بمسئولان لژهائی که در ایران کار می‌کنند مراجعه کرده و از آنها خواستیم که به‌منظور کمك به روشن شدن نکات تاریك از تاریخ کشورشان ، با نگارنده همکاری‌کرده و اطلاعات و معلومات تاریخی خود را در ایران ، برای راقم این سطور باز گویند . ولی آنها باین تقاضا پاسخ منفی دادند .

آنها به‌نگارنده تکلیف می‌کردند که عضویت یکی از لژهای فراماسونری را بپذیرم ، زیرا برای دست یافتن به‌مطالب مورد نیاز و اسرار محرمانه فراماسونری ، جز پذیرفتن عضویت لژها ، راه دیگری وجود ندارد ، و قبولی این پیشنهادات هم مورد قبول و هدف ما نبود .

پس از نومیدی از همکاری‌آنان ، به ناچار نامهٔ مشترکی برای پانزده‌گراند لژ اصلی فراماسونری که در انگلستان ، فرانسه ، بلژیك و آمریکا دایر بوده و سازمانهای وابسته به آنها ، همواره در ایران فعالیت مداوم دارند [۱] ، نوشته شد. بااین امیدکه پاسخ آنها بیش از پیش به مستند بودن مطالب کتاب و روشن شدن نکات تاریك تاریخ‌معاصر ایران، نگارنده رایاری‌کند. متن‌نامه ارسال شده بدین‌شرح بوده :

آقای محترم

چون مشغول مطالعه و نگارش تاریخی در بارهٔ « فراماسونری در ایران » هستم خواهشمندم جواباً به من اطلاع دهید :

۱ ـ درچه تاریخی اولین لژ شما در ایران تأسیس شده ؟

۲ ـ از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ چندنفر ایرانی عضو لژشما بوده‌اند ؟

۳ ـ آیا ممکن است‌اسامی‌اعضای‌برجسته ماسونهای‌ایرانی را ازبدوفعالیت درایران ذکرکنید . ؟

---

۱ ـ نشانی محافل و مجامع فراماسونی با مشخصاتی که ذکر شده عیناً از سالنامه‌های عمومی مرکز جهانی فراماسونری استخراج شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

٤ ـ ممکن است مرا راهنمائی کنید که در بارهٔ چگونگی فعالیت‌های فراماسونری درایران چه‌کتابهای قدیم و جدیدی را مطالعه‌کنم ؟

جوابهای رسیده از انگلستان

گراند لژ اسکاتلند در تاریخ ۱۰ اکست ۱۹٦۰ جوابی به‌نامه فوق داد[1] ودبیراعظم‌لژاسکاتلند طی این پاسخ‌نوشت: « از وصول نامه شما با تشکر واقف شدم . من با نماینده خودمان درایران تماس‌گرفتم وبه‌آنها اطلاع دادم‌وخواهش کردم که به‌سئوالات شما پاسخ گویند و به شما کمك و راهنمائی‌کنند » .

چهل و یك روز پس از وصول این نامه، چون هیچگونه تماسی‌بانگارنده برقرار نشد وازطرف‌فراماسنهای ایرانی‌نامه ویادداشتی‌نرسید، درتاریخ۱۱اکتبر ۱۹٦۰ نامه دیگری به دبیر اعظم گراند لژ اسکاتلند به این شرح نوشته شد :

آقای عزیز ومحترم

نامه مورخ ۳۰ اکست ۱۹٦۰ شما رسید ، متأسفانه تا امروز هیچیك از نمایندگان شما به نگارنده مراجعه نکردند و تصورهم نمی کنم که هیچگاه چنین مراجعه‌ای بشود. زیراسوابق فراماسونری‌درایران نشان داده‌است‌که‌ایرانیانی‌که عضویت این مؤسسه بظاهر اخلاقی و تعاونی جهانی را در ایران دارند ، از این مؤسسه بهره‌برداری سیاسی می‌کنند .

فراماسونهای ایرانی برای اینکه همیشه مقامات عالی مملکتی را در دست داشته باشند،این مؤسسه اخلاقی را بصورت وشکل دیگری‌بمردم معرفی‌کرده‌اند. با وجودی‌که بارها درمطبوعات ،کتب وپارلمان ایران چندین باربشدت‌به‌تشکیلات فراماسونری حملات زننده و غیر مؤدبانه صورت گرفته است ، با اینحال حتی قدیمی‌ترین فراماسون ایرانی‌هم دفاعی در مقابل این حملات نکرده و نمی‌کنند. زیرا می‌ترسند به‌حیثیت سیاسی واجتماعی آنها لطمه وارد شود ! !

۱ـ نامه ۳۰ اکست ۱۹٦۰ ـ رجوع شود به صفحه٦۸٦همین کتاب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

من در نوشتن تاریخی که از سال‌ها قبل تهیه و تدوین آن را شروع کرده‌ام و یقیناً آن را به پایان می‌رسانم تا آنجا که توانسته‌ام سعی‌کرده‌ام فقط «حقایق تاریخی» را ذکر کنم و از شما خواهش دارم بدون مراجعه به ایران مرا در راه مطالعه فقط «تاریخ فراماسونی در ایران» نه «در دنیا» راهنمائی کنید و منابع و مآخذی راکه سوابق تاریخی از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ را در ایران روشن می‌کند، در اختیارم بگذارید. قبلا از مرحمتی که می‌نمائید تشکر می‌کنم.»

گراند لژ اسکاتلند پس از چندی نامه‌ای راکه در فصل ۲۶ صفحه ۱۸۳ نقل شد، در پاسخ نگارنده ارسال داشت. این نامه مرا از ادامه مکاتبه با لژهای انگلیسی مأیوس کرد. درعوض از میان یازده نامه‌ای که به گراند لژهای امریکائی نوشته شده بود، پنج سازمان فراماسونری امریکاکه خودمختار و مستقل هستند و عبودیت و سروری و برتری لژهای انگلستان را قبول ندارند، جوابهائی همراه با فتوکپی صفحاتی از کتب چاپ شده و با معرفی کتبی‌که در آنها دربارهٔ ایران مطالبی نوشته شده است، برای نگارنده فرستادند. ضمناً در سفر سال ۱۳۴۰ به لندن با معرفی و وساطت (دانشگاه لندن ـ قسمت شرق شناسی) از دبیر گراند لژ انگلند تقاضا کردم اجازه مطالعه کتب کتابخانه سیصدساله خود را به نگارنده بدهند. ولی به موجب نامهٔ مورخ ۱۴ اپریل ۱۹۶۱، آنان نیز چنین اجازه‌ای را ندادند. عین نامه گراند لژ که گراور شده همراه باسایر نامه‌ها، از نظر خوانندگان می‌گذرد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ضمائم

۱ـ مکاتبه بالژهای انگلیسی و امریکائی
۲ ـ قانون اساسی ، آئین‌نامه و نظامنامه لژهای اسکاتلند در ایران
۳ ـ مآخذ و منابع فراماسونری در کتب ، جراید و مجلات زبان‌فارسی

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

"Telegraphic Address
MASONICA, EDINBURGH"

FREEMASONS' HALL
96 GEORGE STREET
EDINBURGH

Ra/1/3

30th August 1960

Ismail Raein, Esq.,
Ave. Eshrat-abad,
Kutchen,
Shaftei No. 11,
Tehran,
Iran.

Dear Sir,

I acknowledge with thanks your letter. I am getting in touch with our Representative in Iran and am asking him to reply to you on my behalf.

Yours faithfully,

Alex. F. Buchan

Grand Secretary.

نامه سی‌ام اگست ۱۹۶۰ دبیر کل گراند لژ اسکاتلند.

دراین نامه دبیر کل لژ، بما اطلاع داده که، «درآتیه نزدیکی نماینده ما بشما مراجعه می‌کند، ومن ازاو خواسته‌ام که بشما دراین راه کمک کند.»

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد



United Grand Lodge of England.
Freemasons' Hall,
Gt. Queen Street, London, W.C.2

A.G.S.

11th April, 1961

Dear Sir,

I have received your letter of the 11th April but, as you will appreciate, this is not a public building, and entrance to it is normally limited to members of our Order and to those who may be accompanying them.

In the circumstances I am afraid it will not be possible to accede to your request.

Yours faithfully,

Grand Secretary

نامه ۱۴ اپریل ۱۹۶۱ دبیر کل گراند لژانگلند

دریازدهم آپریل ۱۹۶۱ باراهنمائی قسمت شرق شناسی دانشگاه‌لندن ، از قدیمی‌ترین سازمان فراماسونری انگلستان تقاضا شد که اجازه مطالعه‌کتابخانه سوصدساله را به ما بدهند . ولی دبیر کل سازمان مذکور روز ۱۴ آپریل جواب داد که کتابخانه آنها عمومی نیست و فقط اعضاء فراماسون حق استفاده ازآن را دارند .

GRAND LODGE
FREE AND ACCEPTED MASONS
OF THE
STATE OF NEW YORK

71 WEST 23 STREET
NEW YORK 10, N. Y.

August 18, 1960

Mr. Esmail Arein
Eshratabad
Kooye Shafei, House 9
Tehran, Iran

Dear Sir:

At the request of the New York Public Library, we are sending a short list of current books on Freemasonry throughout the world. We have not been able to find one on Iran alone. This is in answer to your inquiry dated 31 July 1960.

Sincerely yours,

نامه ۱۸ اگست ۱۹۶۰ سازمان فراماسونری نیویورك

درپاسخ نامه ۳۱ جولای شما، بدینوسیله لیست کوتاهی از کتبی که درباره فراماسونری جهانی، ازجمله ایران مطالبی نوشته شده برای شما می‌فرستیم. متأسفیم که نتوانستیم درباره ایران کتاب بخصوصی پیدا کنیم .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

The Supreme Council

MOTHER COUNCIL OF THE WORLD OF THE THIRTY THIRD AND LAST DEGREE



ANCIENT AND ACCEPTED SCOTTISH RITE OF FREEMASONRY, SOUTHERN JURISDICTION, U. S. A

AIR MAIL

October 17, 1960

Ismail Raein,
Ave. Wahrat-Abad,
Kutcheh Shafiei No. 11,
Tehran, Iran.

Dear Mr. Raein:

We have your letter of October 13th asking for information about Freemasons' Lodge in Iran; how many Iranians were members of the Freemasons' Lodge between 1890 and 1924; and if it is possible to mention the names of prominent Iranian Freemasons, and last the names and titles of books in which Iranian Freemasonry is mentioned.

Replying to these questions, will state that we do not have very much information concerning Freemasonry in Persia. However, we are attaching what information we have and we trust it will be beneficial to you.

Sincerely yours,

CFY:GB

نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰ شورای طریقت ماسونی امریکا

دبیر بزرگ شورای طریقت ماسونی امریکا درجواب نامه ۱۳ اکتبر بما می‌نویسد. متأسفانه جواب ما اینست که اطلاعات ما درباره فراماسونری درایران زیاد نیست. بهرحال با ارسال اطلاعات مختصری که موجود است، اطمینان کامل داریم که این اطلاعات برای شما سودمند خواهد بود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION
OF THE UNITED STATES
700 TENTH STREET, N.W.
[illegible]

John D. Cunningham
[illegible]

Oct. 17, 1960

Conrad Hahn
Editor
William C. [illegible]
[illegible]

Mr. Ismail Raein
Ave. [illegible]
Kutcheh Shafiei No. 11
Tehran, Iran

Dear Mr. Raein:

Thank you for your letter of October 12. It raises some very interesting speculations concerning the spread of Freemasonry, but unfortunately we are in no position to give you any [illegible].

[illegible] Freemasonry in Iran is [illegible] in six volumes. In volume four, page [illegible], there is a paragraph concerning Freemasonry in Persia which states, 'No lodges, however, were established in Persia at any time by the Grand Lodge of England, nor -- so far as the evidence extends -- by any other external authority.'

It may be that some Masonic lodges were established in Iran since that book was written, but we have no knowledge of that fact. Perhaps the Grand Secretary of the United Grand Lodge of England, Mr. J. W. Stubbs, Freemasons Hall, London, England, might be able to help you secure that information.

Sincerely yours,

Conrad Hahn

CONRAD HAHN
Editor

نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰

کنراد هاهن مدیر اتحادیه خدمات ماسونی
در جواب نامه ما می‌نویسد ، ضمن تشکر از ارسال نامه ۱۲ اکتبر شما واطلاعات جالبی که از ما خواسته بودید ، متأسفانه مادر وضعی هستیم که نمی‌توانیم به‌سئوالات شما پاسخ بدهیم . فقط صفحه ۴۹۴ جلد ششم تاریخ گاولد را که در باره فراماسونری در ایران شرحی نوشته‌است برای شما می‌فرستیم ممکن‌است بعضی ازلژهای فراماسونری دراین‌ایام درایران‌دایرشده‌باشد. شاید J. W. stubbs کمک دبیر بزرگ اتحادیه‌بزرگ فراماسون انگلستان بتواند به اطلاعات موردنیاز شما کمک کند.

The Supreme Council

Boston, Massachusetts

November 1, [illegible]

Mr. Ismail Raein
Ave. Eshrat-Abad,
Kutcheh Shafiee No. 11,
Tehran, Iran

Dear Sir:

Your letter addressed to the late F. Elmer Raechig, who was my predecessor as the Grand Secretary General, has been received at this office. The transactions of this office embrace [illegible] matters pertaining to the Supreme Council and not to Grand Lodges. The register which I refer to states that the Grand Lodges of Tehran, Iran, are under the Grand Lodge of Scotland. I suggest that you write to the Grand Secretary at [illegible] George Street, Edinburgh 2, Scotland, for your information.

Very truly yours,

Frank S. Merrill
Grand Secretary General

نامه اول نوامبر ۱۹۶۰

شورای طریقت فراماسونی وابسته به‌اسکاتلند
فرانکمریل‌دبیر بزرگ‌سازمان ماسونی‌مذکور که‌نامه‌مارا به‌عنوان‌دبیر کل‌سابق دریافت داشته بود ، در جواب می‌نویسد : « به دبیر کل گراند لژ اسکاتلند در ادنبورگ مراجعه کنید »

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION
OF THE UNITED STATES
[illegible] TENTH STREET, N.W.
WASHINGTON [illegible] D.C.

[illegible]

[illegible]

Mr. [illegible]
[illegible] Shafee
[illegible]
[illegible], Iran

Dear Mr. [illegible]:

In response to your letter of [illegible], I am happy to enclose two [illegible] pages from [illegible] FREEMASONRY [illegible]. However, I find that we gave you the wrong page number in the letter I wrote to you earlier [illegible], for the pages were [illegible], rather than [illegible].

With this correction, I hope you will find the enclosed paragraph on "[illegible]" [illegible] Freemasonry in Iran [illegible] printed, so far as [illegible] have been brought to [illegible] attention.

With all good wishes,

Sincerely yours,

Conrad Hahn
[illegible]
Editor

[illegible]

نامه دیگری از طرف کنرادهاهن مدیر اتحادیه خدمات ماسونی

درباره آنچه را که دگاولند« انگلیسی تحت نام (پرشها) درباره فراماسونری ایران نوشته است.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اساسنامه و قوانین

لژ اعظم بنایان آزاد و پذیرفته شده اسکاتلند



مصوب سال ۱۹۵۸ میلادی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ضمیمه دوم

«اساسنامه و قوائین»

ماده ۱ ـ لژ اعظم بنایان آزاد قدیمی و پذیرفته شده اسکاتلند ترکیب می‌یابد از صاحبمنصبان اعظم (به استثنای نگهبان خارجی اعظم) وکلیهٔ استادان اعظم حائز شرایط و استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای پیشین واستادان اعظمی‌که نمایندگان نواحی باشند به علاوه استادارجمند و سرپرستان هرلژ که بطور منظم تابع لژ اعظم باشند یا نمایندگان استادارجمند وسرپرستان لژهای تابعه .

ماده ۲ ـ هرعضو لژاعظم باید برادری باشد متصف به صفات تصریح‌شده در ماده۲۷۷ وفقدان هریك از صفات لازم یا عدم پرداخت حق عضویت سالیانه(تاسی ویکم‌ژانویه سال بعد) یا عدم‌پرداخت مقرریهای‌مخصوص و افتخاری‌که‌درفهرست شمارهٔ یك قانون مندرج است مانع عضویت درلژاعظم خواهد بود .

ماده ۳ ـ افسران در لژعبارتند ازاستاد اعظم ـ استاد اعظم قبلی ـ قائم‌مقام استاد اعظم ـ معاون‌استاداعظم ـ سرپرست اعظم اول ـ سرپرست اعظم دوم ـ دبیر اعظم ـ خزانه‌دار اعظم ـ امین اعظم وجوه خیریه ـ خطیب اعظم اول ـ خطیب اعظم دوم ـ راهنمای اعظم اول ـ راهنمای اعظم دوم ـ مدیر اعظم تشریفات ـ کتابداراعظم ـ معماراعظم ـ زیورداراعظم ـ حامل‌اعظم‌کتاب ـ شاعراعظم ـ شمشیردار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اعظم ـ مدیر اعظم موسیقی ـ معاون رئیس تشریفات اعظم ـ معاون دبیر اعظم ارک نواز اعظم ـ نی نواز اعظم ـ مدیر اعظم انتظامات ـ بیرق‌دار اعظم اول بیرق‌دار اعظم دوم ـ نگهبان اعظم داخلی ـ رئیس مباشرین عظام ـ نگهبان اعظ خارجی .

ماده ٤ ـ لقب و عنوان استاد ارجمند اعظم و استاد بنای اعظم متعلق ا فقط به استاد اعظم لژ اعظم .

ماده ٥ ـ عنوان (حضرت ارجمند) اطلاق می‌شود به تمام استادان اعظم پیشی و قائم مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم و سرپرستان اعظم و دبیر اعظم و خزانه‌د اعظم و امین اعظم وجوه خیریه عنوان (بسیار ارجمند) اطلاق می‌شود به خطبا اعظم و راهنمایان اعظم و مدیر اعظم تشریفات ـ کتابدار اعظم ـ معمار اعظم ـ زیو دار اعظم و حامل کتاب و عنوان (ارجمند) اطلاق می‌شود بـه شاعر اعظم ـ شمشی دار اعظم ـ مدیر اعظم موسیقی ـ معاون رئیس تشریفات اعظم ـ معاون دبیر اعظ ارک نواز اعظم ـ نی نواز اعظم ـ مدیر اعظم انتظامات ـ بیرق‌دار اعظم اول ـ بیرق‌دا اعظم دوم ـ نگهبان اعظم داخلی و رئیس مباشرین عظام .

ماده ٦ ـ افسران اعظم به‌غیر از چهار نفری که بعداً ذکر خواهد شد سالیا انتخاب می‌شوند قائم‌مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم همه ساله به توسط شخص وی در روز تنصیب افسران برگزیده می‌شوند . انتخاب دبیر اعظم و معاون دبی اعظم سالیانه انجام نمی‌گیرد ولی مدت تصدی آنها همه ساله قابل خاتمه یافتن است مشروط بر اینکه تصمیم لژ اعظم در این باره سه ماه قبل باطلاع آنها رسیده باشد

ماده ٧ ـ در آخرین جلسه از جلسات فصلی لژ اعظم کـه بلافاصله قبل ا روز سینت اندرو تشکیل می‌شود نامزد کردن و انتخاب افسران اعظم برای سال بع جز درمواردی که تکلیف آن طبق مواد دیگر بنحو دیگری تعیین شده است بعم خواهد آمد . تمام جلسات ارتباطیه نامیده می‌شود .

ماده ٨ ـ انتخاب غیابی برادری بـرای اشغال منصبی در لـژ اعظم شایسته

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نخواهد بود مگر با رضایت قبلی او وضمانت یکی دیگر از برادران .

ماده ۹ ـ دادن رأی جهت انتخاب افسران اعظم به وسیله بلند کردن دست صورت می‌گیرد وقتی برای اشغال منصبی بیش‌از یك نفر نامزدباشد، اخذ رأی جدا جدانسبت بهر نامزد صورت‌می‌گیرد و دارنده‌رأی‌بیشتر انتخاب شده اعلام‌می‌گردد. اگر بیش از یك منصب دارای کاندیدهای متعدد باشد برای هر منصب با رعایت اولویت بترتیب فوق‌علیحده‌رأی‌گرفته‌خواهد شد وهنگامی‌برای‌منصب بعدی اخذ رأی به عمل می‌آیدکه اخذرأی برای منصب قبلی خاتمه یافته و نتیجه اعلام شده باشد .

ماده ۱۰ـ برادرانی‌که در هرسال به عنوان افسران اعظم انتخاب یامنصوب می‌شوند در روز سینت‌اندرو (سی‌ام نوامبر) قبل از انجام مراسم عید سینت‌اندرو تنصیب‌می‌گردند درصورتیکه عید سینت‌اندرو باشنبه یا یکشنبه تصادف‌کند تنصیب و مراسم عید در روز جمعه قبل برگزار خواهد شد .

افسری که نتواند در آن روز شرکت کند در اولین جلسه ارتباطیه بعد که در آن حضور یابد تنصیب خواهد شد .

ماده۱۱ـ افسران‌اعظم انتخابی (باستثنای استاد اعظم ـ دبیراعظم ـ خزانه دار اعظم‌ـ امین اعظم وجوه خیریه ـمدیر اعظم تشریفات ـکتابدار اعظم ـمعاون دبیر اعظم ـ ارگ‌نواز اعظم ـ نی‌نواز اعظم و نگهبان اعظم خارجی) نمی‌توانند بیش از دو سال بطور متوالی در یك منصب باقی بمانند .

ماده ۱۲ ـ در صورت فوت ـ استعفا یا سلب صلاحیت هر یك از افسران اعظم انتخابی لژ اعظم در اولین جلسه ارتباطیه بعدی یا در جلسه ارتباطیه‌ای که بـه موجب اخطار قبلی تشکیل شده باشد می‌تواند بـرادر شایسته‌ای را بجای او انتخاب نماید .

ماده ۱۳ ـ هر یك از افسران اعظم پیشین و افسران اعظم پیشین ایالتی و ناحیه‌ای و اعضاء کمیته اعظم و مباشر اعظم در صورت پرداخت مقرری مندرج در

بند ۱۳ از قسمت اول از فهرست اول محق خواهد بود که گواهی نامه‌ای از دبیر اعظم دریافت دارد مشعر براینکه شاغل آن منصب یا سمت بوده است.

ماده۱۴ـ استادبنای اعظم‌عضوقهری هرلژتابع‌وهرلژاعظم ایالتی‌یاناحیه‌ای می‌باشد ولی باین عنوان ملزم به هیچ نوع پرداخت یا مشارکت مالی در لژهای فوق‌الذکر نخواهدبود.

ماده ۱۵ ـ دبیر اعظم مسئول و مدیر امور لژ اعظم بوده و نسبت به کلیه کارمندان لژ اعظم سمت ریاست و مدیریت دارد و مکاتبات و مراسلات به‌عنوان‌او ارسال و ارتباطات با او برقرار می‌گردد. دفاترـ اسناد ـ مهر وتمام دارائی منقول لژ اعظم زیر کلید دبیر اعظم است که باید در تمام جلسات ارتباطیه لژ اعظم و جلسات کمیته اعظم شرکت داشته ـ صورت جلسات را تهیه ـ دفتر ثبت‌نام اعضاء رانگاهداری ـ اسامی اعضاء تازه وارد و ملحقه و اعضاء مؤسس‌رادر دفاتر مربوطه ثبت ودفتر ثبت‌نام استادان تنصیب شده‌واستادان مارك‌را نگاهداری وتمام فرامین‌ـ مأموریتها ودیپلمها وغیره‌راکـه ازطرف لژاعظم صادرمی‌شود تهیه و توزیع نماید و هرسه ماه به سه ماه یك نسخه چاپی از صورت جلسات لژ اعظم ـ کمیته اعظم و کمیته خیریه و صورت جلسه هیئت مقرریهای سالیانه را که توأم با گزارش مبالغ دریافتی‌لژ اعظم در ظرف‌سه ماه‌گذشته باشد به صورت قابل‌تقدیم به‌جلسه‌ارتباطیه بعدی تهیه و برای هریك ازلژهای تابعه و دبیران اعظم ایالتی و ناحیه‌ای وبرای هریك‌از اعضاءلژ اعظم ارسال‌دارد وهمچنین همه ساله خلاصه‌ای از صورت‌حساب لژ اعظم را که به گواهی ممیز حساب‌کل رسیده باشد برای هریك ازآنها خواهد فرستاد ونیز رونوشت‌خلاصه مذاکرات لژ اعظم‌را برای دبیران اعظم لژهای‌اعظم شناخته شده ارسال می‌دارد و همچنین برای هربنای آزادی که تقاضاکند و مبلغ تعیین شده در بند ۱۸ از قسمت اول فهرست یکم را سالیانه و قبلا پرداخت‌نموده باشد ارسال خواهد داشت.

دبیر اعظم افسران و اعضاء لژ اعظم را برای مشارکت در جلسات ارتباطیه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

به وسیله بخشنامه که حاوی دستور کار جلسه باشد دعوت می‌کند و همچنین کمیته اعظم را به وسیله بخشنامه‌ای دعوت می‌نماید و موضوع کارهای آن را تا آنجا که به نظر او لازم آید در بخشنامه ذکر خواهد نمود.

دبیر اعظم دبیر قهری تمام کمیته‌ها بوده باید به این سمت به تشکیل آنها اقدام نماید و باید ترتیبی بدهد که دیپلمها ـ فرامین ـ برگهای الحاق ـ کتابهای قوانین وقانون اساسی وامثال اینگونه اموال ثبت وحساب سالیانه آنها ترازگردد.

دبیر اعظم همچنین باید تمام دستور های لژ اعظم و کمیته اعظم را ابلاغ و اعلام نماید.

دبیر اعظم باید حساب کلیه وجوه مربوط به لژ اعظم را که بسه وسیله او دریافت و پرداخت شده است صحیحاً وطبق فورمولهای مصوب کمیته اعظم منظماً نگاهداری نماید.

دبیر اعظم مراقبت خواهد نمود که کلیه وجوه قابل پرداخت بسه لژ اعظم اسکاتلند عیناً در دفتر مربوط به وجوه واصله ثبت‌گردد و قبوض رسید یا اعلامیه های وصول مربوطه را بدون تأخیر برای اشخاص یا لژهائیکه وجوه مزبور را پرداخت‌کرده‌اند ارسال خواهد داشت. رسیدهای وجوهی‌که از طرف تازه‌واردین یاملحق شدگان و یاکسانیکه استاد مارك می‌شوند و یا اعضاء مؤسس لژهاراتشکیل می‌دهند وبه لژ اعظم واصل می‌گردد باید بنام همان اشخاص کـه وجوه از طرف آنها و یا به نام آنها پرداخت شده است صادر گردد. دبیر اعظم هرگز نباید بیش از پنجاه پوند از وجوه لژ اعظم را در نزد خود نگاهدارد و هر وجهی که علاوه براین مبلغ باشد باید بحساب مخصوص به آن وجه در حسابهای بانکی لژ اعظم واریزگردد هیچ صورت حسابی نباید از طرف دبیر اعظم پرداخت گردد مگر به وسیله چك و آن هم در صورتیکه قبلا به تصویب‌کمیته امور مالی رسیده باشد.در آخر هر سال مالی (آخرین پنجشنبه ماه نوامبر) دبیر اعظم باید صورت کاملی‌از حسابها را تهیه و توأم با دفاتر واسناد خرج مربوطه تسلیم ممیز حساب‌کل بنماید

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دبیر اعظم باید صورت کلیه قسمت‌ها و آپارتمانها و مغازه‌های متعلق و وابسته به کاخهای لژ اعظم را که به اجاره واگذار شده و یا قابل انتفاع باشد و همچنین درآمد آنها را به تفکیك در دفتر مخصوص ثبت و نگاهداری نماید .

ماده ۱۶ ـ دبیر اعظم باید تمام وقت خود را بـه مصرف انجام وظائف باین شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر و کمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یکهزار لیره بیمه می‌شود . و حق ایـن بیمه از وجوه لژ اعظم پرداخت می‌گردد وحقوق او بهر میزانی که از طرف لـژ اعظم هر چند مدت یکبار تعیین می‌شود باید پرداخت‌گردد و هر کمك اضافی دیگری‌که از طرف دبیر اعظم‌تقاضا و به تصویب کمیته اعظم برسد از وجوه لژ اعظم باید پرداخت شود .

در غیاب دبیر اعظم وظائف او را معاون دبیر اعظم انجام خواهد داد .

ماده ۱۷ ـ معاون دبیر اعظم در غیاب او نمایندگی او را خـواهـد داشت و همچنین مجاز است در غیاب دبیر اعظم کاملا در مقابل دبیر اعظم مسئول بوده و تابع او خواهد بود .

ماده ۱۸ ـ دبیر اعظم‌کلیه وجوه‌مربوط‌به صندوق خیریه لژاعظم رادریافت و پرداخت خواهد نمود و حساب آنرا نگاه خواهد داشت.

به منظور تأمین هزینه صندوق های لژ اعظم مبلغی معادل‌ده درصد ازجمع در آمد سالیانه هر یك از صندوق‌های زیر :

صندوق‌خیریه‌ به ماسونی اسکاتلند. صندوق عمومی مقرریهای سالیانه.صندوق مقرریهای سالیانه ایتام ـ صندوق کمکهای اتفاقی و همچنین ده در صد از مازاد عوایداموال غیر منقول داده خواهدشد مبالغی‌که از درآمد اماکن ماسنی‌اسکاتلند برای‌اداره اموربابد تخصیص داده شود ارقام متناسبی خواهد بود که هرچند وقت یکبار از طرف کمیته اعظم برای این منظور تعیین می‌گردد و مبالغی کـه از این محل تخصیص داده می‌شود در آخرین روز سال مالی بـه حساب بستانکار صندوق عمومی واریز خواهد شد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ماده ۱۹ ـ معاون دبیر اعظم باید تمام وقت خود را به مصرف انجام وظائف مربوطه به این شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر وکمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یکهزار لیره بیمه می‌شود و حق بیمه آن از وجوه لژ اعظم پرداخت وهمچنین حقوق او بهرمیزانی که از طرف لژ اعظم هرچند وقت یك بار تعیین می‌شود پرداخت می‌گردد .

ماده۲۰ـ درمواردیکه‌حضوردبیراعظم وکتابداراعظم برای‌انجام‌مأموریتهای لژاعظم ضروری باشد هزینه های مربوطه از طرف لژ اعظم پرداخت می‌گردد .

ماده ۲۱ ـ امین اعظم وجوه خیریه باید منافع صندوق خیریه و صندوق مقرریهای سالیانه لژ اعظم راحفظ نماید ومراقبت‌کندکه لژهای‌تابع تعهدات‌خود را نسبت باین صندوقها ایفاء نمایند وتوجه‌کمیته اعظم را نسبت‌بهرلژی‌که تخلف کند جلب نماید وبا تصویب‌کمیته اعظم در مواقعی‌که وضعیت این صندوقها ایجاب نماید مساعدت لژها وبرادران رانسبت به‌آنها خواستار شود .

ماده ۲۲ ـ خطبای اعظم در جلسات ارتباطیه حاضر خواهند شد و در آنجا دعا های مخصوص را به تناسب موقعیت برطبق رسوم باستانی بنائی آزاد خواهند خواند .

ماده۲۳ ـ مدیراعظم تشریفات منحصراً مسئول است‌که افسران وسایراعضاء لژ اعظم رابرحسب اقدمیت مرتب نماید و جزئیات امور تشریفاتی لژ اعظم را در هرعمارتی‌که جلسات آن تشکیل گردد سرپرستی نماید .

ماده ۲۳ ـ الف ـ کتابدار اعظم باید محتویات موزه و کتابخانه لژ اعظم را تحت مراقبت قرار داده توجه‌کندکه در فهرستها ثبت شده بنحومطلوب مرتب و درشرایط خوب منظماً نگاهداری وهرچند مدت یکبار کنترل گردد . کتابداراعظم بایدمنافع موزه وکتابخانه را حفظ نموده وبخششهائی‌که برای‌آنها می‌شود تصدیق نماید ونیزسایر وظایفی راکه مربوط بشغل او بوده وهرچند مدت یکبار ازطرف کمیته اعظم (یاکمیته موزه وکتابخانه تعیین‌می‌گردد بایدانجام دهد وهرنوع‌کمکی

که احتیاج پیداکند وبتصویب کمیته اعظم برسد ازطرف لژاعظم پرداخت خواهد شد . کتابداراعظم درمقابل خدمات خود می‌تواند حقوق یاحق الزحمه به‌میزانی که هرچند مدت یکبار ازطرف لژاعظم تعیین می‌شود دریافت دارد .

ماده ۲۴ـ مدیراعظم انتظامات حرکت دسته جمعی لژاعظم‌را درخارج ازمحل آن ترتیب داده وسرپرستی می‌نماید ولژهای تابع وسایرلژهائی که درمراسم مزبور شرکت نمایند تحت مدیریت مدیراعظم انتظامات خواهند بود .

ماده ۲۵ ـ نگهبان خارجی اعظم باید در تمام جلسات ارتباطیه شرکت کند و درترتیب دادن امور مربوطه کمک نماید ومراقبت کندکه فقط برادرانی پذیرفته شوندکه متصف به‌صفات لازم‌باشند. به نگهبان‌خارجی‌اعظم حقوقی پرداخت‌خواهد شدکه هرچند وقت یکبار ازطرف لژاعظم تعیین می‌گردد. او در لژاعظم حق‌دادن رأی نخواهد داشت .

ماده۲۶ ـ لژاعظم‌درجلسه ارتباطیه فصلی‌ماه نوامبرخودیکنفر ممیزحساب برای‌سال‌بعد تعیین خواهد نمود. شخصی‌که باین سمت‌تعیین می‌شود بایدحسابدار یا حسابرس حرفه‌ای بوده وعضو مرتب و حائزشرایط لژتابعی باشد. ممیز حساب مزبور سه‌ماه بسه‌ماه ودرآخر هرسال‌کلیه حسابهای صندوقهای لژ اعظم‌را مورد رسیدگی قرارداده وکتباً گزارش خواهدداد. همچنین‌درفواصل‌مواعد مزبورهرنوع گزارش واطلاعات دیگری‌مربوط به‌امورصندوقهای فوق‌الذکرکه ازطرف لژاعظم وکمیته های آن‌خواسته شودخواهد داد.

ممیز حساب درمقابل خدمات خودحق‌الزحمه‌ای‌که هرچند وقت یکبار از طرف لژاعظم تعیین می‌شود دریافت خواهد داشت . درصورتی‌که درضمن سال‌مالی پست ممیز حساب بهرعلتی‌که باشد خالی شود کمیته اعظم می‌تواند یکنفر شخص واجد شرایط رابه‌جانشینی او برای بقیه مدت‌سال تعیین نماید ولی‌این‌انتصاب‌باید دراولین جلسه ارتباطیه فصلی بعدی لژاعظم تأییدگردد .

ماده ۲۷ ـ لژاعظم هرسال درجلسه ارتباطیه فصلی خود حداکثر پنجاه نفر

از اعضاء خود را بعنوان مباشرین عظام تعیین می‌نماید. باین هیئت تحت مدیریت کمیته اعظم، اداره امورعید سینت اندرو وسایر جشنها محول خواهد شد.

مباشرین عظام درلباسهای مخصوص وباعصاهای سمت‌خودتمام حرکات‌دسته‌جمعی لژاعظم را بدرقه خواهد نمود و هربرادری‌که به سمت مباشر اعظم تعیین می‌شود قبل از اینکه سمت خود را احراز نماید باید مقرری افتخاری مخصوصی راکه در بند ۲۲ قسمت اول از فهرست اول مقررشده است بپردازد.

ماده ۲۸ ـ هیئت مباشرین عظام درظرف مدت هفت روز بعدازتعیین شدن، یکنفر را ازبین خود بسمت نایب رئیس هیئت فقط برای یکسال انتخاب خواهد کرد. نایب‌رئیس این‌هیئت قبل ازاینکه باین سمت شروع بکار نماید باید مقرری افتخاری‌که دربند ۲۲ ازقسمت اول از فهرست اول مذکور است پرداخت نماید.

ماده ۲۹ ـ لژاعظم در هرسال چهار جلسه ارتباطیه فصلی دراولین پنجشنبه هریک‌ازماههای فوریه‌ـ مه ـ اوت‌ونوامبرساعت سه بعدازظهر یادرساعت‌دیگری که لژاعظم یا کمیته اعظم بعداً تعیین نمایند خواهد داشت. حد نصاب لازم برای تشکیل این جلسات‌حضور بیست ویکنفرازاعضاء واجد شرایط خواهدبود وتاریخ تشکیل جلسات مزبورممکن‌است برای یک یاچند روز به‌تعویق‌انداخته‌شود. کارها درلژ اعظم در درجه سه انجام می‌شود.

ماده۳۰ـ تشکیل‌جلسه‌ارتباطیه مخصوص‌درهرموقع بنابدعوت‌استادبنای‌اعظم یادرغیاب اوبرحسب دعوت‌استاداعظم‌قبلی یاقائم‌مقام ویامعاون استاداعظم ویا بناءـ بدستورکمیته اعظم میسرخواهدبود همچنین بیست ویکنفراعضاءواجد شرایط‌لژ اعظم می‌توانند طی تقاضانامه‌ای‌که بامضاءآنها رسیده وموضوع بحث جلسه درآن صریحاًقید شده باشد دعوت جلسه ارتباطیه مخصوص راتقاضا نماید.

به‌وصول دستور یا تقاضای منظم جهت منظور فوق دبیر اعظم فوراً جلسه ارتباطیه رادعوت‌خواهد کردکه ظرف۱۴روز بعد ازتاریخ وصول‌دستوریاتقاضانامه تشکیل‌گردد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

در بخشنامه‌ای که به موجب آن جلسه ارتباطیه دعوت می‌شود باید موضوع بحث ذکر شود و کار دیگری در آن جلسه انجام نخواهد شد و جلسه ارتباطیه مخصوص نیز ممکن است برای یك یا چندروز به‌تعویق افتد.

ماده ۳۱ ـ همه ساله در موقع دریافت حق عضویت سالیانه اعضاء کارتهائی از طرف دبیر اعظم به آنها داده می‌شود که به موجب آن حق حضور در جلسات لژ اعظم را خواهند داشت و صاحب کارت باید آنرا در موقع ورود ارائه دهد. این کارتها قابل انتقال بغیر نبوده و تخلف از این امر تقلب و تزویر تلقی و مستلزم مجازات خواهدبود. فقط اعضاءِ لژ اعظم حق حضور به داخل کاخ را خواهندداشت.

ماده ۳۲ ـ اعضاء لژ اعظم که مقرری سالیانه خود را پرداخته‌اند چنانچه در ظرف همان سال استعفا داده یا عدم صلاحیت آنها محرز گردد بایدکارتهای ورودی خود را به دبیر اعظم مسترد دارند.

ماده ۳۳ ـ در غیاب استاد بنای اعظم جلسه لژ اعظم بریاست استاد اعظم قبلی ودر غیاب او به ترتیب حضور تحت ریاست یکی از اشخاص زیر تشکیل می‌گردد:

یکی از استادان اعظم پیشین ـ قائم مقام استاد اعظم ـ معاون استاد اعظم ـ قائم‌مقام پیشین استاداعظم ـ معاون پیشین استاداعظم ـ استاداعظم ایالتی یاناحیه‌ای سرپرست اعظم اول ـ سرپرست اعظم دوم ـ راهنمای اعظم دوم ـ ودرصورت غیبت کلیه اشخاص فوق یکی از افسران اعظم حاضر در جلسه برحسب اقدمیت.

ماده ۳۴ ـ مفهوم تائید صورت جلسه لژ اعظم این است که جریانات جلسه ارتباطیه قبل صحیحاً به ثبت رسیده است ـ هیچ امر یا مطلبی را که در جلسه ارتباطیه پیشین نسبت به آن اقدام شده است نمی‌توان در موقعی که صورتجلسه برای تائید مطرح می‌شود مورد بحث یا سئوال و پرسش قرار داد.

ماده ۳۵ ـ هر پیشنهاد باید کتبی بوده و به امضای دو نفر از اعضای واجد شرایط لژ اعظم که یکی پیشنهاد کننده در جلسه ارتباطیه لژ اعظم قرائت شود و قبل از جلسه ارتباطیه‌ای که در جریان آن پیشنهاد داده شده است به دبیر اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تسلیم گردد .

استاد اعظم یا برادری که کرسی ریاست را عهده دار است می‌تواند پیشنهاد کننده را از قرائت پیشنهاد خود در جلسه (شخصاً) معاف نماید .

ب ـ و یا این که به وسیله پست سفارشی برای دبیراعظم فرستاده شود.

کلیه پیشنهادات باید فوراً به کمیته قوانین و مقررات ارجاع گردد .

ماده ۳۶ ـ هر پیشنهاد اعم از اینکه در لژ اعظم داده شده یا به دبیر اعظم رسیده‌باشد باید به‌ضمیمه‌گزارش‌کمیته قوانین ومقررات به‌کمیته‌اعظم تقدیم‌گردد و کمیته اعظم تصمیم خود را از لحاظ شایستگی و منظم بودن و قابل قبول بودن مفاد آن پیشنهاد در اولین جلسه عادی کمیته اعظم کـه زودتر از ۱٤ روز بعد از تاریخ تقدیم یا وصول پیشنهاد تشکیل نشده باشد اتخاذ خواهد نمود مگر آن‌که در آن تاریخ هنوز گزارش کمیته قوانین و مقررات حاضر نشده باشد که در این صورت تعیین تکلیف آن به جلسه عادی بعدی‌کمیته اعظم موکول خواهد شد.

دبیر اعظم پیشنهاد کننده و تائید کننده پیشنهاد مزبور را از تاریخ تشکیل جلسه‌ای که برای مطرح شدن آن در کمیته اعظم تعیین می‌شود و همچنین ازهر تأخیری که در این خصوص رخ دهد مطلع خواهد ساخت و ایـن اعضاء چنانچه حضور یابند توضیحات آنها نسبت به نکاتی که مورد سئوال‌وبحث واقع شودشنیده خواهد شد . درباب مزایای پیشنهادی طول‌کلام جایز نیست ودرتصمیم‌کمیته اعظم ازمحاسن آن ذکری نخواهد شد وکمیته‌اعظم می‌تواند به‌میل خود هر اصلاحی‌که لازم بداند درآن بنماید .

در صورتی‌که پیشنهاد (خواه بدون اصلاح و خواه پس‌از اصلاح) درکمیته اعظم موردقبول واقع شود مطابق ماده۳۸ بخشنامه شده ونسبت به‌آن عمل‌خواهد شد در صورتیکه پیشنهاد در کمیته اعظم پذیرفته نشود اعضاء ذی‌ربط حق دارند مستقیماً به لژ اعظم استیناف دهند، درصورت پذیرفته نشدن پیشنهاد چه‌درکمیته اعظم وچه بعداً درلژ اعظم متن آن درصورت جلسه درج نخواهد شد ودرهرحال

کافی است درصورت جلسه نوشته شود پیشنهادی‌که ازطرف برادران (فلان‌وفلان) داده شده بود موردقبول واقع ویامورد قبول واقع نگردید.

ماده ۳۷ ـ رونوشت‌پیشنهاداتی‌که به‌لژاعظم داده‌شده وازطرف کمیته اعظم قبول شده است برای دبیر هر یك ازلژهای اعظم ایالتی ویاناحیه‌ای و برای دبیر هریك از لژهای تابع با تذکر این نکته‌که باید درجلسه لژهای مربوطه باطلاع برادران برسد ارسال خواهدشد.

پیشنهادی که به‌دبیراعظم رسیده و ازطرف‌کمیته اعظم پذیرفته شده است دربخشنامه‌ای‌که برای تشکیل جلسه ارتباطیه فصلی بعـدی ارسال می‌شود درج می‌گردد واین‌عمل‌خود درحکم اجرای دستورمندرج درجمله اول این ماده‌قانون خواهد بود.

و نیز این پیشنهاد در بخشنامه مربوط به تشکیل جلسه ارتباطیه مابعد که باید منظور جمله فوق‌الاشعار رامورد بحث وتصمیم قراردهد تکرار خواهد شد.

ماده ۳۸ ـ برادرانی‌که پیشنهاد آنها مورد قبول‌کمیته اعظم واقع شده‌است باید درجلسه ارتباطیه‌فصلی که این‌پیشنهاد درآن‌مطرح می‌شودحضور داشته‌باشند این‌جلسه ارتباطیه جلسه‌ایست‌که بعدازجلسه ارتباطیه فصلی‌قبلی‌که پیشنهادمزبور برای اولین مرتبه جهت‌اطلاع دردعوتنامه آن بخشنامه شده بود تشکیل می‌گردد چنانچه پیشنهادکننده‌غایب باشد تائیدکننده آن‌صلاحیت داردسمت پیشنهادکننده را درموقع‌طرح درلژاعظم احراز نماید مشروط براینکه‌فرد دیگری از برادران حاضرعنوان تائیدکننده راقبول نماید ودرصورتی‌که پیشنهادکننده حاضر ولی‌تائید کننده غائب باشد هریك از برادران حاضر می‌تواند بعنوان تائید کننده پذیرفته شود ولیکن‌چنانچه هم‌پیشنهادکننده وهم تائیدکننده‌غائب‌باشند پیشنهادکن‌لم‌یکن تلقی خواهد شد.

ماده ۳۹ ـ وقتی‌که پیشنهاد شایسته‌ای منظماً پیشنهاد گردید و تائید شده و جریان‌خودرا طی‌کرده باشداستاد اعظم یابرادری‌که عهده‌دارکرسی ریاست‌می‌باشد

ناگزیر از اینست که نسبت به آن اخذ رأی بعمل آورند تعویق طرح پیشنهادی که دردستور لژاعظم قرارگرفته است بدون علت ممکن نیست و از نظر تسهیل و پیشرفت آن ممکن است پیشنهاد راتقسیم و نسبت بهر قسمت علیحده بحث و رأی گرفته شود.

ماده ٤٠ - پیشنهاد تغییر یا حذف یك قانون موجود و یا ایجاد یك قانون جدیدراکه درجلسه ارتباطیه فصلی داده می‌شود نمی‌توان قبل ازاولین جلسه ارتباطیه بعدی درلژ اعظم موردبحث قرارداد و چنانچه پیشنهاد طبق ماده ۳۵ بوسیله پست سفارشی برای دبیراعظم ارسال شده باشد نمی‌توان قبل از دومین جلسه ارتباطیه فصلی که بعد از تاریخ بررسی آن توسط کمیته اعظم تشکیل شده باشد درلژ اعظم مورد بحث قرار داد.

ماده ٤١ - پیشنهادی که موضوع آن یکبار مورد تصمیم لژاعظم قرارگرفته است نمی‌توان قبل از انقضاء ۱۲ ماه از تاریخ تصمیم مزبور مجدداً درلژاعظم عنوان نمود یا مورد بحث قرارداد.

ماده ٤٢ - قوانین مصوب و تصمیمات متخذه درجلسات ارتباطیه رانمی‌توان زودتر از ۱۲ ماه از تاریخ تصویب باتصمیم لغو نمود یاتغییر داد در صورتی که در تفسیر و تعبیر قانونی تردیدی حاصل شود اختیار اخذ تصمیم نسبت به آن بوسیله لژاعظم اعطاء می‌شود و نه بوسیله رئیس جلسه.

ماده ٤۳ - لژ اعظم می‌تواند باستناد دلیل اقامه شده دستور جلسه را معلق بگذارد مشروط براینکه لااقل دوسوم ازاعضاء حاضر وواجد شرایط باین تعلیق رأی موافق دهند.

ماده ٤٤ - بعداز بحث دریك موضوع رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط و رأی‌دهنده نسبت به‌موضوع قاطع است درصورت‌تساوی آراء رأی طرفی که‌رأی استاد ارجمند(بابرادری که درکرسی‌ریاست می‌باشد در آن‌واقع است قاطع خواهدبود) و درسایر موارد دادن رأی ازطرف رئیس اختیاری است.

ماده ٤٥ - فقط اعضاء واجد شرایط حق صحبت و دادن رأی در موضوعات مشروحه‌را دارند وهیچ‌عضوی‌اجازه ندارد بیش از یك مرتبه راجع به‌یك موضوع

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

صحبت کند مگر منحصراً برای دادن توضیح و فقط پیشنهاد کننده حق دارد جواب دهد.

ماده۴۶ ـ اعضاء لژاعظم نسبت بهرموضوع که مصالح خاندان رادر آن تشخیص می‌دهند رأی خواهند داد. لژاعظم ایالتی و ناحیه‌ای و لژ های تابع حق ندارند به‌نمایندگان خود دستور دهندکه رأی خود را بنحو مخصوصی بدهند و آنها فقط می‌توانند نمایندگان خود را ازنظریات خودشان آگاه سازند.

ماده ۴۷ ـ هیچ برادر میهمان رانمی‌توان در جلسه ارتباطیه پذیرفت مگر پس‌از اینکه توسط سه‌نفر ازمباشرین عظام که باین منظور ازطرف رئیس یانایب رئیس‌تعیین شده‌اند موردامتحان‌قرارگیرد و یابنحودیگری شایستگی اوطبق‌مقرر تضمین شده است.

ماده ۴۸ ـ هیچ برادر نباید جلسه ارتباطیه را قبل از بسته شدن آن بدون درخواست وکسب اجازه از استاد اعظم یا برادریکه‌کرسی ریاست راعهده‌داراست ترك نماید.

ماده ۴۹ ـ موقعی‌که استاداعظم ـ استاد اعظم پیشین ـ قائم مقام استاد اعظم یامعاون استاداعظم ویاقائم‌مقام یامعاون‌استاداعظم‌ویاقائم‌مقام‌یامعاون‌پیشین ویابك سرپرست اعظم یاسایرافسران اعظم یك‌لژ ایالتی یاناحیه‌ای یابك لژتابع‌را رسماً سرکشی‌می‌کنند استادارجمند ـ سرپرستان وسایرافسران لژ بایدکرسی‌های خود رامتناسباً باموردبنفع‌افسران مربوطه لژاعظم‌خالی‌نمایند. درصورتیکه استاداعظم یایکی دیگرازافسران‌ریاست‌هیئت سرکشی‌کننده‌را عهده‌دارباشد وطبق حق خود کرسی ریاست را اشغال نماید استاد ارجمند لژ دردست راست اوخواهد نشست.

ماده ۵۰ ـ قبل ازاینکه استاد اعظم یادیگر افسران برای سرکشی‌لژتابع حرکت کنند دبیراعظم باید لژمزبور رابوسیله اطلاعیه‌ای مطلع نموده وهمچنین لژ اعظم ناحیه‌ای ویاایالتی مربوط رانیز مستحضر نماید واگرسرکشی باید به‌یك لژاعظم ایالتی یا ناحیه‌ای بعمل‌آید اطلاعیه مذکور باید برای دبیر اعظم ایالتی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

یاناحیه‌ای فرستاده شود واو به نوبه خود به‌لژهای تابعه درایالت یاناحیه مربوطه اطلاعیه خواهد فرستاد.

ماده ۵۱ ـ چنانچه سرکشی صرفاً جنبه کارداشته وبه منظور تحقیق در نحوه اداره‌لژ ورسیدگی به‌دفاتر واز قبیل آن باشد احتیاجی به‌فرستادن اطلاعیه درباره این سرکشی برای سایر لژهای تابعه در آن ایالت یاناحیه نخواهد بود.

ماده ۵۲ ـ تشریفات عید سینت‌اندرو باید درلژ دائر در درجه اول برگزار شود وهر برادری ازخاندان که‌کارت ورود مربوطه را برای‌خودتهیه نمایدمی‌تواند در آن حضور یابد و بهاء کارت ورود باتصویب لژاعظم در جلسه ارتباطیه فصلی‌که بلافاصله قبل‌ازروز سینت‌اندرو تشکیل می‌شوداز‌طرف‌کمیته اعظم تعیین‌می‌گردد، جشن‌عیدمزبورباید بنحوی‌اداره‌شودکه مخارج آن(باستثناء هزینه‌متعارف‌موسیقی وسایر مخارج اتفاقی‌که ازطرف کمیته اعظم معین می‌شود) از محل وجوه مأخوذه از برادرانی‌که حضور می‌یابند تأمین گردد.

ماده ۵۳ ـ درمواقعی‌که ازاستاداعظم‌تقاضا شودبرای انجام مراسم‌گذراندن سنگهای پی پیشوائی نماید درخواست مربوطه از طرف دبیر اعظم بعمل می‌آید و او آن درخواست را برای طرح به کمیته اعظم تقدیم خواهد کرد و چنانچه درخواست مزبور پذیرفته شود کمیته اعظم اختیار دارد اقدامات لازم را در اجرا منظور، بعمل‌آورد.

ماده ۵۴ ـ چنانچه مراسم گذراندن سنگهای پی باید در ایالتی انجام یابد که لژاعظم شرکت‌خودرا درتشریفات آن مقتضی‌ندانسته ویادعوت نشده باشداستاد اعظم ایالتی ترتیب مراسم مزبور راخواهد داد ودراین‌صورت ریاست انجام‌مراسم مزبور بااستاد اعظم ایالتی ـ درغیاب‌اواستاد اعظم ایالتی قبلی یاهریك ازاستادان ایالتی پیشین یاقائم‌مقام یامعاون استاد اعظم ایالتی یاسرپرست اعظم ایالت اول یا دوم ودرغیاب‌آنها بااستادارجمند لژتابع ارشددرآن‌ایالت‌خواهدبود. درصورتیکه فعالیت لژ اعظم ایالتی درحال توقف باشد لژاعظم یاکمیته اعظم یکی از برادران

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واجدشرایط رابرای پیشوائی درانجام‌مراسم مزبورتعیین‌خواهدکرد واوخودسایر افسران لازم را انتخاب خواهدنمود .

ماده ۵۵ـ یك‌لژ تابع‌مراسم‌نهادن سنگهای پی‌درصورتی‌که درمنطقه‌مرکزی بایدانجام شودبااجازه قبلی‌لژاعظم یاکمیته اعظم انجام‌خواهدداد وچنانچه مراسم مزبور باید درحوزه ایالتی ویا ناحیه‌ای انجام یابد باموافقت استاد اعظم ایالت یا ناحیه مربوطه باین‌کار اقدام خواهد شد .

ماده ٥٦ ـ موقعی‌که لژهای اعظم ایالتی برای مراسم تأسیس یاجهت‌انجام سایر تشریفات ماسونی محتاج به گرفتن ظروف مخصوص به تقدیس از لژ اعظم باشند. درخواست مربوطه بایدازطریق دبیراعظم بعمل آید وتمام مخارج‌مربوطه به‌نقل وانتقال ظروف مزبور وغیره برعهده اشخاص درخواست‌کننده خواهد بود.

ماده ٥٧ ـ درتمام جلسات ارتباطیه ودرتمام تظاهرات دسته جمعی ودرکلیه اعمال دیگر درلژ اعظم مراتب تقدم وتأخر بشرح زیر تنظیم می‌شود .

مقام«پیشین» به‌افسران‌اعظم پیشین واستادان اعظم پیشین‌ایالتی وناحیه‌ای که عضو واجد شرایط لژاعظم باشندداده می‌شود وافسران اعظم افتخاری‌بلافاصله بعد از افسران اعظم هم منصب خود در ردیف اقدمیت قرار خواهندگرفت .

استاداعظم ـ استادان‌اعظم پیشین‌ـ قائم‌مقام استاداعظم ـ قائم‌مقامان پیشین استاداعظم‌ـمعاون استاداعظم ـ معاونین‌پیشین استاد اعظم‌ـ استادان اعظم‌ایالتی و ناحیه‌ای و نمایندگان استادان اعظم ناحیه ـ نمایندگان لژهای اعظم وابسته ـ سرپرستان اعظم ـ سرپرستان اعظم پیشین ـ دبیر اعظم ـ دبیران اعظم پیشین ـ خزانه‌دار اعظم ـ خزانه داران اعظم پیشین ـ امین خیریه اعظم ـ امنای خیریه اعظم‌پیشین‌ـ خطبای‌اعظم ـ خطبای اعظم پیشین ـ راهنمایان اعظم پیشین‌ـمدیر اعظم تشریفات‌ـ مدیران‌اعظم تشریفات‌پیشین‌ـکتابداراعظم‌ـکتابداراعظم پیشین‌ـ مهندس لژ اعظم ـمهندسین پیشین لژ اعظم ـ زیوردار اعظم ـ زیورداران اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

پیشین ـ کتاب‌براعظم ـ کتاب‌بران اعظم پیشین ـ شاعر اعظم ـ شاعران اعظم‌پیشین ـ شمشیردار اعظم ـ شمشیرداران اعظم پیشین ـ مدیر اعظم موسیقی ـ مدیران اعظم پیشین موسیقی ـ معاون اعظم تشریفات ـ معاون دبیر اعظم تشریفات پیشین ـ معاون دبیر اعظم ـ معاونین دبیران اعظم پیشین ـ اعضاء کمیته اعظم ـ ارگ نواز اعظم ـ ارگ‌نوازان اعظم پیشین ـ نی‌نواز اعظم ـ نی‌نوازان اعظم پیشین ـ مدیر اعظم انتظامات ـ مدیران اعظم پیشین انتظامات ـ بیرق دار اعظم اول ـ بیرق‌دار اعظم دوم ـ بیرق‌داران اعظم پیشین و نگهبان اعظم داخلی ـ نگهبانان‌داخلی اعظم پیشین ـ رئیس کارپردازان عظام ـ رؤسای کارپردازان عظام پیشین ـ کارپردازان اعظم ـ نگهبان خارجی اعظم .

ماده۵۸ـ سایر اعضاء لژ اعظم بلافاصله بعد از افسران اعظم ـ افسران اعظم پیشین ـ استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و سایر کسانیکه درماده۵۷عنوان آنها ذکر گردید هریك برحسب اقدمیت لژهای خود به‌نحوی قرارمی‌گیرندکه‌نام لژ آنها درفهرست لژاعظم ثبت شده است .

ماده ۵۹ ـ ترتیب تقدم لژهای تابع برحسب اقدمیت آنها به نحو ثبت شده در فهرست لژ اعظم خواهد بود و افسران آنها برحسب تقدم پست‌هایشان قرار خواهند گرفت .

ماده ۶۰ ـ در تمام تظاهرات دسته جمعی حمل چکش در منطقه مرکزی با ارشد ترین عضو غیر افسر لژ شماره ۸ «بنایان روزمزد» می‌باشد و حمل ابزار کار در این تظاهرات با کار آموزان همان لژ می‌باشد . در موارد دیگر موقعی که لژ اعظم گذاردن سنگهای پی را پیشوائی می‌نماید اعضاء مشابه لژ تابع ارشد ایالتی یا ناحیه‌ای عهده دار انجام وظائف خواهند بود . سایر لوازم در تمام موارد باید توسط افسران لژ اعظم حمل گردد .

ماده ۶۱ ـ تظاهرات دسته جمعی یا عمومی خاندان با بکاربردن زیورآلات ماسونی ممنوع است مگر با اجازه استادبنای‌اعظم یا استاداعظم ایالتی یا ناحیه‌ای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

و در غیاب آنها قائم مقام یا معاون استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای ودر منطقه مرکزی با اجازه رئیس کمیته منطقه مرکزی .

ماده ٦٢ ـ استادان ارجمند و سرپرستان لژهای تابع که مایل باشند شخصاً به نمایندگی از طرف لژهای خود در لژ اعظم حضور یابند بـاید بلافاصله بعد از تنصیب مراتب‌را به وسیله دبیرلژ خود به اطلاع دبیراعظم برسانند واین اطلاعیه هیچ وقت نباید دیرتر از ١٥ ژانویه بعدی اعلام گردد .

ماده ٦٣ ـ هر لژ تابعی که استاد ارجمند آن بروفق ماده قبل در لژ اعظم حضور نیابد می‌تواند یك استاد واجد شرایط را بعنوان استاد وکیل بـه نمایندگی خود در لژ اعظم تعیین نماید و این نماینده اختیار دارد در صورت لزوم وکلائی برای سرپرستان لژ معین نماید .

ماده٦٤ ـ تعیین نمایندگان‌لژهای تابع‌باید درروز انتخابات‌سالیانه افسران لژ بعمل آید و اسناد مأموریت کلیه نمایندگان لژهای تابع به استثنای لژهائی که درخارجه واقع‌است بایدقبل ازروز پانزدهم ژانویه دراختیار دبیر اعظم‌گذاشته شود و اسناد مأموریت وکلای لژهای واقع در خارجه در هر موقع قابل پذیرش است. در مورد لژهائی‌که ازطرف استادارجمند نماینده‌تعیین نشده باشد وهمچنین در صورتیکه وکیل استاد ارجمند نماینده سرپرستان را معین ننماید کمیته اعظم اختیار دارد که خود نمایندگان مزبور را تعیین نماید . اشخاص‌که بدین صورت تعیین‌می‌شوند دارای‌همان اختیارات ومزایا وتابع همان مقررات بوده وعیناً مانند این است‌که طبق ماده ٦٣ یا ٦٧قانون تعیین شده باشند .

ماده ٦٥ ـ لژ تابعی که از طرف آن نماینده استاد ارجمند طبق مواد٦٣ و ٦٤ و ٦٧ تعیین شده است نمی‌تواند بوسیله استاد ارجمند خود درلژاعظم شرکت نماید مگر اینکه نمایندگی که قبلا داده است بروفق ماده ٦٦ ملغی شده باشد .

ماده ٦٦ ـ لژ تابعی که به وسیله وکیل در لژ اعظم دارای نماینده می‌باشد نمی‌تواند نمایندگی مزبور را لغو و باطل نماید مگر در روز انتخابات سالیانه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

افسران لژ و همچنین مأموریت وکیل ملغی‌شده است مگر درصورتیکه ابلاغ آن درظرف ۱٤ روز بعد از تاریخ الغاء یا ابطال به‌وسیله پست سفارشی برای دبیراعظم واستاد وکیلی که دارای مأموریت ملغی شده بوده است ارسال گردد.

ماده ۶۷ - در صورت فوت - استعفاء یا سلب صلاحیت وکیل استاد لژ تابعی که‌این نمایندگی‌را داده‌است‌می‌تواند فوراً تشکیل جلسه‌داده و استاد وکیل‌دیگری انتخاب‌نماید ولی بااین حال سرپرستان وکیل‌که قبلاتعیین شده‌اند تا روزانتخابات سالیانه افسران لژ به نمایندگی خود ادامه خواهند داد.

ماده ۶۸ - استاد وکیل می‌تواند وکلای سر پرستان لژ مربوطه را که برای آن سال مقرری سالیانه خود را پرداخت‌کرده‌اند تغییر دهد مگر درمورد فوت- سلب صلاحیت یا استعفاء.

ماده ۶۹ - تعیین نماینده از طرف لژهائی که در پرداخت مقرری‌های خود تأخیرکرده باشند پذیرفته نمی‌شود و چنانچه لژی، یکسال دراین پرداخت تأخیر کردیا معلق‌شده و با اینکه فعالیت‌آن‌درحال‌توقف باشد این نمایندگی‌ها بلافاصله از درجه اعتبار ساقط خواهند شد.

ماده ۷۰ - همینکه دبیر اعظم مأموریت محوله به یك استاد وکیل را منظم و رضایت بخش تشخیص داد موضوع در فهرست لژ اعظم به ثبت رسیده و گزارش مربوطه به جلسه ارتباطیه بعدی داده خواهدشد. برای اینکه وکالت یا نمایندگی به ثبت برسد بایستی مقرری مخصوص مذکور در بند هفتم قسمت اول از فهرست اول پرداخت شده باشد.

ماده ۷۱ - هر لژ اعظم ناحیه‌ای می‌تواند یك عضو واجد شرایط هر یك‌از لژهای‌تابع راکه دارای وضع مرتب‌باشد بعنوان نماینده استاداعظم ناحیه‌ای‌تعیین نماید واین نماینده می‌تواند در لژ اعظم‌به این سمت انجام وظیفه نموده در رأی شرکت نماید.

ماده ۷۲ - هیچ برادر نمی‌تواند در عین حال نمایندگی بیش از یك لژاعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ناحیه‌ای یا لژ تابع را قبول نماید.

ماده ۷۳ ـ چنانچه برادری شخصی را که عضو واجد شرایط لژ اعظم نیست به این عنوان وارد لژ اعظم نموده یا در رأی دادن شریک کند و یا چنین شخصی را در یکی از این کارها کمك و معاونت نماید از تمام مزایای ماسونی تا هر موقع که لژ اعظم صلاح بداند خلع می‌شود و همین مجازات درباره شخصی که برخلاف این ترتیب و به این عنوان داخل شده یا رأی داده است چنانچه عضو خاندان ماسونی اسکاتلندی باشد اعمال خواهد شد.

ماده ۷٤ ـ هر عضو لژ اعظم به استثنای نمایندگان لژهای تابع باید بعنوان دلیل عضویت خود مبلغ تعیین‌شده در بندیك قسمت یك از فهرست اول را سالیانه پرداخت نماید. حق عضویت اعضاء باید در هر موقع از سال که اسم آنها درصورت اعضاء منظم آن سال وارد می‌شود پرداخت گردد.

ماده ۷۵ ـ فهرست اسامی اعضاء لژ اعظم باید روز اول فوریه هرسال تنظیم گردد و حاوی اسامی تمام برادرانی که در آن روز اعضاء واجد شرایط لژ اعظم شناخته شده باشند خواهد بود و فقط اعضاء موسوم در فهرست مزبور صلاحیت دارند درجلسات ارتباطیه فصلی که تا قبل از جلسه ارتباطیه فوریه سال بعدتشکیل می‌گردد در لژ اعظم رأی دهند ـ به استثنای موارد زیر:

۱ ـ نام برادرانی که بجای اعضای متوفی یا مستعفی و یا آنهائی کـه سلب صلاحیت از آنها شده است وارد لژ اعظم می‌شوند ممکن است در هر موقع ازسال در فهرست مزبور ثبت گردد.

۲ ـ اسامی نمایندگان لژهای تابع واقع‌درخارجه را ممکن‌است درهرموقع از سال وارد فهرست نمود.

۳ ـ اسامی نمایندگان لژهای تابعی که افسران خود را در ماه ژوئن در روز سینت جان تعیین می‌کنند می‌توان تا تاریخ اولین دوشنبه ماه اوت همان سال وارد فهرست اسامی اعضای لژ اعظم نمود.

ماده ۷۶ ـ هر لژ تابع باید حقوق مربوط به گواهینامه سالیانه و نمایندگی خود را در لژ اعظم قبل از اول ژانویه همان سال پرداخت نماید .

ماده ۷۷ ـ به کلیه اعضاء لژ اعظم ـ تمام لژها و همچنین به تمام برادران عموماً توصیه می‌شود از آخرین چاپ این قوانین کـه به وسیله مقامات لژ اعظم چاپ ومنتشرشده باشد نسخه یا نسخه‌هائی برای‌خودتهیه نمایند بهای این‌نسخه‌ها از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد .

ماده ۷۸ ـ استاد بنای اعظم اختیار دارد برادران ممتاز را بـرای عضویت افتخاری لژ اعظم نامزد نماید . این عضویت باید از طرف لژ اعظم تائید گردد .

ماده ۷۹ ـ اعضاء افتخاری در لژ اعظم حق رأی ندارند .

ماده ۸۰ ـ نشان اعضاء افتخاری روی سینه‌گذارده می‌شود .

ماده ۸۱ ـ نمایندگان لژاعظم در لژهای‌اعظم وابسته ممکن‌است در هریک از جلسات ارتباطیه فصلی تعیین گردند .

نمایندگان لژهای اعظم وابسته را ممکن است در هر جلسه ارتباطیه فصلی به‌محض‌ارائه شدن سندمأموریت آنها پذیرفت. این نمایندگان باید اعضاء لژاعظم باشند و بعد از آنکه به این عنوان پذیرفته شدند در ردیف این قبیل نمایندگان جای‌داده خواهندشد .

ماده۸۲ ـ اعضائی‌که درلژهای‌اعظم وابسته‌نماینده می‌شوند می‌توانند مانند افسران اعظم ملبس به لباس‌های زیر شوند :

پیش بند ـ گردن بند ـ نشان بازوبان .

نشان‌هائی‌که از طرف لژ اعظم تهیه شده است متعلق به لژاعظم خواهد بود وبه نماینده جدیدی‌که برای یک لژ اعظم وابسته تعیین می‌شود موقتاًداده‌می‌شود.

ماده ۸۳ ـ به برادرانی که دارای لیاقت عالی و برجسته بـوده و نسبت بـه خاندان خدمت‌کرده‌باشندممکن است‌بنا به تعیین استادبنای‌اعظم هردرجه افسری افتخاری لژاعظم که مناسب تشخیص شود اعطاءگردد .

ماده ۸۴ ـ درجات فراماسونی که از طرف لژ اعظم اجازه آن داده شده و اداره می‌شود عبارتند از کارآموزی ـ کاریاری (که متضمن مارك نیزمی‌باشد) ودرجه استاد ماسونی .

ماده ۸۵ ـ لژ اعظم تشریفات تنصیب استاد ارجمندرا به‌رسمیت می‌شناسد . این تشریفات فقط در باره استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و یا در باره استادان ارجمند لژهای تابع درموقع تنصیب آنها یا در دوره‌ای‌که صندلی ریاست را اشغال‌کرده‌اند وهمچنین درباره هر استاد قبلی یا پیشین‌که برای ریاست لژ به‌مدت یکسال بعنوان استاد ارجمند انتخاب شده باشد اجرا می‌گردد .

این تشریفات‌باید درحضورلااقل سه استاد تنصیب شده اجرا گردد. درمورد لژهائی‌که سه استاد تنصیب شده حاضر نداشته باشند استاد ارجمند آن لژ یا هر استاد پیشین‌آن می‌تواند تشریفات مزبوررا درلژدیگری‌که سه استاد تنصیب شده حاضر داشته باشد اجرا کند مشروط براینکه مدرك کافی به استادان تنصیب شده مزبور ارائه دهد مبنی براینکه او عملا و قانوناً استاد ارجمند آن لژ بوده و یا اینکه مدت یکسال باین عنوان خدمت‌کرده است. درمورد لژهای واقع درخارجه تشریفات مزبور را ممکن است با اجازه معافیت مخصوصی که ازطرف استاد اعظم ناحیه‌ای صادر شده باشد با حضوریکی یا بیشتر ازاستادان تنصیب شده اجرا نمود و در این موارد چنانچه لژ اعظم ناحیه‌ای وجود نداشته باشد اجازه معافیت باید از طرف کمیته اعظم صادر گردد . برای اینکه استاد ارجمندی استحقاق دریافت دیپلم استاد تنصیب شده را از لژ اعظم احراز نماید گواهی‌های زیر باید از طرف دبیر لژجهت استاد لژ اعظم ارسال گردد :

۱ ـ یك گواهی امضاء شده از طرف سه استاد تنصیب شده که نام آنها باین عنوان درلژاعظم به ثبت رسیده باشد مبنی براینکه تشریفات مزبور درباره برادر موردنظر بموقع اجراگذاشته شده است (این‌گواهی درموردلژهای واقع درخارجه ممکن است تحت شرایط مذکور درفوق فقط دارای یك امضاء یا بیشتراز استادان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تنصیب شده و ثبت شده به نحو فوق باشد).

۲ ـ یك گواهی به امضای دبیر لژ مبنی براینکه برادر مزبورمدت یکسال صندلی ریاست لژ را به عنوان استاد ارجمند اشغال کرده است. جهت صدور این دیپلم وثبت آن بایستی حقوق مذکوردربند ۱۲ ازقسمت اول ازفهرست اول به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸٦ ـ اختیار صدور دیپلمهای مربوط به خاندان اسکاتلند فقط متعلق به لژ اعظم اسکاتلند می‌باشد درصورتیکه دیپلم برادری مفقود شده یا معدوم شده باشد المثنی آن ممکن است از طرف لژ اعظم صادر شود مشروط بر اینکه این امر ازطرف لژدرخواست کننده توصیه شده واظهار نامه‌ای ازطرف صاحب دیپلم بصورتی که برای لژ اعظم رضایت بخش باشد با حقوق مذکور دربند ۱۵ از قسمت یك ازفهرست‌اول به‌دبیراعظم رسیده باشد (این اظهارنامه باید درمقابل یك قاضی یایك محکمه صلح یایك سردفتراسناد رسمی ویا درمقابل‌قنسول دولت انگلستان که اوضاع واحوال مفقود شدن یا معدوم شدن نسخه اصلی را گواهی نمایند اظهار شده باشد) حقوق مذکور درفوق درمواردترمیم یا تکمیل یک‌دیپلم نیز باید به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸۷ ـ استاد بنای اعظم یا قائم مقام و یا معاون او بنام خود و از طرف خود مختار است هرنوع معافیتی‌راکه مقتضی‌بداند اعطاء نماید ولواینکه موضوع معافیت اختصاصی دراین قوانین ذکرنشده باشد. و برای هرمعافیت‌که اعطاء شود بایستی حقوق مذکوردربند ۱٦قسمت اول‌ازفهرست اول‌به لژاعظم پرداخت‌گردد.

قانون اساسی لژاعظم ناحیه‌ای‌ایران

ماده ۱ ـ ترکیب‌لژاعظم‌ناحیه‌ای ایران تابع قوانین‌اساسی‌لژاعظم اسکاتلند بوده و اعضای آن عبارتند از: استاد اعظم ناحیه‌ای ـ استادان اعظم ناحیه‌ای‌ـ پیشین ـ تمام افسران اعظم لژاعظم‌ناحیه‌باستثنای‌نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای‌ـ تمام استادان ارجمند پیشین‌که لااقل مدت‌یکسال‌کرسی استادی یك لژتابع قانون اساسی اسکاتلندی را برعهده داشته و عضو منظم یك لژتابع واقع در حوزه ناحیه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باشند . به علاوه استادان ارجمند شاغل وسرپرستان لژهای تابع مزبور(به‌عنوان سمت خود در لژهای تابع) به جای استاد یا استادان ارجمند یك یا چند لژ تابع که خارج از حوزه تشکیل لژ اعظم ناحیه‌ای بوده و دارای وضع منظم باشند و همچنین به جای سرپرستان نماینده آنها شرکت خواهد نمود .

ماده ۲ ـ جلسات ارتباطیه ـ جلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای در ماههای شهریور ـ آذر ـ اسفند وخرداد هرسال درروز وساعتی که ازطرف استاداعظم ناحیه‌ای تعیین شود تشکیل خواهد شد . تمام کارها در درجه سوم انجام می‌شود و احیاناً ممکن است بعضی جلسات را به عنوان تنفس تعطیل وبقیه کارهای آنرا بوقت دیگر موکول نمود مشروط به اینکه هیچ کارجدیدکه ازابتدا جزودستورجلسه ارتباطیه نبوده درجلسه یا جلسات تکمیلی بعدی آن مطرح و انجام نگردد . انتهای سال مالی لژ اعظم ناحیه ایران آخر اسفندآن سال خواهد بود .

ماده ۳ ـ نمایندگان استاد ارجمند و سرپرستان .

الف ـ لژهائی که استاد ارجمند یا سرپرستان آنها قادر یا مایل به حضور یافتن درجلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای نباشند می‌توانند نماینده معین کنند مشروط بر اینکه این نمایندگان از بین استادان ارجمند قبلی یا تنصیب یافته‌ای که عضو لژ اعظم ناحیه ایران باشند انتخاب شده باشند .

ب ـ معرفی نامه نماینده باید روی نمونه مخصوص تنظیم ولااقل سی روز قبل از روز تشکیل جلسه برای دبیراعظم ناحیه‌ای ارسال‌گردد تا اوبتواند به این عنوان در لژاعظم ناحیه‌ای رأی داده و عمل نماید (نمونه مزبور از دبیراعظم لژ اعظم ناحیه‌ای اخذ می‌گردد .)

ج ـ نماینده استاد ارجمند باید مراقبت نماید که انتخاب او و همچنین انتخاب نمایندگان سرپرستان لژمربوطه قبل از اینکه در دادن رأی و سایرامور لژ اعظم ناحیه شرکت کنند توسط دبیر اعظم ناحیه‌ای به ثبت رسیده باشد .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

د ـ لژ تابعی که بجای استاد ارجمند وسرپرستان آن درجلسات لژ اعظم ناحیه نماینده معرفی کرده است جز به وسیله آنها درجلسات مزبور شناخته نخواهد شد ولواینکه استاد وسرپرستان مذکور درجلسه حضور یافته باشند.

ه ـ لغو انتصاب نماینده قبل ازشش ماه ازتاریخ انتصاب مجاز نیست و تغییر اودرظرف این مدت فقط درصورت فوت یا استعفاء یا علل دیگری که برای کمیته اعظم ناحیه‌ای درموقع معرفی جانشین اوقابل قبول باشد میسر خواهد بود.

و ـ استادارجمند هر لژ تابع موظف است مراقبت نماید که لژ او درهر جلسه ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای طبق موازین فوق معرفی و مشارکت داشته باشد.

ماده۴ـ افسران انتصابی وافسران انتخابی لژ اعظم ناحیه‌ای.

الف ـ بطوری که درمواد۱۱۷و۱۱۸قوانین اساسی لژاعظم اسکاتلندی مصرح است قائم مقام استاد اعظم ناحیه‌ای و معاون او دبیر و خطیب یا خطبای لژ اعظم ناحیه‌ای توسط استاد اعظم ناحیه‌ای منصوب می‌شوند و تغییر آنها نیز درصلاحیت اوخواهد بود وهمچنین تعیین وانتصاب نظارمنطقه‌ای برای قسمتهائی از ناحیه که احتیاج به ناظر داشته باشد به عهده استاداعظم ناحیه‌ای می‌باشد.

ب ـ بقیه افسران ناحیه‌ای سوای استاداعظم قبلی ناحیه‌ای انتخابی بوده و همه‌ساله درجلسه ارتباطیه ماه سپتامبر لژ اعظم ناحیه‌ای انتخاب می‌گردند وعبارت خواهند بود از:

سرپرست اعظم اول ناحیه‌ای ـ سرپرست اعظم دوم ناحیه‌ای ـ خزانه‌دار اعظم ناحیه‌ای ـ امین خیریه اعظم ناحیه‌ای ـ راهنمای اعظم اول ناحیه‌ای ـ راهنمای اعظم دوم ناحیه‌ای ـ رئیس تشریفات اعظم ناحیه‌ای ـ کتابدار اعظم ناحیه‌ای زیوردار اعظم ناحیه‌ای ـ کتاب‌بر اعظم ناحیه‌ای ـ شمشیردار اعظم ناحیه‌ای ـ ارگ نواز اعظم ناحیه‌ای ـ مدیر اعظم انتظامات ناحیه‌ای ـ نگهبان داخلی اعظم ناحیه‌ای ـ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

رئیس اعظم کارپردازان ناحیه‌ای[1] نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای .

ج ـ تمام افسران اعظم ناحیه‌ای وتمام اعضای کمیته اعظم ناحیه‌ای باید محل اقامتی درحوزه لژ اعظم ناحیه‌ای برای خود تعیین نمایند .

د ـ استاداعظم ناحیه‌ای می‌تواند هریك از اعضاء لژهای تابع را که خدمتی ارزنده نسبت به‌طریقت‌بنائی آزاداسکاتلندی‌انجام‌داده‌باشند برای افسری‌افتخاری لژاعظم اسکاتلند پیشنهادکنند .

ماده ۵ ـ انتخاب افسران : انتخابات افسران انتخابی در لژ اعظم ناحیه‌ای درجلسه ارتباطیه ماه سپتامبر هرسال صورت می‌پذیرد . کمیته اعظم ناحیه‌ای قبلا فهرستی مشتمل براسامی برادرانی‌که شایسته‌هرپست‌تشخیص‌می‌دهدتهیه‌ونام‌آنهارا دردعوتنامه ذکرودرجلسه انتخابات توصیه می‌نماید ولی این توصیه حق اعضاء لژ اعظم را از اینکه نامزدان واجد شرایط دیگری طبق مقرر پیشنهاد کنند سلب نخواهد نمود ونسبت به‌پیشنهادهای درجلسه انتخاب بوسیله رأی کتبی و جملگی به اکثریت صورت خواهد گرفت و هیچ برادرغایب را نمی‌توان نامزد سمتی نمود مگراینکه رضایت‌کتبی اوقبلاتحصیل ودرموقع معرفی یا پیشنهاد ارائه‌داده‌شود.

ماده ٦ ـ دبیر اعظم ناحیه‌ای صدور دعوتنامه برای تمام جلسات لژ اعظم ناحیه‌ای و همچنین جلسات کمیته اعظم ناحیه‌ای با دبیر اعظم ناحیه‌ای می‌باشد که باید خود در تمام جلسات مزبور شرکت نموده صورت مجلس تهیه و کلیه کارهائی که معمولا به‌عهده دبیر می‌باشد بانجام رساند . حفظ و حراست اسناد ودفاتر واسناد مربوط به‌اموال منقول وغیرمنقول لژاعظم‌ناحیه‌ای باستثنای‌آنچه از دفاترواسنادکه اختصاصاً درزیرکلید خزانه‌دار است وانجام‌سایر وظایف مقرر درقوانین‌اساسی به عهده دبیراعظم ناحیه‌ای می‌باشد. اوبایدفهرستی

---

۱ ـ درهرسال لژ اعظم ناحیه‌ای ازبین اعضاء واجد شرایطخود هیئتی‌را به عنوان‌هیأت کارپردازان اعظم ناحیه‌ای انتخاب می‌نماید و وظایف این هیئت در ناحیه نظیر وظایف هیئت کارپردازان اعظم در لژاعظم می‌باشد. لژاعظم‌ناحیه‌ای می‌تواند درهرسال درحدود فهرست مجاز ومندرج درقوانین اسکاتلندی افسران دیگری‌که لازم داشته باشد انتخاب نماید .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ازاسامی افسران واعضائی که لژاعظم ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهند همه‌ساله بعداز جلسه تنصیب آنها تنظیم و نگهداری نماید و با لژاعظم اسکاتلند وبالژهای تابع و همچنین با برادران درموضوعات مربوط به‌لژ اعظم ولژ ناحیه‌ای مکاتبه نماید.

ماده ۷ ـ خزانه‌داراعظم ناحیه‌ای.

دریافت تمام وجوهی که باید به لژ اعظم ناحیه‌ای برسد و نگاهداری حساب منظم آنها و نیز تهیه و تقدیم حساب سالیانه به لژ اعظم ناحیه در جلسه ارتباطیه‌ماه سپتامبر به‌عهده خزانه‌دارمی‌باشدکه باید به‌دستوراستاد اعظم ناحیه‌ای و درغیاب او به‌دستورقائم‌مقام ویانبودن‌قائم‌مقام به‌دستورمعاون‌استاداعظم ناحیه‌ای تمام مخارج جاری لژ اعظم ناحیه‌ای‌را پرداخت‌کند. تمام وجوه دریافتی باید به حساب معینی دربانك سپرده شود وبرداشت ازاین حساب باد وامضاء از پنج امضاء زیر میسرخواهد بود: استاداعظم ناحیه‌ای یا قائم‌مقام استاد اعظم ـ معاون استاد اعظم ناحیه‌ای ـ دبیراعظم ناحیه‌ای ـ خزانه‌دار اعظم ناحیه‌ای.

ماده ۸ ـ نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای‌ـحضوریافتن به‌موقع وبه‌مدت‌کافی برای‌آماده نمودن اطاق لژجهت تشکیل‌جلسه، زیرنظر قراردادن هرکس‌که به‌لژ نزدیك می‌شود و مراقبت دراینکه دفترحضوروغیاب از طرف اعضاء و مهمانان به امضاء برسد و همچنین مسئولیت البسه و زیور آلات (درمواقع تشکیل جلسات) برعهده نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای می‌باشد.

ماده ۹ ـ کمیته اعظم ناحیه‌ای

الف ـ این‌کمیته مرکب است ازاستاد اعظم ناحیه‌ای واستادان اعظم پیشین ناحیه‌ای و قائم‌مقام و معاون استاد اعظم ناحیه‌ای وصاحبان پیشین این سمت‌ها و سرپرستان اعظم ناحیه‌ای‌ودبیراعظم‌ناحیه‌ای وخزانه‌داراعظم‌ناحیه‌ای وامین‌اعظم خیریه ناحیه‌ای یا معاونت هریك ازسه عضو اخیرالذکر در صورت غیبت آنان ـ کمیته اعظم‌ناحیه‌ای تحت‌ریاست اعظم‌ناحیه‌ای ودرصورت غیبت اوبه‌ریاست‌عضوی که درسلسله مراتب مندرج در قوانین اساسی اسکاتلندی برای جانشینی رئیس در لژها تعیین شده است تشکیل می‌گردد وبا حضور پنج‌نفر از اعضاء رسمیت خواهد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

یافت وامورعمومی لژهای تابع واقع درناحیه را طبق اختیارات ووظائفی شبیه به اختیارات ووظائف کمیته لژ اعظم باتغییرات لازم جهت انطباق بارعایت سایرموازین این آئین نامه اداره خواهد نمود و حداقل چهارمرتبه در سال تشکیل می‌گردد — دعوتنامه برای جلسات کمیته اعظم ناحیه‌ای بادستورجلسه باید لااقل ۱۵روز قبل (جز درموارد ضروری) باطلاع اعضاء برساند برای جلسات فوری نیز باید اعضاء لااقل پنج روز قبل ازتاریخ دستورجلسه مطلع گردند. کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند به تعدادی که صلاح بداند ودرمواردی که لازم تشخیص دهد کمیته‌های فرعی ازبین اعضاء خود انتخاب وتعیین نماید.

ب ـ کمیته اعظم ناحیه‌ای یکی ازاعضاء لژاعظم ناحیه‌ای راکه درامرحسابرسی دارای تجربه و معلومات لازمه باشد معین می‌نماید که حسابهای صندوق های لژ اعظم ناحیه را رسیدگی وحسابرسی نموده و گزارش وضع آنها را طبق روش معمول درلژاعظم اسکاتلند تهیه و به لژ اعظم ناحیه‌ای بدهد.

ج ـ کمیته اعظم ناحیه‌ای اختیار تام داردکه اسناد واوراق ودفاتر مربوط به حسابهارا تاآنجاکه احتیاج داشته باشد خواسته ومورد امتحان ورسیدگی قراردهد. کسیکه ریاست جلسه کمیته اعظم ناحیه‌ای را عهده‌داراست دارای حق رأی دراین کمیته بوده ودرصورت تساوی آراء طرفی که رأی رئیس در آن واقع است برنده شناخته می شود.

د ـ کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند موضوعی را که نزد او مطرح شده در صورتیکه صلاح بداند به یك کمیته فرعی که ازاعضاء خود تشکیل می‌دهد ارجاع نماید واستاد اعظم ناحیه‌ای در هرجلسه از کمیته‌های فرعی که حضور داشته باشد ریاست آنرا برعهده خواهد داشت.

ماده ۱۰ ـ استاد اعظم ناحیه شخصاً یابه وسیله قائم مقام یا معاون خود همه ساله هر یك از لژهای تابع را که در حوزه مسئولیت او واقع است سرکشی نموده در هر موقع و در هرمکان که صلاح بداند جلسه لژ اعظم ناحیه‌ای را دعوت و

تشکیل داده و در موارد لزوم به لـژ اعظم اسکاتلند گزارش خواهد داد، قبل از سرکشی‌های مزبور دبیراعظم‌ناحیه‌ای باید استادلژ تابعی راکه لژاومورد سرکشی واقع می‌شود به وسیله اطلاعیه‌ای مطلع نمایند.

ماده ۱۱ ـ زیورها ـ نشانها و علامات لژ اعظم ناحیه‌ای.

الف ـ زیورها و نشانها طبق قوانین لژ اعظم اسکاتلند تهیه خواهد شد.

ب ـ لژاعظم ناحیه ایران می‌تواندعلامات خاصی برای خود انتخاب‌نماید.

ج ـ شعار لژ اعظم ناحیه‌ای ایران عبارت است از:

به افتخار نوع بشر

ماده ۱۲ ـ لژهای تابع ـ حقوقی‌که باید از طرف هرلژ تابع واقع در ناحیه به لژاعظم ناحیه‌ای پرداخت شود هر چند وقت یکبار براساس ماده ۱٤۰ قوانین اساسی‌لژاعظم اسکاتلند ازطرف لژاعظم ناحیه‌ای‌ایران تعیین می‌شود وتمام‌حقوقی که لژهای تابعه مزبور باید به لژاعظم اسکاتلند پرداخت نمایند تحویل دبیراعظم لژاعظم ناحیه‌ای می‌شود که برای لژ اعظم اسکاتلندی ارسال دارد.

ماده ۱۳ ـ حقوقی‌که اعضاء باید پرداخت کنند.

الف ـ هریك ازاعضاء لژاعظم‌ناحیه‌ای ایران (به استثنای نگهبان خارجی استاد اعظم ناحیه و استادان اعظم پیشین ناحیه‌ای و سرپرستان لژهای تابعه واقع در ناحیه) در صورتی دارای وضع مرتب خواهند بودکه همه ساله قبل از۳۱اکتبر آن سال مبلغ هفتصد ریال بـه عنوان حق عضویت بـه لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت نمایند و این حقوق علاوه بر مبلغی است که هریك از افسران لژ اعظم ناحیه‌ای باید بابت‌حق سمت افسری‌خود در لژاعظم پرداخت نمایند و در صورت تأخیریك سال در پرداخت حق عضویت فوق‌الذکر حق شرکت دررأی، از عضو تأخیر کننده سلب می‌شود.

ب ـ چنانچه برادری بعد از اتمام دوره ریاست خود در لژ مایل نباشد به عضویت خود در لژ اعظم ناحیه‌ای ادامه دهد باید فوراً دبیر اعظم ناحیه‌ای راکتباً

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مطلع نماید و درغیر این‌صورت نام او کماکان درلیست اعضاء لژاعظم ناحیه‌ای‌باقی خواهد ماند .

ج ـ پرداخت حقوق عضویت‌ده سال بطور یکجا عضو پرداخت‌کننده راعضو دائمی لژاعظم ناحیه‌ای قرارخواهد داد ولی‌فقط استادان‌ارجمند پیشین واستادان ارجمند شاغل حق دارند از این مزیت استفاده نمایند .

د ـ حقوقی‌که افسران باید پرداخت‌کنند .

افسران اعظم‌لژاعظم ناحیه‌ای باید در موقع شروع به‌خدمت افسری‌حقوق مخصوص زیر را پرداخت نمایند :

استاد اعظم ناحیه‌ای	۲۵۰۰ ریال
قائم‌مقام استاد اعظم ناحیه‌ای	۱۵۰۰ «
معاون استاداعظم ناحیه‌ای	۱۲۰۰ «
ناظراعظم مخصوص یك منطقه از ناحیه	۱۰۰۰ «
سرپرست اعظم اول ناحیه‌ای	۷۰۰ «
سرپرست اعظم دوم ناحیه‌ای	۷۰۰ «
دبیر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
خطیب اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
خزانه‌داراعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
امین اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
راهنمای اعظم اول ناحیه‌ای	۵۰۰ «
راهنمای دوم اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
مدیر اعظم تشریفات ناحیه‌ای	۵۰۰ «
معاون دبیر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
کتابدار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «

معمار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ ریال
زیور دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
کتاب بر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
شاعر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
شمشیر دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
مدیر موسیقی اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
ارگ‌نواز اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
مدیر انتظامات اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
بیرق دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
نگهبان داخلی اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
رئیس اعظم مباشرین اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «
مباشر یا مهماندار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ «

ه ـ حقوق مذکوردرفوق باید عیناً از طرف برادرانی هم که سمتهای فوق را بطورافتخاری دریافت می‌دارندپرداخت گردد مگر اینکه صراحتاً استاد اعظم ناحیه‌ای آنها را از پرداخت آن معاف نموده باشد.

و ـ حقوق فوق‌الذکر باید فوراً بعد از جلسه تنصیب پرداخت‌گردد ودر صورتیکه ظرف شش‌ماه از آن تاریخ پرداخت نشود سمت افسری مربوطه ممکن است بلامتصدی‌اعلام‌گردد ولی این‌اعلام برادرتأخیرکننده را ازمسئولیت‌پرداخت حقوق معوقه درمقابل لژاعظم ناحیه‌ای مبری نخواهد ساخت.

ز ـ حقوقی‌که بابت‌تعیین نماینده‌ازطرف سرپرستان‌آن به‌لژاعظم‌ناحیه‌ای پرداخت می‌شود۲۰۰۰ریال‌است واین حقوق باید ازوجوه لژ تابع مربوطه‌پرداخت شود.

ح ـ کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند درصورت تمایل دبیراعظم ناحیه‌وخزانه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دار اعظم ناحیه‌ای یا معاونین آنها را از پرداخت کلیه حقوقی که باید از طرف آنها تأدیه شود معاف نماید.

ماده ۱۴ـ حقوقی که هر لژ تابع علاوه بر پرداختی به لژ اعظم ناحیه‌ای باید به لژ اعظم ناحیه‌ای بپردازد بشرح زیر است :

الف ـ حقوق سالیانه ۱۰۰۰ ریال

ب ـ بابت ورود هر داوطلب یا هر الحاق ۲۰۰ ریال

ج ـ بابت هر عضو لژ تابع که دارای درجه استادی باشد ۵۰ ریال

د ـ بابت عضویت دائمی در یك لژ (بطور مقطوع) ۵۰۰ ریال

ه ـ بابت هر معافیت یا هر کسب اجازه مخصوص و یا اجازه تغییر آئین‌نامه و نظائر آن که احتیاج به تصویب لژ اعظم ناحیه داشته باشد ۵۰ ریال

ماده ۱۵ ـ حسابهای زیر باید توسط لژ اعظم ناحیه‌ای ایران ایجاد و افتتاح گردد .

الف ـ حساب عمومی ـ این حساب برای تمام دریافتی‌ها و مخارجی که طبق ماده ۷ مجاز باشد ایجاد و نگهداری می‌شود .

ب ـ حساب وجوه خیر .

۱ـ از حقوقی که بابت ورود یا الحاق هر تازه وارد به لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت می‌شود مبلغ پنجاه ریال به حساب وجوه خیریه لژ اعظم ناحیه‌ای ریخته می‌شود .

۲ـ کلیه حقوقی که افسران اعظم ناحیه‌ای سالیانه بابت سمت افسری خود به لژ اعظم ناحیه پرداخت می‌نمایند .

تبصره ـ این حساب از حساب وجوه عمومی لژ اعظم ناحیه جداگانه نگاه‌داشته می‌شود و استفاده از آن منوط به تصمیمات کمیته اعظم ناحیه‌ای خواهد بود .

ماده ۱۶ـ اصلاح یا تغییر آئین‌نامه ـ هیچ پیشنهاد اصلاح یا تغییر یا اضافه به این آئین‌نامه (یا به مواد تغییر یافته و یا اضافه به آن) در لژ اعظم ناحیه‌ای به عمل

نخواهد آمد مگر اینکه بصورت کتبی واصل و موضوع در دعوتنامه جلسه‌ای که پیشنهاد باید در آن مطرح شود درج شده باشد و در این صورت نیز موافقت اکثریت دو ثلث اعضاء حاضر واجد شرایط دادن رأی در جلسه مزبور و تصویب از طرف لژ اعظم اسکاتلندی ضروری است و بدون طی این مراحل صورت قانونی نخواهد گرفت.

ماده ۱۷۰- در موارد پیش بینی نشده در این آئین نامه طبق قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند (مخصوصاً مواد ۱۱۶ تا ۱۴۳) رفتار خواهد شد و هر مورد که مغایرتی بین مواد این آئین نامه با قوانین اساسی مزبور استنباط شود مفهوم قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند معتبر و متبع می‌باشد.

این آئین نامه بتصویب کمیته اعظم لژ اعظم اسکاتلند رسیده و اجازه اجرای آن داده شده است.

لژهای تابع

ماده ۱۴۴- هرگاه عده‌ای از استادان منظم بنائی آزاد که تعداد آنها از هفت نفر کمتر نباشد بخواهند لژ تابع جدیدی تأسیس کنند می‌توانند بوسیله یك درخواست دلائلی که به موجب آن شائق ایجاد چنین لژ جدیدی هستند اظهار داشته و از لژ اعظم استدعا کنند آنها را بصورت یك لژ منظم درآورده و به آنها فرمان لازم را اعطا نماید.

ماده ۱۴۵- درخواست کنندگان لژ جدید باید بضمیمه درخواست خود توصیه‌ای ممضی به امضای استاد ارجمند و سرپرستان لااقل دو لژ تابع دیگر واقع در ایالت یا ناحیه‌ای که لژ جدید را می‌خواهند در آن تأسیس کنند تقدیم دارند. استاد ارجمند و سرپرستان توصیه کننده باید قبلا موافقت لژهای خود را جلب کرده باشند. این درخواست باید مورد تأیید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای مربوطه بوده و درصورتیکه محل پیشنهادی درمنطقه مرکزی باشد مورد تأیید کمیته منطقه مرکزی واقع گردد و در صورتیکه درخواست برای تأسیس لژی داده شود که محل پیشنهادی آن خارج از منطقه مرکزی بوده و در قلمرو هیچ لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای نباشد باید توصیه استاد ارجمند و سرپرستان دو لژ که در نزدیکی محل لژ پیشنهاد شده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واقع باشند ضمیمه گردد. توصیه مزبور پس از جلب موافقت لژهای مربوطه صادر خواهد شد .

ماده ١٤٦ ـ هر فرمان مورخ بتاریخ اعطاء آن بوده و ترتیب تقدم لژهای تابع ازاین‌روتعیین می‌گردد کلیه فرامین باید بوسیله دبیراعظم دردفتر ثبت‌فرامین لژ اعظم ثبت‌گردد .

ماده ١٤٧ـ حقوقی‌که بایدبابت‌هر فرمان به‌لژاعظم تأدیه شود دربند٤ قسمت اول ازفهرست اول تعیین‌گردیده واین مبلغ بایستی در موقع تسلیم درخواست به دبیر اعظم پرداخت گردد هریك از برادران واجد شرایطی که درخواست فرمان می‌کنند بعد از صدور فرمان باید حقوق مخصوص مذکور دربند ٥ قسمت اول از فهرست اول را به‌لژاعظم پرداخت‌کنند . وهمچنین باید حقوق مذکور در بند ١٠ قسمت سوم از فهرست اول به لژی‌که تأسیس می‌شود بپردازد .

ماده ١٤٨ـ مراقبت درحفاظت‌کامل فرمان یك لژوظیفه خاص استاد ارجمند می‌باشد. هرگاه فرمان یك لژ مفقود ـ معدوم‌یا مورد تصرف غیرقانونی واقع‌شود صدور المثنی‌ممکن است از طرف‌کمیته اعظم اجازه داده‌شود وبرای صدورالمثنی حقوق مذکور دربند ١٤ قسمت اول‌از فهرست اول باید پرداخت‌گردد. این‌المثنی بایدبه امضای استاد بنای‌اعظم و دبیراعظم برسد و دارای همان قوت واعتبار نسخه اصلی خواهد بود. تقاضای صدور المثنی فرمان باید کتبی بوده و اظهار نامه‌ای‌که طبق‌مقررات تنظیم شده‌باشد مشعر برجریان واقعه و علت احتمالی فقدان‌ـمعدوم شدن یا تصرف غیر قانونی فرمان ضمیمه در خواست باشد . این اظهارنامه باید توسط استاد ارجمند و سرپرستان لژ در مقابل یك قاضی عالی‌مقام دادگاه بخش‌ـ دفترخانه اسناد رسمی‌یا قنسول‌انگلستان تنظیم شده‌باشد ودر صورت فوت یاغیبت افسران فوق‌الذکر اظهارنامه مزبور به همان ترتیب توسط پنج برادری‌که به این منظور از طرف لژ به آنها اجازه داده شده است تنظیم خواهد شد .

ماده ۱۴۹ ـ یك لژ قبل از اینکه بتواند طبق فرمان خود عمل نماید باید تقدیس گردد هرگاه فرمانی برای تأسیس لژ در ناحیه‌ای اعطاء شود که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای در آن وجود نداشته باشد لژ اعظم در این حال برادر واجد شرایطی را تعیین خواهد نمود که آن لژ را تقدیس نماید.

ماده ۱۵۰ ـ فرمان لژ باید در تمام مدت هر جلسه در اطاق لژ موجود و برای ملاحظه برادران باز باشد و چنانچه فرمان در اطاق لژ نباشد جلسه قابل تشکیل نخواهد بود. فرمان ـ کتب ـ اوراق ـ زیورآلات ـ البسه و اثاثیه پیرایشی یك لژ قابل انتقال به غیر نمی‌باشند. چنانچه اکثریت اعضاء یك لژ از آن خارج شوند اختیار ادامه دادن کار آن بدست اقلیت خواهد افتاد ولی چنانچه عده برادران واجد شرایط از هفت نفر کمتر شود لژ را می‌توان در حال توقف اعلام کرد و در این صورت فرمان ـ کتب ـ اوراق ـ زیورآلات ـ البسه ـ اثاثیه پیرایشی وموجودی های صندوق‌ها (که شامل صندوق مقرریهای سالیانه و صندوق خیریه نیز خواهد بود) به لژ اعظم مربوطه تخصیص یافته فوراً منتقل شده و تحویل لژ اعظم خواهد گردید. هرگاه فرمان کتب ـ اوراق ـ زیورآلات ـ البسه ـ اثاثیه پیرایشی ووجوه صندوقها از طرف یك یا چند نفر از اعضاء خاندان اسکاتلند غصب شود آن شخص یا اشخاص معلق یا اخراج خواهند شد. دبیر اعظم ـ دبیر اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا هر یك از اعضاء باقیمانده لژ در حال توقف که این ماموریت بـه او داده شود می‌توانند ازطرف لژ اعظم از محاکم حقوقی درخواست کنند تا حکم استرداد اموال فوق الذکر و پرداخت وجوه مزبور را به لژ اعظم صادر نماید.

یك لژ در حال توقف ممکن است توسط لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای احیاء گردد و برای این منظور باید لااقل هفت نفر از برادران واجد شرایط که ساکن ایالت یا ناحیه مربوطه بوده و یا (چنانچه در آن ناحیه لژ اعظم ایالتی یا ناحیه وجود نداشته باشد) در داخل یا در نزدیکی حوزه محل لژ پیشنهادی سکون داشته

باشند درخواست احیاء لژ در حال توقف را بنمایند مشروط براین‌که یکی یا بیشتر از اعضای لژ در حال توقف در این در خواست شرکت نماید .

ماده ۱۵۱ ـ هر لژ تابع برای تشکیل جلسات خود باید دارای محل یا محل های ثابت باشد که طبق ترتیب مقرر در ماده ۱۶۱ این قانون به تصویب رسیده باشد و تغییر این مکان یا امکنه نیز باید به همان ترتیب به‌تصویب برسد .

ماده ۱۵۲ ـ در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب نماید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی کمیته منطقه مرکزی برای نقاطی‌که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای وجود ندارد کمیته اعظم می‌تواند اجازه دهد که لژی جلسه یا جلسات خود را درمحل دیگری درهمان شهر یا منطقه تحت شرایط و محدودیت‌هائی که از طرف مقام اجازه دهنده مقرر می‌شود تشکیل دهد .

ماده ۱۵۳ ـ لژها از تشکیل هر نوع جلسه در روز های یکشنبه ممنوعند مگر اینکه موضوع جلسه نیایش خداوند یا مجلس تذکر یا تشییع جنازه یک برادر باشد .

ماده ۱۵۴ ـ هر لژ تابع باید قبل‌از شروع هرسال از لژاعظم تقاضای تجدید اجازه‌نامه خود را برای‌آن سال بنماید واین اجازه نامه باید تا اول ژانویه‌واصل شده باشد . اجازه نامه مزبور برای لژ متضمن این امتیاز است که می‌تواند طرف دوازده ماهی که به ۳۱ دسامبر همان سال ختم می‌شود ، جلسات ماسونی خود را با صحه لژ اعظم و تحت سرپرستی آن تشکیل دهد. این اجازه‌نامه باید قبل ازاول ژانویه هرسال مبلغ تعیین شده در بند ۶ قسمت اول از فهرست اول را پرداخت نماید. این‌حقوق شامل حقوق نمایندگی درلژاعظم وبهای‌نسخ خلاصه‌مذاکرات لژ اعظم وحقوق هرنماینده یاوکیل لژدر لژاعظم خواهد بود .

ماده ۱۵۵ ـ برای اینکه لژی استحقاق دریافت گواهینامه کار سالیانه خود را پیداکند باید اقرارنامه‌ای به امضای استاد ارجمند و دبیر لژ (و درغیاب‌آنها به امضای دو نفر از افسران لژ که از طرف لژ مجاز شده باشند) بـرای دبیر اعظم

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

فرستاده شود مشعر براین که با ضامن دادن شرافت خودشان بعنوان بنایان آزاد اعلام می‌دارندکه لژ حقیقتاً به نام یك لژ بنائی آزاد دائر و دقیقاً طبق این قوانین اداره می‌شود وهمچنین مواد فرمان اعطاء شده ازطرف لژاعظم بنحو شایسته رعایت شده و کاملا طبق این قوانین رفتار می‌شود .

ماده ۱۵٦ ـ لژهای تابع می‌توانند برگهای انتقال را طبق نمونه مخصوصی که قبلا ازعضویت تأخیر کرده است شناخته خواهدشد طرف لژ اعظم در مقابل حقوق مذکور در بند ۱۷ قسمت اول از فهرست اول در اختیار آنها گذاشته شده است به اعضاء واجد شرایط بدهند . این مبالغ طبق مصوبات کمیته اعظم می‌باشد .

برگ انتقال باید به امضای استاد ارجمند و دبیر لژ صادرکننده آن رسیده وازطرف دبیراعظم‌نیز تائید[1] امضاء شده باشد . این برگ در لژی‌که برادرمتقاضی به آن منتقل می‌شود نگاهداری می‌گردد .

برگ انتقال تا مدت ۱۲ ماه از تاریخ‌صدور دارای اعتبار است و چنانچه در ظرف‌این مدت برای عضو شدن در لژ دیگری از آن صرفنظر نشود عضویت‌کامل برادر استفاده کننده در لژ صادر کننده برگ انتقال ابقاء می‌گردد و مانند عضوی که در پرداخت حق شد . [کذا]

ماده۱۵٦ـ الف‌ـ عضو یك لژ تابع‌می‌تواند ازعضویت‌خود بوسیله‌اعلامیه‌کتبی که‌به‌دبیرمی‌دهداستعفادهد وچنانچه دارای‌وضع‌مرتب‌بوده ودرتاریخ استعفای‌خود مورد بازخواست‌های ماسونی‌نباشد لژمی‌تواندیك‌گواهی استعفا بدترتیب و فورمی که ازطرف‌لژاعظم تعیین‌گردیده‌است به اوبدهد وحقوق‌مربوط‌به‌برگ‌استعفامانند حقوق مربوط به برگ انتقال است که در ماده ۱۵٦ بالا ذکرگردیده وتوسط‌کمیته اعظم تعیین شده است. گواهی استعفا باید به امضای استاد ارجمند ودبیر لژرسیده و دارای امضای تائیدی دبیر اعظم باشد. برادری که از یك لژ استعفا داده و بخواهد مجدداً بعضویت همان لژ پذیرفته شود باید درخواست کتبی طبق فورم مقرر بدهد این درخواست باید به امضای دو نفر از برادران واجد شرایط یکی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

بعنوان پیشنهاد کننده و دیگری بعنوان تائید کننده رسیده باشد. این درخواست در جلسه عادی لژ قرائت و فوراً به کمیته تحقیق برای رسیدگی و گزارش ارجاع می‌گردد و سپس نسبت به آن به نحو مقرر درماده قانون ۱۸۰ با مهره رأی‌گرفته خواهد شد ودر صورتیکه مخالفی نباشد در خواست‌کننده مجدداً بعضویت‌پذیرفته می‌شود و باید حقوق مذکور دربند ۹ قسمت سوم ازفهرست اول یا هرمبلغ‌بیشتری را که در آئین‌نامه داخلی لژ مقرر شده باشد در موقعی که مجدداً جزو اعضاء لژ محسوب می‌گردد پرداخت نماید.

ماده ۱۵۷ ـ لژهای تابع منحصراً می‌توانند در درجات‌کارآموزی ـ کاریاری (که متضمن مارك نیز می‌باشد) و در درجه استادی و همچنین‌برای انجام تشریفات تنصیب استاد ارجمندکارکنند و کارکردن در درجات دیگر برای‌آنها اکیداً‌ممنوع می‌باشد و نیز لژهای تابع بهیچ‌گونه تشکیلاتی را که جنبه ماسونی به خودگرفته ولی‌از طرف لژاعظم یا سازمان ماسونی‌اعظم دیگری به‌رسمیت شناخته نشده است مورد توجه و اعتنا قرار دهند.

ماده ۱۵۸ ـ عضو یك لـژ تابع نمی‌تواند بهیچ عنوان در انجام مراسم هیچ درجه باآئین یا نظامی‌که ادعای‌ماسونی‌بودن داشته ولی ازطرف لژاعظم یالژهای اعظم وابسته و شناخته شده مجاز تشخیص نشده باشد بعنوان مهمان یا هر عنوان دیگری مراوده نماید. هر برادری‌که برخلاف‌این قانون‌رفتارکند معلق یااخراج خواهد شد.

ماده ۱۵۹ـ مارك فقط بداستادان‌بنائی‌آزادکه‌اسامی‌آنها دردفاترلژاعظم ثبت شده باشد اعطا می‌گردد و به برادرانی‌که تابع سازمان ماسونی دیگری باشند قبل از اینکه‌نام آنها بعنوان عضو ملحق شده در دفاتر لژاعظم ثبت‌شود اعطاء نخواهد شدولی یك لژ تابع مجاز است‌که خواهش لژتابع دیگری را مبنی براعطای‌مارك بدون الحاق به یکی یا بیشتر از اعضای آنها بپذیرد و این کار فقط در صورتی ممکن است‌که در خواست‌کتبی‌به امضای استادارجمند و سرپرستان لژ درخواست

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کننده به لژ اعطاء کننده مارك برسد و این درخواست در صورت جلسات هـر دو لژ باید درج گردد .

ماده ۱۶۰ ـ لژ تابع می‌تواند در آئین‌نامه داخلی خود حقوقی برای مارك مقرر بدارد مشروط براین که ازمبلغ تعیین شده در بند ۳ (الف) از قسمت سوم از فهرست اول کمتر نباشد چنانچه به منظور فوق حقوقی در آئین‌نامه پیش‌بینی نشده باشد حقوق مذکور در بند ۳ (ب) از قسمت‌سوم فهرست‌اول دریافت خواهد شد . هر برادر قبل از اینکه مارك به او اعطاء شود باید حقوق مذکور در بند ۱۰ قسمت اول از فهرست اول را برای ثبت دیپلم برادری‌که مارك به او اعطاء شده‌به لژ اعظم پرداخت نماید .

ماده ۱۶۱ـ به استثنای موادی ازاین قوانین‌که‌منحصراً مربوط به‌لژاعظم‌ـ کمیته اعظم ـ لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای بوده (و قابل عمل در لژهای تابع را با تغییرات لازم جهت انطباق‌تنظیم خواهد نمود) ودر مورد لژهای‌تابع عنوان(جلسه عادی) جایگزین اصلاح (جلسه ارتباطیه‌فصلی) می‌شود هرقسمت ازآئین‌نامه‌های داخلی که با این قوانین و آئین‌نامه عمومی (مندرج در فهرست دوم که شامل‌تمام لژهای‌تابع می‌باشد) مغایرت داشته‌باشد بلا اثر خواهد بود.آئین‌نامه داخلی‌برای هر لژ جز در موارد زیر ضرورت نخواهد داشت.

تعیین محل یا محلهای جلسات‌ـطرز دعوت جلسات ـ تاریخ وساعات‌جلسات عادی (که‌شامل جلسات‌مربوط‌به انتصابات‌ـانتخابات و تنصیب افسران نیزمی‌باشد) افسران لژ ـ کمیته‌ها ـ ممیزین حساب و انتصاب آنها . حق الزحمه افسران ـ اداره صندوقهای مختلف وجوه لژ ـ حفظ و اداره اموال‌انتقالی یا غیر منقول وبه کار انداختن سایر سرمایه‌های لژ ـ ورودیه‌ها و سایر حقوق مبلغ حقوق عضویت سالیانه‌اعضاومبلغ‌مربوط به‌حقوق‌عضویت‌یکجا(درصورتی‌که‌پرداخت‌حقوق‌عضویت را برای‌یك‌مرتبه ویکجا مجاز‌تشخیص‌دهند) وهمچنین‌کلیه موضوعات دیگری‌که بنابه‌تجویزکمیته اعظم‌بایدرآئین‌نامه‌داخلی‌تکلیف‌آنها معین‌گرددآئین‌نامه‌داخلی

وازطرف دبیراعظم‌نیز تائیداً امضاء شده باشد . این برگ در لژی‌که برادرمتقاضی به آن منتقل می‌شود نگاهداری می‌گردد .

برگ انتقال تا مدت ۱۲ ماه از تاریخ‌صدور دارای اعتبار است و چنانچه در ظرف‌این مدت برای عضو شدن در لژ دیگری از آن صرفنظر نشود عضویت‌کامل برادر استفاده کننده در لژ صادر کننده برگ انتقال ابقاء می‌گردد و مانند عضوی که در پرداخت حق شد [illegible]

لژها وتجدید نظر یا اصلاح آن در مرحله اول محتاج به موافقت وتصحیح ازطرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی محتاج به موافقت و تصحیح کمیته منطقه مرکزی می‌باشد و سپس باید برای تصویب به کمیته اعظم تقدیم‌گردد .

در مواردی‌که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای وجود ندارد آئین‌نامه‌های داخلی باید برای تجدید نظر وتصویب مستقیماً به‌کمیته اعظم تقدیم‌گردد. از تمام آئین‌نامه‌های‌داخلی تصویب شده باید دو نسخه چاپی به لژ اعظم ارسال‌گردد و همچنین دو نسخه به لژاعظم ایالتی یا ناحیه‌ای (درصورت وجود) یابه‌کمیته منطقه مرکزی (در صورتیکه لژ مربوطه تابع لژ اعظم منطقه مرکزی باشد) ارسال خواهد شد.

ماده ۱۶۲ ـ تعداد جلسات عادی یك‌لژ در هرسال مالی جهت اعطاء درجات (یا مارك) نباید از بیست وپنج جلسه تجاوز نماید. استادارجمند یك لژ و درغیاب او استادارجمند قبلی یك قائم‌مقام یا معاون استاد ارجمند اختیار دارد اجازه دهد جلسات فوق‌العاده یا مخصوص برای هرموضوع که بامقررات وفق دهد تشکیل گردد . عدهٔ جلسات فوق‌العاده یا مخصوص‌که یك لژ می‌تواند برای اعطاء درجات یا مارك ظرف دوازده ماه تشکیل دهد نباید از تعداد جلسات‌عادی‌آن لژ درهمان مدت تجاوز نماید .

ماده ۱۶۳ ـ هر لژ باید دارای مجموعه‌ای از دفاتر زیر باشد که عبارتند از :

۱ ـ دفتر درخواستهای عضویت که دارای فهرست نیز می‌باشد . ۲ ـ دفتر ثبت صورت جلسات . ۳ ـ دفتر صورت اسامی اعضاء . ٤ ـ دفتر ثبت حضوراعضاء. ٥ ـ دفترچهٔ قبوض رسید وجه . ٦ ـ دفاتر حسابهای خزانه‌داری نمونه هر یك‌از این دفاتر نزد دبیراعظم برای راهنمائی لژها نگاهداری می‌شود .

ماده ١٦٤ ـ دفاتر لژهای تابع باید همه ساله از طرف لژاعظم توسط‌استاد لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا بوسیلهٔ برادرانی که از طرف‌آنها تعیین شوند مورد رسیدگی قرار گیرد و درمنطقه مرکزی این‌رسیدگی از طرف‌کمیتهٔ منطقه‌مرکزی

انجام می‌گیرد اشتباه یا غلط یا از قلم افتادگی که در دفاتر روی داده باشد باید اصلاح گردد.

ماده ۱۶۵ ـ هر لژ تابع ملزم است یك نسخهٔ چاپی از آخرین چاپ این قوانین داشته باشد و اعضاء لژ می‌توانند در مواقع لازم این امر را بازرسی نمایند. بهر داوطلب در موقع ورود و بهر عضو سازمان ماسونی دیگر درموقع الحاق یك نسخه از چاپ اختصاری این قوانین که تحت نظر کمیتهٔ اعظم تهیه و در اختیار لژهای تابع گذاشته شده است به بهائی که از طرف کمیتهٔ اعظم تعیین می‌گردد داده می‌شود. این چاپ اختصاری باید فهرستهای اول و دوم را بـه طور کامل حاوی باشد.

ماده ۱۶۶ ـ هر لژ تابع باید درسال یك جلسه برای انتخاب افسران خود تشکیل دهد در این جلسه باید لااقل هفت عضو واجد شرایط حضور داشته باشند مگر در مورد لژهای واقع درخارج که ممکن است نسبت به تقلیل تعداد مزبور از استاد بنای اعظم یا از استاد اعظم ناحیه معافیت گرفته شده باشد.

در این انتخابات (و در انتخاب تمام کمیته‌هائی که صرفاً برای موضوعات ماسونی تشکیل می‌گردد) کارگاه باید دردرجهٔ سوم کارکند. فقط اعضاء واجدشرایط حق شرکت ورأی‌دادن و انتخاب شدن یا منصوب شدن بـرای سمتهای افسری و عضویت کمیته‌ها را خواهند داشت.

انتخابات مـزبور باید در یك جلسه تمام شود و نباید به تعویق انداخته شود.

در مدتی که انتخابات به عمل می‌آید یك نسخه از این قوانین باید روی میز باشد و این امر در صورت مجلس قید گردد. این مقررات در مواردی نیزکه در ظرف سال‌محل خالی یکی‌از انتخاب‌شدگان اشغال می‌گردد لازم‌الاجراءخواهد بود. هرگاه یك لژ جلسات جداگانه برای نامزدی و برای انتخاب افسران‌داشته باشد فاصله این دوجلسه بـاید لااقل شش‌روز تمام (بجز روز تعیین نامزدها وروز

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

انتخابات) باشد .

ماده ۱۶۷ ـ اعضاء ملحق شده به یك لژ برای اینکـه بتوانند در انتخاب افسران شرکت نموده یا به عنوان افسر یا عضو کمیته‌ای انتخاب یا منصوب شوند باید لااقل در جلسه‌ای که چهارده روز قبل ازجلسهٔ نامزدی افسران‌تشکیل‌یافته است به‌عضویت لژ پذیرفته شده باشند .

ماده ۱۶۸ ـ هر لژ تابع باید دارای افسران زیر باشد : استاد ارجمند ـ قائم مقام استاد ارجمند ـ معاون استادارجمند ـ سرپرست اول ـ سرپرست دوم ـ دبیر ـ خزانه‌دار ـ امین خیریه ـ راهنمای اول ـ راهنمای دوم ـ نگهبان داخلی و نگهبان‌خارجی . استاد ارجمندقبلی‌خود بخود افسر لژمی‌باشد یك لژمی‌تواند چنانچه عادت باستت آن بوده و با این قوانین مغایر نباشد پستهای افسر دیگری داشته باشد . هیچ‌لژی نمی‌تواند استاد ارجمند مارك‌یا افسران دیگر برای‌درجهٔ مارك انتخاب نماید مگر اینکه موضوع در فرمان آن ذکر شده باشد و کارهای این درجه وظیفهٔ‌استاد ارجمند لژبوده و باید بوسیلهٔ اوبابرادرانی‌که استادارجمند برای این‌کار انتخاب بنماید انجام پذیرد .

ماده ۱۶۹ ـ هرعضو واجد شرایط لژ می‌تواند برای انتخاب شدن جهت هریك از پست‌های افسری انتخابی درآن لژ نامزد گردد به استثنای مواردی که معافیت‌از کمیتهٔ اعظم گرفته شده باشد . هیچ برادری نمی‌تواند در بیش از یك لژ در یك موقع استاد ارجمند باشد و یا در یك لژ دو منصب را اشغال کند و یا اینکه درآن واحد در دولژ از یك ایالت یا ناحیه عهده‌دارسمت افسری‌باشد ولی هیچ یك ازاین ممنوعیت‌ها شامل پست‌نگهبان خارجی وعضویت‌کمیته‌ها درلژهای تابع‌نخواهد بود ومعافیت مزبور درنواحی واقع‌درخارجه از استاد اعظم‌آن ناحیه باید اخذ شود .

ماده ۱۷۰ ـ هر لژ تابع باید روز ثابتی را بـرای تنصیب سالیانهٔ افسران خود داشته باشد و دراین‌جلسه (جز در مورد لژهای واقع در خارج‌که می‌توانند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

باجازهٔ استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ناحیه‌ای از این قاعده معاف شوند) باید لااقل هفت‌عضوواجدشرایط حضور داشته باشند وبرادری‌که به سمت افسرانتخاب یا تعیین می‌شود نمی‌تواند قبل ازانجام مراسم تنصیب به این عنوان عمل نماید.

ماده ۱۷۱ - هرلژ تابع‌در روز تنصیب سالیانه باید برای صندوقهای خیریه لژ اعظم وجوهی جمع آوری نماید. وجوه مزبور در هرسال بنا به تصمیم کمیته اعظم ممکن است‌کلا یا جزئاً‌برای یك یا چند صندوق مخصوص ازصندوقهای‌فوق اخذگردد و قبل از جمع‌آوری این وجوه استاد ارجمند باید بوسیلهٔ بیان خود کمك به صندوقهای خیریه مزبور را به برادران توصیه نماید. تمام‌آنچه به این عنوان جمع‌آوری‌می‌شودباید بدون‌تأخیر توسط خزانه‌دار لژ برای لژاعظم‌ارسال شود و به حساب‌مذکور در بند ۲۳ قسمت‌اول ازفهرست اول تخصیص یابدوصورت اسامی لژها و اعانات ارسالی آنها ضمن‌گزارش لژ اعظم در ماه مه هر سال انتشار خواهد یافت.

ماده ۱۷۲ - دبیر هرلژباید ظرف یکماه ازتاریخ انتخابات سالیانه افسران اسامی ونشانی‌های استاد ارجمند - سرپرستان - دبیر و خزانـه‌دار را برای دبیر اعظم ارسال‌دارد ودرغیر این‌صورت‌هیچ نماینده لژ مجاز نخواهد بودکه‌درجلسات لژاعظم به این سمت حاضر شده و رأی بدهد.

ماده ۱۷۳ - عنوان استاد ارجمند درلژهای تابع «حضرت ارجمند» وعنوان سرپرستان «... ارجمند» می‌باشد.

ماده ۱۷٤ - در غیاب استاد ارجمند و استاد ارجمند قبلی یکی از استادان ارجمند پیشین برحسب تقدم یعنی هرکدام که تاریخ اشغال کرسی ریاست اومقدم باشد ریاست لژرا عهده‌دار خواهد شد و در غیاب تمام‌آنها قائم‌مقام یا معاون‌استاد ارجمندکرسی ریاست را اشغال خواهد نمود و هیچ افسر یا برادر نمی‌تواندشاغل کرسی ریاست گردد. در موقع اعطاء درجات استاد ارجمند یا برادری که ریاست می‌کند می‌تواند به سایر افسران یا برادران اجازه دهد قسمتهائی از ریتول راکه

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

معمولا توسط استاد ارجمند اجرا می‌شود انجام نماید ولی درهرحال سوگند باید توسط استاد ارجمند یا استاد ارجمند پیشین ـ قائم مقام یا معاون استاد ارجمندیا یکی از سرپرستان اول یا دوم لژ یا توسط استاد تنصیب شده لژدیگری که تابع لژاعظم بوده یا تابع یك لژ اعظم وابسته باشد انجام پذیرد .

ماده ۱۷۵ ـ هرداوطلب ورود (به درجهٔ اول) یا الحاق باید تقاضانامه‌ای حاوی اسم ـ شغل ـ تاریخ ومحل تولدـ ملیت و محل سکونت خودرا به لژ تابع تسلیم نماید و در همان‌تقاضانامه نکات زیر باید اعلام‌گردد :

۱ ـ آیا قبلا تقاضانامه‌ای برای ورود دریکی از لژهای زیرنظر لژ اعظم‌یا زیر نظر لژ اعظم‌وابسته تقدیم داشته است ؟ و دراین صورت چه‌وقت وبه کدام‌لژ یا لژها .

۲ ـ آیا قبلا تقاضایی‌آورده شده است؟ ودر این صورت چه وقت و از طرف کدام لژ یا لژها ؟ چنانچه تقاضانامه‌ای به لژی داده و بعداً آن را پس گرفته‌است باید این موضوع و دلیل استرداد تقاضا را نیز اعلام نماید هرتقاضانامه باید بـه امضای داوطلب و دو نفر از اعضاء واجد شرایط لژ تابع (یکی به سمت پیشنهـاد کننده و دیگری به سمت تأیید کننده) رسیده باشد . هر داوطلب الحاق علاوه بر دیپلم یا گواهی‌نامه عضویت خود که ازطرف لژ اعظم یایك لژاعظم وابسته صادر شده باشدباید یکی از مدارك زیر را ارائه دهد .

الف ـ برگ انتقال که روی نمونه منظم صادر شده باشد .

ب ـ و چنانچه مایل باشد در عین حال به عضویت در لژ خود باقی بماند باید گواهی‌نامهٔ ممضی به امضای استاد ارجمند ودبیر لژ مربوطه مشعر بر اینکه در وضع مرتب و منظمی می‌باشد ارائه دهد و بهای این گواهی‌نامه از طرف‌کمیتهٔ اعظم تعیین می‌گردد .

ج ـ و اگر از لژخود استعفا داده‌باشدگواهی استعفائی که طبق ماده ۱۵۶ـ الف از این قوانین به او داده شده باشد ارائه دهد. درخواست ورود از شخصی که

بکلی کور یاکرولال باشد و یا اینکه تقاضای او برای پذیرش در لژ دیگری هنوز مورد تصمیم قرار نگرفته است پذیرفته نخواهدشد ولی لژها مختارند درخواست ورود داوطلبانی را که یك عضو یا یك دست یا یك پای او قطع شده یا چلاق باشد بپذیرد . هرداوطلب ورود یا الحاق که ظرف دوازده ماه از تاریخ اخذ رأی نسبت به او خود را برای انجام مراسم معرفی ننماید باید درخواست جدیـدی بدهد و نسبت به این درخواست عیناً از هر جهت همان‌گونه رفتار خواهد شد که نسبت‌به تقاضا نامه بدوی .

ماده ۱۷۶ ـ هیچ‌لژ تابعی‌درخواست ورود داوطلبانی را که محل اقامت‌دائم آنها در انگلستان یا لژ اعظم ایرلند باشد مورد توجه قرار نخواهد داد مگراین که قبلا از استادبنای‌اعظم معافیت از این قاعده اخذ شده باشد ـ حقوق مربوط به این معافیت طبق بند ۱۶ قسمت اول از فهرست اول علاوه بر حق ورودبه باید از داوطلب‌اخذگردد این ماده‌قانون شامل اعضاء ارتش پادشاهی انگلستان‌که درلیست اکتیف هستند وهمچنین شامل لژهای دانشگاهها وکالجها و مدارس نخواهد بود.

ماده ۱۷۷ ـ هر لژ تابع دارای یك کمیته تحقیق خواهد بود که اعضاء آن عبارتند از :

استاد ارجمند ـ استادارجمند قبلی ـ سرپرستان دبیرخزانه‌دار ولااقل دو نفر دیگر از اعضاء واجد شرایط لژ کـه در جلسه انتخابات سالیانه یـا در جلسه تنصیب افسران تعیین می‌گردند وحد نصاب برای تشکیل‌کمیته چهار نفرمی‌باشد. کلیه درخواست‌های ورود یا الحاق باید در جلسه لژ قرائت شود و فوراً به کمیته تحقیق ارجاع گردد .

ماده ۱۷۸ ـ وظائف کمیته تحقیق عبارت است از : تحقیق کامل نسبت بـه اخلاق و صفات داوطلبان. مصاحبه با پیشنهاد دهنده و تائیدکننده راجع به اینکه از چه تاریخ داوطلب را شناخته و چه مناسبات و موجباتی باعث شده‌که نسبت به اخلاق و شایسته بودن او جهت عضویت اطمینان حاصل نماید .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مکاتبه با هر لژی‌که احیاناً تقاضانامه داوطلب را برای‌عضویت دریافت‌داشته ولی ردکرده است و نیز با هر لژی که داوطلب قبلا به آن تقاضانامه داده و سپس مسترد داشته است. مصاحبه با خود داوطلب و در مورد داوطلب ورودی‌که‌کمتر از سه سال قبل از تاریخ تقاضانامه در ایالت یا ناحیه‌ای‌که لژی در آن واقع است یا درنزدیکی آن لژسکونت یاشغل‌داشته‌است باید ازلژمزبور ویا از هرمنبع‌دیگری که مورد قبول کمیته اعظم یا دبیراعظم واقع شده باشد تحقیقات لازم بعمل آید.

کمیته تحقیق بایدکلیه جریانات خودرا درصورت مجلسهای خود قیدنموده و نگهداری نماید و نتیجه تحقیقات خود رابه لژ گزارش دهد. مادامی‌که گزارش کمیته تحقیق نرسیده است هیچ درخواست عضویتی مورد توجه لژ واقع نخواهد شد و این‌گزارش باید در ظرف دوازده ماه داده شود. در مورد لژهای‌تابع واقع‌در خارج‌رعایت مقررات مذکور در این‌ماده راجع‌به داشتن سه سال سکونت ـ یاشغل یاکار ضرورت نخواهد داشت ولی دراین موارد لژهای اعظم ناحیه (و در نقاطی‌که لژ اعظم ناحیه‌ای نباشد) کمیته اعظم مقرراتی را برای تحقیقات شایسته بداند می‌تواند برقرار نماید.

ماده ۱۷۹ ـ پس‌از آنکه‌کمیته تحقیق‌گزارش‌خودراکه مربوط به‌درخواست داوطلب است تکمیل و بدبیر لژ تسلیم نمود این گزارش باید به اطلاع اعضاء لژ برسد. درخواست ورود فقط در جلسه عادی لژ مطرح و بامهره نسبت به آن رأی گرفته خواهد شد. فاصله بین قرائت درخواست داوطلب (که طبق ماده ۱۷۷ به عمل می‌آید) واخذ رأی به‌آن نباید از چهارده روزکمتر باشد. وفاصله بین تاریخ وصول گزارش‌کمیته تحقیق به لژ و تاریخ اخذ رأی نباید از هفت روزکمترباشد و بین‌تاریخ اخذ رأی و موقع‌انجام تشریفات ورودبه درجه اول نبایدکمتر ازچهارده روز فاصله باشد. در محاسبه هریك از فاصله‌های چهارده روز و هفت روز مذکور در این ماده روز چهاردهم و روز هفتم جزء مدت محسوب می‌گردد.

ماده ۱۷۹ **الف** ـ ۱ ـ چنانچه خبرتشکیل جلسه‌ای‌که درخواست ورودطبق

ماده ۱۷۹ در آن طرح و اخذ رأی بعمل می‌آید به وسیله دعوت نامه یا اطلاعیه داده شد این دعوت‌نامه یااطلاعیه باید لااقل پنج روز قبل ازجلسه بهرعضو واجد شرایط تسلیم و یا برای او به پست داده شود و باید حاوی اسم ـ شغل ـ تاریخ ـ محل تولد ـ ملیت و محل سکونت داوطلب بوده و اسامی پیشنهاد کننده و تائید کننده را نیز دربر داشته باشد .

۲ـ چنانچه دعوت بوسیله آگهی بعمل آید باید روزنامه‌ای‌که آگهی درآن درج می‌شود لااقل چهل وهشت ساعت قبل از ساعت تشکیل جلسه درمحل انتشار یابد وکلمه رأی بامهره باید دراعلام قیدگردد .

۳ ـ در لژهائی که دعوت بوسیله اطلاعیه ـ دعوتنامه یا آگهی در روزنامه معمول نیست طرح تقاضای ورود و اخذ رأی نسبت به آن در جلسه عادی بعمل میآید که بفاصله لااقل چهارده روز از تاریخ قرائت تقاضانامه در جلسه عادی و هفت روز از تاریخ وصول گزارش کمیته تحقیق به دبیر لژ تشکیل شده باشد . در صورتیکه گزارش بعلتی دیرتر از مدت هفت روز فوق بـه دبیر لژ واصل شده باشد وصول گزارش کمیته تحقیق در جلسه منظم عادی‌که قبل از انقضای هفت روز مزبور تشکیل گردیده است بداطلاع لژ خواهد رسید وتذکر داده‌خواهدشد که این‌گزارش و درخواست مربوط توأماً درجلسه منظم بعدی‌طرح و مورد اخذ رأی واقع خواهد شد .

ماده ۱۸۰ـ در جلسه‌ای‌که درخواست مطرح می‌شود گزارش کمیته تحقیق قرائت وسپس نسبت به‌آن با مهره اخذ رأی بعمل می‌آیدکابه درخواستهائی‌که‌به کمیته تحقیق ارجاع می‌شود باید گزارش آن داده شود و نسبت به آن اخذ رأی بعمل آید مگر آنکه موضوع از طرف لژ مسترد و خارج شده باشد .تصمیم لژ نسبت بدرخواست هر داوطلب باید توسط دبیرلژ کتباً به او اعلام‌گردد . سه مهره سیاه مانع ورود داوطلب می‌گردد ولی لژهای واقع در خارجه می‌توانند درآئین‌نامه داخلی خود مقرر بدارند که دومهره سیاه مانع ورود خواهد بود . در مواقع تردید نسبت به‌نتیجه اخذ رأی بشرط اینکه بلافاصله عمل‌شود ممکن‌است اخذ ـ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

رأی یکبار تجدیدگردد . فقط اعضاء واجد شرایط لژ حق دادن رأی دارند قبل‌از انجام مراسم ورود یاالحاق‌هم داوطلب وهم پیشنهادکننده وتأییدکننده اوباید دفتر مخصوص ثبت درخواستها را امضاء نمایند .

ماده ۱۸۱ـ سن داوطلب باید در موقع درخواست ورود لااقل بیست و یك سال باشد به‌استثنای پسران استادان بنایان آزاد تابع لژاعظم‌که می‌توانند بعد از رسیدن به‌هیجده سالگی تقاضای ورود بدهند .

ماده۱۸۲ـ در موقع ورود یا الحاق ازیك لژ اعظم وابسته هر داوطلب باید شرافت‌خودرا ضامن دهدکه‌حافظ این‌قوانین بوده وازآئین‌نامه داخلی لژی‌که در آن وارد یا به‌آن ملحق می‌شود اطاعت خواهد نمود .

ماده ۱۸۳ـ هیچ داوطلب ورودی با کمتر از میزان حقوق مقرر دربند یك قسمت سوم از فهرست اول پذیرفته نخواهد شد و این مبلغ بـه او حق می‌دهد درجات‌کارآموزی کاریاری (توأم با مارك‌که مستلزم پرداخت حقوق اضافی مذکور در ماده ۱۶۰ نیز می‌باشد) و همچنین درجه استادی را بگیرد تمام حقوق مذکور در فوق باید قبل ازورود پرداخت شود بدون اینکه به‌هیچ‌دلیل چیزی‌از آن‌کسر ویا به‌تعویق انداخته‌شود حقوقی‌که درموقع الحاق به‌لژتابع پرداخت‌شود عبارت است ازمبلغ مذکور دربند۲قسمت سوم از فهرست اول علاوه برآن (درصورتیکه آئین‌نامه داخلی لژمقررداشته باشد)مازادحقوق ورودی‌لژی‌که می‌خواهد به‌آن ملحق شود نسبت به‌حقوق‌ورودی‌لژی‌که عضوآن‌بوده یابرگ انتقال ازآن دریافت داشته است .

ماده ۱۸٤ ـ ورود مجانی درخاندان والحاق مجانی به‌لژها ممنوع است .

ماده ۱۸۵ـ هرلژ تابع باید برای هرداوطلب‌که وارد می‌کند مبلغ معینی‌که بند۸ قسمت اول از فهرست اول مندرج است و برای هرداوطلب‌که ملحق می‌کند مبلغ مخصوصی‌که دربند ۹ قسمت اول فهرست اول تعیین شده به‌لژ اعظم بپردازد این مبالغ باید توأماً باگزارش مذکور درپاراگراف اول از ماده ۱۹۲ ظرف یکماه ازتاریخ ورود یاالحاق توسط خزانه‌دار لژبرای لژ اعظم ارسال‌گردد . هرداوطلب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ورود در موقع ورود وهرداوطلب الحاق ازسایرسازمانهای ماسونی در موقع الحاق باید مبلغ مذکور دربند ۱۱ قسمت اول ازفهرست اول را به‌عنوان مشارکت مستقیم وانفرادی درصندوق عمومی لژاعظم (ونه بعنوان حقوق اضافی به‌لژتابع) پرداخت نماید. به این مشارکت انفرادی توسط لژ تابع بحساب لژ اعظم وصول می‌شود و توأماً باسایر وجوهی‌که بایدلژتابع پرداخت‌کند به‌لژاعظم ارسال خواهد گردید.

ماده ۱۸۶- دیپلم‌های اعضای پذیرفته شده در لژهای تابع فقط از طرف لژ اعظم صادر می‌شود.

دیپلمهای واردین به‌درجه اول فقط بعد از آنکه به‌درجه استادی بنائی آزاد نائل شدند صادر می‌گردد و دیپلم‌های الحاق شدگان واعضاء مؤسس و استاد بنایان مارك فقط بعد از آنکه اسامی آنها باین عنوان دردفاترلژ اعظم به‌ثبت برسد صادر خواهد شد.

ماده ۱۸۷- هرلژ تابع ملزم است از کلیه اعضاء خود (باستثنای کارآموزان و کاریاران‌که حق اظهار عقیده ورأی ندارند) حق عضویت سالیانه‌ای‌که‌کمتر ازمبلغ تعیین شده دربند ٤ قسمت سوم از فهرست اول نخواهد بود وصول نماید واین‌حق عضویت جزدرصورتی‌که‌آئین نامه داخلی لژ نحوه دیگری مقرر داشته باشد باید قبل از تاریخ تشکیل جلسه سالیانه‌ای که افسران درآن نامزد می‌شوند پرداخت گردد. لژ تابع می‌تواند درآئین‌نامه داخلی اعضای واجدشرایط راکه مدت۲۱سال متوالی‌حق‌عضویت‌سالیانه‌خودرا‌پرداخته‌اندازپرداخت‌این‌وجوه‌درسالهای‌بعدمعاف دارد. جمع وصولی‌حقوق‌عضویت سالیانه باید مبلغی‌که‌کمترازمبلغ مذکور دربند٦ قسمت سوم ازفهرست اول نباشد برداشت وبه‌صندوق خیریه‌لژ ریخته شود و بقیه رابحساب صندوق عمومی لژمنظورگردد. هریك ازاعضای لژازجمله‌کارآموزان و کاریاران باید دبیر لژ را ازهرتغییری‌که درنشانی آنها حاصل‌می‌شود مطلع‌سازند.

ماده ۱۸۸- درصورتی‌که لژی دارای حقوق تخفیف یافته بوده یاتصمیم به داشتن آن‌گیرد اعضای واجد شرایط می‌توانندحقوق عضویت سالیانه خودرا برای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

تمام عمر یکجا بپردازند ومبلغ آن باید ازطرف لژتعیین ودرآئین‌نامه داخلی لژ ذکرگردد. ودر هرحال این مبلغ نباید از حداقل حقوق تخفیف یافته‌که دربند ۵ قسمت سوم ازفهرست اول معین شده‌است‌کمتر باشد. مبالغی‌که ازاین‌بابت وصول می‌گردد باید درحساب جداگانه نگهداری شده و قسمتی از آن که در آئین‌نامه داخلی لژ تعیین شده‌است همه ساله برداشت و به‌جمع وجوه حاصله ازحق عضویت سالیانه اعضاء اضافه وبهمان طریق نسبت بدآن رفتارگردد مشروط براینکه میزان برداشت مزبور درآخرهرسال مالی ازنسبتی‌که دربند ۵ قسمت سوم ازفهرست‌اول تعیین شده است زیادتر نباشد.

ماده۱۸۹ـ صندوق خیریه هرلژ تابع شامل وجوه زیر خواهد بود.

قسمت ۱ـ از حقوق عضویت سالیانه به‌نسبتی‌که درماده ۱۸۷ تعیین گردیده است. وقسمتی‌ازوجوه‌برداشتی سالیانه ازصندوق «حقوق تخفیف‌یافته» به نحوی‌که درماده۱۸۸معین شده‌است وتمام وجوهی‌که ازصندوق عمومی لژگاه بگاه‌به‌صندوق خیریه انتقال داده شود وهمچنین تمام حبه‌ها و بخششها بدلژکه توسط مؤسسات یا اشخاص (چه درزمان حیات وچه بموجب وصیتنامه) ازهرمنبع دیگری‌که باشد. وجوه صندوق خیریه را نمی‌توان بمصرف پرداخت هزینه‌ها یادیون لژ رسانید. این وجوه باید بامانت سپرده شده وازسایروجوه لژبکلی جداگانه نگهداری‌شود و فقط طبق تصمیمات لژ آنهم منحصراً برای امورخیریه ماسونی اداره شده و به مصرف برسد. بکارانداختن وجوه این‌صندوق فقط به‌نحوی‌که باقوانین تراستهای اسکاتلند مطابقت داشته‌باشد ممکن‌می‌باشد وتمام سرمایه‌گزاری‌ها ازاین‌محل بنام استادارجمند و دبیرلژ وخزانه‌دار (یا امین خیریه) و جانشینهای آنها به عنوان معتمدین صندوق مزبور انجام خواهد شد ولی لژ می‌تواند تصمیم بگیرد که این سرمایه‌گزاری بنام‌هربانکی‌که‌ازطرف‌کمیته اعظم‌تصویب شده باشد یابنام‌اشخاصی که از طرف آن بانك بعنوان معتمد معرفی شوند بعمل‌آید وجوه صندوق خیریه باید در حساب مخصوصی در بانك ریخته شود.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مقررات فوق درمورد هر صندوقی که نظیر آن در لژ اعظم بنام صندوق سالیانه نامیده می‌شود و همچنین درمورد هر صندوقی که از طرف لژ تابع برای منظورهای خاص خیریه‌های ماسونی تأسیس شده یا بشود با تغییرات لازم جهت انطباق باید رعایت گردد.

ماده ۱۹۰ ـ تمام حسابهای بانکی لژ و رسید سپرده‌ها باید بنام لژ باشد. چکها و براتهائی که روی این حسابها کشیده می‌شود باید به امضای دو نفر از افسران زیر باشد. استاد ارجمند ـ دبیر و خزانه‌دار (یا امین خیریه) ـ و ظهرنویسی‌ها به نفع لژ نیز به طریق فوق انجام خواهد شد.

ماده ۱۹۱ ـ هر برادری که در پرداخت حق عضویت سالیانه خود موضوع ماده ۱۸۷ این قانون تأخیرکننده شناخته شود حقی به دریافت اطلاعیه مربوط به دعوت جلسات را نداشته ـ قابل انتخاب شدن برای پست افسری و عضویت کمیته نبوده حق مداخله و دادن رأی درموضوع پرداخت‌هائی که از صندوقهای لژ می‌شود نداشته و نسبت به هر موضوعی که در لژ مطرح شود حق اظهارنظر و دادن رأی نخواهد داشت.

تأخیر پرداخت هر قدر باشد هیچگاه بابت بیش از پنج سال آن از تأخیرکننده مطالبه نمی‌شود و هیچ تخفیفی بیش از این نمی‌توان برای تأخیرکننده قائل شد مگر در لژهای واقع درخارجه آنهم درصورتی که در آئین‌نامه داخلی لژ مقرر شده باشد که تأخیرات عضو تأخیرکننده را بتوان در مقابل مبلغ معین مذکور در آئین‌نامه داخلی واریز نمود ولی این مبلغ در هرحال نمی‌تواند کمتر از وجه حق عضویت سالانه آن لژ باشد. عدم پرداخت حق عضویت سالیانه هیچ برادر را از حق حضور یافتن در لژ خود محروم نخواهد کرد ولی حق حضور در سایر لژها را نخواهد داشت. لژ تابع می‌تواند در آئین‌نامه داخلی خود تفاوتی بین حق عضویت سالیانه اعضائی که در داخل یا خارج از شعاع معینی سکونت دارند قائل شود مشروط بر اینکه درهرصورت حد اقل تعیین شده برای حق عضویت سالیانه هر عضو از آنچه در ماده

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۱۸۷ این قانون مقرر شده است کمتر نباشد.

ماده ۱۹۲ ـ هرکس درلژ تابع وارد یا به‌آن ملحق می‌شود باید نامه او در دفاتر لژ اعظم ثبت گردد. هرلژ تابع باید ظرف یکماه بعد از هرورود بدرجه اول یا الحاق‌گزارشی به لژاعظم بدهدکه شامل نام ـ شغل وسن تازه وارد یا ملحق شونده وهمچنین تاریخ اعطاء درجه یا قبول الحاق ومبلغی‌که برای ورود یا الحاق دریافت شده است باشد به علاوه درمورد برادری‌که ملحق می‌شود تاریخ ثبت نامه و شماره لژ اصلی او و همچنین تاریخ دیپلم او باید درگزارش مزبوربرای لژاعظم ذکر گردد و نیز لژ باید درظرف یکماه ازتاریخ اعطاء درجه دوم یا سوم یا اعطاء مارك به هرعضو اطلاعیه مربوطه را برای لژ اعظم ارسال دارد. هرلژ تابع ظرف سه ماه ازتاریخ درخواست دبیر اعظم باید صورت اسامی تمام اعضاء واجد شرایط لژ را طبق نمونه‌ای‌که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد برای لژ اعظم ارسال دارد و همچنین در آخر هرسال از آن تاریخ روی نمونه دیگری که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد کلیه تغییراتی راکه ظرف ۱۲ ماه ازتاریخ آخرین‌گزارش حاصل شده است ارسال دارد.

ماده ۱۹۳ ـ هرگاه لژ تابعی در ارسال اطلاعیه مربوط به عضو جدید خود یا در پرداخت حقوق مربوط به او به لژ اعظم کوتاهی کند عضو ذینفع با ارائه مدرکی به دبیر اعظم مشعر براینکه حقوق لژ را کاملا پرداخته است حق خواهد داشت که اسم خود را در لژ اعظم به ثبت برساند و لژ مربوط باید فوراً حقوق لازم را پرداخت نماید.

ماده ۱۹٤ ـ هرلژ تابع که یك سال درفرستادن اطلاعیه‌های مذکور درماده فوق یا حقوق لژ اعظم تأخیر نماید خود به خود حق داشتن نماینده در لژ اعظم از آن سلب می‌شود وتا موقعی‌که این گزارشها نرسد و حقوق تأخیرشده پرداخت نگردد او ازاین حق محروم خواهد بود. لژی‌که درپرداخت حقوق لژ اعظم دو سال تأخیر نماید راکد محسوب خواهد شد ولی تجدید فعالیت آن با شرایطی که

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

لژ اعظم تعیین نماید امکان پذیر خواهد بود .

ماده ۱۹۵ ـ هرلژ تابع که گزارشهای خود را به لژ اعظم ندهد یا حقوق خود را نپردازد یا گزارشهای ناقص یا فریب دهنده بدهد یا سایر تعهدات مالی خود را انجام ندهد فرمان آن درمعرض استرداد و ابطال قرار می‌گیرد یا ممکن است ازمزایای ماسونی معلق شده ویا بنابه تصمیم لژ اعظم به نحودیگری درباره آن حکم شود .

ماده ۱۹۶ ـ یك لژ تابع نمی‌تواند دریك روز بیش از یك درجه اعطاء کند و جز در مورد مارك تعداد داوطلبانی‌که در یك روز درجه می‌گیرند نباید از پنج نفر تجاوز نماید . لژتابع نمی‌تواند درجه ومارك را در یکروزبدهد یا اینکه همان درجه یا مارك را بیش ازیکباردریك روزاعطاء نماید یك‌کارآموزرا نباید به‌درجه کاریاری واصل کرد . و یك کاریار را نمی‌توان به درجه استادی ارتقاء داد مگر اینکه لااقل چهارده روزازتاریخ اعطاء درجه قبلی به داوطلب گذشته باشد. کمیته اعظم می‌تواند به استادان اعظم ناحیه وبه استادان لژهای‌تابع درخارجه‌که دارای لژ اعظم ناحیه‌ای نیستند اختیار معافیتی بدهد مشعر براینکه درصورت ضرورت اجازه دهند درجه بالاتررادرفاصله‌لااقل هفت روز(به جای‌چهارده روز)به‌برادران اعطاء نموده و تعیین مدت این اختیار معافیت باکمیته اعظم می‌باشد . در محاسبه چهارده روز و هفت روزمذکور در این ماده روزهفتم و روزچهاردهم جزء مدتهای مذکور فوق احتساب خواهد شد .

ماده ۱۹۷ ـ چنانچه برادری هنوزعضولژتابع نشده وبخواهند اورابه‌درجه کاریاری رسانیده و یا بدرجه سوم ارتقاء دهند باید قبل از انجام تشریفات درجه مزبور از طریق الحاق عضو لژ گردد ولکن لژ تابع می‌تواند از راه مساعدت با رعایت ماده ۱۹۶ بدون الحاق نیزکارآموز یا کاریار عضو لژتابع دیگررا به درجه دوم رسانیده یابه درجه سوم ارتقاء دهد مشروط براینکه درخواست‌کتبی با امضاء استاد ارجمند و سرپرستان لژ درخواست کننده برای این مساعدت رسیده باشد

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

واین درخواست باید درصورت مجلس‌های هر دو لژ درج گردد. این مساعدت ممکن است درباره عضو لژ تابع هر یك از لژهای اعظم وابسته نیز به عمل آید مشروط بر اینکه طبق قرارداد با لژ اعظم متقابلاً همین مساعدت از طرف لژهای اعظم وابسته‌ای که چنین درخواستی دارند نسبت به اعضاء لژهای تابع لژ اعظم اسکاتلند نیز بشود و دراین مورد درخواست مربوطه باید با رعایت شرایط مذکور در فوق از طریق دبیران اعظم دو لژ اعظم به لژ تابع واصل شده باشد.

ماده ۱۹۸ ـ چنانچه یکی از اعضاء لژ تابع متهم به خلافی شود لژ مزبور حق دارد اورا محاکمه نماید. شکایت‌نامه کتبی که موضوع اتهام در آن تصریح شده باشد به وسیله نامه‌ای با پست سفارشی به آخرین نشانی معلوم به برادر متهم ابلاغ می‌شود و او می‌تواند در ظرف چهارده روز از تاریخ به پست‌دادن نامه مزبور یا در ظرف مدت بیشتری که در شکایت‌نامه تعیین شده باشد کتباً به آن پاسخ دهد. به وصول پاسخ مزبور یا در آخر مهلت مرقوم در فوق موضوع شکایت برای رسیدگی و قضاوت در جلسه عادی لژ مطرح خواهد شد. در دعوت نامه جلسه‌ای کـه شکایت در آن مطرح می‌شود باید از طرف دبیر لژ جریان شکایت و پاسخ آن (اگر رسیده باشد) و این‌که موضوع شکایت مورد رسیدگی و قضاوت لژ واقع خواهد شد درج گردد و در مورد جلسه‌هائی که به وسیله دعوت‌نامه تشکیل نمی‌گردند این جلسه به طریقی که کمیته اعظم مقرر بدارد یا دبیر اعظم از طرف آن معین کند تشکیل خواهد شد. اطلاعیه این جلسه باید لااقل چهارده روز کامل قبل از روز تشکیل جلسه به‌وسیله پست سفارشی به آخرین آدرس معلوم برادر متهم اعم از اینکه به شکایت‌نامه پاسخ داده یا نداده باشد فرستاده شود و او حق خواهد داشت در این جلسه و هر جلسه بعدی دیگری که موضوع جهت طرح در آن به تعویق افتد حضور یافته و مدافعات خود را ابراز دارد و بعد از آن که مطلب مورد رسیدگی و سنجش قرار گرفت تصمیم لژ به وسیله رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط که نسبت به موضوع رأی داده‌اند اتخاذ می‌گردد و فقط اعضائی که در تمام جریان بحث مطلب حاضر بوده‌اند حق رأی

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دادن خواهند داشت. چنانچه شکایت وارد تشخیص شود لژ رأی خود را به صورت توبیخ نامه یا دادنامه‌ای بهر نحوکه اکثریت آراء تصویب نماید صادر خواهدکرد معذلك‌لژیك تابع نمی‌تواند دادنامه‌ای مشعر براخراج صادرکند زیرا این‌اختیار فقط به لژ اعظم تعلق دارد ولی چنانچه اوضاع و احوال تخلف را بقدر کافی‌شدید و مهم نشان دهد یك لژ تابع می‌تواند به لژ اعظم توصیه کند برادری از خاندان اخراج گردد. رأی صادر شده از لژ باید بلافاصله کتباً به وسیله پست سفارشی به برادر مورد رأی ارسال گردد و در این نامه ذکر شودکه رأی صادر شده قطعی‌است مگر این‌که‌ظرف یك ماه از تاریخ به پست‌دادن نامه اخیرالذکر به لژاعظم‌ایالتی یا با ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (در صورتی کـه لژ در حوزه حاکمیت یك لژ اعظم ایالتی‌یا ناحیه‌ای نباشد) از آن دادنامه استیناف خواسته‌شود . در اوضاع واحوال خاص کمیته اعظم می‌تواند به وسیله دبیر اعظم مهلت یك ماه مقرری برای دادن استیناف را تمدید نماید .

ماده ۱۹۹ ـ هیچ دادنامه قبل از قطعیت نباید اجراء یا منتشر گردد ولی‌لژ تابع اختیار دارد چنانچه به لحاظ رعایت آرامش و هماهنگی مصلحت بداند در فاصله بین صدور دادنامه و قطعیت آن برادر معلق را به جلسات خود نپذیرد .

ماده ۲۰۰ ـ ازهردادنامه‌ای‌که طبق ماده۱۹۷صادرشود بایدفوراً اطلاعیه‌ای توسط دبیرلژتابع برای دبیراعظم یادبیراعظم لژاعظم ایالتی‌یا ناحیه‌ای(برحسب مورد) فرستاده شود. در این اطلاعیه باید گواهی شود که دادنامه صادر طبق ماده ۱۹۸ کتباً جهت برادر مورد رأی ارسال‌گردیده و نیزباید تاریخ به پست‌دادن نامه فوق که برای برادر مزبور فرستاده شده است در اطلاعیه ذکر گردد .

ماده ۲۰۱ ـ برادری که رأی صادره از لژ تابع (برعلیه خـود را) عادلانه نمی‌داند می‌تواند ظرف مهلت مذکور در ماده ۱۹۸ به لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (برحسب مورد) مراجعه و از آن پژوهش بخواهد برحسب این که از هر یك از مراجع (لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای ـ کمیته اعظم یا لژ اعظم)

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خواسته شده باشد طبق مواد ۱۲۸ ـ ۹۵ ـ ۱۰٤ تا ۱۱۱ جریان خود را طی خواهد کرد .

ماده ۲۰۲ ـ دادنامه صادرشده نسبت به برادری که به موقع از آن استیناف نخواسته و از طرف کمیته اعظم نیز ماده ۹۵ تغییر داده نشده است به خودی‌خود قطعی می‌شود ـ مزایای ماسونی از چنین برادری سلب‌شده تلقی و دیگر مجاز نخواهد بود در لژ اعظم یا در هر یك از لژهای اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در هیچ لژ تابع حضور پیداکند مگر این‌که مدت محکومیت مزبور منقضی شده و یا قطع گردد.

ماده ۲۰۳ ـ مدت دادنامه‌های مشعر بر تعلیق که بدون مدت صادرشده‌باشد فقط به وسیله لژ اعظم قابل تعیین می‌باشد .

ماده ۲۰٤ ـ لژهای تابع و برادران منفرداً ومجتمعاً از اینکه جریان لژ اعظم یا کمیتهٔ اعظم را به وسیلهٔ اعلان در جراید یا ارسال اطلاعیه یا گزارش به وسائل دیگر به اطلاع لژها و اعضاء خاندان برسانند ممنوعند مگر با اجازه از کمیتهٔ اعظم و از اعطاء این اجازه بدون دلیل عقلائی خودداری نخواهد شد .

ماده ۲۰۵ ـ برادران از استعمال علامات در بنا ولواحق محل کسب و کار خود یا دیگران ممنوعند .

همچنین از استعمال علامات ماسونی در هر اطلاعیه یا اعلانی که مستقیماً و منحصراً مربوط به اطلاعات ماسونی و تشریفات والبسه وزیورها یا اثاثیه ماسونی نباشد ممنوع می‌باشند و نیز ممنوعند از اینکه هیچ کلمه‌ای را که به عقیدهٔ لژ اعظم یا کمیتهٔ اعظم اشاره یا دلالت بر بستگی با بنائی آزاد دارد جزء اسم تجاری خود قرار داده یا به نام و عنوان کسب وکارخود ملحق یا مربوط نمایند .

ماده ۲۰٦ ـ درخواستهائی‌که برای کمك به صندوقهای یك لژ تابع تهیه می‌شود در اختیاراشخاص حقیقی‌یا حقوقی و یا انجمن‌هائی که از اعضاءآن‌تشکیل نیافته باشد گذاشته نمی‌شود مگر با اجازهٔ کمیتهٔ اعظم آنهم در صورتی که کتباً به تصویب استاد اعظم لژ اعظم‌ایالتی یا ناحیه‌ای یا کمیتهٔ منطقه مرکزی(برحسب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مورد) رسیده باشد .

ماده ۲۰۷ ـ لژهای تابعی که با بی‌احترامی نسبت به استاد اعظم ـ استاداعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و هرکس که از طرف آنها عمل می‌نماید و یا نسبت به لژاعظم ـ کمیتهٔ اعظم ـ لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و یا نسبت به کمیتهٔ اعظم ناحیهٔ منطقهٔ مرکزی رفتار نمایند و یا طبق دستورات و قضاوتهای آنها رفتار نکنند و یا اینکه از متابعت از هریك از این قوانین تخلف نمایند آنها در معرض تعلیق یا ابطال قرار می‌گیرد و چنانچه در هر یك از موارد فوق بی‌احترامی یانافرمانی از طرف یك فرد لژ باشد آن برادر درمعرض تعلیق قرار خواهدگرفت .

ماده ۲۰۸ ـ برادر عضو لژ تعلیق یافته یا عضو لژی که فرمان آن ابطال گردیده قابل انتخاب به سمت عضو لژ اعظم یا یك لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا یك لژ تابع دیگر نخواهد بود مگر اینکه کتباً عدم موافقت خود را نسبت به رفتاری که منجر به تعلیق لژ یا ابطال فرمان گردیده است اظهار داشته ورد ایراد از او مورد قبول کمیتهٔ اعظم واقع شده باشد .

ماده ۲۰۹ ـ لژهای تابعی که دارای شرکت‌های انتفاعی وابسته به خود می‌باشند نمی‌توانند عضویت در چنین شرکت‌هائی را شرط عضویت درلژ قرار داده یا اینکه این موضوع را شرط لازم برای سمت افسری درلژ قرار دهند . لژهائی که چنین شرکتهای انتفاعی دارند باید حسابهای آن را بکلی از حسابهای لژ جدا نگاهدارند .

فهرست اول

حقوق وسایر مبالغی که به وسیلهٔ قوانین پیش‌گفته معین شده یا مجاز تشخیص داده شده است .

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

یادداشت : تمام مبالغ مذکور در قسمت اول از این فهرست باید به درآمد صندوقهای عمومی واریز شود مگر اینکه به نحو دیگری مقرر باشد . این مبالغ باید به لیره انگلیسی پرداخت گردد .

قسمت اول

مبالغی که باید به لژ اعظم پرداخت شود :

بند ۱ ـ (مادهٔ ۷٤) حق عضویت سالیانه هرعضو لژ اعظم غیر از نمایندگان. لژهای تابع (که شامل بهای نسخه اوراق چاپی جریانات لژ اعظم نیز خواهد بود) ۰۰۰۰۰ ـ ۱۰ ـ ۱۰ پوند

بند ۲ (ماده ۱۱٤) که ازطرف استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای . بابت این مأموریت ۰ـ۱۰ـ۱۰ پوند

بند ۳ (ماده ۱۱۵) بابت هر تجدید مأموریت بند ۲ ۰ ـ ۲ ـ ۲ پوند

بند ٤ (ماده ۱٤۷) فرمان لژهای تازه ۰ ـ ۱۰ ـ ۱۰ پوند

بند ۵ (ماده ۱٤۷) ثبت نام و دیپلم هرعضو مؤسس

الف ـ اگر عضو یك لژ تابع باشد ۰ـ۵ـ۰ پوند

ب ـ اگر عضو تابع یك لژ اعظم دیگر باشد ۰ ـ ۱۰ ـ ۱ پوند

بند ٦ (ماده ۱۵٤) لژهای تابع پرداختهای سالیانه لژ تابع بابت گواهی‌نامه کار سالیانه و حقوق نمایندگی در لژ اعظم و بهای چهار نسخه از اوراق جریانات چاپی لژ اعظم ۰ ـ ۰ ـ ۳ پوند و این مبلغ تشکیل می‌شود از :

لژ اعظم ۰ـ۱۰ـ۱ پوند ۲ـ چهار نسخه از جریانات چاپی لژ اعظم ۰ـ۱۰ ـ ۱ پوند

جمعاً ۰ ـ ۰ ـ ۳ پوند

بند ۷ (ماده ۷۰) حقوقی که باید از طرف هرعضو وکیل لژ اعظم در موقع انتصاب پرداخت گردد ۰ ـ ۱۰ ـ ۰ پوند

بند ۸ (ماده ۱۸۵) بابت هر تازه وارد از طرف لژ ۰ـ۱۵ـ۰ پوند که به شرح زیر تقسیم می‌شود :

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

برای دیپلم ۰ ـ ۵ ـ ۰ برای ثبت نام ۰ ـ ۱۰ ـ ۰ ـ ۰ ـ ۱۵ ـ ۰

وازطرف لژهای تابع واقع در اسکاتلند یك شیلینگ از هرپوند که بابت پذیرش ازهر تازه وارد دریافت می‌گردد .

بند ۹ (ماده ۱۸۵) بابت‌هر الحاق‌ازطرف لژ: **الف** ـ اگر نام قبلا دردفاتر لژ اسکاتلند بدثبت‌رسیده‌باشدواز بابت‌ثبت‌دیپلم ۰ ـ ۵ ـ ۰ ـ پوند **ب** ـ اگر نام قبلا در دفاتر لژ اسکاتلند به ثبت رسیده باشدهمان‌مبلغ‌که برای هر تازه واردپرداخت می‌شود ودربند ۸ بالا ذکر گردیده.

بند ۱۰ (ماده۱٦۰) بابت ثبت نام هراستاد مارك که شامل دیپلم نیز خواهد بود ۰ـ۵ـ۰ پوند

بند۱۱ (ماده ۱۸۵) ازطرف اعضاء جدید لژهای تابع مبلغی‌که باید هر تازه وارد وهرعضوالحاقی ازیك لژاعظم دیگر (علاوه برآنچه‌که‌باید به لژ بدهد) به لژ اعظم ۰ ـ ۱۰ ـ ۰ پوند بپردازد. بند ۱۲ (ماده۸۵) استادان تنصیب شده حق ثبت نام استاد تنصیب شده و بابت دیپلم او ٦ـ۱۰ـ۰ پوند

بند ۱۲ (ماده۸۵) حق‌گواهی‌نامه خدمت افسران اعظم پیشین ۰ ـ ۵ ـ ۰ پوند .

بند ۱٤ (ماده ۱٤۸) المثنی فرمان ۰ ـ ۲ ـ ۲ پوند

بند ۱۵ (ماده ۸٦) المثنی‌یااصلاحیه دیپلم ۰ ـ۵ـ۰ پوند

بند ۱٦ (مادهٔ ۸۷) حق معافیتی‌که استادبنای اعظم صادر می‌کنده ـ ۱ ـ ۱ ـ پوند .

بند ۱۷ **الف** (ماده ۱۵۵) دفترچه‌شامل۱۲گواهی ثبت نام ٦ ـ ۳ ـ ۰پوند .

بند۱۷ **ب** (ماده۱۷۵) دفترچهٔ شامل ۱۲برگ تصفیه‌حساب بالژ ٦ ـ ۳ ـ ۰ پوند .

بند ۱۸(ماده۱۵) نسخ‌اوراق‌جریانات‌چپی‌نسخ‌چاپی‌فوق‌الذکر قابل‌تحویل‌به

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عضو خاندان (بنای) آزاد درمقابل مبلغ فوق خواهد بود .

بند ۱۹ ـ (ماده ۱۰۷)اوراق چاپی۔ اوراق درخواست۔اوراق شکایت۔ اوراق پژوهش یا سایرلوایح‌هرکدام ۰ ـ ۵ ـ ۰ پوند. سایراوراق‌چاپی‌مربوط به‌عملیات یااقدامات بابت‌هرورقه ۱ ـ ۱ ـ ۰ پوند. بابت هرگزارش عمل یااقدام ۱ ـ ۱ ـ ۰ ؛مستخرجه از نسخ اوراق چاپی یا مربوط به اقدامات .

الف ـ بابت صفحه اول که شامل ۲۵۰ کلمه یاکمتر باشد ٦ ـ ۲ ـ ۰ پوند .

ب ـ بابت هر یك از صفحات‌بعدی‌که شامل ۲۵۰کلمه یا کمتر باشد ٦ـ۱ـ۱ پوند .

بند ۲۰ (ماده ۷۷) قوانین اساسی بابت نسخه کامل قوانین اساسی (هرمبلغ که کمیتهٔ اعظم تعیین نماید) .

بند ۲۱(ماده ۱٦۵)نسخه طبع‌شده‌اختصاری قوانین مزبور (هرمبلغ‌که‌کمیته اعظم تعیین نماید).

بند ۲۲ (ماده ۲) حقوق افتخاری (که سالیانه بـه صندوق خیریه لژ اعظم پرداخت شده و علاوه بر حق عضویتی است کـه باید به صندوق عمومی پرداخت شود) .

استاد بنای اعظم	۰ ـ ۱۰ ـ ۱۰	پوند
استاد بنای اعظم پیشین	۰ ـ ۵ ـ ۵	پوند
قائم‌مقام استاد بنای اعظم	۰ ـ ۵ ـ ۵	پوند
معاون استاد بنای اعظم	۰ ـ ۵ ـ ۵	پوند
سرپرست اعظم اول	۰ ـ ۳ ـ ۳	پوند
سرپرست اعظم دوم	۰ ـ ۳ ـ ۳	پوند
استاد اعظم ایالتی یاناحیه‌ای	۰ ـ ۳ ـ ۳	پوند
استاداعظم‌ایالتی یاناحیه‌ای‌پیشین	۰ ـ ۲ ـ ۲	پوند
وکیل استاد اعظم ناحیه‌ای	۰ ـ ۳ ـ ۳	پوند

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

خزانه‌دار اعظم	۰ ـ ۲ ـ ۲	پوند
امین خیریه اعظم	۰ ـ ۲ ـ ۲	پوند
خطیب اعظم اول	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
خطیب اعظم دوم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
راهنمای اعظم دوم	۰ ـ ۲ ـ ۲	پوند
رئیس اعظم تشریفات	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
کتابدار اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
مهندس اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
زیوردار اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
کتاب‌بر اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
شاعر اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
شمشیردار اعظم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
رئیس اعظم موسیقی	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
معاون اعظم رئیس تشریفات	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
مدیر اعظم انتظامات	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
بیرق‌دار اعظم اول	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
بیرق‌دار اعظم دوم	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند
نگهبان اعظم داخلی	۰ ـ ۱ ـ ۱	پوند

رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که بعنوان کارپرداز اعظم می‌پردازد) ۶ـ۱۰ـ۰ پوند.

(ماده ۲۸) نایب رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که به‌عنوان کارپرداز اعظم می‌پردازد) ۶ ـ ۱۰ ـ ۰ پوند.

(ماده ۲۷) هر کارپرداز اعظم ۶ ـ ۱۲ ـ ۱ پوند.

بند ۲۳ (ماده ۱۲۱) سایر مبالغ

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مبالغی‌که به موجب این ماده دریافت می‌شود یا بعداً دریافت شود باید بـه حساب صندوق های خیریـه لژ اعظم به تناسبی برده شود کـه کمیتهٔ امور مالی (بعد از توجه به گزارش کمیتهٔ هیئت‌های خیریه وخانه‌های ماسونی) هرچندوقت یکبار تعیین نماید و به تصویب کمیتهٔ اعظم رسیده باشد .

«قسمت دوم»

مبالغی‌که به‌لژهای اعظم‌ایالتی یاناحیه‌ای‌پرداخت می‌شود به‌منطقه‌مرکزی باید پرداخت شود .

الف ـ مبالغی‌که به لژهای اعظم‌ایالتی وناحیه‌ای باید پرداخت‌شود وشامل لژ اعظم منطقه مرکزی نیز خواهد بود

بند ۱ ـ از طرف لژهای تابع (ماده ۱٤۰) برای‌کارهای لازم .

۱ ـ حداقل مبلغ سالیانه ۰ ـ ۰ ـ ۱ پوند .

۲ ـ بابت هرتازه وارد یا هرالحاق ۰ ـ ٥ ـ ۰ پوند.

۳ برای صندوق خیریه . به مناسبت هـر تازه وارد یا هر الحاق حداکثر مبلغ ۰ ـ ٥ ـ ۰ پوند

ب ـ مبالغی‌که به لژ اعظم ایالتی و ناحیه‌ای فقط (که‌شامل لژاعظم منطقه مرکزی نباشد) باید پرداخت شود .

بند ۲ (ماده ۱٤۱) بابت‌حقوق‌عضویت(که‌سالیانه‌پرداخت می‌شود) هرمبلغی که ازطرف لژ اعظم‌ایالتی یا ناحیه‌ای تهیه شده باشد .

بند۳ـ (ماده۱٤۱) بابت‌حقوق‌تخفیف یافته(که اختیاری است مبلغ حداقل) ده‌برابر حقوق سالیانه که باید درصندوق جداگانه نگاهداری شود و بیشتر از ده درصد از مبلغ اضافه‌شده به این صندوق را در هرسال نمی‌توان‌برای‌منظورداشتن به حساب حق عضویت سالیانه برداشت نمود .

بند ٤ (ماده۱٤۱) بابت‌حقوق افتخاری. هرمبلغ‌که ازطرف لژاعظم ایالتی یاناحیه‌ای تعیین شده باشد .

بند ۵ (ماده ۱۳۱) بابت اوراق چاپی. نصف حقوق تعیین شده در بند ۱۹ از قسمت اول از این فهرست .

ج ـ مبالغی که به لژاعظم ناحیه‌ای منحصراً پرداخت می‌شود (که شامل لژاعظم ایالتی یا لژاعظم منطقهٔ مرکزی نخواهد بود)

بند۶ (ماده۱۴۲) ازطرف لژهای تابع . بابت حقوق سالیانه هرعضو و بابت حقوق تخفیف یافته مربوط به هرعضو و بابت حق‌اعطای معافیت‌ها و بابت‌تجدید‌نظر درآئین‌نامه‌های داخلی و سایر اقدامات اداری (کلا به‌هرمبلغ‌که ازطرف لژ اعظم ناحیه‌ای تعیین‌گردد)

« قسمت سوم »

مبالغی‌که باید به لژتابع پرداخت شود

(بند۱ ماده ۱۸۳) حق‌ورود‌ـحداقل۰ ـ ۷ ـ ۷ پوند

بند ۲ (ماده ۱۸۳) حق‌الحاق ـ حداقل ۰ ـ ۳ ـ ۳ پوند

بند ۳ (ماده ۱۶۰) مارك

الف ـ حداقل ۶ ـ ۱۰ ـ ۰ پوند و (که‌آئین‌نامه داخلی‌کمتر از آن تعیین نخواهدکرد) یا .

ب ـ برای ثبت نام ودیپلم (اگر تعیین نشده باشد) ۰ ـ ۵ ـ ۰ پوند .

بند۴ (ماده۱۸۷) حق عضویت سالیانه حداقل ۰ ـ ۱۰ ـ ۰ پوند .

بند۵ (ماده۱۸۸) صندوق تخفیف‌یافته‌که(اختیاری است)که حداقل ده‌برابر مبلغ عضویت سالیانه‌که باید درصندوق مخصوص ریخته‌شود و بیشتر ازده‌درصداز مبلغی‌که در هرسال مالی به این عنوان اخذ می‌گردد نباید جهت اضافه‌کردن به وجوه حقوق عضویت سالیانه اعضاء درهمان سال برداشت‌گردد .

بند۶ (مواد۱۸۷و۱۸۹)صندوق وجوه خیریه . مبلغی‌که کمتر ازیك‌شلینگ نخواهد بود از هر حق عضویت سالیانه وبهمین تناسب از آن مبلغ‌کـه درهر سال

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از وجوه حقوق عضویت سالیانه برداشت شده است .

بند۷ (ماده۸۷) معافیت اخذشده از استاد بنای اعظم . حقوقی که باید به لژ اعظم پرداخت شود در بند ۱۶ از قسمت اول ازاین فهرست تعیین گردیده است.

بند۸ (ماده۱۶۱) سایر مبالغ .

بهر نحوی که در آئین نامه داخلی تعیین شده باشد .

بند۹ (ماده ۱۵۶) **الف** ـ بابت حقوق مربوط بـه تجدید عضویت حداقل ۰ ـ ۲ ـ ۲ پوند

بند ۱۰ (ماده ۱۴۷) بابت حق مؤسس حداقل ۰ ـ ۰ ـ ۳ پوند .

فهرست دوم ـ آئین نامه عمومی

«مقدمه»

از لحاظ ماده ۱۶۱ قانون اساسی لژ اعظم آئین نامه و مقرراتی که یك لژ تابع مکلف به رعایت آن می باشد تشکیل می شود از قوانین مربوط به لژ اعظم ـ آئین نامهٔ عمومی مربوط به کلیهٔ لژها که ذیلا درج می گردد وهمچنین آئین نامهٔ داخلی آن لژ.

قسمت اول «جلسات»

جلسه فوق العاده وجلسه خاص ـ دعوت جلسه فوق العاده برای اعطاء درجات یا مارك ممکن است در هرموقع ازسال ازطرف استاد ارجمند ودرغیاب او ازطرف استاد ارجمند قبلی یا قائم مقام استاد ارجمند و یا معاون او بعمل آید . دعوت برای تشکیل یك جلسه خاص ممکن است برای هرمنظور دیگر به ترتیب مذکور درفوق ویا براثر درخواست هفت نفر ازاعضاء واجد شرایط کـه درخواست خود را امضاء کرده وموضوع تشکیل جلسه را در درخواست تعیین نموده و بـرای دبیر ارسال داشته باشند نیز بعمل آید ودراین صورت دبیر لژ باید فوراً درخواست مزبور را به اطلاع استاد ارجمند برساند. دعوت برای تشکیل یك جلسهٔ خاص به وسیلهٔ بخشنامه یا اعلانی که حاوی موضوع مخصوص کارجلسه باشد بعمل می آید ودرچنین جلسه ای کاردیگری نمی توان انجام داد.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

قسمت دوم «افسران»

۱ـ توصیه‌ای که از طرف کمیته برای انتخاب افسران بعمل می‌آید لطمه‌ای به‌حق اعضاء لژ نسبت به نامزد کردن هر برادر جهت هر سمت افسری وارد نخواهد بود. هیچ برادری را نمی‌توان درغیاب او برای سمت افسری نامزد نمود. مگر اینکه رضایت او قبلا کسب و بوسیله برادر واجد شرایط دیگری شهادت داده شده یا ضمانت شده باشد.

۲ ـ در انتخاب افسران لژ یا اعضاء کمیته‌ها برای منظورهای ماسونی رأی ممکن است با مهره یا با بلند کردن دست به هر نحو که لژ تصمیم گرفته باشد اخذ گردد.

۳ـ پستهای افسری که خالی می‌شود. درصورتیکه استاد ارجمند فوت کند، استعفا دهد یا سلب صلاحیت او بشود انجام وظائف سمت او درعهده استاد ارجمند قبلی خواهد بود ودر صورتی که هر یك از اتفاقات فوق برای یکی دیگر از افسران انتخابی لژ پیش آمد کند لژ درجلسه عادی بعدی یا هر جلسه عادی لاحق می‌تواند برادر دیگری را برای تصدی سمت پست خالی شده (تا موقع انتخابات سال بعد) انتخاب نماید مشروط براینکه موضوع قبلا به‌کلیه برادران واجد شرایط اطلاع داده شده باشد.

۴ـ غیبت افسران ـ به‌استثنای استاد ارجمند هر افسر دیگری که سه جلسه عادی متوالی غیبت کند باید از طرف دبیر باو اخطار شود و چنانچه دلیل قانع کننده‌ای جهت غیبت خود به لژ ارائه ندهد لژ می‌تواند آن پست افسر را خالی شده اعلام و برادر دیگری را به نحو مقرر در بند ۳ بالا بجای او انتخاب نماید.

۵ـ استاد ارجمند ـ استاد ارجمند رئیس کلیه جلسات لژ و کمیته‌های آن خواهد بود ودر هر امری که بین اعضاء اختلاف شود رئیس می‌تواند رأی خود را به‌نفع هر طرف که بخواهد اعلام نماید ودرصورت تساوی آراء نظر طرفی که رأی رئیس در آن واقع است قاطع خواهد بود.

در غیبت استاد ارجمند کرسی ریاست به‌ترتیب مقرر درماده ۱۷۴ از قوانین

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

اساسی اشغال خواهد شد وبهمین ترتیب درجلسات کمیته‌ها نیز رفتار می‌شود به‌جز درکمیته‌های خاص که برادر دیگری جهت ریاست آن (در غیاب استاد ارجمند) تعیین شده باشد .

۶ــ دبیرــ دبیر وظیفه دارد دعوتنامه جلسات لژ وکمیته‌های آن را صادر نمایدــ درتمام جلسات حضور پیداکند ــ کلیه جریانات رابطور منظم ومشخص ثبت نموده و در دفتر صورت جلسات وارد نماید و صورت جلسات را به لژ اعظم ایالتی و یا ناحیه‌ای ارسال دارد .

دبیرضبط‌کننده تمام دفاترو اسناد و مدارکی‌که به‌لژ تعلق دارد می‌باشد به استثنای فرمان لژ که مراقبت نسبت به‌آن درعهده استاد ارجمند خواهد بود و همچنین به‌استثنای وجوه دفاترواوراق مربوط به خزانه‌داری‌که به‌عهده خزانه‌دار بوده و دبیر باید صورت موجودی وسیاهه آنها را داشته باشد .

۷ــ خزانه‌دارــ خزانه‌دار وظیفه داردکلیه وجوه متعلق به‌لژ را وصول نمود وضبط و ربط نماید .

دفاترخزانه داری به‌خزانه‌دار تحویل شده واو باید حساب کلیه عملیاتی‌که نسبت به زجوه لژ انجام می‌دهد در آن دفاتر بطور صحیح ثبت و نگاهداری‌نماید. خزانه‌دار باید یك حساب بانکی برای هر یك از صندوقهای لژ نگاهداری کندکه استفاده از این حساب‌ها به امضای استاد ارجمند و دبیر وخزانه‌دار یا به‌امضای دو نفر از سه نفر مزبور خواهد بود و خزانه‌دار در صورتی‌که حضور داشته‌باشد باید یکی از آن دو نفر باشد وظهرنویسی اوراق بهادار ازطرف لژنیزدرمواقع ضرورت به همین طریق انجام خواهدشد. خزانه‌دار نمی‌تواند هیچگاه بیش‌از هم ارز پنج لیره انگلیسی از وجوه لژ را درنزد خود نگاهدارد. خزانه‌دار باید تمام حقوق‌لژ اعظم و لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای را ولو اینکه لژ یا هریك ازکمیته‌ها خلاف‌آن را دستور دهند پرداخت نماید و همچنین باید تمام مطالبات اشخاص را بعد از آن که مورد تصویب لژ واقع و به پاراف استاد ارجمند یا برادر دیگری که در غیاب

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

استاد ارجمند ریاست لژ را عهده‌دار است رسیده باشد بپردازد. کمیته می‌تواند در هر موقع از خزانه‌دار بخواهد که حساب عملیات خود را بدهد و خزانه دار باید در آخر هر سال مالی حسابهای خود را بسته و خلاصه صورت درآمد و هزینه‌را توأم با بیلان لژ تهیه و در اختیار ممیزین حساب گذارد.

پس از آنکه صورت حساب و بیلان توسط ممیزین حساب گواهی شده و یا مورد امعان‌نظر واقع‌گردید‌باید به چاپ رسیده ودراختیار‌کلیه اعضاء واجدشرایط لژ (به ترتیب مقرر درآئین‌نامه داخلی) قرارگیرد.

مقررات مذکور دراین‌بند عیناً‌شامل امین‌خیریه یا خزانه‌دار وجوه خیریه نسبت به وجوهی‌که در اختیار او گذاشته شده باشد نیز خواهد بود.

قسمت سوم «کمیته‌ها»

۱ ـ کمیته عمومی ـ در جلسه انتخابات سالیانه هر لژ یك کمیته عمومی برای اداره امور لژانتخاب می‌گردد و مرکب از افسران‌یا اعضائی‌از آن لژخواهد بود که در آئین‌نامه داخلی تعیین شده باشد. این‌کمیته‌می‌تواند اختیار خودرا به سوکمیسیون‌هائی‌که از اعضاء آن تشکیل یافته باشد واگذار نماید. انتخاب اعضاء این کمیته باید درهمان جلسه تکمیل‌گردد و قابل تعویق نخواهد بود.

۲ ـ کمیته‌های خاص ـ لژمی‌تواند گاه‌بگاه و به موجب ضرورت کمیته‌های مخصوصی تعیین و منصوب نماید.

۳ ـ درکمیته عمومی‌وکمیته تحقیق حدنصاب ازطرف لژتعیین خواهدشد.

٤ ـ گزارش اقدامات و تصمیمات کمیته ها باید در جلسه عادی بعدی لژ به اطلاع‌برادران رسد و مورد تصویب اعضاء کمیته که حضور دارند واقع گردد.

قسمت‌چهارم «ترتیب‌کارها»

۱ـ در هرجلسه عادی‌لژکه شامل‌جلسه انتخابات سالیانه نیز می‌باشد صورت جلسات قبلی اعم ازعادی‌ـ فوق‌العاده وخاص‌که‌تشکیل یافته‌باشد باید قرائت شود

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وپس ازتائید از طرف لژ باید توسط برادری‌که ریاست را عهده‌داراست وهمچنین از طرف دبیر امضاء گردد. سپس گزارش کمیته‌ها مطرح و بعداً سایر کارهائی که در دستور جلسه قرارداده شده به ترتیبی که در دعوت‌نامه ذکرگردیده و بااینکه مجاز باشد انجام خواهد یافت.

۲ـ برادری‌که بخواهد درلژ صحبت‌کند باید بپاخیزد ودرتمام مدت صحبت خود ایستاده بماند و استاد ارجمند یا برادری را که ریاست می‌کند مخاطب قرار داده نظم وآداب حسن سلوك را رعایت نماید. هیچ برادری بیش از یکبار نسبت به‌یك موضوع نباید صحبت کند مگربرای توضیح یا جواب و یا برای تقدیم یك پیشنهاد آنهم با اجازه برادری‌که‌کرسی ریاست راعهده‌دار است.

۳ـ نسبت به‌تمام موضوعاتی‌که‌مطرح‌می‌شود نظراکثریت‌اعضاء حاضرو‌واجد شرایط که رأی دهند قاطع خواهد بود و دادن رأی بوسیله بلندکردن دست انجام می‌شود مگراینکه بنا به‌تصمیم لژ رأی بامهره اخذ گردد.

اخذ تصمیم نسبت به‌وجوه لژ و تغییر آئین‌نامهٔ داخلی ازاین قاعده مستثنی بوده و به‌نحو مقرر نسبت به‌آنها اخذرأی بعمل خواهدآمد.

۴ـ تمام‌کارها در درجه یك انجام خواهد شد به‌استثنای انتخاب افسران و اعضای کمیته‌هائی که صرفاً برای منظورهای ماسونی تعیین می‌گردند.

۵ـ استاد ارجمند یا برادر دیگری که وظیفه ریاست را عهده‌دار است به‌ترتیب انجام سایرکارهاکه دراین آئین‌نامه ترتیب‌آنها ذکرنشده است تصمیم می‌گیرد ولی اختیار اخذ تصمیم نسبت به تفسیر یك ماده قانون اساسی یا یك ماده از آئین‌نامه داخلی را نداشته و یا یك موضوع را درجلسه مطرح نماید.

قسمت پنجم«دارائی وصندوقهای‌وجوه»

۱ـ تمام اموال لژ اعظم از منقول و غیر منقول با هرمشخصاتی که باشد به استثنای وجوهی که در بانك گذاشته شده در اختیار افسران و اعضائی گذاشته می‌شود که هرچند وقت یکبار از طرف لژ تعیین شوند (یا در اختیار

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

جانشین‌های آنها) . این اشخاص امانت‌دار تلقی شده و لژ همواره می‌تواند کار آنها را مورد کنترل ورسیدگی قرار دهد . امانت‌داران مزبور باید اموال و دارائی لژ را در مقابل آتش سوزی یا سرقت به هر مبلغ که لازم تشخیص دهند بیمه نمایند.

۲ـ وجوه صندوقهای عمومی لژ به مصرف هزینه‌های لازم لژ و تهیه و نگاهداری البسه و زیور آلات لژ خواهد رسید .

۳ ـ پیشنهاد واگذاری قسمتی از دارائی یا وجوه لژ برای یك منظور فوق العاده وغیرعادی داده نمی‌شود مگر اینکه اطلاعیه‌ای مربوط به چنین پیشنهاد درجلسه‌ای که لااقل یك ماه قبل تشکیل گردیده است علناً وکتباً به لژ داده شده باشد. رونوشت این پیشنهاد باید در دعوتنامه جلسه‌ای که موضوع جهت اخذ تصمیم در آن طرح خواهد شد قید گردد وچنانچه جلسه بوسیله اعلان در روزنامه دعوت شود باید بطور روشن نسبت به آن در اعلان اشاره شود . چنین پیشنهادی باید لااقل از طرف ثلث اعضاء واجد شرایط تصویب گردد تا بتوان آن را پذیرفته شده تلقی نمود .

۴ـ پیشنهادی که ماهیت آن یکبار در لژ مطرح و مورد تصمیم قرار گرفته است نباید مجدداً تقدیم یا مورد بحث قرار گیرد مگر بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ مزبور .

قسمت ششم «حق عضویت سالیانه»

هر برادری که حق عضویت سالیانه خود را پرداخت نکرده باشد حق دریافت دعوت‌نامه مربوط به تشکیل جلسات را نخواهد داشت .

قسمت هفتم «پذیرش اعضاء»

۱ ـ هیچ تقاضاکننده عضویت را که در نتیجهٔ اخذ رأی به وسیلهٔ مهره پذیرفته نشود نمی‌توان قبل از انقضاء مدت یك سال از تاریخ اخذ رأی مزبور مجدداً پیشنهاد نمود .

اعضاء و برادران مهمان از سعی درکشف اینکه کدام برادر با پذیرش تقاضای

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

عضویت مخالفت کرده است ممنوع می‌باشد.

۲ ـ برادران لژهای دیگر را که به سبب ابراز لیاقت در بنائی آزاد مشخص شده‌اند می‌توان بنا به پیشنهاد استاد ارجمند و تصویب هر جلسه عادی بعضویت افتخاری لژ پذیرفت. اعضای افتخاری دارای تمام مزایای اعضاء عادی به استثناء افسر شدن وشرکت درمذاکره و دادن رأی (درکارهای لژ) می‌باشند.

۳ ـ یك لژ تابع می‌تواند تحت شرایط زیر بهریك از اعضاء خود عنوان «عضو خدمتگذار مشخص» را اعطا نماید.

این افتخار فقط به برادری اعطاء می‌شود که مدت مدیدی خدمت مشخصی را نسبت به لژ انجام داده باشد چنین برادری درعین حال که تمام حقوق ومزایای عضو عادی را خواهد داشت ممکن است برحسب تصمیم لژ از پرداخت حق عضویت سالیانه درآینده معاف گردد. این پیشنهاد باید در لژ دائر ازطرف استاد ارجمند بعمل آید وقبول شدن آن موکول به این است که لااقل دوسوم ازاعضاء واجد شرایط ورأی دهنده که حاضر باشند درجلسهٔ عادی بعدی که دعوت نامهٔ آن حاوی اطلاعیهٔ مربوط به این پیشنهاد خواهد بود رأی موافق بدهند. چنین پیشنهادی را به لژ نمی‌توان کرد مگر بعد از آنکه ازطرف لژ اعظم ایالتی یاناحیه‌ای یا ازطرف بازرس اعظم ناحیه‌ای یا از طرف رئیس کمیتهٔ اعظم ناحیهٔ مرکزی ویا (درصورتی که لژ مستقیماً تحت نظارت لژ اعظم اداره می‌شود) از طرف استاد بنای اعظم تصویب شده باشد و چنین افتخاری را قبل از تصویب مزبور نمی‌توان اعطاء نمود.

قسمت هشتم «رفتار درلژ»

۱ ـ به محض اینکه استاد ارجمند برادران را به نظام فرا خواند سکوت فوری ومطلق برقرار خواهد شد.

هر برادر باید درجای خود ثابت بماند به‌استثنای آن عده از افسران لژ که وظیفهٔ آنها انجام حرکت را ایجاب نماید. هیچ برادر نمی‌تواند داخل لژ شده ویا

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

از آن‌خارج‌شود مگراینکه احترام لازم‌را نسبت به کرسی و استاد ارجمند معمول دارد .

۲ ـ چنانچه برادری به نحوی رفتار نمایدکه مزاحم هماهنگی لژ گردد و بعد از اخطار استاد ارجمند یا برادر ریاست کننده نیز در رویهٔ نامطلوب خود سماجت نماید رئیس جلسه می‌تواند به‌او امردهدکه از لژ خارج شود واین‌امربه باید فوراً به موقع اجراگذاشته شود .

قسمت نهم «مهمانان»

هیچ برادری را نمی‌توان بعنوان مهمان درلژ داخل نمود مگر اینکه قبلا توسط یك استاد بنای شناخته شده به یکی از افسران لژ معرفی وتضمین شده‌باشد و اینکه دیپلم صادره به نام او و از طرف لژ اعظم وبا مدارك‌کتبی دیگری که به امضای دبیر یا خزانه‌دار لژ او رسیده و حاکی از عضویت او در آن لژ باشد ارائه داده و توسط دونفر از برادرانی‌که از طرف استاد ارجمند (یابرادر دیگری کـه ریاست لژ را عهده داراست) تعیین شده باشند مورد امتحان قرار گـرفته وگزارش موافق داده وپذیرش او را توصیه‌نموده باشند .

قسمت دهم «اصلاح یاتغییریکی ازمواد آئین‌نامه داخلی»

پیشنهاد اضافه‌کردن هرمادهٔ جدید به آئین‌نامهٔ مزبور مورد توجه لژ قرار نخواهدگرفت، مگراینکه لااقل یکماه قبل ازآن پیشنهاد در جلسهٔ عادی لـژ قرائت و رونوشت‌آن به ضمیمهٔ دعوت‌نامه جلسه‌ای‌که باید در آن طـرح گـردد بخشنامه شده باشد و یا در اعلان دعوت جلسه مزبور اشارهٔ روشنی نسبت به آن بعمل‌آمده باشد . چنین پیشنهادی چنانچه به تصویب لااقل دوثلث از اعضاء واجد شرایط ورأی دهنده‌حاضر برسد بعداز تأیید لژاعظم ایالتی یاناحیه‌ای (درصورت

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

وجود) و پس از تأیید کمیتهٔ اعظم کاملاً قوت قانونی یافته و به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

قسمت یازدهم «کلی»

هر موضوعی که در آئین‌نامهٔ داخلی یا آئین‌نامه‌های مخصوص لژ (در حدود قوانین اساسی) تکلیف آن معین نشده باشد باید قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلند نسبت به آن موضوع مراعات گردد.

پایان جلد سوم

۱ـ از سیاستمدار آزاده (بسیار ارجمند)ی که قانون اساسی اسکاتلند را در اختیار ما گذاشت صمیمانه تشکر می‌کنیم.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

ضمیمه دوم

فهرست منابع و مآخذ

۱ ـ کتاب‌ها

آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی ـ بقلم مرتضی مدرسی چهاردهی. سال ۱۳۲۷ شمسی ـ ۲۲۰ صفحه.

اسرار سازمان مخفی یهود ـ ژرژ لامبان ـ ترجمه مصطفی فرهنگ ـ ۱۵۰ صفحه.

اسرار فراموشخانه‌ها یا انجمنهای مخفی کنونی در اروپا و امریکا ـ البرلانتون ـ ترجمه دکتر جعفر شاهید ـ ۷۲ صفحه ـ از انتشارات روزنامه جوانمردان.

انقلاب ایران ـ پرفسور ادوارد براون ـ ترجمه و حواشی احمد پژوه ـ ۴۹۶ صفحه.

الماسونیته العام ـ منذ نشاتها الی هذا الیوم ـ جرجی زیدان ـ ترجمه حسن فرامرزی (برای نگارنده کتاب).

اقتصاد اجتماعی یا حقوق صنعتی و قوانین کار ـ دکتر شیدفر.

انقلاب مشروطیت ایران ـ دکتر مهدی ملکزاده ـ هفت جلد ـ ناشر کتابفروشی ابن سینا.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آئین فراماسونری – منظومه خطی ادیب الممالک فراهانی در ۵۰۰ بیت و ۹۳ صفحه – این آئین‌نامه با حواشی و زیرنویس‌های آن که تا کنون منتشر نشده است، به خط و امضاء و مهر ادیب‌الممالک می‌باشد و مالک آن مرحوم اشراق‌محضر‌دار بوده که موقتاً به طباطبائی قاضی عدلیه داده و او آن را به هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع واگذار کرده است. میکروفیلم این منظومه در اختیار ما می‌باشد.

بیداری ایرانیان – ناظم‌الاسلام‌کرمانی – چاپ سنگی در هفتاد و یک جزوه دو ورقی که هر جزوه شامل ۱۶ صفحه می‌باشد.

تحفة‌العالم – عبداللطیف بن‌ابیطالب موسوی شوشتری جزایری چاپ حیدرآباد هندوستان جمادی‌الاولی ۱۲۱۶ – اکتبر ۱۸۰۱ – ۳۸۸ صفحه.

تاریخ تحولات اجتماعی – مرتضی راوندی ازسلسله انتشارات حزب توده ۳۸۰ صفحه.

جمعیتهای سری از قدیم تا عصرجدید – تألیف و تلخیص مرتاض‌زاده پنجابی – ۶۱ صفحه – چهار گفتار و نقل قسمتی از مقاله سالنامه‌کشوری ایران – چاپ تهران از نشریات لژ همایون – ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ – چاپخانه فردوسی.

جمعیتهای سری و جنبشهای تخریبی – استادمحمدعبداله عنان– ترجمه هاشمی‌حائری مدیرروزنامه طلوع–این‌کتاب ابتدابصورت‌پاورقی درروزنامه طلوع چاپ شده، سپس در ۲۶۶ صفحه در چاپخانه تابش تجدید چاپ و بوسیله کتابخانه ابن‌سینا، پخش و منتشر شده است.

چهاررساله پرنس‌ملکم‌خان – چاپ تهران – ۱۰صفر ۱۳۲۶ – ۱۹۰۸ ناشر عبدالله تهرانی مشهور به کاوه.

حوادث – دکتر محمدحسین میمندی نژاد – ۱۲۲ صفحه – رایگان.

حکومت‌خانواده‌ها – ابوالفضل قاسمی – چاپ گیلان – ۲۱۹ صفحه.

در راه حق – دکترمحمدحسین‌میمندی‌نژاد– چاپ‌اول ۸۲صفحه– رایگان توزیع شده.

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

دیوان ادیب‌الممالک فراهانی قائم مقامی – تدوین و حواشی وحید دستگردی مدیر ارمغان – آبان ۱۳۱۲ در ۷۵۶ صفحه اصل و ٤٥ صفحه ضمیمه و متفرقه.

روابط سیاسی ایران و انگلیس درقرن نوزدهم – تألیف شادروان محمود محمود – مجلدات پنجم و هفتم.

روسیاهان – چاپ اول ۱٥٤ صفحه – رایگان توزیع شده.

رهبران مشروطه ایران – جلد اول – ابراهیم صفائی – سال ۱۳٤۳.

زمامداران انگلستان – لردکهن – ارنست کلام – ترجمه اسماعیل نشاط – ۱۰۱ صفحه.

زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی – مرتضی مدرسی چهاردهی – ۲۱۱ صفحه.

سرگذشت مسعودی – بقلم سلطان‌مسعودمیرزا ظل‌السلطان – ۳٦۸ صفحه چاپ سنگی – سال ۱۳۲٥ هجری.

سفرنامه میرزا حسین خان‌آجودانباشی – معروف به (سفرنامه چهارفصل) نوشته عبدالفتاح گرمرودی–سفر نامه شامل جزئیات‌مسافرت‌هجده‌ماهه آجودانباشی است که در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۲٥٥ هجری – ۱۲ ژوئن ۱۷۳۹ آغازشده. نسخه‌کپیه شده بفرمایش میرزا محمود خان پهلوی – گنجینه‌کتب خطی مجلس شورابملی.

ایضاً– شرح مأموریت‌آجودانباشی – تألیف محمد مشیری – ٥۱۷ صفحه – تحقیقات عالمانه‌ای که مؤلف درباره سفرنامه آجودانباشی بعمل آورده در خور ستایش‌فراوان است. متأسفانه پس از خاتمه چاپ‌جلد اول کتاب حاضر، این اثر نفیس انتشار یافت و ما نتوانستیم از آن استفاده کنیم.

سفرنامه رضاقلی میرزا یا تاریخ قاجاریهـ نوشته رضاقلی‌میرزا پسرزاده فتحعلیشاه.

یك نسخه‌از این سفرنامه‌خطی در کتابخانه‌ملك بشماره ۳۷٤۸ نگهداری می‌شود. نسخه مزبور بنام «تاریخ قاجاریه» ثبت شده و در ۷۲۱ صفحه می‌باشد. نسخه مزبور که اسم‌کاتب ندارد درسال ۱۳۲۲ قمری نوشته شده و نویسنده در آخر یادداشتهاکه ناتمام است چنین نوشته است :

«مخفی نماناد که مرحوم رضاقلی میرزا نایب الایاله ولد مرحوم حسنعلی میرزا فرمانفرمای مملکت فارس ولد مرحمت پناه فتحعلیشاه قاجار موفق نشده که زیاده از این روزنامه نگاری کند یا آنکه از اصل نسخه افتاده در هرحال این نسخه از روی نسخهٔ که بخط میرزا مصطفی ابن مرحمت پناه حاجی میرزا محمد رضای حکیم‌الهی شیرازی بوده نقل شد و آن مرحوم چنانکه خود نوشته ازروی نسخهٔ که بخط نایب‌الایاله مرحوم بوده در ۲۸ شهر رجب‌الرجب سنه ۱۳۱۱ هزار و سیصد ویازده هجری به اتمام رسانیده و نسخه منقول عنها بیش از این نداشته و استنساخ این نسخه که ازروی‌خط مرحوم‌میرزا مصطفی استخراج‌شده‌تاریخ‌تحریر آن در روز بیست وچهارم شهر صفرالمظفر سنه هزار وسیصد وبیست دو می‌باشد الحق عجیب سفرنامه‌ای‌است‌که باعث عبرت وموجب حیرت است ان‌فی‌ذلك لعبره فاعتبرو یا اولابصار»

صد مکتوب میرزاآقاخان کرمانی - کتابخانه ملی‌پاریس- خطی- بقطع ۲۱×۳۳ سانتیمتر - در روی این نامه ها که جمعاً ۱۰۸ صفحه اصلی وچهارصفحه ضمیمه‌است، این جمله باخط نستعلیق نوشته شده «سلامت الانسان فی‌حفظ‌البیان» رونویس کننده نامه‌ها که خود را معرفی نکرده در حاشیه صفحه اول قول داده ، جواب‌نامه‌های میرزاآقاخان را بدهد. ولی در مجموعه‌کتابخانه ملی پاریس‌اثری از جواب دیده نمی‌شود .

صد مکتوب میرزاآقاخان - رونویس‌شده عباس اقبال - از مجموعه‌کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه

صدمکتوب - رونویس شده به وسیله پدر جلال آل‌احمد نویسنده معاصر. نسخه مذکور که‌بنظر می‌رسد کامل‌ترین نسخ باشد دراختیار آقای آل‌احمد می‌باشد.

سیزده رساله خطی میرزا ملکم خان ناظم الدوله - مجموعه کتابخانه ملك - شماره ۳۱۱۶

- **سیاستگران دوره قاجار** - جلد اول - سید احمد خان ملك ساسانی - ۳۴۳ صفحه.

صرف و نحو خط میخی آریائی و جغرافیائی هند - نصیرالدین میرزا فرصت حسینی شیرازی چاپخانه ناصری بمبئی - ربیع الاول ۱۳۲۲ - بخش دوم فرامین.

فراموشخانه - آنتونی‌کوئن - ترجمه همایون‌فربود - ناشر کانون معرفت ۵۶ صفحه.

فراموشخانه - رساله خطی - اثر میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله. از این‌رساله:

۱ - به خط علی منشی تبریزی که از روی نسخه اصلی میرزا محمدحسین نایب اول و منشی سفارت اطریش رونویس شده. کتابخانه مرکزی دانشگاه شماره ۳۲۵۷

۲ - کتابخانه ملی ملك شماره ۳۱۱۶ - بدون نام رونویس کننده. در پایان این رساله، جوابی که به میرزا ملکم‌خان در باره فراماسونری داده شده است بسیار جالب می‌باشد.

مجموعه آثار میرزا ملکم خان - تدوین و تنظیم و تألیف سید محمد محیط طباطبائی - با مقدمه و حواشی جامع - این اثر گرانبها نخستین‌بار در زبان فارسی درباره فراموشخانه ملکم و فعالیت های سیاسی و اجتماعی او نوشته شده است - ۲۱۷ صفحه با ۱۹ صفحه ملحقات - سال ۱۳۲۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

مجموعهٔ اسناد و مدارك چاپ نشده درباره سید جمال‌الدین مشهور به افغانی - اصغر مهدوی - ایرج افشار - ۱۶۵ صفحه از انتشارات دانشگاه تهران.

مردان‌خود ساخته - از انتشارات فرانکلین.

مردان نامی شرق - غلامحسین نراقی فرخزاد - جلد اول - ۳۵۵صفحه - سال ۱۳۰۸ شمسی.

نامه های سیاسی سفیر بریتانیا یا پایه سیاست انگلستان در ایران - ترجمه احمد توکلی - ۵۳ صفحه.

نفت و بحرین یا عباس اسکندری درخدمت مجلس پانزدهم - ۴۷۹صفحه سال ۱۳۳۱

نیمه راه بهشت - سعید نفیسی - ۲۸۹ صفحه - سال ۱۳۳۲

یادگار جشن پنجاهمین سال انجمن اخوت - (۱۳۱۷ - ۱۳۶۷) - ۸۳ صفحه - سال ۱۳۲۷

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

۲ ـ جراید و مجلات

آخر الساعه ـ مجله ـ شماره ۱۱۶۳ـ سال ۱۹۵۷

آسیای جوان ـ مجله ـ ۲٤ خرداد ۱۳۳۵

اتحاد ملی ـ روزنامهٔ هفتگی ـ شماره ۳۰۸ ـ سال ۱۳۳۳

اطلاعات ـ روزنامه ـ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳٤

اطلاعات هفتگی ـ مجله ـ شماره ۸۰٦ ـ ۲٦ بهمن ۱۳۳۵

ایران ما ـ روزنامهٔ هفتگی ـ از شماره ۲۷۳ تا ۲۷۷ ـ سال ۱۳۳۵

این هفته ـ مجلهٔ هفتگی ـ از شماره ۵ تا ۱۰

بامشاد ـ مجلهٔ هفتگی ـ ۱۲ شهریور ۱۳٤۰

پیک ایران ـ روزنامهٔ هفتگی ـ شماره ٦۵

تهران مصورـ مجلهٔ هفتگی ـ شماره‌های ٦۱۱ ـ ٦٤۰ ـ ۱۷ آذر ۱۳۳٤
وشماره‌های ۷۰٦ ـ ۹٦۲ـ ۱۰۳۱

جهان ـ روزنامه هفتگی شماره ۱۰۸٦

خواندنیها ـ مجله ـ ۲ اردیبهشت ۱۳۳ـ ۲٦ خرداد ۱۳۳٤ـ ٤آذر۱۳٤۰
شماره ۱۹ تا ۳٤

خوشه ـ مجله ـ شماره‌های ٦۳ تا٦۹ ـ سال ۱۳۳٤

دنیا ـ سالنامه ـ سال۱۳۳٦ـ صفحه ۹۹

فرمان ـ روزنامه ـ ازشماره ۷۰ تا ۷٤

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کاوه ـ مجله ـ دوره قدیم وجدید

لایف ـ مجلهٔ امریکائی ـ ۸ اکتبر ۱۹٦۵

نشریه وزارت امور خارجه ـ ۵ اسفند ۱۳۲۸ ـ جلد اول.

واهمه ـ شماره ۱۳۲ـ اردیبهشت ۱۳۳٤

یادگار ـ مجله ـ سال اول شمارههای۳و۵

یغما ـ مجله ـ سال دوم شمارههای ۱۰ـ۱۱ـ۱۲ ـ سال ۱۳۲۸

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

FARAMUSHKANAH va FRAMASUNARI dar IRAN

MASONIC LODGES and FREEMASONRY in IRAN

by
ESMAIL RAEIN

First published in Italy 1968
Reprinted in Iran 1967-1968
First published in Great Britain 1978

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

کاوه ـ مجله ـ دوره قدیم وجدید

لایف ـ مجلهٔ امریکائی ـ ۸ اکتبر ۱۹۶۵

نشریه وزارت امور خارجه ـ ۵ اسفند ۱۳۲۸ ـ جلد اول.

واهمه ـ شماره ۱۳۲ـ اردیبهشت ۱۳۳٤

یادگار ـ مجله ـ سال اول شماره‌های۳و۵

یغما ـ مجله ـ سال دوم شماره‌های ۱۰ـ۱۱ـ۱۲ ـ سال ۱۳۲۸

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

آثار نگارندهٔ این کتاب

از مجموعه اسناد و مدارک سیاسی و تاریخی :

۱ـ **درکرانه‌های کارون وشط‌العرب واسناد تاریخی وحاکمیت ایران** چاپ‌اول پاورقی روزنامهٔ کیهان ازشماره ۲۰۸۶ به‌بعد ـ چاپ‌دوم ۲۵۱ صفحه‌سال ۱۳۳۰

۲ـ **من از بحرین می‌آیم ـ یا اسناد حقانیت ایران** ـ روزنامهٔ ایران ـ سال ۱۳۲۷

۳ـ **پسران صولت قشقایی** ـ ۲۱۸ صفحه ـ سال ۱۳۳۳ ـ چاپخانه تهران‌مصور.

۴ـ **مورگان شوستر واختناق ایران** ـ ۷۱ صفحه‌سال ۱۳۴۵ ـ چاپخانه کاویان

۵ـ **مقدمه براختناق ایران** ـ از انتشارات بنگاه صفی علیشاه

۶ـ **دلالان بین‌المللی نفت** ـ سال ۱۳۴۵ مجله تهران مصور

۷ـ **انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران** ـ ۲۰۸ صفحه‌سال ۱۳۴۶ چاپخانه تهران مصور.

۸ـ **حقوق بگیران انگلیس درایران** ـ ۴۷۷ صفحه‌سال ۱۳۴۷ ـ چاپخانه‌داورپناه

۹ـ **سفرنامه میرزا صالح شیرازی** ـ از انتشارات روزن ـ ۴۵۰ صفحه ـ سال ۱۳۴۷ چاپخانهٔ داورپناه .

۱۰ـ **میرزا صالح شیرازی** ـ ۴۰ صفحه ـ سال ۱۳۴۶

۱۱ـ **نخستین چاپخانه درایران** ـ سال ۱۳۴۷ ـ یازدهمین نشریه روزنامهٔ ارمنی آلیک.

از مجموعهٔ داستان‌ها :

۱۲ـ **جاسوس** ـ جنگ های پارتیزانی عشایر و مردم آذربایجان و زنجان

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

سال ۱۳٤٤ـ درمجله تهران مصور.

۱۳ـ **مأمور مخصوص هیتلر**ـعملیات‌حزب‌کبود ـ سرگرد شولتسه‌ـمایرـ مولر ـ کرومر ـ آلفونس جاسوسان هیتلر در سال ۱۳۲۰ در ایران از : ششم اردیبهشت ۱۳٤۷ بدبعد در مجله تهران‌مصور.

در زیر چاپ :

۱٤ـ **اسناد و نامه‌های سیاسی میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و شرح‌حال وی.**

۱۵ـ **ایرانیان ارمنی**

آماده برای چاپ :

۱٦ـ حزب‌کمونیست درایران از ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۰ شمسی

۱۷ـ هجوم امریکا به ایران ۱۸۵٦ـ ۱۹٦۸

۱۸ـ قطع رابطه ایران و انگلیس

ننگ و نفرین بر آن ایرانی که دست بیگانه ای ببوسد

نام: اسماعیل

نام خانوادگی: رائین

سال تولد: ۱۲۹۸ ه.ش

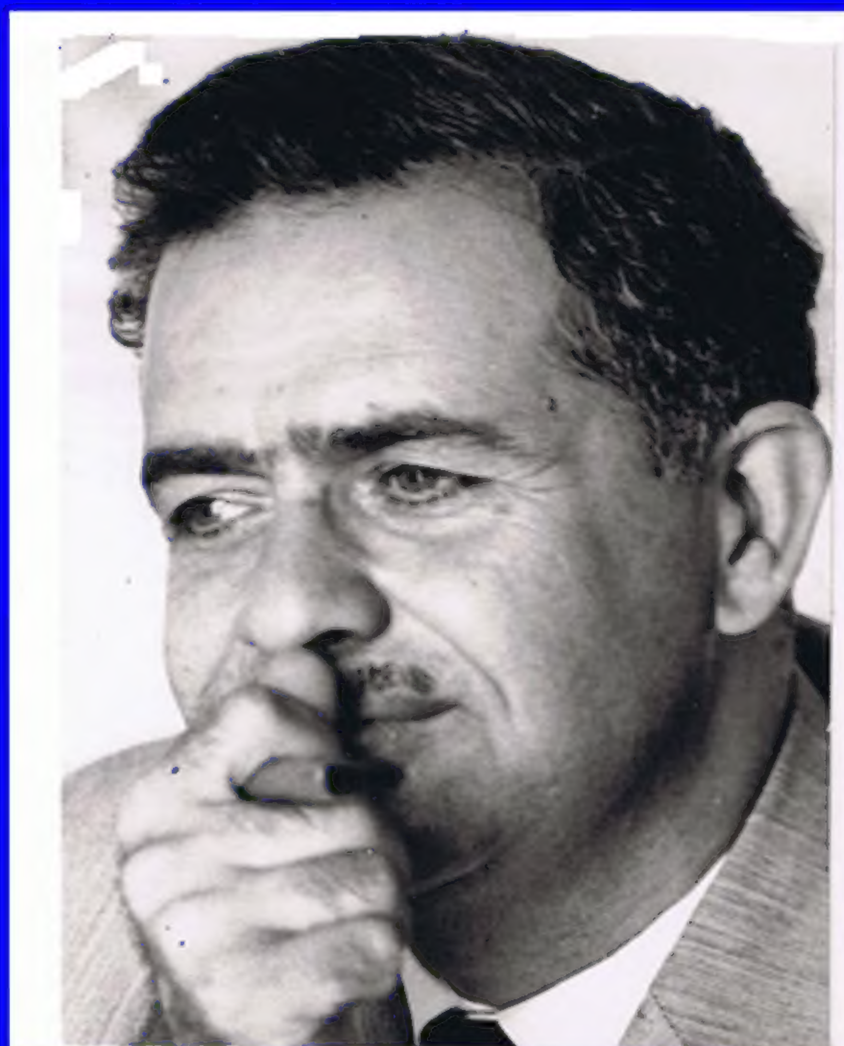
محل تولد: بوشهر

اسماعیل رائین فرزند غلامحسین رائین معروف به " غلامحسین پیانو" در سال ۱۲۹۸ ه.ش در بوشهر متولد شد.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بوشهر و در دبیرستان سعادت گذرانید. لیسانس روزنامه نگاری را از دانشگاه تهران اخذ نمود.در مدرسه ی پست در رشته رادیو و بیسیم تحصیل کرد. وی همچنین دارای مدرک مکاتبه ای مخابرات از آمریکا بود. رائین کارهای مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۸ شروع کرد. از سال ۱۳۲۰ به طور تمام وقت به کار مطبوعات پرداخت.او با مطالعه بسیار و سفر به کشورهای مختلف از جمله انگلستان و ارائه مدارک فراوان توانست کتب تحقیقی ارزنده ای را به چاپ برساند. آثار او رابه بیش از از دویست کتاب و رساله شمارش می کنند و تا کنون ۵۰ جلد کتاب چاپ نشده از او موجود است.

او در کتاب "دریانوردی ایرانیان" ثابت کرده است بر خلاف گفته اروپاییان، ایرانیان نه تنها اهل دریانوردی بوده اند بلکه از قدیم ترین دوره های تاریخی با دریا و دریانوردی سر و کار داشته اند و ناوگان های دریایی ایران در اعصار مختلف تاریخ در دریاهای جهان در تردد بوده اند.

وی از اعضای پایه‌گذار اتحادیه‌ی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره ریاست هیئت مدیره و عضویت در هیئت‌های اجرایی این اتحادیه را به عهده داشت. اسماعیل رائین گاهی مطالب خود را در روزنامه‌ها و مجله‌ها با نام مستعار «بهمن» امضا می‌کرد

اسماعیل رائین



نویسنده ،
روزنامه نگار
و کاوشگر
سیاسی ایران

فرزند شایسته ایران از بوشهر

اسماعیل رائین در سال ۱۳۵۸.


ظاهرا در پی مشاجره ی لفظی بر

" سر تالیف کتابهایش در انتشارات امیر کبیر"

تهران بر اثر حمله ی قلبی درگذشت. و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد. از وی آثار چاپ نشده متعددی باقی مانده که در اختیار خانواده اش می باشد. دفتر تحقیقات " رائین" در خیابان مفتح (روزولت) تهران که از سال ۱۳۴۶ تاسیس شده بود، پس از درگذشت او تعطیل شد.

مهمترین آثار وی عبارتند از:

فراموشخانه و فراماسونري در ایران در پنج جلد

تاریخچه حزب کومونیست در ایران در هشت جلد

من از بحرین آمده‌ام یا اسناد حقانیت ایران

(بخش بزرگی ازاقوام و فامیل زنده یاد اسماعیل رائین در بحرین زندگی میکنند)

دریانوردی ایرانیان در دو جلد

اختناق ایران

حقوق بگیران انگلیس در ایران

میرزا ابوالحسن خان ایلچي

رقابت روسیه و غرب در ایران

انجمنهاي سري انقلاب مشروطيت

ميرزا ملكم خان زندگي و كوششهاي سياسي او

اسرار خانه سدان

در کرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی و حاکمیت ایران

پسران شوکت قشقایی

مقدمه‌ای بر اختناق ایران

دلالان بین‌المللی نفت

سفرنامه میرزا صالح شیرازی

میرزا صالح شیرازی

نخستین چاپخانه در ایران

ایرانیان ارمنی ۱

یپرم خان سردار-

قطع رابطه ایران و انگلیس

بمب‌سازان گرجی و قفقازی در انقلاب‌های ایران

روزنامه و روزنامه نگاری در ایران

هجوم آمریکا به ایران ۱۹۶۸-۱۸۵۶

و ...